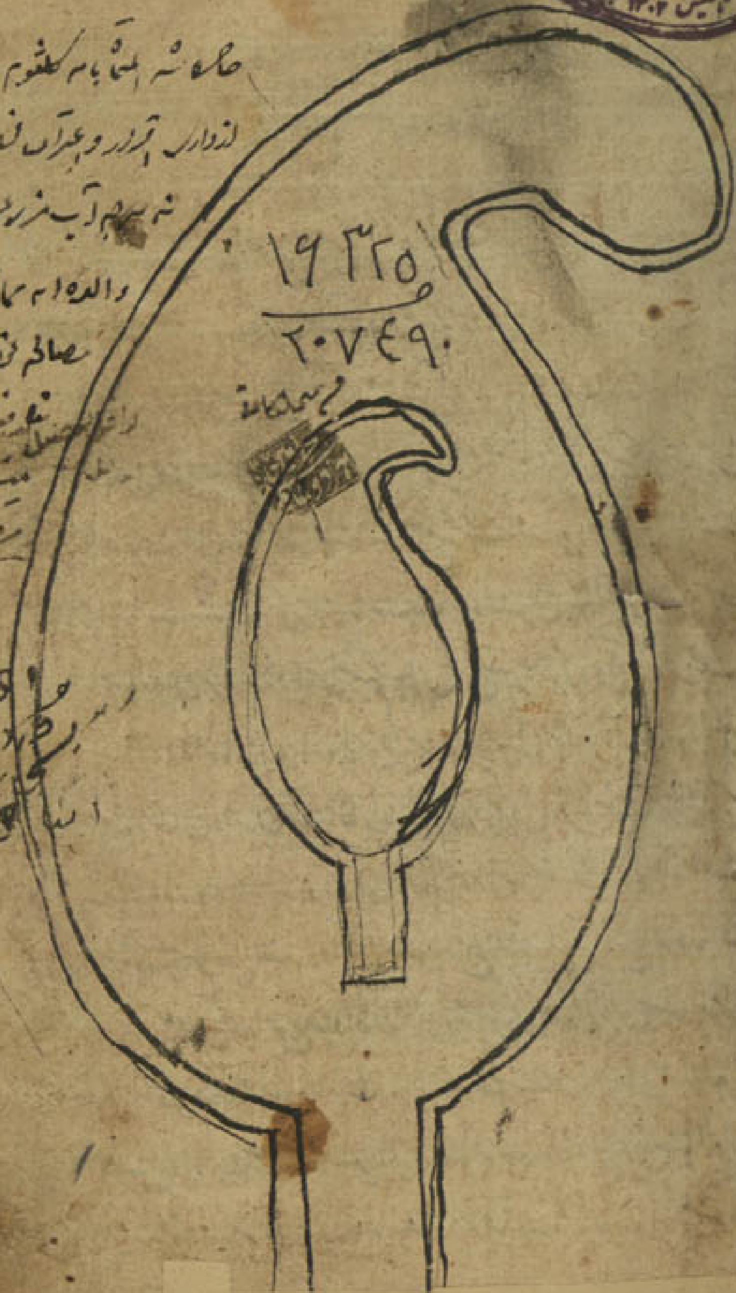
حاله شه [illegible] بابه [illegible]
لذوارب [illegible] و [illegible] آب [illegible]
[illegible] آب [illegible]
والده [illegible]
صالح [illegible]
[illegible]
[illegible]
صالح صالح



[illegible]

هو العلی

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

حمد بی حد و ثنای بی عد کریمی را سزد که در گلستان عالم امکان از رشحات سحاب امتنان ینابیع
فیض وجود و جداول رحمت وجود بهر جانب روان ساخت و بر گلبن ضمیر گلبنهای رنگین انواع
لالهای نعم بپرداخت و فریضه طاعت و عطیه محبت سید انبیا و مرسلین و آل و عترت طاهرین
او را نضارت این گلشن برای زینت پیرایه طراوت این جنت النعیم بهجت انتما گردانید و
مشام جان هر جاندار و بیجان را شمیم نسیم این گلشن تسنیم معطر کرد و آوازه این نغمت بی اندازه
را در پرده نغمهای تازه بتازه بگوش دل هر دلدار و بیدل رسانید و تخم مودت این بهتران
هر دو جهان و مهتران نشأ امکان را در زمین هر دل هر زمین کشت تا هر گل و خار هستی و
هر ذره و ذروه عالم بلندی و پستی از جان آلوده دل و جان شیفته مهر و فریفته لطف ایشان
گشت علیهم افضل الصلوة و اکمل السلام ما تبلج النهار بالنور و تبجج النهار بالظلام
اما بعد چنین گوید احوج عباد الله الی فضل ربه حسن بن عبد الرزاق جعلهما الله من التوابین
والمتطهرین و جعلهما من عباده الصالحین که این مجموعه ایست موسوم بجمال الصالحین در بیان
فضایل و آداب اعمال و محاسن اخلاق و افعال که مؤمنان را در اکثر اوقات و احوال مراعات
آن باید نمود و از مواظبت آن غافل نباید بود بتوفیق الله تعالی و عونه نوشته میشود برای جمعی

از مؤمنان

از مؤمنان که زبان عربی ندانند و استنباط آثار از کتب اخبار نتوانند تا ان شاء الله از فضایل آن
محروم نمانند و همه آنها از اصول احادیث و اخبار و کتب آداب و آثار اهل بیت اطهار صلوات الله
علیهم اجمعین صلوات باقیات الی یوم الدین انتخاب میشود و بجهة آنکه مؤنة بسیاری فواید بهم نرسد
تطویل کلام بزواید اعتبار نشود در اکثر مواضع تصریح بلفظ حدیث و روایت با مثال آن
ننموده اکتفا بترجمه آن میشود و این مطالب ان شاء الله در مقدمه و دوازده باب و خاتمه
بیان میشود و تفصیل آن بدین نحو است **مقدمه** در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسرار
چند بر سبیل اجمال که باعث رغبت بطاعات و فضایل اعمال و موجب کراهت معاصی و رذایل
افعال گردد **باب اول** در فضایل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات و رذایل معاصی
و مناهی و دوای ذنوب و سیئات و این مجموع ان شاء الله در چهارده فصل بیان میشود
فصل اول در فضایل عقل و علم **فصل دوم** در صفات مؤمن بر سبیل اجمال **فصل سوم**
در مکارم اخلاق و صفات **فصل چهارم** در بر والدین **فصل پنجم** در صله رحم **فصل ششم**
در حق جوار **فصل هفتم** در الفت و محبت و زیارت مؤمنان **فصل هشتم** در آداب ملاقات
و مجالست **فصل نهم** در سکوت و کلام **فصل دهم** در اکرام و توقیر مؤمن **فصل یازدهم**
در سرور مؤمنان و فضایل حاجت ایشان **فصل دوازدهم** در رذایل معاصی بر سبیل اجمال
فصل سیزدهم در رذایل بعضی معاصی و مناهی بر سبیل تفصیل **فصل چهاردهم** در دوای معاصی
و سیئات **باب دوم** در تنظیف بدن و جامه از کثافات و اخباث ظاهری و
تطهیر جسد و دل از کدورات و احداث باطنی و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان میشود
فصل اول در فضیلت نظافت **فصل دوم** در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا باید

بجای آوردن فصل سیوم در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن و آداب آن فصل چهارم
در فضایل خضاب و آنچه متعلق است بآن از آداب فصل پنجم در فضایل موی شانه کردن
و آداب آن فصل ششم در فضایل سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب آن فصل هفتم
در فضایل حجامت و آداب آن فصل هشتم در فضایل مسواک کردن و آداب آن فصل نهم
در فضایل وضو و غسل و آداب آن فصل دهم در فضایل بوی خوش و آداب استعمال آن
باب سیوم در فضایل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه بساعتها و فضایل
قرآن و بمجموع انشاء الله در پانزده فصل بیان شود فصل اول در فضایل نمازهای
فریضه یومیه و فضایل این سنت سنتیه فصل دوم در ذکر نوافل یومیه و فضایل این سنت
سنتیه فصل سیوم در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام متعلق بآن فصل چهارم
در فضایل مسجد و آداب آن فصل پنجم در کیفیت توجه نماز و فضایل اذان و اقامت
و احکام متعلق بآن فصل ششم در کیفیت اشتغال نماز و آداب آن فصل هفتم
در اشاره باسرار مقدمات و اعمال نماز و ذکر بقیه آداب و افعال آن فصل هشتم در فضایل
تعقیب و کیفیت فصل نهم در فضایل اذکار ساعتها شبانه روز و اوراد صبح و شام
و ذکر فضایل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوصه آن در میان لیالی و ایام فصل دهم
در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل و بیان و ذکر آداب و ادعیه متعلق بآن فصل یازدهم
در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد فصل دوازدهم در آداب حاجت
فصل سیزدهم در احکام سهو و شک و عروض بعضی حوادث در نماز فصل چهاردهم
در ذکر بعضی دیگر از نمازهای مفروضه و مندوبه فصل پانزدهم در فضایل قرآن و آداب

تلاوت قرآن باب چهارم در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلق بآنها و بمجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل ذکر فصل دوم در فضایل بعضی اذکار مخصوصه
فصل سیوم در فضل ذکر اهل بیت و صلوات بر ایشان و بعضی امور مناسب آن صلوات الله
علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن فصل پنجم در اسباب
اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن فصل ششم در ذکر جمعی که دعاشان مستجاب شود
و جمعی که دعاشان مستجاب نشود فصل هفتم در فضایل دعا برای مومنان فصل هشتم
در ذکر بعضی ادعیه وسایل حاجات فصل نهم در تعویذ و حرز از مخاوف و مکاره فصل دهم
در بعضی ادعیه متبرکه ماثوره باب پنجم در آداب عادات و مجاری احوال و سایر جزئیات
و سوانح افعال و بمجموع انشاء الله در دوازده فصل بیان شود فصل اول در انواع
لباس و آداب پوشیدن آن فصل دوم در قدر طعام خوردن و آداب متعلق بآن
فصل سیوم در اوقات طعام خوردن و آداب متعلق بآن فصل چهارم در
فضایل بعضی انواع ماکولات فصل پنجم در فضایل آب و آنچه متعلق است بآن
از آداب فصل ششم در فضایل ضیافت کردن و احکام متعلق بآن فصل
هفتم در آداب مسکن و احکام متعلق بآن فصل هشتم در وظایف شب و آداب
خواب و بیداری فصل نهم در آداب بیرون رفتن از خانه و راه رفتن و سوار
شدن و فضایل دواب و حقوق ایشان فصل دهم در فضایل و آداب معاشرت
و معاملات فصل یازدهم در فضایل مرض و عیادت مریض و معالجات امراض
فصل دوازدهم در سایر جزئیات عادات باب ششم در حقوق اموال و تجارات

احوال عیال و بالجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در جود و بخل فصل دوم
در فضایل زکوة و عقوبت منع آن فصل سوم در صله اهل بیت طاهرین و ذریت طیبین
و اتباع ایشان از مؤمنین سلام الله علیهم اجمعین فصل چهارم در فضایل معروف و احسان
فصل پنجم در فضایل صدقه فصل ششم در مذمت سؤال و ردّ سایل فصل هفتم در رعایت
حال عیال فصل هشتم در احسان مؤمن باطعام و جامه فصل نهم در فضایل قرض و اداء احکام
متعلق بآن فصل دهم در سایر وجوه خیر و بر باب هفتم در فضایل روزه و احکام
متعلق بآن از آداب و فضل اعتکاف و متعلقات آن از آداب و ثواب و بالجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل مطلق روزه فصل دوم در فضایل روزه
روزه ماه رجب فصل سوم در فضایل روزه ماه شعبان فصل چهارم در فضایل
روزه ماه مبارک رمضان فصل پنجم در آداب صایم فصل ششم در سحور فصل هفتم در
افطار فصل هشتم در تفطیر صایم فصل نهم در فضل افطار کردن برای سرور مؤمن
فصل دهم در اعتکاف باب هشتم در اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام و مقصود
ازین باب در دوازده فصل انشاء الله بیان شود فصل اول در اعمال روز نوروز و
فضایل آن فصل دوم در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی ندارد فصل سوم در
اعمال ماه محرم الحرام فصل چهارم در اعمال ماه صفر فصل پنجم در اعمال ماه ربیع الاول
فصل ششم در اعمال ماه رجب المرجب فصل هفتم در اعمال ماه شعبان المعظم
فصل هشتم در اعمال ماه مبارک رمضان فصل نهم در اعمال شبانه روز عید
فطر فصل دهم در اعمال شهر ذی القعدة الحرام فصل یازدهم در اعمال شهر ذی الحجه

الحرام

الحرام فصل دوازدهم در ذکر حدیثی در فضایل اعمال شهور و اعوام و لیالی و ایام بر سبیل
اجمال باب نهم در تزویج و احکام متعلق بآن و بالجموع ازین باب انشاء الله
در دوازده فصل بیان شود فصل اول در فضایل تزویج و کراهت عزوبت
فصل دوم در فضایل متعه و سریه فصل سوم در اختیار زوجه و صفات زنان
فصل چهارم در اوقات تزویج و آداب آن فصل پنجم در آداب زفاف فصل
ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن فصل هفتم در طلب فرزند
فصل هشتم در فضایل حمل و ولادت و احکام متعلق بآن فصل نهم در آداب تولد
طفل و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه کردن فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان
فصل یازدهم در حقوق زوجین بر یکدیگر فصل دوازدهم در بعضی نوادر مناسب این
باب باب دهم در آداب سفر و احکام متعلق بآن و بالجموع انشاء الله در ده
فصل بیان شود فصل اول در بعضی مقدمات سفر فصل دوم در اختیار ساعات
برای سفر فصل سوم در تحصیل رفیق و تهیه اسباب سفر و بعضی مناسبات این باب
فصل چهارم در افتتاح سفر بدعا و صدقه فصل پنجم در وداع و مفارقت
فصل ششم در آداب سوار شدن و راه رفتن فصل هفتم در آداب متعلق
بمنزل فصل هشتم در آداب سفر دریا فصل نهم در مکارم اخلاق و آداب رفاقت
در سفر فصل دهم در رجوع از سفر باب یازدهم در فضایل حج و عمره و زیارات
و مقصود ازین باب انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل حج و عمره
فصل دوم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فصل سوم در زیارت

سایر اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین بر سبیل اجمال **فصل چهارم** در زیارت حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه **فصل پنجم** در زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه
فصل ششم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام **فصل هفتم** در آداب و کیفیت زیارت
اهل بیت طاهرین علیهم السلام **فصل هشتم** در نیابت و شراکت در حج و عمره و زیارت
فصل نهم در فضایل اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است **فصل دهم** در فضایل
زیارت ذریت طیبین و صلحای مؤمنین **باب دوازدهم** در احکام متعلق باموات
و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و آن مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل
اول** در وصیت و صحیفه شهادت **فصل دوم** در آداب حالت احتضار و فضایل بعضی
اوقات که و احوال که وفات در آن اتفاق افتد **فصل سوم** در تجهیز میت **فصل
چهارم** در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع آن **فصل پنجم** در نماز
میت **فصل ششم** در مکان قبر و آداب دفن **فصل هفتم** در ثواب و آداب مصیبت
و عزا **فصل هشتم** در ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم **فصل نهم** در هدیه برای میت
و اعمالی که باو نفع رساند **فصل دهم** در زیارت قبور **خاتمه** در مواعظ و نصایح
و فواید متفرقه **مقدمه** در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسرار چند بر سبیل اجمال
که باعث رغبت بطاعت و فضایل اعمال و موجب کراهت معاصی و رذایل افعال گردد
بدانکه در احادیث اهل بیت طاهرین علیهم السلام ثابت و محقق گشته که خدای عز و جل
ایمان را بر اعضای انسان قسمت نموده و بهر عضوی جزوی از آن احسان فرموده مثلا
بر دل واجب گردانیده یقین کردن و اعتقاد نمودن بانکه خدا تعالی منزه است از آنکه

او را شریکی و نظیر و شبیه و وزیر باشد یا احدی را در مملکت و سلطنت او دخلی و تصرفی
و تدبیری و تکلفی تواند بود بی اراده او و مقدس از آنست که عیب و عار و قصور و انکسار
بجناب جلال او گذار تواند نمود و غنی‌تر از آنکه احتیاج و افتقار بمعاونت اغیار پیرامون
عظمت و جبروت او گردد و رفیع‌تر از آنکه مکان و زمان و حرکت و انتقال و تغییر احوال
نزدیک ساحت کبریای او شود و قوی‌تر از آنکه ظلم و زور و عجز و فتور بجوار قدرت او از دور
توهم عبور نماید و اعتقاد نمودن بانکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم نبیین و سید
مرسلین و افضل اولین و آخرین است و هر چه گفته از حلال و حرام و مدایح و مذام همه از
جانب خدای گفته و همه حق و صدق است و بانکه اهل بیت طاهرین او علیهم السلام اوصیای او
و خلفای خدای و اعلام رشاد و ائمه هدایند و بعد از و افضل جمیع اهل عالم و اشرف
کافه نوع بنی آدمند و ایشان وسیله فیض و رحمت و واسطه فضل و نعمت خداوندند در
دنیا و آخرت و هر کس انکار ایشان کرده و غصب حق ایشان نموده و هر کس اعانت
آن کرده و راضی بان بوده کافر و ملعون و منافق و مطعون است و واجب است
بغض او و برائت از او و نیز بر دل واجب گردانیده راضی بودن و تسلیم نمودن بهر چه
خدا تعالی و پیغمبر و خلفای او صلی الله علیهم گفته و کرده و خواسته اند و بر زبان واجب گردانیده
اقرار کردن و اعتراف نمودن بهر چه دل بان اعتقاد کرده و همچنین بر چشم و گوش و دست
و پا و هر یکی از اعضا عبادتی و طاعتی واجب کرده و هر یک را خدمتی فرموده و بر هر یک از
٥ اعضا امری چند حرام کرده و از آن نهی فرموده که مجمل تفصیل آنها انشاء الله در تضاعیف
این مجموعه بیان شود و نیز اخبار بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده که صفات چند را

علامات اسلام و ایمان و صفات ذمیمه را بعضی علامت نفاق و بعضی علامت کفر و
بعضی علامت ضلال شمرده اند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که ایمان سه قسم است
تام و ناقص و زاید ایمان تام آنست که از جمیع محرمات و معاصی اجتناب نماید و جمیع
فرایض و واجبات را بعمل آورد بحیثیتی که هیچ معصیتی صادر نشود و هیچ فریضه ترک
نکرده و ایمان ناقص آنکه بعضی معاصی ازو صادر آید و بعضی از واجبات ترک شود و بقدر آنکه
واجبات کمتر و معاصی بیشتر باشد نقصان ایمان بیشتر بود و ایمان زاید آنکه زیاده بر واجبات مستحبات
و مندوبات نیز صادر شود و زیاده بر محرمات مکروهات و مذمومات نیز صادر نشود و
هر قدر مستحبات بیشتر و مکروهات کمتر ایمان زیادتر باشد و هم از ایشان صلوات الله علیهم مرویست
که چون کسی مرتکب معصیتی شود یا ترک فریضه نماید و آن را حلال نداند از ایمان بیرون رود و
اسم مومن بر و صادق نباشد اما از اسلام بیرون نرود و اگر حلال نیز داند از اسلام بیرون رود
و کافر باشد و هم از ایشان علیهم السلام اخبار بسیار آمده که اگر کسی ترک فریضه کند که در آن
لذتی و شهوتی نبود مانند ترک نماز کافر شود زیرا که سبب ترک در این صورت بغیر استخفاف
و بی حرمتی آن فریضه چیزی دیگر نباشد و هر کس استخفاف بفریضه نماید کافر باشد و از امام
همام محمد بن علی الباقر علیهم السلام مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را که دعوی
تشیع ما میکند و تشیع را بر خود می بندد همینکه بگوید من دوست دار اهل بیتم والله که شیعه ما
نیست مگر کسی که از معصیت خدا پرهیز کند و اطاعت خدا کند و ایشان را نتوان شناخت
مگر بتواضع و خشوع و امانت و ذکر خدای عز و جل و بیاد داشتن خدای در مجاری احوال
و سوانح اعمال و نماز گزارند و روزه گیرند و اطاعت والدین نمایند و رضای ایشان جویند

وتعهد

و تعهد احوال همسایگان و فقرا و مساکین و اهل قرض داران و ایتام نمایند و اعانت ایشان
کنند و دین ایشان ادا نمایند و حاجت ایشان برآرند و راستگوی باشند و تلاوت
قرآن نمایند و زبان از مردمان باز دارند مگر بخیر و امین قبیله خود باشند پس جابر گفت
یا بن رسول الله باین صفات کسی که میفرمایی در این روزگار نمی شناسم پس آنحضرت صلعم
فرمود ای جابر خیالهای بیفایده مکن و راههای بی منفعت مرو آیا بس است همینکه کسی گوید
که علی را دوست میدارم و تولا باو مینمایم و حال آنکه اطاعت او نکند و فرمان او نبرد پس اگر
گوید رسول الله را دوست میدارم و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بهتر از علی بود و
پیروی او نکند و طریقه او نپیماید و عمل بسنت او ننماید محبت او آنکس را هیچ سود ندهد پس
از خدای بپرهیزید و اطاعت خدای نمائید تا بکرامت فضل و ثواب او فایز شوید میان خدا
و هیچ از بندگان نسبت خویشی و قرابتی نیست که اعتماد بران کنند و توسل بآن جویند دوست ترین
مردمان نزد خدای آنانند که پرهیزکارتر باشند و عمل بطاعت او بیشتر نمایند ای جابر والله
که نزدیکی بخدای حاصل نشود مگر بطاعت او برات کسی از آتش با ما نیست و کسی را بر خدای
حجتی نه هر کس مطیع خداست دوست ماست و هر کس عاصی خدا باشد دشمن ماست و هیچکس را بدوستی
ما دست رس نبود مگر بطاعت خدا و فرمانبری او و ورع از معصیت خدا و نافرمانی او و
از امام همام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام مرویست که فرمود ما اهل هر خیریم و فرع ما است
هر نیکویی و از انجمله است توحید خدای عز و جل و نماز و روزه و خشم فرو بردن و عفو نمودن
از کسی که بدی نسبت باو کرده باشد و ترحم بر فقرا و تعهد احوال همسایگان و اقرار نمودن
برای هر صاحب فضیلت و حقی بفضل او و دشمنان ما بند اصل هر شری و فرع ایشانست هر قبیحی 6

و از انجمله است دروغگوئی و بخیلی و سخن‌چینی و ارتکاب فواحش و معاصی ظاهر او پنهانی
و زنا و دزدی و هرچه مانند آن باشد از قبایح و مناهی پس کسی که دعوی محبت و ولایت ما
کند و متعلق بفروع اعدای ما باشد در دعوی خویش کاذب باشد پس از مجموع این احادیث و
اخبار و مانند و مانند این روایات بسیار که ذکر آن همه در حوصله این مقدمه نگنجد واضح و محقق
ظاهر و مبیّن است که هر کس بقدر آنکه ورع و طاعت و تقوی و طهارتش بیشتر باشد نسبتش
با اهل بیت طهارت و عصمت بیشتر و درجاتش با ایشان نزدیکتر بود و هر کس بقدر آنکه معصیت
و فجور و رذالت و شرورش بیشتر باشد از ایشان بیگانه‌تر و دورتر و به دشمنان ایشان مناسبتش
بیشتر و مرتبه‌اش نزدیکتر بود پس چون روز قیامت عدل الهی خیر و شر و خبیث و طیب را از یکدیگر
جدا کند و تمیز فرماید نعوذ بالله و بفضله اگر رحمت الهی و شفقت نامتناهی ملتفت ما و امثال ما را از احمرای
نماید هر فرعی باصل خود ملحق گردد و لا عصمة الا بالله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعن الله
اعداءهم اجمعین و جعلنا معهم و لا فرق بیننا و بینهم بفضله و منّه **باب اول** در فضایل عقل
و علم و مکارم اخلاق و این مجموع صفات و رذایل مناهی و مساوی و دوای ذنوب و سیئات
و بمجموع ان شاء الله در چهارده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل عقل و علم مرویست از
اهل بیت حکمت و نبوت صلوات الله علیهم که افضل عطایا و اشرف مواهب الهی عقل است
اگر عقل نبودی دین تمام نشدی و اوامر و نواهی که مدار ثواب و عقاب و فضایل و کمالات
و ارتفاع درجات در جنات عالیات و منازل سامی و مراتب گرامی و کرامات نامتناهی و قرب
و لقای جناب الهی است متحقق نگشتی جبرئیل برسالت عقل و دین و حیا از د حضرت آدم
آورده گفت هر کدام را خواهی اختیار کن عقل را اختیار کرد پس جبرئیل بدین و حیا گفت شما

براه خود بروید گفتند خدای تعالی ما را رخصت مفارقت عقل نداده هر جا عقل باشد ما ملازم باشیم و هر کسی را
عقل بیشتر مرتبه رفیعتر چون یک عمل مثل نماز و روزه و غیر آن چند کس کنند با آنکه عمل یکی است
فضل و ثواب بقدر تفاوت عقول متفاوت باشد عابدی مدتها در جزیره عبادت میکرد
فرشته را نظر بر او افتاد و از کثرت عبادت او تعجب نموده از جناب الهی خواست که منزلت
ثوابش را ببیند چون باو نمودند در برابر آن عبادت قلیل بنظرش آمد پس خطاب رسید که
نزول نموده عقلش را امتحان نمای پس نزد او آمده صحبت آغاز کرده گفت خوب جائی و خوش
مکانی داری عابد گفت بلی اما کاش خدا را الاغی بودی تا درین جزیره رعایت کردی
و آب و علف بآن لطافت ضایع نگشتی چون ملک این مکالمه دید از باب کنایه باو گفت
مگر خدا را الاغ نیست پس رجوع نموده خدای تعالی باو فرموده عقلش چون کمتر است آنقدری
نیست فرمود از آن عبادت نیز آنقدری بهره نیست و امثال این اخبار و احادیث
بسیار است و از حضرت امام علیه السلام پرسیدند که عقل کدام است فرمود آنکه در امور دین امین
و در کار عقبی بینا باشد و بآن اکتساب جنان و اجتناب از نیران حاصل شود گفتند پس
آنچه معویه داشت چه بود فرمود مکر و شیطنت بود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که
طلب علم فرض است بر هر مسلم و عالمی که مردم از علمش منتفع شوند بهتر است از هفتاد
هزار عابد و فضل عالم بر عابد مثل فضل ماه چهارده است بر سایر کواکب و روز قیامت
مداد علما را با دماء شهدا وزن کنند مداد علما راجح باشد و از حضرت امام جعفر بن محمد
الصادق علیه السلام مرویست که فرمود علمای شیعه ما مرابطند فی سبیل الله در سرحد
ابلیس و جنودش که ایشان را منع میکنند از آنکه بر شیعه ما خروج کنند و بر ایشان مسلط شوند

پس هر کس از شیعه ما که خود را نگاه دارد و دوستان ما را تعلیم علوم و آداب دین
کند و ارشاد و هدایت و موعظه و نصیحت و امر بمعروف و نهی از منکر نماید افضل است
از کسی که با روم و ترک هزار هزار بار جهاد کند چه او دفع اعدا از دین دوستان ما
میکند و این از بدن ایشان و چون کسی راهی است و علمی خیر تعلیم کسی کند اگر آن
در تمام عالم منتشر شود و همه خلایق تا روز قیامت بآن عمل کنند مثل ثواب همه ایشان
برای او ثبت کرده شود بی آنکه از ایشان چیزی کم شود و همچنین اگر راهی باطل و علمی شر تعلیم
کند و علم راهی است تا بهشت و مونس است در وحشت و مصاحب در غربت و
همنشین در وحدت و همزبان خلوت و زینت احبا و سلاح اعدا و نور چشم و قوت بدن
و جلوه دل و فکر در علم برابر است با صیام و مدارسه اش با قیام و تعلیمش صدقه است
و تعلمش حسنه و مذاکره اش تسبیح و عمل بمقتضایش جهاد اکبر و ملائکه با علما محبت نمایند
و برای ایشان دعا کنند خلایق همه برای ایشان استغفار کنند حتی ماهیان دریا
و سباع صحرا و خواب ایشان عبادت است و مطالعه علم افضل است از هفتاد ساله عبادت
و دو رکعت نماز عالم افضل است از هفتاد رکعت عابد بجماعت پیش او نشستن افضل
از هزار سال عبادت کردن و نظر بروی عالم افضل است از یکسال اعتکاف در مسجد الحرام
و زیارتش افضل است از هفتاد حج و عمره چون ساعتی کسی با علما نشیند درجه بر ایشان
بلند کنند و خدای تعالی بر او رحمت فرستد و بهشت واجب گرداند و چون کسی بطلب علم
رود راهی تا به بهشت برایش گشوده شود و ملائکه بال گشایند تا بر آن پا گذارد و اهل
آسمان و زمین حتی ماهی در دریا برایش استغفار کنند و اگر عالم یک ورق علم گذارد آن ورق

میان

میان او و آتش ده حجاب باشد و بعدد هر حرف از آن خدای تعالی در بهشت مدینه عطا کند
هفت مرتبه وسیعتر از تمام دنیا و چون عالمی بمیرد فرشتگان و بقاع زمین که در آن
عبادت میکرد و درهای آسمان که اعمالش بالا میرفت همه بر او بگریند و رخنه در دین پیدا
شود که هیچ چیز علاج آن نکند و علما را لوازم و حقوق علما چند است از آنجمله تقوی و ورع
و صلاح و طاعت و عمل کردن بمقتضای آن که علم بی عمل وزر و وبال است همچنانکه عمل بی علم
حیرت و ضلال عظیمترین حسرتها در روز قیامت حسرت عالمی است که دیگران بعلم او
عمل نموده و او خود محروم مانده باشد و هفتاد گناه از جاهل آمرزیده شود تا یک
گناه از عالم آمرزیده شود و از حضرت امام جعفر علیه السلام در تفسیر آیه فلله الحجة البالغة رسیده
فرمود روز قیامت خدای تعالی از بندگان سؤال کند که چرا حق میدانستید یا نه اگر گویند
میدانستیم گوید چرا عمل نکردید و اگر گویند نمیدانستیم گوید چرا تحصیل علم نکردید تا عمل کنید
پس ایشان را ملزم گرداند و از آنجمله خضوع و خشوع و خشیت و زهد در دنیا و رغبت باخرت
و حلم و وقار و کلام بحق و سکوت از باطل و تخلق بمکارم و تخلی از رذایل مرویست
که عالم آنست که فعلش تصدیق قولش کند و کسی که چنین نباشد عالم نباشد و از آنجمله است
سلامت نفس و تواضع هر چند علم بیشتر باشد و علامات در وی بیشتر حضرت عیسی علیه السلام روزی بحواریین
گفت مرا با شما حاجتی است گفتند یا روح الله حاجت باجابت مقرونست پس حواریین
پای ایشان را شست و بروایت دیگر بوسید گفتند یا روح الله اینکار بما انسب بود فرمود
سزاوارترین مردم بخدمت تو تواضع علما باشند و این نهایت مرتبه تواضع بود چنین
کردم تا بدانید که با مردم تا چه حد تواضع باید کرد و علما را حقوق چند نیز هست اما حق خدای تعالی

بر عالم آنکه هر چه نداند نگوید که اگر نادانسته گوید ملائکه رحمت و عذاب همه بر او لعنت کنند
و هر کس که بقولش عمل کند در وزرش شریک باشد و آنچه داند در مقام لایق و از اهل دریغ
ندارد و گرنه ظلم کرده باشد و چون کسی دوای جراحتی تواند و نکند چنانست که خود جراحت
کرده باشد و هر کس که نفسی را زنده کند چنانست که همه مردمان را زنده کرده باشد و زنده
کردن بعلم افضل است از هر زنده کردنی چه علم حیات دل و جان و بقای جاویدان در
جهان و رواج دین و قوت مؤمنین است و از غیر اهل پنهان دارد که هر کس حفظ سر از بیگانه قوت به
نکند مستحق حرمان زیادتی شود و موجب فساد عظیم و ضلالت ضعفا باشد و هر کس که نفسی را
بکشد چنانست که همه مردمان را کشته باشد و کشتن در ضلالت عظیمتر است از هر کشتنی
کسی از حضرت امام علیه السلام پرسید که روایتست که هر چه ندانیم سؤال کنیم فرمود بلی گفت بر شما
واجبست که هر چه سؤال کنیم جواب گوئید فرمود نه هر چه مصلحت دانیم گوئیم عالم مثل طبیب حاذق است
دوا را در موضع مناسب استعمال کند و از غیر آن نگاه دارد و حق عالم بر مردم آنکه چون کسی
در مجلسی که جمعی باشند داخل شود بر همه سلام کند و عالم را بزیادتی تحیت و اکرام اختصاص
دهد و برابر رویش نشیند که عالم محتاج بگردانیدن نشود و دامنش نگیرد و اشاره بجانبش
نکند و سؤال بسیار ننماید و خلاف قول او نگوید که فلان و فلان چنین گفته اند و مجملا از هر چه
خلاف ادب باشد احتراز کند و حق متعلم بر عالم آنکه با او مهربان باشد و هر چه مناسب او داند
از او دریغ ندارد و از حوایج و مسائلش اعراض نکند و در تعلیم میان تلامذه تفاوت نگذارد
و مجملا هر چه مقتضای شفقت باشد رعایت کند **فصل دوم** در صفات مؤمن بسبیل اجمال مروی است
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم که مؤمن کسی است که در دین خدا بینا و بر اسرار آن دانا باشد و در دین
صلابت

صلابت تر از کوه گران و در طاعت خدا سخت تر از سنگ و سندان بهم کوه را با تیشه توان شکافت
و دستی دین مؤمن نتوان یافت رویش شکفته و خندان و دلش محزون و گریان از خوف
محاسن اخلاق قبایح گریزان خاطرش منزه از حسد و کینه با خلق صاف دل همچو آینه نه عیب جوی
عیب جالش و نه غیبت گوی بی عار کمالش نه طالب شهرت و نام و نه خواهان حیث و نشان
زبان از فضول بسته و در غم خویش نشسته در نعمت شاکر و در مصیبت صابر نه نعمت او را
مورث فرح و غفلت و نه مصیبت باعث جزع و وحشت در فکر خود مغموم و بفقر خود
مسرور خلقش موافق و طبعش ملایم و وفایش ثابت و جفایش زایل نه در کلامش کذب را
گذری و نه از هتک عرض مردم اثری اگر بخشند غافل نشود و اگر برنجانند طیش نکند ضحکش
نحو تبسم و سؤالش برای تکلم کثیر العلم عظیم الحلم نه در کارها شتاب و استعجال و نه در مقام
حمق دلگیری و ملال علمش از حیف و میل مبرا و عملش از جهل و جور مبرا نفسش در دین سخت تر
از سنگ و معاملاتش شیرین تر از شهد نه در نعمت حریص و نه در فقر جزوع نه مدعی بلاف
و نه دعوی گزاف نه عهدش بانتکث قصور و نه شرطش را گرد فتور با مردم موصول و مهربان
و متحمل بکاره از ایشان رحمش کثیر و فضولش قلیل راضی بمقتضای خدا مخالف نفس و هوا
از غلظت و درشتی منزه و از خوض در مالایعنی مقدس ناصر دین و حامی مؤمنین و
پناه مسلمین نه مدح و ثنا را در نظرش قداری و نه از طمع دنیا دلش را افکاری نه لهو را در مجلسش
اثری و نه جاهلی را از علمش خبری قولش دلیل فعل و فعلش مصدق قولش علمش وافر و
دلش آگاه و چشمش بینا با مؤمنان وصول و با فقرا بذول نه در وصلش عنف و خلاف و نه
در بذلش بخل و اسراف نه معاملاتش را عیب غدر و عذر و نه مخالطاتش را ننگ حیله و مکر

نه پی عیوب مؤمنان و نه راضی بمضرت ایشان معین ضعفا و دستگیر درماندگان شیوه اش
وسعت خلق و پیشه اش سعی در حوایج خلق نه هتک ستر عیب فعالش و نه کشف سر قصور کارهاش
با انواع بلا مبتلا و زبان از شکایت در قفا حفظ عیب پیشه و ستر غیب اندیشه اش عذر خواهان را
عذر پذیر و از عفو و بخشش ناگزیر خیرخواهی مؤمنان کارش و بر اصلاح میان ایشان مدارش
با مردم خوش نگاه [?] و نیکو کردار ذکر ایشان این قوم و قبیله و آراسته باخلاق جمیله و منزه
از صفات ذمیمه دوستیش برای خدا از روی دانش و دشمنیش برای او از راه بینش همدم [?]
عالم و معلم جاهل نه کسی را از و بیم آزار و شدت و نه اندیشه اش تعب و مشقت هر کس در
نظرش از و بهتر و او در پیش خود از همه بدتر همنشین فقرا و مصادق اهل صدق معین غربا
و مددکار اهل حق یتیمان را پدر و بیوه گان را شوهر مهربان با مساکین و غمخوار مؤمنین در
هر بلیه امیدبار [?] و در هر حادثه توقع از و با مردمان خندان و شکفته و غم و اندوه در دلش
نهفته فارغ از جستجوی عیب کسی و مشغول بعیب خود در هر نفسی با مردم پاکیزه در اختلاط و
در کارها بحزم و احتیاط بقسمت خود قانع و از خلق مستغنی حیایش غالب بر شهوت و
مودتش زاید بر حسد و عفوش بیشتر و حقد [?] سخن نگوید مگر بخیر و چشم پوشد از معایب غیر افتاده [?]
متواضع و در طاعت حق خاشع و خاضع از خدا راضی در همه احوال و برضای خدای در
همه احوال نظرش عبرت و سکوتش فکرت و کلامش حکمت در سر و علانیه خیرخواه و از
غش و خدعه در پناه نه از مؤمنان هجرت کند و نه ایشان را غیبت کند نه او را از نعمت دنیا
فرح و سرور و نه از فقدان تاسف و فتور نه محزون از شدائد ایام و نه او را رغبتی بحرام
علمش ممزوج بحلم و عقلش مقرون بصبر بعید الکسل قریب الامل دائم النشاط قلیل الزلل

همه

1

همیشه منتظر اجل دلش دایم در ذکر خدا خاشع و نفسش بقلیلی قانع کار دنیا بش سهل و خفیف
و از بیم گناهان محزون و بخیف لذت و شهوتش مرده و دلش بطاعت خدا زنده مردم
از و در امان و او در تعب از ایشان نه در دلش شائبه کبر و نه بمجالس خود عجب و فخر کارهایش
محکم و متین نه مایل [?] و از معالم دین کلامش نه از روی تجبر سکوتش نه از برای تحیر و درشتیش
از مردم برای نزاهت [?] نه [?] تشکیش حیله و مکر پیروی نیکان گذشته و مقتدای خوبان آینده نه درم
نفسش از و در تعب و مردم از و در راحت علم خلیلش و حلم وزیرش و صبر امیر عسکرش و لین رفیق
پدر و برادرش نه دامنش بر فضل سمعه و ریا و نه مانعش از خیر شرم و حیا اگر خبر بد گو شود بذکر
ایشان مغرور نشود و اگر چنان نیست که ایشان گویند خدا را بر آن شکر کند و گر چنان است استغفار
کند و از خجلت آن سر برنیارد و اگر بشر بد گو کرد و از گفته ایشان آشفته نگردد و اگر چنان است
استغفار کند و اگر نه چنان نیست شاکر باشد فصل سیوم در مکارم اخلاق و صفات
مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که راس هر طاعت صبر و رضاست در قضای الهی و
حکم او خواه موافق خواهش بنده باشد و خواه نه چون سر از بدن برخیزد بدن بمیرد همچنین
چون صبر از ایمان برخیزد ایمان زایل شود و صبر سه قسم است یکی در بلیه و محنت دوم در
مشقت طاعت سیوم در ترک معصیت هر کس در بلیه صبر کند خدا تعالی برایش سیصد درجه
بلند کرداند که ما بین هر دو درجه مثل ما بین زمین و آسمان باشد و هر کس در طاعت
صبر کند ششصد درجه بلند کند که ما بین هر دو درجه از اطراف زمین باشد تا ابتدای عرش
و هر کس در ترک معصیت صبر کند نهصد درجه بلند کند که ما بین هر دو درجه از اطراف زمین
10 باشد تا منتهای عرش و بهشت محفوفست بمکاره و صبر و دوزخ محفوفست بلذات

وشهوات هرکس بر مکاره صبر کند داخل بهشت شود و هرکس پیروی شهوات نماید لایق
دوزخ بود و چون مومن داخل قبر شود نماز در دست راستش ایستد و زکوه در دست
چپ و بر بر سرش سایه کند و صبر در کناری ایستاده گوید شما در جواب منکر و نکیر اعانت
صاحب خود کنید اگر عاجز آیند من او را دریابم و هرکس صبر کند و بقضای خدا در نفع و ضر
و خیر و شر رضا دهد و غیر از رضا و تسلیم چیزی بر خاطرش خطور نکند خدا تعالی برای او
بغیر خیر راضی نشود و هیچ چیز از خدا نخواهد مگر آنکه مستجاب شود خدا تعالی برای عباد خود
نخواهد مگر خیر اگر یکی را بانواع بلا مبتلا سازد خیرش در آن باشد و اگر دیگری را پادشاه
مشرق و مغرب گرداند مصلحتش در آن بود فرموده هرکس بقضای من رضا دهد و بر بلای
من صبر کند و نعمای مرا شکر گزارد در نزد من از جمله صدیقین باشد و هر که بقضای خدا
رضا دهد قضا بر او بگذرد و اجرش عظیم بود و اگر بقضا راضی نشود قضا خود بگذرد
و اجرش باطل شود و فرموده هرکس از همه خلق قطع امید کند و طمع برگیرد و توکل
و اعتماد بر من کند و پناه بمن آورد و درین امر نیتش صادق باشد اگر تمام سموات و ارض
و اهل آن در صدد کید و مکر و ضرر او باشند من او را از ایشان حفظ کنم و هیچ ضرر
باو نرسد و اگر اعتماد بر خلق کند و تکیه بر ایشان نماید اسباب جنت از او قطع کنم و
هرچه بر سرش آید بر او نکنم و حضرت صادق ع فرموده هرکس خواهد هیچ چیز از خدا سوال
نکند مگر آنکه عطا فرماید باید که قطع امید از هر کس نماید و امیدی بغیر خدا ندارد و چون
خدا تعالی دلش را درین صادق یابد هرچه سوال کند عطا فرماید یعنی توکل نه اینست
که کسی ترک سعی و کسب و کار نماید که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب نشود چنانکه امام

چاید بلکه اینست که مکاسب و معاملات و هرچه مقدور باشد از طریقه حلال میکرده
باشد اما اعتماد بر اینها و بر هیچ چیز غیر خدا نداشته باشد و غیر از و هیچ چیز و هیچ کس را کار
ساز نداند و سعی در معاملات و غیر از اینها واسطه و وسیله چند داند که خدای تعالی برای
مصلحت حال نظام خلق مقدر فرموده تا هرکس حکم و رضای او را در آن رعایت کند
و بامر او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعیم بهشت شود و هرکس مخالفت آن کند و متابعت
نفس و هوا و اطاعت شیطان نماید و بحلال اکتفا ننموده دست بحرام زند مستوجب
زجر و عقاب گردد و حضرت امام ع بیحیی گفت همیشه دعا کن که خدا تعالی ترا از جمله معارین
نگرداند و از حد تقصیر بیرون نبرد ابوالحسن گفت معارین ایشانند که ایمان مدتی پیش
ایشان عاریه است بعد از آن سلب شود اما معنی خروج از حد تقصیر چیست فرمود آنکه
هرچند عبادت کنی خود را در آن مقصر دانی که حق عبادت خدا را هیچکس نتواند گزارد
و خدا فرموده تکیه بر عبادت و عمل مکنید که اگر کسی تمام عمر در عبادت بگذراند و لحظه
فارغ نباشد هنوز مقصر باشد و حق بندگی بجای نیاورده بود بلکه اعتماد بر رحمت من کنید
و امید بفضل من داشته باشید و بحسن ظن با من معامله نمائید که من بحسن ظن بندگان خودم بهر نحو
گمان و از من امید داشته باشند با ایشان چنان معامله نمایم القدر امید برحمت خدا باید
داشت که اگر با ذنوب ثقلین بمحشر آئی بر تو رحم نماید و آنقدر نیز خوف از عقوبتش باید داشت
که اگر با حسنات ثقلین آئی قبول نفرماید و در دل مومن دو سطر از نور نوشته یکی خوف و دیگری رجا
که اگر با هم سنجیده شود هیچ کدام بقدر ذره زیادتی نکند بحضرت صادق ع گفتند که جمعی از
موالی شما معاصی میکنند و میگویند که ما امید برحمت خدا داریم فرمود دروغ میگویند موالی

باید و نه رجا دارند هر که امید بچیزی باشد طالب آن بود و هر که از خوف از چیزی باشد از آن
بگریزد و الله که شیعه ما نیست مگر کسی که اطاعت خدا کند و از معصیت اجتناب نماید
حضرت پیغمبر صلعم روزی فرمود ای بنی عبد المطلب مگویید که محمد از ماست هر جا او باشد ما نیز
باشیم و الله که اولیای من نیستند مگر متقیان چه عذر شما خواسته و از عهده آن بیرون آمده
ام چون روز قیامت شود دنیا و دیگران آخرت بر دوش خود بار کرده اند شما را نشناسم
و خویشی شما سود ندهد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روزی خطبه خوانده فرمود ای مردمان والله
که نزدیک نیم از حق شما نقصان نکنم عقیل برادر آنحضرت برخاسته گفت تو مرا و سیاه حبشی را
برابر میدهی فرمود خاموش باش چه امتیاز ترا از سیاه حبشی هر کس تقوایش بیشتر درجه اش
رفیعتر از حضرت صادق سؤال کردند از تفسیر آیه و قدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء
منثورا یعنی روز قیامت متوجه اعمال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم فرمود که والله
که ایشان چه چند که اعمال و عبادتشان در خوبی بکمال رسیده اما چون مانع از نیات
ایشان و معصیت نبود اجتناب نمی نمایند پس اعمالشان سود ندهد و از ایشان هم مرویست
که از ما نیست کسی که هر روز محاسبه نفس خود نکند و ملاحظه اعمال خود ننماید و نه بیند که چه
کرده و چه میکند روز قیامت پنجاه موقف برای حساب مقرر است که هر کدام مقام هزار
سالست هر کس در دنیا محاسبه خود کند بقدر آن از موقف حساب قیامت خلاص باشد
و هر چند بیشتر بغفلت گذرانیده در آن روز برای حساب بیشتر توقفش باید پس محاسبه خود کنید
پیش از آنکه برای حساب توقف فرمایند و معنی محاسبه نفس آنست که چنانکه با شریک و خودی
در همه آنکه در دنیا معامله کنی حساب هر ساعت و هر دقیقه عمر خود از خود طلب نمایی هر لحظه را

ملاحظه کنی اگر در طاعت گذرانیده خدا را شکر کنی و توفیق زیادتی طلب نمایی و اگر
در باطل و معصیت گذشته خود را از آن توبیخ و عتاب کنی و استغفار نمایی و در صدد
تلافی و تدارک آن باشی و مگذاری که نیز در دیوان عملت ثابت ماند یا حقی
از آن فوت شود و هر کاری که خواهی اول تأمل کنی اگر نفع آخرت یا دنیا که نظر
بآخرت مضرت نکند در و باشد متوجه آن شوی و اگر بآخرت مضرت کند بلکه همینکه نفع
نکند از آن بگذری و عمر را مشغول آن نسازی که شغل بی منفعت اگرچه در و عذاب
نباشد همین مضرت از آن بس بود که مانع خیر و منفعت شود در روز قیامت هیچ کس از حسرت
و ندامت خالی نباشد خوبان از حسرت آنکه چرا بیشتر نکرده و بدان از حسرت آنکه چرا بد کرده اند مگر کسی
که بفضل و توفیق الهی ضبط ساعات عمر عزیز کرده و آنرا از صرف در باطل و بیفایده محافظت نموده
در طاعت و عبادت گذرانیده باشد پس خود را از امثال این امور باید فارغ سازی و مشغول
عبادت و طاعت و مجملا هر چه رضای خدا در آن بینی گردانی هر کس خود را از باطل و بیفایده
برای عبادت و طاعت خدا فارغ گردانید و این را مانع هر کاری داند خدا تعالی دلش را
از خوف خود لبریز و بغنی از خلق مملو گرداند و متکفل حوایج و مطالب او شود و کار او
بدیگری نگذارد و هر کس برای طلب باطل و شغل بیحاصل ترک عبادت و طاعت کند و از آن مانع
این داند خدا تعالی دلش را مشغول دنیا و محبت آن گرداند و او را از کفالت رحمت خود
نجوید و واگذارد و نعوذ بالله چون کسی را خدا بغیر خود واگذارد از جمیع خیرات و کرامات بی
نصیب شود و اگر در آن حال بماند عاقبت در دوزخ مخلد گردد و مرویست که حضرت یونس را

بقدر یک چشم زدن واگذاشت طمع ما کی گشت و نیت عبادت و هر کاری که کنی باید از ریا
و غرضهای باطل دنیا برای خدا و رضای او و توقع رحمت و ثواب او خالص گردانی که جزای
هر عمل بمقتضای نیت آن باشد اگر نیت خیر و حق باشد اطاعت خدا بوده و جزایش خیر و رضای
خدا بوده و اگر نیت شر و باطل باشد اطاعت شیطان و جزایش مثل آن بوده و هر کس عملی
برای خدا کند اجر و ثوابش بر خدا باشد و اگر برای غیر خدا کند خدا تعالی او را با آن عمل
برایش گذارده و اگذارد و از فضل و رحمت خود محروم گرداند حضرت پیغمبر صلعم فرموده زمانی
بیاید که مردم عبادت و طاعت را برای ریا و اغراض دنیا کنند پس خدا تعالی ایشان را بعقوبت
و بلا مبتلا گرداند و هر چند مثل غریق دست و پا زنند و تضرع و دعا کنند مستجاب نشود و
و مرویست که نگاهداشتن عمل مشکلتر است از اصل کردن که چون کسی عمل صالحی مثل تصدق
و صدقه و غیر آن پنهانی برای رضای خدا کند ثوابش را پنهانی یعنی هفتاد مرتبه مضاعف
نویسند و اگر بعد از آن ذکر کند محو کنند و علانیه یعنی یک مرتبه نویسند و چون مرتبه دیگر ذکر
کند محو کنند و ریا نویسند و هر کس خود را برای خدا کند و کارهای خود را برای او خالص گرداند
خدا هم برای او باشد و او را برای خود خالص گرداند و دلش را از معرفت و حکمت لبریز
سازد و چون اراده عمل خیر کنی در آن تعجیل نمای که نمیدانی که بعد از این چه رو دهد و هر کار
که در آن تأخیر شود شیطان را در آن فرصتی باشد که شاید حیله کند و مانع آن شود و بسا باشد
که بنده دو رکعت نماز کند یا یک روز روزه گیرد یا تصدق کند و مجملا عمل صالح کند که خدا را
از آن خوش آید و بسبب آن همه گناهانش را ببرد و گوید بعد از این هر گناه بر تو ننویسم و اگر عمل

خیر خیر

خیر خیر بخاطر رسد ترک کن و از آن احتراز نمای که شیطان بکام خود گیرد و بسا باشد که
بنده عملی کند که خدا را از آن بد آید و فرماید بعزت و جلال خودم که بعد از این هرگز ترا نیامرزم
و خدا تعالی فرموده هر بنده که اطاعت من کند و رضای من جوید من او را به دیگری نگذارم و رضای
او جویم و هر بنده که مرا معصیت کند و مخالفت رضای من نماید او را بخود واگذارم و پروا
نکنم هر جا که هلاک شود و حضرت امام محمد باقر عم فرموده ای مدعیان محبت و ولایت ما
فریفته مشوید و اطاعت خدا کنید والله که میان ما و خدا قرابتی نیست و ما را برضا حجتی و تقرب
خدا حاصل نشود مگر بطاعت او پس هر کس مطیع خدا باشد ولایت ما او را نافع بود و هر کس
معصیت خدا کند ولایت ما او را سود ندهد کسی از حضرت صادق عم پرسید که از شما حدیثی
روایت کنند که هر کس شیعه ما باشد هر چه خواهد کند فرمود بلی چنین است گفت اگر چه زنا و
دزدی و شرب خمر کند فرمود انا لله و انا الیه راجعون مردم انصاف ندارند ما خود بطاعت
و عبادت امید نجات و بهشت داریم چون دیگرا را رخصت معصیت دهیم که بطاعت
بمحض محبت ما نجات یابند بلکه معنی الحدیث اینست که هر کس معتقد ما باشد اعمال خیر خواه بسیار کند
و خواه کم که داخل بهشت شود و نیز فرموده خدا تعالی ابا دارد از آنکه جمعی که دعوی محبت و
ولایت جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان باشند روز قیامت ایشان را با هم در یک منزل نزول
فرماید بخدای کعبه قسم که هرگز نشود و نیز از یکی از ایشان علیهم السلام مرویست که فرمود که اگر شیعیان ما
غربال کنم و نیک و بد از ایشان جدا سازم از هزار کس یکی خالص نباشد که اگر ایشان اهل
قولند و اهل فعل در میان ایشان بسیار نادر است همه بر سند تا تکیه کنند و براحت و تن
پروری برآیند و گویند ما شیعه علی‌ایم شیعه علی نیست مگر کسی که اطاعت علی نماید و فعلش تصدیق

فولش نماید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که افضل عبادات تفکر است و تفکر دو قسمست
یکی تفکر در معرفت خدا و علم و فضایل ائمه علیهم السلام که شرح پرونست و شمه از آن در فصل اول
گذشت دوم تفکر در احوال دنیا و بی اعتباری آن و بی حاصلی لذات آن و یکساعت این
تفکر افضل است از یک شب عبادت که سبب زهد در دنیا و بی رغبتی بآن شود و عیوب
و قصور او را بر او ظاهر سازد و محبت او را از دل بیرون برد و دل را مشتاق آخرت گرداند
و موجب عبادت و طاعت و ترک متابعت هوا و هوس و شهوت و معصیت باشد و هر کس
از دنیا بی رغبت شود خدا تعالی دلش را از نور و حکمت و معرفت مملو گرداند و از دنیا بسلامت
بیرون رفته بدار السلام که منزل امن و امان و محل نعمت و رحمت خداوند است رود
و حرامست بر دلی که حلاوت ایمان دریابد تا محبت دنیا از وی بیرون رود و حضرت
صادق ع فرموده کسی از هیچ در طلب حق نکند افضل از زهد در دنیا و ترک محبت آن
و هیچ چیز بعد از معرفت خدا و رسول و اهل بیت او علیهم السلام افضل از بغض دنیا نبود
که چون مؤمن از محبت دنیا خالی شود و از محبت خدا پر شود و التفات بهیچ چیز غیر خدا و رضای
خدا در آن نیابد نخند تا حدی که اهل دنیا گویند دیوانه گشته و حق در او اثر کرده و
حال آنکه محبت خدا در او اثر کرده باشد و هم آنحضرت ع فرمود که از جمله مواعظ لقمان
با پسرش این بود که تو در دنیا بنده اجیر علی که بتو فرموده اند و اجری وعده نموده
بعمل خود وفا کن تا اجر تو وفا کنند و در دنیا مثل گوسفندی مباش که در مزرعه چرا
کند و همینکه فربه شود وقت کشتنش باشد بلکه دنیا را مثل پلی دان بر سر نهری که از آن
بگذری و هرگز بآن رجوع نکنی و بدانکه در روز قیامت پیش خدا ایستاده باشی و چهار چیز

از تو

از تو سؤال کنند جوانی که بچه عمل به پیری رساندی و عمر که بچه چیز گذراندی و مالی که از کجا کسب
کردی و کجا صرف نمودی پس مهیای جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و بکمال زهد آنست
که ترک حرام کنند از خوف عذاب و ترک حلال از بیم حساب مگر بقدر ضرورت و از آن
یکمرتبه پست تر آنکه دست از حرام باز دارد و هر کس را بقدر عمل درجات بلند شود و با هر کس
بقدر عمل معامله نمایند هر کس از خدا بقلیلی روزی راضی شود خدا نیز از و بقلیلی عمل راضی گردد
و هر کس را جاه و مال بسیار باید عبادت و اعمال بسیار باید و فرموده که شیعیان خالص ما
در زمان دولت باطل هر چند مشرق و مغرب روند زیاده از قوتی نصیب نیابند و هر چند
کسی را ایمان زیاده در معیشت بر او تنگتر که اگر تمام دنیا در پیش خدا اعتبار بال مگسی میداشت
شربت آبی از آن بکافر نمی چشانید فقرای مؤمنان چهل خریف پیشتر از اغنیای ایشان
در ریاض بهشت مشغول صحبت و نعمت باشند و اغنیا در موقف گرفتار حساب باشند
و مرویست که یک خریف هزار عامست و یک عام هزار سال و هم از ایشان ع مرویست که
دو مؤمن را با هم بحساب آرند یکی غنی و دیگری فقیر فقیر گوید خدایا تو میدانی که منصبی بمن
دادی که عدل یا جور کرده باشم و نه مالی دادی که جود یا بخل ورزیده باشم فرماید راست
میگوید دست از و بدارید پس خلاص گشته داخل بهشت شود و غنی مشغول حساب شود
و آنقدر توقف کنند که از عرقش چهل شتر سیراب توانند شد پس چون داخل بهشت شود
رفیق فقیرش او را ببیند گوید اینهمه دیر چرا کردی گوید طول حساب گرفتارم داشت خدا
هر یکی از عمل مرا می بخشید و عملی دیگر پیش می آمد تا آخر همه را بخشید و رحمت فرمود که نجات
یافتم و مرویست که چون فضل و درجات فقرا مشاهده شود هر کس آرزو کند که کاش در دنیا

زیاده از قوتی نمیدهست و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که فقرا امانتی است از خدا در میان
بندگان هرکس آنرا پنهان دارد مثل اجر صایم قایم یابد و هرکس اظهار آن بمخالفین و
ظالمین کند شکایت خدا بدشمن او کرده باشد و اگر بمومنی اظهار کند که قادر بر قضای
حاجتش باشد و نکند چنانست که او را کشته باشد و روز قیامت خدا تعالی مثل کسی که
از دوستی عذر خواهی کند بفقرای مومنین گوید بعزت خود که من در دنیا شما را از
روی حقارت فقیر نکردم بلکه برای فضل و ثواب و درجات بهشت کردم امروز ببینید که
چون تلافی آن کنم هر یکی از شما را هفتاد مثل آنکه از ابتدای دنیا تا انقضای آن
باهل دنیا داده ام عطا فرمایم و هرکس در دنیا بشما مهربانی و احسان کرده دستش گرفته
بهر جای بهشت خواهید ببرید و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که کاملترین مومنان در ایمان
کسی است که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عمل بهتر از خلق خوب نیست و صاحب خلق
خوش درجه صایم قایم و اجر مجاهد یابد و اکثر امت بدو خصلت داخل بهشت شوند تقوی
و حسن خلق و هر دو موجب درازی عمر و معموری بلاد باشد و چهار صفت است که در هرکس
اسلامش کامل و از گناه خالص گردد اگرچه سر تا پا گناه باشد و خدا از او راضی باشد آنکه بوعده
وفا کند و راستگوی باشد و از قبایح در پیش خدا و مردم حیا کند و با اهل خود و سایر ناس
خوش خلق باشد و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و هیچ جرعه پیش خدا دوست تر
از دو جرعه نباشد یکی جرعه خشمی که بحلم رد کنی و دیگری جرعه جزعی که بصبر دفع نمایی و هیچ
خشم فرو نبرد مگر آنکه خدا تعالی در دنیا و آخرت عزتش بیفزاید و چون قادر بر انتقام باشد
و خشم فرو برد خدا تعالی اجر شهیدی عطا فرماید و روز قیامت دلش را از امن و امان مملو

کرداند

کرداند و هرکس غضب خود را حفظ کند خدا تعالی عذاب روز قیامت از او برگیرد و عیوبش
بپوشد و خدا تعالی در مناجات بحضرت موسی ع فرمود در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز در
حال غضب یاد کنم و غضب کلید هر شر است و ایمان را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و چون دو کس
باهم منازعه کنند دو ملک نازل شوند و هر کدام از ایشان که سفاهت و ناخوشی بیشتر کند
با او گویند هرچه گفتی خود لایق آنی زود باشد که جزای آن بیابی و با آن دیگر که صبر و حلم ورزد
گویند زود باشد که گناهانت آمرزیده شود اگر حلم خود تمام و تو نیز مثل او سفاهت نکنی و
دشمنان و جهال را هیچ مکافات بهتر از این نباشد که ایشان معصیت کنند و تو صبر و طاعت
نمایی و بهترین اخلاق دنیا و آخرت اینست که چون کسی بر تو ظلم کند تو عفو کنی و اگر از تو
قطع و دوری کند تو وصل و نزدیکی نمایی و اگر ترا از خیر و نعمتی محروم سازد و بخل کند تو
جود و عطا کنی و اگر با تو بدی کند تو نیکی و احسان فرمایی و چون باین آراسته باشی خدا تعالی
عزتت زیاد کند و سه خصلت است که در هرکس نباشد عمل و طاعتش تمام نبود ورعی که او را
از معصیت باز دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان را دفع نماید و مدارا
با مردم نصف ایمانست و ملایمت با ایشان نصف زندگانی و هرکس را ملایمت نصیب گشت
ایمان نصیب گشت و هیچ کس را ملایمت نصیب نباشد مگر آنکه زینتش باشد و هیچ کس از آن محروم
نگردد مگر آنکه عار و ننگش بود و جمیع اگر ملایمت ورزی شود در روزیشان وسیع شود و
چون از آن بی نصیب باشند خیر از ایشان بی نصیب باشد و چون دو کس باهم مصاحبت
کنند آنکه مدارا و ملایمتش بیشتر بود اجرش عظیمتر بود و مرویست که اگر ملایمت خلقی
15 میبود که دیده میشد هیچ خلقی احسن از و نمیبود و هرکه درشتی نصیبش شود ایمان از و محجوب

گردد و اگر درشتی مخلوقی بیند که دیده شود هیچ جزا و فیحتر نبود و هرکس که برای خدا تعالی
تواضع کند خدا او را بلند گرداند و هرکس تکبر کند او را پست گرداند و نزدیکترین مردم
بخدا متواضعانند و دورترین متکبران پرسیدند که حد تواضع چیست امام علیه السلام فرمود درجات
بسیار است از الجمله اینکه کسی قدر خود بشناسد و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم
چنان کند که میخواهد با او چنان کنند و چون با او بد کنند بنیکی دفع کند و خشم فرو برنده و عفو
کننده باشد و مرویست که از جمله تواضع است که در مجلس پایین تر از مرتبه خود بنشینی
و بهرکس برسی سلام کنی و ترک خصومت کنی اگرچه حق با تو باشد و نخواهی که ترا مدح و ثنا
کنند روزی حضرت امام رضا علیه السلام طعام طلبید و ملازمان و غلامان سیاه و سفید را
جمع فرموده باهم بر یک خوان نشستند کسی گفت کاش بعزیمت برای ایشان طعام
جدا کنند فرمود نه خدا یکیست و دین یکی و پدر و مادر یکی و جزای هرکس بقدر عملش
و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود کیست که چهار صفت را ضامن شود تا ضامن شوم برای او چهار خانه
در بهشت ضامن شوم عطا کند و از فقر نترسد و افشای سلام کند در عالم و ترک خصومت کند
اگرچه بحق باشد و از انصاف نگذرد و هرکس با انصاف باشد و با فقرا در مال مواسات
کند بتحقیق مومن باشد و خدا تعالی عزیزش گرداند و نیز فرموده که سید اعمال سه خصلت است
انصاف و مواساة و ذکر خدا در همه حال نه همین تنها سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر بلکه در احوال و افعال خدا را یاد آرد و اگر رضای خدا دران باشد بکند و اگر نه
ازان بگذرد و هرکس منصف باشد و عیب مردم نکند در چیزی تا اول آن را از خود سلب نکند
و کسی او در پیشوایی تقدیم و تاخیر نکند تا رضای خدا دران نداند در سایه عرش خدا باشد

روزی

روزی که هیچ کس را پناهی نبود و سه کس نزدیکترین مردمند بخدا در روز قیامت کسی که در حال
غضب بی اختیار نشود و تا بر زیردست ظلم کند و کسی که چون در معامله میان دو کس داخل
شود بیکطرف میل نکند و کسی که در منازعه و معامله از انصاف و حق نگذرد و خدا را بهشتیست
که داخل آن نشود مگر سه کس یکی آنکه بر نفس خود حکم بحق کند و هرکس ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید بوعده وفا کند که وعده مومن نذریست که هیچ کفاره ندارد مگر وفا بآن هرکس
خلف وعده کند اول با خدا خلف کرده باشد و متعرض سخط او گشته باشد و حضرت پیغمبر صلعم
فرموده از ما نیست کسی که امانت استخفاف کند و امانت جلب رزق و خیانت جلب فقر نماید
و حضرت سجاد علیه السلام فرموده اگر قاتل پدرم شمشیری که آنحضرت را بآن شهید کرده بمن بامانت
سپارد هر آینه بازش ادا کنم و حضرت صادق علیه السلام فرموده که اگر قاتل علی بن ابی طالب ع
با من مشوره کند و خیرخواهی و شمشیری بمن بامانت دهد و من قبول کرده باشم هر آینه ادای
امانتش کنم و چهار صفت است که در هر مومن که باشد خدا تعالی او را در اعلی علیین در بالا
ترین غرفهای بهشت در کرامت ساکن گرداند کسی که یتیم را در پناه خود آورد و برای او بمنزله
پدر باشد و بر ضعفا رحم کند و اعانت حوایج ایشان نماید و والدین انفاق نماید و با ایشان
ملایمت و ملاطفت نماید و خدمتی که مملوک خود در جوع کند خود نیز بدو و اعانتش نماید فصل ۴
در بر والدین روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بر والدین و صله رحم سکرات موت را
آسان گرداند و در تمام عمر پریشانی رفع کند و بر والدین در روز قیامت امید و بقوت و قدرت
تمام فرزند صاحب اختیار است داخل بهشت کند روزی جوانی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمد
گفت جوانم و توانایم و شوق جهاد دارم فرمود جهاد کن که اگر کشته شوی در پیش خدا

زنده و از نعمتهای بهشت متنعم باشی و اگر بمیری اجر و ثواب بخدا باشد و اگر باز گردی از گناهان
پاک گردی همچنانکه از مادر متولد گشته بودی پس گفت یا رسول الله آیا والدین من بمن انس
دارند و میخواهند در پیش ایشان باشم فرمود باش که بحسب انس ایشان با تو بهتر است از
یکسال جهاد در راه خدا و نیز آنحضرت را صلعم همشیره بود رضاعی روزی بخدمت آنحضرت
آمده چون او را دید شگفته گشت و لحاف خود را انداخت تا بر آن نشست پس متوجه او گشته
ملاطفت و شگفتگی میفرمود چون او رفت برادرش آمد حضرت آن مهربانی با او نفرمود از
سبب آن سوال کردند فرمود آن زن برش با والدین خود بیشتر است و کسی بحضرت
امام جعفر علیه السلام معروض داشت که پدرم بسیار پیر شده و چون قضای حاجت خواهد کسی باید
بر دوشش گیرد فرمود اگر توانی خود مباشر این خدمت باش که فردای قیامت برای
تو حمایل باشد از آتش و دیگری از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالف مذهب‌اند
با ایشان چون کنم فرمود نیکی کن همچنانکه با دوستان و موالیان ما مینمایی هر کس با
والدین بار باشد از دوزخ ایمن بود و در بهشت ماوی کند و هر کس عاق باشد از بهشت
نومید باشد و در دوزخ ماوی نماید و هر کس نگاه خشمناک بر والدین کند حال آنکه ایشان
بر وظالم باشند نمازش مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت نشنوند با اینکه بوی بهشت را
از هزار ساله راه توان شنید عاق و قاطع رحم و پیری که زنا کند و متکبر و حضرت سجاد علیه السلام
مردی را دید که بر پدر خود تکیه کرده راه میرفت بر وغضب فرمود و با او حرف نزد تا از دنیا
رفت و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که از جمله حقوق والدین اینست که مصاحبت ایشان را
نیکو کنی و نگذاری که ایشان چیزی از تو سوال کنند و اگر چه مستغنی باشند بلکه مترصد احوال

ایشان

ایشان باشی و همینکه گمان کنی که چیزی میخواهند پیش از سوال مهیا گردانی و اگر ترا رنجانند
اف نگوئی و اگر زنند نرنجی بلکه دعا کنی و برای ایشان آمرزش طلبی و بسیار نگاه
بر روی ایشان نکنی مگر از روی رحمت و مهربانی و آواز بر ایشان بلند نکنی و دست بالای
دست ایشان نداری و پیش و پیش ایشان نروی و ننشینی و ایشان را بنام نخوانی و برای
دشنام حاصل نکنی و در همه حال اطاعتشان کنی مگر در معصیت خدا و درینحال [illegible]
و ملایمت کنی و اگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بروی و اگر از دنیا رفته
باشند نماز و روزه و حج و صدقه و قرآن از وجوه خیرات برای ایشان بکنی و ثوابش
را با ایشان هدیه کنی و هر چه کنی مثل آن برای تو ثبت شود و کسی از حضرت امام محمد باقر ع
پرسید که آیا هیچ جزای حق والدین باشد فرمود هیچ جزای آن نبود مگر آنکه اگر
بنده باشند بخری و آزاد کنی و اگر دین داشته باشند ادا کنی و هم آنحضرت ع فرمود
گاه باشد که کسی در ایام حیوة والدین با ایشان بار باشد و چون بعد از مردن دین ایشان
ادا نکند و برای ایشان استغفار ننماید خدا تعالی او را عاق نویسد و گاه باشد که در
حیوة ایشان عاق باشد چون بعد از وفات دینشان ادا کند و استغفار نماید بار
نوشته شود و کسی بحضرت پیغمبر صلعم معروض داشت که پیش از آنکه باسلام مشرف شوم دختری
داشتم چون بحد بلوغ رسید روزی او را زینت کرده بسر چاهی بردم و در چاهش
افکندم آیا کفاره داشته باشد فرمود مادرت زنده است گفت نه فرمود خاله ات
زنده است گفت بلی فرمود با او برو نیکی کن که بمنزله مادر است تا کفاره آن شود و
هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر چه از بر والدین بفرزند لازمست بر ایشان نیز

لازمست باید با فرزند چنان سلوک کنند که باعث بر او بر ایشان و چنان نکنند که سبب
عقوق شود رحمت خدای بر والدینی که فرزند را بر بر خود دارند و لعنت خدای بر والدینی
که فرزند را بر عقوق خود دارند   در صله رحم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم
که از جمله حقوق این صله رحمست اگر چه یکسال راه باید رفت و اگر چه بشربت آبی یا بسلامی
باشد و هر کس چیزی بر داشته برود تا صله رحم کند بهر گامی چهل هزار حسنه نویسند و چهل هزار
سیئه محو کنند و چهل هزار درجه بلند گردانند و اجر صد شهید نویسند و چنان باشد
که صد سال عبادت کرده باشد و صله رحم دفع بلاها کند و حساب قیامت آسان
گرداند و خلق نیک کند و بخیل را سخی گرداند و روزی بیفزاید و مال زیاد کند و اعمال را
پاکیزه کند و سبب معموری دیار و زیادی عمر باشد تا آنکه گاه باشد که عمر کسی سه سال
باشد چون صله رحم کند سی سال شود و گاه باشد سی سال باشد چون قطع رحم کند سه سال
شود و رحم بعرش آویخته میگوید خدایا وصل کن برحمت خود هر کس که مرا وصل کند
و قطع کن از رحمت خود هر کس مرا قطع کند و روز قیامت رحم و امانت در دو
جانب صراط بایستند چون واصل رحم و مؤدی امانت بگذرد داخل بهشتش
کنند و چون قاطع رحم و خاین امانت بگذرد سر از زیرش در جهنم افکنند و باشد
که جمعی همه فاجر باشند و چون باهم مواسات و مواصلت کنند مالهاشان بسیار و
رزقشان وسیع شود و اگر همه نیکان باشند چون از هم مفارقت کنند و قطع
یکدیگر نمایند پریشان گردند و بلا در میانشان شایع شود و کسی بخدمت حضرت صادق ع عرض
کرد که خویشان من با من بسیار بدی و مخالفت میکنند و دشنام میدهند من

هم میخواهم ترک ایشان کنم فرمود اگر اینکار کنی خدا تعالی همه شما را ترک کند و از رحمت
خود قطع نماید و کسی بحضرت امام جعفر علیه السلام از اقربای خود شکایت کرد فرمود تو مدارا
و مواصلت کن گفت هر چند مدارا و مهربانی میکنم ایشان همان بدی میکنند
فرمود پس میخواهی تو هم مثل ایشان باشی تا خدا تعالی بهیچکدام نظر نکند و دیگری
بخدمت آنحضرت از برادران و عمزادگان شکایت کرد و گفت خانه را بر من
تنگ کرده اند فرمود صبر کن که خدا تعالی ترا نجات از ایشان دهد راوی گوید وبائی
حادث شد که همه هلاک گشتند پس بخدمت آنحضرت رفته حکایت واقعه نمودم فرمود
برای آنست که با تو میکردند حالا راضی هستی که میمردند و همان سلوک میکردند گفتم
بلی و الله و نیز مرویست که هیچ گامی بر داشته نشود دوست تر پیش خدا از دو گام یکی
بصفی که در راه خدا ایستد و یکی برحمی که قطع رحم کرده باشد **فصل ششم** در حق جوار
مرویست از اهل اطهار علیهم السلام که از نیکبختی کسی که همسایگی را خوب بکند خوب کردن همسایگی
عمر زیاد کند و رزق بیفزاید و سبب معموری دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و آخرت
دارد باید همسایه را نرنجاند و مهمان را گرامی دارد و چون تکلم کند خیر گوید یا ساکت
باشد و هر کس همسایه را برنجاند و بیازارد خدا تعالی روز قیامت عثرات و خطاهای
او را عفو نفرماید و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که جبرئیل آنقدر مرا بهمسایه وصیت نمود که
گمان کردم که او را وارث خواهد گردانید و نیز فرموده که ایمان بمن ندارد کسیکه
شب سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد و روز قیامت خدا تعالی نظر نکند باهل قریه
که در میان ایشان خانه گرسنه باشند و حضرت یعقوب ع مناجات نموده گفت خدایا

بر زاحم نیکی چشم را گرفتی و دو پسرم را بردی خدا تعالی فرمود اگر پسرهات مرده
میشوند برای تو زنده میکردم اما تو یاد داری که فلان روز گوسفندی ذبح کردی
و بریان نمودی تناول کردی و فلان همسایهات صایم بود و باو نچشانیدی بعد از این
هر چاشت و شام منادی حضرت یعقوب تا یک فرسنگ راه ندا میکرد که هر کس گرسنه باشد
بخانه یعقوب بیاید و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود خوبی همسایگی همین نیست که همسایه
آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان کنی و هر کس یک وجب زمین با همسایه خیانت کند خدا تعالی
آن را تا زمین هفتم در روز قیامت طوق گردنش کند و هر کس همسایه را برنجاند بوی بهشت
بر و حرام شود و هر کس در ما یحتاج خانه با همسایه مضایقه کند خدا تعالی خیر و فضل خود روز
قیامت از و منع کند و او را بخود وا گذارد و هیچ عذر از و قبول نکند مگر آنکه همسایه
چیزی که بعاریه میگیرد ضایع کند که دیگر نتوان از و منع نمود **فصل هفتم** در الفت
و محبت و زیارت مومنان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ای معاشر مومنان با یکدیگر
الفت و محبت کنید خیر نیست در کسی که الفت نکند و با او الفت نکنند جمعی که برای خدا با
هم محبت و دوستی کنند روز قیامت در زمینی از زبرجد سبز در سایه از جانب عرش
بر منابر نور بنشینند و روی ایشان از آفتاب روشنتر باشد و هر کس محبت و بغض و
عداوت و عطا و منعش برای خدا باشد از جمله اصفیای او باشد روزی حضرت پیغمبر صلعم
از اصحاب پرسید که محکمترین عروهای ایمان کدام است بعضی گفتند نماز و بعضی روزه و بعضی
زکوة و بعضی حج و عمره و بعضی جهاد فرمود هر یک از اینها را فضلی عظیم است اما آنچه
که پرسیدم بلکه آن محبت و بغض است برای خدا و تولی با اولیاء الله و تبرا از اعداء الله

چون

چون دو مومن با هم ملاقات کنند آنکه محبتش بیشتر قدرش عظیمتر بود و هم ایشان ع فرمود
که ای مومنان با هم الفت کنید و یکدیگر را زیارت کنید و ذکر خدا و ذکر ما کنید و باحادیث ما
صحبت دارید که موجب حیوة دین و دل شماست و هیچ چیز بر دل ابلیس خنجر و شمشیر انقدر جراحت
نکند که زیارت مومنان چون سه مومن یا بیشتر با هم اجتماع کنند آنجا ملائکه با ایشان
حاضر شوند پس اگر دعا کنند آمین گویند و اگر از شری استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجتی
مسئلت نمایند شفیع باشند و چون مومنی برای خدا نه برای غرض دنیا برای زیارت
مومنی از خانه بیرون رود و حق خدمت او بشناسد بهر گامی که بردارد خدا تعالی برایش حسنه
نویسد و سیئه محو کند و درجه بلند گرداند و هفتاد هزار فرشته بر او موکل فرماید تا بخانه
خود مراجعت کند اگر در حیات راه باشد و گویند خوش باشی و خوش باد ترا بهشت و چون
در خانه او بگوید درهای آسمان برای او گشوده شود و چون ملاقات و مصافحه و معانقه
کنند خدا تعالی متوجه ایشان شود و با ایشان بر ملائکه مباهات فرماید و گوید ای ملائکه
ببینید این دو بنده مرا که برای من چون با هم محبت میکنند لازم شد بر من که بعد از این
ایشان را باتش عذاب نکنم و چون داخل خانه شود فرماید ای بنده من تعظیم حق من و رعایت
سنت پیغمبر من کردی اگر سوال کنی عطا نمایم و اگر دعا کنی اجابت فرمایم و اگر ساکت
باشی ابتدا فرمایم و چون مراجعت کند بعدد هر نفسی که کشیده و گامی که برداشته و کلمه که
گفته ملائکه با او مشایعت کنند و تا آن روز تا آن سال دیگر از بلاهای دنیا و آخرت محافظتش
نمایند و اگر در آن سال بمیرد از حساب فارغ باشد و چون داخل خانه خود شود خدا تعالی
فرماید ای ملائکه بنده من که تعظیم حق من کردی بهشت برای تو واجب گردانیدم و ترا شفیع

بندگان خود کرده‌ام و اگر آنکس حق این را چنین بشناسد برای او نیز مثل این اجر ثابت شود
و خدا تعالی را بهشتی است که داخل آن نشود مگر سه کس اول کسی که از خود انصاف دهد دویم کسی که
زیارت برادر مومن برای خدا کند سیم کسی که برادر مومن را در خیر بر خود اختیار کند و زیارت یک مومن
برای خدا بهتر است از آنکه ده بنده مومن آزاد کند حضرت امام جعفر صادق ع از کسی پرسید که میان
شما و بصره چند روز راه است گفت از دریا اگر باد موافق باشد پنج روز و از خشکی هشت روز
فرمود چه نزدیک بوده برادران مومن یکدیگر را ببینید و عهدهای تازه کنید که روز قیامت
هر کس را گواهی در کار است که شهادت به دینش دهد و اگر مومنی به قصد زیارت یا برای
حاجتی بخانه کسی رود و او در خانه باشد و اذن نه دهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم
ملاقات کنند و هر کس میان خود و مومنی حجابی و مانعی گذارد خدا تعالی میان او و بهشت هفتاد
هزار باره نصب کند که میان هر دو باره هزار ساله راه باشد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود
شیطان میان مومنان نزاع و فساد میکند پس خدا رحمت کند کسی که میان دو دوست الفت و
اصلاح کند و حضرت صادق ع فرمود میان دو کس اصلاح کنم دوست تر دارم که دو دینار طلا
تصدق کنم و فرمود چون دو کس از هم بخشم مفارقت و هجرت کنند یکی از ایشان وکلا
باشد هر دو مستوجب لعنت و برائت از دین شوند کسی گفت جعلنی الله فداک شاید یکی
مظلوم باشد فرمود بتقصیر خود نسبت دهد و عذر خواهی کند و نگذارد که مهاجرت
واقع شود و هر هفته دو روز مقرر است که اعمال عباد را بر خدا تعالی عرض کنند چون میان دو
کس بخشم عداوت باشد اعمال ایشان را واگذارند تا وقتی که صلح کنند و چون دو کس
از هم سه روز هجرت کنند و صلح نکنند ولایت اسلام در میانشان منقطع شود و دوات
دیگر

دیگر آنکه هر کس بیش از سه روز هجرت کند در دوزخ جا و اولی باشد و هر کدام سبقت بصلح کند
سبقت به جنت کند و هر کس در اصلاح میان زن و مرد سعی کند اجر هزار شهید یابد و به هر کلمه
که بر دارد دو کلمه که گوید بحساب او عبادت نویسند یکساله روزه روزها و قیام شبها **فصل ششم**
در آداب ملاقات و مجالست مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که شما بوسعت مال با مردم
برنیایید بشگفتگی و طلاقت وجه ملاقات کنید در صفت است که هر کس نیکی زبان منصف باشد بهشت
بر او واجب شود طلاقت وجه و انصاف و جود در پریشانی و نیز مرویست که اصطناع معروف
و حسن بشر موجب دخول بهشت و محبت دنیا و بخل و عبوس موجب دخول نار و دوری از خدا است
و اول ملاقات سلام است مرویست که اگر کسی پیش از سلام حرفی زند جوابش مگوئید و چون دو
کس بهم سلام کنند میان ایشان هفتاد حسنه قسمت شود شصت و نه از آنکه ابتدا کند و یکی
از آنکه جواب گوید و اگر کسی بر ده کس از مسلمین سلام کند چنانست که بنده آزاد کند و سنت است
افشای سلام یعنی بر هر کس برسد سلام کند اگرچه ظالم باشد که سلام خدا بظالمان نرسد بخیل ترین
مردم کسی است که در سلام بخل کند مرویست که شبها که مردم در خواب اند برخاسته نماز کنید
و با مردم بملایمت گفتگو کنید و افشای سلام کنید تا بسلامت به بهشت روید و هر کس در سلام
غنی را بر فقیر امتیاز دهد مستوجب غضب خدا باشد و سلام را بلند باید گفت تا بشنود و
نگویید سلام کردم جواب نگفتی که شاید نشنوانیده باشی و چون جواب گویید بلند گویید تا نگوید
که جواب سلام نگفتی و هر کس سلام علیکم گوید ده حسنه باشد و اگر و رحمة الله نیز اضافه کند بیست
حسنه و اگر و برکاته نیز اضافه کند سی حسنه و مرویست که سلام و دعای عطسه و دعایی که کسی را
کنید بصیغه جمع بگویید اگرچه یک کس باشد که با هر کس جمعی از ملائکه باشند و چون بر ملائکه سلام کنند 2

ایشان جواب گویند و کسی که ملک برو سلام کند از عذاب خدا بسلامت باشد مثلا السلام
علیکم ورحمة الله و علاقم الله بگویند و ادب آنست که سواره بر پیاده و اسب سوار بر استر سوار
و استر سوار بر الاغ سوار و ایستاده بر نشسته و صغیر بر کبیر و قلیل بر کثیر سلام کند و چند
کس سلام نباید کرد شرابخوار و صاحب شطرنج و نرد و مجاهر بفسق و مخنث و شاعری که
زنان عفیفه را هجو کند و رباخوار و کسی که مشغول قضای حاجت باشد و زنان و کسی که در نماز
باشد یا در حمام باشد و چون سلام با کسی دیگر کنند مستحب است که تلافی آن احسن از آن باشد
و اقلش آنکه همان قدر تلافی کند و چون کسی سلام علیکم گوید احسن آنست که و رحمة الله اضافه
کنند و اگر آن نیز گفته باشد و برکاته نیز اضافه کنند و اگر این نیز بگوید همین را تمام بگویند و
روایتی دیگر آمده که در هر صورت و علیک تنها توان اکتفا نمود اما زیاده از این مخالف
سنت است مرویست که کسی بحضرت امیرالمومنین ع سلام کرد و لفظ و مغفرته و رضوانه
افزود حضرت او را نهی فرمود و اگر از کسی سلام رسانند جواب بگوید و علیک و علیهم السلام و
اکتفا بو علیهم السلام نیز مجزی بوده مرویست که جواب کتابت نیز مثل جواب سلام واجب است
و معنی سلام و جوابش اینست که تو از من بسلامتی و با خدای تعالی عهد کردم که غیبت تو نکنم
و عیب تو نگویم و چون دو مومن با هم ملاقات کنند و مصافحه کنند گناهان هر دو بریزد مثل
برگ از درخت تا آنکه هیچ نماند و خدای تعالی با ایشان نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و
صد رحمت بر ایشان فرستد نود و نه از آن باشد که محبتش بیشتر باشد و خدای تعالی با
او مصافحه فرماید و آنکه مکث بیشتر کند و دست بیشتر نگاه دارد اجرش از آن دیگر بیشتر باشد
و حد سلام و مصافحه هر اول ملاقات بعد از هر غیبتی اگرچه بدور درختی بگردد یا چند گام

ازهم

از هم دور شوند و مرویست که تمام تحیت برای مقیم مصافحه و تمام تسلیم بر مسافر معانقه است
و چون دو مومن معانقه کنند رحمت ایشان را فرو گیرد و چون در پیش هم توقف کنند و
بنشینند و غرضی دنیوی در میان ایشان نباشد ملکی ندا کند که گناهان شما آمرزیده شد
اعمال از سر گیرید و چون شروع در گفتگو کنند ملائکه حفظه با هم گویند بیائید یکناری رویم
که شاید ایشان را با هم سری باشد و اگر خویشان و مومنان یکدیگر را بوسه کنند باید روی
هم را ببوسند و بوسه بر لب نشاید مگر زوجه و طفل صغیر را و دست بوسیدن نشاید
مگر پیغمبر یا وصی او را و روایتی دیگر آمده که دست کسی را بوسیدن چنانست که نماز برای
او کرده باشد یعنی بندگی او کرده باشد و هر کس در مجلس بمکانی کمتر از مرتبه شرف خود
راضی شود خدا و ملائکه برو صلوة فرستند تا وقتی که برخیزد و مرویست که چون بخانه
کسی روید هر اکرامی که کند قبول کنید مگر بالا نشستن و روایتی دیگر آمده که هر جا صاحب
خانه گوید بنشینید که او عیوب خانه خود را بهتر میداند و توفیق میان این دو حدیث
و الله اعلم الراسخون فی العلم این توانند کرد اگر معلوم باشد که غرض صاحبخانه محض
تکلف است قبول نباید کرد و گرنه اطاعت باید نمود چنانکه لفظ اکرام و عیوب مشعر است
بران و بهترین مجالس آنست که روی بقبله باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم سه حالت
می نشسته یکی دو زانو و دوم آنکه ساقهای از زمین بر دارد و دستها را از پیش
ساق گره زده بر ساعد گیرد و سیوم آنکه یکپا بر سر پای دیگر گذارد و احادیث متعدده
آمده که بعضی ائمه طاهرین علیهم السلام باین هیأت می نشسته بودند کسی گفت اینوضع
نشستن مکروه است فرمود نه این قول یهود است که میگویند که خدای تعالی چون از خلق

سموات و ارض فارغ شد چنین نشست که استراحت کند مر برای ملالت چنین نشسته ام
و خدای تعالی را ملالت نمی باشد و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم هرگز مربع نشسته و خدای تعالی
مربع نشستن را دشمن دارد و مرویست که اگر با یهودی نشسته بنشینی همنشینی او را نیکو کنید و
چون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و جا بگشایید که تعظیم در مجلس برکتست و در وقت
رفتن تعظیم بکنید مثل عجم و در تابستان میان هر دو کس در نشستن مقدار یک ذراع
فاصله باید گذاشت که گرما آزار نکند و اگر در اثنای حرف مؤمنی در آید خیانتست که
روی او را نخراشیده باشد و هر کس در وقت نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله
علی محمد و آله خدای تعالی ملکی بر او موکل فرماید که در آن مجلس او را از غیبت کردن حفظ کند
و اگر وقت برخواستن بگوید بر اهل مجلس موکل فرماید که ایشان را از غیبت او منع کند و
هر کس وقت برخواستن از مجلس بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین کفاره آن مجلس باشد و بعدد هر مسلمی او را حسنه باشد و خدای تعالی
به بیشترین کیلها ثواب او را کیل کند **فصل نهم** در سکوت و کلام مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلم که سکوت بابیست از ابواب حکمت و جلب محبت کند و دلیل هر خیرات
و شیعیان ما همه لال باشند و کسی حقیقت ایمان را نشناسد تا زبان از لغو نبندد و نجات
مؤمن در حفظ زبانست و زبان کلید هر خیر و شر است پس زبان را مهر کنید همچنانکه زر و مال را
مهر میکنید و مؤمن تا ساکت است محسن نوشته شود و چون تکلم کند محسن باشد یا مسیء
و هر کس کلام خود را از جمله اعمال خود شناسد تکلم نکند مگر آنچه نافع باشد و حضرت امیر المؤمنین
بر مردی گذشت که حرفهای لغو بیفایده میگفت فرمود ای مرد هر چه میگویی ملکین مینویسند و

برضای

برضای تو عوض میکنند ترک بیهوده گویی کن و سخنی گوی که نفعی در آن باشد و شرم دار
از اینکه چون نامه اعمال تو بر خدا معروض شود از این نوع سخنان در وی باشد و حضرت پیغمبر صلعم
بجبئی گفت میخواهی چیزی تعلیمت کنم که با آن داخل بهشت شوی گفت بلی فرمود سخاوت
پیشه کن گفت شاید من محتاج باشم فرمود مظلوم را نصرت کن گفت شاید من عاجز باشم
فرمود جاهلان را هدایت کن گفت شاید من جاهل باشم فرمود زبان را ببند مگر از خیر بعد از آن
فرمود نمیخواهی یکی از این صفات در تو باشد که ترا به بهشت برد و هم آنحضرت صلعم فرموده
خدای تعالی زبان را عذابی کند که هیچ عضو را نکند چه بسا باشد که کلمه از زبان بیرون آید که در مشرق
و مغرب پهن شود و خونها بآن ریخته شود و فرجهای حرام بیحرمت گردد و سخن گفتن بحق
افضل است از سکوت در باطل و هر کس زبانش راستگو باشد عملش پاکیزه شود و مرویست
که بنماز و روزه و طول رکوع و سجود مردم فریفته مشوید و بسا باشد که آن عادتی باشد که
باشد که ترکش موجب وحشت باشد بلکه قدر عقل و صدق کلام و ادای امانتش را نظر کنید
و مرویست که بسا بنده که آنقدر راست گوید که خدای تعالی او را از جمله صدیقان نویسد و
بسا بنده که آنقدر دروغ گوید که از جمله کذابین نوشته شود و هیچ بنده لذت ایمان
نیابد تا دروغ مطلقا عمدا و هزلش را ترک نکند و کذب ایمان را خراب کند و خدای تعالی بهر شری
قفلی زده و کلید همه آنها شراب را گردانیده و کذب بدتر است از شراب و در قیامت از هر
کذب سؤال کنند مگر سه کذب یکی آنکه در معرکه جهاد با خصم گوید دوم آنکه برای اصلاح
میان دو کس گفته شود سیوم آنکه کسی با اهل خود وعده کند و اراده کردن نداشته باشد
و چون کسی گوید والله که خدا فلان را نیامرزد خدای تعالی فرماید کیست که از جانب من قسم میخورد ۲۳

که او را نیامرزم و او را اگر زنیم و عمل این را باطل کردم و اگر کسی لعنت کند با شهادت
بر کفرش دهند اگر چنان باشد گفته باشد و اگر نه بگوینده برگردد و اگر مؤمنی را فحش گوید
خدا برکت از رزقش ببرد و معیشتش را فاسد گرداند و نظر رحمت و تربیت از او بردارد
و اگر در روی مؤمن طعن کند به بدترین وجهی بمیرد و سزاوار آن باشد که هرگز بخیر باز نگردد
و بهشت حرامست بر هر فحاش بیحیا که پروا نکند از هر چه گوید یا با او گویند و مرویست که چنین
کسی را اگر تفتیش کنی ولد الزنا یا شرک شیطان باشد و خدا تعالی دشمن دارد فحاش
فحشگو را بدترین مردم کسیست که از ترس زبانش اکرامش کنند و مجالستش را ناخوش دارند
و هرکس از زبانش بترسند منزلتش آتش باشد و بدترین مردم کسیست که طعام خود تنها خورد
و عطایش را منع کند و مملوکش را بسیار بزند و بدتر از او کسی که بخیرش امیدوار و از شرش
ایمن نباشی و بدتر از او فحاشی که چون کسی پیش او مذکور شود لعن کند و چون او پیش مردم مذکور
شود لعنتش کنند و حضرت صادق را دوستی بود که هرگز از خدمتش مفارقت نمینمود روزی
در خدمت آنحضرت راهی میرفت و غلامی همراه داشت چند مرتبه نگاه کرد او را ندید مرتبه
دیگر نگاه کرد آمده بود گفت یا ابن الفاعلة کجا بودی پس حضرت بر روی مبارک زده فرمود
سبحان الله مادرش را دشنام میدهی تو خود را متورع مینمودی معلوم شد که ورعی نداشته
گفت جعلت فداک مادرش مشرکست فرمود نمیدانی که هر قومی در میان خود نکاحی دارند
که خود را از زنا باز دارند دور شو از من و دیگر او را در خدمت حضرت ندیدم تا از
دنیا رفت خدا تعالی دوست دارد مزاح را که فحش در آن نباشد و مزاح از حسن خلقست
و سبب سرور مؤمنان شود و کثرت مزاح با آنکه متضمن فحش یا کذب یا استهزا و مجملا مشتمل

قبیح

قبیح و باطلی باشد وقار و آبرو را ببرد و موجب استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض
و کینه شود و گاه باشد که کلمه کسی گوید که مردم را بخنداند بقدر ما بین زمین و آسمان او را
از بهشت دور گرداند و در دوزخ افکند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود وای بر کسی که دروغ گوید
تا مردم را بخنداند بعد از آن سه مرتبه فرمود وای بر او و کثرت ضحک دین را بگدازد چنانکه آب
نمک را و آبرو ببرد و روایت دیگر آمده که هرکس بکثرت خنده کند یکدهن از عقلش نقصان کند و حضرت
امام جعفر علیه السلام فرمود بسا کسی که خنده و لعبش بسیار باشد و روز قیامت گریه اش بسیار
باشد و بسا کسی که از بیم گناهان گریه اش بسیار بود در بهشت خنده و سرورش بسیار بود
و فرمود ای صاحب علمهای رسوا شرم دار از خنده دندان نما وای که بسیار کرده است تا
ایمن مباش از کمین حادثات **فصل سیم** در اکرام و توقیر مؤمن مرویست از اهل بیت طاهرین
که هرکس مؤمنی را اکرام کند اول خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان خراشیده و دلش مجروح
شود و هرکس بروی مؤمن تبسم کند برایش حسنه ثبت شود و اگر کتابتی از رویش بردارد ده حسنه
ثبت شود و اگر مؤمنی گوید مرحبا خدا تعالی تا روز قیامت برای او رحمت نویسد و اگر با او
بنحوی از انحا ملاطفت کند از خدام جنت عطا فرماید و اگر کلمه گوید که موجب شگفتگی مؤمن شود
در سایه رحمت خدا باشد و اگر کتابتی از راه مؤمن بردارد اجر قرائت چهارصد آیه از قرآن
یابد که هر حرف از آن ده حسنه است و اگر مؤمن را در مجلس یا متکا یا طعام یا جامه یا سلام یا غیر
آن ملاطفت و اکرام کند بهشت از جا در آید که مکافات آن کند پس خدا تعالی فرماید من نعمتهای
ترا بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر نبی یا وصی و چون روز قیامت شود فرماید مر او را تا
مکافات کن پس حور و غلمان از بهشت بیرون آیند در دست طبقهای پر از نعمتهای گوناگون

سرهای آن بار و پوستهای لؤلؤ و جواهر پوشیده و چون بهشت و نعمتهای آنرا ببینند تعالی
روا کنند و چون جهنم ببینند از هول آن دست نتوانند دراز کرد پس از جانب عرش
ندا آید که بخورید که هر کس طعام بهشت بخورد دوزخ بروی حرام شود پس دست دراز
کرده تناول کنند و هر کس جمعی از مؤمنان را خدمت کند بآنقدر از خدم جنت عطا فرماید و خادم
مؤمنان در طاعت خدا و حقش را در قبر نگذارند بلکه پیش خدا تعالی برند و آنجا باشند تا روز
قیامت و هر کس مؤمنی ریش سفیدرا تعظیم و توقیر کند از فزع روز قیامت ایمن گردد و اگر
با او استخفاف کند خدا تعالی کسی را بر او مسلط گرداند که با او استخفاف کند و حضرت پیغمبر صلعم
فرمود از ما نیست کسی که کبیر ما را توقیر و بر صغیر ما رحم نکند و هر کس مؤمنی فقیر یا غیر فقیر را
بجبر کند خدا تعالی او را دشمن دارد و تحقیر کند تا از آنچه کرده بر گردد و تلافی کند و هر کس مؤمنی
فقیر را بسبب فقرش تحقیر کند خدا تعالی او را روز قیامت در میان خلایق رسوا کند **فصل**

یازدهم در سرور مؤمنان و قضای حاجت ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم
که هیچکس عبادت خدا نکرده بچیزی افضل از سرور مؤمن که ادای دینش کند یا گرسنه اش را
سیر کند یا غیران هرچند عظیم تر بود اجرش عظیم تر باشد و هر کس مؤمنی را مسرور کند خدا تعالی روز قیامت
او را مسرور گرداند و خدا و پیغمبر خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم را مسرور کرده باشد و همچنین اگر
مؤمنی را آزرده کند ایشانرا آزرده کرده باشد سرور مؤمن هزار حسنه باشد خدا تعالی در مناجات
بحضرت موسی ع فرمود هر کس مؤمنی را مسرور کند در بهشت او را امیر و حاکم گردانم و حضرت پیغمبر صلعم
فرمود که دل مؤمن خوش خدا است هر کس دل مؤمنی را خوش کند خدا تعالی فرشته خلق کند که
هزار بدن داشته باشد و در هر بدن هزار سر و در هر سر هزار رو و در هر رو هزار دهن و در هر

دهن

دهن هزار زبان با هر زبان بهزار لغت بآوازی الحن خدا تعالی را تسبیح کند و استغفار نماید
تا روز قیامت و مرویست که مؤمنی در مملکت جباری بود از جور و ظلم او گریخته بدیار
اهل شرک رفته مشرکی او را آنجا نزد برده مهربانی کرد چون از دنیا رفت خدا تعالی فرمود
اگر تو شرک نمیورزیدی ترا در بهشت جا میدادم اما بهشت بر مشرکان حرامست پس با آتش
دوزخ امر فرماید که او را بلرزان و مترسان اما مسوزان و هر صبح و شام رزقش را
رسانند راوی گوید پرسیدم که رزقش از بهشت آید حضرت امام ع فرمود از هر جا
خدا خواهد و هر که دفع مضرت آبی یا آتشی از مؤمنان کند بهشت او را واجب شود و هر کس
غمی و شدتی از مؤمنی بردارد خدا تعالی هفتاد و دو رحمت بایشان رساند یکیرا در دنیا
تعجیل کند که امر معیشتش را بآن [illegible] اصلاح کند و هفتاد و یکیرا برای اهوال روز قیامت
ذخیره فرماید و روز قیامت مطمئن خاطر محشور گردد و هر کس عورت و عیب مؤمنی بپوشد
خدا تعالی هفتاد عیب دنیا و آخرت او بپوشد و هر کس قضای حاجت مؤمنی کند خدا تعالی
روز قیامت هزار حاجتش را برآرد که اول آنها این باشد که او و اقربا و آشنایان و
دوستانش را به بهشت برد و اگر ناصبی نباشند و قضای حاجت مؤمن بهتر است از آنکه
هزار حج گزارد و هزار بنده آزاد کند و هزار اسب در راه خدا بجهاد فرستد و افضل است
از بیست حج که در هر حج هزار درهم صرف کند و در روایت دیگر آمده که یک طواف کعبه شش هزار
حسنه است و شش هزار سیئه محو شود و شش هزار درجه بلند گردد و در روایت دیگر شش هزار
حاجتش برآورده شود و چون بنزدیک حرم رسد هفت در از درهای بهشت برایش گشوده
گردد و قضای حاجت مؤمن افضل است از ده چنین طواف و هر کس حاجت مؤمنی باو آ

وفا در قضای آن نباشد و از بهشت دلگیر شود خدای تعالی اسباب دلگیری او از بهشت عطا
فرماید و هر کس سعی در حاجت مؤمنی کند هزار هزار حسنه برایش نوشته شود که در ان
میان اقربا و همسایگان و احبا و آشنایان آمرزیده شوند و بهر گامی که کسی در حاجت
مؤمن بردارد حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد و درجه بلند شود و اگر آن حاجت بدست او
برآید ثواب حج و عمره داشته باشد روزی حضرت امام حسن ع در اعتکاف بود مردی آمده
از کسی شکایت کرد والتماس نمود که در باره من با او گفتگو کن حضرت برخاسته روان گشت
کسی گفت یابن رسول الله مگر فراموش کردی که اعتکاف داری فرمود فراموش نکردم اما کسی
که سعی در حاجت مؤمن کند همچنانست که نه هزار سال عبادت کرده که روزها بروزه و شبها
بنماز برخاسته باشد و هر کس اعانت مؤمنی کند خدای تعالی هفتاد و سه غم و غصه از و برگیرد
یکی در دنیا و هفتاد و دو در روز قیامت که هر کس بحال خود در مانده باشند و هر کس
دست عاجزی گرفته بخانه یا حاجتی دیگر برد بهر گام که بردارد و بگذارد عتق رقبه نوشته
شود و ملائکه برو صلوة فرستند و هر کس حاجت عاجزی کفایت کند خدای تعالی او را
برات از آتش و نفاق عطا فرماید و هفتاد هزار حاجتش بر آرد و مستغرق رحمت گرداند
تا از ان کار فارغ شود و هر کس قادر بر قضای حاجت مؤمنی باشد و نکند خدای تعالی در قبر
ماری عظیم برو مسلط گرداند که او را میگزیده باشد تا روز قیامت بعد از ان اگر خواهد بخشد
و گر نه عذابش کند و اگر صاحب حاجت او را معذور دارد حالش دیگر بدتر باشد و در روایت
دیگر آمده که هر کس حاجت مؤمنی را از خود یا از دیگری منع کند و قادر بر ان باشد روز قیامت
روسیاه ازرق چشم دستها بر گردن بسته محشور شود پس چون او را بینند گویند این است

کرما

و رسول خدا خیانت کرده پس در آتشش افکنند و هر کس قادر بر اعانت مؤمن باشد و
نکند مبتلا باعانت دشمنان خدا شود و در روز قیامت بران معذب باشد و هر
کس را خانه باشد و از مؤمنی محتاج مضایقه کند خدای تعالی فرماید ای ملائکه ببینید که بنده
من چون در خانه با بنده من بخل ورزید بعزت و جلال خودم که هرگز در بهشت مسکن
نکند **فصل دوازدهم** در رذایل معاصی و مناهی بر سبیل اجمال مرویست از اهل بیت عصمت
و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین که هر کس با حکم و امر خدا استخفاف و بی اعتنائی کند
خدای تعالی روز قیامت با او استخفاف و بی اعتنائی کند و خدای تعالی در هر دل نوری آفریده
چون کسی گناهی کند ظلمتی در دلش بهم رسد اگر توبه کند آن ظلمت زایل شود و همان نور
عود کند و اگر همچنان معصیت میکرده باشد مرتبه مرتبه ظلمت زیاد شود تا نور را بپوشد
تا تمام دل سیاه و ظلمانی گردد و چون نعوذ بالله چنین شود هرگز اصلاح نپذیرد و
نجات نیابد و بسا باشد که بنده گناهی کند که خدای تعالی فرماید بعزت خودم که بعد از این
هرگز ترا نیامرزم و بسا باشد که روز قیامت بنده را بر یک گناه صد سال حبس کنند و اهل
عیال و دوستان خود را بیند که در روضات جنات مشغول نعمت و عشرت اند و هر کس
ترک فریضه یا ارتکاب کبیره کند اطاعت شیطان کرده باشد و با او در جهنم باشد
و هر کس حکم حلال قرآن داند و برای محبت و شهوت دنیا حکم مخالف آن کند مستوجب
سخط الهی گردد و با یهود و نصاری در یک درجه باشد و خانه که در ان معصیت کنند لا اقل
بر خدای تعالی که آن را خراب کنند و معاصی مورث فقر و حاجت و حرمان رزق و زوال نعمت و
کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله و طاعون و قحط و انقطاع باران و ظلمت هوا و سایر

مکاره و بلایا شود و موجب علل و امراض و اوجاع و اسقام و حسرت و ندامت و
تسلط اعدا و کم آبی رود و چشمها و آفات مزارع و باغها و زیان تجارات و معاملات
گردد و رد دعا کند و خدا تعالی تقدیر اجابت آن فرماید پس بنده معصیتی کند و خدا تعالی — و بسا باشد که بنده دعا کند
فرماید بنده هم متعرض غضب من گشت و مستوجب حرمان شد محرومش کنید و قضای حاجتش
مکنید و اگر معاصی شایع شود ابرار و اخیار دعا کنند و مستجاب نگردد و هر بلیه و معصیت و
کدورت و مشقت که بآدمی رسد بعقوبت گناهانش باشد حتی اگر خاری در پای رود
یا رگی در بدن جهد با آنکه اکثر گناهان بفضل و رحمت الهی عفو شود مگر اولیا را که
بلایای ایشان برای زیادی ثواب و درجات است و چون خدا تعالی با بنده اراده
خیر و رحمت داشته باشد هرگاه گناهی کند در عقب آن او را بعقوبتی و بلیه خبردار کند تا
توبه و استغفار نماید و گناهش بیامرزد و اگر با بنده اراده غضب و عذاب داشته باشد
او را استدراج کند یعنی نعمتهای پی در پی نوازش نماید تا درجه درجه و مرتبه مرتبه گناهش
زیاده شود و مغرور گردد و استغفار و توبه را فراموش کند کسی بحضرت صادق علیه السلام
معروض داشت که چند مرتبه از خدا تعالی مسئلت نمودم و همیشه دعایم مستجاب شد ترسم
استدراج باشد فرمود و امر که اگر حمد و شکر کنی استدراج نبود و چون خدا تعالی با بنده
نظر رحمت داشته باشد عقوبات گناهانش در دنیا یا در سکرات موت یا در قبر و عالم
برزخ بحسب تفاوت مراتب گناهان کند تا روز قیامت از گناه پاک باشد حتی اگر
غم و هم و کدورت و اندوهی که او را رسد یا خوابی بیند که از آن غمگین شود گناهش را
بیامرزد و اگر با کسی نظر غضب داشته باشد حسناتی که کرده باشد در دنیا نعمت و صحت و غیر

آن

آن از نیکی مکافات فرماید و عقوبات گناهانش را بقیامت اندازد و بسا باشد
که مؤمنی گناهی کند که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت شود و خدا تعالی را مصلحت او
عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند و گاه باشد که در دنیا تقدیر مصایب و بلایا را بجهت
آنکه مقدر شده رفع فرماید و ثواب آن بلایا را نیز ذخیره روز قیامت کند و هیچ گناهی را
سهل و حقیر نباید انگاشت مثل آنکه گوید گناه میکنم بعد از آن استغفار خواهم کرد
یا گوید کاش غیر از این گناه نمیداشتم یا کاش همه گناهان من مثل این بود و یا غیر آن که
گناه که حقیر انگاشته شود آمرزیده نشود و هیچ طاعتی مقبول نشود از کسی که اصرار بر معصیت
کند و هر صغیره که بر آن اصرار کنند کبیره شود و خدا تعالی بر هر بنده چهل پرده رحمت پوشیده
که کسی بر گناهان و عیوبش اطلاع نیابد و چون چهل کبیره کند پردها همه برخواسته شود پس
خدا تعالی ملائکه را فرماید که ببالهای خود او را بپوشند و اگر همان فضایح و قبایح میکرده
باشد تا حدی که فعل قبیح کند و از آن احساس ابتهاج کند و توقع مدح داشته باشد فرماید
تا ملائکه بالهای خود را از او بردارند پس بعد از آن شروع در بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلام
کند و گناه بر سه قسم است یکی آنکه البته آمرزیده شود و آن گناهی است که خدا تعالی در
دنیا عقوبت آن کرده و کرم او از آن است که یک گناه را دو مرتبه عقوبت کند پس در
آخرت آن را بیامرزد دوم مظالم عباد اگرچه کسی بظلم دستی بکسی زند یا حیوانی شاخدار
بر حیوانی بیشاخ شاخ زند که خدا تعالی البته انتقام آن بکشد سیوم گناهی که کسی کند
و از آن توبه نماید و ترسان باشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد حضرت امام علیه السلام
76 فرمود ما نیز مثل خود کسی را و میترسیم و امید مغفرت داریم و اهل صلاح در مجلس

ایشان که قادر بر دفع آن باشند نباید نشست که مبادا غضب و عذاب بر ایشان نازل شود
و او نیز در آن میان فرو گیرد حضرت امام علیه السلام یکی از اصحاب خود فرمودند ترا در پیش فلانی
دیدم آنجا چه میکنی گفت او خالوی منست فرمود او معصیت خدا میکند یا باید ترک او کنی
و پیش او روی یا پیش ما آیی و ترک او نمایی گفت هرگاه او آنجا میکند من نکنم چه ضرر دارد فرمود
نمیترسی که بر او غضبی نازل شود و ترا هم با او بگیرد نمیدانی که مردی از اصحاب موسی که پدرش از
قوم فرعون بود چون فرعونیان بموسی رسیدند آن مرد ایستاد تا پدر خود را موعظه نموده
پیش موسی برد چون بدریا رسیدند آب همه را گرفت و غرق شدند حتی آنکه خدا تعالی جعل را
در سوراخش عذاب کند که چرا از محله اهل معاصی بیرون نمیرود **فصل سیزدهم** در رذایل بعضی
معاصی و مفاسد بسبیل تفصیل بروایت از اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین که هرکس را
آخرتی و دنیایی میسر شود اگر اختیار آخرت کند خدا از او راضی شود و سیئات اعمالش باز
و اگر اختیار دنیا کند هیچ حسنه او را نباشد که حجاب او از آتش شود و اول چیزی که معصیت
خدا با آن شد شش چیز است حب دنیا و حب ریاست و حب طعام و حب خواب و حب راحت و حب
نسا و گرگ درنده در گله بی شبان آنقدر ضرر نکند که محبت دنیا و جاه و شرف بزرگی از دین
مومن ملعونست هر کسی که پرستش دنیا کند و هرکس اراده آن کند و هرکس از این خاطر بیم کند رانده
هرچه از دنیا زیاده بر قدر کفاف باشد ملعونست حضرت عیسی علیه السلام بقریه گذشت که همه اهل آن
و دواب و طیورش هلاک گشته و دفن نکرده افتاده بودند بر بلندی بر آمده ایشان را
آواز کرد یکی از ایشان جواب گفت فرمود اعمال شما چه بود که چنین مبتلا شدید گفت اعمال
اهل معاصی و حب دنیا و طول امل و خوف قلیل و غفلت از خدا و شغل لهو و لعب فرمود که محبت شما

چون

چون شد گفت در عین نعمت و عافیت بودیم ناگاه خود را در هاویه دیدیم فرمود هاویه چیست
گفت کوههای آتش که بر ما افروخته اند و هر چند تضرع میکنیم که یکبار دیگر ما را بدنیا برگردانید تا زهد
ورزیم و طاعت کنیم میگویند دروغ میگویید فرمود چرا دیگری غیر تو جواب نگفت گفت
ایشان همه را با آتش لجام کرده اند که تکلم نتوانند کرد و من در میان ایشان بودم اما از
ایشان نبودم مرا بمویی در کنار جهنم آویخته اند نمیدانم که در جهنم خواهم افتاد یا نجات خواهم یافت
و هرکس مال حرام کسب کند یا لقمه حرام بخورد یا جامه حرام بپوشد هیچ طاعت او مقبول نشود
نه فریضه و نه نافله و بقدر آن وزر بر او نویسند و هرچه از آن مال بعد از او بماند توشه جهنمش
باشد و هرکس پروا نکند که مال از کجا تحصیل میکند خدا نیز پروا نکند از هر جا که بجهنمش برد و هر
مقدور باشد و از ترس خدا دست بر دارد خدا تعالی او را دوست دارد و رحمت خود شامل
او کند و از اهل بهشت گرداند و ترک یک لقمه حرام بهتر است از دو هزار رکعت نماز و یک
دانگ مال حرام برابر است با هفتاد حج مقبول و خدا تعالی لعن کرده کسیرا که ربا دهد و کسی که
بگیرد و کسی که آنرا نویسد و کسی که شاهد بر آن باشد و ربا هفتاد جزو است و سهلترین آن
آنست که کسی با مادر خود در خانه خدا زنا کند و یک درهم ربا عظیم تر است از هفتاد
همه با خویشان مثل عمه و خاله باشد و هیچ عبادت افضل از عفت بطن و فرج نیست
که از حرام حفظ کند و هرکس از مال یتیم چیزی بخورد بدو عقوبت معذب شود یکی در دنیا که
خدا تعالی ظالمی را بر اولادش مسلط گرداند دوم در آخرت بآتش جهنم و در هیچ خانه خیانت
یا دزدی یا زنا یا شرب خمر راه نیابد مگر آنکه برکت از آنجا نیز زایل شود و خراب گردد و
هرکس که شرب مسکری بیاشامد چهل نمازش مقبول نشود و اگر در این ایام ترک نماز کند ۲۷

عذابش مضاعف کرده و درین ایام توبه اش مقبول نشود و اگر بمیرد کافر باشد و اگر بجای
دیگر بیاشامد خدای تعالی از چرک و ریمی که در جهنم از فروج زانیان می آید باو بیاشاماند و اگر
مداومت بران کند مثل بت پرست باشد و شرابخوار روز قیامت رو سیاه ازرق
دهنش کج شده لعاب دهنش روان گشته پیشانی بر انگشت پا بسته بمحشر آید بهیاتی که
اهل محشر همه ازو بترسند و حضرت پیغمبر صلعم ده کس را در شراب لعن فرموده کسیکه
تاکش را بنشاند و کسیکه محافظتش کند و کسیکه بیفشرده و کسیکه بیاشامد و کسیکه ساقیش
باشد و کسیکه برای ببرد و کسیکه برایش برند و بایع و مشتری و کسیکه قیمتش بخورد
و فرموده با شارب الخمر مجالست مکنید و دختر باو مدهید و ازو مخواهید و امانت
باو مسپارید و عیادتش مکنید و بر جنازه اش مشوید کسی از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسید حاضر
که مردی از محبان و موالی شما است اما شراب میخورد فرمود اگر بمیرد برو نماز مگزارید و
هر کس شراب یا مسکری دیگر داخل عرقی از عروقش شود خدای تعالی آن عرق را سیصد و شصت
نوع عذاب کند و هر کس یکقطره شراب یا مسکری دیگر بکودکی دهد خدای تعالی او را از حمیم جهنم
بیاشاماند و حمیم آبیست در جهنم که چون نزدیک آرند هنوز بلب نرسیده از شدت حرارتش
رو پوست افتاده و هر کس میل سرمه که شراب یا مسکری دیگر در ان باشد در چشم کشد روز
قیامت میلی از آتش در چشمش کشند و هر کس ترک شراب کند نه برای خدا بلکه همین برای
مصلحت خود خدای تعالی او را شکر کند و از رحیق مختوم بنوشاند که شرابیست خاص از شراب
بهشت که خدای تعالی سرش را بمشک مختوم ساخته و برای خواص خود مقرر فرموده و از
حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که چون سر مبارک امام حسین علیه السلام را بشام بردند یزید علیه اللعنه

والعذاب

والعذاب فرمود که آنرا در طشتی گذاشته رو پوشی بران انداخته و بر روی آن شطرنج
میباخت و فقاع می آشامید و درد جام با در پیش طشت میریخت پس هر کس شیعه ما باشد بر زمین
باید از فقاع و شطرنج اجتناب کند و هر کس چون نظرش بر شطرنج افتد و بر یزید لعنت
کند گناهانش همه آمرزیده شود اگر چه مثل ستاره آسمان باشد و نیز مرویست که هر شب
در ماه مبارک رمضان خدای تعالی جمعی بسیار را از آتش آزاد کند مگر کسی که افطار بمسکر کند
یا صاحب شطرنج باشد و هر چه بان قمار کنند مثل آن بود و شیخ صدوق رحمه الله در کتاب
من لا یحضره الفقیه گفته نرد شیر نیز بدتر است از شطرنج و دوستی شطرنج کفر است و بازیش
شرک و تعلیمش گناه کبیره موبقه و سلام بر کسی که بان بازی کند معصیت و نظر بر آلات آن
مثل نظر بر فرج مادر است و هر چه بان قمار کنند مثل این باشد حتی بازی با انگشتر و گردکان و غیر
آن و هر کس صنج زند شیطان باو رفیق شود و ملائکه بگریزند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
مرویست که وقتی که آدم رحلت نمود ابلیس و قابیل بموت او شماتت نموده باهم اسباب
لهو و لعب اختراع کردند بعد از ان فرمود هر چه ازین قبیل بهر ما باشد که مردم از ان ملتذ شوند
مثل آن بود و در خانه کسی که چهل روز بربط نوازند شیطانی قفقند نام برو مسلط
کرده که هر عضو خود را بر عضوی از و گذارد و در و بدمد بعد از ان غیرت و حیا ازو برود تا حدی
که زنانش زنا کنند و پروا نکند و نواختن عود و امثال آن نفاق در دل برویاند چنانچه
آب گیاه را همچنین دیگر روایت شده که نکاح را علانیه کنید و در ان دف بزنید و شنیدن
لهو و غنا نیز نفاق رویاند چنانکه آب گیاه و اهل این مجالس از معصیت ایمن نباشند
و دعاشان مستجاب نشود و خدای تعالی بر ایشان نظر نکند و فرشته داخل نشود و غنا از جمله ۲۸

چنانچه آمده است که خدا تعالی فرموده که برای اهل آن عذاب معین بسیار است و در بهشت درختی است
که خدا تعالی بادها را امر کند که آن را حرکت دهد پس نغمه کند که هیچ گوشی مثل آن نشنیده باشد
نرم شود و برای جمعی که در دنیا از غنا منزه باشند و کسی که از آن اجتناب نکرده باشد
از شنیدن آن محروم باشد و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونند و ملعونست کسی که از
کسب ایشان بخورد و بیعشان حرام و شرای ایشان حرام و تعلیمشان کفر و شنیدن صدا
از ایشان نفاق و قیمتشان سحت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که گوش بهر
کس کنی عبادت او کرده باشی و اگر باطل گوید از شیطان گوید عبادت شیطان و
احادیث بسیار نیز در مدح صوت حسن و ترتیل قرآن بصوت خوش و رخصت ترنم
وارد شده که مثل آنکه خوب نغمتی است صوت حسن و هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر بصوت
خوش و مثل آنکه ائمه علیهم السلام از همه کس خوش آوازتر بودند و اگر امام اندکی از حسن صوت خود اظهار
کند هیچ کس تاب نمی آرد و حضرت سجاد علیه السلام چون تلاوت قرآن میفرمود مردم از حسن صوتش
بیهوش می افتادند و مثل آنکه قرآن بحزن نازل گشته بحزن تلاوت کنید و در قرائت قرآن
ترجیع صوت کنید که خدا تعالی دوست میدارد صوت حسن که ترجیع کنند و حضرت پیغمبر صلعم
فرمود قرآن را با لحان عرب بخوانید و با لحان اهل فسوق و کبایر مخوانید و بعد از من
جمعی بیایند که قرآن را ترجیع غنا و نوحه ترجیع کنند دلهای ایشان و جمعی که ایشان را خوش دارند
برگشته است و کسی از حضرت سجاد علیه السلام سؤال کرد از خریدن جاریه خوش آواز فرمود که ضرری
ندارد اگر بخری و ترا بیاد بهشت اندازد و نیز اخبار بسیار وارد شده که باکی نیست در
کسب مغنیه که در عروسیها باشد در مثل جایی است که مردان بر ایشان وارد شوند لیکن بعضی

این

این احادیث معلوم است که نغمه دو قسمت یکی مذموم و حرام که غناست و توعیدات و
عقوبات بر آن وارد شده دوم ممدوح و حلال که مباح و رخصت در شان آن آمده
اما در تحقیق معیار حلال و حرام اقوال مختلف گفته اند اما آنچه این حقیر از ظاهر قرآن مجید و
مجموع احادیث وارده درین باب استنباط نموده اینست که معیار حل و حرمت حقیت
و باطلیت اعنی هر نغمه و صوت و تصنیع و تصرفی که سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت
بدنیا و هیجان شهوات و لذات دنیوی و آرزوهای باطل و خیالهای فاسد و مجملا
سبب باطل باشد مذموم و حرامست و هرچه سبب رقت قلب و اشک چشم و دلسردی از دنیا
و شهوات و شوق به آخرت و باقیات صالحات و مجملا سبب حق باشد ممدوح و حلالست
چنانکه بعضی از احادیث مذکوره مثل امر بتلاوت قرآن بحزن و بیهوش گشتن مردم
از صوت امام علیه السلام و امر بالحان عرب و نهی از الحان اهل فسوق و یاد آوردن بهشت و رخصت
کسب مغنیه در عروسی و ظاهر قرآن و سایر اخبار بسیار نیز غیر اینها مشعر است بآن از انجمله تعبیر
از غنای حرام بلفظ لهو و لغو و قول زور که در قرآن و احادیث بسیار واقع شده و
از انجمله اخبار بسیار که از ائمه اطهار علیهم السلام سؤال کردند از غنا فرمودند روز قیامت که
خدای تعالی حق و باطل را از هم جدا کند غنا در کدام طرف باشد سایل گفت در طرف باطل
فرمود خود محاکمه نمودی و از انجمله که جمعی از امام علیه السلام از غنا سؤال کردند فرمودند شما عقلا
کرام باشید شما را با باطل چه کار است والله اعلم و الراسخون فی العلم چون انجمله دانستی بدانکه
آنچه در غنا گفته شد در ساز نتوان گفت چنانکه بعضی از فقهاء توهم میکنند زیرا که اصل
ساز مطلقا حرامست و درین میان هیچ یک از انواع آن از رخصتی نیست بخلاف آواز خوش که

اصل آن طلقه حرمتش ثابت نیست بلکه در اصل آن حلال و حرام هر دو هست چنانکه احادیث
مذکور در تحت در آن پس فرق میان حلال و حرام بآنچه گفته شد توان نمود و ایضا باید دانست
که صوتی که اصلش حلالست گاهی بالعرض حرام شود مثل آنکه مقرون بساز و لهو باشد و نظیر آن
طعام حرامست که اصلش حلالست و بالعرض بأخذ حرام گشته و ایضا بدانکه معیار شناختن
صوت حرام اینست که در اکثر طبایع اول مرتبه تهییج حق یا باطلی کند اگرچه گاهی در بعض طبایع
یا بسبب عادت و ریاضت خلاف آن باشد چنانکه معیار خوبی و بدی در طعوم و روایح آنست
که اکثر طبایع را اول مرتبه خوش آید یا بد آید و اگر گاهی بعضی طبایع بسبیل ضرورت یا بعد از عادت
از طعمی یا رایحه خوش آید یا بد آید معتبر نیست والحمد لله رب العالمین و چون زنا شایع شود موت
فجاة و اوجاع غریب که قبل از آن در میان ایشان نبوده شایع شود و زانی را خدای تعالی
شش عقوبت کند سه در دنیا که نور از رویش برود و بفقر مبتلا شود و اجلش نزدیک
گردد و سه در آخرت که غضب خدا و سختی حساب و خلود در آتش و در روایتست که سیصد هزار
در از جهنم بر رویش گشوده شود که شعلهای آتش و عقارب و حیات از دوزخ آیند و عذاب
کنند تا روز قیامت و بعد از آن بدوزخ برند و چون روز قیامت شود زنان محشور شوند بوی
در غایت عفونت از فرج ایشان آید که همه اهل محشر متاذی شوند و هیچ خبر نماند مگر اکثر ایشان
لعن کنند و هرکس با زنی نامحرم مکالمه کند بهر یک کلمه که گوید هزار سال در دوزخ محبوس گردد
و اگر زن برغبت شود و اطاعت کند هرچه در میان ایشان گذرد گناه هر دو مثل گناه مرد باشد
و اگر مجبور باشد گناه او نیز بر مرد نوشته شود و هرکس چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی آن
چشم را از آتش پر کند و هرکس با زنی نامحرم در آویزد او را با شیطانی در زنجیر آتش کنند پس در

آتش

آتش اندازند و هرکس از زنان مردم عفیف باشد مردم نیز از زنان او عفیف باشند و هرکس از
عقب زنان مردم رود مردم نیز از عقب زنان او روند و هر نحو با مردم معامله کند با او چنان
معامله کنند حضرت پیغمبر صلعم فرمود که با فلان طایفه تزویج کنید که مردانشان عفیفند که زنانشان
نیز عفیفند و با فلان طایفه تزویج مکنید که مردانشان عفیف نیستند که زنانشان نیز چنین اند
و هرکس را نظر بر زنی نامحرم افتد و چشم از او بگرداند هنوز چشم بر هم نزده باشد که خدای تعالی او را
ایمانی عطا فرماید که لذتش دریابد و از حور العین با ایشان تزویج نماید و هرکس لواطه کند با زنی
نامحرم یا با مردی هیچ فریضه و نافله از او مقبول نشود و از عفونت او اهل محشر متاذی
باشند و کافر باشد و بر استبرق و حریر بهشت ننشیند کسی که با او لواطه کنند و هرکس
یک کس را بناحق عمدا بکشد چنانست که جمیع مردم را کشته باشد و جزایش جهنم بود و
خدای تعالی مقتول را از همه گناهان پاک کند و همه را بر قاتل نویسد و سرکشترین مردم از خدای تعالی
کسی است که کسی را بناحق بکشد و یا بزند و اگر اهل سموات و ارض در قتل مسلمی شریک
باشند و بآن راضی باشند خدای تعالی همه را سرازیر در دوزخ افکند و هرکس که اعانت
قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول مطالبه خون خود کند و هرکس با مومنی در حاجتش
رفاقت کند و خیر او را در آن ملاحظه نکند با خدا و رسول و ائمه اطهار صلوات الله
علیهم خیانت کرده باشد و روز قیامت با او مخاصمت کنند و هرکس مباشر کاری از
مومنان شود و آن را ضایع کند خدای تعالی او را ضایع کند و هرکس والی و امیر جمعی شود
اگرچه همین ده کس باشند و میان ایشان عدل نکند روز قیامت سر و دست
و پا بسته در سوراخ فاسی کرده بمحشرش آرند و هر والی که از رعیت حوایج ایشان

فقیری کرده

رو پنهان کند خدا تعالی روز قیامت از وی و از حوایجش اعراض کند و اگر در کار ریاستی
ایشان بهره بگیرد خیانت کرده باشد و اگر در حکم حق میان ایشان شود بگیرد و اگر
باشد اول کسی که داخل جهنم شود پادشاه و حاکمیست که با رعیت عدالت نکند و صاحب
مالی که حق مال را ندهد و فاجری و هر کس که بر کسی ظلم کند خدا تعالی او را یا مال او را در نفس یا مال
یا در ولد و لدش مواخذه نماید و ظلم در دنیا ظلمات است در آخرت و بر صراط پلی است
که هیچ کس با مظلمه از آن نتواند گذشت و هر کس مال کسی بظلم و غصب بگیرد خدا تعالی از وی
رحمت بگرداند و هیچ طاعت و حسنات او قبول نفرماید و در نامه عملش ثبت نکند تا آنکه
توبه کند و هر کس ظالم را در ظلم مدد و یاری دهد و حمایت کند خدا تعالی ظالم را بر او مسلط گرداند
و در آنحال که مظلوم باشد دعایش مستجاب نشود و در آن که رو میشود اجر نداشته باشد
و هر کس اعانت ظالمی کند در کار هیچ شریک باشد و با او محشور شود حتی کسی که لیقه در دوات
کند یا به قلمی ایشان نویسد یا کیسه بندد و کسی که راضی بظلم باشد مثل ظالم بود و خدا تعالی
در زمان پادشاهی جبار به پیغمبری وحی فرموده که باین پادشاه بگو که من ترا پادشاه
نکرده ام که خون مردم بریزی و مال ایشان بگیری بلکه ملک بتو داده ام که داد مظلوما
رسی من از مظلم ایشان نخواهم گذشت اگرچه کافر باشند و هر کس سلطان جابر را دعا
کند با ظالم را استیلای ظلم گرداند در دوزخ قرین هامان باشد و هر کس صبح برخیزد
و ظلم کسی در خاطر نداشته باشد گناهان آن روزش آمرزیده شود و هر کس با مخالفین
و ظالمین مقاربت کند و ملازمت ایشان نماید از خدا تعالی دور شود و هرچند با ایشان
نزدیکتر از خدا دورتر باشد و خدا تعالی روح از دلش بیرون برد و حیرانش گرداند و حضرت

صادق

صادق عم فرمود حق است بر خدا تعالی که شما را در آخرت رفیق گرداند با کسی که زندگانی
با او کرده اید و کسی از آنحضرت عم پرسید که شیعیان از پریشانی گاهی کار را مثل
بنای عمارت و حفر نهر و باغبانی برای مخالفین میکنند فرمود اگر تمام مدینه را بمن دهند
که برای ایشان سر کیسه بندم و یک قلم ننویسم که اعوان ظالمین روز قیامت در سرا
پردهای آتش باشند تا وقتیکه خدا تعالی میان عباد حکم کند و هر کس سلطان جابر را برای طمع
مدح کند در جهنم قرین او باشد و هر کس پیش صاحب سلطنتی یا مخالفی در دین برای طمع تذلل
و افتادگی کند خدا تعالی او را [illegible] برگشتن بر دارد و اگر با آن مال حج یا عتق رقبه یا سایر
وجوه بر کند اجر نیابد اما از ایشان عم روایات آمده که اگر از مخالفین و اهل جور مالی بتو
رسد بی آنکه او در آن سعی نماید قبول کند حلال باشد و روایت دیگر آمده که مالی از ایشان
بهر نحو بدست آید خمس آنرا بفقرای شیعه بدهید تتمه بر شما حلال باشد و کسی بحضرت
امام محمد باقر عم معروض داشت که مدتی در دیوان مخالفین حکومت کرده ام هیچ کفاره
داشته باشد فرمود نه تا حق هر کس را بصاحبش نرسانی و کسی بحضرت صادق عم معروض
داشت که من در دیوان بنی امیه نویسنده بودم و مال بسیار از آن بدستم آمده که
چشم از مواخذه آنش پوشیده ام فرمود اگر ایشان نویسنده و خدم و حشم نیابندی
بر ما دست نیابند و حق ما را غصب نکنند گفت از آنچه کرده ام مخرجی داشته باشم فرمود
اگر بگویم میکنی گفت بلی فرمود از هرچه در آن تحصیل کرده بیرون آی و هر کس را می
شناسی مالش را بده و هر کس را نمی شناسی برایش تصدق کن من برای تو ضامن بهشت
شوم پس آنمرد رفت چنان کرد حتی لباسی که در بدن داشت بیرون کرد تا آنکه آشنایان

در میان خود برایش قوت و لباس توجیه کردند و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد
یکی از اصحاب آنحضرت گوید بعیادتش رفتم چشم باز کرده گفت واالله که آنحضرت بوعده
خود وفا نمود و رحلت نمود پس بخدمت آنحضرت رفتم همینکه مرا دید فرمود که واالله که
بوعده فلانی وفا کردم و بعد از ایشان عار و ابا آمده که اگر کسی بملازمت مخالفین و ظالمین
مبتلا شود کفاره اش آنست که قضای حوایج مؤمنین و رفع ظلم از ایشان و ایصال
نفع بایشان کند تا حسنه در برابر سیئه باشد و چون ترک امر معروف و نهی منکر شایع
شود خدا تعالی با ایشان محاربه کند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده تمام اعمال خیر و جهاد
در راه خدا در پیش امر معروف و نهی منکر مثل آبیست که کسی بروی دریای عظیمی تف
کند و فضل آن کلمه حقی است که در پیش حاکم جابر گفته شود و چون کیل و وزن نقصان
کنند بفقر و قحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون منع زکوة کنند زمین منع خیرات
خود مثل زرع و ثمار و معادن کند و چون قطع ارحام کنند اموال بدست اشرار منتقل
شود و هرکس صورت حیوان بسازد روز قیامت خدا تعالی عذابش فرماید که در آن صورت
روح بدمد نتواند و فرقی که میان سایه دار و غیر آن مشهورست اصلش در حدیث معلوم
نیست و هرکس غضب برو مستولی باشد ربقه اسلام از و منخلع بوده با اعراب جاهلیت
محشور شود و هرکس نگاهی از روی غضب بمؤمنی کند که او را بترساند خدا تعالی بغضب خود او را
بترساند و هرکس بقدر ذره کبر در دلش باشد داخل بهشت نشود و متکبران روز قیامت بصورت
مور محشور شوند و اهل محشر پا بر ایشان گذارند و پامال باشند تا خدا تعالی از حساب خلایق
فارغ شود و در جهنم موضعی است برای متکبران که سقر نام آنست از شدت حرارت

شکایت

شکایت کرد و از خدا درخواست نفسی کشید از نفس او تمام جهنم سوخت و بغی و سرکشی صاحب
خود را بکشد تا جهنم ابلیس بحجت خود گفت بغی و حسد در میان افکنید که برابر است با شرک
و هیچ چیز بغی و زیادتی بر چیزی نکند مگر آنکه خدا تعالی ذلیلش گرداند و حسد ایمان را بسوزد
چنانکه آتش هیمه را و هرکس بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد با کفار جاهلیت محشور
شود و هرکس تعصب کند ربقه ایمان از گردنش منخلع شود و آفت حسب افتخار است روزی
کسی در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفت من فلانم و صاحب حسب عالی و در قوم خود
بزرگ و عزیزم فرمود چه منت حسب ما میبینی خدا تعالی بایمان بلند گردانیده هرکه مؤمن
باشد و بکفر ذلیل گردانیده هرکه کافر باشد و هیچ کس را بر کسی فضلی نبود مگر بتقوی
و هرکس با مردم بدو رو و دو زبان معاشرت کند روز قیامت او را دو زبان از
از آتش باشد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود اگر نه مکر و خدعه در جهنم بود من از همه
کس مکارتر بودم و مرویست که همین عیب بس است آدمی را که مردم را ببیند و از عیوب
خود چشم بپوشد و عیب کند دیگری را بصفتی که خود ترک آن نتواند و همنشین را بی سبب
برنجاند و نزدیکترین صفات بکفر آنست که عیوب و خطاهای مؤمن را ضبط کنی تا
روزی بر آن سرزنش و تعییرش کنی و هرکس در پی عیوب مسلمین باشد خدا تعالی در پی
عیوب او باشد تا رسوایش کند و حضرت پیغمبر صلعم فرموده جمعی عیوب بسیار داشتند چون
از عیوب مردم خاموش بودند خدا تعالی مردم را از عیوب ایشان خاموش کرد تا آنکه مردند
و عیبی از ایشان در میان مردم نبود و جمعی دیگر هیچ عیب نداشتند عیب گویی مردم کردند
خدا تعالی عیب چند از ایشان اظهار فرمود که بر زبانها افتادند تا از دنیا رفتند و هرکس

بدی و معصیتی از کسی فاش کند چنانست که خود آن را کرده باشد و هر که مومنی را بعیبی سرزنش کند از
دنیا نرود تا خودش بآن مبتلا شود و خدا در دنیا و آخرت او را سرزنش کند و مرویست که
مومن از نور عظمت و جلال خدا مخلوق گشته هر کس بر وی طعن و رد کند رد خدا کرده باشد و شریک
شیطان باشد و مرویست که اگر کسی غیر مومن را طعن کند بیند زین وجهی بمیرد و هر کس از مومن خبری
روایت کند که باعث خفت او باشد در نظر مردم خدا تعالی او را از ولایت خود بیرون کند بولایت
شیطان و شیطان نیز قبولش نکند و هر کس در معصیت مومن شماتت کند از دنیا نرود تا بآن
مبتلا شود و هر کس مومنی را غیبت کند چنانست که گوشت میته او را بخورد و روز قیامت از دهنش
بوی بد برآید بوی چنین که اهل محشر از آن متاذی شوند و از جمله آنان باشد که خدا تعالی
فرموده جمعی که میخواهند معصیت در میان ایشان شایع شود بعذاب الیم معذب باشند
و هر کس غیبت مومن را بشنود و قادر بر اعانت او باشد و نکند خدا تعالی در دنیا و آخرت
ذلیلش گرداند و اعانتش نکند و گناهش هفتاد مرتبه بیش از کسی باشد که غیبت کرده و اگر
اعانتش کند و غیبت را از او دفع نماید خدا تعالی هزار نوع بدی در دنیا و آخرت از او دفع
نماید و از آتش آزادش گرداند غیبت آنست که صفتی اگر در او باشد و او خود پنهان دارد
و مردم ندانند ذکر کند و اگر خود پنهان ندارد غیبت نباشد و اگر آن صفت در او نباشد
بهتان باشد و هر کس مومن یا مومنه را بهتان کند روز قیامت بر سر تلی از آتش نگاهش
دارند آن قدر که از گناه پاک شود و بهشت حرامست بر کسی که غیبت مومنان گوید و
سخن چینی کند تا میان ایشان فتنه افکند چهار کس را بجهنم برند و از حمیم جهنم بیاشامند که اهل
جهنم از ناله و فغان ایشان زاری کنند و گویند ایشان چه کسانند که ما را با این همه عذاب

آزار

آزار میکنند پس با ایشان گویند آنکه در تابوت آتش محبوس است کسی است که اموال مردم بر گردنش
بود و ادا نکرده و اراده ادا کردن هم نداشت و آنکه روده هایش کشیده روان گشته از بول
اجتناب و مبالات نمیکرد و آنکه چرک و خون از دهنش روانست سخن مردم حکایت میکرد
و میان ایشان فتنه می انگیخت و آنکه گوشت خود را میخورد غیبت و نمامی میکرد و هر کس
با مومنان بدگمان باشد ایمان در دلش بگدازد مثل نمک در آب و هر کس مومنی را از حاکم
بترساند و از آن حاکم ضرری باو رسد جزایش جهنم باشد و اگر ضرر نرسد با فرعون و آل
فرعون در جهنم باشد و اگر تازیانه بر مومن زند خدا تعالی تازیانه از آتش بر وی زند و اگر
طپانچه زند روز قیامت اعضایش از هم جدا گشته غل بر دستهایش گذاشته محشور شود
تا بجهنم رود مگر آنکه توبه کند و هر کس تازیانه یا چوبی در دست گیرد و پیش حاکم جابر بایستد خدا تعالی
آن را اژدهایی کند که طولش هفتاد ذراع باشد و روز قیامت بر وی مسلط گرداند و خدا تعالی
فرموده هر کس متعرض قسمهای دروغ شود از رحمت من بی نصیب باشد و هیچ کس را نرسد که
قسم بغیر خدا تعالی خورد و قسم بخدا تعالی نیز برای هر مطلب سهل اگر چه راست باشد نشاید خورد
که موجب استخفاف بعظمت آن جناب است تعالی من ذلک و هر کس حق مومنی را حبس کند
و بعذر تاخیر کند مثل وزر عشاری بر او نویسند و روز قیامت پانصد سال او را بر پای
دارند تا رود ها از عرقش روان شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق مومن را حبس
کرده پس چهل روز توبیخش کنند پس با تش امر فرمایند و هر کس قدرت ادای دین نداشته
باشد مثل دزد حرامی بوده و همچنین کسی که زکات کوته کند و کسی که مهر زن را ببرد و کسی که نیت
ادای دین نداشته باشد و دو ملک از جانب خدا بر او موکل شوند که محافظتش کنند و اعانتش ۲۳۷

تا خیر نماید بر که رد نقد ... شود و هر کس ... روز که

نماینده و اگر بتقصیر از ادای دین کوتاهی کند ملکین نیز بعد از آن در اعانتش کوتاهی کنند و چون
کسی چون کسی که در راه خدا کشته شود قطره اول که از خونش بریزد کفاره همه گناهانش باشد
مگر دین که کفاره ندارد مگر ادای آن یا آنکه صاحب حق حلال کند یا کسی بعهده خود گیرد و صاحب
حق راضی بآن شود و هر صاحب دینی که طلبکارش از پیش او راضی برگردد دواب زمین و ماهی
دریا بر وی صلوات فرستند و اگر آزرده برگردد و حال آنکه قادر باشد هر شبانه روز که حق
او را حبس کند ظلمی بر وی نوشته شود و رضای طلبکار آنست که اگر مقدور باشد حقش را
ادا کند و اگر مقدور نباشد بملایمت و همواری عذر خواهی کند و هر کس بر اجیر در
اجرتش ظلم کند بوی بهشت بر وی حرام شود و هر کس اجیر را از نماز جمعه منع کند گناهش
رو باشد و اگر مانعش نشود در ثوابش شریک باشد و در دادن اجرت اجیر تعجیل باید
نمود مرویست که هنوز عرقش خشک نشده که اجرتش را بدهید و پیش از آنکه اجرتش را
مقاطعه کنند کار نباید فرمود هر چند گوید که هر چه بدهید راضیم و مضایقه ندارم که تاکید
بلیغ در این وارد شده و هر کس شهادت ناحق دهد با منافقین در درک اسفل جهنم
بازبانش بیاویزند و هر کس شهادت کند خدا تعالی در میان اهل محشر گوشتش را کتمان
باو بخورانند و زبان خود را میخاییده باشد تا بجهنم رود و خوردن گل مورث نگرانی
و تهییج سودا کند و قوت ساق و قدم ببرد و از عباداتی که پیش میکرده هر چه در یسوقت
بسبب ضعف بنقصان یابد بران حساب و عذاب کنند و هر کس در معصیت خالق اطاعت
مخلوق کند و رضای او جوید از دین خدا بیرون رود و خدا تعالی چنان کند که هر کس مدحش
میکردند مذمتش کنند و مؤمن گناه کند بهتر است از آنکه بعمل و عبادت عجب ورزد و گرنه

چنین

چنین بودی خدا تعالی هرگز مؤمن را بگناه مبتلا نکردی و حضرت امام علیه السلام فرمود که عابدی
و فاسقی باهم بمسجد رفتند چون بیرون آمدند عابد فاسق و فاسق صدیق بود زیرا که
عابد بعبادت خود مغرور و معجب و فاسق از معصیت خود ترسان و پشیمان بود و
استغفار مینمود و نیز فرمود عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو چگونه است گفت کسی
مثل منی سؤال عبادت کند مگر چندین سالست که عبادت میکنیم پرسید که گریه ات چون است
گفت اشک از چشمم روانست عالم گفت اگر خندان و ترسان میبودی بهتر از آن بود که
مشعوف و گریان باشی چون کسی بعمل خود مشعوف و از خود راضی باشد هیچ عمل از و مقبول
نشود و این بود ذکر بعضی معاصی و رذایل آن و بعضی نیز در فصول سابقه گذشت و بعضی
نیز در مباحث خود انشاء الله بیاید و بحول و قوته جمیعها **فصل چهاردهم** در دوای معاصی
و سیئات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر علتی را دوائیست و دوای ذنوب
استغفار است استغفار بهترین دعاست گناهان را بریزد مثل برگ از درخت هر کس
استغفار بسیار کند نامه عملش نورانی و درخشان بالا برند خوشا کسی که روز قیامت در
نامه عملش در پای هر گناهی استغفاری باشد کسی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که مرا
چیزی تعلیم فرمای که چون بآن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم فرمود انا انزلنا بسیار بخوان
و لب را باستغفار تر و تازه دار و بر از این ائمه علیهم السلام مرویست که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست
کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و خدا تعالی از توبه بنده خود بیشتر از آن فرحان
۳۷ و شادمان میشود که کسی در سفر در شب تاریک زاد و راحله خود را گم کرده باشد و بیابد و

توبهٔ نصوح کند یعنی بعد از توبه دیگر رجوع بگناه نکند و اگر نادر خطایی صادر شود باز توبه کند
و بر گناه مصر نباشد خدا تعالی او را دوست دارد و در رحمت خود بپوشد و گناهش را از یاد ملکین
بیرون برد و با عضای او و مکانی که گناه کرده امر فرماید تا گناهانش را پوشیده دارند تا روز
قیامت هیچ چیز شهادت بگناه او ندهد و اگر بر گناه مصر باشد و ترک نکند و استغفار میکرده
باشد چنانست که بخدا تعالی استهزا کند و خدا تعالی سه نعمت به توبه کنندگان عطا فرموده که
اگر یکی از آنها را بتمام اهل آسمان و زمین عطا فرمودی همه نجات می یافتند یکی آنکه ایشان را
دوست داشته و هر کس را خدا دوست دارد عذاب نکند دوم ملائکه و حملهٔ عرش را فرموده
برای ایشان استغفار کنند و دعای ایشان را البته اجابت فرماید سیوم آنکه وعده فرموده
سیئات ایشان را بحسنات بدل فرماید و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که هر کس را گناهی مقرر
پس خدا را بیاد آورد و از ملائکه کاتبان شرم کند و آنرا ترک کند گناهش آمرزیده شود اگرچه
مثل گناه تمام جن و انس باشد و هر کس معصیتی کند پس در دل از خدا تعالی بترسد و بداند که خدا قادر است
بر عقوبت آن گناهش را بیامرزد پیش از آنکه استغفار کند و چون مومن گناه کند از او فوتش
نکند اگرچه بعد از بیست سال باشد بیاد آورد و استغفار کند و آمرزیده شود و چون کافر
گناه کند برود از آن نکند و فراموش کند و حضرت صادق ع فرمود گاه باشد که خدا تعالی
بنده را به بهشت برد کسی پرسید چون شود که گناه موجب بهشت باشد فرمود گناه کند و پشیمان
شود و همیشه ترسان باشد با خود دشمن شود و خود را عتاب و توبیخ کند پس خدا تعالی بر او رحم
فرماید و به بهشت برد و هم از ایشان ع مرویست که هر چیز کیل و وزنی دارد مگر گریه که یکقطره
اشک

اشک دریاهای آتش را فرو نشاند و اگر کسی بر امتی گریه کند خدا تعالی بگریه او بر آن امت رحم
فرماید و اگر اشک در چشم پر شود غبار مذلت بر او ننشیند و اگر روان شود خدا تعالی
بدنش را بر آتش حرام کند و بهر یک قطره مثل کوه احد اجر کرامت فرماید و بهر قطره در بهشت
چشمه آب عطا فرماید که در اطراف آن شهرها و قصرها باشد که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچ کس نگذشته
باشد و هیچ قطره پیش خدا دوست تر از دو قطره نیست قطره خونی که در راه خدا بریزد و قطره
اشکی که در شب تاریک از ترس او بچکد هر چشمی روز قیامت گریان باشد مگر سه چشم چشمی که
از ترس خدا گریسته و چشمی که در طاعت او بیخوابی کشیده و چشمی که از حرام پوشیده چشمی
که از ترس خدا بگرید مقامشان در رفیع اعلا باشد که هیچ کس با ایشان در آنجا شریک نبود
و حضرت پیغمبر بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود یا علی چند چیز را
وصیت میکنم محافظت نمای و از آنجمله فرمودند از ترس خدا گریه بسیار کن که بهر قطره هزار خانه
در بهشت عطا فرمایند و هم از ایشان علیهم السلم مرویست که اگر کسی شبانه روزی چهل
کبیره از و صادر شود چون پشیمان شود و بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ
الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْئَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ
عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ همه گناهانش آمرزیده شود و خیری نیست در
کسی که بگرود زیاده از چهل کبیره کند و اگر کسی هر روز صد مرتبه استغفر الله بگوید هفتصد
گناهش آمرزیده شود و اگرچه فرار از زحف نموده باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که از
اعظم کبایر است و نیز مرویست که هر کس بگوید اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
۳۷ ل إِلَّا أَنْتَ خدا تعالی فرماید ای ملائکه بنده من میداند که گناهش را بغیر از من کسی نیامرزد گواه باشید

که او را آمرزیدم و کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم از بسیاری گناه شکایت
کرد فرمود که سجده بسیار کن که سجده گناه را بریزد چنانکه باد برگ را از درخت و
روایت دیگر آمده که بیک سجده خطیئه محو شود و درجه بلند گردد و مرویست که کسی در
حضور حضرت امیر المومنین علیه السلام گفت استغفر الله آنحضرت فرمود مادرت بر تو بگرید
هیچ میدانی استغفار کدامست استغفار شش شرط دارد اول آنکه از کرده پشیمان
باشی دوم آنکه عزم داشته باشی که دیگر رجوع نکنی سیوم آنکه حقوق مردم را ادا
نمائی تا هیچ کس را پیش تو مطلبه نباشد چهارم آنکه هر فریضه که در آن تقصیر کرده تلافی
کنی پنجم آنکه گوشتی که از حرام در بدنت رسته بغم و اندوه بگدازی تا پوست
باستخوان چسپیده و در آن میان گوشت تازه بروید ششم آنکه بدن را الم و مشقت طاعت
بچشانی چنانکه لذت و راحت معصیت چشانیده چون باین شرایط عمل کنی استغفار
کرده و بباید دانست که اگر گناه حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی نبود چنانکه
چند حدیث باین معنی در فصل سابق گذشت که فرمودند که اموال مردم کفاره ندارد
مگر آنکه هر که را شناسی حقش را برسانی و هر که را نمی شناسی از جانب او تصدق کنی و نیز کسی از
حضرت صادق علیه السلام پرسید که اگر کسی با جاریه کسی زنا کند توبه اش چیست فرمود آنکه دیگر
این عمل نکند و از صاحب جاریه معذرت خواهد و التماس نماید که او را حلال کند گفت اگر
حلال نکند چون باشد فرمود زانی و خاین بازگشت پس بجهنم خواهد رفت گفت شفاعت
پیغمبر ص و شفاعت ائمه گناه شما را وفا کند اما آنکه بر شفاعت تکیه کند که چون کسی
این عمل کند و الله که تا الم عذاب و هول جهنم نه بیند شفاعت او را در نیابد و امثال این

احادیث

احادیث بسیار وارد شده و نیز مرویست که کسی که تلافی که کرده نتواند برای مظلوم
استغفار و طلب آمرزش کند کفاره آن میشود و اگر کسی غیبت کرده باشد هر مرتبه که بخاطر
رسد برای او استغفار کند کفاره آن میشود و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود بسا کسی که
طلب کند که دستش بآن نرسد بهتر آنست که ترک گناه کنی و از بیم رد توبه فارغ باشی
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم باب دوم در تنظیف بدن و جامه از کثافات
و اخباث ظاهری و تطهیر جسد و دل از کدورات و احداث باطنی و بجموع انشاء الله
در ده فصل بیان شود فصل اول در فضیلت نظافت از حضرت امیر المومنین ع مرویست
که فرمود پاک کنید بدن و جامه را از بوهای بد که خدا تعالی دشمن دارد کثافت و بوی بد را
و نیز فرموده شستن جامه دلگیری میبرد و جامه را برای نماز پاک میکند و از اهل بیت
طهارت صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که پاک کردن جامه دلگیری میبرد و بدن از
کثافت از جمله اخلاق انبیاست فصل دوم در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا باید
بجای آورد از اهل بیت عصمت ع مرویست که چون داخل حمام شوی پای چپ پیش گذاری
و بسم الله بگوئی و بگوئی اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم
و هر کاری که در حمام یا در غیر حمام کنی از نشستن و برخاستن و غیر آن هرچه باشد بسم الله
بگوئی تا از شر شیطان ایمن باشی و در وقت غروب آفتاب و میان نماز شام و خفتن
بحمام نباید رفت که شیاطین در این دو وقت در زمین متفرق باشند و چون خواهی
جامه بیرون کنی بگوئی اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان و باید ازار
بستن تا عورت پوشیده باشد از حضرت رسالت پناه صلعم مرویست که هر کس ایمان بخدا

و روز آخرت دارد باید بی ازار داخل حمام نشود و از حضرت امیر المومنین صلو علیه روایت است
که چون برهنه شوید عورت را بپوشید تا شیطان نظر نکند و طمع ننماید و چون بخانه اول
حمام روی بگوی اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی واستعیذ بک من اذاه و چون بخانه
دوم روی بگوی اللهم اذهب عنی الرجس النجس وطهر جسدی وقلبی و قدری آب گرم
بر سر ریزد و قدری زیر پای ریزد و اگر تواند جرعه بنوشد که مثانه را پاک کند و طراوت جمال
بیفزاید و الم از بدن بیرون برد و در بخانه اندکی توقف کند و چون بخانه سیوم روی
بگوی اعوذ بالله من النار ونسئله الجنة و تا هنگامی که در حمام باشی مکرر همین را
بگوی و در حمام آب سرد ننوشد که معده را فاسد گرداند و سفال بر بدن نمالد که پیسی
می آورد و بر پای نمالد که مورث جذام شود و فوطه بر روی نمالد که آب رو ببرد و گل مصر بر
سر نمالد که بی غیرت و دیوث کند و در حوضی که منطنه آمدن مخالفین نیز هست و زنا کنندگان
و امثال ایشان باشد نرود که باعث جذام شود و در حمام شانه بر روی نزند که مو تنک شود
و بدن را بکیسه و مانند آن پاک کند و یکروز در میان رفتن تن را فربه کند و هر روز رفتن موجب
سل باشد و بفوطه قرآن نخوانند اما اگر عورت پوشیده باشد قصوری ندارد و بفوطه بآب
نرود که در آب ملائکه باشند و چون خواهد بحمام رود اندک چیزی تناول کند که صفرا و حرارت
غلبه نکند اما شکم پر نباشد که مزاج و بدن ضعیف شود و گاه باشد که بیم هلاک باشد و نظر بر
عورت مسلمانان نکند و فوطه نگشاید که مردم عورت او را نه بینند که این هر دو ملعونند
و هر کس نظر بر عورت مسلم کند هفتاد هزار ملک لعنتش کنند و فرزند باید بحمام نرود که مبادا
عورت او را ببیند و در حمام مسواک نکند که دندان ضعیف و بیقوت شود و مستحب است نوره

نهادن

نهادن و نا کسیه بسیار در آن وارد شده و شیطان را دور کند و آفات و امراض دفع نماید
و بدن از کثافت و چرک و بوی بد پاک شود و از جمله اخلاق انبیاست علیهم السلام و سنت است
که هر دو هفته نوره بکار برد و یکهفته و سه روز نیز روایات بسیار شده و اگر بیست روز
نگذارد و پول نداشته باشد قرض کند که ادای آن قرض خدا تعالی است و زیاده از یکماه
ترک نوره نباید کرد که فضل و ثواب نماز بسیار کم شود تا انکه گویا نماز نکرده بنور روایت
شده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را یکهفته بیشتر نگذارد و در روایت
دیگر آمده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را بیش از چهل روز و زنان
زیاده از بیست روز نگذارند و زیر بغل تراشد و اگر نوره گذارد افضل باشد و کندن
آن چشم و مثانه را ضعیف کند و موی بغل دراز نکند که شیطان در آن پنهان شود و چون
خواهد نوره بکار برد اول با انگشت بردارد و ببوید و بر سر بینی گذارد و بگوید اللهم ارحم
سلیمان بن داود کما امرنا بالنورة تا بدن را نسوزاند و چون نوره گذارد بگوید اللهم
طیب ما طهر منی وطهر ما طاب منی وابدلنی شعرا طاهرا لا یعصیک اللهم
انی تطهرت ابتغاء سنة المرسلین وابتغاء رضوانک ومغفرتک فحرم شعری
وبشری علی النار وطهر خلقی وطیب خلقی وزک عملی واجعلنی ممن یلقاک علی
الحنیفیة والسمحة ملة ابرهیم خلیلک ودین محمد صلی الله علیه وآله وسلم
حبیبک ورسولک عاملا بشرایعک تابعا للسنة نبیک اخذا به متادبا بحسن
تادیبک وتادیب رسولک وتادیب اولیائک الذین غذوتهم بادبک وزرعت
۲۷ الحکمة فی صدورهم وجعلتهم معادن لعلمک صلواتک علیهم چون این دعا بخواند

پاک گرداند خدا ایتعالی او را در دنیا از کدورتها و عیبها و گناهها و بدل کند موی او را
بموئی که گناه نکرده و بعد هر موئی که در بدن او باشد فرشته بیافریند که خدا را تسبیح
کند تا روز قیامت و ثواب آن همه از او باشد و هر تسبیح ملائکه برابر است با هزار تسبیح اهل
زمین و تا مدتی که نوره در بدن باشد بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله که بدن بسوزد و روز
چهارشنبه نوره نگذارد که روز نحس است و بیم برص باشد و روز جمعه نیز در حدیث آمده
که نوره گذاشتن موجب برص شود و اما حدیثی دیگر آمده که روز جمعه روز طهور است کدام طهور
بهتر از نوره است و حدیثی دیگر آمده که بعد از نوره حنا بر بدن بمالد دفع مضرت آن کند و چون
نوره در بدن باشد نشاید نشستن که علت فتق بهم رسد و بعد از نوره تمام بدن را از سر تا پا حنا
بمالد و ابتدا از سر نماید که حنا بعد از نوره دفع پریشانی و دیوانگی و پیسی و جذام کند و بوی
عرق ببرد و دفع علت اکله نماید و اکله بفتح الف زخمی است که در هر عضو که حادث شود آن
عضو را بخورد و بکسر الف خاریدن بدن را گویند و امام هم داند که در این مقام کدام مراد باشد
و مستحب است در هر هفته سر تراشیدن و موی را از بیخ باید گرفت که چرک در پیش کم شود و گردن
قوی گردد و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و ابتدا از پیش سر از جانب راست نماید و بگوید بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
و چون فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوٰى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى هر هفته با خطمی سر شوید
که امانست از پیسی و دیوانگی و دفع پریشانی کند و روزی زیاد شود و کثافت پاک کند
مرویست که هر کس روز جمعه شارب بگیرد و ناخن بچیند و سر بخطمی بشوید چنانست که بنده آزاد
کرده باشد و بارگ سدر سر بشوید که دلگیری ببرد و روزی بیفزاید و خدا ایتعالی هفتاد درو

دوبار

وسوسه شیطان از او دور کند و هر کس هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور شود گناه بخشد
و هر کس گناه بخشد به بهشت رود و چون از حمام بیرون آید آب سرد بر پای ریزد که کوفت
و ماندگی را از بدن بیرون کند و سر را بپوشد خواه زمستان و خواه تابستان که امانست
از درد سر و چون جامه بپوشد بگوید اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِي التَّقْوٰى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى
و اول پیراهن بپوشد و چون زیر جامه بپوشد بگوید اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَاَعِفَّ
فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ نَصِيبًا وَلَا لَهُ اِلٰى ذٰلِكَ وُصُولًا فَيَصْنَعَ
فِيَّ الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ مَحَارِمِكَ و ایستاده نپوشد که مورث غم باشد
و رو بقبله و رو بآدم نپوشد و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتری در دست کند بگوید اَللّٰهُمَّ
سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَ
لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيمَانِ مِنْ عُنُقِي و چون کسی را که از حمام بر آمده باشد تحیت کنی بگوی
طَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ وَطَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ و اگر کسی تحیت کند بگوی اَنْعَمَ اللهُ
بَالَكَ وَاَصْلَحَ حَالَكَ **فصل سیوم** در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن و آداب آن با نوره
از اهل بیت طهارت علیهم السلام که هر جمعه شارب گرفتن و ناخن چیدن امانست از دیوانگی
و پیسی و جذام و دفع پریشانی کند و روزی بیفزاید و تا جمعه دیگر پاکیزه باشد و اگر ناخن
دراز نباشد بدمکار و بساید روایت شده که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت مردم
روایت میکنند که بعد از نماز صبح بر جای نماز نشستن تا طلوع آفتاب بهتر است برای یافتن
روزی از مسافرت و تجارت نمودن فرمود ناخن چیدن و شارب گرفتن هر جمعه بهتر از اینست
مرویست که چند روز وحی بر حضرت رسالت پناه صلعم نمی آمد اصحاب از سبب آن سوال کردند ۳۸

فرمود چون وحی از من محبوس شود و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و بندهای انگشتان از
کثافت پاک نمیکنید روایت شده که پنهان ترین جاها که شیطان در آن پنهان شود و
آدمی را وسوسه کند زیر ناخنهاست و ناخن دراز فراموشی آرد و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست
که هر کس شارب نگیرد از ما نباشد و شارب دراز مکنید که شیطان در آن پنهان شود و ناخن و
شارب گرفتن در روز شنبه و پنجشنبه امانست از درد دندان و درد چشم و ناخن چیدن
در روز جمعه امانست از ریختن پشت ناخنها و در روز پنجشنبه امانست از درد
چشم فرزند و اگر روز پنجشنبه ناخن بگیرد و یک ناخن برای روز جمعه بگذارد خدا تعالی
پریشانی از او دفع کند و روایتی آمده که روز شنبه ناخن بچینید و چهارشنبه بحمام
روید و پنجشنبه حجامت کنید و جمعه بوی خوش بکار برید کسی پرسید از حضرت صادق ع
که مردم میگویند ناخن و شارب در غیر جمعه نباید گرفت فرمود سبحان الله هر روز که دراز شود
بگیرید جمعه باشد یا روز دیگر و مردم ناخن را از بیخ بگیرند و زنان اندکی بگذارند روایت شده
که برای زینت ایشان بهتر است و هر کس روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و بگوید بسم الله
و بالله و علی سنة محمد و آل محمد صلوات الله علیهم هر ریزه ناخن و موئی که جدا شود بحساب
که بنده آزاد کرده باشد و هیچ بیماری نکشد مگر بیماری که در آن موت او مقدر شده باشد
و هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا از انگشت بزرگ راست و اختتام بانگشت کوچک
چپ نماید چشمش درد نکشد از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که در ناخن چیدن ابتدا از انگشت
سبابه راست کنید و بعد از آن انگشت میان و همچنین تا انگشت کوچک و بعد از آن
انگشت کوچک چپ پهلوی او و همچنین ترتیب تا ختم بانگشت بزرگ راست شود و از

حضرت

حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که اول انگشت کوچک راست بعد از آن انگشت
میان بعد از آن انگشت بزرگ بعد از آن پهلوی کوچک بعد از آن سبابه و دست
چپ اول انگشت بزرگ بعد از آن میان بعد از آن کوچک بعد از آن سبابه بعد از آن
پهلوی کوچک و سنتست شارب بسیار گرفتن تا آنکه برابر لب شود و ریش بسیار
نگرفتن مرویست که مجوسان شارب را دراز کنند و ریش را بسیار بگیرند شما عکس آن
کنید تا بایشان مشابه نشوید و آنکه مشهورست استحباب یک قبضه برای ریش اصل
این از احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر هست که زیاده از قبضه نباید
که زیادی در آتش باشد و موی سفید از ریش کندن مکروه است روایت شده که موی سفید
در اسلام نورست در روز قیامت و گرفتن موی بینی جمال بیفزاید و نباید کندن
که چشم ضعیف کند و مستحب است دفن کردن ناخن و موی در هر جا که باشد و خون
در خاک **فصل چهارم** در فضایل خضاب و آنچه متعلق است بآن از آداب ائمه ع
صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که یک درهم که صرف خضاب شود افضل است از هزار درهم
که در راه خدا صرف شود و چهارده خصلت در خضاب است بوی دماغ ببرد و پرده چشم
جلا دهد و دماغ را ملایم کند و بوی دهن خوش کند و گوشت دندان سخت کند و بیماری
و لاغری ببرد و وسوسه شیطان کم کند و ملائکه خوشنود شوند و مومنان را خوش آید
و کافران را غمناک کند و زینت بیفزاید و خوشبوی باشد و امان از عذاب قبر بود
و منکر و نکیر از آن شرم دارند و روایت دیگر آمده که آب روی بیفزاید و باه را قوت دهد
و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش بحنا نورست و اسلام و بوسمه نور است

واسلام و ایمان و موجب رعب دشمنان و محبت زنان باشد و مستحب است که زنان
سر را خضاب کنند و حیض بسته را بگشاید و دستهای ایشان باید از خضاب خالی نباشد اگر
چه همین بالیدن تنها باشد خواه شوهر داشته باشند برای زینت و اگر نداشته باشند
پر باشند برای آنکه دستهای ایشان شبیه بدست مردان نشود و اما استحباب خضاب
دست برای مردان چنانکه مشهور است از احادیث معلوم نیست بلکه از بعضی احادیث
استشمام کراهت آن میشود چنانکه از حدیث مذکور و حدیثی دیگر روایت شده که مردی
دست را بحنا خضاب کرده بخدمت یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام رفت حضرت فرمود اگر خدا بجای
دست او این رنگ خلق میکرد او را خوش می آمد گفت نه فرمود آن چه عیب داشت که چنین
کردی حبیب و صالحین را نشاید که خضاب کنند تا شیطان را بر ایشان دست نباشد **فصل پنجم**
در فضایل موی شانه کردن و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که موی را پاک
نگاه ندارید یا پاکیزه نگاه دارید و هر وقت نماز مستحب است شانه کردن و شانه کردن
ریش دندان را محکم کند و بسیار شانه کردن بلغم ببرد و سر را باستخوان شانه کردن وبا را
ببرد و بیاندو کرم دماغ ببرد و نشسته شانه کند که قوت دل باشد و ایستاده نباشد
که ضعف دل آرد و شانه کردن بعد از هر وضو پریشانی ببرد و چون سر و ریش شانه
کند و شانه بسینه فرود آرد درد کمر و تب ببرد و چون هفتاد مرتبه شانه بر ریش زند
و یک یک بشمرد چهل روز شیطان نزدیک او نشود و شانه را بدست راست بگیرد و
بگوید اللّهمّ سرّح عنّی الهموم والغموم ووسوسة الشّیطان و سوره الم نشرح و
قل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود بگوید سبحان من زیّن الرّجال باللّحی

والنساء

والنساء بالذوائب **فصل ششم** در فضایل سرمه کشیدن و آیینه گرفتن و آداب آن
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب
چشم را نافع باشد و در وقت خواب اعانت از نزول آب بچشم و دهن را خوشبوی کند
و بلغم را تا چهل روز ببرد و هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد سرمه بکشد و سنگ
چشم را جلا دهد و موی مژگان را برویاند و قوت بدهد و اعانت طول سجود نماید دهن را
خوشبوی کند و قوت باه بیفزاید و چشمی که ضعیف باشد در وقت خواب هفت میل
سرمه بکشد چهار میل در چشم راست و سه میل در چپ و چون سرمه کشد بسم الله بگوید و این دعا
بخواند اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد و آل محمّد ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان
تجعل النّور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی
والسّلامة فی نفسی والسّعة فی رزقی والشّکر لک ابدا ما ابقیتنی و مستحبست
نظر در آیینه کردن که اگر کثافتی در روی باشد دفع کند تا در نظر مؤمنان مکروه ننماید و چون
آیینه بدست گیرد بسم الله بگوید و بدست چپ گیرد و چون نظر در آیینه کند دست راست
بر سر و روی کشد و بگوید الحمد لله الّذی خلقنی فاحسن خلقی و صوّرنی فاحسن
صورتی الحمد لله الّذی زان منّی ما شان من غیری واکرمنی بالاسلام و اگر خواهد
بگوید اللّهمّ کما حسّنت خلقی فحسّن خلقی ورزقنی و چون آیینه از دست بگذارد
بگوید اللّهمّ لا تغیّر ما بنا من نعمک واجعلنا لانعمک من الشّاکرین **فصل**
هفتم در بیان قضای حاجت و آداب آن چون تقاضای بول و غایط شود شاید از آن
نگاه داشتن از اهل بیت طهارت علیهم السلام مرویست که اگر کسی احتباس بول و غایط کند

نماز مقبول نباشد و چنان باشد که در دامن او کشته باشد و چون اراده آن کند جایی
اختیار نماید که کس او را نبیند و بول بر زمین سخت نکند و در سایها و جایهایی که مردم نشینند
و قافله فرود آیند ننشیند که ملعون باشد و در کنار نهرها و راههایی که مردم تردد کنند
و بر در مسجدها و خانهها نشاید نشست و در پای درخت در وقتی که میوه در و باشد ننشیند
که ملائکه در آنجا باشند و در قبرستان و آب خواه ایستاده و خواه روان بیم دیوانگی بود
و در آب ملائکه ساکن باشند و در آب ایستاده بول کردن فراموشی آرد و چون جای
مناسب اختیار نمود و خواهد داخل شود پای چپ پیش گذارد و بگوید بسم الله و بالله اعوذ
بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم و چون عورت را برهنه کند بسم الله
بگوید تا شیطان نگاه نکند و رو و پشت بقبله نباید و آفتاب و ماه بجنبیتی که بر عورت
بتابد ننشیند و اگر سهواً روی بقبله نشسته باشد و در آن اثنا خبردار شود برای تعظیم قبله
روی بگرداند هنوز از جای خود برنخواسته باشد که گناهانش آمرزیده شود و ایستاده
بول کردن بیم دیوانگی بود و چون بنشیند بگوید اللهم کما اطعمتنیه طیباً فی عافیة
فاخرجه منی خبیثاً فی عافیة و بر هر کسی ملکی موکل است و در روایت دیگر دو ملک
وارد شده که گردن او را کج میکنند تا نگاه بغایط خود کند و میگویند ای آدمی این رزق
تست که بمشقت تحصیل نموده ملاحظه کن تا از کجا بهم میرسانی و آخرش چه میشود و چون
ملاحظه نماید بگوید اللهم ارزقنی الحلال وجنبنی الحرام و چون برخیزد دست بر شکم
مالد و بگوید الحمد لله الذی اماط عنی الاذی وهنأنی طعامی و شرابی و عافانی
من البلوی و در خلا بسیار توقف ننماید که مورث بواسیر باشد و در روایت دیگر

جراحت بجای بواسیر وارد شده و سر برهنه نباشد و انگشتری که در دستش باشد نام خدای
نقش یافته در کیسه یا بغل پنهان کند و مادامی که در خلا باشد بضرورت با کسی سخن نگوید
که هر کسی در خلا سخن گوید حاجتش بر نیاید و در آن حال قرآن نباید خواند بغیر آیة الکرسی
و آیه الحمد لله رب العالمین و اگر آواز اذان شنود حکایت آن تواند نمود و ذکر خدا کند
در هر حال که باشد و مسواک نکند که مورث بوی دهن باشد و چون نظر بر آب کند بگوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهوراً و لم یجعله نجساً و چون خواهد استنجا کند اول
استبرا نماید باین طریق که از پیش مقعد تا زیر عضو و از آنجا تا سر عضو سه مرتبه دست بمالد
و سه مرتبه سر عضو را بیفشرد تا قطرات بول هر چه مانده باشد بریزد که چون استبرا کند بعد
از آن اگر رطوبتی ببیند هر چند بسیار باشد بول نباشد و نباید شست و اعاده وضو نباید
کرد و در وقت استنجا بگوید اللهم حصن فرجی و اعفه واستر عورتی و حرمنی
علی النار و استنجا بدست راست نکند و دست راست بعورت ننماید و در دست چپ
اگر انگشتری باشد که نام خدا بر و نقش باشد بیرون کند و چون خواهد بیرون آید پای راست
پیش گذارد و بگوید بسم الله و الحمد لله الذی عافانی من الخبیث المخبث و اماط عنی
الاذی **فصل هشتم** در فضایل مسواک کردن و آداب آن از اهل بیت طاهرین ع
علیهم اجمعین روایتست که در مسواک دوازده خصلتست سنت انبیاست و دهن را پاک
کند و چشم را جلا دهد و خدا راضی شود و دندان سفید کند و بیخ دندان محکم سازد و گوشت
قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت حافظه بیفزاید و حسنات مضاعف شود
و ملائکه را خوش آید و مستحب است هر وقت وضو و نماز مسواک کردن لا اقل با انگشت

کرد و رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت بی آن و مسواک پیش از وضو باید
کرد و اگر بعد از آن کند بعد از آن سه مرتبه دهن را بشوید و حضرت پیغمبر صلعم هر شب سه مرتبه مسواک
می‌فرموده وقت خوابیدن و چون از خواب بیدار میشده برای عبادت و وقت نماز
صبح و فرموده اگر بدانند چقدر منفعت در مسواک است در وقت خوابیدن نیز از خود جدا
نکنند و مسواک را بعرض دندان استعمال نمایند و در حمام و بیت الخلا مسواک کردن باعث
بوی دهن باشد **فصل نهم** در فضایل وضو و غسل و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم الصلوة
والسلام مرویست که استعمال طهور بسیار کنید که عمر را دراز کند و اگر توانید روز
و شب همیشه با طهارت باشید که اگر کسی با طهارت بمیرد شهید باشد و چون خواهد وضو
کند بسم الله بگوید که تمام بدن طاهر شود همچنانکه گویا غسل کرده و آن وضو کفاره گناهان
باشد تا وضوی دیگر و اگر بسم الله نگوید همان اعضا که آب رسیده پاک شود و چون دست
بر آب گذارد و بسم الله بگوید گناهانی که با دست کرده همه فرو ریزد و شیطان دور شود
و چون مضمضه نماید خدا تعالی دل و زبان او را بحکمت منور گرداند و چون استنشاق نماید بوی
آتش دوزخ نشنود و چون روی بشوید گناهانی که با چشم و دهان کرده همه بریزد و روز
قیامت رو سفید باشد و چون ساعدین بشوید گناهان از دست راست و چپ بریزد و غلهای
آتش بر او حرام شود و چون مسح سر کند خدا تعالی او را از سیئات پاک کند و چون مسح
پای کند گناهان پا همه بریزد و از صراط بگذرد در روزی که قدمها در آن بلغزد
و چون برای نماز صبح وضو کند کفاره گناهانی باشد که در آن شب کرده و چون برای
نماز شام وضو کند کفاره گناهانی آن روز باشد سوای کبایر و اگر وضو کرده باشد

وبی

وبی آنکه حدثی سانح شود تجدید وضو کند خدا تعالی توبه او را تجدید کند بی استغفار
و وضو بر سر وضو نور است بر سر نور و ده حسنه دارد و هرگاه خواهد وضو کند چون نظر
بر آب کند بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا و چون دست
بر آب گذارد بگوید بسم الله وبالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
و اگر در غسل طشت یا کاسه وضو کند مستحب است که آب را بجانب راست گذارد و دو دستها
پیش از آنکه در آب گذارد تا بند بشوید اگر بعد از خواب یا بول باشد یکمرتبه و بعد از غایط
دو مرتبه و بعد از جنابت سه مرتبه و چون مضمضه کند بگوید اللهم لقنی حجتی یوم
القاک واطلق لسانی بذکرک و چون استنشاق کند بگوید اللهم لا تحرمنی طیبات
الجنان واجعلنی ممن یشم ریحها وطیبها وروحها و چون روی بشوید بگوید اللهم
بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه ولا تسود وجهی یوم تبیض فیه الوجوه
و در شستن روی چشمها بگشاید که آب وضو بچشم رسد تا آتش دوزخ نبیند و چون دست
راست بشوید بگوید اللهم اعطنی کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری و چون دست
چپ شوید بگوید اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی ولا تجعلها مغلولة الی عنقی و
اعوذ بک من مقطعات النیران و مردان آب را بر پشت دست ریزند و زنان
بر روی دست و چون مسح سر کند بگوید اللهم غشنی برحمتک وبرکاتک وعفوک
و چون مسح پا کند بگوید اللهم ثبت قدمی علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام
واجعل سعیی فیما یرضیک عنی یا ذا الجلال والاکرام و چون باین طریق وضو کند و این
دعاها بخواند از هر قطره آب فرشته خلق شود که خدا را تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر

بگوید ثواب آنقدر برای آنکس نوشته شود و چون از وضو فارغ شود الحمد لله رب العالمین
بگوید هر کس بعد از وضو و بعد از غسل جنابت بگوید سبحانک اللهم وبحمدک اشهد
ان لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک واشهد ان محمدا عبدک ورسولک
واشهد ان علیا ولیک وخلیفتک بعد نبیک علی خلیقتک وان اولاده
خلفاؤک واوصیاؤه گناهانش همه فرو ریزد مانند برگ از درخت و بعد هر
قطره از آب وضو و غسل ملکی خلق شود که خدا را تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر گوید و صلوة
بر پیغمبر و آل طیبینش فرستد و ثواب آنها از و باشد بعد از آن خدای تعالی امر فرماید که آن
وضو و غسل را بخاتم رب العزة مختوم گردانند بعد از آن بر زیر عرش بجایی گذارند که دست
دزدان و دشمنان شیطان بآن نرسد تا آنکه روز قیامت باو تسلیم کنند و در بهشت
آنقدر ثواب بدهند که حساب آنرا بغیر خدا کسی نداند و گناهانش همه آمرزیده شود و تا انکه
نمازش را قلم و بدیر شود و آب وضو را اگر خشک کند وضو یک حسنه داشته باشد و اگر
خشک نکند سی حسنه و چون غسل جنابت را حلال کند بعد هر قطره خانه در بهشت برای
او بنا کنند و در وقت غسل جنابت بگوید اللهم طهر قلبی وزک عملی وتقبل سعیی
واجعل ما عندک خیرا لی و بعد از غسل دعایی که بعد از وضو ذکر شد بخواند و در
غسل جمعه تاکید بسیار وارد شده برای هر کس مرد و زن و آزاد و بنده در حضر
و سفر تا از رخصت ترک آن داده اند و کفاره گناهانست که از جمعه پیش تا این جمعه
کرده باشد و سهو و نسیان و نقصانی که در وضو و فریضه شده باشد خدای تعالی
از آن بغسل جمعه تمام نماید و اگر بعد از غسل بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له

وان

وان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
طهارت آن غسل تا جمعه دیگر باقی باشد و در هیچ جا که گمان آب در روز جمعه نیابد روز پنجشنبه برای
جمعه غسل کند و اگر روز جمعه غسل نکرده نماز کرده باشد استغفار کند و دیگر اینکار نکند و غسلرا
قضا کند و اگر وقت غسل باقی باشد اعاده کند و اگر ترک غسل عمدا نکرده باشد نمازش تمام بود و اگر
روز جمعه غسل مقدور نشود در روز شنبه قضا کند و اگر چند غسل گذشته باشد خواه واجب خواه
مندوب مثل جنابت و جمعه و زیارت و طواف و حیض و نفاس و غیر آن چون یک غسل کند
بنیت همه کدام که باشد برای همه مجزی بود خواه آن همه بخاطر باشد و خواه نه و اگر همه را
بر قصد کند و یک غسل کند برای همه مجزی باشد و حایض را مستحب است که در ایام حیض وقت
هر نماز وضو کند و در موضعی پاک نشسته ذکر خدا کند و مستحب است که وضو و غسل به آب سازند
آب وضو تخمینا یک چارک یعنی و آب غسل بقدر یکمن بوزن تبریز باشد و نیز مستحب است که آب
پاکیزه باشد متعفن و کثیف نباشد **فصل دهم** در فضایل بوی خوش و آداب استعمال
آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که دو رکعت نماز با بوی خوش
افضل است از هفتاد رکعت بی آن و دل را قوت و قوت مباشرت افزاید و قوت
رسوم و نهر یا کسی که هر روز استعمال بوی خوش کند و گلاب بر روی زیاد کند و
پریشانی ببرد و چون گلاب استعمال کند بر روی و دست مالد و صلوة بر پیغمبر و اهل
بیتش صلی الله علیهم بفرستد و سنت است هر روز استعمال بوی خوش کردن و اگر
مقدور نباشد یکروز در میان و یکهفته بیشتر تاخیر نباید کرد و حضرت پیغمبر صلعم مشکدانی
که بعد از هر وضو از آن استعمال میفرمودند و اگر بوی خوش بهمرسد مقنعه نماز را از آن نکرد

و بر روی مبارک میمالید و فرموده هر کس خواهد بوی مرا بشنود گل سرخ ببوید و نیز فرموده
گل سفید از عرق من روییده و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایتی
دیگر آمده که در شب معراج عرق آنحضرت بر زمین چکید گل سرخ از آن روئید و چون کسی را
تکلیف بوی خوش کنند رد نباید کرد زیرا که بوی خوش اکرامیست و رد اکرام تمام نیکو
نمیدارد و اگر گل یا ریحانی بکسی دهند بگیرد و ببوید و بر چشم گذارد و صلوة بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد
هنوز از دست نگذاشته باشد که تمامی گناهانش آمرزیده شود و در روایت دیگر آمده که ببوسد و
بر چشم گذارد و صلوة فرستد بعدد ریگ بیابان عالج خدا تعالی برای او حسنات ثبت فرماید و
سیئات محو نماید و عالج بیابانیست که ریگ بی نهایت دارد **باب سیوم** در فضایل
نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه بساعات و فضایل قرآن و انجمع ان شاء الله
در یازده فصل بیان شود **فصل اول** در فضایل نمازهای فریضه یومیه و ذکر جماعت و فضایل
این سنت سنیه از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقول است که بعد از ایمان و معرفت
هیچ عملی و عبادتی بهتر از نماز نیست و چون مؤمن مشغول نماز شود خدا تعالی متوجه جانب او شود
و از اطراف آسمان ملائکه فرو گیرند و ملکی ندا کند و گوید ای بنده مؤمن که مشغول نماز گشته اگر
بدانی که کیست که متوجه تو شده و با که در گفتگوئی هرگز از اینجا بجای دیگر روی نکنی
بهتر است از هزار حج که هر حجی بهتر است از تمام دنیا و هر چه در وست از نعمتها و راحتها
و نماز در میان عبادتها مانند ستون خیمه است که اگر محکم و برجای باشد هر چند کهنه
و زبون باشد و اگر ستون برجای نباشد و قصور و شکستگی یابد خیمه از هم بریزد
و قرار نگیرد هر چند پاکیزه و نو باشد و هر مؤمن که نماز فریضه را بجای آرد بعد دخالت [illegible]

تا اطراف زمین رحمت بر او نازل شود و اطراف او را از زیر قدمش تا اطراف آسمان

ملائکه در شب او نماز کنند و برای او دعا کنند تا از نماز فارغ شود و خدا تعالی از او راضی است
که هر وقت نماز از خدا تعالی برات میگیرد برای نمازگنندگان پس چون وقت نماز صبح شود مؤمنان
برخیزند و وضو سازند و نماز صبح گذارند از خدا برات ایشان گیرد و در آن برات نوشته است
که منم خدای پاینده ای بندگان من شما در پناه منید و شما را در حفظ حمایت خود دادم و دوام
نگاه کردم و گناهان شما آمرزیده باشد تا وقت ظهر و چون وقت ظهر شود و برخیزند و وضو
سازند و نماز ظهر گذارند برات ایشان گیرد باین مضمون که منم خدای توانا ای بندگان من
سیئات شما را آمرزیدم و بدل بحسنات نمودم و شما را در دار جلال جای دادم و چون
وقت عصر رسد و وضو کنند و نماز عصر گذارند برات ایشان باین مضمون بگیرد که منم خدای بزرگوار
ای بندگان من جسد شما را بر آتش حرام کردم و شما را در مسکن نیکان ساکن گردانیدم و شر بد را
از شما دور نمودم و چون وقت شام رسد و وضو کنند و نماز شام گذارند برات ایشان
باین مضمون بگیرد که منم خدای جبار بزرگ متعال ای بندگان من فرشتگان از پیش شما راضی
آمدند حق است بر من که شما را راضی گردانم و در روز قیامت آرزوهای شما را بشما رسانم و چون
وقت خفتن در آید و وضو سازند و نماز خفتن گذارند برات ایشان باین مضمون گیرد
که منم خدائی که معبودی غیر من نیست و پروردگاری سوای من نیست ای بندگان من در خانههای
خود وضو کردید و بخانه من آمدید و مشغول ذکر من شدید و حق مرا شناختید و فرایض مرا
بجای آوردید ای ملک تو و سایر ملائکه گواه باشید که من از ایشان راضی شدم و هر مؤمن
که نماز فریضه را بجای آورد و بعد از آن او را دعای مستجابی باشد و هر وقت نماز فرشته
ندا کند و گوید ای مردمان برخیزید و بنماز بشتابید آتشها را که از گناه بر دوش خود افروخته اید

و چون بی‌خوف نماز از کناهان پاک شود و هر کس پنج نماز را در وقت خود کزارد و محافظت
شروط و ارکان آن نماید آن نماز را روشن و نورانی باسمان برند و او را دعا کند و کوید
همچنانکه تو مرا محافظت نمودی و ضایع نکردی خدا تعالی ترا محافظت کند و ضایع نکرداند
و اگر بی‌وقت کزارد و محافظت آن نکند سیاه و ظلمانی بر کردد و کوید مرا ضایع
کردی خدا تعالی ترا ضایع کند و هر کس استخفاف بنماز کند وعده و ارکان آنرا ضایع کرداند
از حوض کوثر بی‌نصیب و از شفاعت اهل بیت محروم باشد و حضرت پیغمبر صلعم روزی در مسجد بود
مردی آمد و نماز بشتاب کزارد و رکوع و سجود بی‌تانی کرد حضرت فرمود این مرد مانند کلاغ
دانه می‌چیند و اگر با این نماز بمیرد بر دین من نباشد و هر کس نماز بی‌تانی و شتاب کزارد خدا تعالی
کوید ای ملائکه ببینید این بنده مرا گمان دارد که حاجتهای او در دست دیگری است غیر من که
باین شتاب عبادت من میکند نمیداند که حاجتش را غیر من کسی نتواند بر آورد و هر کس عمداً نماز نکند
کافر باشد و ملت اسلام از وی بیزار شود و افضل همه نمازها نماز جمعه است و بر هر مسلمی واجب است بجز
بر چند کس مریض و مملوک و مسافر و زنان و اطفال نابالغ و در بعضی روایات زیاده بر این چهار کس
دیگر مذکور است اعمی و مجنون و پیر عاجز و کسی که منزلش زیاده از دو فرسخ دور باشد و حضرت
پیغمبر صلعم فرموده خدا تعالی نماز جمعه را بر شما فرض کردانیده پس هر کس آنرا از روی استخفاف
و انکار ترک کند و امام عادل داشته باشد در ایام حیوة یا بعد از وفات من خدا تعالی
جمعیتش را پریشان کند و احوالش را نظام ندهد و کارهایش را مبارک نکرداند و نماز و روزه
و زکوة و حج و هیچ کار خیری از وی قبول نباشد تا آنکه توبه کند و هر کس سه جمعه را بی علتی
ترک کند خدا تعالی دلش را بخاتم نفاق مهر کند و روز جمعه ملائکه مقربین از آسمان نزول

نمایند

نمایند با قلمهای طلا و لوحهای نقره و بر در مسجدها بر کرسیهای نور نشینند و نام جماعتی که
بنماز جمعه حاضر شوند نویسند بترتیب هر کس پیشتر رود پیشتر نویسند و هر کس دیرتر آید آخرتر نویسند
و روز جمعه بهشت را آیین بندند و زینت کنند برای جمعی که بنماز جمعه روند و هر کس نیکوتر رود
زود داخل بهشت شود و هر کس بنماز جمعه رود و از کناهان پاک شود و هر قدمی که بنماز جمعه رود
خدا تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلعم شکایت کرد
که چند مرتبه تهیه حج کردم و مقدورم نشد فرمود نماز جمعه بکزار که حج مساکین است
و هم از آنحضرت صلعم مرویست که هر کس غسل جمعه کند و صبح زود بنماز جمعه رود و
نزدیک بامام نشیند و خاموش باشد و لغو نکند و نکوید بهر کامی که بر دارد و بکذارد اجر
عبادت یکساله یابد که همه روزها روزه باشد و همه شبها عبادت کند و مسافر اگر نماز
جمعه بکزارد بسبب غیبت و بجهتش تا آن ثواب صد نماز جمعه مقیم باو عطا فرمایند و کسیکه وضوی
نیکو بسازد و نزدیک بامام نشیند و کوش بخطبه دارد و خاموش باشد از روز تا جمعه دیگر
و سه روز زیاده بران کناهش آمرزیده شود و خدا تعالی دو کفل ثواب باو دهد و اگر دور نشیند
و خاموش باشد و کوش کند یک کفل ثواب دهد و اگر نزدیک نشیند و حرف زند و کوش
نکند دو کفل وزر داشته باشد و اگر بکسی کوید خاموش باش حرف زده باشد و هر کس حرف
زند نماز جمعه‌اش مقبول نباشد و اما آنکه مشهور شده که ظهور امام معصوم علیه السلام شرطست در اقامت
جمعه بسبب حرمان کافه اهل اسلام کشته از فضایل این فریضه عظمی توهمی است که از نفخه
شیطان در زمان غلبه جور و طغیان ارباب نفاق و عدوان ناشی شده و در حدیث
و قرآن هیچ جا اصلا نیست بلکه در قرآن و حدیث همه جا امر فرموده‌اند و هیچکس را بغیر کسی

که مذکور شد یا اینکه محل تقیه باشد رخصت ترک نداده اند علی را احادیث امام عادل وارد
شده همچنانکه در نماز جماعت نیز وارد گشته و سنت موکده است نماز را بجماعت گزارد
یک رکعت بجماعت گزاردن بهتر است از چهار رکعت بی جماعت که هر رکعتی بهتر است از چهل سال
عبادت و هر کس بمسجد رود برای آنکه نماز بجماعت گزارد هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه
برای او ثبت نمایند و هفتاد هزار سیئه محو کنند و اگر در آن حالت بمیرد خدا تعالی هفتاد هزار
فرشته بر او موکل فرماید که او را در قبر تحیات گویند و بشارت دهند و با او مونست
نمایند و برای او استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و هر کس نماز صبح و خفتن را بجماعت
گزارد در امان خدای باشد پس هر کس بر وی ظلم کند بر خدا ظلم کرده باشد و هر کس او را حقیر شمارد
خدا را تحقیر کرده باشد و هر کس نماز صبح را بجماعت گزارد و در جای نماز بنشیند و ذکر خدا کند
تا طلوع آفتاب او را در جنت فردوس هفتاد درجه باشد که میان هر دو درجه آن قدر
باشد که اسب دونده راهوار هفتاد سال طی کند و اگر نماز ظهر بجماعت گزارد در جنات
عدن پنجاه درجه باشد او را که ما بین هر دو درجه پنجاه ساله راه اسب دونده راهوار باشد
و اگر نماز عصر بجماعت گزارد او را اجر آن داشته باشد که هشتاد بنده از اولاد اسمعیل پیغمبر
آزاد کرده باشد که همه صاحب خانه و عیال باشند و اگر نماز شام بجماعت گزارد ثواب
یک حج و یک عمره مقبول داشته باشد و اگر نماز خفتن بجماعت گزارد همچنان باشد که
لیلة القدر عبادت کرده باشد و هر کس نماز مغرب و عشا و صبح را در مسجد بجماعت
گزارد چنانست که آن شب احیا داشته باشد و بهترین صفوف صف اولست و
بهترین مواضع آن آنکه با امام نزدیکتر بود و نماز در صف اول مثل جهاد است در راه خدا

ولی

و کسی که محافظت صف اول و تکبیر نماید بحیثیتی که آزار مؤمنی نکند ثواب مؤذنان داشته
باشد در دنیا و آخرت و ثواب مؤذنان انشاء الله بعد از این بیاید و فضل جانب راست صف
بر جانب چپ مثل فضل جماعت باشد بر انفراد **فصل دوم** در ذکر نوافل یومیه و فضایل
این سنت بسیار است از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ماثور است که خدا تعالی مقرر داشته
که از عبادت بندگان کمتر از ثلث را قبول فرماید باین سبب حضرت پیغمبر صلعم در شبانه روزی
سی و چهار رکعت نماز سنت گردانیده که دو برابر فرایض یومیه است تا اگر در فرایض سهو و
نقصانی باشد خدا تعالی از نوافل تمام نماید و ترک آن بی ضرورت و عذری معصیت باشد بلکه
ترک فریضه کفر است و نماز شب کفاره گناهان روز و صحت بدن و موجب وسعت رزق و
شرف و عزت مؤمن است در دنیا و آخرت و هر کس عملش بنماز شب ختم شود از اهل بهشت
باشد و نماز شب موجب صفای چهره است و چشم را جلا دهد و روی را نورانی کند و هر کس عشر شبی
عبادت کند برای رضای خدا و امید ثواب خدا تعالی گوید ای ملائکه حسنات بنویسید برای
این بنده بعدد هر دانه و برگی و درختی و گیاهی و هر چه از زمین روید در شب و هر کس
تسع شبی عبادت کند خدا تعالی اجر شهیدی که در راه خدا صبر کشیده باشد و جهاد نموده
و به نیت صادق خالص جهاد کرده باشد باو عطا فرماید و او را شفیع اهل بیت خود گرداند
و اگر سبع شبی عبادت کند روز قیامت چون از قبر بیرون آید رویش مثل ماه شب چهارده
باشد همراه مومنانی که ایمن اند از هول آن روز از صراط بگذرد و اگر سدس شبی عبادت کند
از جمله اولیا نوشته شود و گناهان گذشته اش همه آمرزیده گردد و اگر خمس شبی عبادت
کند با ابراهیم خلیل علی نبینا و آله و علیه السلام در بهشت هم دوشی کند و اگر ربع شبی عبادت نماید در

اول صف ظاهرین باشد و چون باد تند از صراط بگذرد و بی حساب داخل بهشت شود و اگر ثلث
شبی عبادت کند هیچ فرشته نماند مگر آنکه رشک برد بمنزلت او و از هر در بهشت که خواهد
که در رود در رود و اگر نصف شبی عبادت کند هفتاد هزار برابر تمام روی زمین طلا
برابر ثواب او نشود و افضل از آن باشد که هفتاد بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و اگر
دو ثلث شبی عبادت کند بعدد ریگ بیابان عالج حسنات باو دهند که کمترین آن
حسنات ده مرتبه بزرگتر از کوه احد باشد و اگر یک شب تمام عبادت کند آنقدر ثواب باو دهند
که کمترین آن این باشد که از گناهان پاک شود همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعدد
هر چیزی که خدا تعالی آفریده حسنات برای او نویسند و درجات بلند کنند و کینه و حسد از
دلش بیرون رود و قبرش نورانی باشد و از عذاب قبر ایمن باشد و از آتش دوزخ خلاص
بود و در زمره انبیا مبعوث گردد و خدا تعالی گوید ای ملائکه ببینید این بنده مرا این شب را
برای رضای من احیا داشته او را در جنت فردوس جای دهید و در آن جنت هزار شهر
باو دهند که در هر شهری هر چه دل خواهد و چشم را از دیدن آن خوش آید و آنچه بخاطر هیچ
کس نگذشته مهیا باشد و اینها سوای کرامت و عزت و قوتی است که برای او مهیا گشته
و خانه که در آن نماز شب گذارند برای ملائکه آسمان درخشان باشد همچنانکه ستارگان
برای اهل زمین و هر کس شب برخیزد و وضوی کامل بسازد و بنیت صادق و دل سلیم
و بدن خاشع و چشم گریان نماز گزارد نه صف ملائکه پشت سر او نماز گزارند که یک طرف
صف در مشرق و طرف دیگر در مغرب باشد و عدد ایشان را هیچ کس نداند بغیر از خدا تعالی و چون
از نماز فارغ شود بعدد آن ملائکه درجات برای او بلند کنند و کسی که بنماز شب برخیزد و خواب

برو

برو غلبه کند بحیثیتی که از راست و چپ افتد و نفس ببیند آنگاه خدا تعالی امر فرماید که درهای آسمان
بگشایند پس گوید ای ملائکه ببینید این بنده مرا که بچه مشقت عبادتی که برو فرض نکرده ام
میکند با بینید اینکه گناهش را بیامرزم یا تجدید توبه اش کنم یا روزیش بیفزایم گواه باشید که
هر سه را باو عطا نمودم و هر کس بعد از نماز شام بنشیند و تعقیب بخواند و با کسی سخن نگوید تا آنکه
دو رکعت نافله بگذارد آن نافله را برای او در علیین ثبت نمایند و اگر چهار رکعت بگزارد
حج مبروری برای او نویسند و اگر نافله فوت شود قضای آن بکند خدا را خوش آید و
مباهات کند بآن بنده و گوید ای ملائکه ببینید بنده مرا عبادتی را که برو فرض نکرده ام
قضا میکند گواه باشید که گناهش را آمرزیدم و اگر کسی را خواب غلبه کند و برای نافله شب
بیدار نشود چون نوافل را قضا کند و اهتمام بقضای آن داشته باشد خدا تعالی بعد از آن
او را بیدار کند و عدد نوافل یومیه سی و چهار رکعت است دو رکعت نافله صبح و هشت
رکعت نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و این هر دو پیش از فریضه گزارده شود و چهار
رکعت نافله شام و دو رکعت نشسته وتیره خفتن که یک رکعت ایستاده حساب شود
و ایستاده افضل باشد و اگر ایستاده گزارند همان دو رکعت گزارند و این نیز رکعت
بعد از فریضه گزارده شود و هشت رکعت نافله شب و سه رکعت وتر که دو رکعت آن را شفع
و یک رکعت را ایضا وتر گویند و شانزده رکعت نافله ظهر و عصر در سفر ساقط شود اما
سایر نوافل در سفر و حضر همیشه بحال خود باشد و نوافل را در اثنای راه پیاده و سواره
توان گزارد و اگر چه ضرورتی نباشد و رکوع و سجود را ایما کند و ایمای سجود پست تر از
رکوع باشد و نشسته نیز از روی اختیار توان گزارد و اگر خواهد فضیلت ایستاده را

47

باید قرائت را نشسته کند و چون بآخر سوره رسد برخیزد و سوره را ایستاده تمام کند
پس رکوع کند همان فضل ایستاده باشد

فصل سیوم در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام
متعلق بآن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که هر نمازی را دو وقت است
اول افضل است از وقت دوم آنقدر که آخرت افضل است از دنیا و بهتر است برای مومن
از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست و آخر وقت عفو او و عفو نباشد مگر از گناهی
یعنی کسی که از اول وقت بی عذری تاخیر کند گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت گزارد آن گناه
عفو شود و هیچکس را رخصت نیست که بی ضرورت تاخیر نماز کند که موجب غضب الهی باشد و کار
خیر هر چند زودتر کرده شود خدا را خوشتر آید و وقت نماز درهای آسمان گشوده شود و دعا
مستجاب گردد پس خوشا کسی که در آن وقت از وی عمل صالحی بالا برند و اول طلوع صبح وقتیست
که ملائکه شب بآسمان روند و ملائکه روز بزمین آیند پس کسی که نماز صبح در آن وقت گزارد هر دو
طایفه ملائکه شاهد باشند و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند و هر کس تاخیر نماز عصر کند تا آنکه
آفتاب زرد شود و یا غروب کند در بهشت موتور باشد یعنی اهل و مال او کشته باشند و هر
کس نماز شام را تاخیر کند بگمان فضیلت تا آنکه ستاره بسیار شود دوست بعهد اهل
بیت علیهم السلام از وی بیزار باشند و هر کس بخوابد و نماز خفتن را تاخیر کند تا آنکه نصف شب شود ملکی
موکل است که نفرین کند که خواب نصیب چشمش نشود و چون بیدار شود باید نماز را قضا کند
و آن روز را روزه دارد بعقوبت این عمل اما بیان وقتها اینکه اول وقت نماز صبح از طلوع صبح است
تا آنکه روشنی صبح در آسمان پهن شود و وقت دوم تا طلوع آفتاب و وقت اول ظهر از زوال
آفتابست تا آنکه سایه دو قدم زیاد شود و وقت دوم تا آنکه بقدر چهار رکعت نماز از آفتاب مانده

دو وقت

و وقت اول عصر بعد از قدر چهار رکعت از اول زوالست تا آنکه سایه چهار قدم زیاد شود و اگر تا
شش قدم تاخیر کند تضییع نماز کرده باشد و وقت دوم تا غروب آفتاب و وقت اول شام
از غروب آفتابست تا آنکه سرخی شفق مغرب زایل شود و اگر از غروب آفتاب اندکی تاخیر کند
تا آنکه سرخی مشرق زایل شود افضل است و وقت دوم تا آنکه ربع شب بگذرد و تا ثلث
شب و نصف شب نیز روایات وارد شده و وقت اول خفتن از زوال سرخی مغربست تا
ثلث شب و وقت دوم تا نصف شب و هر چند نمازها باول وقت نزدیکتر باشد افضل
وقت نوافل شب از نصف شب است تا طلوع صبح صادق و هر چند بسحر نزدیکتر باشد افضل
است و نافله صبح بعد از نماز شب است تا آنکه سرخی صبح نمایان شود و نوافل ظهر از اول
زوال تا آنکه دو قدم سایه زیاد شود و نوافل عصر بعد از فریضه ظهر تا آنکه سایه چهار قدم زیاد
شود و نوافل شام تا آنکه سرخی مغرب زایل شود و در روز جمعه چهار رکعت بنوافل ظهر و عصر
بیفزاید و مجموع بیست رکعت را پیش از ظهر بگزارند باین ترتیب چون آفتاب پهن شود شش
رکعت و چون بلند شود نزدیک بوقت چاشت شش رکعت و نزدیک ظهر شش
رکعت و وقت زوال دو رکعت و اگر همه را پی در پی یکمرتبه نیز بگزارد مجزی بود و هر یک از
نوافل که وقتش بگذرد دیگر ابتدا بفریضه باید کرد و نافله را بعد از آن قضا کند و اگر
از نوافل ظهر و عصر یک رکعت در وقت خود گزارده شود تتمه را نیز رود و بگزارد اگرچه
وقت بگذرد و اگر وقت نماز شب تنگ شده باشد و صبح بسیار نزدیک باشد
اول شفع و وتر را بگزارد پس اگر هنوز صبح طلوع نکرده باشد نماز شب را بگزارد
و اگر طلوع کرده باشد نافله صبح را بگزارد و نماز شب را بعد از فریضه قضا کند و اگر

چهار رکعت نماز شب گزارده که صبح طلوع کند بقیه نماز را زود و سبک گزارد و افضل آنست که
نافلهٔ صبح را گزارد و تتمه را قضا کند تا فریضه از وقت نگذرد و اما شناختن وقت ظهر
و عصر و نوافل آن چنانست که چوبی را راست بر زمین مستوی هموار نصب کنند و مقدار چوب را
که از زمین مرتفع است بر روی زمین هفت قسمت نمایند و هر قسمی را یک قدم گویند و آفتاب
چون طلوع کند سایه چوب در کمال درازی باشد و آهسته آهسته کم شود تا وقت ظهر حقیقی آن
که از آن کمتر نشود و آنجا را نشان کنند و همینکه از آنجا شروع بزیادتی کند اول ظهر است پس آنچه
زیاد شود بقدر دو قدم چون برسد وقت ظهر و نافلهٔ آن باشد و چون بقدر چهار قدم برسد
وقت عصر و نافلهٔ آن باشد و سایهٔ اول ظهر که نهایت کوتاهی بود داخل حساب نباشد
فصل چهارم در فضایل مسجد و آداب آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست
که یک نماز در مسجد جامع برابر است با صد نماز و در مسجد محله با بیست و پنج نماز و در مسجد بازار
با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود بهیچ موضع قدم نگذارد مگر آنکه آن موضع تا زمین هفتم
برای او تسبیح کند و کسی که در خانهٔ خود وضو و طهارت بگیرد و بمسجد رود از گناه پاک شود
و زیارت خدا کرده باشد و حق است بر مزور که اکرام زایر نماید و هر کس بمسجد تردد نماید
خدای تعالی یکی از هشت نعمت باو عطا فرماید برادر مؤمنی یا علم تازه یا آیهٔ محکمه یا کلمه که
او را از جهل نجات دهد یا ترک گناهی کند از ترس خدا یا از روی شرم و حیا و بهترین خانها
مساجد است و بهترین اهل مساجد آنانکه بیشتر داخل شوند و پس تر بیرون آیند و مرویست
که هر کس آواز اذان در مسجد بشنود و نماز نگزارده بیرون رود منافق باشد مگر آنکه اراده
رجوع داشته باشد و بهترین مساجد برای زنان خانهای ایشانست و پستوخانها افضل

از اصل

از اصل خانه و اصل خانه افضل است از ایوان و ایوان افضل است از صحن خانه و صحن خانه
افضل است از بام و چون متوجه مسجد شود و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله الذی خلقنی
فهو یهدین والذی هو یطعمنی و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم
یحیین والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین
واجعل لی لسان صدق فی الآخرین واجعلنی من ورثة جنة النعیم واغفر لابی
که چون این بگوید خدای تعالی او را بایمان و حق هدایت کند و از طعام و شراب بهشت سیر گرداند
کفاره گناهانش نماید و خدای تعالی موتش را افضل موت شهدا و حیوتش را افضل حیوة سعدا گرداند
و هر خطیئه که کرده باشد بیامرزد و اگرچه بیشتر از کف دریا باشد و حکمت و علم باو عطا فرماید
و بصلحای گذشته و آینده ملحقش سازد و او را از جملهٔ صادقان ثبت نماید و منازل کریم
در جنت نعیم باو کرامت فرماید و گناهان پدر و مادرش را بیامرزد و چون خواهد داخل
مسجد شود کفش را ملاحظه نماید که نجاست و کثافتی نداشته باشد و پای راست پیش گذارد
و بگوید بسم الله و بالله و من الله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله
لا حول و لا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لی ابواب رحمتک
و توبتک و اغلق عنی ابواب معصیتک واجعلنی من زوارک و عمار مساجدک
و ممن یناجیک فی اللیل و النهار و من الذین هم فی صلوتهم خاشعون و ادحر
عنی الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین و چون داخل مسجد شود بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله
بکرة و اصیلا و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله

برابرست با یک حج مقبول و اگر اراده نشستن داشته باشد بطهارت بی اهل نشود و
در مسجد شعر نباید خواند که اگر کسی در مسجد شعر بخواند روایت شده باو گویند فض الله فاک یعنی
خدای تعالی دهنت را بشکند و آب بینی انداختن در مسجد خطیه است و کفاره اش آنست
که دفن کند و اگر برای تعظیم مسجد آب بینی و دماغ را فرو برد خدای تعالی برای او حسنه ثبت نماید و
سینه‌اش بجو و مایه و قوت بدنش بیفزاید و هیچ کوفت و علتی نرسد مگر آنکه آنرا زایل گرداند
و روز قیامت خوشحال و خندان مبعوث شود و نامه عملش را از دست راست دهند و حرف
باطل و گفتگوی دنیا نکند که مسجد جای عبادتست و گفتگوی گمشده نکند و مرویست که باو بگویند
لا اداه الله علیک یعنی خدای تعالی گمشده ترا بتو نرساند و آواز بلند نکند و اطفال و دیوانگان
و بیع و شرا از مسجد دور کنند و اگر کسی در مسجد تجارت کند باو گویند لا اربح الله تجارتک یعنی
خدا تجارت ترا سود ندهد و هر که چراغی در مسجد روشن کند تا روشنی از آن باقی باشد
حمله عرش و ملائکه برای او طلب استغفار کنند و هر کس مسجد را جاروب کند ثواب آن دارد که
بنده آزاد کند و اگر بقدر سرمه که در چشم کشند خاک بیرون برد خدای تعالی دو کفل از رحمت
باو دهد و اگر روز پنجشنبه و شب جمعه جاروب کند و بقدر سرمه که در چشم کشند خاک
بیرون برد گناهانش آمرزیده شود و چون خواهد از مسجد بیرون آید رو در مسجد ایستد و بگوید
اللّهمّ دعوتنی فاجبتُ دعوتک و صلّیتُ مکتوبتک و انتشرتُ فی ارضک
کما امرتنی فاسئلک العمل من فضلک بطاعتک و اجتناب سخطک والکفاف
من الرزق برحمتک و در بیرون آمدن پای چپ پیش گذارد و بسم الله بگوید و صلوة
بر پیغمبر و اهل بیتش صلی الله علیهم بفرستد و بگوید اللّهمّ اغفر لی وافتح لی ابواب فضلک
فصل پنجم
در کیفیت

در کیفیت توجه بنماز و فضایل اذان و اقامت و احکام متعلق بآن از اهل بیت طاهرین صلی الله علیهم اجمعین
مرویست که چون برای تهیه نماز برخیزی بگوی الحمد لله نور السموات والارض و من
فیهنّ و انت الحقّ و انّ امرک الحقّ و قولک الحقّ و الجنّة حقّ و النار حقّ و الساعة
حقّ اللّهمّ لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکّلت و الیک انبت و بک خاصمت
و الیک حاکمت فاغفر لی ما قدّمت و ما اخّرت و ما اسررت و ما اعلنت انت
الهی لا اله الا انت و چون برخیزی و خواهی مشغول نماز شوی بگوی اللّهمّ انّی اقدّم الیک محمّدا
صلّی الله علیه و آله بین یدی حاجتی و اتوجّه الیک فاجعلنی به وجیها عندک
فی الدنیا و الآخرة و من المقرّبین و اجعل صلوتی به مقبولة و ذنبی به مغفورا
و دعائی به مستجابا انّک انت الغفور الرحیم و اگر برای نماز شب برخیزی بگوی اللّهمّ
انّی اتوجّه الیک بنبیّک نبیّ الرحمة و آله و اقدّمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم
وجیها فی الدنیا و الآخرة و من المقرّبین اللّهمّ ارحمنی بهم و لا تعذّبنی بهم
و اهدنی بهم و لا تضلّنی بهم و ارزقنی بهم و لا تحرمنی بهم و اقض لی حوائج الدنیا
و الآخرة انّک علی کلّ شیء قدیر و چون رو بقبله کنی بگوی اللّهمّ الیک توجّهت
و مرضاتک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت و علیک توکّلت اللّهمّ صلّ
علی محمّد و آل محمّد و افتح مسامع قلبی لذکرک و ثبّتنی علی دینک و دین
نبیّک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انّک انت
الوهّاب و چون خواهی شروع در نماز کنی برای نماز و فضیلت اذان و اقامت بگوی که اگر
کسی اذان و اقامت هر دو بگوید دو صف ملائکه در پشت او نماز کنند و اگر اقامت تنها

بگوید یک صف که هر صفی از مشرق باشد تا مغرب و مؤذنی که برای خدا اذان گوید نه برای
اجرت، یا در روز قیامت و در بهشت در بالای تل مشک ایستد و در میان
اذان و اقامت اجر شهیدی که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد خدا تعالی باو دهد
کسی گفت یا رسول الله مردم در اذان بر یکدیگر پیشدستی کنند و وصیت نمیدهند حضرت صلعم
و مؤذن فرمانی پیدا بیاید که مردم اذان گفتن بر ضعفا واگذارند و گوشت ایشان را خدا تعالی
بر آتش حرام گردانیده و کسی که برای خدا اذان گوید خدا تعالی ثواب چهل هزار شهید و چهل
هزار صدیق باو عطا فرماید و چهل هزار گناه کار را بشفاعت او به بهشت برد و چون اشهد
ان لا اله الا الله گوید هفتاد هزار فرشته برای او دعا کنند و استغفار نمایند و روز
قیامت در سایه عرش خدای باشند تا حساب مردم تمام شود و چون بگوید اشهد ان
محمدا رسول الله چهل هزار فرشته ثواب آن را بنویسند و اگر در جبال و شهری از شهرهای
اسلام اذان گوید گناهش همه آمرزیده شود و اگر چه مثل کوه احد باشد و بهشت او را
واجب شود و آواز را بکشد و بلند باید گفت که آواز هر خشک و تری که برسد برای
او شهادت دهد هر قدر بلند شود گناهش آمرزیده گردد و هر کس با او نماز گزارد در ثواب او
شریک باشد و بعد هر کس که آواز او شنود و نماز گزارد برای او حسنه ثبت شود و خدا تعالی
بادی باذان موکل گردانیده که آواز او را باسمان برد و چون ملائکه بشنوند
گویند این آواز امت محمد است صلعم که توحید خدا میکنند پس برای ایشان استغفار
کنند تا آنکه از نماز فارغ شوند و اگر در خانه اذان بلند گوید شیطان را دور کند و
برای اطفال نیکو باشد که صدای اذان و صیت ایمان همیشه بشنوند و بیماری و رنج

زایل

زایل کند راوی گوید من و اهل خانه‌ام همیشه بیمار و علیل میبودیم و گاه میشد که هیچ کس نمیماند
که خدمت کند تا این حدیث را شنیدم و بآن عمل نمودم بیماری و کوفت از خانه‌ام زایل
شد و دیگری از بیماری و بیفرزندی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد فرمود
در خانه خود اذان بلند بگوی چنین کرد بیماریش بصحت مبدل شد و اولادش بسیار شد
و اقامت را آهسته تر و روانتر گویند و هر مرتبه که نام حضرت پیغمبر صلعم بگوید گوینده و شنونده
صلوات بفرستند و اذان را نشسته و سواره و در راه و بی طهارت و بغیر قبله اگر گفتن
شهادتین رو بقبله باشد توان گفت اما اقامت را بشرایط و هیات نماز بگوید و در
اثنای اذان و اقامت حرف زدن جایز است اما ترکش افضل است خصوص در اثنای اقامت
و چون قد قامت الصلوة گفته شود و احادیث وارد شده که حرف زدن حرام شود
بر مؤذن و سایر جماعت همه مگر آنکه برای امامت کسی را گویند پیش بایست و بعضی از
علما تجویز حرف زدن برای سایر چیزهایی که متعلق بنماز باشد تجویز نموده اند و اگر حرف
اقامت را اعاده کند و اگر چیزی از اذان یا اقامت را فراموش کند رجوع نماید و از آن
کلمه بگوید تا آخر و اگر داخل نماز شود و بخاطرش رسد که اقامت نگفته صلوة بر پیغمبر
بفرستد و اقامت بگوید و برای زمان اذان و اقامت اینقدر تا که بزارد
اه افضل است که بگویند و میان اذان و اقامت لحظه فاصله کنند اقلش آنکه یک نفس
بکشد یا بسجده یا سبحان الله بگوید یا بنشیند یا سجده کند و اگر بنشیند بگوید اللهم
اجعل قلبی بارا و رزقی دارا و اجعلنی عند قبر نبیک صلی الله علیه و آله مستقرا
و قرارا و اگر سجده کند بگوید لا اله الا انت ربی سجدت لک خاضعا خاشعا

ذلیلاً فصلّ علی محمّد وآل محمّد واغفر لی وارحمنی وتب علیّ انّک انت التوّاب الرحیم
خدای تعالی همه گناهان او را بیامرزد و اگر میان اذان و اقامت تمام نشیند همچنانست که در
راه خدا در خون خود غلطیده باشد و در ظهر و عصر شش رکعت نافله را پیش از اذان بگزارد
و دو رکعت را میان اذان و اقامت و اگر در جماعتی باشند که مؤذن ایشان اذان گوید جماعت
همه نشینند و چون قد قامت الصلوة گوید همه برخیزند و بایستند و چون مؤذن
اذان گوید کسی که شنود هرچه مؤذن گوید آهسته بگوید و روزیش زیاده شود و چون
مؤذن شهادتین گوید شنونده بگوید از روی تصدیق و اقرار و انا اشهد ان
لا اله الا الله واشهد ان محمّداً رسول الله اکتفی بها عمّن ابی وجحد واعین
بها عمّن اقرّ وشهد بعدد هر کس شهادت داده و ایمان آورده و انکار نموده و
ایمان نیاورده اجر و ثواب داشته باشد و در روایتی آمده که چون مؤذن حیعله گوید شنونده
حوقله گوید و چون اذان صبح و شام شنود بگوید اللّهمّ انّی اسئلک عند اقبال نهارک
وادبار لیلک وحضور صلواتک واصوات دعائک وتسبیح ملائکتک
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تتوب علیّ انّک انت التوّاب الرحیم و در شام
بجای باقبال نهارک وادبار لیلک بگوید باقبال لیلک وادبار نهارک اگر در آن روز
یا در آن شب بمیرد ثواب شهید باشد فصل ششم در کیفیت اشتغال بنماز و آداب آن
از اهل بیت نبوت صلی الله علیهم اجمعین مرویست که هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید
اللّهمّ انّی اتوجّه الیک بمحمّد وآل محمّد واقدّمهم بین یدی صلواتی واتقرّب بهم
الیک فاجعلنی بهم وجیهاً فی الدنیا والآخرة ومن المقرّبین مننت علیّ بمعرفتهم

فاختم

فاختم لی بطاعتهم ومعرفتهم وولایتهم فانّها السعادة واختم لی بها انّک علی کلّ
شیء قدیر و بعد از آن بگوید اللّهمّ اجعلنی مع محمّد وآل محمّد فی کلّ عافیة وبلاء
تا آخر دعائی که در فصل سابق ان شاء الله بیاید بمحمّد وآل محمّد باشد صلی الله علیهم و افتتاح نماز بیک
تکبیر واجبست و بسه تکبیر فضل و بپنج تکبیر فضل از آن و بهفت تکبیر افضل از همه و یکی از آنجمله تکبیر احرام
واجبست و باقی سنت و بعد از تکبیر سیوم بگوید اللّهمّ انت الملک الحقّ لا اله الا انت سبحانک
وبحمدک عملت سوءاً وظلمت نفسی فاغفر لی انّه لا یغفر الذنوب الا انت و بعد از تکبیر پنجم
بگوید لبّیک وسعدیک والخیر فی یدیک والشرّ لیس الیک والمهدیّ من هدیت
عبدک وابن عبدیک ذلیل بین یدیک لا ملجأ ولا منجا ولا مفرّ منک الا الیک
تبارکت وتعالیت سبحانک وحنانیک سبحانک ربّ البیت و هر کس پیش از تکبیر احرام
بگوید یا محسن قد اتاک المسیء وقد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء وانت المحسن
وانا المسیء فبحقّ محمّد وآل محمّد صلّ علی محمّد وآل محمّد وتجاوز عن قبیح ما تعلم منّی
خدای تعالی بملائکه گوید گواه باشید که گناهانش را عفو فرمودم و هر کس پیش از حق گذشته یا معلم
راضی نمودم پس اگر تکبیر هفتم را قصد احرام کند این دعا را پیش از آن بخواند و بعد از تکبیر هفتم بگوید
وجّهت وجهی للّذی فطر السموات والارض علی ملّة ابراهیم ودین محمّد ومنهاج
علیّ والائتمام بالائمّة من آل محمّد علیهم الصلوة والسلام حنیفاً مسلماً وما انا
من المشرکین انّ صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله ربّ العالمین لا شریک له
وبذلک امرت وانا من المسلمین اللّهمّ اجعلنی من المسلمین و در حال ایستادن
۵۲ و رکوع کردن پایها را از هم بگشاید بقدر سه انگشت تا یک وجب و زنان در همه حال بهم نزدیک

کذارند تا فاصله نباشد و بعد از آن اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بیاورد یا بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من
الشیطان الرجیم و بعد از آن الحمد و سوره در دو رکعت اول نماز بخواند مثل اذا جاء و الهیکم
و در نماز ظهر و خفتن سورهای متوسط مثل والشمس و سبح اسم و در نماز صبح از این درازتر مثل
عم یتسائلون و هل اتیک حدیث الغاشیه و هل اتی علی الانسان و در رکعتهای دوم قل
هو الله احد زیرا که بعد از آن قنوت خوانده میشود و دعا بعد از خواندن قل هو الله مستجاب
و در نماز شام و صبح جمعه سوره جمعه و قل هو الله و در نماز خفتن آن جمعه و سبح اسم و در نماز جمعه
یا ظهر آن جمعه و منافقین و در نماز عصر آن جمعه و قل هو الله که هر سوره که برای فضل و ثواب (و مرویست که)
خواهند بخوانند اگر بجای آن نماز [?] و قل هو الله احد بخوانند همان ثواب داشته باشد
با ثواب این دو سوره و اما در نماز جمعه و ظهر آن روز جمعه و منافقین باید خواند که افضل است
و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته اند و اگر هیچ نماز بگزارد که قل هو الله نخوانده باشد
کسی گوید ای بنده تو از جمله نماز کنندگان نیستی و مردان باید دو رکعت اول شام و خفتن را
و نماز صبح را بلند قرائت کنند و همچنین نماز جمعه و ظهر جمعه را اگر منفرد باشند و باقی رکعتها (رکعت اول)
و نمازها را آهسته و اگر عمدا نماز جهر را اخفات یا اخفات را جهر کنند باطل شود و اعاده باید
کرد و حد آهستگی آنست که خود بشنود و اگر آهسته تر از آن باشد مجزی نبود و حد بلندی
آنکه بسیار بلند و با آواز شدید نبود بلکه حد وسط باشد و چون نمازهای جهر را بلند بخوانند
آنقدر که آوازش برسد آتش دوزخ از او دور شود و بر صراط بگذرد و روز قیامت مسرور و خوشحال
باشد تا آنکه داخل بهشت شود و بعد از تمام شدن الحمد و همچنین بعد از سوره بقدر آنکه نفسی
توان کشید ساکت شود و چون از قرائت فارغ شود ایستاده تکبیر بگوید و رکوع کند و دستها

زانو

را بگذارد و انگشتان را بگشاید چنانکه زانو را در مشت گیرد و زانو را بعقب میل دهد و پشت را
آنقدر خم کند که اگر قطره آبی بر پشتش بریزد قرار گیرد و بطرفی میل و حرکت نکند و گردن را دراز
کند و سر را راست بگیرد و بالها را از هم بگشاید و اعضا را بر یکدیگر تکیه نکند و زنان دستها
بالاتر از زانو بگذارند تا بسیار خم نشوند و اعضا ایشان بهم جمع باشد و سه مرتبه سبحان ربی
بگوید سبحان ربی العظیم و بحمده اگر تسبیح رکوع و سجود را یکمرتبه گوید یک ثلث نماز کرده باشد
و اگر دو مرتبه بگوید دو ثلث و اگر هیچ نگوید هیچ نماز نکرده باشد و هفت مرتبه افضل است و هفت
مرتبه افضل از آن و هر چند بیشتر گوید افضل بود و مرویست که هر کس رکوع را تمام کند از وحشت قبر
ایمن باشد و چون سر از رکوع بردارد درست بایستد که هر کس بعد از رکوع پشت راست نکند
نماز نکرده باشد و ایستاده بگوید سمع الله لمن حمده الحمد لله رب العالمین اهل الجبروت والکبریا
والعظمة لله رب العالمین پس چنان ایستاده تکبیر بگوید و سر از برای سجود در رود و هر دو دست
را با هم پیشتر از زانو بر زمین بگذارد چنانکه برابر زانو باشد و انگشتان بهم چسبیده
برابر قبله باشد و ساعدها را از زمین بردارد و بالها را از هم بگشاید چنانکه هیچ عضوی بر عضوی
دیگر تکیه نکند و زنان اول بنشینند و زانو را پیشتر از دست بر زمین بگذارند بعد از آن
سجده کنند و اعضا را جمع دارند و ساعدها را بر زمین بچسبانند و سجده بر هفت عضو باید
کرد پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پا و سر بینی و هفت اول
واجب است و آخر سنت و مرویست که هر کس بینی را با آنچه پیشانی میگذارد نگذارد نمازش
مجزی نباشد و مستحب است کف دستها را بر چیزی گذاشتن که سجده بر آن صحیح باشد
تا روز قیامت غل بر آن نگذارند و در سجده سه مرتبه یا پنج یا هفت یا بیشتر بگوید سبحان

ربی الاعلی وبحمده و کسیکه سجده را طول دهد ابلیس فریاد کند و گوید وای او اطاعت کرد و من معصیت
نمودم و او سجده کرد و من سرکشی کردم و مستحب است سجده بر تربت امام حسین علیه السلام باشد که در میان
بنده و خدا ایستاده حجابها را بشکافد و نماز وی بهفتم را نورانی کند و چون سر از سجده بردارد
پشت راست کند و بر جانب چپ بنشیند چنانکه هر دو پا از جانب راست بیرون آید
و پشت پای راست بر کف پای چپ باشد و نشسته تکبیر بگوید پس بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه
پس همچنان نشسته تکبیر بگوید و سجده دیگر بهمان دستور کند و چون سر بردارد تکبیر بگوید
و بنشیند پس برکعت دیگر برخیزد و از سجده بنشسته برخیزد و اگر آن رکعت چهارست
و در وقت برخاستن هر دو کف دست بر زمین نهد و بگوید بحول الله و قوته اقوم و اقعد
و اگر خواهد بگوید اللهم ربی بحولک و قوتک اقوم و اقعد و اگر خواهد و ارکع و اسجد نیز زیاد کند
و چون از قرائت رکعت دوم فارغ شود تکبیر بگوید و دستها برداشته قنوت بخواند
و هر ذکر و دعا که خواهد بخواند جایز باشد اقلش آنکه سه مرتبه سبحان الله بگوید و هر چند طول دهد بهتر در
روز قیامت راحتش بیشتر بود و افضل نمازها آنست که قنوتش طویلتر باشد و از جمله ذکرهای
قنوت کلمات فرج افضل است و آن کلمات اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا
اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع
و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین بعد از آن صلوات
بفرستد و آنچه خواهد از حاجات و مطالب دنیوی و اخروی از رحمت و مغفرت برای خود و
دیگران که خواهد بطلبد و از جمله ادعیه ماثوره که متضمن همه اینها باشد اینست اللهم انی اسئلک
لی و لوالدی و لولدی و اهل بیتی و اخوانی المؤمنین فیک الیقین و العفو و المعافات

والرحمة

والرحمة والمغفرة والعافية في الدنيا والآخرة و در نماز صبح این قنوت مستحب است خواندن
اللهم من كان اصبح وله ثقة ورجاء غيرك وانت ثقتي ورجائي يا اجود من
سئل ويا ارحم من استرحم ارحم ضعفي ومسكنتي وقلة حيلتي وامنن علي
بالجنة وفك رقبتي من النار وعافني في نفسي في جميع اموري برحمتك
يا ارحم الراحمين و در نماز جمعه دو قنوت بخواند در رکعت اول پیش از رکوع و در رکعت
دوم بعد از رکوع در قنوت اول کلمات فرج بخواند بعد از آن بگوید اللهم صل على محمد
وآل محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد كما اكرمتنا به اللهم اجعلنا
ممن اخترته لدينك وخلقته لجنتك اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا
وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب و در قنوت دوم بگوید اللهم تم
نورك فهديت فلك الحمد ربنا وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد ربنا
وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد ربنا وجهك اكرم الوجوه وجهتك خير الجهات
وعطيتك افضل العطيات واهناها تطاع ربنا فتغفر لمن شئت تجيب
المضطر وتكشف الضر وتشفي السقيم وتنجي من الكرب العظيم لا يجزي بآلائك
احد ولا يحصي نعماءك قول قائل اللهم اليك شخصت الابصار ونقلت
الاقدام ومدت الاعناق ورفعت الايدي ودعيت بالالسن واليك سرهم
ونجواهم في الاعمال ربنا اغفر لنا وارحمنا وافتح بيننا وبين قومنا بالحق
وانت خير الفاتحين اللهم انا نشكو اليك غيبة نبينا وشدة الزمان
علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الاعداء وكثرة عدونا وقلة عددنا فافرج

ذلک یا رب بفتح منک تعجله و نصر منک تعزه و امام عدل تظهره اله الحق
رب العالمین و از حضرت امام همام علی بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که از کسی پرسید که در نماز
جمعه چه قنوت میخوانی گفت آنچه مردم میخوانند حضرت فرمود این قنوت بخوان اللهم
اصلح عبدک و خلیفتک بما اصلحت به انبیاءک و رسلک و حفه بملائکتک
و ایده بروح القدس من عندک و اسلکه من بین یدیه و من خلفه رصدا
یحفظونه من کل سوء و ابدله من بعد خوفه امنا یعبدک لا یشرک بک شیئا
و لا لاحد من خلقک علی ولیک سلطانا و اذن له فی جهاد عدوک و
عدوه و اجعلنا من انصاره انک علی کل شیء قدیر و بعضی از مشایخ رحمهم الله نقل
کرده اند که در قنوت دستها را برابر رو بگیرد چنانکه انگشتان برابر قبله بهم چسپیده باشد
و چون از قنوت فارغ شود تکبیر رکوع بگوید و بعد از سجود دویم که قبل از این مذکور شد
بنشیند و تشهد باین طریق بخواند بسم الله و بالله و الحمد لله و خیر الاسماء کلها
لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و
رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة و اشهد ان ربی نعم
الرب و ان محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل شفاعته
و ارفع درجته و بعد از آن دو بار یا سه بار الحمد لله بگوید و چون خواهد برخیزد کف دستها
بر زمین گذارد و بگوید بحول الله و قوته اقوم و اقعد یا بگوید بحولک و قوتک اقوم و اقعد
و در رکعت سیم و چهارم در احادیث وارد شده تسبیح و الحمد هر دو مساویست هر
کدام را خواهند بخوانند اما از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مرویست که قرائت الحمد در این دو

رکعت

رکعت تسبیح را نسخ کرد مگر برای بیمار یا کسی که بسیار سهو کند بسبب بسیاری حدیث اختلاط
که بضرورت تسبیح بخوانند و چون خواهد سلام بگوید چنین بگوید السلام علیک ایها
النبی و رحمة الله و برکاته السلام علی جمیع انبیاء الله و رسله السلام علی جبرئیل
و میکائیل و الملائکة المقربین السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین
لا نبی بعده السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا و علی عباد الله
الصالحین و سلامی که نماز بآن تمام شود سلام آخر است خواه امام باشد و خواه ماموم خواه
منفرد و باین سلام حضرت پیغمبر و ائمه معصومین صلی الله علیهم را قصد کند و سلامهای دیگر مستحب است
و اگر امام باشد بعد از سلام نماز خطاب بماموین کند و بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
و ماموم بعد از سلام نماز دو سلام بگوید یکی جواب امام و اگر در جانب راستش کسی باشد بآن
سلام او را نیز قصد کند و یکی بجانب چپ اگر کسی در آنجا باشد و اگر نباشد این سلام در کار نباشد

فصل هفتم در اشاره باسرار مقدمات و اعمال نماز و ذکر بقیه آداب و افعال آن از اهل
بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که بهترین جامهها و زینت ترین لباسها برای
مومنان لباس تقوی و پرهیزکاریست از هرچه خدا بر ایشان حرام کرده و آنرا مکروه داشته
و لباس ظاهری نعمتی است کرامت فرموده تا عورات بدن و اعضا و عیوب و قبایح آن
بآن پوشیده شود و مستور گردد و توبه و تقوی کرامتی است که احسان فرموده تا آن عیبهای
باطن و مساوی اخلاق و هوسهای فاسده و آرزوهای باطل بآن پنهان گردد و مخفی ماند
پس چنانچه عورات و عیوب ظاهر را از خلق پوشیده داری و پیش کسی اظهار آن نیاری همچنین
روا مدار که امراض و ذنوب باطن را در پیش خدا جلوه دهی و از آن هیچ آزرم نداری و

مستراح را از بهر آن مستراح گفته‌اند که بدن در انجا از ثقل نجاسات راحت یابد و از کدورت
کثافات استراحت نماید پس ای عزیز چون بینی که لطیفترین نعمتهای دنیا و لذیذترین لذتهای
آن بدین زودی عاقبتش چنین شود باید عبرت از آن گیری و دست از جمع کردن آن
باز داری و دل از تشویش آن فارغ سازی تا بجمعیت خاطر مشغول عبادت خدای
شوی و بتحصیل سعادت باقی نمایی چه حاجتست که شکم را از نجاست دنیا خالی کنی و بدن را
از گرانی آن راحت دهی و دل را از وسواس آن لبریز سازی و از تشویش و اندیشهٔ آن
نپردازی و خدای تعالی آب طهور گردانیده تا فضلات و نجاسات بآن بشویی و از کدورت
احداث و کثافات منزه یابی و جدول توبه و استغفار جاری ساخته تا نجاست ذنوب
و سیئات بآن تطهیر دهی و از شناعت آثام و خطیئات وا رهی هیچ نمی‌بینی که تا
ازاله نجاسات ظاهر نکنی و دست و رو در وضو نشویی قابل آن نباشی که روی بدین قبله
گردانی و باعضای ظاهر داخل مسجد شوی و بر سجاده نشینی و با زبان و دهان بتسبیح
مناجات نمایی پس تا ازالهٔ نجاسات باطن ننموده و خاطر را از احداث محبت باطل دست
شو نداده و نیت را برای خدا خالص نگردانیده چگونه لایق آن باشی که روی دل
سوی خدا کنی و بر بساط قرب و کرامت تکیه نمایی در حضرت عزت حدیث اسرار کنی
و بمسواک دندانها از کثافت آثار طعام جلا دهی و دهان را از کراهت بوی آن
صفا دهی چگونه جوارح را از نجاست عصیان و مخالفت خدا و دل را از اطاعت شیطان
و محبت دنیا بتضرع و خشوع و انابت و خضوع طهارت ندهی و چون متوجه قبله شوی
و بر پای ایستی روی از جمیع چیزها بگردانی و روی دل از وسوسهٔ دنیا بگردانی و

ایستادن

و ایستادن بموقف عرض اعمال و هول بازگشتن بخفیات اسرار یاد کنی و چون اذان نماز
شنوی از ندای روز قیامت یاد آر و چون رو بقبله کنی روی از هر چه غیر خداست باز
آر و چون بر پای ایستی از روی کمال خضوع و خشوع بایست و هر چه غیر خداست چنین
پندار که نیست و در خدمت خدا ایستاده و با حضرت او در مکالمه و او داناییست که ظاهر
و پنهانی داند و تواناییست که هر چه بخاطر گذرانی تواند پادشاهیست که آسمان و زمین
در وسعت مملکت او ذره ایست و هر چه در جهانست از بحار و خزاین جهت او قطره در خدمت
او چنان بایست که ضعیفترین بنده در خدمت عظیمترین پادشاهی اگر سرش بخارد نخارد
و اگر دلش پر درد باشد نگیرد و کاهل و خواب آلوده و سنگین بنماز نخیزی که اینها از صفات
منافقانست و بازی بریش و دست بازی نکنی و انگشتان در میان یکدیگر میار که اینهمه
از نماز نقصانست و دستها بر سینه مگذار که این عمل شیوهٔ مجوسانست و خمیازه
با دهان و اعضا مکن که از جملهٔ اعمال شیطانست و اگر کسی در نماز انگشت بشکند
نصیبش از نماز همان باشد و چون تکبیر گویی بزرگی و عظمت خدا را یاد آر و هر چه غیر او
در پیش بزرگی او ذلیل و خوار شمار که اگر دل با دیگری داری و دیگری را بزرگتر شماری
خدای تعالی گوید ای دروغگوی مرا میفریبی بزبان الله اکبر میگویی و دل بدیگری میدهی بعزت
و جلال خودم که از شیرینی ذکر خویش محروم سازم و از نزدیکی جناب خود دور
و از لذت مناجات بی نصیب و مهجور گردانم و در نماز دستها را برابر روی بدار بلند
و انگشتان بهم چسبیده باشد و سر و گردن و کمر راست بگیر و بطرف قبله بنگری و تکیه
مکن و زنان دستها را بسینه بچسبانند تا به پستان متصل شود و بلندی پستان

نماید و در اثنای نماز ادب دهن و دماغ مبند از که هر کس برای تعظیم خدا در نماز آنرا فرو دهد حق تعالی
تا وقت ممات او را صحت بدن کرامت فرماید و پاها را برابر هم بگذارد که پیش و پس نباشد
و بضرورت جزئی بر دهن مبند که نقصان نماز بود و نظر از موضع سجده بر مدار و باطراف
التفات مکن که هر کس در نماز باطراف نگاه کند خدا تعالی گوید ای بندهٔ من بکجا نگاه میکنی
و کرا میطلبی آیا خدائی غیر من میخواهی یا جوادی سوای من میجوئی منم اکرم الاکرمین و منم اجود
الاجودین و منم بهترین معطیین منم که آنقدر ثواب دهم ترا که هیچکس قدر آن نداند روی
بجانب من کن که من روی با تو دارم و ملائکه من روی با تو دارند پس اگر روی بگرداند و متوجه
نماز شود گناهان آنچه کرده بود زایل شود و اگر باز التفات بطرفی نماید خدا تعالی همان کلام
فرماید و همچنین تا چهار مرتبه و مرتبه چهارم خدا رو از و بگرداند و ملائکه رو بگردانند و
فرماید ای بنده من واگذاشتم ترا بآنچه میخواهی و در روایت دیگر آمده که در مرتبه سیوم خدا تعالی
رو بگرداند و بعد از آن هرگز نظر باو نکند نعوذ بالله من ذلک و در نماز دل با خدا دار و خیال
غیر خدا را بخاطر مسپار که دو رکعت نماز با تفکر بهتر است از قیام لیل و هر کس دو رکعت نماز
گزارد و بداند که چه میگوید میان او و خدا هیچ گناه نماند مگر اینکه آمرزیده شود و هر قدر از
نماز که دل با آن باشد حساب باشد و هر چه از آن غافل باشد برهم پیچیده و بر روی صاحبش
زنند و در رکوع چشم را بپوش یا نظر در میان هر دو پای بدار و دراز کردن گردن
در رکوع معنیش اینست که گردن از بندگی خدای نکشم و سر از طاعت او نپیچم اگرچه گردنم
بزنند و هیچ بنده رکوعی بحقیقت نکرد مگر اینکه خدا تعالی او را بنورهای خویش زینت کند و
و در سایه کبریای خود پناهش داده و خلعت اصفیا برو پوشانیده و رکوع ادب است و اطاعت

بسجود

و سجود قربست و عزت کسی که ادب ضایع کند اهلیت قرب نداشته باشد و سر بسجده گذاشتن
معنیش اینست که خدایا اصل من همین خاکست و ذلیل که هر کس پا برو گذارد و چون سر بر
دارد یعنی مرا ازین خاک آفریده و از خاک بر داشته و چون بسجده دوم کند یعنی بار دیگر
مرا میرانی و با خاک یکسان گردانی و چون سر بر دارد یعنی مرتبه دیگر مرا زنده سازی
مرویست که والله زیان نکرده کسی که سجودی بحقیقت کرده اگرچه در تمام عمر یک مرتبه باشد و سود
ننموده کسی که حق آن ضایع نموده و مانند فریبندگان غافل از رتبه ساجدان با
خدا خلوت نموده هرگز از دور نشود کسی که در سجود دل بکلی بسته بخود بردارد دو
خود را بجباری بجهد بسیار دور گردد از نزدیک نگردد کسیکه حرمت سجود ضایع کند
و در آنحال دل بغیر خدا بدهد عارفی گفته رکوع دعوی بندگیست و دو سجده بعد از آن
دو شاهد بر آن و چون قنوت بخوانی ادب آن رعایت نمای و بدانکه چه میگوئی و
باکه در گفتگوئی بشنود هر چه بر زبان رانی به بیند هر چه بر دل گذرانی پس نیک احتیاط کن
تا آنچه میطلبی خیر و نجات باشد و زبان در دعا و دل بغیر خدا نباشد که دعای دل غافل
مستجاب نگردد و چون تشهد خوانی اقرار بپادشاهی و یگانگی خدا کنی و اعتراف
بنبوت و رسالت پیغمبر او نمائی و عهد بندگی و طاعت تجدید نمائی و چون صلوة
بر پیغمبر و آلش فرستی ایشانرا شفیع خویش گردانی پس چنان کن که زبان اقرار میکنی
دل را نیز با زبان موافق دار و از آنچه میگوئی غافل مدار تا مانند فریبندگان
باطنت تکذیب ظاهر ننماید و در این مقام ذکر حدیثی دیگر کنیم که مشتمل است بر فضایل
٥٧ افعال نماز با آداب و اسرار آن مرویست از امام همام حسن بن علی العسکری از آبای

کرام خود از حضرت پیغمبر علیه و علیهم الصلوة والسلام که فرمود چون بنده مؤمن متوجه مصلای
خود شود و نماز گزارد خدا تعالی گوید ای ملائکه ببینید بنده مرا که از همه خلایق بریده و بآب
رحمت و شفقت من روی نیاز بمن آورده گواه باشید که او را رحمت و کرامت خویش
مخصوص گردانم و چون دست بردارد و الله اکبر گوید فرماید ببینید که چون تبرا و بیزاری
مینماید از نسبت شریک و شبیه و نظیر برای من چنانکه اعدای من نسبت میکنند و مرا
ازان بزرگ و منزه میدارد گواه باشید که او را از آثار گناهان پاک سازم و در مملکت
بزرگی خود بزرگ گردانم و از عذاب جهنم نجات دهم و چون الحمد و سوره دیگر بخواند فرماید
ببینید بنده مرا چون از قرائت کلام من لذت میبرد گواه باشید که روز قیامت با او بگویم
که بخوان در بهشت کلام مرا و بالا رو بر درجات جنان پس بعدد هر حرفی که خوانده درجه از طلا
و درجه از نقره و درجه از لؤلؤ و درجه از گوهر و درجه از زبرجد سبز و درجه از نور رب العزة
بالا رود و چون رکوع کند فرماید ببینید که چون تواضع میکند در پیش جلال و عظمت من گواه
باشید که او را در دیار جلال و کبریای خود بزرگ گردانم و چون سر از رکوع بردارد فرماید
ببینید که چون بر اعدای من ترفع میکند همچنانکه از برای من تواضع مینماید و در خدمت من راست می
ایستد گواه باشید که عاقبتش را بهترین عاقبتها گردانم و در بهشت خویش مأوی عطا
فرمایم و چون سجده نماید فرماید ببینید که چون تواضع میکند و میگوید اگرچه در دنیا عزیز
و جلیلم اما چون حق عظمت تو ظاهر شود حقیر و ذلیلم گواه باشید که او را بحق بلند نمایم
و باطل را باو دفع گردانم و چون سر از سجده اول بردارد فرماید ببینید چون میگوید که
همچنین که در عظمت تو تواضع نمودم در خدمت حضرت تو برای بندگی و طاعت

بحقارت

بحقارت و ذلت ایستاده گشتم و درین مقام ظاهرا عبارتی از نسخه‌های این حدیث افتاده گویا
باین عبارت باشد که او را عزیز گردانم و برحمت خویش اختصاص دهم و چون سجده دوم کند فرماید
ببینید بنده مرا چون بسجده بتواضع من عود نمود گواه باشید رحمت خود را باو اعاده فرمایم
و چون برای رکعت دیگر از جای برخیزد فرماید ای ملائکه ببینید چون برخواست بنماز او را
از مذلت بر دارم و بعزت بلند گردانم و هر رکعتی که گزارد خدا تعالی همچنان فرماید تا آنکه
بتشهد بنشیند خدا تعالی فرماید ای ملائکه بنده من خدمت عبادت مرا بجای آورد و اکنون
نشسته مرا ثنا میگوید و بر پیغمبر من صلوة میفرستد من نیز در ملکوت سموات و ارض او را ثنا
گویم و بر روح او در میان ارواح صلوة فرستم و چون بر امیرالمومنین ع در نماز صلوة فرستد
فرماید من بر تو صلوة فرستم همچنانکه تو بر او صلوة فرستادی و او را شفیع تو گردانم همچنانکه
تو او را شفیع خود ساختی و چون سلام نماز دهد خدا تعالی و ملائکه بر او سلام کنند و در روایت
دیگر آمده که سلام بعد از هر نماز امانست یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیغمبر صلعم را بخضوع و
خشوع بجای آرد امانست او را از بلاهای دنیا و عذاب آخرت و محققان گفته‌اند که مراد از صلوة
بر امیرالمومنین صلوات الله علیه اینست که بعد از صلوة بر پیغمبر بر آل او نیز فرستد زیرا که آل او امیرالمومنین
و فاطمه و یازده امام دیگر اند صلوات الله علیهم و احادیث دیگر وارد شده که سلمان فارسی و سایر شیعیان
بر آل آنحضرت نیز صلوة بر ایشان میفرستادند ازین قصد باید نمود **فصل هشتم** در فضائل
تعقیب و کیفیت آن از اهل بیت طاهرین ع مرویست که هر کس بعد از نماز فریضه تا وقت نماز
دیگر تعقیب بجا آرد مهمان خدا باشد و حق است بر خدا که مهمان خود را اکرام فرماید و تعقیب خواندن
بعد از هر نماز و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب برای وسعت رزق بهتر است از مسافرت

وتجارت نشود ونیز احادیث دیگر آمده که نه جزو رزق در تجارتست و یکجزو در غیر آن
تعقیب خواندن بعد از هر فریضه افضل است از نافله گزاردن و هرکس بعد از نماز صبح بر جای نماز
بنشیند و تا طلوع آفتاب بتعقیب بخواند خدا تعالی او را از آتش دوزخ مستور گرداند و گناهان
گذشته اش آمرزیده شود و چنان باشد که زیارت حضرت پیغمبر صلعم کرده باشد و اگر آنقدر بنشیند
که آفتاب بلند شود و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگزارد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و
ثواب حجی داشته باشد و اگر بعد از نماز شام تعقیب بخواند و حرفی نزند تا آنکه دو رکعت نماز نافله
بگزارد و آن نافله را در علیین ثبت نمایند و اگر چهار رکعت بگزارد حج مقبولی از برای او ثبت کنند و فضیلت
تعقیب بعد از هر فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل فضل فریضه است بر نافله و در وقت تعقیب
رو بقبله باشد و حرفی نزند که هرچه بنماز ضرر کند بتعقیب نیز ضرر کند مگر آنکه ضرورتی و حرکتی و
دهد پس نا با وضو باشد در تعقیب باشد این بود فضایل تعقیب بر سبیل اجمال و آداب آن
و اما تفصیل و کیفیت آن چنانست که مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
که هرکس بعد از سلام نماز دست بردارد و سه مرتبه الله اکبر بگوید و بعد از آن بگوید لا اله الا الله
وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ
وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شکری که واجبست بسبب فتوحات یا فتح اسلام
بجای آورده باشد و هرکس بعد از نماز فریضه تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بگوید و بعد از آن
لا اله الا الله بگوید گناهانش همه آمرزیده شود و در روایت دیگر آمده که پیشتر از آنکه پای را از وضعی که
نشسته بگرداند تسبیح بگوید و بعد از هر نماز هر روز گفتن این تسبیح بهتر است از آنکه هزار رکعت
نماز گزارد و هرکس این تسبیح را بر خود لازم گرداند هرگز شقی نگردد و مرویست که اگر ذکری بهتر

این

از این تسبیح میبود حضرت پیغمبر صلعم آنرا بحضرت فاطمه عطا میفرمود و مستحب است که تسبیح از خاک تربت مقدس
حضرت امام حسین ع باشد که زینت شیعیانست و اگر با ذکر بگردانند بعد هر دانه چهل حسنه داشته
باشد و اگر غفلت و بیکار بگردانند هر دانه بیست حسنه دارد و اگر در اثنای ذکر گرداند فراموش
کند و همان تسبیح بگرداند باشد ثواب آن ذکر داشته باشد و روایت دیگر آمده که اگر
با تسبیحی از آن تربت مبارک استغفار کند هر استغفاری هفتاد مرتبه مضاعف شود و اگر
در دست گیرد و تسبیح نکند هر دانه هفت مرتبه و روایت دیگر آمده که هرکس با این تربت مقدس
تسبیح کند چهارصد حسنه برایش بنویسند و چهارصد حاجتش برآرند و چهارصد سیئه اش محو کنند
و چهارصد درجه بلند گردانند و نیز مرویست که هرکس با این تربت مقدس تسبیحات اربع بگوید
هر دانه شش هزار حسنه ثبت کنند و آنقدر سیئه محو نمایند و آنقدر درجه بلند گردانند و
آنقدر شفاعت عطا فرمایند و مرویست که شیعیان ما از چهار چیز مستغنی نیستند حصیری که جای نماز
نماز باشد و انگشتری و مسواکی و تسبیحی از خاک قبر امام حسین ع که سی و سه دانه باشد و در روایت
دیگر سی و چهار دانه وارد شده و احتمال دارد که یک دانه مؤذن مراد باشد و هرکس پیش از آنکه
پای را از وضعی که نشسته بگرداند سه مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ
الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ خدا تعالی گناهانش را بیامرزد و اگر چه مثل کف دریا باشد و اگر پیش از آنکه ذو الجلال والاکرام
زانو را از وضع خود تغییر دهد ده مرتبه بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
إِلٰهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا چهل هزار هزار حسنه از برای او ثبت
شود و چهل هزار هزار سیئه از او محو گردد و چنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن نموده باشد
و اگر بعد از هر نماز بگوید أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي

الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَشَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع نماید و اگر الحمد و شهد الله انه لا اله
الا هو تا سریع الحساب و آیة الکرسی و قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب بخواند خدای تعالی و تعالی
بعزت و جلال خود قسم که هر روز بچشم پنهان خود هفتاد مرتبه بر او نظر کنم و هر مرتبه هفتاد حاجت او را
برآرم و او را با هر قدر گناهی که دارد قبول نمایم و در روایت دیگر آمده که هر روز هفتاد حاجت او را
برآرم که کمترین آنها مغفرت گناهانش باشد و در حظیره قدس خویش جایش دهم و بر دشمنان نصرتش
دهم و از ایشان بسلامتش دارم و هیچ چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مگر موت یعنی اگر موت مقدر
نبود همچنانکه هشت بهشتش میبردم و در روایت شده که هر کس بعد از هر فریضه آیة الکرسی بخواند
از ضرر حیوانات زهردار ایمن شود و هیچ چیز مانع بهشت رفتن او نباشد مگر موت و هیچ کس مواظبت
بر آن نکند مگر صدیق یا عابدی و هر کس آن بخواند روز قیامت او در ترک خواندن قل هو الله احد
بعد از هر فریضه نکند که خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع فرماید و کناهان او و والدین و برادران
و خواهرانش را بیامرزد و هر کس بعد از هر فریضه ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از آن
دست بر کشته بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْأَطْهَرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا وَاهِبَ
الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُعْتِقَنِي مِنَ النَّارِ وَتُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا وَأَنْ
تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
چون از دنیا بیرون رود از گناه خالص شده مانند طلای غش و هیچ کس را بر و مظلمه نباشد و هر کس بعد از

هر نماز و فریضه این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبِرِّكَ الْقَدِيمِ وَرَأْفَتِكَ بِتَرْبِيَتِكَ اللَّطِيفِ
وَشَفَقَتِكَ بِصَنْعَتِكَ الْمُحْكَمَةِ وَقُدْرَتِكَ بِسِتْرِكَ الْجَمِيلِ وَعِلْمِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَعُيُوبَنَا مَسْتُورَةً وَفَرَائِضَنَا
مَشْكُورَةً وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَنُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ
مَسْرُورَةً وَعُقُولَنَا عَلَى تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً وَأَرْوَاحَنَا عَلَى دِينِكَ مَفْطُورَةً وَ
جَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً وَأَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً وَحَوَائِجَنَا
لَدَيْكَ مَيْسُورَةً وَأَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالَاكَ وَسَعِدَ مَنْ نَاجَاكَ وَعَزَّ مَنْ نَادَاكَ وَظَفِرَ مَنْ رَجَاكَ
وَغَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ وَرَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ و هر کس بعد از هر نماز بگوید يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ
سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ
أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد ستاره
آسمان و قطره باران و خاک زمین و ریگ بیابان باشد و هر کس بعد از هر نماز و فریضه بگوید
أُجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَدَارِي وَكُلَّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ
الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأُجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَ
وَلَدِي وَكُلَّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ تا آخر سوره و برب الناس
تا آخر سوره و بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم تا آخر آیة الکرسی او و خانه او و مال و
اولادش از آفات محفوظ گردد و نیز بعد از نماز فریضه باید گفت رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا
وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ

ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم من بعدهم
صلواتك عليهم فاحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله
ومن فوقه ومن تحته وامدد له في عمره واجعله القائم بامرك والمنتصر لدينك
وأره ما يحب وتقر به عينه في نفسه وفي ذريته واهله وماله وفي شيعته
وفي عدوه وارهم منه ما يحذرون وأره فيهم ما يحب وتقر به عينه واشف
به صدورنا وصدور قوم مؤمنين و هر کس پیش از آنکه داخل نماز شود بگوید اللهم اني
اتوجه اليک بمحمد وال محمد تا آخر دعائی که در فصل کیفیت اشتغال بنماز گذشت و بعد از نماز بگوید
اللهم اجعلني مع محمد وال محمد في كل عافية وبلاء واجعلني مع محمد وال محمد في كل
مثوى ومنقلب اللهم اجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم واجعلني معهم في
المواطن كلها ولا تفرق بيني وبينهم انك على كل شيء قدير بمحمد وال محمد صلى الله عليهم اجمعين
و هر کس بعد از هر فریضه بگوید رضيت بالله ربا وبمحمد نبيا وبالاسلام دينا وبالقرآن
كتابا وبالكعبة قبلة وبعلي وليا واماما وبالحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر
وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم الخلف صلوات الله عليهم
ائمة اللهم اني رضيت بهم ائمة فارضني لهم انك على كل شيء قدير از دنیا
با ایمان بیرون رود و اگر بعد از هر نماز بگوید اللهم اهدني من عندك وافض علي من
فضلك وانشر علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك در روز قیامت هشت در بهشت
بر او گشوده شود تا از هر در که خواهد داخل شود و حضرت صادق ع فرموده از جمله حقوق ما بر دوستان
و شیعیان ما آنست که چون از نماز فریضه فارغ شوند بر نخیزند تا این دعا بخوانند اللهم اني

اسألك

اسألك باسمك العظيم وبحقك العظيم ان تصلي على محمد وال محمد الطاهرين
وان تصلي عليهم صلوة تامة دائمة وان تدخل على محمد وال محمد واوليائهم حيث
كانوا واين كانوا في سهل او جبل او بر او بحر من بركة دعائي ما تقر به عيونهم يا
يا مولاي الغائبين منهم واردد هم الى اهاليهم سالمين ونفس عن المهمومين
وفرج عن المكروبين واكس العارين واشبع الجائعين وارو الظامئين
واقض دين الغارمين وزوج العازبين واشف المرضى وادخل على الاموات ما
تقر به عيونهم وانصر المظلومين من اولياء ال محمد عليهم السلام واطف نائرة
المخالفين اللهم ضاعف لعنتك وبأسك ونكالك وعذابك على الذين كفروا
نعمتك وخونوا رسولك واتهموا رسولك نبيك وباينوه وحلوا عقده في
وصيه ونبذوا عهده في خليفته من بعده وادعوا مقامه وغيروا احكامه
وبدلوا سنته وقلبوا دينه وصغروا قدر حججك وبدؤا بظلمهم وطرقوا طريق الغدر
عليهم والخلاف عن امرهم والقتل لهم وارهاج الحروب عليهم ومنع خليفتك
من سد الثلم وتقويم العوج وتثقيف الاود وامضاء الاحكام واظهار دين
الاسلام واقامة حدود القرآن والعنهما وابنتيهما وكل من مال ميلهم وحذا
حذوهم وسلك طريقتهم وتصدر ببدعتهم لعنا لا يخطر بالبال ويستعيذ
منه اهل النار اللهم العن من دان بقولهم واتبع امرهم ودعا الى
ولايتهم وشك في كفرهم من الاولين والآخرين و نیز از آنحضرت صلى الله عليه مرویست که از جمله
حقوق ما بر شیعیان آنست که بعد از فریضه دست بر ذقن بگیرند و سه مرتبه بگویند یا رب

محمداً انتقم عجل فرج آل محمد یا رب محمداً احفظ غیبة محمد یا رب محمداً انتقم لابنة محمد
مؤلف این مجموعه گوید اگر چه بهجانکه از قرآن مبین و احادیث اهل بیت طاهرین علم معلوم و هیچ
شکی در وی نیست امیدست که این دو دعا و هر دعائی که باین مضمون باشد یعنی مشتمل باشد بر ولای
اهل بیت علیهم السلم و دعای ایشان و شیعیان و برائت و لعنت بر اعدا و غاصبان حق ایشان
افضل است از همه ادعیه و اذکار و اجل است از جمیع افعال و اعمال زیرا که ایمان باین ثابت
و اگر لغو نباشد در بین قصوری باشد تسبیح عبادتی بقدر ذره سود ندهد مرویست که حضرت صادق ع
بعد از هر فریضه چهار کس از مردان ابا بکر و عمر و عثمان و معاویه و چهار کس از زنان عایشه و حفصه
و هند و ام الحکم خواهر معاویه را بالخصوص بر لعن مینمودند مرویست که چون از فریضه فارغ شوید
تا بنی امیه را لعن کنید بجای آن و نیز مرویست که در آسمان فرشته ایست که هزار هزار سر دارد
و در هر سری هزار هزار دهن دارد و در هر دهنی هزار هزار زبان و با هر زبانی بهزار هزار لغت خدا را
تسبیح میکند وقتی از جناب الهی سؤال نمود که آیا کسی از بندگان تو باشد که مثل من عبادت کند
از آن جناب جواب رسید که در زمین مرا بنده ایست که تسبیحش بیشتر است و ثوابش عظیم تر از آن
فرشته رخصت دیدن آن بنده یافته آمد و سه روز با او بود زیاده بر این عبادتی از او ندید که
بعد از هر فریضه این تسبیح میگفت سبحان الله کلما سبح الله شیء و کما یحب الله ان یسبح
و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و الحمد لله کلما حمد الله شیء و کما
یحب الله ان یحمد و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله و لا اله الا الله
کلما هلل الله شیء و کما یحب الله ان یهلل و کما هو اهله و کما ینبغی لکرم وجهه
و عز جلاله و الله اکبر کلما کبر الله شیء و کما یحب الله ان یکبر و کما هو اهله

وکما

و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر علی کل
نعمة انعم بها علی و علی کل احد من خلقه ممن کان او یکون الی یوم القیمة
اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و اسئلک خیر ما ارجو و اعوذ بک
من شر ما احذر و من شرها الا احذر و هر کس بعد از هر نماز سی مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر بگوید از سوختن و غرق شدن و خرابه بام و خوردن جانوران درندگان
بوجهی بد و ناخوش و بلیه که در آن روز نازل شود ایمن باشد و مرویست که مسافران سبحان الله
بعد از نمازی که قصر میکند سی مرتبه بخوانند نمازش تمام شود و هر کس بعد از نماز صبح و شام
پیش از آنکه حرف زند و پا را از وضعی که نشسته تغییر دهد صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم صد نوع بلا از او دفع شود که سهلترین آن برص و جذام و شیطان
و سلطان باشد و اگر هفت مرتبه بگوید هفتاد نوع بلا از او دفع شود که سهلترین آن جنون
و جذام و برص باشد و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو کرده و در زمره سعدا ثبت شود
و اگر بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید باسم اعظم نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بسفیدیش و اسم اعظم
در آن داخل باشد و اگر بعد از نماز صبح و شام پیش از آنکه حرف زند با کسی پا را گرداند بگوید
ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما
اللهم صل علی محمد و آل محمد و ذریته خدا بتعالی صد حاجت او را برآورد هفتاد در دنیا و سی در آخرت
و اگر بعد از نماز شام و صبح بگوید اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و اجعل
النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة
۶۲ فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی از درد چشم ایمن باشد و خبر دنیا

وآخرت برای او جمع شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوٰتَكَ وَصَلَوٰةَ
مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا یکسال گناه بر او ننویسند و اگر بعد از ین دو نماز
بگوید اللّهم صلّ علی محمّد وآل محمّد وعجّل فرجهم از دنیا نرود تا بخدمت حضرت صاحب الزمان برسد
و اگر بعد از نماز صبح پیش از آنکه با کسی حرف زند بگوید رب صلّ علی محمّد و اهل بیته خدا تعالی روی
او را از تابش آتش نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از کوری و دیوانگی و جذام و پریشانی و ضعف پیری ایمن
گردد و اگر بعد از نماز صبح این دعا بخواند هر حاجتی که خواهد بر آورده شود و خدا تعالی کفایت
مهمات او نماید بِسْمِ اللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ إِنَّ اللهَ
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُنَا اللهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللهُ وَإِنْ كَرِهَ
النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ
مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كَانَ مُنْذُ كُنْتُ حَسْبِي حَسْبِيَ اللهُ
الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و هرکس بعد از نماز عصر بگوید
أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ
لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا خدا تعالی فرماید بملکین تا نامه کناه

او را هرچه باشد در آتش بسوزانند و هرکس بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند هفتصد گناه
در آن روز آمرزیده شود و اگر او را آنقدر گناه نباشد از گناه پدرش آمرزیده شود و اگر او را نباشد
از مادرش و اگر او را نباشد از برادرش و اگر او را نبود از خواهرش و اگر او را نبود از خویشان نزدیکش
الاقرب فالاقرب و هرکس بعد از نماز صبح ده مرتبه انا انزلناه بخواند بعدد هرکس نماز عصر کرده برای
حسنه ثبت نمایند و روایت دیگر آمده که مثل اعمال همه خلایق برای او ثبت نمایند و روایت
دیگر شده که دو آیه سوره بقره امن الرسول بما انزل تا آخر سوره را خدا تعالی از گنجهای بهشت
فرستاده و دو هزار سال پیش از آنکه خلایق را بیافریند بدست خود نوشته هرکس بعد از
نماز خفتن بخواند مجزی باشد او را از قیام و هرکه روز جمعه پیش از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند بگوید
اللّهُمَّ مَا قُلْتُ فِي جُمُعَتِي هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ حَلَفْتُ فِيهَا مِنْ حَلِفٍ أَوْ نَذَرْتُ فِيهَا
مِنْ نَذْرٍ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ فَمَا شِئْتَ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ كَانَ وَمَا لَمْ
تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ اللّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي اللّهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلَوَاتِي
عَلَيْهِ وَمَنْ لَعَنْتَهُ فَلَعْنَتِي عَلَيْهِ کفاره گناهانی باشد که در آن هفته کرده و هرکس بعد از
عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید اللّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ
صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ
وَبَرَكَاتُهُ خدا تعالی برای او صد هزار حسنه ثبت نماید و صد هزار سیئه محو نماید و صد هزار درجه بلند
گرداند و صد هزار حاجتش را روا کند و بعدد هرکسی او را حسنه باشد و اعمالش در آن روز مقبول
گردد و چون روز قیامت بیاید میان هر دو چشمش درخشان باشد و چون از نماز و تعقیبات
آن فارغ شود هست سنت مؤکّد لازمست سجده شکر کردن که نماز بآن تمام شود و موجب رضای

خدا باشد و ملائکه را از آن خوش آید و خدای تعالی حجاب از میان او و ملائکه بردارد و گوید
ببینید بنده مرا عبادت مرا بجا آورده اکنون سجده میکند مرا شکرانه اینکه توفیقش دادهام
پس جزای آن چه باشد ملائکه گویند خدایا رحمت تو فرماید دیگر چه گویند بهشت گوید
دیگر چه باشد گویند کفایت مهماتش و همچنین خدای تعالی سؤال نماید و ملائکه جواب گویند
تا اینکه هیچ چیزی نماند مگر اینکه گفته شود باز سؤال فرماید گویند خدایا بیش از این علم ما وفا
نکند پس خدای تعالی فرماید شکر او کنم او شکر من میکند و بفضل خویش روی باو کنم و جمال خود
باو بنمایم و نیز مرویست که خدای تعالی بحضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام وحی فرمود
گفت میدانی بچه سبب ترا بمناجات و کلام خود اختیار نمودم گفت خدایا ندانم فرمود
همه بندگان خود در آخرت گردیدم و امتحان فرمودم هیچکس متواضعتر و ذلیل النفس‌تر از تو
نیافتم زیرا که چون نماز گزاری هر دو روی خود را بر خاک نهی و سجده شکر چنین کنند که هر دو
ساعد و سینه و شکم ملاصق زمین باشد و در سجده اول صد مرتبه بگوید الحمد لله شکرا و هر ده
مرتبه بگوید شکرا للمجیب و چون صد مرتبه تمام شود بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابدا
و لا یحصیه غیره و یا ذا المعروف الذی لا ینفد ابدا یا کریم یا کریم یا کریم پس حاجت
خواهد طلبد بعد از آن بگوید لک الحمد ان اطعتک و لک الحجة ان عصیتک لا صنع
لی و لا لغیری فی احسان منک الی فی حال الحسنة یا کریم یا کریم صل علی محمد
و اهل بیته و صل بجمیع ما سألتک من فی مشارق الارض و مغاربها من
المؤمنین و المؤمنات و ابدأ بهم و ثن بی برحمتک و چون روی راست بر زمین گذارد بگوید
اللهم لا تسلبنی ما انعمت به علی من ولایتک و ولایة محمد و آل محمد علیهم السلام

پس

پس روی چپ بر زمین گذارد و همین بگوید پس بار دیگر سجده کند و صد مرتبه بگوید شکرا شکرا
طریقه دیگر اینکه در سجده اول بگوید اسألک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه و
آله الا بدلت سیئاتی حسنات و حاسبتنی حسابا یسیرا و چون روی راست بر زمین گذارد
بگوید اسألک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه و آله الا کفیتنی مؤنة الدنیا و الآخرة
و کل هول دون الجنة و چون روی چپ بر زمین گذارد بگوید اسألک بحق حبیبک محمد
صلواتک علیه و آله لما غفرت لی الکثیر من الذنوب و القلیل و قبلت منی عملی
الیسیر و چون بار دیگر سجده کند بگوید اسألک بحق حبیبک محمد صلواتک علیه و آله
لما ادخلتنی الجنة و جعلتنی من سکانها و لما نجیتنی من سفعات النار برحمتک
و اقل سجده شکر آنست که سه مرتبه بگوید شکرا لله شکرا لله شکرا لله و چون سر از سجده بردارد سه مرتبه بگوید
بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم
و الحزن و هر مرتبه دست راست بموضع سجده بمالد و بر جانب چپ روی بمالد پس بر جبهه
تا جانب راست که هم و حزن را زایل کند و چون از جای نماز برخیزد بگوید سبحان ربک رب العزة
عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین که هر کس آخر کلامش این بود خدای تعالی
او را بیشترین کیلها ثواب دهد و بعدد هر مسلمی برای او حسنه ثبت نماید **فصل نهم** در فضایل
اذکار ساعات شبانه روز و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوصه
بآن در میان لیالی و ایام از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که هیچ روزی بر بنی آدم
وارد نشود مگر اینکه گوید ای آدمیزاد من روزی تازه‌ام و شاهد اعمال توام پس تا من با توام چیزی
گوی خیر گوی و هر چه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم و چون از تو جدا شوم دیگر تا ابد

دست رس نباشد و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که شیطان لعنه الله هر روز از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
و از غروب آفتاب تا نماز شام شفق مغرب جنود و اتباع خود را در زمین منتشر می سازد برای اضلال مردمان
پس در این دو وقت ذکر خدا بسیار کنید و خود و کودکان خود را بخدا پناه دهید و استعاذه
نمایید تا از کید و شر شیطان محافظت فرماید که این دو ساعت غفلت اند و هم از ایشان مرویست
که خدا تعالی فرماید که بساعتی بعد از صبح و بساعتی بعد از عصر ذکر من کنید تا کفایت مهمات شما
نمایم و نیز فرموده اند چون آفتاب بلند شود ذکر خدای کنید و اگر با جمعی باشید که شما را مشغول سازند
از میان ایشان برخیزید و مشغول ذکر و دعا شوید و در وقت طلوع صبح بگویید الحمد لله الذی
فالق الاصباح سبحان رب المساء والصباح اللهم صبح آل محمد ببركة وعافية وسرور
وقرة عين ورزق واسع اللهم انك تنزل بالليل والنهار ما تشاء فانزل علي وعلى
اهل بيتي من بركة السموات والارض رزقا حلالا طيبا تغنيني بها عن جميع خلقك و از جمله
ادعیه مخصوص صبح دعاییست عظیم الفضایل جسیم الفواید شریف المضامین منسوب بحضرت امیر
المومنین علیه السلام اللهم يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع الليل المظلم بغياهب
تلجلجه واتقن صنع الفلك الدوار في مقادير تبرجه وشعشع ضياء الشمس بنور
تاججه يا من دل على ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة كيفياته
يا من قرب من خواطر الظنون وبعد عن ملاحظة العيون وعلم بما كان قبل ان
يكون يا من ارقدني في مهاد امنه وامانه وايقظني الى ما منحني به من مننه واحسانه
وكف اكف السوء عني بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل الاليل
والماسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في ذروة الكاهل الاعبل

والثابت

والثابت القدم على زحاليفها في الزمن الاول وعلى آله الاخيار المصطفين الابرار
وافتح اللهم لنا مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني بافضل خلع الهداية
والصلاح واغرس اللهم بعظمتك في شرب جناني ينابيع الخشوع واجر اللهم لهيبتك
من آماقي زفرات الدموع وادب اللهم نزق الخرق مني بازمة القنوع الهي ان لم
تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح الطريق وان اسلمتني
اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني نصرك
عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب والحرمان
الهي اتراني اتيتك من حيث الآمال ام علقت حبالك حين باعدتني ذنوبي من
دار الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها فواها لها لما سولت
لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها على سيدها ومولاها الهي قرعت
باب رحمتك بيد رجائي وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت
باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح اللهم عما كان من زللي وخطائي وشوای
وانت غاية مناي الهي كيف تطرد مسكينا التجا اليك من الذنوب هاربا ام
كيف تخيب مسترشدا قصد الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك
شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول
وانت غاية المسؤول ونهاية المامول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها بعقال مشيتك
وهذه اعباء ذنوبي درأتها بعفوك ورحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى جناب
لطفك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى والسلامة في الدين والدنيا

وما في جنة من كيد العدى ووقاية من مرديات الهوى إنك على كل شيء قدير
وبالإجابة جدير اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير تولج الليل
في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
الحي من الميت وتخرج
الذي من ذا يعرف قدرك فلا يخافك ومن ذا يعلم ما أنت فلا يهابك ألفت
بقدرتك الفرق وفلقت برحمتك الفلق وأنرت بكرمك دياجي الغسق وأنهرت
المياه من الصم الصياخيد عذبا وأجاجا وأنزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت
الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير أن تمارس فيما ابتدأت لغوبا ولا علاجا
فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل على محمد وآله الأ
تقياء واستمع ندائي واستجب دعائي وحقق بفضلك أملي ورجائي يا خير من
دعي لكشف الضر والمأمول في كل عسر ويسر بك أنزلت حاجتي فلا تردني عن
سني مواهبك خائبا يا كريم يا كريم يا كريم برحمتك يا أرحم الراحمين وصلى الله
على خير خلقه ومظهر لطفه محمد وآله أجمعين وسلم تسليما كثيرا و برابد عار
صحیفه کامله هر صبح بخوانند که فضایل سجده و فواضل سجده دار، والحمد لله الذی خلق اللیل والنهار
بقدرته تا آخر و نیز هر صباح باید بخوانند که مرویست از امامین همامین موسی بن جعفر
الکاظم و علی بن موسی الرضا علیهما السلام بسم الله الرحمن الرحیم اللهم إن ذنوبي قد كثرت
قد أخلقت وجهي عندك وحجبتني عن استيهال رحمتك وباعدتني عن
استيجاب مغفرتك ولولا تعلقي بآلائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت أمثالي من

المسرفين

المسرفين وأشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم
لا تقنطوا من رحمة الله إن الله يغفر الذنوب جميعا إنه هو الغفور الرحيم وحذرت
القانطين من رحمتك فقلت ومن يقنط من رحمة ربه إلا الضالون ثم ندبتنا
برحمتك إلى دعائك فقلت ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي
سيدخلون جهنم داخرين لكان ذل الإياس علي مشتملا والقنوط لي من رحمتك
بي ملتحفا إلهي قد وعدت المحسن ظنه بك عقابا اللهم وقد أمسك رمقي
حسن الظن بك في عتق رقبتي من النار وتغمد زللي وإقالة عثرتي وقلت و
قولك الحق الذي لا خلف له ولا تبديل يوم ندعو كل أناس بإمامهم ذلك
يوم النشور إذا نفخ في الصور وبعثرت القبور اللهم إني أقر وأشهد وأعترف
ولا أجحد وأسر وأظهر وأعلن وأبطن بأنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك
لا شريك لك وأن محمدا عبدك ورسولك وأن عليا أمير المؤمنين وسيد
الوصيين ووارث علم النبيين وقاتل المشركين وإمام المتقين ومجاهد
الناكثين والقاسطين والمارقين إمامي وحجتي وعروتي وصراطي ودليلي
ومحجتي ومن لا أثق بالأعمال وإن زكت ولا أراها منجية لي وإن صلحت إلا
بولايته والائتمام به والإقرار بفضائله والقبول من حملتها والتسليم لرواتها
اللهم وأقر بأوصيائه من أبنائه أئمة وحججا وأدلة وسرجا وأعلاما ومنارا
وسادة وأبرارا وأومن بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم
وغائبهم لا شك في ذلك ولا ارتياب عند تحولي عنه ولا انقلاب اللهم فادعني

يوم حشري وحين نشري بإمامتهم واحشرني في زمرتهم واكتبني في أصحابهم واجعلني
من إخوانهم وأنقذني بهم من حرّ النيران وإن لم ترزقني روح الجنان فإنك إن
أعتقتني من النار كنت من الفائزين اللهم وقد أصبحت في يومي هذا ولا ثقة لي ولا
رجاء ولا مفزع ولا ملجأ ولا ملتجى غير من توسلت بهم إليك ونبيّ رسولك وآله
علي أمير المؤمنين وسيدتي فاطمة الزهراء سيدة النساء والحسن والحسين وعلي
ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومقيم الحجة من بعدهم الحجة
المستورة من ولدهم والمرجوّ للأمة من ذريتهم وخيرتك صلواتك عليهم اللهم
فاجعلهم في هذا اليوم وما بعده حصني من المكاره ومعقلي من المخاوف ونجّني
بهم من كل عدو وطاغ وفاسق وباغ ومن شر ما أعرف وما أنكر وما استتر
عليّ وما أبصر ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم اللهم
فبتوسلي بهم إليك وتقربي بمحبتهم وتحصني بإمامتهم افتح عليّ في هذا اليوم أبواب
رزقك وانشر عليّ رحمتك ومغفرتك وحبّبني إلى خلقك وجنّبني عداوتهم و
بغضهم إنك على كل شيء قدير اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل ذي شفاعة حق
فأسألك بمن جعلتهم إليك سببي وقدمتهم أمام طلبتي أن تعرّفني بركة يومي
هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم فهم مفزعي ومعوّلي في شدتي ورخائي وعافيتي و
بلائي ونومي ويقظتي وظعني وإقامتي وعسري ويسري وعلانيتي وسري و
صباحي ومسائي ومنقلبي ومثواي اللهم فلا تخيبني بهم من نعمتك ولا تقطع
رجائي برحمتك ولا تؤيسني من روحك ولا تبتلني بانغلاق أبواب الأرزاق

والانسداد

وانسداد مسالكها وارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحا يسيرا واجعل لي
من كل ضنك مخرجا وإلى كل سعة منهجا برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم واجعل
الليل والنهار مختلفين عليّ برحمتك ومعافاتك ومنّك وفضلك و لا
تفقرني إلى أحد من خلقك برحمتك يا أرحم الراحمين إنك على كل شيء قدير وبكل
شيء محيط پوشیده نماند که برای شیعیان و دوستان اهل بیت این دعا و امثال این دعا فضل
همراه و به او راه دو اکمل همه وسایل و اذکار است بسبب اشتمال آن بر توسل بحبل المتین و لا
و تمسک بعروة الوثقی ائمه الشأن که معیار هر شرف و سعادت و مدار قبول عبادات و...
چون و بعد از نماز صبح این دعا بخوانند از جمله الطاف حضرت صاحب الزمان علیه و علی آبائه الطاهرین
و اکرمن ... آن حضرت ... از زمان غیبت ... کرد اندش و ... از حسنه ... عطاء فرمایند
و بر اسپیده ... نماید دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم رب النور العظیم ورب
الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل التوراة والإنجيل والزبور والظل و
الحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملائكة المقربين والأنبياء والمرسلين
اللهم إني أسألك بوجهك الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم
أسألك باسمك الذي يصلح به الأولون والآخرون يا حيّ حين لا حيّ يا محيي الموتى
يا مميت الأحياء يا حي لا إله إلا أنت صلّ على محمد وآل محمد وعجّل اللهم فرجهم اللهم
بلّغ مولانا الإمام الهادي المهدي الحجة القائم بأمرك على جميع المؤمنين والمؤ
منات في مشارق الأرض ومغاربها وسهلها وجبلها وبرّها وبحرها وحيّهم
وميّتهم عني وعن والديّ وأهلي وإخواني وولدي من الصلوات والتحيات زنة

أشرقت به السموات والأرض وباسمك الذي به

67

عرشك وعدد كلماتك وما احصاه كتابك واحاط به علمك اللهم اني اجدد
له في صبيحة يومي هذا وما عشت فيه من ايامي عهدا وعقدا وبيعة له
في عنقي لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلني من انصاره واعوانه والذابين عنه
والمسارعين في حوائجه والممتثلين لاوامره ونواهيه والسابقين الى ارادته و
المجاهدين معه والحامين عنه والمستشهدين بين يديه اللهم فان حال بيني وبينه
الموت الذي جعلته على عبادك حتما مقضيا فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا
سيفي مجردا قناتي ملبيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة الر
شيدة والغرة الحميدة واكحل مرهي بنظرة مني اليه وعجل فرجه وسهل مخرجه
واوسع منهجه واسلك بي محجته وانفذ امره واشدد ازره وقو ظهره وطول عمره و اعمر
اللهم به بلادك واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد في البر و
البحر بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن وليك وابن بنت نبيك
المسمى باسم رسولك صلواتك عليه وآله في الدنيا والآخرة حتى لا يظفر بشيء من
الباطل الا مزقه ويحق الحق ويحققه اللهم واجعله مفزعا للمظلوم من عبادك
وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا
لما ورد من اعلام دينك محمد صلى الله عليه وآله واجعله اللهم من حصنته
من باس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا صلواتك عليه وآله برؤيته ومن تبعه
على دعوته وارحم استكانتنا من بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الامة
بحضوره وعجل اللهم لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين

بعد ازان

بعد ازان سه مرتبه دست بر زانو زده بگوید العجل العجل العجل یا مولای یا صاحب
الزمان الغوث الغوث الغوث صلوات الله علیك انا منتظر الیك حتی یمکننی
الله من دولتك وسعادتك ویمنك وبرکتك یا مولای العجل العجل الساعة
الساعة الساعة بعد ازان بسیار بگوید یا صاحب الزمان الامان الامان الامان
الغوث الغوث الغوث ادرکنی بحقك وبحق ابائك الطیبین الطاهرین الائمة
المکرمین و از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که سرور پیغمبران آدم
حضرت خاتم صلوات الله علیه وآله وسلم از یکه بکر میراث گرفته اند و آن اینست که هر روز صبح بگوید
اللهم انی اسئلك ایمانا تباشر به قلبی ویقینا حتی اعلم انه لا یصیبنی الا ما کتبت لی
ورضا بما قسمت لی و در بعضی روایات این عبارت نیز زیاده بر آن آمده حتی
لا احب تعجیل ما اخرت ولا تاخیر ما عجلت یا حی یا قیوم برحمتك استغیث اصلح لی
شانی کله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وصلی الله علی محمد وآله و هر روز پیش از
طلوع آفتاب بگوید الله اکبر الله اکبر کبیرا وسبحان الله بکرة واصیلا والحمد لله رب
العالمین کثیرا لا شریك له وصلی الله علی محمد وآله فرشته آنرا بگیرد و در زیر بال
خویش گرفته باسمان دنیا برد چون باسمان دنیا رسد ملائکه گویند با خود چه داری گوید این
کلماتیست که مؤمنی گفته پس ملائکه دعا کنند و گویند خدا بیامرزد بر آن مؤمن رحمت کند و گناهش را بیامرزد
و همچنین بهر آسمانی که رسد ملائکه آن آسمان همین دعا کنند تا آنکه بحاملان عرش رسد ایشان نیز از برای او
دعا کنند و گویند پروردگارا این کلمات را بخزینه دار اعمال مؤمنان بسپار تا در دیوان خزینه
۶۸ ثبت نماید که این کلمات خزینه است و هر کس هر صبح و شام سه مرتبه بگوید اللهم صل علی

محمد وآل محمد في الأولين وصل على محمد في الآخرين وصل على محمد وآل محمد في الملأ
الأعلى وصل على محمد وآل محمد في المرسلين اللهم صل اعط محمداً الوسيلة والفضيلة
والشرف والرفعة والدرجة الكبيرة اللهم اني آمنت بمحمد ولم اره فلا تحرمني يوم القيمة
رؤيته وارزقني صحبته وتوفني على ملته واسقني من حوضه مشرباً روياً سائغاً هنيئاً
لا اظمأ بعده ابداً انك على كل شيء قدير اللهم وكما آمنت بمحمد ولم اره فعرفني في الجنان
وجهه اللهم بلغ روح محمد عني تحية كثيرة وسلاماً مکن باشد فرو ریزد وخطاهایش محو
کرده وسرورش دایم شود وبر دشمنان نصرت یابد واسباب خیرات برای او مهیا شود واز وی پیش آید
واو زیش وسبح کرده و در بهشت از رفقای محمد وآل محمد صلوات الله علیهم باشد واز حضرت امام جعفر بن محمد الصادق
مرویست که سنتی واجب است پیش از طلوع وپیش از غروب آفتاب ده مرتبه خواندن این تهلیل لا اله
الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير
وهو على كل شيء قدير وبعد از آن ده مرتبه بگوید استعاذه را اعوذ بالله السميع العليم
من همزات الشياطين واعوذ بالله ان يحضرون ان الله هو السميع العليم واگر فراموش
شود قضا کند همچنانکه نماز را قضا میکند ودر روایتی دیگر آمده که هرکس این تهلیل را ده مرتبه پیش از
طلوع وغروب آفتاب بخواند کفاره گناهان آن روزش باشد وهرکس پیش از طلوع وغروب آفتاب
صد مرتبه بگوید همچنانست که صد بنده آزاد کرده باشد وهرکس هر صبح وشام سه مرتبه بگوید سبحان الله
حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون
در آن شبانه روز هیچ چیزی از او فوت نشود وهیچ شری باو نرسد وهرکس هر صبح وشام چهار مرتبه
بگوید الحمد لله رب العالمين شکر آن شبانه روز بجا آورده باشد ومرویست که کسی باید در دو گفتن

آتش

آتش افتاد وخانه ات سوخته گفت خانه ام نسوخته دیگری آمد وهمین خبر آورد دیگری آمد
همین خبر آورد در هر سه همین جواب شنیدند چون معلوم شد خانهای حوالی خانه او سوخته بود
وخانه او سالم در میان مانده بود پرسیدند چون دانستی که خانه ات نسوخته گفت از حضرت رسول صلی الله علیه وآله
شنیدم که هرکس هر صبح وشام بگوید اللهم انت ربي لا اله الا انت عليك توكلت وانت رب
العرش العظيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن
اعلم ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علماً اللهم اني اعوذ
بك من شر نفسي ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
در آن شبانه روز هیچ آفتی باو نرسد ومن این را گفته بودم ونیز هر صبح وشام سه مرتبه بخواند عابد را که اصبحت
اللهم معتصماً بذمامك المنيع الذي لا يحاول ولا يطاول من شر كل غاشم و
طارق من سائر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق في جنة
من كل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيك محمد عليه وعليهم السلام محتجباً
من شر كل قاصد الى اذية بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك
بحبلهم موقناً بان الحق معهم وفيهم وبهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا
فصل على محمد وآل محمد واعذني بهم من شر كل ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي
عني ببديع السموات والارض انا جعلنا من بين ايديهم سداً ومن خلفهم سداً
فاغشيناهم فهم لا يبصرون ودر وقت شام بجای اصبحت امسیت بگوید واز همه مکاره و
مخاوف ایمن شود ان شاء الله تعالی واز حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام مرویست که اگر همه چیز را ترک
کنی این را ترک مکن هر صبح وشام اللهم اني اصبحت استغفرك في هذا الصباح وفي

هذا اليوم لأهل رحمتك وابرأ اليك من اهل لعنتك اللهم انى اصبحت ابرأ اليك
فى هذا اليوم وفى هذا الصباح ممن نحن بين ظهرانيهم من المشركين ومما كانوا يعبدون
انهم كانوا قوم سوء فاسقين اللهم اجعل ما انزلت من السماء الى الارض فى هذا
الصباح وفى هذا اليوم بركة على اوليائك وعقابا على اعدائك اللهم وال من والاك
وعاد من عاداك اللهم اختم لى بالامن والايمان كلما طلعت شمس او غربت اللهم
اغفر لى ولوالدى وارحمهما كما ربيانى صغيرا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين
والمسلمات الاحياء منهم والاموات انك تعلم منقلبهم ومثواهم اللهم احفظ امام
المسلمين بحفظ الايمان وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا قريبا واجعل له
ولنا من لدنك سلطانا نصيرا اللهم العن ابابكر وعمر والفرق المختلفة على رسولك
وولاة الامر بعد رسولك والائمة من بعده وشيعتهم واسئلك الزيادة من فضلك
والاقرار بما جاء من عندك والتسليم لامرك والمحافظة على ما امرت به لا ابتغى
به بدلا ولا اشترى به ثمنا قليلا اللهم اهدنى فيمن هديت وقنى شر ما قضيت
انك تقضى ولا يقضى عليك ولا يذل من واليت تباركت وتعاليت سبحانك رب
البيت فتقبل منى دعائى وما تقربت به اليك من خير فضاعفه لى اضعافا كثيرة
وآتنى من لدنك اجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتنى واعظم ما اعطيتنى واطول
ما عافيتنى واكثر ما سترت على فلك الحمد يا الهى كثيرا طيبا مباركا عليه ملأ
السموات والارض وملأ ما شاء ربى وكما يحب ربى ويرضى وكما ينبغى لوجه ربى
ذى الجلال والاكرام وچون اين دعا را در وقت شام بخوانند در همه مواضع اصبحت وبجای امسيت

هذا الصباح هذا المساء و بجای هذا اليوم هذا الليل و بجای طلعت شمس او غربت شمس طلعت
بگويد و بهر صبح و شام بگويد الحمد لله الذى يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره
الحمد لله كما يحب الله والحمد لله كما هو اهله اللهم ادخلنى فى كل خير ادخلت فيه
محمدا وآل محمد واخرجنى من كل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلى الله على
محمد وآل محمد و مرويست كه حضرت پيغمبر صلعم چون آفتاب بر سر كوه ديدى كه زرد شده كرد ايام
مبارکش ال شدی و گفتی امسى ظلمى مستجيرا بعفوك وامست ذنوبى مستجيرة بمغفرتك
وامسى خوفى مستجيرا بامانك وامسى ذلى مستجيرا بعزك وامسى فقرى مستجيرا بغناك
وامسى وجهى الفانى البالى مستجيرا بوجهك الدائم الباقى اللهم البسنى عافيتك وغشنى
برحمتك وجللنى كرامتك وقنى شر خلقك من الجن والانس يا الله يا رحمن يا رحيم
مرويست كه در وقت ظهر گفتن اين تسبيح را ترك نكنى و محافظت نمای بجا آنكه چشم خود را محافظت
ميكنی سبحان الله ولا اله الا الله والحمد لله الذى لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك فى
الملك ولم يكن له ولى من الذل وكبره تكبيرا واما فضايل شبانه روز جمعه و اوراد آن
مرويست از اهل بيت طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين كه هيچ روز افتاب نجد افضل از روز جمعه نيست
روز ماست و خدا تعالى در روز جمعه حسنات مضاعف كند و سيئات محو نمايد و درجات بلند گرداند و دعوات
اجابت فرمايد و بليات رفع كند و حاجات عظيم را ادا كند و در رحمت و فضل را باز گرداند و هيچ كس در ين روز
دعا نكند و طلب مغفرت ننمايد و حال آنكه حق و حرمت اين روز شناسد مگر آنكه بر خدا تعالى لازم باشد
كه او را از آتش آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه يا شب آن بميرد شهيد باشد و از عذاب قبر و آتش
دوزخ ايمن باشد و هر قدر توانند درين روز طاعات و عبادات و ساير خيرات زياده كنند كه ثوا

حسنات مضاعف باشد و ترک معاصی و مناهی و جمیع گناهان نماید که عقوبت سیئات مضاعف گردد و بسیار
باشد که مومنی دعا کند و خدا تعجیل نماید در اجابت آن کند تا روز جمعه برای فضیلت آن روز و شب جمعه
نزد فضل و شرف مثل روز شب نمی باشد و خدا هر شب جمعه از اول شب تا طلوع صبح از بالای
عرش ندا فرماید و گوید ای بنده مومنی که حاجتی داری برای آخرت یا دنیا طلب نما تا اجابت کنیم
و اگر گناهی کرده استغفار نمای تا قبول نمایم و اگر معاشت تنگ بود سوال نمای تا زیاده
نمایم و اگر بیماری دعا کن تا شفا دهم و اگر محبوس و مغموم باشی استغاثه کن تا نجات دهم و اگر
مظلوم باشی استعانت نمای تا نصرت دهم و در ثلث آخر هر شب و شب جمعه از اول شب
تا طلوع صبح ملکی فرستد تا از جانب خدا ندا کند و گوید هر کس را حاجتی باشد بخواهد تا
اجابت شود و اگر توبه نماید تا مقبول گردد ای طالب خیر مشغول خیر شوید و ای طالب شر
ترک شر نمایید و چون صبح طلوع کند بمقام خود ملکوت سما رجوع نماید و مستحب است روز
جمعه بجهت عیال و اطفال میوه و تحفه تازه که در روزهای دیگر نبوده باشد آوردن تا در این روز
شاد و خوشحال باشند و محبتشان با این روز زیاده گردد و هر کس استخفاف بحرمت این روز
کند و حق آن را ضایع گرداند بر خدا لازم باشد که او را بجهنم برد مگر اینکه توبه کند و اگر در این روز
یک بیت شعر بخواند نصیبش از فضایل آن همان باشد و افضل اعمال در شبانه روز جمعه صلوات
فرستادن است بر پیغمبر و آلش صلی الله علیهم و چون ظهر پنجشنبه شود ملائکه از آسمان نازل شوند
بعدد مور با قلمهای طلا و لوحهای نقره و تا شب شنبه کارشان همین باشد که هر کس صلوة
فرستد بنویسند و این ملائکه در روزهای دیگر نازل نشوند و سنت است روز جمعه هزار مرتبه
و سایر روزها صد مرتبه صلوة فرستادن و هر کس در شب جمعه سوره بنی اسرائیل بخواند از اصحاب

حضرت

حضرت صاحب الزمان علیه السلام گردد و هر کس در شب جمعه یا روز جمعه بعد از عصر سوره کهف بخواند
تا جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر هر شب جمعه بخواند درجه شهدا یابد و در زمره ایشان محشور شود
و کفاره گناهانش باشد از جمعه سابق تا این جمعه و هر کس در شب جمعه یا هر شب عید فطر و اضحی
ده مرتبه بگوید یا دائم الفضل علی البریة یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب
المواهب السنیة صل علی محمد و آل محمد خیر الوری سجیة و اغفر لنا یا ذا العلی
فی هذه العشیة هزار هزار حسنه برای او ثبت نمایند و هزار هزار سیئه محو فرمایند و هزار
هزار درجه بلند گردانند و روز قیامت با ابراهیم خلیل الله در مجلس رحمت نماید و روزه آن روز
برابر است با ده روز نورانی درخشان که بروزهای دنیا شبیه نبوده و مستحب است روز جمعه زیارت
حضرت پیغمبر و اهل بیتش صلوات الله علیهم و چون خواهد زیارت کند غسل کند و جامه های پاکیزه
بپوشد و بصحرا بیرون رود و در روایت دیگر بر بام خانه بر آمده و چهار رکعت نماز بگزارد پس
رو بقبله بایستد و بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک
ایها النبی المرسل و الوصی المرتضی و السیدة الکبری و السیدة الزهراء و السبطان
المنتجبان و الاولاد الاعلام و الامناء المنتجبون جئت انقطاعا الیکم و الی آبائکم
و ولدکم الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم و نصرتی لکم معدة حتی یحکم الله
لدینه فمعکم معکم لا مع عدوکم انی لمن القائلین بفضلکم مقر برجعتکم
لا انکر لله قدرة و لا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذی الملک و الملکوت
یسبح الله باسمائه جمیع خلقه و السلام علی ارواحکم و اجسادکم و السلام
علیکم و رحمة الله و برکاته و مستحب است روز جمعه انواع تطهیر و تنظیف و تعطیر چنانکه تفصیل

در باب دوم مذکور شد و بهترین جامها که معد و باشد پوشیدن و با سکینه و وقار متوجه مسجد شدن و چون تهیه نماز کرده متوجه مسجد شود بگوید اللهم من تهيأ وتعبأ و
اعد واستعد لوفادة الى مخلوق رجاء رفده وطلب نائله وجوائزه وفواضله
فاليك يا سيدي وفادتي وتهيئتي وتعبئتي واعدادي واستعدادي رجاء
رفدك وجوائزك ونوافلك فلا تخيب اليوم رجائي يا من لا يخيب عليه سائل
ولا ينقصه نائل فاني لم اتك اليوم بعمل صالح قدمته ولا شفاعة مخلوق
رجوته ولكن اتيتك مقرا بالظلم والاساءة لا حجة لي ولا عذر فاسئلك يا رب
ان تعطيني مسألتي وتقلبني برقبتي ولا تردني مجبوها ولا خائبا يا عظيم
يا عظيم يا عظيم ارجوك للعظيم اسئلك يا عظيم ان تغفر لي العظيم لا اله الا انت
اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني خير هذا اليوم الذي شرفته وعظمته واغسلني
فيه من جميع ذنوبي وخطاياي وزدني من فضلك انك انت الوهاب و در روز جمعه
ساعتی است که دعا در آن البته مستجاب گردد وقت زوال دوم آخر روز تا آنکه آفتاب غروب
کند و مستحب است در ساعت آخر این روز خواندن دعای سمات روایت از حضرت امام المحمد
علی الباقر علیهما السلام که این دعا از علم مکنون و مخزون علم است و لیس ابی حاجات و هلاک دشمنان
بالجوانید و با اطفال و سفها و ظالمان و منافقان اظهار آن مکنید و اگر نسیم ياد كنيم كه اسم
كه اسم اعظم درین دعاست گفته باشم و دعا اینست اللهم انی اسئلك باسمك العظيم
الاعظم الاعز الاجل الاكرم الذي اذا دعيت به على مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة
انفتحت واذا دعيت به على مضائق ابواب الارض للفرج انفرجت واذا دعيت

به على العسر لليسر تيسرت واذا دعيت به على الاموات للنشور انتشرت واذا دعيت به
على كشف البأساء والضراء انكشفت وبجلال وجهك الكريم اكرم الوجوه واعز
الوجوه الذي عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات ووجلت
له القلوب من مخافتك وبقوتك التي تمسك بها السماء ان تقع على الارض
الا باذنك وتمسك السموات والارض ان تزولا وبمشيتك التي دان لها العالمون
وبكلمتك التي خلقت بها السموات والارض وبحكمتك التي صنعت بها العجائب
وخلقت بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت الليل سكنا وخلقت بها النور وجعلته
نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت بها الشمس وجعلت الشمس ضياء
وخلقت بها القمر وجعلت القمر نورا وخلقت بها الكواكب وجعلتها نجوما و
بروجا ومصابيح وزينة ورجوما وخلقت لها مشارق ومغارب وجعلت
لها مطالع ومجاري وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها في السماء منازل
فاحسنت تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها واحصيتها باسمائك
احصاء ودبرتها بحكمتك تدبيرا واحسنت تدبيرها وسخرتها بسلطان
الليل وسلطان النهار والساعات وعرفت بها عدد السنين والحساب وجعلت رؤيتها
لجميع الناس مرئى واحدا واسئلك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك
موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين فوق احساس الكروبيين فوق
غمائم النور فوق تابوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث
في الواد المقدس في البقعة المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض

سوف

مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني إسرائيل البحر وبالمنبجسات التي صنعت
بها العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت
ببني إسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا وأورثتهم مشارق الأرض
ومغاربها التي باركت فيها للعالمين وأغرقت فرعون وجنوده ومراكبه في
اليم وباسمك العظيم الأعظم الأعز الأجل الأكرم وبمجدك الذي تجليت به
لموسى كليمك عليه السلام في طور سيناء ولإبراهيم خليلك عليه السلام من قبل
في مسجد الخيف ولإسحاق صفيك عليه السلام في بئر شيع وليعقوب نبيك عليه
في بيت إيل وأوفيت لإبراهيم عليه السلام بميثاقك ولإسحاق عليه السلام بحلفك
وليعقوب عليه السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللداعين بأسمائك
فأجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران عليه السلام على قبة الرمان وبآيتك الذي
رفعت وبآياتك التي وقعت على أرض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات عزيزة
وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة وبكلماتك التي
بها على أهل السماوات والأرض وأهل الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها
على جميع خلقك وباستطاعتك التي أقمت بها على العالمين وبنورك الذي
قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك وعزتك وجبروتك
التي لم تستقلها الأرض وانخفضت لها السماوات وانزجر لها العمق الأكبر وركدت
لها البحار والأنهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها الأرض بمناكبها واستسلمت
لها الخلائق كلها وخفقت لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في

اوطانها

الذي

أوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في
السماوات والأرضين وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لأبينا آدم وذريته
بالرحمة وأسألك بكلمتك التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل
فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك
ورسولك موسى بن عمران وبطلعتك في ساعير وظهورك في جبل فاران بربوات
المقدسين وجنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وببركاتك
التي باركت فيها على إبراهيم خليلك في أمة محمد صلواتك عليه وآله وباركت لإسحاق
صفيك في أمة عيسى ع وباركت لحبيبك محمد صلواتك عليه وآله في عترته وذريته

وباركت ليعقوب إسرائيلك في أمة موسى عليه السلام

وأمته اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا أن
تصلي على محمد وآل محمد وأن تبارك على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد
كأفضل ما صليت وباركت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد فعال
لما تريد وأنت على كل شيء قدير شهيد پس حاجت خود را بخواهد بعد از آن بگوید اللهم
إني أسألك بحرمة هذا الدعاء وبما فات منه من الأسماء وبما يشتمل عليه من
التفسير والتدبير الذي لا يحيط به إلا أنت أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل
فرجهم في عافية وتهلك أعداءهم في الدنيا والآخرة وأن ترزقنا بهم خير ما نرجو
وخير ما لا نرجو وتصرف بهم عنا شر ما نحذر وشر ما لا نحذر إنك على كل شيء قدير
وأنت أكرم الأكرمين **فصل دهم** در نوافل یومیه بر سبیل تفصیل و بیان ذکر و آداب
و ادعیه متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که افتتاح نوافل

٧٣

بهفت تکبیر و ادعای آن در سه موضع باید نمود اول نوافل ظهر و اول نوافل شب و یک رکعت
وتر و در نوافل بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند اما افضل اینست که در رکعت اول نوافل
ظهر قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون بخواند و در اول نوافل عصر اذا جاء نصر الله یا الهیکم
یا مثل آن از سوره های کوتاه و در اول نوافل مغرب قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون
و در روایت دیگر آمده که در اول سه قل هو الله و در دوم یک انا انزلناه بخواند و در رکعت سیوم
اول سوره حدید تا و هو علیم بذات الصدور و در چهارم آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن تا آخر
و در رکعت اول وتیره سوره الملک یا سوره واقعه و در دوم قل هو الله و در اول نوافل
شب قل هو الله و در دوم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده که هر کس در دو رکعت
اول نوافل شب در هر رکعت سی مرتبه قل هو الله بخواند میان او و خدا ایستاده هیچ گناه نماند مگر
اینکه آمرزیده شود و در رکعتهای دیگر مستحب است خواندن سوره های طویل مثل کهف و یس
و مانند آن اگر وقت وفا کند و اگر وقت تنگ باشد در همه قل هو الله کافی بود و در رکعتی شفع
معوذتین و در رکعت وتر قل هو الله که هر کس در این سه رکعت این سه سوره بخواند فرشته ندا
کند که ای بنده مومن مژده باد ترا که وترت مقبول گشت و در روایت دیگر آمده که در هر سه رکعت
قل هو الله بخوانید تا در سه رکعت وتر ختم قرآن شده باشد که قل هو الله ثلث قرآنست و در
روایت دیگر آمده که حضرت امام رضا در هر یک از این سه رکعت سه مرتبه قل هو الله و در رکعت
سیوم بعد از قل هو الله یک مرتبه معوذتین میخوانده و در رکعت اول نوافل صبح قل یا ایها الکافرون
و در دوم قل هو الله و مرویست که هر کس سوره زلزلت در نوافل میخوانده باشد هرگز بزلزله
مبتلا نشود و بزلزله و صاعقه و هیچ آفتی نمیرد تا آنکه با اجل مقدر از دنیا رود و چون وقت

موتش

موتش رسد فرشته کریمی از جانب خدا آید و بر بالینش نشیند و گوید ای ملک الموت با ولی
خدا ملایمت و مدارا نمای که مرا بسیار یاد میکرد و سوره اذا زلزلت بسیار میخواند و سوره
چنین مکالمه نماید پس ملک الموت گوید مرا از جانب الهی مامورم که اطاعت او نمایم و تا اذن
قبض روحش نکنم پس حجاب از پیش نظرش برگیرند تا منازل خویش در بهشت ملاحظه نماید پس
اذن دهد و قبض روحش نماید با کمال ملایمت پس هفتاد هزار فرشته مشایعتش نمایند تا داخل
بهشت شود و هر کس سوره والعصر در نوافل بخواند رویش در روز قیامت نورانی باشد و شکفته
و شادمان به بهشت رود و هر کس سوره انا انزلناه اعطینا در فرایض و نوافل بسیار بخواند خدا تعالی
از کوثر آبش دهد و مقامش در سایه طوبی باشد در پیش حضرت پیغمبر و فضایل بعضی دیگر از سوره
قرآنی در فرایض و نوافل ان شاء الله بعد از این بیاید و در همه نوافل اکتفا بحمد تنها مجزی بود
بخصیص اگر وقت تنگ باشد یا شغل ضروری باشد اما تعقیبات و اذکار نوافل پس مانند اینکه بعد
از هر دو رکعت نافله ظهر بگوید اللّهمّ انّی ضعیف فقوّ فی رضاک ضعفی وخذ الی
الخیر بناصیتی واجعل الایمان منتهی رضای وبارک لی فیما قسمت لی وبلّغنی
برحمتک کلّ الذی ارجو منک واجعل لی ودّا وسرورا للمؤمنین والمؤمنات
وعهدا عندک و اگر در سجده آخر نوافل مغرب هر شب بخصوص در شب جمعه هفت مرتبه بگوید
اللّهمّ انّی اسألک بوجهک الکریم وباسمک العظیم ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد
وان تغفر لی الذنب العظیم گناهانش آمرزیده شود و بعد از هر دو رکعت نوافل شب بگوید
اللّهمّ انّی اسألک ولم یسأل مثلک انت موضع مسألة السائلین ومنتهی رغبة
الراغبین وادعوک ولم یدع مثلک وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک انت

مجيب دعوة المضطرين وارحم الراحمين اسئلك بافضل المسائل وانجحها و
اعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك التي
لا تحصى باكرم اسمائك عليك واحبها اليك واقربها منك وسيلة واشرفها
عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا واسرعها في الامور اجابة وباسمك المكنون
الاكبر الاعز الاجل الاكرم الذي تحبه وتهويه وترضى عمن دعاك به فاستجبت
له دعاءه وحق عليك ان لا تحرم سائلك ولا ترده وبكل اسم هو لك في التورية
والانجيل والزبور والقرآن العظيم وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك
وانبيائك ورسلك واهل طاعتك من خلقك ان تصلي على محمد وآل محمد و
ان تعجل خزي اعدائه وتجعلنا من اصحابه وانصاره وترزقنا به رجاءنا و
تستجيب به دعاءنا وبعد از رکعت ششم بگوید اللهم انی اسئلک بحرمة من عاذ بك ولجأ
عزك واستظل بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق
الاسارى يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا وخوفا وطمعا
والحاحا والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا وراكبا
ماشيا وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي واسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان
ترزقني من فضلك خير ما سالك سائل واعذني برحمتك مما استعاذ منه عائذ
وبعد از رکعت هفتم بگوید الهی تعرض لك في هذا الليل المتعرضون وقصدك فيه القاصدون
صلتك واملَ فضلك ومعروفك الطالبون ولك في هذا الليل نفحات وجوائز
وعطايا ومواهب تمن بها على من تشاء من عبادك وتمنعها على من لم تسبق له

فرج وليك وابن وليك وتعجل

العناية

العناية منك وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك فان
كنت يا مولاي تفضلت على احد من خلقك وعدت عليه بعائدة من عطفك
فصل على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد علي بفضلك
ومعروفك وكرمك يا رب العالمين وصل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين
الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا انك حميد مجيد اللهم اني ادعوك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني انك لا تخلف الميعاد و در قنوت وتر بگوید لا اله الا الله
الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين وما فيهن
وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله
زين السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض وانت الله عماد السموات
والارض وانت الله قوام السموات والارض وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله
غياث المستغيثين وانت الله المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين
وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين وانت الله الرحمن
الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد
غضبك الا حلمك ولا ينجي من عذابك الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك
فهب لي من لدنك يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها
احييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي و
ترحمني وتعرفني الاستجابة في دعائي وترزقني العافية الى منتهى اجلي واقلني
عثرتي ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم ان رفعتني فمن ذا الذي

يضعني وان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك
وبيني او يتعرض لك في شيء من امري وقد علمت ان ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك
عجلة انما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت
عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء عرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني و
اقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ
بك الليلة فاعذني واستجير بك من النار فاجرني واسألك الجنة فلا تحرمني
بعد از آن دستها را فرو گیرد و بگوید وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض حنيفا
مسلما وما انا من المشركين ان صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين
لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين صل على محمد وآل محمد وصل على ملائكتك
المقربين واولي العزم من المرسلين والانبياء المنتجبين والائمة الراشدين
اولهم واخرهم اللهم عذب كفرة اهل الكتاب وجميع المشركين ومن ضاهاهم من
المنافقين فانهم يتقلبون في نعمتك ويجعلون الحمد لغيرك فتعاليت عما يقولون
وعما يصفون وعما يشركون علوا كبيرا اللهم العن الرؤساء والقادة والاتباع
من الاولين والاخرين الذين يصدون عن سبيلك وانزل بهم بأسك ونقمتك
فانهم كذبوا على رسولك وبدلوا نعمتك وافسدوا عبادك وحرفوا كتابك وغيروا
سنة نبيك اللهم العنهم واتباعهم واولياءهم واعوانهم ومحبيهم واحشرهم و
اتباعهم الى جهنم زرقا اللهم صل على محمد عبدك ورسولك بافضل صلواتك
وعلى ائمة الهدى الراشدين المهديين بعد از آن چهل کس از مومنان را دعا کند بعربي

فارسی

فارسی هرچه دانه مجزی بود که بعد از دعای مومنان دعایی که برای خود کند مستجاب شود و بعد از آن
دست چپ را همچنان که در قنوت باز دارد و با دست راست تسبیح بشمرد و هفتاد مرتبه بگوید
استغفر الله واتوب الیه که هر کس یکسال در قنوت وتر هفتاد استغفار مداومت نماید
از جناب الهی مغفرت گناهانش واجب شود و از جمله مومنانی باشد که خدا تعالی در قرآن مجید
وصف نموده و فرموده والمستغفرين بالاسحار و چون سر از رکوع بر دارد ایستاده بگوید هذا
مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم وشكره قليل وليس
لذلك الا عفوك ورحمتك الهي طموح الامال قد خابت الا لديك ومعاكف
الهمم قد تعطلت الا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فانت الرجاء
واليك الملتجأ يا اكرم مقصود ويا اجود مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجأ الهاربين
باثقال الذنوب احملها على ظهري لا اجد لي اليك شافعا سوى معرفتي بانك اقرب
من رجاه المضطرون واملّ ما لديه الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته واطلق
الالسن بحمده وجعل ما امتن به على خلقه كفاء لتادية حقه صل على محمد وآل محمد
ولا تجعل للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا اللهم انك قلت في
محكم كتابك المنزل على نبيك المرسل عليه وآله السلام كانوا قليلا من الليل ما
يهجعون وبالاسحار هم يستغفرون طال هجوعي وقل قيامي وهذا السحر وانا
استغفرك لذنوبي استغفار من لا يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حيوة
ولا نشورا و بعد از آن سلام دهد و بگوید انا ذلك يا موجودا في كل مكان لعلك تسمع
ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكر واليها

اَنّى وَ لَو لَم يَكُن اِلَّا المَوتُ لَكَفى كَيفَ وَما بَعدَ المَوتِ اَعظَمُ وَاَدهى مَولاىَ يا مَولاىَ
حَتّى مَتى وَ اِلى مَتى اَقُولُ لَكَ العُتبى مَرَّةً بَعدَ اُخرى ثُمَّ لا تَجِدُ عِندى صِدقاً وَلا
وَفاءً فَيا غَوثاهُ ثُمَّ وا غَوثاهُ بِكَ يا اَللهُ مِن هَوىً قَد غَلَبَنى وَمِن عَدُوٍّ قَد اِستَكلَبَ
عَلَىَّ وَمِن دُنيا قَد تَزَيَّنَت لى وَمِن نَفسٍ اَمّارَةٍ بِالسُّوءِ اِلّا ما رَحِمَ رَبّى مَولاىَ يا مَولاىَ
اِن كُنتَ رَحِمتَ مِثلى فَارحَمنى وَاِن كُنتَ قَبِلتَ مِثلى فَاقبَلنى يا قابِلَ السَّحَرَةِ اِقبَلنى
يا مَن لَم اَزَل اَتَعَرَّفُ مِنهُ الحُسنى يا مَن يُغَذّينى بِالنِّعَمِ صَباحاً وَمَساءً اِرحَمنى يَومَ
آتيكَ فَرداً شاخِصاً اِلَيكَ بَصَرى مُقَلَّداً عَمَلى قَد تَبَرَّءَ جَميعُ الخَلقِ مِنّى نَعَم اَبى وَاُمّى
وَمَن كانَ لَهُ كَدّى وَسَعيى فَاِن لَم تَرحَمنى فَمَن يَرحَمُنى وَمَن يُؤنِسُ فِى القَبرِ وَحشَتى
وَمَن يُنطِقُ لِسانى اِذا خَلَوتُ بِعَمَلى وَسائَلتَنى عَمّا اَنتَ اَعلَمُ بِهِ مِنّى فَاِن قُلتُ نَعَم فَاَينَ
المَهرَبُ مِن عَدلِكَ وَاِن قُلتُ لَم اَفعَل قُلتَ اَلَم اَكُنِ الشّاهِدَ عَلَيكَ فَعَفوَكَ
عَفوَكَ يا مَولاىَ قَبلَ اَن تَلبَسَ الاَبدانُ سَرابيلَ القَطِرانِ عَفوَكَ عَفوَكَ يا مَولاىَ
قَبلَ اَن تُغَلَّ الاَيدى اِلَى الاَعناقِ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ وَخَيرَ الغافِرينَ و بعد از نماز فجر
مستحب است که بجانب راست روی بقبله تکیه کند چنانکه دست راست زیر روی بگذارد و پنج
آیه از سوره آل عمران ان فی خلق السموات والارض تا انک لا تخلف المیعاد بخواند پس بگوید
اِستَمسَكتُ بِعُروَةِ اللهِ الوُثقَى الَّتى لَا انفِصامَ لَها وَاعتَصَمتُ بِحَبلِ اللهِ المَتينِ وَاَعُوذُ
بِاللهِ مِن شَرِّ فَسَقَةِ العَرَبِ وَالعَجَمِ وَمِن شَرِّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالاِنسِ رَبِّىَ اللهُ رَبِّىَ اللهُ
آمَنتُ بِاللهِ تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ وَمَن يَتَوَكَّل عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسبُهُ
اِنَّ اللهَ بالِغُ اَمرِهِ قَد جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَىءٍ قَدراً حَسبِىَ اللهُ وَنِعمَ الوَكيلُ اَللّهُمَّ مَن اَصبَحَ

وَلَهُ حاجَةٌ اِلى مَخلوقٍ فَاِنَّ حاجَتى وَرَغبَتى اِلَيكَ وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ الحَمدُ لِرَبِّ
الصَّباحِ الحَمدُ لِفالِقِ الاِصباحِ الحَمدُ لِناشِرِ الاَرواحِ الحَمدُ لِقاسِمِ المَعاشِ الحَمدُ لِلّهِ جاعِلِ
اللَّيلِ سَكَناً وَالشَّمسَ وَالقَمَرَ حُسباناً ذلِكَ تَقديرُ العَزيزِ العَليمِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجعَل فى قَلبى نوراً وَفى بَصَرى نوراً وَعَلى لِسانى نوراً وَمِن بَينِ يَدَىَّ نوراً وَمِن خَلفى
نوراً وَعَن يَمينى نوراً وَعَن شِمالى نوراً وَمِن فَوقى نوراً وَمِن تَحتى نوراً وَعَظِّم لِىَ النّورَ
وَاجعَل نوراً اَمشى بِهِ فِى النّاسِ وَلا تَحرِمنى نورَكَ يَومَ اَلقاكَ و در تعقیب نماز صبح و در
صلوة مغرب و عشا [illegible] حق تعالی روی او را از حرارت دوزخ نگاه دارد و اگر صد مرتبه بگوید سبحان ربی العظیم
وبحمده استغفر الله واتوب الیه خانه در بهشت برای او بنا کنند و اگر بیست و یک مرتبه قل هو الله بخواند خانه دیگر
بنا کنند و اگر چهل و نه مرتبه بخواند گناهانش آمرزیده شود چون از مجموع سیزده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا
از صحیفه کامله بخواند اللهم یا ذا الملک المتأبد بالخلود و السلطان تا آخر دعا فصل یازدهم در ذکر
بعضی افعال که در اثنای نماز توان کرد مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در اثنای نماز در هر حال نمازش
که باشد هر چه دعا و مناجات خدا و ذکر خدا و ذکر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد توان کرد و از نماز خارج نباشد و هر کس
در اثنای هر فعل از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بگوید صل علی محمد و آل محمد آن فعل مضاعف
نوشته شود و اگر در نماز ذکر آنحضرت بکند و صلوات بفرستد ده حسنه نوشته شود و سجده و فرشته
موکلند که هر کس در اثنای نماز صلوة فرستد بجانب او بشتابند تا هر کدام از ایشان به نصیب باشند ثبت کنند و هر
حاجت که خواهد برای دنیا و آخرت در اثنای نماز توان خواست خصوصا در سجده که بنده در سجده
نزدیکتر است بخدا ابتهال و تضرع و گریه کردن در نماز از ترس خدا و برای شوق جنت و خوف
از نار نور چشم مؤمن و فضل اعمال است اما برای ذکر اموات نماز را قطع کند و اگر در نماز عطسه کند یا

دیگر برا بشنود و حمد و صلوات فرستد و اگر کسی بر و سلام کند جواب گوید و بهمان لفظ که او گفته سلام علیکم
یا السلام علیک و آواز بلند نکند بلکه اگر تواند آهسته گوید و بجای او بانگشت اشاره کند اما روایت
آمده که چون کسی در نماز باشد بر و سلام نکنید **فصل دوازدهم** در آداب جماعت و آن دو قسمت یکی
آداب متعلق بامام دوم آداب متعلق بماموم و چون امام باداب خود اعرف است از آنکه درینجا محتاج
حاجت بذکر باشد اکتفا بذکر آداب ماموم نموده گوییم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی نماز
بانفراد گزارده باشد و بعد از آن جماعتی بود بهر افضل اینست که اعاده کند که خدا بهیچ هر کدام را دوست
دارد بهتر بنیه و آن دیگر را بنافله حساب کند و اگر دو رکعت بانفراد گزارده بود نیت نافله کند و سلام
دهد پس بجماعت بگزارد و اگر یک رکعت گزارده باشد نیت نافله نموده یک رکعت دیگر با آن ضم کند و سلام
دهد و اگر ماموم یک مرد باشد در پهلوی راست امام بایستد و اگر یک زن باشد در پشت سر بایستد
بجانب راست و اگر یک مرد باشد و زن خواه یکی خواه بیشتر مرد در پهلوی راست و زنان در عقب
بایستند و اگر زیاده از یک مرد باشد همه در عقب بایستند و اگر ماموم در پهلوی امام ایستاده باشد
و در اثنای نماز دیگری برسد یا امام پیشتر رود یا ماموم پس تر آید و اگر امید درک بعد از رکوع رکعت آخر
برسد نزد امام تشهد خواند ماموم پس ... بلکه ایستد در پشت امام بنشیند و چون امام سلام دهد بر
خواسته نماز خود را تمام کند و میان امام و صف اول و همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده
از آنکه بسجده توان رفت نباشد مرویست که اگر فاصله بیشتر باشد آن امام برای ایشان امام نباشد
و اهل هر صف در پیش ایستند پیش و پس نه بشد و در میان فرجه خالی نباشد تا شیطان
بر ایشان دست نیابد و اگر در صف پیشتر موضعی خالی باید برود تا آن موضع را بگیرد و اگر چه در اثنای
نماز باشد مرویست که هیچ گامی پیش خدا دوست تر از گامی نیست که بر داری تا صفی خالی را پر کنی

اما در اثنای نماز بصف عقب نتوان رفت مگر آنکه جا تنگی کند و در نیوقت پیش و پس جا
وسعت بهم کند نتواند حرکت کرد و یک کس تنها در صف نایستد مگر آنکه در صفوف جا نباشد
که در نیوقت تنها توان ایستاد اما چنان بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در زمینی پست
بایستد و ماموم در موضع بلند مثل بام یا سکوی بایستند جایز بود اما عکس آن جایز نبود
مگر آنکه زمین سرازیر بود که بعضی موضعش بقدر یک انگشت یا بیشتر یا کمتر پست باشد که در نیوقت
جایز است که امام در موضع بلند بایستد و میان امام و ماموم اگر پرده یا دیواری باشد نماز
ماموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر در باشد اما ستونها که در مساجد میان صفوف واقع
میشود ضرر ندارد و چون امام قرائت کند ماموم را جایز نباشد قرائت کردن مرویست که
کسی امامی که با او راضی باشد و اقتدا بکند قرائت کند چون بمیرد بغیر فطرت اسلام محشور شود
بلکه اگر نماز اخفاتی باشد ماموم برای خود ذکر کند و اگر جهری باشد و صدای امام بشنود اگر چه همین
همهمه بشنود و کلمات را تمیز نکند گوش کند و اگر جهری باشد و صدای امام حتی همهمه بگوش هم نرسد
افضل اینست که ماموم خود آهسته قرائت کند و اگر اکتفا بقرائت امام نیز کند مجزی بود و
سایر افعال را خود بجای بیاورد و باید در همه افعال قیام و قعود و رکوع و سجود تابع امام
باشد پیشتر رکوع یا سجود نکند و پیشتر سر بر ندارد مگر در تشهد که امام تشهد را طول دهد و ماموم را
ضرورتی باشد تواند که پیش از امام سلام دهد و برود و ماموم باید دعا و اذکار را آهسته گوید
و صدای خود را بامام نرساند و چون امام از قرائت حمد فارغ شود و همچنین چون بعد از رکوع
سمع الله لمن حمده گوید ماموم بگوید الحمد لله رب العالمین و ماموم سمع الله لمن حمده نگوید و اگر ماموم در اثنای
نماز بامام رسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز شود در هر جای نماز که باشد پس اگر رکوع را با امام دریابد

لمن حمده

اگر رکعت را حساب کند و اگر بعد از رکوع امام در سجود یا تشهد داخل شود آن فعل را با امام بجا آورد
اگرچه سجده آخر یا تشهد آخر نماز باشد که فضیلت جماعت را به آن دریابد اما آن را از رکعتی حساب نکند و
آن زیادتی به نمازش ضرر نکند و چون امام سلام دهد او سلام نداده برخیزد و هرچه از نمازش مانده
تمام کند و اگر سهواً سلام دهد ضرر نکند برخیزد و نماز را تمام کند بلکه اگر عمداً سلام دهد اما حرف نزده باشد چون
سلامش از روی سهو شده ضرر ندارد و بعد از آن سجده سهو کند و هرگاه امام تشهد خواند او نیز
بخواند اگرچه موضع تشهد خودش نباشد که تشهد رکعت اول است اما در این صورت بر سر پا بنشیند
و دو دست به زمین نشیند و چون موضع تشهد خودش و محل نشستن تشهد بخواند و زود برخیزد
تا با امام ملحق شود و اگر در رکعت دوم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت خودش
مجزی بود و اگر رکعت سوم و چهارم امام اول و دوم او باشد پس اگر امام تسبیح گوید او خود حمد
و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن نباشد همان حمد مجزی بود اما اگر امام
قراءت کند و نماز اخفاتی باشد او قراءت نکند و اگر جهری باشد چون قراءت امام نمی‌شنود
خود قراءت کند و اگر کسی از دور برسد و ببیند که امام در رکوع است یا به رکوع می‌رود و ترسد که تا
به صف رسیدن امام سر بردارد در همانجا که باشد رکوع کند و اگر خواهد به سجود نیز بکند بعد از آن
برخاسته به صف ملحق شود پس اگر ایستاده باشد بایستد و اگر نشسته باشد بنشیند و اگر خواهد
همچنان در رکوع برود تا ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا سجود بردارد ماموم سر بردارد
باز سر بگذارد تا با امام برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و به سبب کثرت و ازدحام سجود نتواند کرد
تا آنکه امام داخل رکعت دیگر شود در این رکعت با امام رکوع نکند و به نیت رکعت سابق سجود
کند با امام که آن رکوع با این سجود مجموع یک رکعت باشد و اگر سجده به نیت همان رکعت کرده این

سجده

سجده هیچ رکعت حساب نشود بلکه سجده دیگر به نیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود و اگر
به سبب ازدحام رکوع نیز از او فوت شود تنها رکوع و سجود کند بعد از آن با امام ملحق شود و اگر
در نماز جمعه یک رکعت را با امام دریابد چون امام سلام دهد یک رکعت دیگر تنها بگزارد و اگر بعد از
رکوع آخر امام رسد چهار رکعت نماز ظهر بگزارد **فصل سیزدهم** در احکام سهو و شک و عروض
بعضی حوادث در نماز اما احکام سهو و شک بنا بر احادیث اهل بیت علیهم السلام و اقوال علمای
کرام در این احکام اختلاف عظیم دارد و ان شاء الله آنچه با اصول احادیث انسب و به احتیاط اقرب
باشد در این فصل بیان نماییم و پیش از شروع در مطلب شرح این الفاظ نموده گوییم که سهو
آن است که یقین داند که چیزی را زیاده یا کم کرده و شک آن است که خاطر مردد باشد میان
دو چیز یا بیشتر به حیثیتی که هیچکدام را بر دیگری ترجیح نتواند داد و ظن آن است که بعضی از افعال را
رجحان دهد و احتمالش بیشتر باشد اما یقین نداند و ظن در جمیع احکامی که مذکور خواهد شد
حکم یقین دارد به این معنی که هر جا یقین داشته باشد چه باید کرد اگر ظن داشته باشد همان
باید کرد چون این جمله دانستی بدانکه سهو و شک در نماز یا متعلق است به عدد رکعات یا به اجزای
نماز اما اگر به عدد رکعات باشد پس اگر یک رکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز دو رکعتی
و سه رکعتی باشد خواه بیشتر اگر هنوز رو از قبله نگردانیده باشد همانچه نقصان شده بجا آورد
تا نمازش تمام شود و اگرچه فاصله بسیار شده باشد و اگرچه حرف زده باشد یا حدثی کرده باشد
اما اگر حرف زده باشد بعد از نماز سجده سهو کند و اگر حدث کرده باشد وضو سازد و اگر
رو از قبله گردانیده باشد احتیاط این است که نماز را اعاده کند و اگر یک رکعت از نماز یا بیشتر
یقین داند که زیاده شده هر نماز که باشد پس اگر رکعتی که سلام بایست داد تشهد خوانده

79

نمازش تمام بود و چیزی بر و لازم نباشد و این زیادتی اگر یک رکعت باشد اگر خواهد یک رکعت دیگر
بآن ضم کند تا نافله شود و اگر در آن رکعت تشهد نخوانده باشد بلکه رکعت زیادتی را باصل نماز
متصل کرده باشد نماز را اعاده کند و اگر نداند که تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد و سلام
بگوید بعد از آن دو رکعت نشسته بگزارد و بآن رکعت زیادتی اضافه نماید تا نافله شود
و همه این شقوق در صورتیست که سهو بعد از تمام شدن رکعت زیادتی بخاطر رسد اما اگر در میان
دو سجده بخاطر رسد احتیاط اینست که بهمین تفصیل عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیشتر از آن
بخاطر رسد سلام دهد و احتیاط سجدهٔ سهو کند و اگر شک کند که نماز کم یا زیاده شده یا شک کند
که تمام یا کم یا زیاده شده و هیچ کدام را بیقین نداند سلام دهد و سجدهٔ سهو کند و اگر در نماز
دو رکعتی خواه صبح و خواه جمعه و خواه نماز سفر و همچنین در نماز شام و همچنین دو رکعت اول
نماز چهار رکعتی شک کند بحیثیتی که بیقین نداند که دو رکعت تمام گزارده افضل و اقرب باحتیاط
اینست که نماز را اعاده کند اما اگر در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام بیقین داند و شک کند
میانه دو و سه بامعنی که رکعتی که تمام شده نداند که دوم بود یا سیوم یا میان دو و چهار یا
میان دو و سه و چهار شک کند بنا بر اکثر گزارد تا چهار رکعت تمام کند و سلام دهد و بعد
از آن اگر شک میان دو و چهار بود دو رکعت احتیاط ایستاده بگزارد و اگر میان دو و سه
یا سه و چهار باشد دو رکعت نشسته و اگر میان دو و سه و چهار باشد دو رکعت ایستاده
و دو رکعت نشسته پس اگر نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله حساب شود و اگر کم باشد
آن رکعت احتیاط در حساب تمام شود و در رکعتهای احتیاط همه تکبیر احرام بگوید و الحمد تنها بخواند
و در هیچ کدام از این شقوق سجدهٔ سهو نباشد و اگر سهو و شک در افعال نماز باشد پس در هر فعل

که سهو

که سهو یا شک کند و محل آن فعل نگذشته باشد آن فعل را بجا بیاورد و اگر بعد از آن بخاطر بیاید
که آن فعل را کرده بود درست این فعل زیادتی ضرر نکند و هیچ بر و نباشد و محل تکبیر احرام تا وقتی
که شروع در قرائت نکند و محل قرائت و قنوت تا وقتیکه برای رکوع دستها بزانو رسد و اگر
هنوز دست بزانو نرسیده باشد اگر چه خم شده باشد محل باقی باشد و محل رکوع در شک تا آنکه
برای سجود سر از پیش دور شود و اگر چه هنوز سر بسجده نرسیده باشد و در سهو تا آنکه سر بسجده برسد و محل
سجده و تشهد در سهو تا آنکه در رکعت دیگر برکوع رود و اگر چه قرائت و قنوت کرده باشد و در
شک تا آنکه راست بایستد اگر چه شروع در قرائت نکرده باشد و اگر محل فعل گذشته باشد
و شک کند اعتبار ندارد و همچنانکه هست نماز را تمام کند و اگر بعد از آن چیزی بخاطر رسد حکم سهو
دارد چنانکه بیان میشود اما اگر سهو کرده باشد که و بعد از گذشتن محل بخاطر رسد پس اگر سهو
در تکبیر احرام یا در رکوع یا در دو سجده با هم در یک رکعت کند نماز را اعاده کند و اگر در قرائت حمد
یا سوره یا هر دو باشد و بعد از رکوع بخاطر رسد نماز صحیح بود و خلافی ندارد و اگر پیش از
رکوع بخاطر رسد که حمد نخوانده بخواند و ظاهر آنست که بعد از آن سوره را اعاده باید کرد و
اگر کلمه یا آیه از سوره فراموش کرده پس اگر خواهد بهمانچه خوانده اکتفا نماید و اگر خواهد آنرا که
فراموش کرده باشد در میان بگذارد و تتمه را تمام کند و اگر خواهد رجوع در سوره دیگر کند
هر سه شق صحیح باشد و اگر قنوت را فراموش کند بعد از رکوع بخواند و رکوع را اعاده نباید کرد
و اگر بعد از نماز بخاطر رسد اگر چه از جای خود برخواسته و رفته باشد هر جا که بخاطر رسد رو بقبله
نموده قنوت بخواند و اگر در رکعتی یک سجده را تمام تنها سهو کند و محلش گذشته باشد آن
سجده را قضا کند و اگر تشهد را سهو کند در رکعت دوم بعد از نماز سجده سهو کند و ظاهر احتیاط

اینست که همین تشهدی که در سجده خوانده میشود کافی باشد و احتیاج بقضای تشهدی دیگر نباشد اگرچه
اگر عمل بقضا را واجب دانسته اند و اگر تشهد رکعت آخر را فراموش کند در همان مکان اگر نزدیک
باشد و اگر نزد در مکان باکی هر جا که باشد نشسته تشهد بخواند و در هر صورت سجده سهو باید کرد
و اگر در اثنای نماز سهوا کلمه غیر ذکر و دعا بگوید سجده سهو کند اما در سایر افعال نماز مثل رکوع
و سجود و سلام و غیر آن اگر سهوی کند حکمی ندارد و نماز صحیح بود و در روایتی دیگر آمده که هر زیاده و نقصانی
که در نماز شود مثل نشستن و برخاستن و قرائت کردن و غیر آن سجده سهو کند و این روایت
اگرچه ضعیف است اما چون معارض صحیح ندارد اگر بآن عمل نماید قصوری ندارد و اما آنکه در میان
فقها مشهور گشته که زیادتی و نقصان در رکن عمدا و سهوا مبطل نماز و موجب اعاده است اصلش
در احادیث اخبار اهل بیت علیهم السلم معلوم نیست بلکه حقیقت آن بر وجه موافقت اخبار و
رعایت احتیاط نحویست که بتفصیل مذکور شد والله اعلم بالصواب و اگر مسافر عمدا نماز را تمام کند
پس اگر ندانسته باشد که قصر واجبست نمازش صحیح بود و اگر دانسته باشد اعاده کند خواه وقت
باقی باشد و خواه نه و اگر سهوا اتمام کند پس اگر وقت باشد اعاده کند و اگر گذشته باشد صحیح باشد
و در نوافل و رکعت احتیاط سهو و شک اعتبار ندارد و در آن سجده سهو و رکعت احتیاط نیست
و همچنین کسیکه شک بسیار کند التفات بآن نکند و آنچه را شک کرده درست حساب کند اگرچه وقتش
باقی باشد مرویست که شک از شیطانست و شیطان خبیث است خود در راه دهید و بوسوسه
خود عادت دهید که هر چند بیشتر اطاعتش کنید بیشتر جرات کند و وسوسه نماید و چون چند گاهی
مخالفتش میکنید و اطاعتش نمیکنید دست از شما بر دارد و کسی از بسیاری شک بحضرت پیغمبر صلعم شکایت
نمود فرمود چون داخل نماز شوی با انگشت شهادت ران چپ را بیفشار و بگو بسم الله

و بالله توکلت علی الله اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم شیطان دور شود و از وسوسه او
ایمن گردی ان شاء الله و کسی دیگر بحضرت امام جعفر صادق شکایت کرد از سهو در نماز فرمود بعد از
حمد قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخوان چنان کرد نجات یافت و کیفیت سجده سهو
آنست که دو سجده کند و در هر سجده بگوید بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد یا بگوید
بسم الله و بالله السلام علیک یا ایها النبی و رحمة الله و برکاته و بعد از هر دو سجده
تشهد خفیف باین طریق بخواند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله رسول الله
اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلام دهد و اگر امام باشد چون سر بسجده گذارد و چون بر دارد
تکبیر بگوید تا ماموم بداند که سهو کرده و وقت سجده سهو بعد از نماز است بی فاصله مثل حرف
زدن و اگر فراموش شود هرگاه بخاطر رسد و اما احکام حوادث در نماز اگر در اثنای نماز
حدثی سانح شود که وضو را باطل کند چون خون از دماغ یا عضوی دیگر آید یا قی آید پس اگر
بی آنکه عمدا حرفی زند یا بتمام بدن رو از قبله بگرداند تواند وضو یا ازاله نجاست کند و تتمه
نماز هر چه مانده تمام کند و اگر عمدا حرفی زند یا از قبله بتمام بدن بگرداند نماز را از سر گیرد و اگر در
عوض سهوا حرفی زند سجده سهو کند و از سر نگیرد و اگر خون کم باشد و جاری نشود محتاج
شستن نباشد بلکه بخرقه یا چیزی دیگر پاک کند و نماز را تمام کند والحمد لله فصل چهاردهم در ذکر
بعضی دیگر از نمازهای مفروضه و مسنونه اول نماز کسوف و خسوف و زلزله و آیات مثل بادهای
عظیم و ظلمتهای شدید و غیر آن که سبب خوف اکثر مردم شود و این نماز دو رکعت است بیک تشهد و سلام
و در هر رکعتی پنج رکوع و دو سجده و در هر دو رکوع یک قنوت که در مجموع ده رکوع و پنج قنوت
باشد و قرائت آن بدو وجه جایز است یکی آنکه در هر رکعت یک الحمد بخواند و بعد از آن یک سوره

پنج حصه کند و پیش از هر رکوع یک حصه را بخواند که در مجموع نماز دو الحمد و دو سوره خوانده شود
و هر دو دوم آنکه پیش از هر رکوع یک حمد و یک سوره تمام بخواند که مجموع ده الحمد و ده سوره باشد و هر
و هر بار که در رکوع رود و هر بار که سر بردارد تکبیر بگوید و بعد از رکوع سمع الله لمن حمده نباید گفت
مگر در رکوع پنجم و دهم که بعد از این دو رکوع تکبیر نباید گفت و سمع الله لمن حمده باید گفت و چون
بسجود رود تکبیر بگوید و مستحبست این نماز را در زیر آسمان گزاردن که سقف نباشد و بجماعت
گزاردن و طول دادن بقدر آنکه آیت منجلی شود و مستحبست اعاده کردن تا آنکه منجلی شود
و مستحبست که قدر رکوع و سجود و قرائت همه با هم مساوی باشند و در کسوف و خسوف
اگر نماز نکرده بود تا آنکه قرص منجلی شود پس اگر تمام قرص گرفته شده باشد و خبردار باشد و در نماز
تقصیر کرده باشد بکفاره آن غسل کند و نماز را قضا کند و اگر خبر نداشته باشد نماز را تنها قضا
کند و اگر خبر نداشته باشد و غسل نباید کرد و اما اگر بعض قرص گرفته بود و تقصیر کند نماز را قضا کند
و اگر خبر نداشته بود قضا ندارد و اگر این نماز در وقت فریضه واقع شود پس اگر وقت فضیلت فریضه
تنگ شود نماز را قطع کند و فریضه را بگزارد و بعد از آن هر چه از آن نماز مانده تمام کند و از زلزله
گرفت و چون برای زلزله گزارد بعد از نماز سجده کند و در سجده بگوید یا من یمسک السموات
والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا
یا من یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه امسک عنا السوء انک علی کل شیء
قدیر دوم نماز امیر المؤمنین صلوات الله علیه هر کس این نماز را بگزارد از گناه پاک شود چنانکه از
مادر متولد شده و حوائجش برآورده شود و این چهار رکعت است در هر رکعت بعد از الحمد قل
هو الله پنجاه مرتبه و مستحبست این نماز را این تسبیح که مرویست از آنحضرت سبحان من لا تبید

معالمه

معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا ینفد
ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا یشارکه احد فی امره سبحان من لا اله
غیره و این نماز را هر وقت خواهد توان گزارد و فضل او تا آنکه شب شنبه روز جمعه و ماه مبارک رمضان نسبت
که حسنات مضاعف باشد سیوم نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها هر کس این نماز را بگزارد میان او و جهنم هیچ
گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود و آن دو رکعت است در اول بعد از الحمد صد مرتبه انا انزلناه و در دوم
صد مرتبه قل هو الله احد و بعد از نماز تسبیح آنحضرت علیها السلام بگوید و مرویست از حضرت امام جعفر که
یکی از شیعیان ما مرد که شنید و حفظ کن و برادران خود از شیعیان را تعلیم کن و این نماز و نماز
امیر المؤمنین را اگر این دو نماز افضل نمازهاست بعد از فرائض چهارم نماز تسبیح این نماز نسبت
که حضرت پیغمبر صلعم بجعفر بن ابی طالب تعلیم فرمود و فرمود اگر این نماز را هر روز و هر شب یا هر دو روز
یا هر هفته یا هر سال یا هر ماه یا هر وقت که خواهی بگزاری هر گناهی که در مدت حیات کرده باشی همه آمرزیده
شود و اگر چه مثل کف دریا باشد و از ده هزار حسنه برایش نوشته که
کمترین آنها مثل کوه احد باشد و آن چهار رکعت است به دو سلام در رکعت اول بعد از الحمد اذا
زلزلت و در دوم اذا جاء نصر الله و در سیوم انا انزلناه و در چهارم قل هو الله احد بخواند و در بروایت
دیگر در دوم والعادیات و در سیوم اذا جاء نصر الله وارد شده و در هر رکعت بعد از قرائت
پانزده مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در رکوع و بعد از رکوع ایستاده و در
سجده و بعد از هر سجده نشسته ده مرتبه بگوید که در هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد
مرتبه باشد و اگر خواهد این نماز را بگزارد و بنوافل شب از و حساب کند و اگر دو رکعت از آن
باشد که حاجتی سهو یا حرکتی سانح شود برود و چون فارغ شود دو رکعت دیگر را بگزارد و اگر

ثوابی داشته باشد نماز را بی تسبیح مگزارد و تسبیح العداران بگوید مستحب است که در
آخر این نماز بعد از تسبیح بگوید سبحان من لبس العز والوقار سبحان من تعطف بالمجد
وتكرم به سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له سبحان من احصى كل شيء علمه سبحان
ذي المن والنعم سبحان ذي القدرة والكرم سبحان ذي العزة والفضل سبحان ذي
القوة والطول اللهم اني اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وال محمد
وان تفعل بي ما انت اهله و هر حاجت که خواهد بخواهد و مستحب است بعد از این نماز خواندن این دعا
سبحان من لبس العز وتردى به سبحان من تعطف بالمجد وتكرم به سبحان من لا ينبغي
التسبيح الا له جل جلاله سبحان من احصى كل شيء بعلمه وخلقه بقدرته سبحان ذي المن
والنعم سبحان ذي القدرة والكرم اللهم اني اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك وباسمك الاعظم وكلماتك التامات التي تمت صدقا وعدلا ان تصلي
على محمد وال محمد الطيبين وان تجمع لي خير الدنيا والاخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحي القيوم
العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت المبدئ البديع لك الكرم ولك الحمد ولك
المن ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى يا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو
يا غفور يا ودود يا شكور انت ابر بي من ابي وامي وارحم من نفسي ومن الناس اجمعين
يا كريم يا جواد اللهم اني صليت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك
ورجاء رفدك وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم فصل على محمد وال محمد

وارفعها

وارفعها الي في عليين وتقبلها مني واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك
فكاك رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت فيها من انواع النعيم من حسن
الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من النار وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما
ولدا وجميع اخواني واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم
والاموات وان تستجيب دعائي وترحم صراخي وندائي ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني
مفلحا منجحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم
قد عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط
اليدين بالرحمة يا فتاحا بالخيرات يا معطي السؤلات يا فكاك الرقاب من النار صل
على محمد وال محمد وفك رقبتي من النار واعطني سؤلي واستجب دعائي وارحم صراخي
وتضرعي وندائي واقض لي حوائجي كلها الدينية والدنياوية والاخروية فيما ذكرت منها وما
لم اذكر واجعل لي في ذلك الخيرة ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني مفلحا منجحا مستجابا
لي دعائي مغفورا لي مرحوما يا ارحم الراحمين يا محمد يا ابا القاسم يا رسول الله يا علي
يا ابا الحسن يا امير المؤمنين انا عبدكما ومولاكما غير مستنكف ولا مستكبر بل خاضع
خاشع ذليل عبد مقر متمسك بحبلكما معتصم من ذنوبي بولايتكما اتقرب الى الله تعالى
بكما واتوسل الى الله بكما واقدمكما بين يدي حوائجي الى الله عز وجل فاشفعا لي في
فكاك رقبتي من النار وغفران ذنوبي واجابة دعائي اللهم فصل على محمد وال محمد
وتقبل دعائي يا ارحم الراحمين پنجم نمازی که حضرت پیغمبر صلعم باعرابی عطا فرموده و فرموده
هر زن و مرد مومن که روز جمعه این نماز را بگزارد من برای او ضامن بهشت شوم و هنوز از جای خود برنخاسته باشد

۸۳

کرکن مان او و والدینش آمرزیده شود و آن ده رکعت است چون روز بلند شود اول دو رکعت
بیک سلام گزارد در اول بعد از الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در دوم قل اعوذ برب
الناس هفت مرتبه و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی بخواند بعد از آن هشت رکعت بدو سلام
بنیات نماز ظهر و عصر و در هر رکعت بعد از الحمد اذا جاء نصر الله یکمرتبه و قل هو الله بیست و پنجمرتبه بخواند
وچون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله رب العرش الکریم و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم ششم نماز غفیله و آن دو رکعت است در ساعت غفلت میان نماز شام و خفتن
مرویست که در این ساعت دو رکعت نماز را ترک مکنید که میراث دار کرامت است در رکعت اول بعد
الحمد این آیه وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِي الظُّلُمَاتِ
اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ
وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ و در رکعت دوم این آیه وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ
وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ
وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ و این قنوت بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ
الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
واگر خواهد بجای این فقره بعد از صلوة بر پیغمبر و آلش هر حاجت که خواهد بطلبد بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلٰى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي و هر چه خواهد سؤال کند که مستجاب شود هفتم نماز وحشت
مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود وصیت میکنم شما را بدو رکعت نماز میان شام و خفتن در رکعت
اول بعد از الحمد اذا زلزلت سیزده مرتبه و در دوم قل هو الله پانزده مرتبه که هر کس این نماز را در سالی

یکمرته

یکمرتبه بگزارد از جمله محسنین نوشته شود و اگر در ماهی یکمرتبه بگزارد از جمله متقین و اگر در هفته
یکمرتبه بگزارد از جمله مصلین و اگر هر شب بگزارد در بهشت با من مزاحمت نماید و ثواب آنرا هیچ
نداند بجز خدا تعالی هشتم هر کس میان نماز شام و خفتن در شب پنجشنبه دو رکعت نماز بگزارد
و در هر رکعت بعد از الحمد آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین هر یک را
پنجمرتبه بخواند و بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار کند و ثواب آنرا بوالدین خود هدیه کند حق
ایشانرا بجای آورده باشد نهم مرویست که هر کس وقت خوابیدن وضو کند چنانست که تا وقت
بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر در اثنای شب برخیزد و ذکر خدا کند خطاهایش همه بریزد
و اگر آخر شب برخیزد و دو رکعت نماز کند پس حمد و ثنای خدا کند و صلوة بر پیغمبر و آلش فرستد هیچ
چیز از خدا نخواهد مگر آنکه عطا فرماید یا بهتر از آنچه بطلبد یا بهتر از آنرا در بهشت عوض دهد دهم هر کو چهار
رکعت نماز گزارد در هر وقت باشد در هر رکعت شصت مرتبه قل هو الله بخواند میان او و خدا هیچ
گناه نماند مگر آنکه آمرزیده شود و در روایت دیگر قل هو الله در هر رکعت یکمرتبه وارد شده
و بعضی دیگر از نمازهای مخصوص هر یک در جای خود مذکور شود ان شاء الله فصل یازدهم در فضایل
قرآن و آداب تلاوت آن مرویست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون روز قیامت
خلایق همه صف صف ایستاده باشند قرآن با بهترین صورتی بحشر آید چون بر صف مسلمین گذرد
او را ببینند گویند اینمرد را بصورت و صفت میشناسیم و میدانیم که از جمله مسلمین است اما عبادت
و طاعتش بیشتر بوده که او را این نور و جمال عطا شده و ما را نصیب نگشته پس بر صف شهدا گذرد
گویند این مردی را میشناسیم که از جمله شهداست اما مصیبتش عظیم‌تر بوده که این نور و بها و جمال کرامت
یافته و همچنین بر صف انبیا و رسل گذرد مثل این گفتگو کنند پس همه صفوف مجتمع گشته بخدمت حضرت پیغمبر

آمده گویند این کیست که ما نمی‌بینیم آنحضرت فرماید این حجت خداست بر بندگانش پس سلام دهد و از آنجا
گذشته بر صف ملائکه بصورت ملک مقرب کند دو ملائکه بزرجبان گفتگو نمایند پس از آنجا گذشته تا
بپیش عرش رسیده بسجده در آید پس خدای تعالی گوید ای حجت من در دار دنیا بکلام صادق ناطق سر بردار و هرچه خواهی
سوال نمای و هر کرا خواهی شفاعت کن زیرا که هرچه طلب کنی باجابت مقرونست پس سر برداشته گوید خدایا
بندگان تو بعضی مرا محافظت نمودند و بقدر طاقت خود حرمت مرا نگهداشتند و حق مرا رعایت
کردند و بعضی حرمت مرا نگاه نداشتند و حق مرا ضایع کردند پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که
هر کس که از او راضی باشی جزای رضای تو باو رسانم و او را از تو راضی گردانم و هر کس از او راضی
نباشی انتقام تو از و بکشم پس بصورت جوانی که اهل محشر نشناسند بر شیعیان آید و گوید منم
آنکه شما از شغل تلاوت من بجای خواب بیداری کشیده و در روزها بعوض آب شربت تشنگی چشیده اید
در دنیا بسبب من مشقتها دیده و از دشمنان شما مصیبتها رسیده پس ایشان را برداشته به پیش خدای تعالی
برد و گوید خدایا ایشان بندگان تواند و تو ایشان را بهتر می‌شناسی و دانی که در محل غفلت و زحمات
من جفا کشیده اند پس فرماید تا ایشان را به بهشت برده خلعتهای بهشت بر ایشان پوشند و تاجهای
کرامت بر سر ایشان نهند پس قرآن نماید و گوید از این اکرام که با دوستان تو کردیم راضی گشتی گوید
خدایا ما را با ایشان بیش از این توقع احسانست خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که احسان
بسیار با ایشان کنم و ترا از خود راضی گردانم پس بهر یک از ایشان را بدست راستش علم امان و
رضوان و بدست چپش را علم رحمت مخلد در جنان گردانند و والدین ایشان را بازای تعلیم قرآن
که بفرزند خود کرده اند دو حله از بهشت بپوشانند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در نماز
نشسته قرآن بخواند بعدد هر حرف برایش پنجاه حسنه نوشته شود و پنجاه سیئه محو گردد و پنجاه

درجه بلند شود و اگر ایستاده بخواند بعدد هر حرف صد حسنه نویسند و صد سیئه محو کنند و صد درجه
بلند گردانند و اگر در غیر نماز با وضو بخواند بهر حرف ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند
گردانند و اگر بی وضو بخواند بهر حرف بیست و پنج حسنه نویسند و بیست و پنج سیئه محو کنند و بیست و پنج درجه
بلند گردانند و اگر خود تلاوت نکند و گوش بتلاوت دیگری دارد یا نگاه بخط قران کند بتلاوت
بهر حرف یک حسنه عطا فرمایند و یک سیئه محو نمایند و یک درجه بلند گردانند و چون قرائت را ختم کند
او را دعا مستجاب بود و اگر ختم در روز واقع شود تا شب و اگر در شب ختم واقع شود تا روز
ملائکه بر او صلوة فرستند و از حضرت امام علیه السلام رسیده که این فضایل برای کسی است که قرآن را داند و فهمد
خدای تعالی کرامت هر کس آنچه میداند هرگاه ختم کند چنانست که ختم قرآن کرده باشد و این فضایل
باو عطا فرمایند و هر کس در مکه معظمه از جمعه تا جمعه یا کمتر یا بیشتر ختم کند و ختم در روز جمعه واقع شود
از جمعه اول دنیا تا جمعه آخر دنیا برای او ثواب و حسنات نویسند و همچنین اگر در روز دیگر
باشد از مثل آن تا مثل آن و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در شبی ده آیه بخواند او را از جمله غافلان
ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند از جمله ذاکرین نوشته شود و اگر صد آیه بخواند از جمله عاقلین و اگر دویست
آیه بخواند از جمله خاشعین و قرآن در روز قیامت با او مخاصمه نکند و اگر سیصد آیه بخواند از فائزین
و اگر پانصد آیه بخواند از عابدین و اگر هزار آیه بخواند یک قنطار ثواب برایش نویسند و قنطار
پانزده هزار مثقال است و یک مثقال بیست و چهار قیراط است و کوچکترین قیراط مثل کوه احد است
و بزرگترینش از زمین تا آسمان و کسی که قرآن بمشقت بیاموزد ثوابش مضاعف باشد و در خانه
که قرآن خوانند و ذکر خدا کنند ملائکه حاضر شوند و شیاطین دور شوند و برکت زیاد شود و آن
خانه برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای اهل زمین و خانه که قرآن نخوانند و

ذکر خدا نکنند ملائکه بیرون روند و شیاطین حاضر شوند و برکت کم شود و سه چیز از اهل خود بخدا
شکایت کنند مسجد که در آن نماز نگزارند و عالمی که قدرش ندانند و قرآن در خانه که تلاوت
نکنند تا غبار گیرد این بود بعضی از فضایل جمله قرآن و هر یک از سوره و آیات را نیز فضایل بسیار
روایت شده که حوصله این رساله اگرچه وسعت حکایت همه آن ندارد اما چون تمام آن نیز محروم
نتوان گذاشت روایت بعضی شرف گردانیم و گوییم هر مومن که بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعدد هر
حرف از و حسنه عطا فرماید که هر حسنه بهتر از تمام دنیا و نعمتهای آن باشد و خدا تعالی کارهایش مبارک
و تمام گرداند و اگر کوشش کند که دیگری بخواند ثلث ثواب خواننده داشته باشد **الحمد** هر کس از روی
اقرار و اعتراف بخواند خدا تعالی نعمتهای آخرت را برای او اضافه نعمتهای دنیا گرداند و بلاهای
آخرت را با اضافه بلاهای دنیا دفع کند و رحمت وافر و عطیه کامل احسان فرماید روز قیامت
حسابش را آسان کند و حسناتش را قبول فرماید و ثوابی کرامت فرماید که همه مخالفین حسرت
برند و در شدائد کار را معین و دستگیرش باشد و راه راست و طریقه اهل بیت علیهم السلام هدایتش
کند و چنانست که دو ثلث قرآن خوانده و بهر مومن و مومنه صدقه داده باشد **بقره و آل عمران** هر کس بخواند
بخواند گناهانش آمرزیده شود و چنانست که دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و اگر کسی روز بخواند
تا شب محفوظ و مرزوق باشد و اگر شب پیش از آنکه بخوابد بخواند هزار ملک برو موکل شوند
که از شیاطین و آفات محافظتش کنند و اگر در آن شب بمیرد دو هزار ملک در غسلش داخل
حاضر شوند و برای او استغفار کنند و تا قبر مشایعتش نمایند بعد از آن در قبرش ساکن
باشند و عبادت خدا کنند و ثوابش را برای او نوشته شود و تا حشر کار کنند قبرش را وسیع کنند
و از فشار قبر ایمن شود و تا روز قیامت نوری از قبرش تا آسمان درخشان باشد و چون

از

از قبر بیرون آید ملائکه با او مشایعت نمایند و مژده خیر و رحمت دهند تا از [illegible]
بگذرد پس بهشت خدا تعالی در مقامی بازدارند که هیچ کس نزدیکتر از او بخدا نباشد مگر ملائکه مقربین و
انبیاء مرسلین و ائمه طاهرین علیهم السلام و با ایشان باشد و از هر خوف و حزن ایمن شود و خدا تعالی گوید
ای بنده من هرچه خواهی سوال کن تا عطا فرمایم و هر کرا خواهی شفاعت نمای تا اجابت فرمایم و از
ذلت موقف ایمن باشد و هیچ خطیئه ملامت نبیند تا آنکه هر کس گوید سبحان الله این بنده خدا هیچ
خطا نکرده است پس از جمله رفقای حضرت محمد صلعم باشد و روایت کرده اند که هر کس در وقت مرگ نزد او این
سوره بخواند بعدد هر خلقی در دنیا و آخرت برایش دو هزار هزار حسنه نویسند و دو هزار هزار
سیئه محو کنند و از جنون و جذام و آفات و آلام ایمن گردد و سکرات موت بر او آسان شود
و خدا تعالی خود متوجه قبض روحش شود و وسعت معیشتش بهره روز قیامت خوشحال باشد
آنقدر ثواب بوی دهد که راضی گردد پس بجمیع ملائکه آسمان و زمین گوید برای این بنده من استغفار
کنید که من از او راضی گشتم **ص** هر کس بخواند خدا تعالی بوزن هر کوهی که مسخر حضرت داود کرده
بود حسنات عطا فرماید و هر کس شب جمعه بخواند آنقدر خیر دنیا و آخرت بوی دهد که هیچ کس نداده
باشد مگر نبی مرسل و ملک مقرب و او را و هر کرا او خواهد از اهل بیتش حتی خادمش اگرچه از عیال
اهل شفاعت او نباشد به بهشت برد **واقعه** سوره حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه است هر کس
هر شب جمعه بخواند از رفقای آنحضرت باشد و از آفات و مکاره دنیا ایمن گردد و هر کس شب
بخواند پیش از آنکه بخوابد رویش در روز قیامت مثل ماه تمام باشد **صف** هر کس بخواند حضرت
عیسی علیه السلام او را دعا کند و برایش استغفار نماید تا در دنیا باشد و روز قیامت رفیق آنحضرت
و هر کس این سوره در فرایض و نوافل مداومت کند در صف ملائکه و انبیاء مرسلین باشد

هل اتی هرکس بخواند جزایش بهشت و حریر بهشت باشد و اگر در نماز صبح دوشنبه و پنجشنبه بخواند
از شرور آن دو زایمن گردد و اگر صبح پنجشنبه بخواند در خدمت حضرت پیغمبر صلعم باشد و هشتصد بکر و چهار
هزار ثیب از حور العین با و کرامت فرماید جمعه هرکس بخواند بعدد هرکس بنماز جمعه آید و هرکس نیاید در دنیا
اهل اسلام ده حسنه با و عطا کنند منافقین هرکس بخواند از نفاق بری شود سبح اسم هرکس بخواند بعدد
هر حرفی که بر حضرت ابرهیم و موسی و محمد صلوات الله علیهم نازل گشته ده حسنه عطا فرمایند و هرکس در نافله
یا فریضه بخواند روز قیامت گویند از هر در که خواهی داخل بهشت شو و حضرت امام جعفر صادق فرموده
از شیعه ما واجب و لازمست که شب جمعه نماز بسوره جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه بجمعه و منافقین گزارد
و هرکس چنین کند چنانست که عمل حضرت رسول الله صلعم کرده باشد و جزایش بهشت بود الحاقة
برای محاربه امیر المؤمنین صلعم و معویه علیه اللعنة نازل گشته هرکس در فرایض و نوافل بسیار بخواند ایمان
از و مسلوب نشود تبارک هرکس بخواند از عذاب قبر ایمن شود و اگر در نماز خفتن بخواند در
امان خدا تعالی باشد تا صبح و روز قیامت تا آنکه داخل بهشت شود والفجر سوره حضرت
امام حسین علیه السلام است هرکس در فرایض و نوافل بخواند با آنحضرت در یک درجه از بهشت باشد و هر
کس در ده شب ذی الحجه بخواند گناهانش آمرزیده شود انا انزلناه سوره اهل بیت طاهرین است
هرکس بخواند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و اگر یکمرتبه بخواند چنانست که
در راه خدا شمشیر از غلاف کشیده باشد و اگر ده مرتبه بخواند هزار گناهش آمرزیده شود و اگر
در نماز فریضه بخواند منادی ندا کند که اعمال را از سر گیر که گناهت همه آمرزیده گشت و فضایل این
سوره زیاده از آنست که در حوصله این رساله گنجد و بعضی از آنجمله نیز در مباحث سابقه
و بعضی نیز در جای خود انشاء الله بیاید والتین هرکس بخواند خدا تعالی در دنیا عافیت و یقین

و در آخرت بعدد هرکس این سوره را خوانده باشد ثواب یکروز روزه با و عطا فرماید و هر کس
در فرایض و نوافل بخواند هر جایی بهشت که خواهد با و عطا کنند والعادیات سوره حضرت امیر المؤمنین
است هرکس بخواند آن را مداومت کند از رفقای آنحضرت در پناه او باشد الهکم هرکس
بخواند چنانست که هزار آیه از قرآن خوانده باشد و خدا تعالی بر نعمتهایی که در دنیا با و داده او را
محاسبه نفرماید و اگر در فریضه بخواند از چهل صف ملایکه با و اقتدا کنند و اجر صد شهید که کشته شده باشد
و اگر در نافله بخواند اجر پنجاه شهید جحد هرکس بخواند چنانست که ربع قرآن خوانده باشد و شیاطین
از و دور شوند و از شرک بری گردد و از فزع اکبر ایمن گردد و هرکس سوره جحد و توحید در فرض
از فرایض بخواند گناهان او و والدین و اولاد ایشان همه آمرزیده شود و اگر شقی باشد از
از دیوان اشقیا محو شود و در دیوان سعدا ثبت گردد و در زمره ایشان محشور شود توحید
هرکس یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن خوانده باشد و بعدد هر مؤمنی ده حسنه عطا کنند و
چون سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشد و هرکس یکمرتبه بخواند خدا تعالی بر و برکت و رحمت زیاد کند
و اگر دو مرتبه بخواند و از ده قصر بهشت عطا فرماید و چون حضرت پیغمبر صلعم بر سعد بن معاذ نماز گزارد
دید که هفتاد هزار ملک که جبرئیل علیه السلام از آنجمله بود بر و نماز گزاردند از جبرئیل علیه السلام پرسید که سعد بچه چیز مستحق
این کرامت گشته گفت با آنکه در جمیع احوال نشستن و برخواستن و آمدن و رفتن و سواره
و پیاده همیشه قل هو الله میخواند اذا جاء هرکس بخواند چنانست که با حضرت پیغمبر صلعم در فتح مکه حاضر
باشد و اگر در فریضه یا نافله بخواند بر همه دشمنان آنحضرت باشد و نورانی از قبر بیرون آید و از
جسر جهنم و اهوال آن ایمن گردد و در دنیا انقدر اسباب خیر بر و مفتوح شود که هرگز بخاطرش نگذشته
و از زوالش غم نکشته باشد و چون روز قیامت محشور شود در هیچ چیز نگرد دیگر که او را مژده خیر

تا داخل بهشت شود **معوذتین** هرکس بخواند چنانست که هر کتابی که بر انبیا علیهم السلام نازل گشته
خوانده باشد **آیة الکرسی** هرکس یکمرتبه بخواند خدای تعالی هزار مکروه در دنیا که سهلترین آن فقر
و هزار مکروه در آخرت که سهلترین آن عذاب قبر باشد از او دفع فرماید این بود مجملی از فضایل
بعضی سور و آیات قرآن عظیم و بسیاری نیز در مباحث سابقه گذشت و بعضی نیز در مباحث
مناسب انشاء الله بیاید اما ذکر همه آن در حوصله این رساله در نیاید اما آداب تلاوت قرآن
و بعضی دیگر از احکام متعلق بآن آنکه چون کسی آیه یا سوره از قرآن بیاموزد و یاد گیرد باید
مداومت بآن کند تا فراموش نشود که اگر فراموش شود آن سوره یا آیه خود را در بهشت
بصورتی جمیل در درجه رفیع باو نماید و برو سلام کند پس او گوید چه خوب نعمتی تو چیستی از
کیستی کاش از آن من میبودی گوید که من فلان سوره یا آیه ام اگر فراموش نمیکردی باین درج
ات میرسانیدم و مخفی نماند که ظاهر این حدیث اعم است از یاد گرفتن بعکس یا لفظش یا بخاطر
گرفتن و هر سه معنی حق و صحیح است و درجه آنها در رفعت و عظمت مختلف و هر کدام درجه
رفیعتر حسرت نسیانش عظیمتر و هم از شارع مرویست که مومن را سزاوار است که هر روز
خصوصا صبح بعد از فراغ از تعقیب و دعاها از قرآن تلاوت کند اقلا پنجاه آیه و افضل
اعمال آنست که همیشه قرآن را از اول شروع کند و بترتیب تا آخر بخواند و مستحب است که مدت
ختم قرآن کمتر از یکماه نباشد تا بتدبر و تفکر تواند خواند اما در ماه مبارک رمضان
هر شش روز و سه روز یا هر چه میسر شود رخصت شده و فضایل تلاوت قرآن
و حسن صوت در باب اول گذشت و قرآن را بشتاب و بی تانی نشاید خواند و مقصود
نباید آخر سوره و جزو باشد بلکه بترتیل و تانی و تفکر و تامل باید تلاوت نمود مرویست که

ایات

آیات قرآن خزاین جواهر معرفت و حکمت است هر خزینه را که بگشایند از جواهر آن غافل
نگذرند و نیز مرویست که بسا کسی قرآن خواند و قرآن از او بیزاری کند بلکه با دل آگاه و از
روی خشوع و خضوع تلاوت باید نمود و چون بآیه رحمت و مغفرت و ذکر نعیم جنت برسی
بآن رغبت نموده از روی شوق از خدا مسئلت کنی و چون بآیه عذاب و ذکر عقوبت و حساب
رسی اندیشه کنی و از آن استعاذه نمائی و از مناهی و معاصی توبه و استغفار کنی و چون
بمواعظ و نصایح مرور کنی موعظه و نصیحت گیری و چون بحکایات و قصص بگذری از آن عبرت
گیری و باین قیاس هر آیه که رسی مناسب آن حالت عمل نمائی و اگر میسر باشد الفاظ قرآن را
فصیح و سلیس ادا کنی مرویست که قرآن را چنان بخوانید که عرب میخواند و اگر میسر نباشد
آنچه تواند ترک نکند مرویست که عجمان قرآن را عجمی خوانند و ملائکه آنرا عربی بالا برند و از جمله
آداب آنکه با طهارت و مکان خلوت و اطمینان خاطر و روی بقبله و دو زانو نشسته تلاوت
کند و در اثنای تلاوت با کسی سخن نگوید و افضل آنست که از روی مصحف تلاوت کند که عذاب
والدین تخفیف یابد اگرچه کافر باشند و نظر بخط قرآن عبادتست و اگر در مجلس تلاوت کنند
باید ساکت بود و گوش داشت و چون قرآن را برای تلاوت بر گیرد بگوید اللّٰهمّ انّی
اَشهدُ اَنَّ هذا کتابُکَ المُنزَلُ مِن عِندِکَ علی رسولِکَ محمّدِ بنِ عبدِ اللّٰهِ وکلامُکَ
النّاطِقُ علی لسانِ نبیِّکَ جعلتَهُ هادیاً منکَ الی خلقِکَ وحبلاً متّصلاً فیما بینَکَ
وبینَ عبادِکَ اللّٰهمّ انّی نشرتُ عهدَکَ وکتابَکَ اللّٰهمّ فاجعل نظری فیهِ عبادةً
وقراءتی فیهِ ذکراً وفکری فیهِ اعتباراً واجعلنی ممّن یتّعظُ ببیانِ مواعظِکَ
فیهِ ویجتنبُ معاصیکَ ولا تطبع عندَ قراءتی علی قلبی ولا علی سمعی ولا تجعل

علی بجری غشوة ولا تجعل قراءتی قراءة لا تدبر فیها بل اجعلنی اتدبر آیاته و
احکامه آخذاً بشرایع دینک ولا تجعل نظری فیه غفلة ولا قراءتی هذراً انک انت
الرؤف الرحیم و چون خواهد شروع در قرائت کند از وساوس شیطان و غفلت قلب و فوت
آن پناه بخدا تعالی برده بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و چون بآیه سجده رسد یا از
دیگری شنود سجده کند و در سجده بگوید لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله ایماناً و تصدیقاً
لا اله الا الله عبودیة و رقاً سجدت لک یا رب تعبداً و رقاً لا مستنکفاً و لا مستکبراً
بل انا عبد ذلیل خائف مستجیر و بعد از فراغ از تلاوت بگوید اللهم انی قد قرأت ما قضیت
من کتابک الذی انزلته علی نبیک الصادق صلی الله علیه و آله فلک الحمد ربنا اللهم
اجعلنی ممن یحل حلاله و یحرم حرامه و یؤمن بمحکمه و متشابهه واجعله انساً
فی قبری و انساً فی حشری واجعلنی ممن ترقیه بکل آیة درجة فی اعلی علیین آمین
رب العالمین و چون ختم کند این دعا را از صحیفه کامله بخواند اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک الخ

باب چهارم

در فضایل ذکر و دعا و احکام متعلق بآنها و بجمیع آن انشاء الله در ده فصل
بیان شود

فصل اول

در فضایل ذکر روایت است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس ذکر خدا تعالی
بسیار کند از نفاق و از آتش دوزخ ایمن گردد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود دلهای
خود را رعایت کنید و از یاد کردن خدا تنبیه دارید و بترسید از آنکه غافل نقض عهد و ایمان
در دل شما راه یابد که چون دل از ذکر و یاد خدا غافل شود نه مؤمن باشد و نه کافر مثل جامه
کهنه یا استخوان پوسیده پس به این حالت خدا را یاد کنید و از نقض عهد بترسید که چون
دل را چنین حالتی رو دهد پس اگر خدا با آن بنده اراده خیر داشته باشد ایمان در دلش ثابت

وگرنه

وگرنه کفر و حضرت خدا تعالی فرموده ای بنی آدم تو در دل خود مرا یاد کن تا من در دل خود ترا یاد کنم
و تو در مجالس خود مرا یاد کن تا من در مجالس ملائکه ترا یاد کنم و خانه که در آن ذکر خدا تعالی
و تلاوت قرآن کنند برکت بسیار و ملائکه نزدیک و شیاطین دور شوند و آن خانه برای اهل
آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره برای اهل زمین و شیطان بهر دلی که بخته چون ذکر خدا کند
از او دور شود و چون ترک ذکر کند گمراهش کند و خدا تعالی فرموده مال بسیار کسان را فراموش
گردانند و ترک ذکر گمراهش کند و خدا تعالی فرموده هر کس قساوت آورده هر کس خدا را در دل یاد کند ثواب آن را
غیر خدا کسی نداند و هر کس در میان غافلان و مشغولان بدنیا ذکر خدا کند خدا تعالی هزار حسنه برایش بنویسد
و روز قیامت بیامرزدش آمرزشی که بخاطر هیچکس نگذرد و چنانست که در معرکه که همه گریخته باشند
ثابت قدم ایستاده با اعدای خدا مقاتله کند و بهشت او را واجب شود و مؤمن در هر بلیه که گرفتار مبتلا
شود کسی که مشغول ذکر باشد بصاعقه مبتلا نشود و هیچ جمعی در مجلسی مشغول ذکر نشوند مگر آنکه جمعی از ملائکه
با ایشان نشسته شریک شوند و بگریه ایشان گریه کنند و دعا شان را آمین گویند و منادی از آسمان
ندا کند که بیایید شما همه آمرزیده شده و بحسنات بدل گشت و اگر کسی در میان ایشان باشد و ذکر نکند
او نیز بسبب مجالست با ایشان آمرزیده شود و حضرت موسی علیه السلام سوال نمود که خدایا آیا نزدیکی
تا مناجات کنم یا دوری تا آواز دهم فرمود من همنشینم با کسی که ذکرم کند و من ذکر ایشان کنم و برای
من با هم محبت کنند و من با ایشان محبت کنم ایشانند که اگر خواهم بر اهل زمین عذاب بفرستم
چون ایشان را یاد آرم عذاب را بگردانم و نیز مناجات نموده که خدایا مرا در بعضی احوال شرم میآید
که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حال شرم مکن از ذکر من در همه حال خوبست و باید دانست که ذکر
بر سه قسم است ذکر بدل که یعنی خدا را یاد کنی و دل با خدا داشتن است و ذکر بزبان مثل تسبیح و تهلیل

وتلاوت قرآن و مذاکره مسایل دین و ایمان و امر معروف و نهی منکر و غیر آن هرچه خدا را بیاد
آرد و با اعضا و ارکان مثل عبادات و طاعات و ترک مناهی و مستحبات و افضل همه ذکر یاد آنست
که معنی نیت شعبه ایست از آن و ذکر با دل بمنزله روحست و ذکر با زبان و ارکان بمنزله بدن
که چون قول و فعل بی نیت خدا و یاد او باشد مثل صورتی باشد بیجان و ازینجهه است که
اعمال ریا و اغراض دنیا و همچنین عبادات مخالفین و غافلین مثل مستان و اطفال مقبول
نباشد و خدا تعالی فرموده که نه هر کلام حکمت را قبول کنم بلکه نظر بدلش کنم اگر برای من و یاد من
کرده اجرش دهم و گرنه بآن واگذارم که برای او کرده و حضرت پیغمبر صلعم فرموده نیت مومن بهتر است
از عملش که عمل بی نیت مقبول نبوده و با نیت اگر عمل مقدور نباشد همان اجر یابد چنانکه مرویست
که در وقتی در مدینه قحط شد کسی روزی در صحرا بتل خاکی گذشت گفت کاش اینهمه گندم میبود
تا بمردم دادمی این خبر بحضرت پیغمبر صلعم رسید فرموده همان ثواب یابد و وجوه دیگر نیز برای بهتری
نیت روایت شده که اینمقام ذکر آنها نیست و نیز در باب سابق گذشت که هر قدر از نماز که با
آگاهی دل باشد بالا رود و هرچه بی آن باشد برهم پیچیده و بر روی صاحبش زنند و نیز در مبحث
ورع و تقوی گذشت که ذکر خدا همین سبحان الله و الحمد لله نیست بلکه اصل ذکر آنست که در
افعال و اعمال هرچه رو دهد خدا را یاد کنی اگر رضای خدا در آن باشد ارتکاب کنی و گرنه اجتناب نمائی
و امثال این اخبار و احادیث بسیار است که بعضی از آن گذشته است و بعضی نیز در جای
خود انشاء الله بیاید و افضل مراد کار آنست که ذکر دل و زبان و ارکان همه با هم جمع شود
بحیثیتی که در افعال و اقوال خدا منظور باشد و برضای او شود و ازینجمله که گفته شد بحمد الله
بسیار واضحست و توقفی که دعا یا زیاده برینمقام باشد یا آنکه کسی قمار بازد و مصحف

کند

کند و باین مغرور باشد که هر روز هفتاد هزار تهلیل میگوید و دیگران نیز و بغفلت شوند در نهایت
سخافتست چنانکه ازین احادیث و سایر احادیث که در مبحث ورع و غیر آن مذکور شده در
غایت وضوحست والحمد لله **فصل دوم** در فضایل بعضی اذکار مخصوصه مرویست از اهل بیت
طاهرین ع که جماعتی فقرا بخدمت حضرت پیغمبر صلعم رفته معروض داشتند که اغنیا حج گزارند و بندگان
آزاد کنند و صدقات دهند و جهاد کنند و ما ازینجمله محرومیم فرمود کسی که صد مرتبه الله اکبر بگوید
افضل است از آنکه صد بنده آزاد کند و اگر صد مرتبه سبحان الله بگوید افضل است از آنکه صد شتر
در مکه قربان کند و اگر صد مرتبه الحمد لله بگوید افضل است از آنکه صد اسب با زین و لجام و مردان
بر آن سوار کرده بجهاد فرستد و اگر صد مرتبه لا اله الا الله بگوید عملش در آن روز افضل از جمیع مردم باشد
مگر کسی که بیشتر گوید و هم آنحضرت صلعم فرموده هر کس سبحان الله بگوید بعوض هر یکی درختی در بهشت
برایش نشانده شود کسی گفت یا رسول الله درخت بسیار در بهشت داریم فرمود بلی اما آتشی میفرستید
که همه را بسوزد و هر کس هیچ آنکه از چیزی تعجب کند سبحان الله بگوید مرغی از آن مخلوق شود تا روز قیامت
خدا را تسبیح کند و ثواب آن مر او شود و همچنین اگر لا اله الا الله یا الحمد لله یا الله اکبر بگوید و هر کس لا اله الا الله
باخلاص بگوید بهشت او را واجب شود و اخلاصش آنست که او را باز دارد از محارم و سبحان الله نصف
میزان را پر کند والحمد لله تمام میزان را و الله اکبر ما بین زمین و آسمان را و هر کس لا اله الا الله بگوید درختی از برایش
در بهشت بنشانند در زمینی سفیدتر از برف و شیرین تر از شهد و خوشبوتر از مشک که بار آن مثل
پستان دختران بکر باشد و در هر یکی از آن هفتاد حله از حله های بهشت و هر کس بگوید الحمد لله کما هو اهله
کتاب آسمان دست از نوشتن باز دارند و گویند خدایا ما ندانیم که ثواب این را چه قدر نویسیم خدا تعالی
فرماید شما گفته او را بنویسید من دانم چه قدر ثواب دهم و هر کس بگوید سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم و بحمده

سه هزار حسنه نویسند و سه هزار سیئه محو کنند و سه هزار درجه بلند گردانند و طایری در بهشت خلق شود
که خدا را تسبیح کند و ثواب آن از و باشد و هر کس روزی ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا چهل و پنجهزار هزار حسنه نوشته شود و چهل و پنجهزار هزار سیئه
محو کرده و چهل و پنجهزار هزار درجه بلند شود و دو روز جزا او نگهدار از شیطان و سلطان و هیچ کبیره
دامنگیرش نشود و چنان است که دوازده ده مرتبه ختم قرآن کرده باشد و خانه در بهشت
برایش بنا کنند و هر کس روزی ده مرتبه بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة و رقا لا اله الا الله ایمانا
و تصدیقا خدا تعالی از روی کرم متوجه او شود و هرگز روی از و نگرداند تا داخل بهشت شود و هر کس
بگوید لا حول ولا قوة الا بالله خدا تعالی فرماید ای ملائکه بنده من کارهای خود را بمن واگذاشت و اعتراف
بعجز و ناتوانی خود نمود و حاجتش را برآورید و هر کس سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم نود و نه نوع بلا از و دفع شود که سهلترینها مردن بجنون باشد و هر کس بگوید اشهد
ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله دو هزار هزار حسنه ثبت شود **فصل سیوم** در فضایل
ذکر اهل بیت و صلوة بر ایشان و بعضی امور مناسب آن مرویست از ائمه علیهم اجمعین که
هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند و ذکر خدا و ذکر ما نکرده و صلوة بر پیغمبر نفرستاده برخیزند مگر
اینکه آن مجلس روز قیامت بر ایشان حسرت باشد و نیز فرموده اند که ذکر ما ذکر خداست و ذکر
اعدای ما ذکر شیطان که دشمن خداست و چون دو مؤمن با هم ملاقات نمایند و ذکر خدا
و ذکر فضایل ما کنند هر گوشتی که در روی شیطان است بگدازد تا آنکه روحش از شدت الم
بناله آید و ملائکه آسمان و خزان جنان از آن مطلع گشته و همه ملائکه مقربین او را لعنت
کنند و حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرموده هر کس در مجلسی بنشیند که ذکر فضایل و اخبار

ماند کور

ماند کور شود و ولایت و حق ما در آن مجلس زنده باشد دلش نمیرد در روزی که دلها همه مرده باشد
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده هر کس ذکر فضیلتی از فضایل علی بن ابی طالب کند و اقرار بآن داشته باشد
گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اگرچه گناه جن و انس باشد و هر کس فضیلتی از فضایل او بنویسد
تا اثری باقی است ملائکه از برای او استغفار کنند و هر کس فضیلتی از فضایل او بشنود گناهانی که با گوش کرده آمرزیده
شود و هر کس نگاه بر نوشته از فضیلت او کند گناهانی که با چشم کرده آمرزیده شود بعد از آن فرمود نظر
بعلی بن ابی طالب عبادت است و ذکر او عبادت است و ایمان هیچ بنده مقبول نشود مگر بولایت او و براءت
از اعدای او و حضرت امام حسن عسکری ع فرموده هر کس در دل با ما محبت دارد و با دست و زبان نصرت ما کند با ما
در غرفه ما باشد و هر کس در دل محبت دارد و با زبان نصرت کند یک درجه از آن پست تر باشد و هر کس
محبت دارد و با دست و زبان نصرت نکند در بهشت باشد و حضرت امام جعفر ع فرموده هر کس بزبان اعانت
ما کند خدا تعالی روز قیامت با تشنه بحجتش گویا کند و هم از ایشان ع مرویست که هر کس یک صلوة
بر حضرت پیغمبر ص فرستد خدا تعالی با هزار صف ملائکه هر یک هزار صلوات بر و فرستند بعد از آن هیچ مخلوقی
نماند مگر که بر و صلوة فرستد پس هر کس با این نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد و خدا و رسول
و اهل بیتش صلی الله علیهم از و بیزار باشند و هیچ چیز در میزان قیامت سنگین تر از صلوات بر آنحضرت
نبود و چون اعمال مؤمن را در میزان گذارند اگر حسنات سبک و سیئات سنگین باشد آنحضرت ص
هر صلوة که بر و فرستاده باشد بر حسنات گذارد تا بر سیئات زیادتی کند پس به بهشتش برد و صلوات
بر آنحضرت ص گناهان را بیشتر محو کند که آب آتش را و نیز مرویست که هر کس قادر بر کفاره گناهان
نباشد صلوات بر آنحضرت و آلش ص علیهم فرستد که صلوة بر ایشان گناهان را میریزد و صلوة بر ایشان
برابر است با تهلیل و تسبیح و تکبیر و هر کس آنحضرت در پیشش مذکور شود و صلوة نفرستد راه بهشت

روی خط شود و هر کس دعا کند دعایش محجوب باشد و بالا نرود تا صلوات فرستد و آنحضرت
فرموده در وقت دعا مرا مثل کوزه مسافر مگردانید که چون همه اسباب را بار کند بعد از همه کوزه
در عقب بار آویزد که هر گاه تشنه شود بردارد بلکه مرا در اول و میان و آخر دعا یاد کنید و نیز فرموده
هر کس بر من صلوات بیشتر فرستد روز قیامت بمن نزدیکتر باشد و هر کس از خدا تعالی حاجتی طلبد اگر چه
آن که بر من صلوات بفرستد حاجتش اجابت شود و ثواب آن صلوات نیز داشته باشد کسی بحضرت امام جعفر
گفت چون از خانه کعبه بیرون می آمدم دعایی بخاطرم نرسید غیر صلوة بر پیغمبر فرمود هیچکس بخوبی
تو بیرون نیامده و هر کس صلوة بر آنحضرت فرستد ملائکه با او شریک گردند و درهای آسمان برایش
گشوده شود و گناهانش مثل برگ از درخت بریزد و ملک گوید هفتاد صلوات بر او فرستند و
خدا تعالی فرماید اگر شما هفتاد صلوات بر این بنده فرستادید من هفتصد صلوات بر شما فرستم
و اگر بر آنحضرت صلوات نفرستد بوی بهشت نشنود و حال آنکه بوی بهشت از پانصد سال راه
توان شنید و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصب شود و خدا تعالی فرماید ای ملائکه دعای این بنده را
بالا میارید تا بر حضرت پیغمبر صلوات نفرستد و مرویست که هر کس بگوید صلی الله علی محمد و علی آله
هزار حسنه نوشته شود و فضایل دیگر برای صلوات و بعضی صلوات مخصوصه در مباحث تعقیب و اعمال
جمعه و غیر آن گذشت **فصل چهارم** در فضایل دعا و بعضی امور متعلق بآن مرویست از اهل
بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که دعا افضل عبادتهاست و خدا تعالی هیچ چیز را دوست تر از آن
ندارد که بنده از او مسئلت حاجت کند و هیچ چیز را بدتر از آن ندارد که استکبار نماید و ترک
مسئلت کند و در قرآن مجید فرموده اگر نه این بود که شما دعا میکنید خدا هیچ اعتنا بشما
نمیکرد و دعا سلاح مومن و عمود دین و نور سموات و ارضین است و قضای مبرم بدعا رد شود

و تأثیر

و تأثیر دعا در قضای حاجت بیشتر است از تأثیر [illegible] و گذشت از حضرت امام جعفر پرسیدند
که دو کس با هم شروع در نماز کردند و با هم فارغ شدند یکی دعا بیشتر کرده و دیگری قرائت و فرمود
آنکه دعا بیشتر کرده افضل است هر بلیه که بر کسی نازل شود و خدا تعالی در دلش اندازد که دعا کند آن
بلیه زود زایل گردد و اگر در دعا تأخیر شود بلیه طول کشد و چون بنده دست بدعا بردارد خدا را
شرم آید که آن را خالی رد کند و دعایی که پنهانی کنند هفتاد مثل آنست که علانیه کنند
فصل پنجم در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن اسباب اجابت دعا که مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام دو قسم است **اول** حالات و صفات داعی مرویست که جمعی بخدمت
یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام رفته گفتند یا ابن رسول الله خدا تعالی فرموده که دعا کنید که من اجابت
میکنم و ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود فرمود دلهای شما بسبب هفت چیز مرده است دعوی خدا
شناسی میکنید و اطاعت خدا نمیکنید و دعوی محبت رسول الله میکنید و با اولادش عداوت میکنید
و قرآن میخوانید و عمل بحکم آن نمیکنید و دعوی عداوت شیطان و پیرویش میکنید و دعوی
محبت بهشت میکنید و برای آن سعی نمیکنید و دعوی خوف دوزخ میکنید و خود را در آن
افکنید و مشغول عیوب دیگران میشوید و از عیوب خود چشم میپوشید و دعوی بغض دنیا میکنید
و دوست از آن میدارید و اقرار بموت میکنید و تهیه آن نمیکنید و اموات خود را دفن میکنید
و از آن عبرت نمیگیرید از اینست که دعای شما مستجاب نمیشود و روایتی دیگر آمده که کسب
خود را حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود و خدا تعالی فرموده دعای هیچکس از من محجوب نباشد مگر
کسی که لقمه حرام خورده و اجابت نکنم دعای کسی را که مظلمه یکی از بندگان من نزد او باشد و
آن مظلمه نکند داخل خانه نشود و مادامی که در خانه باشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل

سه سال دعا میکرد و مستجاب نشد آخر مناجات کرده گفت خدایا آیا من از تو دورم که آوازم نرسد
یا نزدیکی و اجابت نمیکنی خدای تعالی کسی را فرستاده با او گفت با زبانی فحاش و دلی آلوده بشرک
و نیتی مغشوش دعا میکنی مستجاب نمیشود و نیز مرویست که با تقوی و نیکی آنقدر دعا کافی است
که نمک در طعام **دوم** اوقات مخصوصه که دعا را در آن غنیمت باید دانست و فرصت باید شمرد
از انجمله وقت سؤال در بهره و خصوصا در روز جمعه تا وقتیکه امام از منبر فرود آید و ساعت آخر روز
جمعه و تمام شب جمعه و از نصف شب تا ثلث آخر شب و در میان ساعت صبح مؤمنی دعا کند البته
مستجاب شود و وقت سحر تا طلوع آفتاب در میان ساعت درهای آسمان گشوده و رزق قسمت مردم
کرده و حاجتهای عظیم مستجاب گردد و میان اذان و اقامت و بعد از هر فریضه خصوصا بعد از
نماز صبح و ظهر و مغرب و در قنوت نماز وتر و بعد از تلاوت قرآن و وقت وزیدن باد و نزول
باران و غیر آن از اوقات که بعضی تقریبا گذشته و بعضی نیز در مقام خود انشاء الله
بیاید **سیوم** اموری چند که در حالت اشتغال بدعا و بعد از فراغ رعایت باید نمود و از انجمله وضو
یا غسل داشتن و جامهای پاک پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و صدقه دادن هر قدر که
مقدور باشد و مکانی متبرک مثل مسجد یا غیر آن اختیار کردن و دست بجانب آسمان بر
داشتن که خدای تعالی کریم است شرم دارد که دست بنده را خالی رد کند و حاجت بالخصوص نام
بردن که خدا را خوش آید اگرچه حاجات همه کس را میداند و در دعا اجتماع نمودن که هرگاه چهل مؤمن
در دعا اجتماع نکنند مگر آنکه البته مستجاب شود و اگر چهل کس نباشد چهار کس ده مرتبه دعا کنند و اگر
چهار کس نباشد یک کس چهل مرتبه دعا کند و روایت دیگر آمده که هرگاه چهار مؤمن در دعا اجتماع
نکنند مگر که با اجابت متفرق شوند و کسی که آمین گوید در دعا شریک باشد و از جمله اسباب آنکه

ابتدا بمدح و ثنای خدا کند کسی بحضرت امام جعفر عم معروض داشت که خدای تعالی فرموده دعا کنید که من
اجابت میکنم ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود فرمود که گمان داری که خدای تعالی خلاف وعده کند گفت نی
فرمود پس چرا مستجاب نمیشود گفت نمیدانم فرمود کسی که اطاعت امر خدا کند و از راهی که مناسب
دعا کند البته مستجاب است گفت آن کدام است فرمود اینکه اول حمد خدا و ذکر نعمتهای او
کند و خدا را بر آن شکر کند پس صلوة بر حضرت پیغمبر و آلش فرستد و گناهان خود را [illegible]
و اقرار بآن و استغفار از آن کند بعد از آن حاجت بخواهد مستجاب شود و وسیله باید
توسل جستن است بحضرت پیغمبر و آلش صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که کسی هفتاد خریف در دوزخ
بعد از آن مناجات نموده گفت خدایا بحق محمد و اهل بیتش که بر من رحم کن پس خدای تعالی جبرئیل را
فرستاد که او را از آتش بیرون آرد و گوید بعزت خودم که بحق ایشان سؤال نکردی بسیار در آتش
میماندی امر را خود واجب گردانیده که هر کس بحق ایشان سؤال کند اجابت فرمایم و بمضمون
در احادیث بسیار آمده و مرویست که هر دعا از آسمان محجوب است تا صلوات بر آنحضرت
و آلش صلی الله علیهم فرستد و نیز مرویست که صلوات بر ایشان رد نشود پس چون در اول
و آخر دعا صلوات فرستد خدا را شرم آید که اول و آخر را قبول فرماید و میانه را رد کند و از
جمله اسباب آنست که دعا را عام کند و دیگران را در آنچه مطلب باشد با خود شریک گرداند ملائکه آنرا
مقدم دارد که برای ایشان و برای خود دعا کند و مستجاب شود و بعضی از علما در بعضی
کتب گفته اند که ذکرش مناسب مقام است این که خدای تعالی بندگان خود را نهی فرموده که چون
چند چیز را باجر یک چیز بیع کنند بعضی را نگاه دارند و بعضی را رد نمایند و دعا برای مؤمن
غایبانه البته مستجابست چنانکه بیاید پس چون کسی حاجت خود را با دیگری در دعا جمع کند لابد

بجلال آن جناب نبوده که چیزی که بنده کار از منع فرموده خود از آن بجنبد و از جمله اسباب آنکه در وقت
دعا دل خبردار و رقیق و محزون باشد که دعای دل غافل سخت و خشک مستجاب نشود
و خدای تعالی دل محزون را دوست دارد و چشم گریان باشد و اگر گریه نیاید سعی کند و خود را
گریه دار دو چون اشک آید دعا را غنیمت باید دانست اگر چه بقدر سر مگسی باشد که خدای تعالی
چشم گریان را دوست دارد و بر گریه یک کس بر امتی رحم فرماید و از جمله آنکه از روی انصاف
سؤال کند و چیزی که از حوصله و مرتبه او بیرونست طمع نکند که مستحق حرمان شود و از جمله آنکه
اطمینان و حسن ظن باجابت داشته باشد که خدا میفرماید من نزد ظن بنده مؤمن هستم هر چه گمان
داشته باشد چنان کنم و مرویست که چون دعا کردی حاجت را بر در خانه دان و از جمله
آنکه پیش از وقت در حالت عافیت و رفاهیت همیشه دعا میکرده باشد تا چون در بلیه و
شدت دعا کند مستجاب شود و از آسمان محجوب نماند و گر نه ملائکه که بر اجابت دعوات
موکلند گویند این چه آوازیست که نمی‌شناسیم و این کیست و پیش از این کجا بود که بدرگاه
الهی رجوع نمی‌نمود و از جمله آنکه در آخر دعا بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله که خدای تعالی
فرماید ای ملائکه این بنده مراد را یابید و اعانت کنید و حاجتش برآورید که کارهای خود را
بمن واگذاشت و خواهش خود را تسلیم کرد و اعتراف نمود که هیچ کس غیر من اجابت حاجتش نتواند و چون از
دعا فارغ شود هر دو دست بسر و رو و در روایت دیگر بر رو و سینه مالد که دستی که بدعا
برخواسته از رحمت خالی نباشد و از جمله آنکه در دعا الحاح کند که خدا را خوش آید و البته
اجابت فرماید و نیز مرویست بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی از او اعراض فرماید باز
دعا کند و اعراض فرماید پس در مرتبه چهارم و در روایت دیگر در مرتبه سیوم فرماید ای ملائکه بنده

من مکرر دعا کرد و اعراض نمودم همان دعا میکند میداند که گناهش را غیر من کسی نیامرزد گواه
باشید که او را آمرزیدم و اگر در اجابت تأخیر شود دلمایوس و نومید نباید شد که خدای تعالی فرموده
از رحمت من نومید نباشید مگر کافران و گمراهان و بسا باشد که بنده دعا کند و خدا برای آنکه دعا
و مناجات او را دوست دارد در اجابت تأخیر فرماید تا بیشتر دعا کند و تضرع نماید دعای مؤمن
البته اجابت شود اگر همان چه خواسته مصلحت باشد همان را عطا کند و اگر بلیه مقدر باشد که رفع
آن فقر و رنج و خوف از آن خبر دارد او را دفع فرماید و اگر هیچ کدام نباشد کفاره گناهانش شود
و اگر دعا زود مستجاب شود مشعوف و مغرور نشاید گشت که شاید استدراج باشد چنانچه
در باب اول گذشت و بسا باشد که بنده دعا کند و خدای تعالی برای آنکه او آواز او را دوست دارد
زود اجابت فرماید تا الحاح او را نشنود بلکه اگر زود شود شکر و حمد و اگر دیر شود صبر و توکل باید
کرد و در هر حال تضرع و انابت و تملق و اطاعت باید نمود **فصل ششم** در ذکر جمعی که دعا شان
مستجاب شود و جمعی که نشود در روایات از اهل بیت طاهرین علیهم اجمعین چنین رسیده که دعا شان
مستجاب شود و از خدای تعالی محجوب نماند و درهای آسمان گشوده شود تا بعرش رسد اول حج و عمره
و جهاد و پس متصدی احوال عیال ایشان باشید و سعی در حوائج ایشان نماید و مرخص ایشان را
مرخص نماید و امام عادل و ولد صالح برای والدین و والدین برای ولد و صائم تا وقتیکه افطار
کند و مؤمنی که برای مؤمنی غایبانه دعا کند مرویست که هیچ دعا بسرعت اجابت این دعا نیست
و دعای مظلوم بر ظالم که خدای تعالی فرماید و گوید انتقام تو بکشم اگر چه بعد از مدتی باشد و دعای والد
بر ولد که بر بنده رسد آن از شمشیر و جمعی هستند که دعاشان مستجاب نشود کسی که دست از کسب و سعی کشیده
و در خانه نشیند و دعا کند خدای تعالی فرماید مگر راه سعی و تحصیل برای تو گشوده ام راه سرکرد و سعی

نمای و حاجت برآرم و کسی که خدای تعالی مالی باو داده و در باطل صرف کرده چون دعا کند
خدای تعالی فرماید روزیت دادم و ضایع کردی و کسی که زن یا بنده یا همسایه را نفرین کند فرماید
راه خلاصی گشوده ام زن را طلاق و بنده را بفروش و از جوار همسایه نقل کن و کسی که بنشیند و تنبیه
بکسی قرض دهد فرماید بایست که شاهد و تنبیه بگیری تا مالت باطل نشود و کسی که در زیر دیوار
شکسته بنشیند و یا در مهلکه احتیاط نکند فرماید گفته بودم که خود را در مهلکه میفکن تا هلاک

فصل هفتم در فضایل دعا برای مومنان مرویست از اهل بیت طاهرین ع که چون کسی غایبانه
مومنی را بخیر دعا کند ملائکه گویند چه خوب برادری تو که برادر خود را غایبانه مدح و دعا
میکنی خدای تعالی دو برابر آن ترا اعطا کند و دو مثل آن ترا مدح فرماید و اگر دعای بد و ذکر شر
کند گویند چه بد برادری تو بر خود رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز مرویست که دعای برادر خود
یک دعاست و چون برای مومنی غایبانه دعا کند از آسمان اول ملکی ندا کند که ترا صد هزار مثل آن
باشد و از آسمان دوم ندا کنند که دویست هزار مثل آن باشد و از آسمان و همچنین تا آسمان هفتم
صد هزار صد هزار بیفزایند بعد از آن خدای تعالی فرماید منم غنی که هرگز فقیر نشوم ترا هزار هزار مثل آن عطا
فرمایم و هر مومنی که برای مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات احیا و اموات ایشان دعا کند خدا
بعدد هر مومن و مومنه از اول دنیا تا آخر دنیا حسنه برای او ثبت نماید و بعدد هر کس مثل آنچه دعا
کرده باو عطا فرماید و اگر روز قیامت او را بدوزخ امر کنند و میکشیده باشند تا بدوزخ برند
مومنین و مومنات احتیاج نموده گویند خدایا اینکس در دنیا ما را دعا میکرد امروز ما را شفیع او
گردان خدای تعالی شفاعت ایشان را قبول نموده او را نجات دهد و هر کس هر روز بیست و پنج مرتبه
بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات بعدد هر مومنی که گذشته و آینده تا روز قیامت

بالاتی

بازپس حسنه ثبت کند و سیئه محو نماید و درجه بلند کرده شود فصل هشتم در ذکر بعضی ادعیه وسایل
حاجات مرویست که کسی بخدمت امیرالمومنین ع رفته شکایت نمود که اجابت دعایم دیر میشود و زود حاجت
دعای سریع الاجابه بخوان که گفت نمیدانم گفت هر وقت مهمی رو نمود بگو اللهم انی اسئلک باسمک العظیم
الاعظم الاجل الاکرم المخزون المکنون النور الحق البرهان المبین الذی هو نور مع
نور و نور من نور و نور فی نور و نور علی نور و نور فوق کل نور و نور علی کل نور و نور
تضیء به کل ظلمة و تکسر به کل شدة و کل شیطان مرید و کل جبار عنید و لا تقر
به ارض و لا تقوم به سماء و یامن به کل خائف و یبطل به سحر کل ساحر و بغی کل باغ و
حسد کل حاسد و یتصدع لعظمته البر و البحر و یستقل به الفلک حین تکلم به
الملک فلا یکون للموج علیه سبیل و هو اسمک الاعظم الاعظم الاجل الاجل النور الاکبر
الذی به سمیت نفسک و استویت به علی عرشک و اتوجه الیک بمحمد و اهل بیته
و اسألک بک و بهم ان تصلی علی محمد و آل محمد و حاجتی که داری طلب کنی و مرویست از حضرت
امام جعفر ع که چون کسی را حاجتی روی دهد پناه بحضرت پیغمبر صلعم برده غسل کند و دو رکعت نماز گزارد
مثل نماز فریضه افتتاح کند و تشهد خواند و بعد از سلام آنکه ثواب آنرا بروح مقدس آنحضرت صلعم هدیه نموده
بگوید انت السلام و منک السلام و الیک یرجع السلام اللهم صل علی محمد
و آل محمد و بلغ روح محمد منی السلام و ارواح الائمة الصادقین سلامی و اردد علی
منهم السلام والسلام علیهم و رحمة الله و برکاته اللهم ان هاتین الرکعتین هدیة منی
الی رسول الله صلی الله علیه وآله فاثبنی علیهما ما املت و رجوت فیک و فی رسولک
یا ولی المومنین بعد از آن بسجده رود و چهل مرتبه بگوید یا حی یا قیوم یا حیا لا یموت یا حی لا اله الا انت

یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین بعد از آن روی راست را بگذارد و همین را چهل مرتبه بگوید
بعد از آن روی چپ را بگذارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن سر برداشته دستها بردارد و چهل مرتبه بگوید
بعد از آن دست را تا پیش گردن بیارد و دو انگشت سبابه را بنحوی که بحزین اشاره کند از روی
تضرع نگاهدارد و چهل مرتبه بگوید بعد از آن محاسن را با دست چپ بگیرد و گریه کنان و اگر گریه
نیاید خود را چنان ساخته بگوید یا محمد یا رسول الله اشکو الی الله و الیک حاجتی و الی
اهل بیتک الراشدین حاجتی و بکم اتوجه الی الله فی حاجتی بعد از آن سجده کند و بگوید یا الله
یا الله یا الله تا نفس تنگ شود و صل علی محمد و آل محمد و اقض حاجتی و حاجت بگوید من ضامنم که هنوز از
جای خود برنخواسته باشد که حاجتش بر آورده شود و هم از آنحضرت مرویست که فرمود شما را چون
مرضی عارض شود بطبیب رجوع کنید و با او تکلفات نمایید و چون حاجتی باشد بخانه سلاطین و بدرو
بلازمان ایشان رشوه ها دهید پس اگر مرضی یا حاجتی باشد تن سالم شود پناه بخدا استغاثه برده طلبات
بسازید و چیزی تصدق کنید هر چه میسر شود و پس بمسجد رفته دو رکعت نماز گزارید بعد از آن حمد و ثنای
خدا گویید و صلوة بر پیغمبر و اهل بیتش صلوات الله علیهم فرستید و حاجت خود طلب کنید البته مستجاب شود و
این یقینی است که بخدا التجا و جهت اجابت آن و هم از آنحضرت مرویست که هر کس را حاجتی
باشد باید که غسل کند و دو رکعت نماز گزارد و پس دست راست بر زیر روی بسته کرده بخواند و بگوید
یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و حاجت را نام برد روا سازد
مستجاب شود و از حضرت صادق از آن ائمه علیهم مرویست که هر کس را حاجتی باشد شب جمعه بعد از نصف
شب غسل کند و بمصلای خود رفته دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت الحمد بخواند چون به ایاک نعبد و
ایاک نستعین رسد این آیه را صد مرتبه تکرار کند و در مرتبه آخر سوره را تمام کند بعد از آن قل هو الله احد

بگذارد

بخواند و تسبیح رکوع و سجود در اصفه صف بگوید و چون کلام در هم بگوید اللهم ان اطعتک فالمحمدة
لک و ان عصیتک فالحجة لک منک الروح و منک الفرج و سبحان من انعم
و شکر سبحان من قدر و غفر اللهم ان کنت عصیتک فقد اطعتک فی احب الاشیاء
الیک و هو الایمان بک لم اتخذ لک ولدا و لم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا منی
به علیک و قد عصیتک الهی علی غیر وجه المکابرة و الخروج عن عبودیتک و لا الجحود
لربوبیتک و لکن اطعت هوای و ازلنی الشیطان فلک الحجة علی و البیان فان
تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم لی و ان تغفرلی و ترحمنی فانک جواد کریم تا نفس تنگ شود یا امنا
من کل شیء و کل شیء منک خائف حذر اسئلک بامنک من کل شیء و خوف کل شیء
منک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی امانا لنفسی و اهلی و ولدی و سائر ما انعمت
به علی حتی لا اخاف و لا احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر و حسبنا الله و
نعم الوکیل یا کافی ابرهیم نمرود و یا کافی موسی فرعون اسئلک ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تکفینی شر فلان بن فلان و کسی که از و خوف داشته باشد نام برد و بعد از آن
سجده کند و از روی تضرع حاجت بطلبد که هیچ مومن و مومنه باین طریقه با اخلاص عمل نخواهد کرد الا که
درهای آسمان برای اجابتش گشوده شود و همان وقت مستجاب شود و هر چه طلب کند بعد از آن
نمود و این از فضل خدا است بر ما و شیعیان ما و هر کس در یک مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله
توفیق حج یابد مرویست که ابو الهیقام مردی بود بیطالع هرگز بکاری نمیرفت که از آن خیر
ببیند بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت نمود فرمود بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوی سبحان الله
العظیم و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله گوید اندک زمانی پیش نگذشت که از جای

۹۶

کرهیچ کمان نداشتم خدا تعالی مرا غنی کردانید یکی از اصحاب حضرت پیغمبر صلعم آمد بخدمت آنحضرت
رفت بعد از آنکه رفت پرسید چه مانع است که پیش ما نمی آیی گفت بیماری و پریشانی فرمود
این کلمات بگوی که هر دو زایل شود لا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الحی الذی
لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له
ولی من الذل وکبره تکبیرا کسی حضرت امام جعفر ع پرسید دعائی خواست برای وسعت رزق
فرمود بگوی اللهم ارزقنی من فضلک الواسع الحلال الطیب رزقا واسعا حلالا
طیبا بلاغا للدنیا والآخرة صبا صبا هنیئا مریئا من غیر کد ولا من من احد من
خلقک الا سعة من فضلک فانک قلت واسئلوا الله من فضله فمن فضلک
اسال ومن عطیتک اسال ومن یدک الملأ اسال راوی گوید برای هیچ طلب خیر
مثل این دعا ندیدم حضرت پیغمبر صلعم بحضرت امیر المؤمنین ع گفت برای ادای دین بگوی اللهم اغننی
بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک که اگر مثل صبیر دین داشته باشی ادا شود و هم
کوهی است در یمن که در آن بلاد اعظم از آن کوهی نیست و هم آنحضرت صلعم بدیگری فرمود دو رکعت نماز
بگزار بعد از آن آیة الملک بخوان بعد از آن بگوی یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما تعطی
منهما ما تشاء وتمنع منهما ما تشاء اقض عنی دینی که اگر مثل روی زمین طلا دین داشته
باشی ادا شود و کسی بحضرت امام جعفر ع شکایت نمود که دین بسیار بر مردم دارم و وصول نمیشود
فرمود بگوی اللهم لحظة من لحظاتک تیسر علی غرمائی بها القضاء وتیسر لی
بها الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر و هم از آنحضرت ع مرویست که هر کس دو ماه متوالی هر روز
چهار صد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم بدیع السموات

والارض

والارض ذو الجلال والاکرام لجمیع ظلمی وجرمی واسرافی علی نفسی واتوب الیه خدا تعالی
مال بسیار با علم بسیار عطا فرماید و هم از آنحضرت ع مرویست که هر غریبی با اهل بیت خود دعائی
مستجاب عطا فرموده و پیغمبر صلعم دو دعای مستجاب عطا فرموده یکی برای شدائد امور و آن
اینست یا دائما لم یزل یا الهی واله آبائی یا حی یا قیوم صل علی محمد وآل محمد وافعل
بی کذا وکذا دوم برای حوائج و قضای دین و آن اینست یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء
منه یا الله یا رب صل علی محمد وآله واقض عنی الدین وافعل بی کذا و هم از آنحضرت مرویست
که هر کس معیشت تنگ شود یا حاجتی از حوائج دنیا و آخرت باشد این عریضه را بر کاغذی سفید بنویسد
چنانکه اسامی در یک سطر باشد و بر دور صفحه بدین شکل  خطی بکشد و در وقت طلوع آفتاب
در آب جاری اندازد بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق الجلیل المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام
علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن القائم سیدنا ومولانا
صلوات الله علیهم ربنا انی مسنی الضر والخوف فاکشف ضری وآمن خوفی بحق محمد وآل محمد و بکل نبی
ووصی وصدیق وشهید ان تصلی علی محمد وآل محمد یا ارحم الراحمین اتشفع الیک یا سادتی بالشان الذی
لکم عند الله فان لکم عند الله شانا من الشان فقد مسنی الضر یا سادتی والله ارحم الراحمین فافعل بی
یا رب کذا وکذا و نیز مرویست که چون کسی را حاجتی باشد بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
پناه برده این عریضه را نوشته و در قبری از قبور ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بگذارد و یا بپیچیده و سر آن را
مختوم ساخته در گل پاک گرفته در نهر یا چاهی عمیق یا آب بسیاری اندازد که بعرض حضرت
صاحب الزمان صلوات الله علیه میرسد و آنحضرت خود متوجه قضای آن میشود بسم الله الرحمن الرحیم
کتبت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا وشکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز وجل ثم بک من امر

قد اهمنی وشغل قلبی واطال فکری وسلبنی بعض لبّی وغیّر خطیر نعمة الله عندی واسلمنی عند تخیّل وروده
الخلیل وتبرّأ منی عند ترائی اقباله الیّ الحمیم وعجزت عن دفاعه حیلتی وخاننی فی تحمّله صبری وقوّتی
فلجأت فیه الیک وتوکلت فی المسئلة لله جلّ ثناؤه علیه وعلیک فی دفاعه عنّی علماً بمکانک من الله
ربّ العالمین ولیّ التدبیر ومالک الامور واثقاً بک فی المسارعة فی الشفاعة الیه جلّ ثناؤه فی امری
متیقّناً لاجابته تبارک وتعالی ایّاک باعطائی سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنّی وتصدیق املی فیک
فی امر کذا وکذا وحاجت اینویسد فیما لا طاقة لی بحمله ولا صبر لی علیه وان کنت مستحقّاً له ولاضعافه
بقبیح افعالی وتفریطی فی الواجبات التی لله عزّ وجلّ فاغثنی یا مولای صلوات الله علیک عند اللهف وقدّم
المسئلة لله عزّ وجلّ فی امری قبل حلول التلف وشماتة الاعداء فبک بسطت النعمة علیّ واسئل الله جلّ جلاله
لی نصراً عزیزاً وفتحاً قریباً فیه بلوغ الآمال وخیر المبادی وخواتیم الاعمال والامن من المخاوف کلها فی کل
حال انه جلّ ثناؤه لما یشاء فعّال وهو حسبی ونعم الوکیل فی المبدا والمآل و در وقت انداختن عریضه
یکی از نایبان آنحضرت صلوات الله علیه که در زمان غیبت صغری بوده اند که عثمن بن سعید عمری
یا پسرش محمد بن عثمن یا حسین بن روح یا علی بن محمد باشند متوسل شده بگوید یا فلان بن فلان
سلام علیک اشهد انّ وفاتک فی سبیل الله وانک حیّ عند الله مرزوق وقد خاطبتک فی حیوتک التی لک عند الله
عزّ وجلّ وهذه رقعتی وحاجتی الی مولانا علیه السلام فسلّمها الیه فانت الثقة الامین بعد از آن عریضه را بیفکند
که انشاء الله برآورده شود و هم از حضرت صادق ع مرویست که چون خواهی برای طلبی حاجتی
نامه یا رقعه بحق بنویسی اول با قلم بی مداد بر سر نامه بنویس که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین
المخرج مما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبون جعلنا الله وایاکم من الذین لا خوف علیهم ولا هم
یحزنون راوی گوید بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای طلبی نامه ننوشتم مگر آنکه باجابت مقرون

گشت

گشت **فصل نهم** در تعویذ و حرز از مخاوف و مکاره از جمله وسایل بسیار مرویه از اهل بیت اطهار علیهم
درین باب چند خبر که اهم است انشاء الله ذکر کنیم **خوف از سلاطین** کسیکه بخدمت حضرت امام جعفر ع عرض کرد
داشت که سلطان مرا طلبیده و من از او اندیشه دارم فرمود چون از خانه بیرون میروی قل هو الله احد را از
دو جانب راست و پشت سر و جانب چپ و بالای سر و زیر پا بخوان که در امن و حصار حق تعالی باشی
تو از سلطان و نیز مرویست که چون با سلاطین ملاقات کنید هفت مرتبه آهسته بگوید خیرک بین عینیک
وشرک تحت قدمیک وباذنه استعین علیک اللهم اکفنیه بما شئت فانه لا قوة الا بک و هیچ ضرری
از غضب ایشان نرسد بگوید المغات غضبک بلا اله الا هو حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
ربّ العرش العظیم و چون نظر بایشان افتد سه مرتبه قل هو الله بخواند و باد دست چپ انگشت
بشمرد تا دفعیکه از آنجا بیرون آید مکرر بخواند بشمرد و نیز مرویست که کسی از سلطان عباسی طلبیده
حضرت امام جعفر ع قدری از تربت مقدس امام حسین ع فرستاد و فرمود با او رسانید که امانست از
هر خوف و نیز آنحضرت ع از در خانه سلطان بگذشت دید که کسی را عقوبت کرده بیرون آمده فرمود
اگر انگشتر عقیق با خود میداشت از اینجا دیگر این نمیبود **خوف از اعدا** حضرت امام زین العابدین ع فرمود
اگر تمام جن و انس جمع شوند چون این کلمات بگویم هیچ باک نداشته باشم بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
وَمِنَ اللهِ وَاِلَی اللهِ وَفِی سَبِیلِ اللهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ ص اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ اَسْلَمْتُ نَفْسِی
وَاِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَاِلَیْکَ اَلْجَأْتُ ظَهْرِی وَاِلَیْکَ فَوَّضْتُ اَمْرِی اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِی بِحِفْظِ
الْاِیمَانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَعَنْ یَمِینِی وَعَنْ شِمَالِی وَمِنْ فَوْقِی وَمِنْ تَحْتِی وَمَا
قِبَلِی وَادْفَعْ عَنِّی بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ و از حضرت امام موسی ع مرویست
که جدم امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چون از بند عامه میخواند از شر کسیکه دیگر انکه منهم میساخت و اینها

كفايت بلايات اللهم بك اساور وبك احاول وبك اصول وبك انتصر وبك
اموت وبك احيى اسلمت نفسي اليك وفوضت امري اليك لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم انك خلقتني ورزقتني وسترتني وعن العباد بلطفك خولتني
اغنيتني اذا هويت رددتني واذا عثرت قومتني واذا مرضت شفيتني واذا دعوت
اجبتني يا سيدي ارض عني فقد ارضيتني خوف از سباع وكلاب بكويد وقل للذين
امنوا يغفروا للذين لا يرجون ايام الله ليجزي قوما بما كانوا يكسبون واذا
قرات القران جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا
على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا وان يروا كل اية لا يؤمنوا بها
حتى اذا جاؤك يجادلونك يقول الذين كفروا ان هذا الا اساطير الاولين سبع
از حضرت امام جعفر ع مرويست كه چون با سبع ملاقات كنى در رويش اية الكرسي بخوان وخطاب
با و نموده بكوى عزمت عليك بعزيمة الله وعزيمة محمد صلى الله عليه واله وعزيمة سليمان
بن داود وعزيمة امير المؤمنين علي بن ابي طالب والائمة من بعده كه انشاء الله بر وكردد
برود راوى كويد چون بيرون امدم سبعي ديدم كه اين عزيمت بر او خواندم بعد از ان كفتم الا تنحيت
عن طريقنا پس ديدم كه سر زير افكنده دم ميان پا كرفته وكرديد وضرر نرسانيد عقرب وساير
كزندكان حضرت امام محمد باقر ع فرمود هر كس وقت شام بكويد اعوذ بكلمات الله التامات
التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر كل دابة هو
اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم من ضامنم كه هيچ عقرب وكزنده او را نكزد تا صبح
نيز مرويست كه دو چوب انار بهم زند كزندكان از او دفع كند كيك وقت خوابيدن بكويد ايها

الاسود

الاسود الوثاب الذي لا يبالي بغلق ولا باب عزمت عليك بام الكتاب ان لا تؤذيني
واصحابي الى ان يذهب الليل ويؤب الصبح بما اب دزد در وقت خوابيدن بر قفلها
وحلقها بخواند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا اخر سوره بني اسرائيل واذكار ديكر نيز براى اين مطلب
در فصل آداب خواب انشاء الله بيايد افتادن سقف حضرت امام رضا ع فرمود هيچ كس وقت
خوابيدن اين ايه بخواند كه سقف برو فرود ايد ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا وحشت ودهشت
حضرت امام جعفر ع فرمود هر كس بكويد بسم الله وبالله توكلت على الله انه من يتوكل
على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا اللهم اجعلني في
كنفك وفي جوارك واجعلني في امانك وفي منعك از هر وحشتي كه در شب ودر روز ايمن باشد
وفرمود حكايت كنند كه مردي سي سال اين را ميكفت يك شب ترك كرد عقربش زد هلاك وبلا مرويست
كه هر كس بسم الله الرحمن الرحيم بر در بيرون خانه بنويسد از هلاك شدن ايمن باشد اكر چه كافر باشد
ومرويست كه فرعون بر در خانه خود نوشته بود وحضرت موسى ع براى هلاكش استعجال مينمود
خداتعالى فرمود تو بكفرش نظر ميكني ومن بانچه بر در خانه اش نوشته جميع مكروهات از حضرت
امام رضا ع مرويست كه هر كس در ايام طفوليت در شب سه مرتبه قل اعوذ برب الفلق وسه مرتبه
قل اعوذ برب الناس وصد مرتبه قل هو الله احد واكر نتواند پنجاه مرتبه بخواند يا ديكرى براى او
بخواند از جميع امراض صبيان وآسيب جن وعطاش كه علتي است كه چون عارض شود صاحبش
هر چند آب بخورد سير نشود واز فساد معده وغلبه خون محفوظ كردد مادام كه باين مداومت كند تا
انكه از دنيا برود حوادث از حضرت امام جعفر ع مرويست كه چون حبش حضرت پيغمبر ص منهزم كشت

خدا تعالی این کلمات را فرستاد که در سنان نیزه خود دهاد و بعد از آن جیش آنحضرت را هزیمت
رو نداد و من دوست میدارم که مؤمن این را در قائمه شمشیر یا زیر نگین انگشتر یا در عمامه خود داشته
باشد تا از حوادث لیل و نهار محفوظ باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا من هو هو یا من لیس هو الا هو
یا حی یا قیوم یا حی لا یموت یا حی لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد و کن لفلان بن فلان درعا
حصینا و حصنا منیعا یا رب العالمین و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و آله الطاهرین و ادعیه و اذکار
برای امراض و اوجاع در باب علاجات انشاء الله بیاید **فصل دهم** در بعضی ادعیه متبرکه ماثوره
مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که هر کس این دعا بخواند اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند
تا روز قیامت ثواب آنرا نتوانند نوشت و کل ما نشئ آنرا زنده کرده و دلش از ایمان پر شود
و خدا تعالی فرماید ای ملائکه گواه باشید که او را و والدین و خواهران و برادران و اهل بیت
و اولاد و همسایگانش همه را از آتش آزاد کردانم و او را شفیع هزار کس کردانم که همه مستوجب
دوزخ باشند و هر یک از فقرات این دعا را فضل عظیم روایت شده که ذکر همه آن درین
مختصر نگنجد یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر
یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا صاحب
کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدئا بالنعم قبل
استحقاقها یا ربنا و یا سیدنا و یا مولانا و یا غایة رغبتنا اسئلک یا الله ان لا
تشوه خلقی بالنار و هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود که بمعراج رفتم بر حجاب قدرت
این دعا نوشته دیدم هر کس بخواند درهای آسمان برایش گشوده شود و کناهان او دور از او
و همسایگانش آمرزیده شود و خانه در بهشت از در و یاقوت بنا کنند و خیر دنیا و آخرت

برای

برایش جمع فرماید و اگر با مشک و زعفران بنویسند و بمریض دهند شفا یابد و اگر با اطفال
بندند از مار و عقرب و مکاره محفوظ باشد و اگر کسی نوشته با شاه او از وجاع ایمن شود
و اگر برای مطلبی بخوانند آسان شود و اگر جن و انس و ملائکه و هزار مثل ایشان جمع شوند
ثواب آنرا از اول دنیا تا روز قیامت نتوانند نوشت اللهم انی اسئلک یا من لم
له بالعبودیة کل معبود یا من یحمده کل محمود یا من یفزع الیه کل مجهود یا
من یطلب عنده کل مفقود یا من سائله غیر مردود یا من بابه عن سؤاله غیر
مسدود یا من هو غیر موصوف و لا محدود یا من عطاؤه غیر ممنوع و لا
یا من هو لمن دعاه لیس ببعید و هو نعم المقصود یا من رجاء عباده بحبله
مشدود یا من لیس بوالد و لا مولود یا من شبهه و مثله غیر موجود یا من
کرمه و فضله غیر معدود یا من حوض بره للانام مورود یا من لا یوصف
بقیام و لا قعود یا من لا یجری علیه حرکة و لا جمود یا الله یا رحمن یا رحیم یا
ودود یا راحم الشیخ الکبیر یعقوب یا غافر ذنب داود یا من لا یخلف الو
و یعفو عن الموعود یا من رزقه و ستره للعاصین ممدود یا من هو ملجا
کل مقصی مطرود یا من دان له جمیع خلقه بالسجود یا من لیس عن نیله
و جوده احد مصدود یا من لا یحیف فی حکمه و یحلم عن الظالم العنود از
عبید لخاطئنا لم نوف بالعهود انک فعال لما ترید یا ودود یا ودود صل علی
محمد خیر مبعوث دعا الی خیر معبود و علی آله الطیبین الطاهرین اهل الکرم
و الجود و افعل بنا ما انت اهله یا ارحم الراحمین و هم از آنحضرت صلعم مرویست که

که هرکس این دعا بخواند اگر ملایکه هفت آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت ثواب آنرا
از هزار جزو یکی نتوانند بیان نمود و از عبد الله بن سلام مرویست که بعضی از فضایل این دعا
که در توریة مذکور است اینست که هرکس خدای تعالی بفضل و منت خود این کلمات در دلش
جا دهد هر روز ده مرتبه باو جل و علا نگه مباهات فرماید و نوری از او تا عرش درخشان شود و از
عذاب قبر و فتنه دجال او را فارغ گرداند و روز قیامت ایمنش گرداند و روز قیامت که همه کس
ترسان و محزون باشند او از خوف و حزن ایمن باشد و چون محشور شود دلش ساکن و مطمئن باشد
و هر مطلب که باین دعا سوال کند خدای تعالی عطا کند و فضایل دیگر بسیار است که این
رساله حوصله ذکر آن ندارد و یا الله یا الله یا الله انت المرهوب بعظمتك جميع خلقك
يا نور النور انت الذي احتجبت دون خلقك فلا يدرك نورك نور يا الله يا الله
يا الله انت الرفيع الذي ارتفعت فوق عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك
احد من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء بضوئك
اهل ارضك يا الله يا الله يا الله انت الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون
لك شريك وتعظمت عن ان يكون لك ولد وتكرمت عن ان يكون لك شبيه
وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله المحمود بكل لسان وانت المعبود في كل
مكان وانت المذكور في كل اوان وزمان يا نور النور كل نور خامد لنورك يا مليك
كل مليك يفنى غيرك يا دائم كل حي يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم
ارحمني رحمة تطفي بها غضبك وتكف بها عذابك وترزقني بها سعادة من عندك
وتحلني بها دارك التي تسكنها خيرتك من خلقك يا ارحم الراحمين يا من اظهر الجميل

وستر

وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن
التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل
شكوى يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا
بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا سيداه يا مولاه يا غاية رغبتاه اسئلك بك
وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي
والحسن والحجة القائم ان تصلي على محمد وآل محمد واسئلك يا الله يا الله يا الله ان لا
تشوه خلقي بالنار وان تغفر لي ولوالدي برحمتك يا ارحم الراحمين وان تعطيني
حيوة الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله وسلم از آنحضرت
مرویست که هرکس این دعا بهر مطلب بخواند باذن الله تعالی برآورده شود و اگر چهل شب جمعه بخواند
میان او و خدای تعالی هیچ گناه نماند مگر آنکه بیامرزد و اگر پیش سلطان جابر رود و پیش از آنکه داخل
شود بخواند خدای تعالی سلطان را بر او مشفق و مهربان گرداند ان شاء الله تعالی اللهم اني اسئلك
يا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه يا من تسربل بالجلال والعظمة واشتهر
بالتجبر في قدسه و يا من تعالى بالجلال والكبرياء في تفرد مجده يا من انقادت الامور
بازمتها طوعا لامره يا من قامت السموات والارضون مجيبات لدعوته يا من
زين بالنجوم الطالعة وجعلها هادية لخلقه يا من انار الشمس المنيرة وجعلها
معاشا لخلقه وجعلها مفرقة بين الليل والنهار بعظمته يا من استوجب الشكر
بنشر سحائب نعمه اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك
بكل اسم لك سميت به نفسك او استأثرت به في علم الغيب عندك وبكل اسم هو لك

أنزلته في كتابك وأثبته في قلوب الصافّين الحافّين حول عرشك فتراجعت
القلوب إلى الصدور عن البيان بإخلاص الوحدانية مقرّاً بالعبودية وأنك أنت الله
أنت الله أنت الله الذي لا إله إلا أنت وأسألك بأسمائك التي تجلّيت بها للكليم
على الجبل العظيم فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة خرّت الجبال متدكدكة
لعظمتك وجلالك وهيبتك وخوفاً من سطوتك راهبة منك فلا إله إلا أنت
فلا إله إلا أنت فلا إله إلا أنت وأسألك بالاسم الذي فتقت به رتق عظيم جفون
عيون الناظرين الذي به تدبير حكمتك وشواهد حجج أنبيائك يعرفونك
بفطن القلوب وأنت في غوامض مسرات سريرات الغيوب أسألك بعزة ذلك
الاسم أن تصلي على محمد على محمد وآل محمد وأن تصرف عني وعن أهل حزانتي و
عن جميع المؤمنين والمؤمنات جميع الآفات والعاهات والأعراض والأمراض
والخطايا والذنوب والشك والشرك والكفر والنفاق والشقاق والضلالة
والجهل والمقت والغضب والعسر والضيق وفساد الضمير وحلول النقمة و
شماتة الأعداء وغلبة الرجال إنك سميع الدعاء لطيف لما تشاء و هم از حضرت
پیغمبر صلعم مرویست که هرکس این دعای امام حسین ع دعا کند با آنحضرت محشور شود و آنحضرت شفیعش باشد
و خدای تعالی کربش را فرج دهد و دینش را ادا کند و کارش آسان گرداند و براه راستش هدایت
فرماید و بر اعدا نصرتش دهد و هتک سترش نکند و با یمان شرح صدرش نماید و در وقت بیرون
رفتن روح شهادت لا اله الا الله تلقینش کند و این دعا را بعد از نماز باید خواند و هرکس این دعای
علی بن الحسین ع دعا کند با آنحضرت محشور شود و همچنین هرکس دعای هر یک از این ائمه طاهرین ع

حضرت

حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیهم اجمعین دعا کند با او محشور شود و این ده دعاست منسوب بآن
ده امام علیهم السلام بترتیب **اول** اللهم إني أسألك بكلماتك ومعاقد عرشك وسكان سماواتك
وأرضك وأنبيائك ورسلك أن تستجيب لي فقد رهقني من أمري عسر فأسألك
أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل لي من عسري يسراً **دوم** يا دائم يا ديموم يا حي
يا قيوم يا كاشف الغم يا فارج الهم يا باعث الرسل يا صادق الوعد صل على محمد
وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله **سیوم** إن كان لي عندك رضوان وودّ فاغفر لي ولمن
اتبعني من إخواني وشيعتي وطيّب ما في صلبي برحمتك يا أرحم الراحمين وصلى الله على محمد
وآل محمد **چهارم** يا ديان غير متوان يا أرحم الراحمين اجعل لشيعتي من النار وقاء
ولهم عندك رضاء واغفر ذنوبهم ويسر أمورهم واقض ديونهم واستر عوراتهم وهب
لهم الكبائر التي بينك وبينهم يا من لا يخاف الضيم ولا تأخذه سنة ولا نوم اجعل
لشيعتي من كل غم فرجاً ومخرجاً **پنجم** يا خالق الخلق ويا باسط الرزق ويا فالق الحب ويا بارئ
النسم ومحيي الموتى ومميت الأحياء ودائم الثبات ومخرج النبات افعل بي ما أنت أهله
ولا تفعل بي ما أنا أهله فإنك أهل التقوى وأهل المغفرة **ششم** اللهم أعطني الهدى و
ثبتني عليه آمناً أمن من لا خوف عليه ولا حزن ولا جزع إنك أهل التقوى وأهل المغفرة
هفتم اللهم يا من لا شبيه له ولا مثال أنت الله لا إله إلا أنت ولا خالق إلا أنت تفني المخلوقين
وتبقى أنت حلمت عمن عصاك وفي المغفرة رضاك **هشتم** يا نور يا برهان يا مبين
يا رب اكفني شر الشرور وآفات الدهور وأسألك النجاة يوم ينفخ في الصور **نهم** يا عزيز
في عزه ما أعز عزيز العزيز في عزه يا عزيز أعزني بعزك وأيدني بنصرك واطرد عني همزات

الشياطين وادفع عني يد ظلمك وامنع عني بغيك واجعلني من خيار خلقك يا
واحد يا احد يا فرد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد دهم يا نور النور
يا مدبر الامور يا باعث من في القبور صل على محمد وال محمد واجعل لي ولشيعتي من
الضيق فرجا ومن الهم مخرجا واوسع لنا المنهج واطلق لنا من عندك ما يفرج وافعل
بنا ما انت اهله يا كريم و برای دعای جلیل القدر رفیع المنزلة مرویست از حضرت صاحب الزمان
صلوات الله علیه اللهم ارزقنا توفيق الطاعة وبعد المعصية وصدق النية وعرفان
الحرمة واكرمنا بالهدى والاستقامة وسدد السنتنا بالصواب والحكمة واملأ
قلوبنا بالعلم والمعرفة وطهر بطوننا من الحرام والشبهة وكف ايدينا عن الظلم والسرقة
واغضض ابصارنا عن الفجور والخيانة واسدد اسماعنا عن اللغو والغيبة وتفضل
على علمائنا بالزهد والنصيحة وعلى المتعلمين بالجهد والرغبة وعلى المستمعين
بالاتباع والموعظة وعلى مرضى المسلمين بالشفاء والصحة وعلى موتاهم بالرافة المسلمين
والرحمة وعلى مشايخنا بالوقار والسكينة وعلى الشباب بالانابة والتوبة وعلى النساء
بالحياء والعفة وعلى الاغنياء بالتواضع والسعة وعلى الفقراء بالصبر والقناعة
وعلى الغزاة بالنصر والغلبة وعلى الاسراء بالخلاص والراحة وعلى الامراء بالعدل
والشفقة وعلى الرعية بالانصاف وحسن السيرة وبارك للحجاج والزوار في الزاد والنفقة
واقض ما اوجبت عليهم من الحج والعمرة بفضلك يا ارحم الراحمين و از حضرت امیر المومنین
مرویست که این لعنت در قنوت میخواند و میفرمود هر کس این را بخواند چنانست که در غزوه بدر و حنین
واحد هزار هزار تیر بر مشرکین انداخته باشد اللهم صل على محمد وال محمد والعن صنمي قريش

وجبتيها

وجبتيها وطاغوتيها وافكيها وابنتيهما اللذين خالفا امرك وانكرا وحيك وجحدا
انعامك وعصيا رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعداءك وجحدا الاءك
وعطلا احكامك وابطلا فرائضك والحدا في اياتك وعاديا اولياءك وواليا
اعداءك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم العنهما واتباعهما واولياءهما
واشياعهما ومحبيهما فقد اخربا بيت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه والحقا
سماءه بارضه وعاليه بسافله وظاهره بباطنه واستاصلا اهله وابادا انصاره
وقتلا اطفاله واخليا منبره من وصيه ووارث علمه وجحدا امامته واشركا بربهما
فعظم ذنبهما وخلدهما في سقر وما ادراك ما سقر لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم
بعدد كل منكر اتوه وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولي
اذوه وطريد اووه وصادق طردوه وكافر نصروه وامام قهروه وفرض غيروه واثر
انكروه وشر اثروه ودم اراقوه وخبر بدلوه وكفر نصبوه وارث غصبوه وفيء
اقتطعوه وسحت اكلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه وجور بسطوه ونفاق
اسروه وغدر اضمروه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وامان خانوه وعهد نقضوه
وحلال حرموه وحرام احلوه وبطن فتقوه وضلع دقوه وصك مزقوه وشمل
بددوه وعزيز اذلوه وذليل اعزوه وحق منعوه وكذب دلسوه وحكم قلبوه اللهم
العنهم بكل اية حرفوها وفريضة تركوها وسنة غيروها ورسوم منعوها واحكام
عطلوها وبيعة نكثوها ودعوى ابطلوها وبينة انكروها وحيلة احدثوها
وخيانة اوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها وازياف لزموها وشهادات

١٠٣

كَتَمُوهَا وَوَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا اَللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مَكْنُونِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ لَعْناً كَثِيراً أَبَداً دَائِماً دَائِباً سَرْمَداً لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ وَلَا نَفَادَ لِعَدَدِهِ لَعْناً يَعُودُ أَوَّلُهُ وَلَا يَرُوحُ آخِرُهُ لَهُمْ وَلِأَعْوَانِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمَوَالِيهِمْ وَالْمُسَلِّمِينَ لَهُمْ وَالْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ وَالنَّاهِضِينَ بِاحْتِجَاجِهِمْ وَالْمُقْتَدِينَ بِكَلَامِهِمْ وَالْمُصَدِّقِينَ بِأَحْكَامِهِمْ بعد از آن چهار مرتبه بگوید اَللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً يَسْتَغِيثُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

باب پنجم

در آداب اطلاعات مجاری احوال و سایر جزئیات و سوانح افعال و مشتمل است بر دوازده فصل بانکه

فصل اول

در انواع لباس و آداب پوشیدن آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدا تعالی جمیل است و دوست دارد جمال را و چون بکسی نعمتی عطا فرماید دوست دارد که آثار آن نعمت ازو ظاهر باشد پس اگر اظهار آثار نعمت کند شکران نعمت کرده بود و گرنه کفران کرده باشد و بهترین لباسها آنست که لباس حضرت پیغمبر و اهل بیت اوست علیهم السلام لباسی که موجب خضوع و تواضع و افتادگی شود و بدترین لباسها آنکه موجب عجب و کبر بود و مرویست که حضرت امام زین العابدین ع روزی جامه فاخر پوشیده از خانه بیرون رفت لمحه نگذشت بسرعت مراجعت فرموده از بدن بیرون کرده جامه دیگر پوشیده و فرمود که یاسر بن حارث علی بن الحسین نبود و هم آنحضرت ص فرمود چون بدن جامه نازک پوشد کرش شود و از حضرت امام موسی ع مرویست که جامه نو را آب میکشیده تا طراوت نوی زایل شود و بعد از آن میپوشیده و هر کس جامه برای تکبر و شهوت بپوشد روز قیامت خدا تعالی جامه از آتش در و پوشاند و در جهنم قرین قارون باشد از حضرت امام جعفر ع پرسیدند که حد تکبر در لباس کدام است فرمود آنکه چون جامه خوب بپوشی خواهی که مردم تو را به بینند و لبس طلا و حریر بر مردان حرام است و هر کس در دنیا

حریر پوشد در آخرت از آن محروم باشد و حضرت پیغمبر بحضرت امیر المومنین صلی الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود حریر مپوش که خدا تعالی روز قیامت بدنت را با آتش بسوزاند و بهترین رنگها در لباس سفید است و سیاه لباس بنی العباس است و سیاه در هر لباس مکروه است مگر در عبا و موزه و در روایتی بگرد و عمامه نیز وارد شده و زعفرانی لباس بنی امیه و قرمز لباس شیطان و معصفر لباس اهل بیت علیهم السلام و کفش زرد لباس انبیاست علیهم السلام و چشم را قوت دهد و ذکر بر انگیزد و بعیش و خوشی کمتر شود و قوت مباشرت دهد و کفش سفید هنوز کهنه نشده باشد که خدا تعالی مالی بیگمان عطا فرماید و کفش سیاه اهل جبارانست و چشم را ضعیف کند و مورث غم باشد و به مباشرت ضرر کند و آهن لباس اهل نار است نشاید که مومنان بپوشند یا با آن نماز کنند و مرویست که پاک نباشد دستی که در آن انگشتری آهن باشد و حضرت امام جعفر ع فرمود که عقیق سرخ و زرد و سفید سه کوهست در بهشت عقیق سرخ در خانه حضرت پیغمبر ص و سفید بر خانه حضرت امیر المومنین ع و زرد بر خانه فاطمه علیها السلام و همه از تسبیح و تقدیس و تمجید میکنند و برای دوستان اهل البیت ع استغفار میکنند هر کس از شیعیان که یکی از آنها انگشتر کند غیر خیر و خوبی و وسعت روزی و سلامت از جمیع انواع بلا نه بیند و امانست از سلطان و از جمیع مکاره و مخاوف و دفع پریشانی کند و نفاق زایل کردانند و هیچ دستی بجانب خدا بلند نشود دوست تر بنزد خدا از دستی که با انگشتری عقیق بردارند و حاجتها باجابت مقرون باشد و خدا تعالی نظر بزمین افکنده و از نور جمال خود عقیق آفرید پس فرمود قسم بذات خودم که عذاب نکنم دستی را که با ولایت علی انگشتر عقیق داشته باشد و روایت دیگر آمده که چون حق تعالی کوهها را آفرید ولایت اهل بیت علیهم السلام را برایشان عرض فرمود اول عقیق و یاقوت

قبول کردند پس ایشان را فضل و شرف عطا فرمود و در روایت دیگر آمده که عقیق سرخ اول
کوهی است که اقرار بوحدانیت خدا و نبوت حضرت پیغمبر و وصیت حضرت امیر المؤمنین و اولاد
طاهرین علیهم السلام و به بهشت برای شیعیان و جهنم برای اعدای ایشان نموده و دو رکعت نماز
با عقیق برابر است با هزار رکعت و کسی که محمد نبی الله و علی ولی الله بر عقیق نقش کرده انگشتر کند
از دنیا نرود مگر بفطرت ایمان و جمعی در سفر دریا زده بود بخدمت حضرت پیغمبر رفته شکایت
نمودند فرمود با ایشان انگشتر عقیق با خود دارید که امانست از جمیع مکاره و حدیث دیگر نزدیک
باین در فضل حرز و تعویذ گذشت و یکی از غلامان حضرت امام علی النقی ع گوید رفتم بخدمت
آنحضرت که برای زیارت حضرت امام رضا رخصت شوم فرمود انگشتر عقیق زرد با خود بردار
که بر یک رویش ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله و بر روی دیگر محمد و علی نقش باشد که امانست از
راه زدن و بجهت حفظ دین بهتر و برای سلامت تمام است و انگشتر دیگر فیروزه بردار که بر
یک رویش لله الملک و بر روی دیگر الملک لله الواحد القهار نقش باشد که امانست از سباع
و ظفر است در حربها و چون از نیشابور بگذری شیری سر راه را گرفته تا قافله را منع کند
تو پیش رفته خاتم را بان بنمای و بگوی که مولای من میگوید که از راه ما کنار رو پس من هر دو انگشتر
را چنانکه فرموده بود برداشتم و حکایت چنانکه فرموده بود گذشت و چون از زیارت فارغ
مراجعت نمودم بخدمت آنحضرت رفته حکایت را عرض نمودم فرمود یک حکایت دیگر مانده
گفتم شاید من فراموش کرده باشم فرمود بلی شبی در پیش قبر آنحضرت خوابیده بودی که
جماعتی از جن بزیارت آمده بودند چون انگشتر را در دستت دیدند بیرون کرده نقش آنرا برداشتند
و آبش را به بیماری داشتند دادند شفا یافت و انگشتر در دست راست تو بود ایشان

در دست چپ کردند تو چون بیدار شدی تعجب بسیار کردی و سببش را ندانستی و در پیش خود
پاره یاقوتی یافتی که الحال با خود داری هدیه ایشانست که برای تو آورده اند آنرا ببازار
برده بهشتاد دینار طلا میفروشی پس آنرا ببازار برده بهمان قیمت فروختم و از حضرت امام جعفر
روایتست که فرمود دوست دارم که شیعه ما پنج انگشتر داشته باشند یاقوت برای زینت و
دفع فقر و عقیق که اخلاص با خدا و با ما در آن بیشتر است و فیروزه که مؤمنان را خوش آید و محتاج
نشود و دستی که در آن فیروزه باشد چشم را قوت دهد و خدا تعالی شرم دارد که نومید کند
دستی را که با فیروزه بدعا برخیزد و حدید صینی همیشه در دست نکند بلکه با خود دارد که شر
جن و انس را دور کند و چون بظالمان و اشرار ملاقات کند در دست کند که شر ایشان را
دفع کند و در نجف اشرف که هرکس آنرا انگشتر کند هر نظر که بر آن کند حجی باشد که ثوابش مثل ثواب
انبیا و صلحا بود و اگر نه بسبب رحمت خدا بر شیعیان میبود که میخواهد اغنیا و فقرا همه در عقد و
باشد قیمت آنرا چندان میکرد که هیچ زر با آن وفا نکند و روایتست که در صبح عمانی که فارسیان
سلیمانی میگویند تسبیح و استغفار کند و ثوابش برای صاحبش باشد و دو رکعت نماز با آن
برابر است با هفتاد نماز آداب پوشیدن جامه روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که در جامه پوشیدن و کندن و هر کاری بسم الله بگویید تا شیطان شریک نشود و هر کس جامه
نو پوشد وضو کند و دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و
انا انزلناه بخواند و بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی مَا اُوَارِی بِهِ عَوْرَتِی وَ اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ
و حول و قوة بسیار بگوید در آن جامه معصیت نکند و بعد از هر رشته برای او دعا و استغفار رشته از آن م
و از خدا تعالی طلب رحمت کند و اگر بگوید الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی کَسَانِی مَا اَتَجَمَّلُ بِهِ فِی النَّاسِ اللّٰهُمَّ

اجعله ثوب برکة اسعی فیه لمرضاتك واعمر به مساجدك گناهانش آمرزیده شود و در
جامه نو و هیچ نبیند و اگر کوزه نوی آب کند و سی و دو بار و بروایتی سی و پنج انا انزلناه بران بخواند
و بران جامه بپاشد تا رشته از ان باقی باشد در وسعت و رفاهیت بود و چون جامه بپوشد
و فارغ شود بگوید اللهم بك استترت والیك توجهت وعلیك توكلت وبك اعتصمت
انت ثقتی وانت رجائی اللهم اكفنی ما اهمنی وما لا اهتم به وما انت اعلم به منی عز جارك
وجل ثناؤك ولا اله غیرك اللهم زودنی التقوی واغفر لی ذنبی ووجهنی للخیر حیثما
توجهت و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتر در دست کند بگوید اللهم سومنی تا آخر چنانکه در فصل
حمام گذشت و عمامه ایستاده بندد و مرویست که هر کس عمامه بندد و تحت الحنک نبندد و اگر
المی ببیند که دوائی نداشته باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت امام جعفر فرموده عجب
دارم از کسی که تحت الحنک بسته بحاجتی رود و چون حاجتش بر نیاید و درین زمانه که بسبب تقیه
از ابنای دنیا تحت الحنک متروک گشته مثل اکثر سنن سنیه اگر در اول عمامه بستن تحت الحنک
ببندد چنانکه بعضی میکنند تا مسمای این سنت بعمل آید مستحسن است و چون کفش پوشد ابتدا
بپای راست کند و بگوید بسم الله اللهم صل علی محمد وآل محمد ووطئ قدمی فی الدنیا
والاخرة وثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون بکند ابتدا بپای چپ کند و بگوید
بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطك
السوی و پا بی کفش راه نرود که اگر حیوانی یا شری از جن یا شیاطین عارض شود و در
زود مفارقت نکند و چون جامه از بدن بیرون کند تا کند تا از کثافت و کهنگی محفوظ
باشد و شیاطین نپوشند و چون عمامه از سر برگیرد طاق بالایش را برداشته در سانش گذارد

تا

تا شیطان بر سر ننهند **فصل دوم** در قدر طعام خوردن مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که منافق با هفت روده طعام و مومن با یک روده و بسیار خوردن دل را سخت و ظلمانی و برحم و از
خدا دور و غافل گرداند و در دین بی پروا کند و شهوت برانگیزد و نفس را سرکش و عقل را تیره و
شیطان را اعانت و دین را فاسد کند و موجب همه امراض باشد و هر کس در دنیا سیرتر روز
قیامت گرسنه تر باشد و بر سر سیری چیزی خوردن موجب پیسی شود و دشمن ترین حالات در
نزد خدا انتجا آنست که شکم پر باشد و دوست ترین آنکه خفیف و سبک باشد یک لقمه کم خوردن
خوردن افضل است از یک شب عبادت کردن و هر کس صبح را ناشتا شود دهن از کلام و شکم
از طعام منع کند تا ضرورت نشود و گرسنگی دام مومن و غذای روح و قوت دل و صحت بدن
و در جمیع آثار بعکس سیریست و مرویست که یحیی علی نبینا و آله و علیه السلام از ابلیس پرسید که هیچ ضعفی در
من میبینی که تو را خوش آید گفت بلی اینکه چون شب افطار کنی چیزی بیشتر تناول نمایی و باین
سبب بعضی عبادات و طاعات در شب از تو فوت شود فرمود من عهد کردم با خدا که هرگز طعام
سیر نخورم و این با وجود آنست که مرویست که طعام آنحضرت علف و گیاهی بوده که حیوانات
میخوردند و ماکول حرام را از ایشان امتیاز نمیکرده است و حضرت پیغمبر فرمود بعد از من جمعی پیدا شوند
که در نعمت متولد شوند و در نعمت تربیت یابند و همتشان غیر الوان اطعمه و اشربه نبوده و
چون در مجلس سخن گویند از هر طرف تحسین شنوند ایشان بدترین امت باشند و حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه فرموده هر کس همتش آنست که داخل شکمش میشود قیمتش همانست که
بیرون میرود و نیز مرویست که ثلث شکم را برای طعام بگذارد و ثلث را برای آب و ثلث را
برای نفس و خود را فربه نکند چنانکه خوک را برای ذبح فربه کنند و فضایل تقلیل طعام و رذایل

کثرت آن عقلا و شعرا زیاده از آنست که درین مختصر گنجد فصل سیم در اوقات طعام
خوردن و آداب متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بهترین اوقات برای اکل
دو وقتست یکی صبح و مرویست که هر کس عمر دراز خواهد چاشت زود بخورد و دوم بعد از نماز
خفتن که وقت عشاء انبیاست علیهم السلام و مرویست که خفتن البته چیزی تناول باید نمود خصوصا
پیر را و ترک نباید کرد که اصل خرابی بدن و فساد صحت و موجب ضعف مزاج و قوی است و رگی
در بدنست که عرق عشا گویند اگر شب کسی چیزی نخورد آن عرق تا صبح نفرین کند و گوید خدا
ترا سیر و سیراب نکند چنانکه تو مرا گرسنه و تشنه گذاشتی و در میانه دیگر چیزی انسان باید خورد
که موجب امراض و احتیاج و فساد بدن باشد و روایات بسیار در مذمت تنها خوردن وارد
که شیطان شریک و طعام بی برکت شود و علامت کبر و بخل باشد و گاه باشد که مداومت برین
موجب کبر و بخل شود و دست بسیار بر طعام موجب زیادتی برکت بود جمعی بحضرت پیغمبر ص شکایت
کردند که طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود تنها طعام میخورید با هم جمع شوید و بسم الله بگوئید تا برکت
زیاد شود و در اوانی طلا و نقره اکل و شرب حرامست که هر کس چنین کند آتش جهنم در شکمش جوش
زند و دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام پریشانی دفع کند و روزی بیفزاید و عمر دراز
کند و چشم جلا دهد و اهل مجلس همه در یک لگن دست بشویند تا پر شود و تا همه فارغ نشوند لگن را
نریزند که خلقشان نیکو شود و جمعیتشان استوار گردد و در دست شستن پیش از طعام ابتدا
بصاحب مجلس کنند و بعد از او از جانب راستش بشویند بترتیب و بعد از طعام ابتدا از جانب چپ او
کنند و باو ختم نمایند یا ابتدا از جانب یسار در خانه کنند هر کس باشد و چون پیش از طعام دست
بشویند خشک نکنند که تا رطوبت در دست باشد برکت بیفزاید و چون خوان حاضر شود بگویند بسم الله

اللهم

اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعم الجنة و چهار هزار ملک وقت طعام خوردن حاضر شوند
پس اگر در وقت شروع بسم الله بگوید ملائکه گویند خدا بنعمتها برکت بر شما زیاد کند و بشیطان جنود
خود را گوید بیرون روید که شما را درین نصیبی نیست و اگر بسم الله نگویند گوید بیائید که شما نیز نصیبی
دارید پس بیائید و شریک شوند و اگر بعد از آن بسم الله بگویند شیطان آنچه خورده قی کند یعنی
اثرش ساقط گشته زایل شود و هر کس طعام حلال خورد و در اول بسم الله و در آخر الحمد لله گوید روز قیامت
او را از آن طعام سؤال نکنند و هر کس بگوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین هنوز لقمه بدهن نرسیده
بخشد گناهانش آمرزیده شود و اگر چند نوع طعام باشد در هر یک بسم الله بگوید و اگر فراموش کند
که در هر یک بگوید در اول بگوید بسم الله علی اوله و آخره و حضرت امیر المؤمنین ص فرمود بسم الله بگوئید
و هر چه خواهید بخورید من ضامنم که ضرر نکند شخصی گفت من بسم الله گفته طعام خوردم و متضرر شدم
فرمود چند نوع طعام خوردی و در بعضی بسم الله نگفتی گفت بلی فرمود آن ضرر کرد دیگری گفت
من بسم الله گفتم و ضرر یافتم فرمود در اثنای طعام حرف زدی و بعد از آن بسم الله نگفتی گفت بلی
فرمود آن تمام ضرر کرد و مرویست که هر کس عیال خود را جمع کند و در اول طعام بسم الله و در آخر
الحمد لله بگوید کسی از ایشان آمرزیده شود و اگر با مجذوم یا صاحب بلیه طعام خورد بگوید بسم الله ثقة
بالله و توکلا علیه و مرویست که حضرت امیر المؤمنین بحضرت امام حسین ص علیهما فرمود هیچ لقمه گرم
یا سرد و هیچ شربت آب نخوری مگر که پیش از آن بگوئی اللّٰهم انی اسئلك فی اکلی و شربی السلامة
من وعکه و القوة به علی طاعتك و ذکرك و شکرك فیما ابقیته فی بدنی و ان تشجعني
بقوتها علی عبادتك و ان تلهمني حسن التحرز عن معصيتك که چون این بگوئی از ضرر
آن ایمن گردی و مرویست که در طعام دوازده خصلت است که هر مسلمی لازمست دانستن آن

چهار خصلت فرض است دانستن اینکه این نعمت از خدا تعالی است و راضی بودن بآن و بسم الله
گفتن و شکر کردن و چهار خصلت سنت دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن و
بسه انگشت خوردن و انگشتان لیسیدن و چهار خصلت ادب است خوردن و لقمه را کوچک
کردن و بسیار خائیدن و نگاه بر روی مردم نکردن و مرویست که بر طعام از روی ادب
و تواضع باید نشست چنانکه بندگان نشینند و مربع و بیک پای بر بالای پای دیگر تکیه کرده چنانکه
متکبران نشینند نباید نشست اما دست بر زمین گذاشتن بر وجهی که تکیه و تکبر نباشد قصوری ندارد
و از بعضی ائمه طاهرین علیهم السلام مرویست که چنین میکرده اند و با دو انگشت نباید خورد که شیوه متکبران است
اما با همه انگشتان قصور ندارد و مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چنان میکرده و مطلقا
با دست چپ نشاید خورد مگر آنکه ضرورتی باشد و از بالای طعام نباید خورد که برکت از بالا
آید بلکه از اطراف باید خورد و مستحب است افتتاح و اختتام بنمک کردن که هفتاد و دو نوع
بلا دفع شود که از آنجمله جنون و جذام و برص باشد و اگر بر لقمه اول نمک بپاشد نقطهای
سیاه و سفید که در رو باشد زایل شود و مرویست که اگر مردم بدانند که در نمک چه قدر منفعت است
محتاج تریاک یعنی تریاک فاروق نشوند و روایتی دیگر آمده که افتتاح و اختتام بسرکه مثل
نمک است و روایتی دیگر آمده که ما اهل بیت افتتاح بنمک و اختتام بسرکه مینمائیم و مرویست
که سرکه عقل زیاد کند و دل زنده گرداند و گوشت دندان محکم کند و صفرا بشکند و نان
با سرکه خوردن کرم معده بخشد و شهوت زنا قطع کند و مرویست که سرکه در خانه مثل مردی
صالح است که دعای برکت و وسعت کند بر اهل آن خانه و مستحب است که سبزی در سفره باشد
و مرویست که روزی در سفره حضرت امام موسی علیه السلام سبزی نبود میل بطعام نفرمود تا آنکه سبزی

آوردند

آوردند و فرمود در سفره که سبزی نباشد من طعام نخورم و در اثنای طعام حمد و ذکر خدا بسیار کنند
و بازی و لغو و بی ادبی نکنند که هر چه کنند طعام روز قیامت شهادت دهد و طعام بسیار
گرم نباشد که بی برکت بود و شیطان شریک شود و بر طعام نفس نکنند که کنش بود و دو نیز
از جهت ادب طعام و آب بر روی مصحف و بر موضع سجود و لیف نباید گرد و استخوان از گوشت
بسیار خالی نباید کرد که نصیب جن است و مرویست که هر کس چنین کند بهتر از آن چیزی از خانه
کم شود و چون جمعی در سفره باشند اگر کسی زود سیر شود دست نکشد که مبادا رفقا خجل شده
گرسنه مانند و هر کس قاب را بلیسد چنانست که مثل آن تصدق کند و هر کس انگشتان را بلیسد
خدا تعالی فرماید بارک الله فیک و خوردن ریزهای نان و طعام که از خوان ریخته باشد امانست
از جنون و جذام و برص و صفرا و حمق و دوای هر علتست و مهر حور العین است و اولاد بسیار و
نفی فقر کند از او و از ولد او و ولد ولد او تا هفت پشت اما اگر در صحرا و بیرون خانه باشد ریزهای
نان را نباید برداشت هر چند بسیار باشد که نصیب طیور و حیوانات است و هر کس پاره نانی از سر
راه بردارد و بخورد هفتصد حسنه یابد و اگر میان نجاست بردارد و بشوید و کناری بگذارد
هفتاد حسنه یابد و اگر بخورد بهشت او را واجب شود و هر کس پاره نانی یا خرمایی یا مثل آن از
نعمتها بیند افتاده بخورد هنوز از شکمش بیرون نرفته باشد که گناهانش آمرزیده شود
و بهشت واجب گردد و چون از طعام فارغ شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَطْعَمَنَا فِی جَائِعِینَ
وَ سَقَانَا فِی ظَامِئِینَ وَ كَسَانَا فِی عَارِینَ وَ هَدَانَا فِی ضَالِّینَ وَ حَمَلَنَا فِی رَاجِلِینَ وَ
آوَانَا فِی ضَاحِینَ وَ اَخْدَمَنَا فِی عَانِینَ وَ فَضَّلَنَا عَلٰی كَثِیرٍ مِنَ الْعَالَمِینَ و هر کس بعد از طعام
بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَطْعَمَنِی فِیهِ وَ رَزَقَنِیهِ مِنْ غَیْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَ لَا قُوَّةٍ کفاره شصت ساله گناه شود

وحضرت پیغمبر صلعم برکاسه شیر تناول فرمودی گفتی اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه و چون ماهی تناول
فرمودی گفتی اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه و چون خوان بر دارند بگوید الحمد لله
رب العالمین اللهم اجعلها نعمة مشکورة و صاحب طعام را دعا کند و بگوید اللهم بارک لهم
فیما رزقتهم واغفر لهم وارحمهم اللهم اطعم من اطعمنی واسق من سقانی و بعد
طعام دست را از چربی پاک بشوید که اگر چربی در دست بماند و بخوابد از مکروهی ایمن نبود
و چون بعد از طعام دست بشوید دست بر چشم و ابرو بمالد و سه مرتبه بگوید الحمد لله المحسن المجمل المنعم
المتفضل از درد چشم ایمن گردد و اگر دست بر رو بمالد کلف را زایل کند و سبب زیادتی رزق
باشد و چون دست بر رو مالد بگوید الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا و سقانا و کل
بلاء صالح افلانا و اگر میوه نو ببیند ببوسد و بر چشم گذارد و بگوید اللهم کما اریتنا
اولها فی عافیة فارنا اخرها فی عافیة و نیز بگوید اللهم بارک لنا فی ثمرنا و بارک
لنا فی مدینتنا و بارک لنا فی صاعنا و بارک لنا فی مدنا و چون تناول کند بگوید اللهم
کما اطعمتنی اولها فاطعمنی اخرها و بارک لی فیها و سنت است که آنرا بکودکان
اطفال بدهد و مرویست که میوه را بشویند که هر میوه زهری بر روی دارد و بعد از طعام
خلال کردن سنت است دهن را خوشبو و دندان را محکم گرداند و سبب زیادتی روزی
باشد و خلال نکرد را از هیچ چیز انقدر بدنیاید که از طعام که در دندان مانده و بدبوی شده و
حضرت پیغمبر صلعم فرموده که خدا تعالی رحمت کند بر هر کس که در وضو و طعام خلال کند از امت من
و ملکی از آسمان دعا کند که اللهم بارک فی المتخللین و المتخللین خلالین آنانند که هر که در خانه
دارند و متخللین آنانکه خلال کنند و هر چه با خلال از دندان بیرون آید باید انداخت و اگر

بازبان

بازبان جدا شود فرو برند و با چوب ریحان و انار خلال نکنند که عرق جذام را بحرکت آورد
و کسی که بانی خلال کند هفت روز دعایش مستجاب نشود **فصل چهارم** در فضایل بعضی
انواع ماکولات مرویست از اهل بیت طاهرین عم که ما و شیعه ما از حلاوت مخلوق گشته ایم
از انست که حلاوت او دوست داریم و نیز مرویست که مومن لذیذ و شیرین میست و لذیذ
و شیرین را دوست دارد و مرویست که شکر تمامش دوا است و هیچ مضرت در وی نیست و
عسل دوای هر علت است و هیچ ضرر نکند اما قدر استعمال آن در احادیث یک
انگشت یا انگشت و ماهی بکر نه و امثال آن وارد شده نه آنکه هر قدر و هر وقت و در هر
حال که خواهند خورند و امید شفا داشته باشند و نیز مرویست که عسلی که سبز باشد و بوی
عطر دهد یا طعمش در ذایقه تند و گزنده باشد سم قاتل است و غیر آن نافع و دوست و مرویست
که ما اهل بیت خرما دوست داریم و شیعیان ما از طینت ما مخلوق شده خرما دوست دارند و اعدای
ما از طینت آتش مخلوق شده مسکر دوست دارند و نیز مرویست که اکرام کنید عمه خود نخله را که از
بقیه طینت آدم مخلوق گشته و هر کس هر روز هفت دانه عجوه که نوعی است از خرما ناشتا
بخورد از زهر و از سحر و از هر و شیطان ایمن باشد و اگر وقت خوابیدن بخورد کرم معده را
بکشد و مرویست که اکرام کنید نان را که خدا تعالی برکات سموات را برای او نازل فرموده و
برکات ارض را بیرون آورده و از عرش تا ارض در ان عمل نموده و از جمله اکرامش آنکه پا بر آن
نگذارند و زیر پا نگذارند و چون سفره حاضر شود انتظار چیزی دیگر نفرمایند و زیر صحن نگذارند و
مرویست که دانیال عم بخشی بانی نانی داد که او را در گلشن نشانه ناز نمود و انداخت
گفت این را چه کنم این در پیش ما در زیر پا افتاده است دانیال دست بر داشته گفت خدایا

دیدی که باران بچه گرده وچه گفت نانرا اکرام فرمای پس خدا تعالی فرمود که باران از آسمان نیامد
وگیاه از زمین نرست و قحط شایع گشت تا حدی که روزی زنی با دیگری گفت که بیا تا امروز
فرزند مرا با هم بخوریم و فردا فرزند ترا آن زنان آن طفل را با هم خوردند و روز دیگر مادر طفل
دیگر بخوردن فرزند خود راضی نشد محاکمه را بحضرت دانیال بردند گفت کار شما باینجا
رسیده پس دعا کرد که خدایا کودکان و بیگناهانرا بگناه گنهکاران مواخذه مکن و برایشان
رحم کن پس باران آمد و قحط زایل گشت و از پیغمبر علیه السلام مرویست که فضل نان جو بر سایر
نانها مثل فضل ماست بر سایر ناس و دوای هر علت است و صاحب سل را هیچ چیز نافعتر از نان
برنج نیست و روایات بسیار آمده که ما اهل بیت گوشت بسیار تناول کنیم و بسیار دوست
داریم کسی اگر گوشت دوست دارد و سید طعامها گوشت است در دنیا و آخرت
و هر کس چهل روز گوشت نخورد بد خلق شود پس در گوشش اذان باید گفت و مستحب است
هر سه روز گوشت خوردن و یکروز دو بار نشاید خورد و بهترین گوشتها گوشت گوسفند
و مرویست که اگر بهتر از آن بودی خدا تعالی از فدای اسمعیل فرستادی و گوشت کبک تب را
دفع کند و بهترین اعضای حیوان اعالی بدنست و مذموم‌ترین اعضائی که بمخرج بول نزدیکتر
است و سید طعامها گوشت و برنج است و برنج بواسیر قطع کند و مریض را نافع بود و
هریسه مائده ایست که بحضرت پیغمبر صلعم نازل گشت و چهل روز قوت عبادت افزاید و
عدس دل را رقیق کند و اشک را روان گرداند و باقلا دماغ و ساقین را قوت دهد و خون
صالح از او تولد کند و پنیر و گردکان هر یک تنها ضرر کنند و با هم نافع باشند و روایت دیگر
آمده که پنیر در روز ضرر کند و شب نافع بود و از حضرت امام جعفر ع مرویست که فرمود چه خوب

نعم

نعم البیت پنیر دهن را خوش طعم و خوشبوی کند و طعام هضم نماید و اشتها آورد و هر کس
اول ماه پنیر بخورد امید هست که در آن ماه دعایش رد نشود و خربزه را آبش رحمت است و شیرینیش
راحت و یکی لقمه از آن هفتاد هزار حسنه ثبت شود و هفتاد هزار سیئه محو گردد و ناشتا نباید
خورد که مورث فالج است و انگور رازقی از میوه‌های بهشت است و انگور سیاه غم ببرد و هر
کس هر روز ناشتا بیست و یکدانه مویز سرخ بخورد از جمیع امراض ایمن گردد مگر مرض الموت
مرویست که خدا تعالی صد و بیست نوع میوه بشما داده و سید همه انار است ~~و فرزند را انگو~~
و فرزند را نیکو کند و اگر گرسنه بخورد سیر شود و اگر بر سر طعام بخورد هضم کند و در هر اناری دانه
از بهشت است و از این جهت انار را تنها تمام باید خورد تا دانه بهشت فوت نشود و هر کس یک انار
تمام بخورد خدا تعالی چهل روز شیطان را از او دور کند و اگر دو انار بخورد صد روز و اگر سه
انار بخورد یکسال و هر کس یکسال شیطان از او دور شود گناه نکند و هر کس گناه نکند به بهشت رود
و روایت دیگر آمده که هر کس یک انار بخورد دل را نورانی کند و چهل روز شیطان وسوسه را
بیمار کند و هیچ دانه انار داخل شکم مؤمن نشود مگر که دوای چهل کوفت باشد و سیب معده و سحر
و سایر عوارض بلغم و باد و رعاف و تب را دفع کند و حضرت امام جعفر ع فرمود ما بیماران
خود را سیب و آب سرد مداوا میکنیم شما نیز بیماران خود را سیب بدهید که هیچ چیز نافعتر از آن
نیست و روایت کرده‌اند که اهل بیت من همه بیمار بودند ایشانرا سیب دادم همه صحت یافتند و خوردن
سیب ناشتا معده را قوت دهد و زهر جانور را از هیچ چیز نافعتر از آب سیب نیست که
بیاشامند و آشامیدن آب سیب رعاف نیز روایت شده و به معده و دل را قوت دهد
و رنگ را صفا کند و بیه دل را دلیر گرداند و فرزند را جمیل کند خصوصا اگر ناشتا بخورند غم ببرد

۱۱۰

همچنانکه انگشت عرق پیشانی را پاک کند و دل و چشم را جلا دهد و عقل بیفزاید و محبت را در دل
زیاد کند و هر کس یک به بخورد چهل روز از ضد اشیا زبانش به حکمت جاری گرداند و اگر ناشتا
ناشتا بخورد ذهن صفا یابد و دل از علم و عقل مملو گردد و از کید ابلیس و جنودش محفوظ
گردد و امرود دل را قوت دهد و معده را دباغت کند و دردهای اندرونی را تسکین دهد و
بر سر طعام نافع است و دیگری ببرد و انجیر شبیه‌ترین میوه‌هاست به میوه‌های بهشت و بواسیر و
نقرس قطع کند و بوی دهن ببرد و استخوان محکم کند و هر علتی را نافع باشد و محتاج به هیچ دوا نباشد
و کدو دماغ را قوت دهد و عقل را زیاد کند و حضرت پیغمبر صلعم چون در خانه‌اش طعام پخته شدی
فرمودی تا کدو در آن بسیار کنند و چغندر بر کناره فردوس روید و برگ آن عرق جذام را قطع
کند و برسام را و هیچ چیز انفع از آن نباشد و بیمار را نافع بود و موجب خواب و استراحت ایشان
باشد و هیچ الم در آن نبود و از بیخ آن احتراز باید نمود که تهییج سودا کند و گزر امانت از قولنج
و بواسیر بود و در مباشرت معین است و بادنجان امانت از برص و آلام را نافع بود و المی در آن
نباشد و در سرما و گرما بپزد و خوردن موافق باشد و پیاز بلغم را ببرد و خوف صاف کند و دهن
خوشبو گرداند و عقل را بیفزاید و اعصاب محکم سازد و مجامعت را اعانت کند و گوشت
دندان محکم سازد و مرویست که چون داخل بلدی شوید از پیاز آن بخورید که تغییر آب و هوا
را نافع است و کندنا سید سبزیهاست و هر روز هفت قطره از بهشت بر آن ریزد و بواسیر
قطع کند و دهن خوشبو گرداند و بادها بشکند و امانت از جذام کسی که بآن مداومت
نماید و چون سیر و ... بخورند پرهیز را نافع باشد و کاسنی سید سبزیهاست هر روز قطره از بهشت
بر آن ریزد پس نباید آن را افشاندن و شستن و سبزی حضرت پیغمبر است صلی الله علیه و آله و سلم و اولاد

ذکور

ذکور بسیار کند و مرویست که فضل آن بر سایر سبزیها مثل فضل ماست بر سایر ناس و
دوای هزار علت است و هر کس وقت خوابیدن هفت برگ بخورد و آن شب از قولنج ایمن باشد
و اگر روز جمعه پیش از نماز هفت برگ بخورد از اهل بهشت شود و بادروج سبزی حضرت
امیرالمومنین است ع و تزیین خوان بآن کنند و امانت از جذام و از هر علتی و حضرت امام موسی ع
فرموده دوست میدارم که پیش از طعام بخورم که سده بگشاید و اشتها آورد و سل ببرد
و چون که پیش از طعام بخورم بعد از آن هر چه بخورم پروا نکنم و اگر بعد از طعام بخورد هضم طعام
کند و دفع ثقل نماید و بوی دهن خوش کند و برگ ترب طعام هضم کند و بادها دفع نماید و بول
براند و بیخش بلغم قطع کند و کسی که در شب جرجیر بخورد که بفارسی تره تیزک گویند از جذام
و برص ایمن نباشد و قاوت لوحی الّی ساخته شده گوشت برویاند و استخوان سخت کند
و برص ببرد و بلغم و صفرا قطع کند و هفتاد نوع بلا دفع نماید و اگر بعد از طعام بخورند معین
هضم باشد و روایتی آمده که مردان قاوت باشکر بخورند که ایشان را مضر باشد و اگر هفت مرتبه
با آب بشویند و بعد از آن بعضی دیگر ریزند تب ببرد و تقویت و قدم کند و کسی به مرض
برسام مبتلا گشت حضرت امام جعفر ع فرمود قاوت جو بیاشامد و دو مرتبه بیشتر نیاشامید که
شفا یافت و قاوت عدس تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد و همچنین خون را ساکن
گرداند و حرارت اندرون بنشاند و دوای هفتاد علت بود و مرویست که زنی را حیض
غلبه کرده بود تا آنکه مشرف بر موت شده بود و حضرت امام محمد باقر ع فرمود قاوت
عدس بیاشامید شفا یافت و کسی که تخم مرغ مداومت نماید اولادش بسیار شود و ماهی
بسیار خوردن بدن را لاغر کند و اگر کسی شب ماهی بخورد و بر سر آن چند دانه خرما یا عسل

بخورد بیم فالج باشد و چربی گوشت هر لقمه که داخل من شود آنقدر کوفت بیرون کند روغن
دو دست مرویست که چون کسی به پنجاه سال رسد نخوابد و حال آنکه روغن خورده باشد که موافق
مزاج ایشان نیست **فصل پنجم** در فضایل آب و آنچه متعلق است بآن از آداب مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سید اشربه جنت آب است و هر کس آب طلبد بشود خدا تعالی او را از
اشربه بهشت طلبد کرداند و گویا معنی طلبیدن از آب نیست که قدر این نعمت و تفضل الهی
در اعطای آن بداند و یکی از اطبا حضرت امام موسی را از آب خوردن منع کرد آنحضرت فرمود
چرا منع میکنی آب طعام را هضم کند و صفرا را بشکند و اطفاء حرارت کند و غضب بنشاند و عقل بیفزاید
اما افراط نباید کرد که ماده هر علت است و بسیار امراض از آن متولد شود و سؤر مومن خواه آب
و خواه غیر آن شفای هفتاد مرض است و هر کس سؤر مومن را برای تبرک بیاشامد خدا تعالی فرشته
خلق کند که برای ایشان استغفار نماید تا روز قیامت و آب زمزم دوای هر مرض است و حضرت امام
احوال جاری پرسید که چون است کسی گفت که او را ابوت کنند گذاشتیم فرمود اگر من بجای شما میبودم
آب میزاب یعنی ناودان کعبه معظمه باو میدادم راوی گوید آب میزاب باو دادیم همان ساعت صحت
یافت و آب باران بیمار از آلام پاک کند و تب و وسوسه شیطان دفع نماید و اوزار از دل
کرداند و آب فرات دو ناودان از بهشت برو میریزد و هر شب از آسمان آید و مثقال
مشک بهشت درو میریزد و در روی زمین نهری مبارکتر از آن نیست و آب چشمه هر علتی نافع
و هیچ چیز نخورد و اگر آب را بجوشانند که هفت جوش بزند پس ظرف دیگر کنند و بنوشند تب برد
و ساق و قدم را قوت دهد و با آبهای گرم که بوی گوگرد دهد و آبهای تلخ شور طعم مداوا نباید
کرد که در طوفان اجابت نوح ع نکردند پس آنها لعن فرمود و مردی روزی بدن او متوجه

چنین

چنین آبی بود بحضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام ملاقات نمود و فرمودند گمان نیست که چیزی را که
خدا تعالی لعن کرده شفا در آن گذاشته باشد زیرا که چشمه‌ها اجابت حضرت نوح نکردند
ملعون گشتند و تلخ و شور شدند و بروایت دیگر فرمودند که آبی که هر روز سه مرتبه انکار ولایت ما
میکند مداوا بآن میکنی زیرا که خدا تعالی ولایت ما را بر آبها عرض فرمود هر کدام که قبول نمود
عذب و طیب شد و آنکه انکار کرد تلخ و شور گشت **آداب آشامیدن آب** آنکه روز
ایستاده آشامیدن افضل است که برای قوت و صحت بدن و هضم طعام بهتر است و شب
نشسته که ایستاده موجب صفرا است و عرق جذام را بحرکت آرد و آشامیدن آب باید
که بمکیدن باشد که بغور آن باعث وجع سپرز شود و به سه نفس آشامیدن افضل است و در روایت
دیگر آمده که اگر کسی آب آورده مملوک تو باشد بسه نفس بیاشام و اگر آزاد باشد بیک نفس
و در وقت آشامیدن بسم الله باید گفت تا شیطان شریک نشود و اگر چنین بگوید افضل است
الحمد لله منزل الماء من السماء مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء و اگر در شب آب
بنوشد ابرا حرکت دهد و سر ظرف بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات از مفرش این
شود و هر کس بسه نفس آب بیاشامد و در هر نفسی بسم الله بگوید و هنوز سیر نشده سر برداشته و حمد
بگوید تا آن آب در شکمش هست برای او تسبیح کند و بهشت او را واجب شود و از شکسته ظرف
شکسته کوزه نیاشامد که بهر دو مقام شیطان است و بعد از آب خوردن بگوید الحمد لله
الذی سقانی ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی الحمد لله الذی سقانی فارونی
واعطانی فارضانی دعا قلبی وکفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض
محمد صلی الله علیه و آله وتسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین و در روایت که حضرت امام

روزی آب آشامید آب در چشم مبارکش پر اشک گشته و گفت لعن الله قاتل الحسین پس فرمود هر کس
بعد از آب خوردن حضرت امام حسین را و اهل بیتش را یاد کند و بر قاتلش لعن کند خدا تعالی برای او صد هزار
حسنه نویسد و صد هزار سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند گرداند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد
کند و چون روز قیامت محشور شود دلش خنک باشد و تشنگی و حرارت نداشته باشد و مستحب است
سر کوزه را پوشیدن که شیطان کوزه پوشیده را نگشاید **فصل ششم** در فضایل ضیافت
کردن و احکام متعلق بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون مهمان داخل خانه شود
روزیش با او از آسمان آید و چون طعام خورد گناهان اهل آن خانه آمرزیده شود و حضرت امام
جعفر علیه السلام از یکی از اصحاب پرسید که شبها از هیچ دعوت مسکینی هیچ وقت طعام نخوری مگر دو
و سه و کمتر و بیشتر از ایشان بهتر باشند فرمود فضل ایشان بیشتر است بر تو از فضل تو بر ایشان
گفت من ایشان را طعام میدهم و بخانه خود می آرم و فضل ایشان بیشتر است فرمود بلی
چون داخل خانه تو شوند با مغفرت تو و عیال تو داخل شوند و چون بیرون روند گناهان
شما را بیرون برند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس مومنی را سیر کند هیچ کس اجر آن نداند نه ملکی
مقرب و نه پیغمبری مرسل بجز خدا تعالی و مغفرت گناهانش لازم گردد و بهشت واجب شود و از نعمتهای
عوض یابد و بهتر است از آنکه یک افق از مردم آزاد کند پرسیدند که افق چقدر است فرمود صد
هزار یا بیشتر و هر کس دهن مومن را بلقمه شیرین کند تلخی روز قیامت نچشد و فضایل اطعام
بتفصیل در باب بر انشاء الله بیاید و هر کس مومن تشنه را آب دهد خدا تعالی او را از رحیق
مختوم سیراب گرداند و اگر در جایی آب دهد که آب باشد چنانست که یک بنده آزاد کند و هر
یک شربت آب هفتاد هزار حسنه عطا فرماید و اگر در جایی آب دهد که آب نباشد چنانست

که ده

ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و نفسی را زنده کرده باشد و هر کس نفسی را زنده کرده باشد چنانست
تا همه کس را زنده کرده باشد و هر کس جگر تشنه را از اولاد علی یا حیوان آب دهد در سایه عرش
خدا باشد در روزی که هیچ کس را پناهی نبود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس ایمان
بخدا و روز قیامت دارد باید مهمان را اکرام نماید و چون کسی بخانه کسی وارد شود باید طعام
بر او عرض کند اگر رغبت نماید و آب عرض کند اگر میل نماید و آب وضو معروض دارد و نباید که از آن
که مهمان متوجه خدمتی و کاری شود و مرویست که حضرت امام رضا علیه السلام را مهمانی وارد شده
در شب مشغول صحبت بود که فتیله چراغ را دستی بزند حضرت منع فرمود و خود دست بچراغ گذاشت و فرمود
ما اهل بیت مهمان را بخدمت نگماریم و مرویست که چون مهمان داخل خانه شود در آوردن
اسباب و رخوت او را مدد کنید و چون بیرون رود مکنید و از جمله اکرام مهمان آنست که
خلال برایش مهیا کنند و با او در طعام خوردن رفاقت باید نمود تا او دست کشیده دست
نباید کشید و اگر مهمان خود وارد شود برایش تکلف نباید کرد بلکه هر چه در خانه باشد
اکتفا باید نمود و اگر دعوت کرده باشد تکلفی که مقدور باشد باید کرد و مرویست که معلوم
نیست که کدام عجیب تر باشد مهمانی که میزبانی را در تکلف دارد و یا میزبانی که برای مهمان
تکلف کند و نیز مرویست که هلاک شود میزبانی که آنچه در خانه دارد برای مهمان حقیر
شمارد و مهمانی که آنچه برایش آورند حقیر انگارد و در روایات بسیار آمده که محبت دوستان
با هم از این توان دانست که طعام یکدیگر را از روی رغبت و انبساط و شگفتگی بخورند
یا از روی کراهت و گرفتگی و از آنجمله یکی از اصحاب حضرت امام جعفر علیه السلام گوید روزی بخدمت
آنحضرت رفتم فرمود طعام آوردند قدری خوردم و دست کشیدم فرمود بخور گفتم

خوردم پس است و منع نمود دیگر بخورند نمیدانی که محبت دوستان باین معلوم شود که طعام یکدیگر
از روی انبساط و رغبت بخورند پس با انگشت مبارک طعام جمیع سیر نمود و همه خوردند و
امثال این روایات بسیار آمده و چون مؤمنی کسی را دعوت کند اجابت باید نمود که
احادیث بسیار آمده که اجابت دعوت مؤمن از جمله حقوق واجبه که مؤمنان را بر یکدیگر
ثابت است و حضرت پیغمبر صلعم فرمود وصیت میکنم حاضر و غایب امت خود را اگر اجابت دعوت
مسلم کنند اگر چه پنج میل باید رفت که اجابت مسلم از جمله حقوق دینیست اما در مجلسی که معصیت
کنند و طعامهای حرام و شبهه و همچنین طعامی که اغنیا در آن باشند و فقرا نباشند اجابت
نباید کرد که در این نیز اخبار بسیار آمده و نهی بلیغ شده و امثال این مجالس موجب معصیت و دوری
از خدا و قساوت قلب و محبت دنیا باشد و اگر کسی ناطلبیده چون بشنود که در جایی طعامی
هست برود هر چه از آن بخورد چنانست که پاره آتش بخورد و چون کسی را بطعامی دعوت
کنند و دیگری را بی دعوت با خود ببرد غاصب باشد و هر چه بخورد حرام باشد مگر جمعی که محبت
و اختلاط و ربط در میان ایشان بیگانگی رسیده باشد و بیگانگی از میان ایشان مرتفع باشد
و گمان مانع عذری از جانب صاحب طعام نباشد که در حضور ایشان را رسد که بی اذن
در خانه یکدیگر طعام خورند و بدیگری نیز دهند **فصل هفتم** در آداب مسکن و احکام متعلق
بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شهر و مکانی که عبادت خدا اظهار نتوان کرد
نباشد توطن و اقامت نباید نمود بلکه سفر نیز بچنین موضعی نباید کرد و حق تعالی در قرآن
مجید فرموده چون روز قیامت با ایشان گویند که چرا در عبادت تقصیر کرده اید گویند ما در
مکانی که ما بودیم مقدور نبود پس ایشان را عتاب و توبیخ فرماید مگر زمین خدا فراخ نبود که نتوانستید

نقل

نقل نمود پس بلاوای ایشان جهنم است مگر جمعی که ضعیف و عاجز باشند و قادر بر نقل و تحویل
نباشند که ایشان معذورند و باین سبب است که مردم کوهستان و قری و صحرانشینان
و همچنین مردمی که در بلاد مخالفین توطن کنند و اولاد ایشان و همچنین جمعی که در کوهها
نشینند و با علما و اهل دین تردد نکنند و از آثار و مراسم دین و آداب معالم ایمان بیخبر باشند
و جهل و حب دنیا و اخلاق و صفات سباع و حیوانات در ایشان غالب باشد و باین
سبب است که اینهمه تاکید امر در زیارت و الفت و مخالطت مؤمنان وارد شده چنانکه
مذکور شد در باب العلم گذشت و نیز از یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام رسیده که بعضی مردم خلوت اختیار
کنند و ترک تردد و میان مردم کردن نمودند پس دین خود را چون دست میآرند و نیز اخبار
بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان برو دست یابد و شیطان با تنهایان است
و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که از جمله سعادت مرد وسعت فضای خانه است و خوبی همسایه
و شآمت مرد تنگی فضاست و بدی همسایه و فرموده اند اول همسایه اختیار کنید بعد از آن
خانه و بنا هر که زیاده بر کفاف بنا کند روز قیامت بر صاحبش وبال بود و هر کس زیاده بر کفاف
بنایی کند برای مباهات و تفاخر بر همسایگان و مؤمنان روز قیامت آن خانه را تا
زمین هفتم آتشی کنند شعله ور و طوق گردنش گردانند پس در قعر دوزخش افکنند مگر آنکه
توبه کند و هر کس که او را مال نه بود یا مالی از حرام کسب کند خدا تعالی آب و گل را برو مسلط گرداند
تا بناهای زیاده کند پس بمیرد و برو وبال شود و فرشته موکل است که هر کس سقف
خانه را زیاده از هشت ذراع کند با او گوید ای فاسق بکجا میروی و هر چه زیاده از هشت
ذراع بود شیاطین و جن مسکن کنند و اگر خانه زیاده ساخته شده باشد در آن زیاده

آیة الکرسی بنویسد تا دفع جن و شیاطین کند و در خانه که سگ یا صورت حیوان یا انسان
یا طرفی که در آن بول کنند باشد ملائکه داخل نشوند اما اگر صورت در فرش و چیزها باشد که پا
بر آن گذارند باکی نیست و دستمال چرب و خانهٔ عنکبوت در خانه نگذارند که بیرون ماوای
شیطان است و مرویست که خانه را جاروب کنید تا شبیه به یهود نشوید و جاروب کردن خانه
دفع فقر کند و خاکروبه را در خانه و نزدیک خانه نباید گذاشت که شیاطین جمعیت کنند
و حضرت امام جعفر فرموده خروس سفید دوست من و دوست هر مؤمنست و خروس سفید
افرق یعنی آنکه تاجش دو پاره باشد خانهٔ صاحب خود و هفت خانهٔ حوالی آن را حراست کند
و بجای آن افشاندن کبوتر خانه را بهتر است از هفت خروس سفید افرق و خانه که کبوتر در آن
باشد از فرود آمدن بلا ایمن باشد و جن دفع شوند و اهل تحتانه را از ایشان آفت نرسد و
مرویست که کبوتر پر پا در خانه‌ها نگاه دارید که قاتلان امام حسین علیه السلام را لعن می‌کنند و ورشان
ذکر و تسبیح خدا بیشتر از همه چیز می‌کند و دوستدار اهل بیت است و صاحب کنز اللغه گوید ورشان
کبوتر صحرائیست و صاحب اختیارات گوید بفارسی مرغ اللهی گویند و فاخته در خانه نباید داشت
که صاحب خانه را نفرین کند و چون کسی خواهد خانه نو بنا کند مستحب است که گوسفندی ذبح کند
و طعامی ساخته صرف مساکین کند و بگوید اللّهم ادحر عنی و عن اهلی و ولدی مردة الجن
والشیاطین و بارک لی فیه نزولکه الخ سوال کرده خدا البته عطا فرماید **فصل هشتم**
در وظایف شب و آداب خواب و بیداری مرویست از اهل بیت طاهرین که هنوز آفتاب غروب
نکرده باشد چراغ روشن کنید که دفع فقر کند و وقت خوابیدن خاموش کنید و چون وقت سحر روشن
کنید بعد از طلوع آفتاب بردارید و بی چراغ داخل خانهٔ تاریک نشوید و در مهتاب چراغ نباید

افروخته

افروخت و چون چراغ حاضر شود بگوید اللّهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس و لا تحرمنا
نورک یوم نلقاک اللّهم لنا نورا انک نور لا اله الا انت و چون خاموش کند بگوید اللّهم
اخرجنا من الظلمات الی النور و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم در تابستان روز پنجشنبه از خانه
بیرون میرفتند و چون هوا سرد میشد روز جمعه بیرون می‌آمدند و در روایت دیگر هر دو در شب جمعه
وارد شده و هر کس بر بامی بخوابد که چهار طرفش محجر نباشد اگر عارضه رو دهد خود را ملامت
نکند و محجر کمتر از سه وجب نباشد و چون کسی در خانه بخوابد باید در را ببندد یا پرده بیاویزد
تا شیطان داخل نشود و تنها در جائی نخوابد که اکثر حالات شیطان وقتیست که آدمی تنها
چند مرویست که اگر کسی با دست چرب تنها بخوابد یا ایستاده در آب بول کند یا ایستاده
آب بیاشامد پس علاج از ضرر جن بر خود بپرداند و در ود و رفاقت نکند و اگر کسی تنها خوابیدن مضطر
شود و تا تواند ذکر خدا بسیار کند و وقت خواب خود را از تشویش خلاف فارغ سازد که سبب
راحت و صحت بدنست و هر کس با وضو بخوابد چنانست که تا وقت بیدار شدن نماز کرده
باشد و اگر در بستر جایی بخاطر رسد که وضو ندارد بغباری که در رختها باشد تیمم کند مجزی بود و خواب
چهار قسم است خواب انبیاء بر قفاست و خواب مؤمنان بر جانب راست و خواب کفار بر جانب چپ و
خواب شیطان بر رو و اگر کسی بر رو خوابیده باشد باید او را بیدار کرد و خوابیدن میان نماز
شام و خفتن موجب حرمان رزقست و بعد از نماز خفتن شب نشینی مکروه و منهی است و خواب
حرمان بسحر خیز است و گفته‌اند که سگ اول شب بیدار باشد تا سحر و چون سحر شود بخوابد و حیوانات
دیگر همه اول شب خواب کنند و سحر بیدار شوند حتی اطفال تجربه شده که اطفال در طفولیت تا بر
خلقت خود باقیند اول شب بخوابند و سحر بیدار شوند و چون عادات و رسوم اهل دنیا

115

و باطلان را سید بصفت سگ در آید پس مومنان باید اول شب بخوابند و نصف شب یا
اندکی بیشتر باید در تهجد بیدار شوند و روایات بسیار آمده که خدا تعالی اول شب برای حضرت
و آخر شب برای عبادت آفریده و از طلوع صبح تا طلوع آفتاب بلا نگاه ارزاق بنی آدم را قسمت
کنند هر کس در خواب باشد از نصیب این خود محروم باشد و من و سلوی در این ساعت بر بنی
اسرائیل فرود نازل میگشت هر کس در خواب میبود از آن محتاج بگدایی میبود و خواب
این ساعت خوابش مرو خواب بر شوم است و رنگ زرد و رو کریه گرداند و خواب اول روز
سبب بی نظامی و بی برکتی کارها شود و بعد از عصر موروث حماقت باشد و خواب قیلوله که
پیش از ظهر است مبارکست و اعانت شب خیزی کند و شیطان از دین خواب نصیبی نباشد
و سبب زوال نسیان و قوت حافظه باشد و بسیار خوابیدن سبب فقر باشد و در روز
قیامت بسیار خوابیدن دین و دنیا را از دست بیرون برد و خدا تعالی دشمن دارد کسی
بی آنکه بیداری کشیده باشد بخوابد و هر کس وقت خوابیدن دست راست در زیر روی راست
گذارد و بگوید بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ
اللهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ از دزد و فرود آمدن خانه محفوظ گردد
و ملائکه برای او استغفار کنند و اگر بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صد
هزار حسنه برایش نویسند و صد هزار سیئه محو گردانند و صد هزار درجه بلند کنند و حضرت امام
محمد باقر علیه السلام فرمود چون کسی خواهد بخوابد باید بگوید بِسْمِ اللهِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ
وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ
وَرَغْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا وَلَا مَفَرَّ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ

وبر

وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید که هر کس وقت خواب
این تسبیح بگوید از جمله جمعی ذاکر که خدا تعالی مدح فرموده باشد که ذکر بسیار کنند و هم از ایشان امام
روایت که در وقت خواب گفتن این تعویذ را ترک نباید کرد أُعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي
وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ و هر کس
سه مرتبه وقت خواب بگوید يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ چنانست که هزار
رکعت نماز گزارده باشد و اگر سه مرتبه بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده و اگر آیة الکرسی بخواند از فالج ایمن
گردد و تا وقت بیدار شدن او و چهل خانه همسایه اش محفوظ باشند و مرویست که دو کس
بسفر میرفتند بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمده تعلیمی خواستند فرمود وقت خوابیدن تسبیح حضرت
فاطمه زهرا ع بگوئید و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید پس چون از شهر بیرون رفتند جمعی دزدان ایشان را
تعاقب کردند چون در منزلی فرود آمدند دزدان غلامی را بجاسوسی فرستادند تا خبری از ایشان
بیارد غلام مراجعت کرده گفت هیچ کس را ندیدم و دو دیوار دیدم هر چند بر دور آن گشتم راه
درون شدن نیافتم گفتند نشنیده بود دروغ میگوئی خود برخاسته رفتند شنیده موافق دیده
یافتند چون صباح شد دزدان پیش ایشان آمده قضیه شب نقل کرده از احوال استفسار نمودند
ایشان حکایت خود بیان کردند و گفتند ببرکت تعلیم آنحضرت از شر شما ایمن شدیم دزدان
قطع امید کرده براه خود رفتند و اگر در وقت خواب آخر سوره کهف بخواند تا مسجد الحرام نوری
تابان پیدا گردد و میان آن نور ملائکه باشند و برای او استغفار کنند و اگر قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

وقل هو الله احد بخواند از فزع رستگاری شود و حضرت پیغمبر صلعم بحضرت فاطمه علیها فرموده وقت خوابیدن
ناچهار کار نکنی بخوابی ختم قرآن کنی و مراد جمیع انبیا را شفیع خود کرده باشی و همه مومنان را از خود
راضی سازی و حج و عمره گزاری گفت ایشان را در یکساعت چون کنم فرموده سه قل هو الله بخوانی
ختم قرآن کرده باشی و صلوة بر من و انبیا بفرست همه شفیع تو باشیم در روز قیامت و برای مومنان
استغفار کن همه از تو راضی شوند و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بگو حج و عمره
گزارده باشی و اگر قل هو الله احد و معوذتین هر یک سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشد و بعد هر حرف
از قرآن ثواب پیغمبری یابد و از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده و اگر در آن شب بمیرد
شهید باشد و اگر یازده مرتبه انا انزلناه بخواند نوری خلق شود از زمین تا عرش که عرض
مثل وسعت هوا باشد و در هر درجه از آن هزار هزار ملک باشد هر یکی را هزار زبان با هر زبان هزار لغت
برای او استغفار کنند تا نصف شب بعد از آن نور را در سینه او گذارند تا روز قیامت
و اگر آیه شهد الله بخواند هفتاد هزار ملک خلق شود که تا روز قیامت برای وی استغفار کنند و اگر
الهکم التکاثر بخواند از عذاب قبر ایمن شود و اگر سه مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم واتوب الیه گناهانش آمرزیده شود و اگر چه مثل ایام دنیا یا کف دریا یا ریگ صحرای عالج
باشد و اگر بخوابی عارض شود و خواب نبرد بگوید سبحان الذی هو ذی الشان دائم السلطان
عظیم البرهان کل یوم هو فی شان یا مشبع البطون الجائعة یا کاسی الجنوب
العاریة یا مسکن العروق الضاربة یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة
وأذن لعینی نوما عاجلا و اگر خواهد آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس
امنة منه وجعلنا نومکم سباتا و اگر وقت در خواب ترسد بگوید اعوذ بکلمات الله

در وقت خوابیدن
ده مرتبه

من

من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده ومن همزات الشیاطین وان یحضرون و اگر
خواهد معوذتین و آیة الکرسی بخواند و بگوید و اذ یغشیکم تا آخر و اگر از جن بیم کند ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار
یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین و اگر از احتلام اندیشه کند بگوید اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن
سوء الاحلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام و روایات بسیار
آمده و بسیاری از مردم تجربه نموده اند که اگر آیه آخر کهف بخواند هر وقت که خواهد بیدار شود
و نیز از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر کس در وقت خواب بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی
ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین اقوم ساعة کذا و هر ساعت که خواهد بگو سازد خدای تعالی
ملکی موکل گرداند که در آن ساعت بیدارش کند و مشایخ رحمهم الله در کتب خود ذکر کرده اند که
اگر کسی را حاجتی باشد یا امر مشکلی سانح شود با طهارت در فراش و لحاف بخوابد و زنی با او نباشد
و در وقت خواب والشمس واللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند بعد از آن بگوید اللهم اجعل لی من
امری هذا فرجا و مخرجا در شب اول یا سیوم یا پنجم یا هفتم کسی را در خواب بیند که بدو روی از آن
برایش نماید راوی گوید مرا صداعی عظیم بود که از علاج آن عاجز گشته بودم بدین عمل نمودم
که در شب اول دو کس آمده نزد من نشستند یکی از ایشان دست بر سرم مالید و موضعی را نشان
داد که حجامت کن آن موضع را حجامت کردم شفا یافتم و بسیاری مردم نیز گفتم همه منتفع شدند
و ایضا مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد یکی از انبیا یا ائمه علیهم السلام یا سایر مردم
در خواب بیند والشمس واللیل و قدر و تبت و اخلاص و معوذتین بخواند بعد از آن صد مرتبه توحید

117

بخواند و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آلش بفرستد و با وضو بر جانب راست بخوابد که هر کس را
خواهد ان شاء الله در خواب ببیند و سؤال و جوابی که خواهد میان ایشان مذکور شود و در روایت
دیگر آمده که این طریقه را هفت شب عمل باید نمود و بعد از آنکه این دعا خوانده باشد اللهم
انت الحی الذی لا یوصف والایمان یعرف منه منک بدأت الاشیاء والیک
تعود فما اقبل منها کنت ملجأه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجأ ولا
منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت واسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم
بحق محمد سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة نساء العالمین
وبحق الحسن والحسین اللذین جعلتهما سیدی شباب اهل الجنة اجمعین ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان ترینی فلانا و ایضا روایت کرده اند که اگر خواهد میتی را در خواب ببیند همین
دعا را تنها بخواند و در آخرش بگوید ان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها و هر مرتبه که در اثنای خواب
از پهلو به پهلوی دیگر حرکت کند بگوید لا اله الا الله الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان
الله رب النبیین والمرسلین وسبحان الله رب السموات وما فیهن ورب العرش
العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و از حضرت امام محمد باقر ع سؤال
نمودند که آنانکه خدا ایشان را مدح فرموده که اندکی از شب میخوابند کیستند فرمود جمعی اند که تمام شب
میخوابند اما هر مرتبه که حرکت میکنند میگویند الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و چون خواب
بد ببینند بگویند انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا
باذن الله عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاؤه المرسلون و
عباده الصالحون من شر ما رأیت ومن شر الشیطان الرجیم و از پهلویی که خوابیده

برپهلوی

برپهلوی دیگر نقل کند و خواب را بکسی نقل نکند از شر آن ان شاء الله ایمن گردد و هم از ایشان مرویست
که خواب خوش از جانب خدا تعالی است پس چون خواب خوش ببیند بکسی که دوست دارد نقل کند و
خواب است جزوی از هفتاد جزو نبوتست و بروایت دیگر از چهل جزو و خواب مومن بر بالای
سر شخص ایستاده مضطرب میگردد تا اگر تعبیر کنند بهر نحو که تعبیر کنند چنان شود پس خواب را بجز
عاقل مهربانی نباید گفت تا تعبیر خوب کند و نیز مرویست که خواب در دو وقت راست باشد اگر با طهارت
و ذکر خدای خوابیده باشد یکی وقت قیلوله که شیطان را در آن وقت نصیبی نبود دوم بعد از
نصف شب که وقت نزول ملائکه است و خواب اول شب اعتباری ندارد و ذکر وقت هیجان
شیاطین و مناسب اینمقام است ذکر نکته در کیفیت امر رؤیا بدانکه از بسیاری احادیث
ائمه طاهرین و دلایل براهین عقلیه متین مبین و محقق است که روح مومن از طینت ملائکه آفریده
شده چه هر یک از جنس ملکوت سموات مخلوق گشته و بسبب ضرورت معاش و تحصیل زاد معاد
الفت و آشنایی با بدن و قوی و اعضای بدن گرفته و شغل تدبیر نظام مملکت بدن و تحصیل
اشتغال احوال حیات دنیا از دیدن و شنیدن و خوردن و سایر ارادات حواس و قوی
مانع توجه و التفات او بعالم خود شده و بسبب غربت درین عالم دنیوی او را [illegible] بجانب
عالم ملکوت سما و ملاء اعلی که وطن اصلی اوست گشته هر گاه که اندک فرصتی بسبب تخفیف این
علایق و موانع او را حاصل گردد رجوع بعالم خود نموده با ابنای جنس خویش از ملائکه و اهل
ملاء اعلی الفت گیرد و مؤانست نماید و از رشحات علوم و معارف نامتناهی که از فضل حق
و رحمت الهی بر اهل آن عالم در هر باب بحساب بکثرت بقدر استعداد خود استفاضه نماید و
و بهره مند گردد و انجالات یعنی رجوع بعالم اعلی و استفاضه از فضل ملکوت اهل سما اولیا

و اصفیای خدا را که از شدت متابعت دین قویم و کمال امتثال احکام شرع مستقیم و زهد
در دنیا و ترک پیروی هوس و هوا و رفض علایق لذات و شهوات و عوایق تحصیل
فضول و تجملات بدن و اعضای خود را از ثقل فضلات ماکل و مشارب پاکیزه ساخته
و آیینه دلشان از زنگ کدورت فکرهای باطل و خیالهای فاسد حوایج و مآرب پرداخته
و جوهر روحشان از تیرگی و ظلمت اشتغال به دنیای دنی جلا یافته و پرتو نور انعام که تمام
نور و ضیاست به صفحه قابلیتش تافته و کمال تسلط بر نفس خود و قوی آن بهم رسانیده اند و این
حالت همیشه معهود ایشان باشد خواه در خواب و خواه در بیداری خواب و بیداری ایشان یکسان
باشد چنانکه حضرت پیغمبر صلعم فرموده تنام عینی و لا تنام قلبی یعنی اگرچه چشمم گاهی سر بخواب
میکند اما دلم همیشه بنور خدا بیدار است و از این جهة است که انبیا علیهم السلم بر رفقای خواب بندیرا
که همیشه منتظر نزول وحی باشند چنانکه احادیث شامده اما سایر مومنان از حجب اختلاف مرتبه و
قابلیت گاه گاه و احیانا که بدن از ثقل فضلات و بخارات غذا خفیف و دل از زنگ
ظلمت خیالهای باطل دنیا خالی و روح از شدت شغل تدبیر بدن و قوی فارغ گشته و آیینه
خاطرشان بنور یاد خدا جلا و صفا یافته باشد چون بخواب روند حواس را نیز از اشتغال
محسوسات فراغ حاصل شود و دلشان از تشویش ارادات عالم ظاهر خلاصی یافته بکلی از
خود بپردازد و متوجه عالم باطن که ملکوت عالم اعلاست شود و روحشان با اهل آن عالم که
موکلان تدبیر حال حادثات و مدبران نظام احوال کاینات اند ارتباط و اختلاط ورزد
و از رشحات علوم و معارف ایشان که همه صدق و حق است از خزاین علم الهی بر ایشان حاصل
شده بر روح بحسب مناسبت حال او فایض گردد و او را در انعام بچشم و گوش و قوای روحانی

مشاهده

مشاهده آن علم و معرفت یا خبری که متعلق باحوال دنیا یا غیر او باشد نماید و چون هنوز روح را از
مصاحبت بدن و قوای بدن خلاصی تمام حاصل نگشته بلکه آثار حواس و قوای بدنی هنوز در جوهر
روح راسخ و ثابت مشاهدات روحانی بلکه هر یک بصورت و کیفیتی که مناسب او باشد در نظرش
جلوه کند و آن مشاهده روحانی را چنان پندارد که بحواس ظاهری بدنی واقع شده و این حالت
اعنی مشاهدات روحانی و ارتباط با ملائکه و اهل عالم علوی و استفاضه از ایشان بعضی از مومنان را
نیز گاه باشد که از شدت زهد و تقوی و ورع و طاعت خدا تسلطی عظیم بر ضبط حواس و قوی
حاصل شده باشد در بیداری نیز احیانا نادر اتفاق افتد اما اگر دل و روح در زنگ تشویشات
خیالهای باطل و فکرهای فاسد فرو رفته بظلمت هوسها و آرزوهای رذایل بکلی حاصل ظلمانی
گشته و بکدورت فضلات و بخارات ماکل و مشارب سیاه و تیره شده باشد هرچند
بخواب هم رود کدورت قابلیت آن نگذارد که راه بعالم نور و صفا و قرب با اهل عالم
اعلی تواند یافت و همچنین اگر بدن بسبب ثقل و زیادتی غذا محتاج بزیادتی تدبیر و اصلاح
روح را که مدبر بدنست مهلت آن ندهد که بعالم دیگر تواند پرداخت اما اگر بعضی اخلاط مثل
خون یا صفرا و غیر آن بخارات غذا در بدن غالب گشته و هیجان نموده بهر چون بخواب
رود آن خلط و بخار بصورتی که مناسب آن باشد در نظر روح جلوه کند و چنان پندارد
که چیزی دیده یا شنیده مثلا خون و صفرا بصورت آتش و شعلهای الوان و سودا و بخار
بصورت ابرها و غبارهای سیاه و ظلمات جلوه کند و همچنین اگر در بیداری فکری و خیالی
غالب گشته و تسلط یافته چون بخواب رود همان خیالها در نظرش متمثل گردد و این
قسم خواب را که بسبب غلبه اخلاط و بخارات و خیالات باشد اضغاث احلام گویند که

مثل مشت غار وخشک ابور و درهم رفتن لی اصل چنداست واعتباری وتعبیری ندارد وقسم اول
که از عالم ملائکه فایض میشود درست وحق باشد ومحتاج بتعبیر بود ونیز باید دانست که حادثات
عالم دنیا دو قسم است یکی آنکه در قضای الهی ثبوتش حتم وجزم شده که خلاف آن واقع نشود
شد واین بصورتی که احتمال غیر آن نداشته باشد متمثل گردد دوم آنکه بسبب مصلحتی
که وقوع وعدم وقوعش هیچکدام هنوز حتم نشده بلکه مترددست وهر دو احتمال درو میرود
واین قسم بصورتی که مثل خودش متردد ومحتمل باشد متمثل گردد وتوجه نفوس انسانی در حدوث
حوادث گاهی مدخلیتی دارد پس از تعبیر باید معبر عاقل ومهربان باشد تا صورت متردد را تعبیری
که خیر ومناسب باشد کند چون این جمله دانسته شد رجوع بذکر آداب نموده گوییم چون از خواب
بیدار شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَحْیَانِی بَعْدَ مَا اَمَاتَنِی وَاِلَیْهِ النُّشُورُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِاَحْمَدَهُ وَاَعْبُدَهُ وسجده کند که حضرت پیغمبر هرگاه از خواب بیدار نمیشده مگر
آنکه سجده میکرده وچون بعد از سجده بنشیند بگوید حَسْبِیَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ حَسْبِیَ الَّذِی
هُوَ حَسْبِی مُنْذُ کُنْتُ حَسْبِیَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ وحضرت امام جعفر علیه السلام هرگاه از خواب بیدار
میشد باواز بلند چنانکه همه اهل خانه میشنیدند میگفت اَللّٰهُمَّ اَعِنِّی عَلَی هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ
وَسِّعْ عَلَیَّ الْمَضْجَعَ وَارْزُقْنِی خَیْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِی خَیْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ وچون
نظر باطراف آسمان کند بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا یُوَارِی عَنْکَ لَیْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ
وَلَا اَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ لُجِّیٌّ تُدْلِجُ بَیْنَ
یَدَیِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِکَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ
وَنَامَتِ الْعُیُونُ وَاَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَا تَاْخُذُکَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِینَ

واله

وَآلِهِ الْمُسْلِمِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ
وَالنَّهَارِ تا اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ از سوره آل عمران وچون از تهیه نماز فارغ شود پس مصلای
خود آمده رو بقبله بنشیند واینها بخواند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام نصف شب که مردم در
خواب میبوده اند میخوانده اِلٰهِی غَارَتْ نُجُومُ سَمَائِکَ وَنَامَتْ عُیُونُ اَنَامِکَ وَهَدَأَتْ
اَصْوَاتُ عِبَادِکَ وَاَنْعَامِکَ وَغَلَّقَتِ الْمُلُوکُ عَلَیْهَا اَبْوَابَهَا وَطَافَ عَلَیْهَا حُرَّاسُهَا
وَاحْتَجَبُوا عَمَّنْ یَسْاَلُهُمْ حَاجَةً اَوْ یَنْتَجِعُ مِنْهُمْ فَائِدَةً وَاَنْتَ اِلٰهِی حَیٌّ قَیُّومٌ لَا تَاْخُذُکَ
سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ وَلَا یَشْغَلُکَ شَیْءٌ عَنْ شَیْءٍ اَبْوَابُ سَمٰوَاتِکَ لِمَنْ دَعَاکَ مُفَتَّحَاتٌ وَ
خَزَائِنُکَ غَیْرُ مُغْلَقَاتٍ وَاَبْوَابُ رَحْمَتِکَ غَیْرُ مَحْجُوبَاتٍ وَفَوَائِدُکَ لِمَنْ سَاَلَکَهَا
غَیْرُ مَحْظُورَاتٍ بَلْ هِیَ مَبْذُولَاتٌ وَاَنْتَ اِلٰهِی الْکَرِیمُ الَّذِی لَا تَرُدُّ سَائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ
سَاَلَکَ وَلَا تَحْتَجِبُ عَنْ اَحَدٍ مِنْهُمْ اَرَادَکَ وَعِزَّتِکَ وَجَلَالِکَ لَا تَخْتَزِلُ حَوَائِجُهُمْ
دُونَکَ وَلَا یَقْضِیهَا اَحَدٌ غَیْرُکَ اِلٰهِی وَقَدْ تَرَانِی وَوُقُوفِی وَذُلَّ مَقَامِی بَیْنَ یَدَیْکَ
وَتَعْلَمُ سَرِیرَتِی وَتَطَّلِعُ عَلَی مَا فِی قَلْبِی وَمَا یَصْلُحُ بِهِ اَمْرُ آخِرَتِی وَدُنْیَایَ اِلٰهِی اِنْ ذَکَرْتُ
الْمَوْتَ وَهَوْلَ الْمُطَّلَعِ وَالْوُقُوفَ بَیْنَ یَدَیْکَ نَغَّصَنِی مَطْعَمِی وَمَشْرَبِی وَاَغَصَّنِی
بِرِیقِی وَاَقْلَقَنِی عَنْ وِسَادِی وَمَنَعَنِی رُقَادِی وَکَیْفَ یَنَامُ مَنْ یَخَافُ بَیَاتَ مَلَکِ
الْمَوْتِ فِی طَوَارِقِ اللَّیْلِ وَطَوَارِقِ النَّهَارِ بَلْ کَیْفَ یَنَامُ الْعَاقِلُ وَمَلَکُ الْمَوْتِ
لَا یَنَامُ لَا بِاللَّیْلِ وَلَا بِالنَّهَارِ وَیَطْلُبُ قَبْضَ رُوحِهِ بِالْبَیَاتِ اَوْ فِی آنَاءِ السَّاعَاتِ
بعد از آن سجده میکرده وروی مبارک بخاک میگذاشته ومیگفته اَسْئَلُکَ الرَّوْحَ وَالرَّاحَةَ
عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عَنِّی حِینَ اَلْقَاکَ بعد از آن مشغول نماز وعبادات شود ودرس

پیش از صبح پیش از انکه کسی او را ببیند انگشتری عقیق داشته باشد نگینش را بکف دست بگرداند
پس انا انزلناه بخواند و بگوید امنت بالله وحده لا شریک له و امنت بسر ال محمد
و علانیتهم خدا تعالی آن روز او را تا شام در حفظ و حرز خویش دارد فصل نهم در اداب
بیرون رفتن از خانه و راه رفتن و سوار شدن و فضایل دواب و حقوق ایشان مرویست
از اهل بیت طاهرین ع که چون کسی خواهد از خانه بیرون رود بر در خانه بایستد و بگوید الله
اکبر الله اکبر الله اکبر بالله خرجت و بالله دخلت و علی الله توکلت و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و اله اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر
و اختم لی بخیر و قنی شر کل دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
در ضمان خدا باشد تا انکه مراجعت کند و هر گاه از خانه بیرون آید شیاطین بر سر راهش
ایستند پس اگر در وقت بیرون آمدن بخواند بسم الله امنت بالله توکلت علی الله و لا حول
و لا قوة الا بالله ملائکه شیاطین را برانند و دور کنند و گویند شما را برو دستی نیست که نام
خدا برده و باو ایمان آورده و توکل برو کرده و خود و کارهای خود را بحول و قوه او
سپرده پس شیاطین دور شوند و با یکدیگر گویند ما با او چه توانیم کرد که خدا کفایت مهماتش
نموده و محافظتش فرموده و اگر در وقت بیرون رفتن بخواند اعوذ بما عاذت
به ملائکة الله من شر هذا الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر
هذا الیوم نفسی و من شر غیری و من شر الشیطان و من شر من نصب لاولیاء الله
و من شر الجن و الانس و من شر السباع و الهوام و من شر رکوب المحارم کلها
اجیر نفسی بالله من کل شر خدا تعالی گناهانش را بیامرزد و توبه اش قبول فرماید و کفایت

مهماتش

مهماتش کند و از جمیع شرور و مکاره در پناه خودش دارد و مرویست که اگر چیزی از قدر سبقت
توانستی یافت این بود که در وقت بیرون رفتن از خانه در حضر و سفر انا انزلناه بخواند
که زود مراجعت نماید و اگر برای حاجتی و مطلبی بیرون رود صبح شنبه و صبح پنجشنبه بعد از
طلوع آفتاب بیرون رود که روایات متعدد وارد شده که این دو صبح برای حوائج مبارکست
و روز سه شنبه نیز روایات بسیار آمده که روز قضای حوائج و آسانی کارهاست و خدا
درین روز آهن را برای حضرت داود ع نرم کرد که زره ساخت و در وقت بیرون رفتن پنج
آیه از آخر آل عمران ان فی خلق السموات و الارض تا انک لا تخلف المیعاد و آیة الکرسی
و انا انزلناه و الحمد بخواند که حوائج دنیا و آخرت درین آیاتست و در راه رفتن زنان
از کنارهای راه بروند و میان جاده را برای مردان بگذارند و مردان از میان زنان نگذرند
و بر سر پل شیطانی ایستاده باشد پس چون بپل رسند بگویند بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان
الرجیم تا شیطان دور شود و اما فضایل و حقوق دواب و آداب سواری مرویست از
اهل بیت طاهرین ع که مرکب نگاه دارید که زینت بخشست و منافع و ثوابش از شماست و
عشر رزق با کسی است که مرکبی داشته باشد و هر کس مرکبی نگاه دارد که قضای حاجت خود
بان کند یا دفع دشمنی نماید هر روز یک سیئه ازو محو شود و شش حسنه ثبت گردد و اگر
اسب نجیب نگاه دارد که با آن جهاد کند و دفع اعدای دین نماید هر روز سیزده سیئه محو شود
و یازده حسنه ثبت گردد و اگر اسب غیر نجیب نگاه دارد هر روز ده سیئه محو شود و هفت
حسنه ثبت گردد و حضرت امام علی النقی ع از کسی پرسید که بچه مرکب سواری میکنی گفت
الاغی بسیزده دینار خریده ام فرمود این از جمله قبحست که الاغ را باین قیمت بگیری چرا

اسب نکر فتی گفت موئث است بهتر است فرمود کسی موئث الاغ میدهد موئث اسب
هم میتواند داد نمیدانی که کسی که منسوب بما باشد و اسبی نگاه دارد و منتظر فرج ما باشد و
اعدای ما را منکوب سازد خدا ثوابی عطا او را بزرگ [?] بفرستد و سینه اش را با ایمان صفا دهد و
آرزوهایش را بر آورد و معین ما اهل حق باشد و خیر از پیشانی اسب تا بیست نار و زقیامت
و هر کس در راه خدا اسب را نفقه دهد چنانست که دست بصدقه گشوده و هرگز باز نگیرد و
و مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه از یمن چهار اسب هدیه بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
آورده بود پرسید که اوصاف آنها را بیان نمای گفت یکی اشقر یعنی که رنگش اسب دست
با سفید فرمود آنرا برای من نگاه دار گفت دوم دیگر کمیت یعنی که رنگ سیاه دست و پا سفید
فرمود آنها را بدو پسر امام حسن و امام حسین علیهما السلام بده گفت یکی دیگر ادهم یعنی کبود بی
نشانست فرمود آنرا بفروش و نفقه عیال خود کن بعد از آن فرمود میمنت اسب در آنست
که نشانی غیر رنگ خود داشته باشد و نیز مرویست که هر کس اسب اشقر که در پیشانیش سفیدی
گشاده شد بهتر بود و دست و پایش نیز سفیدی نگاه دارد تا آن اسب در ملک او و در خانه او
باشد فقر و ظلم در آنخانه راه نیابد و نیز مرویست که دابه را بر صاحبش شش حق است اینکه
بر رویش چوب نزنند و داغ نکنند که روی دابه حمد و تسبیح خدا میکند و زیاده از قدر طاقت
زا نده و بار نکند و پشتش را مجلس نکند و صحبت ندارد و بار دار نگاه ندارد و در سفر چون
که بآب برسد آب بر او عرض کند و چون در منزل فرود آید اول تهیه آب و علوفه او کند و
با برگردنش نگذارد و هر دو پا از یکطرف ننماید و تکیه بر یکطرف نکند و بر پشتش خواب
نکند و چون رم کند نزنند که چیزی در نظر ایشان آید که در نظر انسان نیاید و اگر طفره زد

و سکندری خورد و بگوید بسم الله ده و دشنام ندهید که او گوید میان من و تو هر کدام معصیت
بیشتر کرده چنین بخورد و لعنتش نکند که خدا ایشان را و را لعنت کند و هر کس را بر کجی برد دعا کند که خدایا
مرا صاحبی مشفق مهربان عطا فرمای که مرا سیر و سیراب دارد و زیاده بر طاقتم بار نکند و مرویست که
در هر پی چهار یا شیطانی باشد چون خواهند لجامش کنند بسم الله بگویند و اگر در لجام کردن و
سوار شدن یا غیر آن سرکشی و جاپلتی کند این آیه در گوش راستش بخوانند أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ
وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ و نیز بگوید اللهم سخرها و
بارك فيها بحق محمد و آله ائمه از ایشان بخوانند و هر کس در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطانی
با او ردیف شود و گوید خوانندگی و غنا کن اگر گوید نمیدانم گوید آرزوهای باطل کن پس همیشه در
آرزوهای باطل باشد تا وقتیکه فرود آید و اگر وقت سوار شدن بگوید بسم الله و بالله لا حول و
لا قوة الا بالله الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله سبحان
الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين او و مرکبش هر دو محفوظ باشند تا آنکه فرود آید و اگر
ائمه از ایشان بخوانند بر مرکب سنگین تر از آهن باشد و بسلامت در کنار منزلش آورند و فرود آید و سوار
پیاده را نگوید راه بده که از خصال جور است و زنان بر زین سوار نشوند که زین بر ایشان ملعون است
و تیهیج زنا کنند و اگر چارپا اگر بر زد و کرد بگوید یا عباد الله احبسوا که ان شاء الله بایستد **فصل دوم** در
فضایل و آداب مکاسب و معاملات مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عبادت هفتاد جزو است
و افضل اجزایش طلب حلالست و هر کس طلب حلال کند تا از مردم مستغنی باشد و رعایت احوال
همسایگان کند روز قیامت رویش چون ماه شب چهارده باشد و هر کس از حرام حلال کسب کند و
تحصیل معیشت برای عیال خود سعی نماید اجرش عظیم است از کسی که در راه خدا جهاد کند و از جمله

سعادت مرد آنست که قیم عیال خود باشد و خدا تعالی تجارت داود را دوست میدارد و تو خوب بنده اگر
کسب کنی و از بیت المال معاش نکنی گفت خدایا کسب بنده اگر پس خدا تعالی آهن را برای او نرم کرد تا
زره میساخت و میفروخت تا آنکه مستغنی شد و خدا تعالی دشمن دارد آدم پرخواب بیکار را و نیز
مرویست که خدا تعالی روزی هر کس را از حلال قسمت کرده و مقرر فرموده نه از حرام پس هر کس صبر کند
و از حرام اجتناب نماید خدا تعالی رزق او را از حلال برساند و تا آنچه از برای او مقرر فرموده تمام بخورد
از دنیا نرود و اگر هتک حرمت الهی نماید و مرتکب حرام شود هر قدر از حرام تحصیل کند آنقدر از
حلال کم کنند و در قیامت مطالبه و مواخذه نمایند و امثال این اخبار در فضایل کسب حلال و
احتراز از حرام زیاده از آنست که درین مختصر گنجد و مرویست که نه جزو رزق در تجارتست و یک جزو
کارها و تجارت عقل زیاد کند و ترک آن دو ثلث عقل کم کند و زراعت کردن کیمیای اکبرست و
روز قیامت اهل زراعت نزدیکترین مردمند بخدا تعالی و مقام ایشان بهترین مقامهاست و بهترین
کارها زراعتست که انسان و حیوان منتفع و نیکان و بدان بهره برند اگر نیکان بخورند برای زارع
استغفار کنند و اگر بدان بخورند هر چه خورند ایشان را لعنت کنند و زارعان اهل توکلند که تخم
افشانند و توکل بر خدا کنند و منتظر فضل و رحمت او باشند اما آداب مکاسب و معاملات
مرویست که چون کسی خواهد تجارت کند اول مسایل و آداب آن را بیاموزد و حلال و حرام بشناسد
که ربا در معاملات خفی تر است از نقش پای مور در سنگ خاره و یک درهم ربا عظیمتر است از
هفتاد زنا که همه با خویشان محرم باشد و با تو کیسه معامله نباید کرد که دست را تا مرفق در دهن
اژدها کنی بهتر است از آنکه با تو کیسه معامله کنی و اول روز برای معاملات و حاجات مبارکست
خصوصا روز شنبه و پنجشنبه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرد و گفت خدایا صبح این دو روز را

بر امت مبارک گردان اما پیش از طلوع آفتاب مشغول کارهای دنیا نباید شد که آن ساعت عبادت و
ذکرست و جنود شیطان در اطراف برای اضلال انسان متفرق شده و چون کسی داخل بازار شود
بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت
بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر هزار هزار حسنه ثبت نمایند و هزار هزار سیئه محو کنند و هزار هزار
درجه بلند گردانند و اگر بگوید اشهد ان لا اله الا الله تا آخر چنانکه در فصل دخول مسجد گذشت اجر
یک حج و یک عمره و چون داخل دکان شود بگوید اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها
و اعوذ بک من شرها و شر اهلها خدا تعالی فرشته را موکل فرماید که در آن روز او را از شر بازار
و اهل بازار محافظت نماید و چون بنشیند بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک رزقا حلالا طیبا و اعوذ بک
من ان اظلم او اظلم و اعوذ بک من صفقة خاسرة و یمین کاذبة فرشته بر او موکل است که بگوید
بادا ترا که امروز در بین بازار هیچ کس را معامله بهتر از تو نباشد که حسنات او بتو داده و سیئات محو
کرده و نصیب تو مبارک و حلال بتو رسد و هر کس در بازار ذکر خدا کند و در معامله خدا را فراموش نکند
و از حکم او تجاوز ننماید بعدد هر انسان و حیوانی که در آن بازار باشد که آن را [illegible] شود و چون
متاعی بخرد دیگر بخرد سه مرتبه بگوید الله اکبر بعد از آن سه مرتبه بگوید اللهم انی اشتریته التمس فیه
من فضلک فصل علی محمد و آله فاجعل لی فیه فضلا اللهم انی اشتریته التمس فیه
من رزقک فاجعل لی فیه رزقا و در ثواب این کلمه نوشته اند که اگر انشاء الله از آن منتفع شود
و اگر بنده بخرد بگوید اللهم بارک لی فیه واجعله طویل العمر کثیر الرزق و اگر اراده خریدن
و اگر کند بگوید سه مرتبه اللهم ان کانت عظیمة البرکة فاضلة المنفعة میمونة الناصیة

فَيَسِّرْ لِي شِرَاءَهَا وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْنِي عَنْهَا إِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهَا فَإِنَّكَ تَعْلَمُ
وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ چون تخم در جانب چپ ایستد و بیفشاند
را با دست راست بگیرد و الحمد و قل هو الله و معوذتین لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره حشر و قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره بنی اسرائیل و آیة الکرسی بر آن بخواند که ان شاء الله از آفات ایمن گردد
و چون کسی خواهد زراعت کند اول یک مشت از آن تخم در دست بگیرد و رو بقبله ایستاده سه مرتبه
بگوید أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ بعد از آن سه مرتبه بگوید بل الله الزارع بعد از آن بگوید
اللهم اجعله حبا متراكبا وارزقنا فيه السلامة بعد از آن بیفشاند و هر کس زراعت کند باید در
افشاندن بهره از آن بنیت آن کند که بیفشاند بگوید سبحان الباعث الوارث هیچ یک از آن خطا نکند و از حضرت علیه السلام
مرویست که فرمود برادرم عیسی بشهری گذشت اهل آن شهر شکایت نمودند که میوه های ما را آفت کرم
میزند گفت سبب این است که شما چون درخت می نشانید اول در بیخ درخت خاک میریزید بعد از آن
آب میدهید چنین مکنید بلکه اول آب بریزید بعد از آن خاک چنین کردند از آن علت نجات یافتند
و اگر در مزرعه یا بستان بیم آفت کرم باشد این تعویذ را بر چهار پاره کاغذ بنویسند و در میان
چهار نی بگذارند و در چهار جانب مزرعه یا بستان جا دهند از مضرت جانوران ایمن شود
ان شاء الله ایتها الدودات والهوام والحیوانات اخرجوا من هذه الارض والزرع الی الخراب کما خرج ابن
متی من بطن الحوت وان لم تخرجوا ارسل علیکم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران اولم تر الی الذین خرجوا
من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا فماتوا اخرج منها فانک رجیم فخرج منها خائفا
یترقب سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا
عشیة او ضحیها فاخرجناهم من جنات وعیون وزروع ومقام کریم ونعمة کانوا فیها فاکهین فما بکت علیهم السماء

والارض

والارض وما کانوا منظرین یا خروج منها فهو ماء مدحورا فلنأتینهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم
صاغرون و از آفت کرم که بر میوه افتد این را بنوشته در کوزه آب بیندازند و در چهار جانب مزرعه بپاشند نافع است
و چون کسی صاحب غله و سایر ماکولات که عامه الناس در معاش آن محتاجند باشد نباید که جهت غلا
احتکار کند یعنی نگاه دارد با انتظار گرانی که اگر دزدی بکند بهتر از آنست که چهل روز احتکار کند و
روایت دیگر آمده که ملعونست کسی که در وقت ارزانی چهل روز و در تنگی و گرانی بیش از سه روز
احتکار کند

فصل یازدهم

در فضایل مرض و عیادت مریض و معالجات امراض اما فضایل مرض
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون مؤمن مریض شود ملائکه که موکلند بر نوشتن اعمال او به
آسمان روند خدای تعالی از ایشان سؤال فرماید که از این بنده من در ایام مرض چه نوشته اید گویند
شکایت فرماید انصاف نباشد که من بنده خود را مبتلا کنم پس از شکایت منعش نمایم هر چه از عبادات
و طاعات در ایام صحت برای او مینوشتید در ایام مرض نیز همه را بنویسید و در این ایام هیچ گناه
بر او ننویسید و تا آن مریض در فراش علیل است و ملائکه در میان جماعتی است که در راه
خدا شمشیر زنند پس چون صحت یابد اگر ترک معاصی کند و بخدای تعالی بازگشت نماید گناهانش آمرزیده شود
و اگر توبه نکند همان بر حالی باقی باشد وای بر او و بر احوالش و نیز مرویست که چون مومن
یک شب تب کند کفاره همه گناهانش شود و برابر است با یکسال عبادت و دو شب با دو سال
و سه شب با هفتاد سال و یک شب صداع همه خطاها را بریزد و نیز یک بار و یک شب بیخوابی بسبب مرضی
یا وجعی اجرش عظیم است از یکسال عبادت و خدای تعالی فرموده چون بنده مومن را بمرضی یا بلایی مبتلا
کنم و بعیادت کنندگان شکایت نکند هر یک از گوشت و پوست و خون و مویش را بدل نمایم به بهتر از آنکه
بود کرده باشد پس اگر شفایش دهم هیچ گناه بر او نگذارم و اگر قبض روحش کنم بجوار رحمت خود

الملك لله
بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

۱۳۰

بر او هر مؤمن که یک شبانه روز مریض شود و شکایت نکند با ابراهیم خلیل مبعوث شود و چون برق
لامع از صراط بگذرد و هر کس یک شب مریضی یا المی داشته باشد و آنرا شکر کند و قبول نماید یعنی شکایت
نکند شصت ساله عبادت برای او نویسند پرسیدند که حد شکایت کدامست حضرت امام علیه السلام فرمود
اینکه بگویی که بلیه یا آزاری کشیدم که هیچ کس نکشیده و اما اگر بگویی تب کردم و بیخوابی کشیدم
و مثل این و راست گویی شکایت نباشد و چون طفلی مریض شود کفاره گناهان والدینش باشد
و مستحب است که چون کسی را مرضی عارض شود دوستان را خبردار کند تا عیادتش کنند و اگر چنین
کند ده حسنه برای او نویسند و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند گردانند و اما فضایل و ثواب
و آداب عیادت مریض بسیست و از جمله آن مرویست که هر کس مؤمنی را عیادت کند داخل رحمت شود
و چون پیش او بنشیند رحمت او را فرو گیرد و چون مراجعت کند خدا تعالی هفتاد هزار ملک بر او
موکل گرداند که مشایعتش کنند و با او رفیق باشند تا آن ساعت از روز دیگر و برای او دعا
و استغفار نمایند و گویند خوش باشی و خوش باد ترا بهشت و مکانی در بهشت برای تو عطا فرماید
که چهل روز راه سواری باشد و در روایتی دیگر آمده که هفتاد هزار ملک موکل فرماید که بخانه اش
آیند و تا روز قیامت تسبیح و تقدیس کنند و تهلیل و تکبیر گویند و نصف عبادت ایشان برای
او ثبت شود و یک ملک موکل فرماید که او را در قبر عبادت کند و تا روز قیامت برای او
استغفار نماید و مستحب است که چون بعیادت مریض روند سیبی یا بهی و مجملا تحفه برای او
ببرند تا بآن تسلی یابد و شکفته شود و در پیش او بسیار توقف ننماید که مبادا بر او دشوار
باشد و هر کس بعیادت مریض رود و باین کلمات برای او دعا کند مگر اینکه البته شفا یابد اگر موتش
مقدر نشده باشد أَسْئَلُ اللهَ العَظِيمَ رَبَّ العَرْشِ العَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ و چون از پیش او برخیزد بگوید

کشف

كَشَفَ اللهُ ضُرَّكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَحَفِظَكَ فِي دِينِكَ وَبَدَنِكَ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِكَ و مریض
برای ایشان دعا کند که دعای مریض برای کسی که بعیادتش رفته مستجابست و هر کس یک شبانه روز
بیمارداری کند با ابراهیم علیه السلام مبعوث شود و چون برق از صراط بگذرد و هر کس در حاجتی برای
مریضی سعی کند خواه برآورده شود و خواه نه از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده کسی گفت
یا رسول الله اگر مریض اهل بیت آنکس باشد ثوابش عظیمتر باشد فرمود بلی و اما معالجات امراض که
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام دو قسم است یکی آنکه تأثیرش از راه توکل و انقطاع بخدا و
التجا بمحض لطف او و توسل بولایت و شفقت اهل بیت علیهم السلام و اثر طبیعت و مزاج را در آن
دخلی نیست و اگر در بعضی از آن اندک دخلی هم باشد بهمراهی اخلاص و یقین و التجا بحقیقت باشد
از این قسم معالجات البته منتفع شود چنانکه در زمان حضور خدمت ایشان علیهم السلام جمعی کثیر بالمشافهه
یا اندک واسطه ای شنیده و عمل نموده اند و در این زمان که بسبب وفور معاصی و شیوع شک
و غلبه حرص و تشویش و نیاد دلها اخلاص مشوب بشک و یقین مغشوش بشک گشته نادر باشد اگر
مؤمنی از روی خلوص و یقین دعایی کند یا معالجه عمل نماید و باثر اجابت و صحت مقرون یابد و صدق
آنچه گفته شد از مضامین بسیاری احادیث که ذکر آنها موجب اطناب و خروج از این باب است و
از انجمله حدیثیست که مذکور میشود و ظاهر دلالت است حضرت صادق علیه السلام فرمود روزی عیسی علیه السلام با یکی
از اصحابش بقصد تفرج راهی میرفتند چون بدریا رسیدند عیسی علیه السلام از روی یقین بسم الله گفت و بر روی
آب روان گشت آنمرد نیز از روی یقین بسم الله گفت و بر روی آب روان شد تا با آنحضرت
ملحق شد پس بخاطرش رسید که چه تفاوتست میان من و پیغمبر خدا ناگاه در آب فرو رفت حضرت عیسی علیه السلام
نگاه کرد و فرمود از آنچه بخاطرت رسید استغفار کن استغفار کرد و همان بر روی آب روان شد

قسم دوم انکه تاثیرش از راه مزاج و طبیعت است و این قسم لا محاله بحسب اختلاف امراض و امزجه
و اماکن و ازمنه مختلف بشود و از بسیاری مردم بسبب انکه فرق میان این دو قسم نکرده اند
ادویه را ادویه امراض مخالف و امزجه نامناسب استعمال کرده اند و موجب فساد و هلاک
گشته و باین سبب ما درین مقام اکتفا بذکر قسم اول نمائیم اما از نخبه که این رساله از شرف دوات
قسم دوم نباشد چند دوا از ان سیم بصفحه روایت نگاریم و عهده ملاحظه و موافقت و احتیاط

مجرب دوم

را بر ذمه کسی که معالجه کند کردانیم **قسم اول** و آن دو نوع است **نوع اول** صدقه و ادعیه مرویست
که بیماران خود را بصدقه معالجه کنید که صدقه و امراض و بلا یا را دفع کند و مستحب است
که بیمار بدست خود صدقه دهد و بسایل بگوید تا او را دعا کند که دعای سایل برای معطی مستجاب
و تفصیل فضایل صدقه انشاء الله بعد ازین بیاید و اما ادعیه و اذکار بسیار است بذکر شطری
از ان اختصار کنیم بجهه جمیع اوجاع و امراض بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ
رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ و دست بر ان موضع بگذارد و مرویست که هیچ کس با خلاص چنین نکند مگر انکه
شفا یابد انشاء الله بهر علت و وجع هفتاد مرتبه الحمد بخواند مرویست که اگر بر میت بخواند و روح
بیدنش رجوع کند عجب نباشد و مرضی که بالحمد شفا نیابد بهیچ چیز شفا نیابد انشاء الله بعد از نماز صبح
چهل مرتبه بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست بر ان موضع
بمالد راوی گوید مرا کوفتی عارض شد که اطبا از معالجه آن اعتراف بعجز نموده از مدا و ا مایوس
گشتند بمن نهایت حزن و اندوه کتابی برداشتم که مطالعه کنم در پشت کتاب این را دیدم
مروی از حضرت صادق علیه السلام چون نماز صبح گزاردم باین عمل نمودم هنوز نشسته بودم که آن علت

یافت و میترسیدم که مبادا باز عود کند سه روز صبر کردم و باین عمل مینمودم بعد از ان به خود یا
خبر کردم شکر نموده طبیب حاذق یهودی آورده حکایت قضیه با و نقل نمودم چون ملاحظه نمود همان
لحظه ایمان آورد **تب و بیماری** نبه پیراهن بگشاید و سر بیرون کریبان برده اذان و اقامت
بگوید و هفت مرتبه الحمد بخواند راوی گوید من تب داشتم چون چنین کردم گویا از بند رهائی یافتم
طریقه دیگر اول صبح پیش از انکه با کسی سخن گوید هفت مرتبه الحمد بخواند اگر صحت نیابد روز دیگر
هفتاد مرتبه بخواند حضرت صادق علیه السلام فرمود بعد از ان ضامن شفای اویم **طریقه دیگر** یکصاع گندم
که بوزن تبریز تخمیناً یک من است بگیرد و به پشت بخواند و گندم را روی سینه بریزد و بهر نحو که بخشد
بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ
لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَافِيَنِي
مِنْ عِلَّتِي پس راست بنشیند و گندم را از اطراف جمع کند و همین دعا بخواند پس چهار قسمت کند و بهر
دعا بخواند و بهر قسمی بمسکینی دهد راوی گوید چون چنین کردم گویا از بندی رهائی یافتم **طریقه دیگر**
بیمار دو رکعت نماز گزارد و در سجود بگوید اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً فَهَبْهُ لِي
هِبَةً جَدِيدَةً راوی گوید مرا بیماری شدید داشتم حضرت صادق علیه السلام بمن این عمل را تعلیم فرمود چون صباح شد بر پیسه در خانه نخته بودند با ایشان شراکت کردم و
طریقه در روایت دیگر چنین آمده که مردم آمده بودند که بر جنازه ام حاضر باشند حضرت صادق علیه السلام
بادم فرمود غسل کن و بر بام خانه در زیر آسمان دو رکعت نماز بگزار و بعد از نماز بگوی اللَّهُمَّ
إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئاً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَهُ مُبْتَدِئاً فَأَعِرْنِيهِ **طریقه دیگر** مادر بیمار
بر بالای بام رفته مقنعه از سر بردارد و موی سر باسمان گشوده سجده کند و بگوید اللَّهُمَّ أَنْتَ

أَعْطَیْتَنِیهِ وَأَنْتَ وَهَبْتَنِیهِ فَاجْعَلْ هِبَتَكَ الْیَوْمَ جَدِیدَةً إِنَّكَ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ
هنوز مریض نشسته که فوز ندش شفا یابد **طریقه دیگر** بیمار خود بگوید اللّٰهمّ ارحم جلدی الرقیق
وعظمی الدقیق واعوذ بك من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت امنت بالله و...
فلا تأکلی اللحم ولا تشربی الدم ولا تفوری من الفم وانتقلی الی من یزعم ان مع الله
الها آخر فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له وان محمدا عبده ورسوله
حضرت صادق علیه السلام فرمود هرگز با بیند عافیت پناه نبردم مگر که شفا یافتم و مستحب است که مریض در ایام مرض
مکرر بگوید لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی
لا یموت سبحان الله رب العباد والبلاد والحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل
حال والله اکبر کبیرا کبریاء ربنا وجلاله وقدرته بکل مکان اللّٰهمّ ان کنت امرضتنی
لقبض روحی فی مرضی هذا فاجعل روحی فی ارواح من سبقت لهم منك الحسنی **تب لرزه**
بر سه پاره کاغذ بنویسد و هر روز یکی را با گلاب شسته بنوشد هطك هطك هطك مهه شفاء
من الله العزیز الحکیم بحق الطا الطیط هل ترضی الطا الطیط هل ترضی اهطا الطیط
هل ترضی ایضاً بر مغز بادام بنویسد و هر روز سه عدد ناشتا بخورد در اول روز بر یکطرف بسم
و بر طرف دیگر سه بار بنویسد و روز دوم الرحمن بطرفی اسه بار طرف دیگر و روز سیوم الرحیم بر جانبی
ابه سه بار بر جانب دیگر ایضاً بر سه پاره کاغذ با قلم باریک چنانکه نتوان خواند بنویسد بسم الله ذی
العزة والکبریاء والنور و کاغذها را مدور بپیچد و هر روز یکی را ناشتا بخورد **تب غب** سه برگ از
درختی بگیرد و بروایت دیگر سه برگ از درخت توت بنام مریض بر یکی بنویسد طیسوما و بر دیگری
اوحوما و بر دیگری ابراسوما و در آب بیندازد **تب ربع** بر دست راستش بنویسد بسم الله جبرئیل و بر

دست

دست چپ بسم الله میکائیل و بر پای راست بسم الله اسرافیل و بر پای چپ بسم الله لا یرون فیها شمسا
ولا زمهریرا و در میان هر دو کتف بسم الله العزیز الجبار **طریقه دیگر** بر کاغذی بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
ابجد هوز حطی عن فلان بن فلانه باذن الله و بر پای آن کاغذ هفت مرتبه بنویسد خاتم سلیمان ع
کاغذ را بر هم بپیچد و بعد از آن ریسمانی که آب نکشیده باشد نه پیچ یک نه به بار گره بر آن زند پس بجانب
راستش چهار گره و بر جانب چپ سه گره زند و در وقت گره زدن ... هر گره الحمد و معوذتین
و قل هو الله و آیة الکرسی بخواند و بر بازوی راست بندد و آیة الکرسی بخوانند و با آن جماع نکنند
وجع در هر عضو که باشد بگوید بسم الله و دست بر آن عضو بمالد بعد از آن هفت مرتبه بگوید اعوذ
بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله
واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی
درد سر و درد گوش دست بر آن گذارد و بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی السموات و
ما فی الارض وهو السمیع العلیم **درد شقیقه** دست بر آن جانب گذاشته بگوید سه مرتبه یا ظاهرا
موجودا و یا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدك الضعیف ایادیك الجمیلة واذهب عنه
ما به من اذی انك رحیم قدیر **درد چشم** باعتقاد شفا آیة الکرسی بخواند شفا یابد ایضاً
آیة نور را با آیه وان یکاد را با تربت حضرت امام حسین علیه السلام و آب زمزم بر جامی بنویسد و جام را بشوید
و در شیشه کند و با میل در چشم و ایضاً از بعضی صلحا منقول است که در خواب کسی با و گفت که بگوی
اعیذ نور بصری بنور الله الذی لا یطفی و دست بر چشم مال و آیة الکرسی بخوان چنین کرد شفا
یافت و مکرر تجربه نیز کرده اند **سنگینی گوش** دست بر گوش گذارد و بگوید لو انزلنا هذا القرآن
تا آخر سوره حشر **درد دندان** انگشت سبابه بر آن گذارد و بگوید بسم الله وبالله اسئلك

بعزتك وجلالك وقدرتك على كل شيء ان مريم لم تلد غير عيسى روحك و
كلمتك ان تكشف ما يلقى فلان بن فلانة من الضر كله خون از بینی و از هر عضو که آید بکوید
بسم الله الرحمن الرحيم ما قطعتم من لينة او تركتموها قائمة على اصولها فباذن الله
وليخزي الفاسقين و بر موضع بدمد درد دهن دست بر آن کذارد و بکوید بسم الله
الرحمن الرحيم بسم الله الذي لا يضر مع اسمه داء اعوذ بكلمات الله التي لا يضر معها
شيء قدوس قدوس قدوس اسألك يا رب باسمك الطاهر المقدس المبارك
الذي من سألك به اعطيته ومن دعاك به اجبته اسألك يا الله يا الله يا الله ان تصلي
على محمد النبي واهل بيته وان تعافيني مما اجد في فمي وفي راسي وفي سمعي وفي بصري و
في بطني وفي ظهري وفي يدي وفي رجلي وفي جوارحي كلها از رقت این دعا حسین مغموم مشود
که از برای درد هر عضو توان خواند درد دل و سینه این دعا را بر آب خوانند و بیاشامد لئن
انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين سيهزم الجمع ويولون الدبر بل الساعة
موعدهم والساعة ادهى وامر ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن
زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا درد شکم قدری آب
کرم بیاشامد بعد از آن بکوید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا اله
الالهة يا ملك الملوك يا سيد السادات اشفني بشفائك من كل داء وسقم
فاني عبدك وابن عبدك اتقلب في قبضتك درد نبکاه دست بر آن بالد و سه مرتبه بکوید
اعوذ بعزة الله وقدرته على ما يشاء من شر ما اجد الحیض دست بالد و سه مرتبه بکوید
بسم الله وبالله محمد رسول الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم

عجی

عني ما اجد في حاضري درد پشت دست بر آن کذارد و بکوید وما كان لنفس ان تموت
الا باذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها وسنجزي الشاكرين و هفت
مرتبه انا انزلناه بخوانند درد ناف دست بر آن کذارد و سه مرتبه بکوید وانه لكتاب عزيز
لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد درد ران در آب
کرم بنشیند و دست بر موضع درد کذاشته بکوید اولم ير الذين كفروا ان السموات و
الارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون درد
فرج دست بر آن کذارد و بکوید سه مرتبه بسم الله وبالله بلى من اسلم وجهه لله وهو
محسن فله اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون اللهم اني اسلمت وجهي اليك
وفوضت امري اليك لا ملجا ولا منجا الا اليك درد مثانه وقت حمام ابدان سه مرتبه بکوید
بدان شو و کبریته بکوید الم تعلم ان الله له ملك السموات والارض وما لكم من دون
الله من ولي ولا نصير نفخ شکم بکوید بسم الله الذي اتخذ ابرهيم خليلا وكلم موسى
تكليما وبعث محمدا بالحق نبيا بعد از آن صد بار بکوید یا ریح اخرج باذن الله ذحیر
بعد از نماز شب بکوید اللهم ما كان من خير فمنك لا حمد لي فيه وما كان من سوء فقد
حذرتنيه لا عذر لي فيه اللهم اني اعوذ بك ان اتكل على ما لا حمد لي فيه وامن
ما لا عذر لي فيه بواسیر بکوید یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا باری یا راحم
صل على محمد وآله واردد علي نعمتك واكفني ازوجعي طریقه دیکر سوره یس با عسل بنویسد
و بشوید و بیاشامد سنک مثانه و فالج در سجده نماز شب بکوید اللهم اني ادعوك دعاء الذ
ليل الفقير العليل ادعوك دعاء من اشتدت فاقته وقلت حيلته وضعف

محو بااین دعا در ابنویسد
بر کاغذ و فرو برد که السلام
و مار را و ابد مسو
اااح ط ام ام

عمله والح علیه البلاء **فالج و قولنج و بادهای مفاصل** بحمد وفضل سوا الله و معوذتین
بران بخواند بعد از ان بر استخوان شانه یا بر لوحی بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم و بعزة الله التی
لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر ما احد منه و با آب
باران بشوید و ناشتا بیاشامد و بخواند **سپرز** سه مرتبه سوره اذا جاء الفراءة و سه مرتبه
این آیه ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا
ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون بر کف دستهای صاحب سپرز بخواند و هر
دو دست را هفت مرتبه بر سرش بمالد **طریقه دیگر** روز چهارشنبه آخر ماه پیش از طلوع آفتاب
بنویسد و بر بازوی چپ بندد و بعد از سه روز بگشاید و در آب روان اندازد و اگر نشود
چهارشنبه دیگر چنین کند ان شاء الله شفا یابد الم الم المص الر الر الر المر الر الر حم حمعسق
حم حم حم کهیعص طه طسم طس طسم الر الر الر الر یس ص ق ن ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
کان حلیما غفورا ووضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه الحما
الطحال ارجع الی الموضع بحرمة محمد وآل محمد صلی الله علیهم

ع ح ط ع	ط ط ه س	[illegible]
ع ح ط ع	ط ط ه س	[illegible]
س س ط ط	ه ه ه و	[illegible]
س س ط ط	ه ه ه و	[illegible]

پیچ شکم سه مرتبه بر آب بخواند یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و آب را بیاشامد و دست بر شکم بمالد **طریقه دیگر** هفت
مرتبه بر آب بخواند بسم الله المتعلمون الذین لا یعلمون فاعتقد تخوف علیهن
یاکلون نور الطریا یسئلون صاحبهم من النور العلوی کذلک یشفی فلان بن فلانه

بعد از ان

بعد از ان روغن بران آب بریزند و چون ممزوج شود بر شکم بمالد و بیاشامد **حبس البول**
هر دو پا را بشوید و بر ساق چپ بنویسد ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر تا لمس کال کهره **شوای**
بول بگوید ربنا الله الذی فی السماء تقدس اللهم اسمک فی السماء والارض اللهم
کما رحمتک فی السماء اجعل رحمتک فی الارض اغفر لنا حوبنا وخطایانا انت رب
المتطیبین انزل رحمة من رحمتک وشفاء من شفائک علی هذا الوجع فلیبرأ
درد زانو بعد از نماز بگوید یا اجود من اعطی ویا خیر من سئل یا ارحم من استرحم ارحم
ضعفی وقلة حیلتی واعفنی من وجعی **درد ساق** هفت مرتبه بران بخواند اتل ما اوحی
الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا **درد سر** بران
بخواند انا فتحنا عزیزا حکیما **درد پای و کف پا** دست بران گذارد و جائی که احساس الم کند بگوید
بسم الله وبالله وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیامة و
السموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون **ورم** در هر جایی بدن که باشد
چون برای نماز فریضه وضو کند پیش از نماز و بعد از نماز بران بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر
سوره حشر **عرق النسا** دست بران گذارد و بگوید بسم الله وبالله اعوذ باسم الله الکبیر
واعوذ باسم الله العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار **سل** سه مرتبه بگوید
یا الله یا رب الارباب و یا سید السادات و یا اله الالهة و یا ملک الملوک و
یا جبار السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدک اتقلب
فی قبضتک وناصیتی بیدک **خنازیر** بعد از هر نماز در سجده بگوید یا رئوف یا رحیم یا
ربی یا سیدی صل علی محمد وآل محمد وعافنی من علتی **برص** دو رکعت نماز گزارد

وبعد از ان بکوید یا الله یا رحمن یا رحیم یا سامع الاصوات یا معطی الخیرات اعطنی خیر
الدنیا والاخرة وقنی شر الدنیا والاخرة واذهب عنی ما اجد فقد غاظنی واحزنني

طریقه دیکر سوره یس با عسل بر جامی نوشته وشسته با شامد دفع جراحت چون بجامه خواب رود
بکوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر
کل ذی شر جوششی انکشت ستابه بر ان بکذارد و بر دور ان بکرداند و هفت مرتبه بکوید
لا اله الا الله الحلیم الکریم و هر مرتبه اخر انکشت را بران بیفشرد بوک یکپاره نمک بر دوشته بران
بالد و سه مرتبه بران بخواند ولو انزلنا هذا القران تا اخر و نکرار و تنوری بیندازد و بسرعت بر
کردد طریقه دیکر چون ماه در تحت الشعاع باشد هفت دانه جو بردارد و بر هر دانه هفت مرتبه بخواند
اذا وقعت الواقعة تا هباء منبثا و این ایه ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا
فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا بعد از ان یکیک از ان جوها را
بران دانها مالد پس در پارچه نوی بسته بر سنک بندد و در چاه او بجا زانداز و راوی
کوید چنین کردم روز هفتم یا هشتم مرض کف دست شده بود وجع الحمد و معوذتین بر
قدح اب بخوانند و بر سر و روی مصروع بپاشند طریقه دیکر بمصروع بخوانند عزمت علیک
یا ریح بعزیمة التی عزم بها علی بن ابی طالب ورسول الله صلی الله علیه واله علی
جن وادی الصفراء فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن
فلان عرق مدنی که بفارسی رشته کویند بشیم شتر را با ینکه معراض کنند یا برند بلکه از بن
بجنند و ریسمانی تابیده هفت کره بران زنند و بر هر کره سه مرتبه الحمد بخوانند بعد از ان سه
مرتبه ایذا عار العکس بخوانند بسم الله الابد المحصی العدد القریب لما بعد الطاهر عن

الولد

العالی عن ان لولد المنجز لما وعد العزیز بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد ولم یولد ولم
یکن له کفوا احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والخفیة یا من السموات بقدرته مرجاة
یا من الارض بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة یا من تجری به صاحب العرق من کل
افة وبلیة صل علی محمد واله خیر خلقک واشف اللهم فلان بن فلانه بشفائک وداوه
بدوائک وعافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء وانت ارحم الراحمین وصلی الله
علی محمد النبی واله طریقه دیکر چون شروع بجماع کند و عضو زبر دون باشد بدست بران بنویسد
یسئلونک عن الجبال تا ولا امتا چنانکه قبل از این کذشت و صبر بران مالد غلبه بول در خواب در جام
نوی با زعفران بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم و این ایه را مکرر بنویسد انقدر که جام پر شود و ان اندک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا پس اب بر
شوید و نکاهدارد و بعد از ان بر پارچه پوستی یا براد بنویسد همین ایه را و الحمد و سه مرتبه قل هو الله
و معوذتین و ایة الکرسی و لو انزلنا هذا القران علی جبل تا اخر سوره حشر و قل ادعوا الله و ادعوا الرحمن
تا اخر بعد از ان بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک تا اخر ایه پس بنویسد یا محکما ولا محکم غیره
امسک عن فلان بن فلانه ما یجده من غلبة البول پس اکر مرد باشد این تعویذ را بر پشت ناف او ببندد و بر ذکر او
ببندد و اکر زن باشد بر زانویش پس قدری زعفران و دو برابر ان شهد هر یکرا جدا بکوبد و شهد را
از موم صاف کند و هر دو را با هم با عسل بموم معجون ساخته کلوله با بسازد و در وقت خواب
یک کلوله از ان معجون و قدری از ان اب بنوشد و در این ایام اب کمتر بخورد و چون علت
زایل شود تعویذ را بکشاید که حبس البول نشود اب که این شکل [illegible] بنویسد و بر بازوی او
ببندد و اکر بیرون نیاید بجز نیاید و اکر امده باشد زیاده از ان نیاید صاحب امراض در زیر اسمان که

که سقف نباشد و ستاره دشته بگوید اللهم انک عیرت اقواما فی کتابک فقلت
قل ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلا فیا من
لا یملک کشف ضری عنکم ولا تحویلا فیا من لا یملک کشف ضری ولا تحویله عنی
احد غیره صل علی محمد وال محمد واکشف ضری وحوله الی من یدعو معک الها
اخر فانی اشهد ان لا اله غیرک گزیده جانور هفت مرتبه بخوانند و حضرت پیغمبر صلعم از
عقرب گزیدند چون از نماز فارغ شد عقرب را لعن کرد و فرمود در نماز و غیر نماز کسی را نمیگذارد
پس نمک بران مالید و قل یا ایها الکافرون و معوذتین بران خواند **سوخته** بگیر کوبان خوش
کنند و بران عضو بگوید اذهب الباس رب الناس اشف انت الشافی لا شافی الا انت **نسیان**
بخوانند اینه عامه اوست نماید و در روایت دیگر آمده که با عسل سفید پاک بر قدحی پاک بنویسد و با
آب باران بشوید اگر بر زمین نرسد بنوشید و سه روز ناشتا باشد مدد ابتعالی حفظ و اک
وعلم عطا فرماید اللهم انی اسئلک ولم یسئل العباد مثلک اسئلک بحق محمد نبیک
ورسولک وابرهیم خلیلک وصفیک وموسی کلیمک ونجیک وعیسی کلمتک
وروحک وبصحف ابرهیم وتوریة موسی وزبور داود وانجیل عیسی وقران محمد
صلی الله علیه واله وبکل وحی اوحیته وقضاء امضیته وحق قضیته وغنی
اغنیته وضال هدیته وسائل اعطیته واسئلک باسمک الذی وضعته علی
اللیل فاظلم وباسمک الذی وضعته علی النهار فاستنار وباسمک الذی
وضعته علی الارض فاستقرت ودعمت به السموات فاستقلت ووضعته علی
الجبال فرست وباسمک الذی تبثت به الارزاق واسئلک باسمک الذی تحیی

به الموتی واسئلک باسمک الذی دعاک به عبادک الذین استجبت لهم دعاءهم
وانبیاؤک فغفرت لهم ورحمتهم واسئلک بکل اسم انزلته فی کتبک وباسمک
الذی استقر به عرشک وباسمک الواحد الاحد الفرد الوتر المتعال الذی ملأ
الارکان کلها الطاهر الطهر المبارک المقدس الحی القیوم نور السموات والارض
الرحمن الرحیم الکبیر المتعال وکتابک المنزل بالحق وکلماتک التامات ونورک
التام وبعظمتک وارکانک واسئلک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة
من کتابک ان تصلی علی محمد وال محمد وان ترزقنی حفظ القران واصناف العلم
وان تثبتها فی قلبی وسمعی وبصری وان تخالط بها لحمی ودمی وعظامی ومخی و
تستعمل بها لیلی ونهاری برحمتک وقدرتک فانه لا حول ولا قوة الا بک یا حی
یا قیوم **طریقه دیگر** بجهت قوه حافظه و زوال نسیان در نافله صبح بخوانند ربنا لا تواخذنا تا تمام
سوره بقره مواظبت نماید بعد از ان بگوید اللهم لا تنسنی ما اقرأتنی بوحی هذا فانک
قلت سنقرئک فلا تنسی **طریقه دیگر** بعد از هر نماز بگوید سبحان من لا یعتدی علی
اهل مملکته سبحان من لا یواخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف
الرحیم اللهم اجعل فی قلبی نورا وبصرا وفهما وعلما انک علی کل شیء قدیر
طریقه دیگر در روز بعد از نماز صبح پیش از انکه با کسی حرف زند بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت شیأ
علم و لا یبوده **نوع دوم** از قسم اول ادویه که عمده تاثیرشان نه از جهت مزاج و طبیعت
اگر چه در بعضی از ان اثر مزاج نیز مدخلیتی داشته باشد از انجمله چند دوا ذکر کنیم **اول** تربت
مقدس و مطهر کربلا است حضرت امام حسین علیه السلام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این تربت

مقدس دوای اکبر است و هیچ مرضی نکند و مگر آنکه آن را دفع کند و دوای هر علت میشود از هر خوف است کسی آنحضرت
امام جعفر علیه السلام پرسید که بعضی مردم ازین تربت منتفع میشوند و بعضی منتفع نمیشوند فرمود والله که هیچ کس باعتقاد
شفا اینکه مراد استشفا باین تربت داور استشفا میبرد تناول آن نکرد الا البته شفا یابد دیگری بخدمت آنحضرت صلی الله علیه
معروض داشت که از شما شنیده ام که تربت مبارکه را هیچ علتی نکند و مگر که او هضم و تحلیل کند فرمود بلی چنین
گفت من تناول کردم و منتفع نگشتم فرمود این تربت دعائی دارد و اگر آن را نخوانده توانده بود که از تربت نکند چون آن
تربت مقدس را برداری بگوی اللهم انی اسئلک بحق الملک الذی قبضها واسئلک بحق النبی الذی
خزنها واسئلک بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعله شفاء
من کل داء وامانا من کل خوف وحفظا من کل سوء پس آن را بر چشم بنه و انار از آن بران بخوان
و چون خواهی تناول نمائی اول بوسه کن و بر هر دو چشم بگذار و بیش از قدر یک نخود تناول نکنی که هر کس بیش
از یک نخود بخورد چنانست که از گوشت و خون ما خورده باشد و روایت دیگر آمده که اگر کسی بقصد دو نخود
چنانست که از گوشت و خون ما بخورد و ایضا دیگری روایت کند که مرا بخدمت امام محمد باقر علیه السلام حاجت که دو
از دو علت که هر یک ضد دیگری بود و هر گاه که معالجه میکردم به یکی مضر بود بر دیگری فرمود چرا از تربت حضرت امام
حسین علیه السلام چیزی نخوری گفتم خوردم و نفع نیافتم چون این سخن گفتم اثر غضب آنحضرت مشاهده کردم گفتم اعوذ بالله من
غضبک یا ابن رسول الله پس آنحضرت برخاسته بخانه رفت و بقدر نخودی از تربت مقدس آورده بمن
داد و فرمود بخور چون خوردم همانساعت شفا یافتم و فرمود این همانست که گفتی بسیار خوردم و شفا
نیافتم پس من گفتم یا مولای بخدا قسم که هرگز دروغ نگفتم لیکن اگر شما را از آن علمی هست اکرام احسان فرمائی دوست
دارم از هر جا افتاب بر آن تابد فرمود و چون خواهی تربت مقدس را برداری باید که در آخر شب غسل کنی و
جامه پاک پوشیده بوی خوش بکار بری پس ببوسه مبارک آنحضرت سوی در بالای سر مبارک چهار رکعت

نماز

نماز گزاری و در رکعت اول بعد از الحمد یازده بار قل یا ایها الکافرون و در دوم یکبار انا
انزلناه و این قنوت بخوان لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة ورقا لا اله
الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده سبحان الله
رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وسبحان الله رب العرش العظیم
وصلی الله علی محمد واله وسلم تسلیما وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
پس دو رکعت اتمام کن و سلام بده و دو رکعت دیگر بگزار در اول بعد از الحمد یازده مرتبه قل
هو الله و در دوم یازده مرتبه اذا جاء نصر الله و همان قنوت را بخوان و چون سلام دهی سجده کن و هزار
مرتبه بگوی شکرا لله پس برخیز و دستها را بر تربت مقدس گذاشته بگوی یا مولای
یا ابن رسول الله انی اخذ من تربتک باذنک اللهم اجعلها شفاء من کل داء
وعزا من کل ذل وامانا من کل خوف وغنی من کل فقر لی ولجمیع اخوانی المومنین
پس سه مرتبه بر تربت بسم الله بخوان از آن تربت بردار و در خرقه پاک ببند یا در شیشه کن و سر آن را
بخاتمی که نگینش عقیق باشد و این کلمات بر آن نقش باشد ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله مهر کن
و چون خدا استحاله بر آنکه نیت تو صادق است مجموع آن تربت را که برداشته هفت مثقال باشد نه
زیاده و نه کم و چون چنین برداری شفای جمیع امراض است و روایت دیگر شده که اگر این کلمات را
با تربت بر کاسه بنویسند و با گلاب یا غیر آن شسته بیاشامد باذن الله تعالی شفا یابد اگر چه شروط را
بعمل نیاورده باشد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمومنین و در وقت تربت خوردن بگوی بسم الله وبالله اللهم رب

124

هذه التربة المبارکة الطاهرة و رب النور الذی انزل فیه و رب الجسد الذی سکن
فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله لی شفاء من داء کذا و آن علت را نام برد و چیزی
آب بر سر آن بپاشد و بگوید اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل
داء و سقم که خدا ببرکت آن تربت هر علت و الم و غمی و همی را دفع نماید و در روایت دیگر آمده
که این دعا را سه مرتبه بخوانند و بر تربت بدمند و در آن ترکند بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقا
واسعا و علما نافعا و شفاء من کل آفة انک علی کل شیء قدیر **دوم** همین تربت مقدس
و قدری زعفران و قدری عسل با آب باران معجون ساخته در امراض حاد و اخذ نماید **سیوم**
هفت حبه از همین تربت مبارک که هر حبه بقدر عدسی باشد و هفت دانه سیاه دانه و هفت
قطره عسل همه را در آب باران حل کنند و الحمد و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی و اول سوره
حدید تا رجع الامور و لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بر آن بخوانند و استعمال نمایند
چهارم آب نیسان روایت از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود شما را دوائی بیاموزم که با وجود آن
محتاج باطبا نشوید پس حضرت امیر المؤمنین صلعم و جمعی دیگر از صحابه پرسیدند که آن کدام است فرمود
آب باران نیسان بگیرید و بر آن بخوانید الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و هر یکی از معوذتین و
قل یا ایها الکافرون هر یکی را هفتاد مرتبه و بروایت دیگر انا انزلناه و الله اکبر و لا اله الا الله
و صلوات بر حضرت پیغمبر و آلش صلی الله علیهم نیز هر یکی هفتاد مرتبه و هفت روز پی در پی صبح
شام از آن آب بیاشامد که بآن خدایی که مرا بحق بخلق فرستاده که جبرئیل گفت از جناب
الهی که هر علت و مرضی که در جمیع گوشت و استخوان اعضای او باشد بیرون رود و شفا یابد و اگر در لوح المحفوظ
نام او علتی ثبت باشد محو شود و اگر فرزند نشود بشود و اگر مرد عقیم باشد و اگر زن عقیم باشد عافیت

یابد و اگر زن بقصد پسر بخورد پسر آورد و دوای جمیع امراضست و هر عضوی که بآن مسح کنی قوی
مثل و دیوانگی و امانست از همه مکاره و از نزول آب سیاه بچشم و از وساوس جن
و شیاطین و دلش پر نور و روشن گردد و الهام الهی در دلش راه یابد و حکمت از دل
بر زبانش جاری شود و هزار رحمت و هزار مغفرت بر او نوشته و غش و حسد و خیانت و غیبت و کبر و بخل
و حرص و غضب و عداوت و ظلم از دلش برود **پنجم** آب باران هر باران که باشد پیش از آنکه بزمین رسد
بگیرند و الحمد و توحید و معوذتین هر یکی را هفتاد مرتبه بر آن بخوانند و یک قدح صبح و یکی شام بیاشامند حضرت
پیغمبر صلعم فرموده بخدائی که مرا بنبوت اختیار کرده که برای هر علت و المی که بیاشامند از آن از بدن
و عروق بیرون برد و فضایل آب میزاب و فرات و زمزم و آب نیل و کرم قبل از این گذشت **قسم دوم**
ادویه که تأثیرشان از جهت مزاج و طبیعت است و بحسب اختلاف امزجه و بلاد و فصول البته مختلف شود
پس در استعمال آنها ملاحظه مناسبت باید نمود تا موذی بعضا و مضرت نشود و از آنجمله چند دوا ذکر
کنیم **اول** سنا مرویست که اگر چیزی دفع مرگ تواند کرد سنا باشد و اگر مردم بدانند که چه منفعت است در او
یک مثقال از آن با دو مثقال طلا بخرند و امانست از بهق و برص و جذام و جنون و فالج و لقوه سنا و مویز
سرخ بی دانه و هلیله زرد و سیاه و کابلی اجزای مساوی معجون ساخته مقدار سه درم ناشتا و سه درم
وقت خواب تناول کنند **دوم** برای قطور نا اگر صاحب تب مقدار دو درم در شب تناول کنند در آن
کوفت از مرض جذام ایمن باشد **سیوم** سیاه دانه مرویست که دوای هر علت است مگر مرگ او را پرسیدند
که چون استعمال کنیم فرمود در شب بیست و یک دانه در پارچه بسته در آب بخیسانند روز اول در هر
سوراخ دماغ یک قطره بچکان و در روز دوم در جانب راست دو قطره و در چپ یک قطره و در روز
سیوم در راست یکقطره و در چپ دو قطره **چهارم** اطریفل مرویست از حضرت صادق صلعم که

موسی بن عمران عم از رطوبت و بلغم بخدا اینطلع شکایت کرد فرمود هلیله و بلیله و آمله اجزای دیگر
گرفته با روغن گاو چرب کن و با عسل معجون ساز و استعمال نمای پس حضرت صادق عم فرمود
این همان معجونست که شما اطریفل صغیر میگوئید شفای هر علتست مگر موت پنجم کسی از تب ربع
شکایت کرد حضرت امام جعفر عم فرمود قدری قند در آب صاف کرده ریزد و بهمین نا خوب
شربت شود و صبح و شام بیاشامد ششم عسل مرویست که عسل دوای هر گونه قستیست و اگر کسی
هر ماه یکمرتبه عسل بخورد از همه امراض ایمن باشد هفتم کسیکه عطسه بسیار کند روغن مرزنجوش در دماغ
بچکاند تخفیف یابد و مرویست که عطسه و زکام را معالجه مکنید که امانست از جذام و از بادی که در
رو بهم رود و نزول آب و موی زاید در چشم و سده دماغ و نیز مرویست که هر کس را رگی از جذام در
و رگی از برص در بدن باشد چون رگ جذام بهیجان آید خدا اینطلع زکام را بر او مسلط کرده تا
ماده جذام دفع شود و چون رگ برص بهیجان آید دمل را بر او مسلط کرده تا ماده برص را دفع کند پس
چون زکام یا دمل بهم رسد خدا را حمد کنید هشتم صبر سقوطری و مر و کافور ریاحی مساوی هم
کوفته و از حریر بیخته مثل سرمه در چشم کشند رمد و درد چشم و ضعف باصره را نافع باشد و در روایت دیگر
همین صبر و مر مذکور است بی کافور و فرموده اگر ماهی یکمرتبه در چشم کشند همه امراض را از سر دفع
نماید نهم مرویست از حضرت امیرالمومنین صلوات علیه که زعفران و سعد از هر یک قدری با عسل معجون
ساخته هر روز دو مثقال تناول کنند از شدت حافظه بهم آن شود که ساحر باشد دهم حجامت
و فصد مرویست که چون آثار زیادی خون ظاهر شود خون از بدن بیرون کنید که گاه باشد
که غافل طغیان کند و موادی بهلاک شود و نیز مرویست که مردم بهیچ چیز مداوا نکنند بهتر از یک حجامت
خون یا نگیر انگشت عسل و حضرت صادق عم فرمود که حجامت سر دوای هر مرضیست مگر موت

پس از پیشانی ابروی خود و جبکر ده تا بجای که ابهام رسید فرمود اینموضع را حجامت کنید و
چون حجامت کنند باید چیزی خورده باشند که خون در موضع حجامت جمع شود و کوفت و الم
از بدن بیرون رود و اگر چیزی نخورده حجامت کنند خون برود و کوفت بماند و بعد از حجامت
قند بخورند که خون تازه از آن متولد شود و حجامت روز شنبه و شب یکشنبه و عصر روز یکشنبه
و عصر روز دوشنبه نافع تر است و مرویست که روز یکشنبه شفای هر علتست و پنجشنبه پیش
از زوال حجامت کنند که خون در موضع حجامت جمع شود و متفرق و پنجشنبه آخر ماه کوفت را
از بیخ بر اندازد و مرویست که روز شنبه اگر حجامت کنند خون نایستد تا آنکه بمیرد و یا بجذام مبتلا
خواهد شود و روز چهارشنبه حجامت مورث برص باشد و روایت دیگر آمده که این برای کسیست
که مادر ایام حیض بو حامله شده باشد و روز جمعه وقت زوال اگر حجامت کند و بعلتی مبتلا شود
غیر خود کسی را ملامت نکند و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که از اول ماه تا نصف از حجامت احتراز
کنید که هر روز مورث علتی و مرضی باشد و از روز شانزدهم تا آخر ماه حجامت کنید که هر روز شفای
و منفعتی باشد مگر چهارشنبه و شنبه که مورث حجامت و در روایت دیگر آمده که اگر حجامت در روز
شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه اتفاق افتد دوای امراض باشد تا یکسال و
نیز مرویست که آیة الکرسی بخوانید و بهره و نخواهید حجامت کنید که ضرر نکند و مرویست که چون
طفل چهار ماهه شود در هر ماه یکمرتبه حجامت کنید که برای صحت بهتر است و فصد نیز در اکثر احکام
ظاهر مثل حجامتست و چون حجامت کنند و خون بیرون آید هنوز فارغ نشده بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء که از فقر و زنا و از هر
مرضی ایمن شود و این بود اندکی از ادویه طبیعیه که در احادیث مذکور است و بسیار اغذیه و ادویه دیگر

نیز در فصل فضایل ماکولات گذشت و از حضرت امام جعفر علیه السلام روایتست که فرمود که هیچ دوائی نیست
که هیچ مرضی نکند و هیچ دوائی و بهترین النفع ازین نیست که دست از خوردن باز داری مگر بقدر
ضرورت و هم از آنحضرت علیه السلام روایتست که تا جان تاب مرض میدارد استعمال دوا مکنید **فصل دوازدهم**
در سایر جزئیات عادات که روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ابتدای کارها بسم الله بگوئید تا از شر
شیطان ایمن شوید و چون روز قیامت نامه قبایح و فضایح اعمال بنده را بدست او دهند تعجب
عادتی که در دنیا داشته بسم الله الرحمن الرحیم را بگوید و نامه را اگر فتح بگشاید همه را سفید بیند و هیچ نوشته
در آن نیابد از احوال سؤال کند ملائکه گویند از معلوم بود از سیئات و معاصی تو اما برکت این کلمه مبارکه
همه محو و محو گشت و نیز روایتست که چون روز قیامت بنده را امر بدوزخ کنند بسم الله گوید و قدم
در آن نهد آتش هفتاد ساله راه ازو دور شود و ایضا روایتست که چون کسی در ابتدای کارها
بسم الله الرحمن الرحیم نگوید خدا او را ببلائی مبتلا گرداند تا کفاره آن تقصیر شود و در کارها
عظیم و عزیز ابتدا بدعا و صدقه و استغاثه کند که اگر ضرری در آن باشد رفع گردد و شروع در کارها
اول روز بهتر است که احادیث متعدده وارد شده که اول روز مبارکست و روایتست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که در هر ماه دو روز نحس است که اگر کاری در آن روز شروع شود و یا تمام نرسد و اگر طفلی متولد شود
نماند و اگر کسی بجنگ رود ظفر نیابد و اگر درختی بنشانند نمو نکند باین **محرم** یازدهم و چهاردهم **صفر**
اول و بیستم **ربیع الاول** دهم و بیستم **ربیع الثانی** اول و یازدهم **جمادی الاولی** دهم و یازدهم **جمادی
الثانی** اول و یازدهم **رجب** یازدهم و سیزدهم **شعبان** چهارم و بیستم **رمضان** سوم و بیستم
شوال ششم و هشتم **ذو القعده** ششم و بیستم **ذو الحجه** هشتم و بیستم و از حضرت امام جعفر علیه السلام روایتست
که در هر ماه یک روز نحس است که هر کس در آنها احتیاط کند ایمن باشد و هر کس در آنها کاری کند از

آدمی

مکروهی ایمن نباشد باین تفصیل **محرم** بیست و دوم **صفر** بیستم **ربیع الاول** چهارم **ربیع الثانی و جمادی الاولی**
بیست و ششم **جمادی الثانی و رجب** دوازدهم **شعبان** بیست و ششم **رمضان** بیست و چهارم **شوال** دوم **ذو القعده**
بیست و ششم **ذو الحجه** هشتم و ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایتست که در هر ماه هفت روز نحس است
چنانکه مشهور است اما این حساب ماه قمریست که ظاهرا اول سال شمسی از نوروز است و هر ماه را
سی روز تمام میشمارند تا آخر سال و احادیث بسیار نیز در نحوست روز عاشورا و دوشنبه و چهارشنبه
آمده چنانچه بعد ازین ان شاء الله مذکور شود و در روایت دیگر آمده که با روزها دشمنی مکنید تا
آنها با شما دشمنی نکنند و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر کس روز یکشنبه جامه ببرد مبارک شود
در آنجامه غمگین شود و روز دوشنبه مبارک بود و روز سه شنبه دزدیده شود و یا بسوزد و یا در آب
ضایع گردد و چهارشنبه در آنجامه روزی بیاید و مکروهی نرسد و بخوشحالی کهنه کند و پنجشنبه در
آنجامه علمی او را روزی شود و در پیش مردم مکرم باشد و روز جمعه عمر و دولتش زیاد شود و شنبه در آن
جامه بیمار شود مگر آنکه از امکنه او بیمار بعد اما چنانکه از بسیاری احادیث معلوم است که در هر کاری
چون توکل بخدا کنند و متوسل بصدقه و دعا شوند از همه ضرر ایمن شوند و مناسب این مقام است تحقیق
علم نجوم و آن چنانست که احادیث بسیار که ذکر همه آنها درین مختصر نگنجد و راه علمیه نیز بر نجیت
است و دیگر خدا تعالی بمقتضای حکمت کامله و مصلحت شامله در کارخانه صنعت خود هر کاری را
بکار و مایی مرجوع ساخته و برای نظام هر امری جاری چنین فرموده و از آنجمله حوادث و
جزئیات عالم کون و فساد را از تغیرات شروع بهائم آسمانها که آفتاب و ماه و کواکب
نجوم همه جنود و اعوان و خدام ایشانند مرجوع گردانیده و ایشان را برسبق نظام نشان
دنیا مقرر نموده و هیچ جزئی از جزئیات درین عالم حادث نشود مگر بتأثیر امر ایشان باذن

العزیز الحکیم اما آنچه سبب اهل بیت نبوت و حکمت است را از تعلم و پیروی آن منع فرموده اند
اول آنکه منجمان چنانکه خود معترفند با آن احکام و تاثیرات کواکب و حرکات افلاک و خصوص نسب
و اوضاع آنها با هم معارضه کنند و باشد که یکدیگر مقاومت نمایند چه بسا باشد که نظری و وضعی
خاص مقتضی اثری باشد و وضعی و نظری دیگر مقتضی خلاف آن بوده باشد و با او مقاومت کند بلکه بر او
زیادتی نماید و سر اینکه کواکب اکثر و عدد و خصوص تاثیرات و احکام ایشان را از ایشان
غیر اهل بیت نبوت دیگری نداند و اطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان کسی نتوانسته و آنچه از
در نجوم مضبوط است عددی محصور است و آن نیز در عقد رصد و استخراج زیج و صنعت اصطرلاب
و کتاب تقویم از سهو و غلط مصون نیست پس با وجود اینهمه پیروی آن سوای حیرت و تضییع عمر
حاصلی نه بوده و مؤید اینست آنکه کسی از حضرت امام ع پرسید که علم نجوم میکنیم و مردم منع میکنند
اگر ضرری بدین مجز دارد و ترک کنیم فرمود ضرری بدین ندارد اما علمی است که بسیارش را ندانند و کمش
نفع ندارد و بعد از آن کوکبی سکینه نام را سؤال نمود و از بعضی احوال آن و کواکب دیگر استفسار
نمود گفت والله که هیچ یک از اینها را ندیده ام و از کسی نشنیده ام فرمود اگر کسی این حساب را ابداً
تواند دانست کو بنی که در میان نیز است که هست و در هر طرفش چند عددی است تا آنکه
یکی از علم او بیرون نرود و ایضاً روایتست که آنحضرت ع به یکی فرمود شما بطالع قمر
حساب میکنید چه حساب این نتوان استنباط نمود و امثال این اخبار بسیار است دوم آنکه
تاثیرات حرکات افلاک و کواکب بحسب اختلاف طالع مولود و ناس مختلف میشود زیرا که نظر
خاصی با طالع خاصی اثری کند و با طالع دیگری تاثیر دیگر کند و گرنه لازم آید که چون چند کس
در یک ساعت کاری کنند برای همه یک اثر داشته باشد و حال آنکه تجربه خلاف نیست و مؤید این است

آنکه

آنکه حضرت امام ع به یکی که از نجوم سؤال کرده بود فرمود چه میگوئی چون دو لشکر با هم ملاقات کنند
و هر کدام منجمی دارند که برای ایشان اختیار ساعت سعد میکنند و چون محاربه میکنند یکی منصور و دیگری
مقهور گردد و پس نحوس در آن وقت کجا بود و بعد از آن فرمود این حساب را کسی داند که موالید خلق را
داند سیوم و این اهم است از آن دو اینکه مقصود اصلی از دین مبین اینست که روی دل خلق را
از هر چه غیر خداست بجانب خدا باز گردانند و توکل و اعتماد در جمیع احوال بر خدا داشته باشد و چون
آدمی در مجاری احوال از سعد و نحس ساعات خبر داشته باشد ناچار است از همه سببات گسسته و متشبث
برحمت خدا شود و از همه چیز نومید گشته و اعتماد بریده توکل با او کند و دست بدامن مرحمت و فضل
و منتظر رحمت او باشد و از هیچ کس غیر او امید و توقعی نداشته باشد و با وجود اینکه غرض اصلی آنست
متوسل بصدقات و ادعیه و اذکار و معترف بقصور و از ذنوب استغفار شود و بفضایل و
ثواب آنها فایز گردد و پس اگر آن ساعت در واقع سعد باشد و شری در آن امر که مقصود او است منعقد
نباشد با وجود اینهمه فضایل کارش نیز بسامان بلکه بسبب آن توسلات بسامان تر و سعادتش
بیشتر باشد و اگر آن ساعت در واقع نحوستی داشته باشد پس آن نحوست که از امور محتومه نباشد
بسبب صدقات و توسلات مرتفع گردد و با آن فضایل و حصول مطالب نیز فایز شود و اگر
از امور محتومه باشد و البته از آنکه بفضایل توسلات فایز گردد و شری که از نحوست ساعت بوده
موجب زیادتی حسنات و محو سیئات و رفع درجات گردد چنانکه در روایت است که
خاری بپای مؤمن نرود مگر آنکه برای او حسنه ثبت شود و یا سیئه محو گردد و امثال این
روایات بسیار است بخلاف آنکه بعضی ناقصان که اطلاع بر سعد و نحس ساعات داشته باشد
اعتماد بر آن کرده بعقد او اگر اعتماد کند توکل و التجا بشر بجناب الهی نقصان یابد و قصور ۱۳۷

بدیر دو گاه باشد که بسبب اعتماد بر سعادت ساعت از فضایل صدقه و دعا و وسایل بالکلیه یا
از بعضی از آنها محروم گردد و اگر نحوست در ساعت چند از همه فضایل آن محروم گشته از مطلب
و از کرامات اخروی بر تقدیر تاثیر نحوست بی نصیب ماند و چون اینجمله دانسته شد بدانکه نحوست
بعضی ایام و ساعتها که در احادیث وارد شده که بعضی از آنها در این مقام مذکور شد و بعضی دیگر در
باب نکاح و باب سفر انشاء الله تعالی مذکور شود دو قسم است یکی آنکه تاثیرش نه از جهة طبیعت
و خاصیت آن وقت است بلکه بسبب وقایعی است که در آن وقت شده مثل روز عاشورا و روز
دوشنبه یا بسبب کمال تعظیم آن روز و عمل آن روز است مثل روز جمعه و این قسم در نحوست نظیر
زبت مقدس است در شفا چنانکه گذشت قسم دوم آنکه نحوستش از جهة طبیعت و خاصیت
است مثل غیران و تاثیر این قسم مثل تاثیر دوا و سم طبیعیه است و مخفی نماناد این وجوه که برای
نهی علم نجوم مذکور شد در تقسیم ساعتها نیز جاریست چه تواند بود که روز چهارشنبه مثلا بحسب
طبیعت خود نحس باشد اما اگر با سعادت دعا و صدقه یا سعادت فلان و چندم فلان ماه یا
با سعادت طالع مولودی جمع شود مساوی شوند بلکه گاه باشد که سعادت این غالب شود و باین
سبب است که ائمه اهل بیت طاهرین علیهم السلام امت را از این اوقات منحوسه نهی ننموده و اهتمام
در اجتناب از آنها نفرموده اند بلکه همه را امر بدعا و صدقه و تسمیه الله و توکل بر خدا فرموده
و نموده اند با روزها عداوت مکنید تا روزها با شما عداوت نکنند و امثال آن که اگر نحوستی
باشد ببرکت این وسایل رفع گردد و گر نه سعادتش زیاده شود و حرج لازم نیاید کار دشوار
بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم که حمله عرش چون از برداشتن عرش عاجز بودند چون تلقین
گفتند بر داشتن آسان گشت چون کاری گوید میکنیم یا بجنید موقوف بمشیت ساخته بگوید انشاء الله

ادلن

جواب م

مرویست که از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مسئله پرسیدند گفت فردا جواب میگویم و انشاء الله نگفت ده روز یا پانزده روز وحی
از آنحضرت محبوس شد تا آنکه تکذیب آنحضرت کردند و غبار ملال از آنجهت بر خاطر مبارکش نشست
پس از روی تادیب و تعلیم این آیه نازل گشت و لا تقولن لشیء انی فاعل ذلک غدا الا ان یشاء الله
و حضرت سلیمان علیه السلام گفت با هفتاد زن مباشرت کنم و هفتاد پسر متولد شود در راه خدا جهاد کنند و
انشاء الله نگفت هیچکدام حامله نشدند مگر یکی که نصف طفلی آورد و در روایت که اگر گفته بود همه
جوانان میبودند که جهاد کنند و در حکایت بقره بنی اسرائیل که در آخر گفتند انشاء الله
لمهتدون مرویست که اگر نمیگفتند تا ابد قضیه ایشان ظاهر نمیشد و حضرت صادق علیه السلام امر
فرمود کتابی برای مطالب چند بکسی نوشتند چون بعرض آنحضرت رسید فرمود انشاء الله
ننوشته اید چون توقع ساخته شدن کارها دارید پس فرمود در هر مطلبی انشاء الله نوشتند
استخاره چون در کاری مترود باشد استخاره کند و در استخاره طرق متعدده روایت شده
از آنجمله چند طریقه ذکر کنیم اول استخاره با تسبیح ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه الحمد بخواند و ده مرتبه انا انزلناه
و سه مرتبه بگوید اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور و استشیرک لحسن ظنی
بک فی المأمول و المحذور اللهم ان کان الامر الفلانی مما قد نیطت بالبرکة
اعجازه و بوادیه و حفت بالکرامة ایامه و لیالیه فخر لی فیه خیرة ترد شموسه
ذلولا و تقعص ایامه سرورا اللهم اما امر فائتمر و اما نهی فانتهی اللهم انی استخیرک
برحمتک خیرة فی عافیة و حاجت را در دل بگذراند پس یک قبضه از تسبیح بگیرد و بشمرد اگر
زوج باشد بکند و اگر فرد باشد ترک نماید و اگر بعکس این نیز قصد کند تواند دوم استخاره با قرآن
مجید الحمد و آیة الکرسی و عنده مفاتح الغیب تا آخر آیه بخواند و ده مرتبه صلوات بفرستد پس بگوید

اللّهمّ انّی توکّلت علیک و تفألت بکتابک فارنی ما هو المکنون فی سرّک المخزون فی غیبک اللّهمّ ارنی الحقّ حقّاً حتّی اتّبعه فارنی الباطل باطلاً حتّی اجتنبه برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از ان مصحف بگشاید و از صفحهٔ دست هفت سطر بشمرد و بعد هفت ورق از جانب چپ بشمرد و پس ما بعد هفت سطر از صفحهٔ چپ بشمرد و بعد از سطر آخر مضمون آیه هر چه باشد عمل نماید **سیوم** استخاره ذات الرقاع بر شش پاره کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان بعد از ان بر سه کاغذ افعل و بر سه کاغذ لا تفعل بنویسد و کاغذها را در زیر سجاده گذارد و دو رکعت نماز گذارد و بعد از ان سجده کند و در سجده صد مرتبه بگوید استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة پس بنشیند و بگوید اللّهمّ تنزل و اختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة پس کاغذها را بر هم زند و یکیک تا سه کاغذ بیرون آرد پس اگر هر سه افعل یا لا تفعل باشد بمقتضای ان عمل کند و اگر مختلف باشد تا پنج کاغذ بیرون آرد و پس افعل یا لا تفعل هر کدام که بیشتر باشد چنان کند **چهارم** انکه دعا کند و از خدا تعالی در انکار طلب خیر نماید پس توکل نموده شروع در ان کند اگر کارهای سهل باشد مثل بنده خریدن و فروختن و امثال ان هفت مرتبه کافی باشد و اگر کارهای عظیم باشد صد مرتبه بهر عبارت که خواهد و اگر یکی از دو عبارت که در استخاره ذات الرقاع گذشت بگوید مستحب باشد و مرویست که هر کس باید دعا هفتاد مرتبه دعا کند البته الخیر خیرست خدا تعالی برای او اختیار فرماید یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین صلّ علی محمّد و اهل بیته و خر لی فی کذا و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس از خدا تعالی یک مرتبه طلب خیر کند و استخاره نماید و آنچه خدا تعالی برای او اختیار کند راضی باشد البته الخیر خیرا[ست]

عوالبی

خیرست خدا تعالی برایش اختیار فرماید و هم آنحضرت علیه السلام فرمود چون استخاره کنید بعافیت و سلامت طلب کنید چه بسیار باشد که خیر کسی قطع ید یا موت و یا بلیهٔ دیگر باشد **پنجم** مشورت با عقلا مرویست که با عقلا در کارها مشورت کنید و آنچه اختیار کنند خلاف آن مکنید که موجب ندامت باشد و مرویست که هیچ حیّی مشورت نکنند که کسی که محمد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته باشد مگر آنکه خیر برای ایشان شود **چشم زخم** مرویست که ایمن مباشید از چشم زخم خود و بر دیگری که اثر چشم حق است و اگر چیزی بقدر الهی پیش دستی تواند کرد چشم زد داشت و چون از کسی چیزی ببیند که بنظر خوش آید او را مبارکباد کنید و در روایتی دیگر بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله از ضرر چشم ایمن شود و در روایت دیگر آمده که چون از چشم زخم بترسید و ان یکاد بخوانید یا سه مرتبه بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله از حضرت آن ایمن شوید و نیز روایت که چون جامهٔ نوی پوشد که از ان خوش آید وقت بیرون رفتن از خانه معوذتین بخواند که ان شاء الله از چشم زخم ایمن شود و حضرت امام رضا علیه السلام بکسی فرمود که غالیه برای او ساخت چون بنظر مبارک رسید از ان خوش آمد فرمود الحمد و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی بنویس و در غلاف شیشه بگذار که از چشم محفوظ باشد **بشارت** چون چیزی خوش بشنود بگوید الحمد لله و در روایت دیگر آمده که بگوید **شکر** چون نعمتی یا احسانی یا رفع مکروهی از خدا تعالی برسد بگوید الحمد لله شکر آن گذارده باشد و اگر مرتبه دوم بگوید ثواب انرا مضاعف کند و چون مرتبه سیوم بگوید گناهانش آمرزیده گردد و اگر سجده شکر کند ده حسنه نوشته شود و ده خطیه عظیم محو گردد و ده درجه در بهشت بلند شود مرویست که چون نعمتی بیشتر شده بیاد آید اگر در جایی باشد که کسی نبیند سجده کند و اگر در پیش مردم باشد بهتر آنست که بهانه پشت خم کند و قصد سجده و تواضع خدا تعالی کند و اگر سواره باشد

١٣٨

فرود آید و سجده کند و اگر اندیشهٔ شهرت و ریا شود بر قو پوشین سر بگذارد و اگر نتواند بر کف دست
بگذارد و حمد خدا کند و اگر مکروهی و خلاف خواهش صانع شود بگوید الحمد لله علی کل حال و نگوید
کاش چنین نمیبود و همچنین اگر از کسی انعام و احسان و مهربانی واقع شود شکر و دعا و مدح او باید
کرد و حق او باید دانست مرویست که هر کس شکر مردم نمیکند شکر خدا هم نکرده و کسی که شکر مردم
نکند شکر خدا نکرده و نعمت هر چند کم باشد خواه از جانب خدا و خواه از مردم چون شکر آن بجا آید
موجب زیادتی شود و اگر حقیر شمارد و شکر نگذارد موجب حرمان زیاده شود و سبب سخط و غضب گردد
و چون مبتلا بر بلیه بیند سه مرتبه آهسته بحیثیتی که او نشنود و دلگیر نشود بگوید الحمد لله الذی عافانی
مما ابتلاک به و فضلنی علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی اماما و بالمؤمنین اخوانا
و بالکعبة قبلةً هرکز آتش زاد و دوزخ با هم جمع نکند **فال بد** چون چیزی ببیند که بفال خوب نداند
توکل بخدا کند و دل را از تشویش آن خالی سازد و حوقله بگوید از ضرر آن ایمن شود و مرویست
که فال بد چنان شود که کسی با خود بگیرد و اگر سخت گیرد سخت شود و اگر سهل گیرد سهل شود و اگر
هیچ نگیرد هیچ نشود و دوای آن توکل است **غضب** چون غضب مستولی شود بر زمین بنشیند
و برنخیزد رفع شود و از شیطان استعاذه کند و صلوات بفرستد و بگوید فَیُذهِبُ غَیظَ
قُلوبِهِم اللّهمّ اغفِر لی ذَنبی وَ اَذهِب غَیظَ قَلبی وَ اَجِرنی مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ وَلا حَولَ
وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلیِّ العَظیمِ و اگر خواهد این دعا بخواند اللّهُمَّ اَذهِب عَنّی غَیظَ قَلبی
وَاغفِر لی ذَنبی وَاَجِرنی مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ اَسئَلُکَ جَنَّتَکَ وَاَعوذُ بِکَ مِن نارِکَ
وَاَسئَلُکَ الخَیرَ کُلَّهُ وَاَعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ اللّهُمَّ ثَبِّتنی عَلَی الهُدیٰ وَالصَّوابِ
وَاجعَلنی راضِیًا مَرضِیًّا غَیرَ ضالٍّ وَلا مُضِلٍّ و چون صدای خروس شنود بگوید سُبّوحٌ

قدّوس

قُدّوسٌ رَبُّنا وَرَبُّ المَلائِکَةِ وَالرّوحِ سَبَقَت رَحمَتُکَ غَضَبَکَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ
وَحدَکَ لا شَریکَ لَکَ عَمِلتُ سوءً وَظَلَمتُ نَفسی فَاغفِر لی وَارحَمنی اِنَّهُ لا یَغفِرُ
الذُّنوبَ اِلّا اَنتَ چون صدای الاغ و سگ بشنود از شیطان استعاذه کند چون خنده
قهقهه کند بگوید اللّهمّ لا تمقتنی چون عطسه کند دست بر دماغ گیرد و بگوید الحمد لله رب العالمین
الحمد لله حمدا کثیرا کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم طایری که کوچکتر از بلخ و بزرگتر از
مگس از دماغ حیش بیرون آمده تا زیر عرش پرواز کند و تا روز قیامت برایش استغفار کند
و در روایت دیگر آمده که چون کسی عطسه کند و بگوید الحمد لله ملکین که بر او موکل اند گویند رب العالمین
کثیرا لا شریک له و اگر این هم بگوید گویند صلی الله علی محمد و اگر این را هم بگوید گویند و علی آل محمد
و اگر این را هم بگوید گویند رحمک الله و اگر بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال از درد دندان و
گوش ایمن باشد کسی در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عطسه کرد و الحمد لله گفت و صلوات نفرستاد
آنحضرت او را دعا نکرد و فرمود حق ما را ضایع کرد چون این را شنید صلوات فرستاد بعد از آن
دعا فرمود و چون عطسهٔ دیگری را بشنود حمد خدا کند و صلوات فرستد از درد چشم و دندان ایمن
گردد و او را دعا کند و بگوید یرحمک الله تا سه مرتبه چنین بگوید و اگر از سه مرتبه بیشتر شود بگوید
که شفاک الله که بیشتر از سه مرتبه از علت است و اگر طفل عطسه کند بگوید بارک الله و اگر مریض باشد
بگوید شفاک الله و مرویست که مؤمن را حقوق چند هست که اگر در آن تقصیر کند روز قیامت
طلب حق خود کند و خدا انتقام برای او حکم فرماید از آنجمله دعای عطسه است و جواب دعای عطسه بگوید
اللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ یا مُذَکِّرَ الخَیرِ وَفاعِلَهُ وَالآمِرَ بِهِ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تُذَکِّرَنی
ما اَنسانیهِ الشَّیطانُ چون در ورطه گرفتار شود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله

اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین خدا تعالی جبار را ازو دفع کند غم و مکر و خوف از قرآن از حضرت صادق ع
مرویست که فرمود عجب دارم از جبار که پناه بچهار چیز نبرد کسی که از چیزی ترسد چرا پناه باین
آیه نبرد حسبنا الله و نعم الوکیل که خدا تعالی بعد از ان نوید وعده سلامت و سرور و نعمت فرموده
و کسی که غمگین باشد چرا پناه باین آیه نبرد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین که خدا تعالی
بعد از ان نوید نجات از غم فرموده و کسی که از مکر و غدر ترسد چرا پناه باین آیه نبرد لا اله الا انت
وافوض امری الی الله که بعد از ان نوید امن و سلامت از مکر فرموده و کسی که مال خواهد چرا باین
آیه پناه نبرد ماشاء الله لا قوة الا بالله که بعد از ان نوید مال و فرزند فرموده و روایتست دیگر
آمده که هیچ بنده را غم رسد سر بسوی آسمان کند و سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم که خدا تعالی کرب
و غمش را فرج دهد و نیز مرویست که هر کس را غم و اندوه بسیار بگوید خدا تعالی غمش را بفرح بدل فرماید
اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی
قضاؤک اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی کتابک او علمته
احدا من خلقک او استاثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی
و نور بصری و شفاء صدری و جلاء حزنی و ذهاب غمی و همی الله الله ربی لا اشرک
به شیئا و اگر خواهد بگوید یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی که حضرت
صادق ع مجرب بسیار دوست این امر فرموده اند که زمانی بیشتر نگذشت که نجات یافت و اگر خواهد
این ابیات که منسوب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام است تکرار کند که کرده و تجربها مجرب شده و کم لله
من لطف خفی ۸ یدق خفاه عن فهم الذکی ۸ و کم یسر اتی من بعد عسر ۸ و فرج کربة القلب
الشجی ۸ و کم امر تساء به صباحا ۸ و تأتیک المسرة فی العشی ۸ اذا ضاقت بک الاحوال یوما

فتق

فتق بالواحد الفرد العلی تشویش خاطر اگر بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد
لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره
تکبیرا و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صاحب عیال و قرض اگر از تشویش احوال و پریشانی خاطر
شکایت کرده بود باین دعا تعلیم فرموده اند که زمانی بیش نگذشت که حالش بغایت مبدل
گشت حدت زبان و بیهوده گویی باستغفار مداومت نماید چون خسارت در کاری یابد بگوید
عسی ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا راغبون روایتست که اصحاب بستان بتلف
شدن بستان مبتلا گشتند چون این آیه را گفتند بهتر از آن خدا تعالی عوض داده چون کسی عطسه
کند بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد ذکر الله من ذکرنی مدح چون بشنود که او را مدح میکنند آهسته
بگوید انا اعلم بنفسی من غیری و ربی اعلم منی بنفسی اللهم لا تؤاخذنی بما یقولون
واجعلنی افضل مما یظنون و اغفر لی ما لا یعلمون چون عمر بچهل سال رسد بگوید رب اوزعنی
ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحا ترضاه و اصلح لی
فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین که خدا تعالی فرموده در زمره اهل بهشت حسناتش
را قبول فرماییم و از سیئاتش تجاوز نماییم و این وعده صادقیست که با ایشان میکنیم گم شده
چون چیزی گم شود دو رکعت نماز گزارد و بعد از ان دستها برداشته بگوید یا عالم الغیوب و
السرائر یا مطاع یا عزیز یا عظیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کاید
فرعون بموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم
عبرة یعقوب یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذی النون من الظلمات الثلث یا فاعل
کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا دالا علی کل خیر یا خالق الخیر یا اهل کل خیر انت الله

فرغت الیک مما قد علمته وانت علام الغیوب اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان ترد علی ضالتی و اگر خواهد بگوید یا من لا یخفی علیه مکتوم ولا یشذ عنه معلوم
ولا یغلبه منیع ولا یبطأ له دفیع امدد علی بقدرتک علی ما فی قبضتک انک
اهل الخیرات یا آیه وعنده مفاتح الغیب بخواند بعد از آن بگوید اللهم انک تهدی من الضلالة
وتنجی من العمی وترد الضالة صل علی محمد وآله ورد ضالتی وصل علی محمد وآله وسلم
یا سوره عبس و العادیات بخواند **امانت** چون چیزی بامانت در جایی گذارد و انا انزلناه بر آن بخواند
محفوظ ماند انشاء الله چون باد تند وزد بگوید اللهم انی اسئلک خیر ما هاجت به الریاح
وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین
عذابا وصلی الله علی محمد وآله و تکبیر بسیار باواز بلند بگوید انشاء الله تسکین یابد **بادهای**
ظلمانی معوذتین بخواند **رعد و صاعقه** بگوید سبحان من یسبح الرعد بحمده والملائکة من خیفته
و نیز بگوید اللهم لا تقتلنا بغضبک ولا تهلکنا بعذابک وعافنا قبل ذلک **باران**
باران صیبا هنیئا **دخول خانه** چون از در بیرون خانه داخل شود بگوید رب ادخلنی مدخل
صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا و چون داخل خانه نشیمن
شود بگوید بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان
محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه وآله وسلم پس اگر در خانه کسی باشد بر وی سلام کند و اگر کسی
نباشد بگوید السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الهادین السلام
علینا وعلی عباد الله الصالحین **تعظیم نام خدا** اگر کاغذی که نامی از نامهای خدا در آن نوشته
باشد در سر راهی و جای بی حرمتی افتاده باشد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بر آن موکل گرداند که

بالهای خود را از آن حفظ کنند تا اگر یکی از دوستان خدا آنرا بر دارد و خدای تعالی نام او را
در علیین ثبت فرماید و عذاب از والدینش تخفیف دهد اگر چه کافر باشند **باب ششم** در جود و بخل و حفظ
اموال و رعایت احوال عیال و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول**
در جود و بخل خدای تعالی در قرآن مجید فرموده جمعیکه از دولت بخل میورزند ایشان رستگار
و اهل نجات نیستند و نیز فرموده کسیکه مالرا در راه خدا صرف کند مثل دانه ایست که هفت خوشه
از آن بروید و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که خواهد مضاعف میگرداند از ائمه حق
طاهرین علیهم السلام مرویست که سخی در آسمان و زمین محبوب و از طینت پاک و آب چشمش از کوثر مخلوق است
و بخیل در آسمان و زمین مبغوض و از طینت شوره و آب چشمش از خار مخلوق است سخی در پناه
رحمت خدا است تا آنکه داخل بهشت شود و کسیکه خدای تعالی امید خیر باو ندارد به بخل مبتلا گرداند
و سخی نزدیکست بخدا و نزدیکست به بهشت و سخاوت درختی است در بهشت هر کس شاخی از آن
در آویزد داخل بهشت شود و بخدا نزدیک و از آتش دور گردد و بخل درختی است در دوزخ
هر کس شاخی از آن در آویزد داخل دوزخ شود و هر کس را سخاوت بیشتر ایمانش بهتر بوده و روایت
بخبر آمده و گویند اگر سخی را گوئی بگوئی که ای خدا یار مرا آفریدی و هدایت نمودی و دوست علما
نمودی و چون نعمت ترا بر عباد تو منتشر نمودم با امید آنکه امروز رحمت منتشر فرمائی حق تعالی
فرماید بنده من راست میگوید او را داخل بهشت کنید و جوان سخی منفرط در گناه پیش خدا دوست تر است
از پیر عابد بخیل و بهترین مردم اسخیا اند و بدترین بخلا و از جمله خلوص ایمان و برآوردن حوائج
حوائج اخوانست و برآوردن آن موجب محبت رحمن و حسرت شیطان و دوری از نیران و دخول
جنانست و سخی شقی که تصدیق این کند که خدای تعالی یکی را هم را صد هزار و بیشتر عوض میدهد هیچ خرجی

اراده نکند مگر آنکه میسرش کردانند و هر کس بخلاف این بود و هیچ شری اراده نکند مگر آنکه میسرش شود
و روز قیامت در دوزخ مقام کند و هر کس که صرف مال برضای خدا بخل کند مبتلا شود بصرف
اضعاف آن در معصیت خدا و از حضرت امام جعفر علیه السلام در تفسیر آیه کذلک یریهم الله اعمالهم حسرات علیهم سؤال
کردند فرمود کسی که مال خود را در طاعت خدا صرف نکند و بگذارد تا بعد از او دیگران صرف
کنند پس اگر در طاعت صرف کنند حسرت برد که ثواب مال خود را در میزان ایشان و خود را محروم
بیند و اگر در معصیت صرف کنند حسرت برد که خود از ثواب محروم گشته و اعانت معصیت دیگری
کرده روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شنید که مردی میگوید بخیل معذورتر است از ظالم فرمود
دروغ میگوید که ظالم گاه هست توبه و استغفار کند و رد مظالم نماید و نجات یابد و بخیل منع
زکوة و صدقه و صله رحم و ضیافت و سایر حقوق کند و حرامست که بخیل داخل بهشت شود فصل دوم
در فضایل زکوة و عقوبت منع آن روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس زکوة مال خود را
از روی طوع و رغبت بدهد خدا اینجا در بهشت بعدد هر دانه یک قصر طلا و یکی نقره و یکی لؤلؤ
و یکی زبرجد و یکی زمرد و یکی گوهر و یکی یاقوت الحمرة عطا فرماید و هیچ کس زکوة نه دهد مگر آنکه مالش
زیاد شود و مرویست که هیچ مرغی از طیور رصید نشود مگر آنکه در ذکر تسبیح خود تقصیر کرده باشد
و هیچ مالی تلف نشود مگر آنکه در زکوتش تقصیر رفته باشد و ملعونست مالی که زکوة آن نه دهند و خدا
فرض زکوة را قرین فرض نماز کردانید پس هر کس زکوة نه دهد نمازش مقبول نشود و هر کس یکقیراط
کم دهد مگر معظم پنج سدس و بیارست از زکوة منع کند نه مومن باشد و نه مسلم و چون بمیرد یهودی
یا نصرانی باشد و روز قیامت از آتش طوق گردنش شود و عذابش کنند تا وقتی که از حساب فارغ
شود و هر کس زکوة طلا یا نقره را منع کند خدا اینجا روز قیامت او را در بیابانی محبوس سازد و ماری

عظیم

عظیم که از بسیاری زهر موی سرش ریخته باشد بر او مسلط کردانند چون هر چند که گریزد نجات نیابد
ناچار دست خود را با او دهد تا با دندان پاره پاره کند پس گردنش بپیچد و عذابش کند
و هر کس زکوة گوسفند و غیر آن از چهارپا منع کند در بیابانی محبوس گردد که هر حیوانی صاحب سم
او را پامال کند و هر حیوان دندان دار با دندان پاره پاره اش کند و هر کس زکوة غله و خرما
منع کند زمین ملکش تا هفت طبقه طوق گردنش شود و مرویست که روز قیامت جمعی
از قبر بیرون آیند دستها بر گردن بسته ملائکه چند بر ایشان موکل باشند و ایشان را سرزنش
کنند و گویند اینانند که حق خدا را از مال خود نداده اند و بچیزی قلیل از خیری کثیر محروم گشتند
چون مردم منع زکوة اموال خود کنند زمین باذن خدا برکات و خیرات خود منع کند و قحط
و تنگی شود و اداء زکوة و سایر فرایض و واجبات علانیه باید و صدقات و سایر مستحبات
پنهانی افضل است و ثواب مستحب پنهانی هفتاد برابر علانیه است فصل سیوم در صله آل
طاهرین و ذریت طیبین و اتباع ایشان از مومنین سلام الله علیهم اجمعین مرویست از حضرت پیغمبر
که فرمود که هر کس یکی از اهل مرا احسان کند جزا در روز قیامت آنرا مکافات کنم و فرمود من در روز
قیامت چهار کس را شفاعت کنم اگر چه با گناه تمام دنیا بیاید کسی که نصرت ذریت من کرده و کسیکه
مال خود را در تنگی بذل ایشان نموده و کسیکه با دل و زبان با ایشان محبت داشته و کسیکه
در حوایج ایشان سعی کرده و حضرت صادق فرمود در روز قیامت منادی ندا کند که ای خلایق
خاموش باشید که حضرت محمد صلعم با شما گفتگو میکند پس آنحضرت بر خواسته گوید ای معاشر خلایق
هر کس را بر من نعمتی و منتی و احسانی باشد بر خیزد تا آنرا تلافی کنم همه گویند پدر و مادر ما فدای تو باد
کرا حد آنکه نعمت و منت و احسانی بر تو داشته باشد بلکه نعمت و منت و احسان و شفقت همه خدا و

رسول خدا است بر جمیع خلایق پس آنحضرت کوید بلی هر کس که از اهل بیت مرا پناه داده یا
با ایشان نیکی کرده یا برهنه ایشان را پوشیده یا کرسنه را سیر کرده بیاید تا مکافات آن کنم
پس جمعی که این کارها کرده باشند برخیزند پس از جناب الهی ندا آید که ای حبیب من مکافات ایشان را
بتو مرجوع داشتم در هر جای بهشت که خواهی ایشان را جای ده پس ایشان را در وسیله که در جنات است
مخصوص آنحضرت و اهل بیتش جای دهد تا در خدمت ایشان باشند و در میان ایشان حجابی
و مانعی نبود و هم آنحضرت صلعم فرموده که هر کس قادر بر صله ما نباشد با صلحای شیعه ما صله کند
ثواب صله ما داشته باشد **فصل چهارم** در فضایل معروف و احسان مرویست از اهل بیت که احسان
که بهشت دری است که آنرا معروف نامست از آن در داخل نشود مگر اهل معروف در دنیا
و اول کسی داخل بهشت شود و در حوض کوثر شود معروف اهل معروفند و سه چیز است که موجب
زیادتی عمر و بقای نعمت است یکی طول رکوع و سجود دوم طول جلوس بسفره سیوم اصطناع
معروف و احسان و صاحب معروف از مهالک در دنیا محفوظ باشد و چون اهل بهشت داخل
بهشت شوند خدا تعالی بادی خوشبو را امر فرماید که با اهل معروف ملاصق شود که هر یک از اهل
بر جمعی از اهل بهشت کذر کند از بویش شناسند که صاحب معروفست و هر کس که بمومنی احسان و
معروفی کند خدا تعالی در زقیات با آن موجز فرماید برد و هر کس با تو معروفی بجا آورده اگر
در دوزخ باشد بیرون آر پس بدود و بیرون آورد و دوست ترین بندگان پیش خدا کسیست که
معروف را دوست دارد و هیچ چیز بهتر از معروف نیست مگر ثواب آن و مرویست که هر کس باشد
اصطناع معروف کنید که اکر او اهل آن نباشد شما اهل باشید و اگر کسی در جانب راست شما دشنام
شما دهد و بجانب چپ آمده عذر خواهی کند قبول کنید و در برابر احسان اگر بهمان قدر احسان

کنی

کنی تلافی کرده باشی و اگر زیاده کنی شکر آن بجای آورده باشی و چون شکر بجای آری کرم باشی
و هر کس بداند که چون بکسی احسان و نیکی کند در واقع با خود کرده توقع مدح و شکر و زیادتی محبت
با او نداشته باشد و چه جای توقع که با احسان حفظ عرض خود و تحصیل ثواب و فضایل برای خود
نموده و کسی که اعانت و سعی برای خیری کند مثل فاعل آن خیر است و مرویست که برای یکدیگر
هدیه بفرستید که سبب محبت و اصلاح رنجش و عداوت شود و کاری که غرضش با نیکیش منتشر
از نقصش بدیگری باشد نباید کرد و چون بکسی احسان کنند اگر توانند تلافی کنند و کرنه مدح و شکر
کنند و کرنه کفران کرده باشد و حضرت صادق علیه السلام فرموده خدا تعالی لعن کند و ده قاطع سبیل معروف
را پرسیدند که کیست او فرمود کسی که با او معروفی کنند و کفران کند که سبب این شود که
دیکر معروف نکنند و باید دانست که هر احسان و نیکویی از مال و غیر مال داخل معروفست
فصل پنجم در فضایل صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که خدا تعالی فرماید هر چیز
کسی مقرر فرموده ام بغیر صدقه که از خود بکیرم حتی آنکه اگر کسی خرمایی یا نصف خرمایی صدقه
دهد آنرا برای او تربیت کنم و زیاده کردانم تا روز قیامت مثل کوه احد یا بزرکتر باشد و
هفتاد نوع بلا از بلاهای دنیا رفع کند بغیر ثوابی که در آخرت میدهد و صدقه از چنگ
هفتصد شیطان بیرون آید که همه مانع باشند و هیچ چیز بر شیطان کرانتر از صدقه نیست و
هر کس اول روز صدقه دهد نحوست آن روز از او رفع شود و اگر اول شب دهد نحوست آن شب
از او رفع کردد روزی یهودی بحضرت پیغمبر صلعم گذشت حضرت فرمود امروز مار سیاهی
این یهودی را زند و او بکشد پس یهودی کذشت هیمه برد و دوش بسته مراجعت کرد حضرت فرمود
هیمه را بر زمین کذاشت ماری سیاه بر چوبی چسبیده پرسید ای یهودی امروز چه کرده گفت

دو نان داشتم یکی را خوردم و یکی را تصدق کردم پس حضرت فرمود ببرکت این تصدق شر
اینها از تو دفع شده و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود میان مرد و منجمی قسمت زمینی بود و او منجم بود
که من در ساعتی نحس بر خود رفتم و در ساعت سعد بیرون رفتیم چون رفتیم و تقسیم کردیم قسمت خوب
بمن افتاد و منجم دست بر دست زده از روی حسرت و حیرت گفت هرگز چنین چیزی ندیده بودم
گفتم بلی امروز وقت بیرون آمدن تصدق کردم و آن بهتر از نجوم تو بود و هم از ایشان علیه السلام مرویست
که در زمان بنی اسرائیل چند سال قحطی شد روزی زنی لقمه نانی داشت در دهن گذاشت که بخورد
سایلی سوال نمود آن لقمه را از دهن بیرون آورد و بسایل داد اتفاقا آن زن را طفلی صغیر بود
در صحرا گرگ او را ربوده طفل فریاد میکرد و مادرش خبر یافته در پی او روان گشت جبرئیل آمد
و طفل را از دهن گرگ گرفته بمادرش داد و گفت این لقمه بعوض آن لقمه است و هم از ایشان علیه السلام
مرویست که مردی از بنی اسرائیل پسری داشت یکی از اولیاء الله باو خبر داد که پسرت در شب
عروسی وفات خواهد کرد چون شب عروسی رسید پسر پیری عاجز را دید و رحم کرده طعامش
داد و پیر گفت مرا زنده کردی خدا ترا زنده دارد پس کسی بخواب پدر آمد و گفت که خدا ببرکت این
تصدق مرگ را از پسرت دفع فرمود و نیز مرویست که هرچه مقدور شود تصدق کنید اگرچه نصف
خرمایی باشد و از دادن کم شرم مکنید که هیچ کمتر از کم است و چون بنده با آنچه مقدورش باشد
جود کند مستحق اجر عظیم بود و اگر هیچ نباشد بکلمه ملایم و زبان خوش جواب گوید و روز قیامت حق تعالی
فرماید چرا بشما انعام و احسان نفرمودم مال و فرزند نداده و چشم و گوش عطا نکردم گویند بلی گوید
ببینید که برای امروز چه مهیا کرده اید پس هرچند باطراف نظر کنند چیزی نیابند که آتش را از ایشان
رفع کند و زمین قیامت تمام آتش است مگر سایه مومن که صدقات ایشان سایه کنند و آتش را

دفع

دفع نمایند و کسیکه صدقه را برای محتاجی برد مثل ثواب کسی دارد که آن صدقه را داده و مرویست
که انفقوا صدقه بدهید که گویند اسراف کردیم اما اسراف نکرده باشید و نیز مرویست که تا توانید
صدقه بدهید و از پریشانی نترسید که هرگز کسی از صدقه دادن پریشان نشود و صدقه مال را زیاد
کند و دین او را نماید و کسی بحضرت امام علیه السلام شکایت کرد که پریشانی من بحدی رسیده که فلانی
جامه از بدن خود بیرون کرده بمن داد فرمود روزه بگیر و تصدق کن گفت آنچه بود بمن بخشید
بهم فرمود هرچه مقدور میشود بده اگرچه خود باآن حاجت داشته باشی و هر احسان و مهربانی که
بکسی کنند صدقه باشد حتی آنکه بار کسی بکشی کوری حرف را باو بشنوانی چنانکه او را نجات دهی و فضیلت صدقات
آنست که پنهان باشد که صدقه پنهان آتش غضب خدا را بنشاند و صدقه شب شعله غضب الهی را ساکن
کند و گناه عظیم را محو کنند و حساب قیامت را آسان کند و صدقه روز مال را و عمر زیاد کند و خطاهای
عظیم را بکرد از دو چنانکه آب نمک را و حضرت عیسی علیه السلام بکنار دریا گذشت قرص نانی داشت در آب
انداخت حواریین گفتند یا روح الله این قوت بود فرمود حیوانات آب بخورند و ثواب او پیش
خدا عظیم است و افضل صدقات آنست که در وقت تنگی و پریشانی باشد و دیگری را بر خود
اختیار کنند و اگر عیال بعد از آن خویشان بعد از آن همسایگان محتاج باشند صدقه به دیگری
نشاید داد و هرچند کسی دیگر مستحق تر صدقه باو افضل باشد و مرویست که افضل صدقات
آنست که بخویشی دهند که عداوت ایشان در دل داشته باشد و صدقه یکی به ده عوض یابد
و صله دوستان یکی به بیست و صله خویشان یکی به بیست و چهار و در صدقه منت نباید
گذاشت و سایل را نباید رنجانید که ثواب آن باطل شود و بکلمه خوش جواب گوید بهتر از آنست
که صدقه دهند و برنجانند و افضل آنست که آنچه مقدور باشد به دهد و ملایمت و عذرخواهی

۱۰۴

باآن منم کنند که این صدقه دیگر است افضل از صدقه اول و چه جای منت و رنجانیدن باشد
که باندک چیزی که از مال دنیای دنی بدهند منافع بسیار و عافیت از بلاها و ثواب عظیم در بهشت
برای خود کسب کنند و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود حق فقرا و مساکین شناسید که اگر ایشان
نمیبودند صدقه بکه میدادید و فضایل و ثواب صدقه چون می یافتید و دفع بلاها چون میکردید
و چون چیزی را برای خدا یا برای صدقه جدا کنند دیگر آن را داخل مال و صرف خود نباید کرد بلکه اگر
آن سایل فقیر باشد یا قبول نکند بدیگری باید داد و مرویست که کسیکه چیزی از برای سایلی فقیر
جدا کرده باز بمال خود در کرد اند مثل کسی است که قی کند و آنرا بخورد **فصل ششم** در مذمت سؤال
و رد سایل مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سایل را رد مکنید اگرچه بر اسب سوار باشد که اگر نه آن
بود که سایلان دروغ گویند نجات نمی یافت کسیکه ایشانرا رد کند و اگر چیزی نباشد و نشود
بملایمت عذر باید خواست که بسا باشد که ملائکه برای امتحان بصورت انسان سؤال کنند
و هر چه پیش از سؤال بدهید احسانست آنچه بعد از آنکه با دل طپان و اعضای لرزان و تشویش
میان یأس و امید آبروی خود در بریزد و سؤال کند هر چه دهید عوض آبروی و تشویش او باشد و
احتیاج امانتی است از خدا در پیش بندگان هر کس آنرا پنهان دارد ثواب آن یابد که عبادت
کرده باشد و اگر افشای آن کند هر کس بشنود لازمست بر او که اعانت نماید و اگر مردم بدانند که عطا
چقدر خوبست هرگز رد سایل نکنند و اگر بدانند که سؤال چقدر بدست هرگز سؤال نکنند و نیز مرویست
که از سؤال اجتناب کنید که مذلت است در دنیا و فقر است مهیا و طول حساب در قیامت
و هر کس بی احتیاج سؤال نماید خدا تعالی او را محتاج کند تا مضطر بسؤال شود و هر کس قوت سه
روزه داشته باشد و سؤال کند روز قیامت گوشت در رویش نباشد روزی حضرت پیغمبر

التماس کردند که برای ایشان ضامن بهشت شود فرمود من ضامن شدم بشرط آنکه شما از کسی چیزی نخواهید
ایشان ترک سؤال کردند تا حدی که در اثنای طعام اگر آب بیکی از دیگری نزدیکتر بود نمیطلبیدند و خود
برمیخواستند و اگر در سواری تازیانه از دست ایشان می افتاد فرود می آمدند که بردارند و سؤال
نمیکردند **فصل هفتم** در رعایت حال عیال مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خدا تعالی
بکسی نعمت دهد واجبست بر او که بر عیال خود توسعه کند و عیال مرد اسیران اویند پس اگر صاحب
نعمت بر اسیران خود توسعه نکند نزدیک است که آن نعمت زایل شود و چون نعمتی زایل شود دیگر زود
عود نکند ملعونست کسی که عیال را مضطر گذارد و تا محتاج بدیگری شوند و همین گناه بس است مرد را
که عیال را محتاج گذارد و مؤمن باید که چنانکه خدا تعالی با او معامله میکند او نیز با عیال معامله کند
هرگاه خدا تعالی او را وسعت دهد او نیز عیال را وسعت دهد و هرگاه تنگ گیرد او نیز چنین کند و بهترین
صدقه و احسان آنست که بعد از قدر کفاف عیال باشد و هر کس با اهل خود نیکو باشد روزیش
زیاد شود و حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرموده وقتیکه عیال من رغبت بگوشت کنند بیازار
روم و برای ایشان گوشت بخرم دوست تر دارم که بنده آزاد کنم و کسی ده دینار طلا بخدمت حضرت
پیغمبر صلعم آورد گفت میخواهم با این مرکبی بخرم که بر آن سوار شوم و در راه خدا جهاد کنم فرمود
والدین داری صرف ایشان کن که افضل است گفت و چنان کرد باز ده دینار دیگر آورد فرمود زن
داری صرف او کن که افضل است چنان کرد و ده دینار دیگر آورد فرمود خادم داری صرف او کن
که افضل است چنان کرد و ده دینار دیگر آورد گفت با این مرکبی بخرم فرمود بخر اما بدانکه
این افضل از آنها نیست و مرویست که مؤمن بخواهش اهل خود چیزی میخورد و منافق بخواهش
خود **فصل هشتم** در احسان مؤمن بطعام و جامه مرویست از اهل بیت علیهم السلام که هر کس مؤمنی

تا رو کوار اشود سیوم آنکه در ادای آن تعجیل نمایی تا تمام شود و چون این سه خصلت
مراعات شود احسان و برش نزد خدا عظیم گردد **فصل نهم** در فضایل قرض دادن و احکام متعلق
بآن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ثواب صدقه یکی به ده باشد و ثواب قرض دادن یکی
به هجده و هر کس بمؤمنی قرض دهد تا وقتیکه قدرت بر ادای آن یابد با ملائکه و نماز باشد
و برای او بصدقه حساب شود و نیز مرویست که هر کس بمؤمنی قرض دهد بهر یکدرهم مثل کوه احد
و طور سینا و رضوی که کوهی است در مدینه حسنات عطا فرمایند و اگر در مطالبه مدارا و ملایمت
کند بیحساب و عذاب چون خاطف از صراط بگذرد و نیز مرویست که هر کس درمانده را قرض دهد
و در مطالبه مدارا کند خدا تعالی بهر یکدرهم هزار قنطار از بهشت عطا فرماید و هر کس بمؤمنی قرض
دهد و قضای حاجتش کند و او را مسرور گرداند حضرت پیغمبر صلعم را مسرور کرده باشد و جنون و
جذام و برص از او دفع شود و اگر مقصود ریا باشد بوی بهشت بر او حرام شود و مرویست
قرض دادن خمیر و نان و آتش و امثال آن از جمله مکارم اخلاقست و جلب رزق کند و مضایقه
در آن موروث فقر باشد و هر کس قرضدار پریشانرا مهلت دهد یا چیزی از حق خود باو
ببخشد در سایه رحمت خدا باشد روزی که هیچ کس را سایه و پناهی نباشد و از حرارت
خشم جهنم ایمن باشد و چنانست که هر روز مثل آن تصدق کند و اگر میتی را اصلاح کند هر درهمی
به ده درهم ثواب یابد **فصل دهم** در سایر وجوه بر و خیرات از آنجمله حق معلومست و حق معلوم
آنست که کسی از مال خود قدری معین بقدر وسع خود مقرر کرده که هر روز یا هر هفته یا هر
ماه یا هر سال و بجماعه معین بفقرا و مساکین دهد و خدا تعالی در قرآن مجید فرموده
قیامت دوزخ آواز کند و بجانب خود طلبد کسیرا که از راه بهشت رو گردانیده و مالها

احسان کند چنانست که بحضرت پیغمبر صلعم کرده باشد هر کس مؤمن فقیر اطعام دهد بهتر است از آنکه بنده
آزاد کند و ده حج کند و اگر یکمؤمن فقیر اطعام دهد چنانست که یککس از اولاد اسمعیل را
از ذبح نجات دهد و اگر مؤمنی فقیر را طعام دهد چنانست که صد کس از اولاد اسمعیل را از
ذبح نجات دهد و هر کس یک لقمه بمؤمنی دهد خدا تعالی او را از میوهای بهشت عوض دهد و بهتر
از آنست که یک بنده آزاد کند و اگر سه مؤمن را طعام دهد خدا تعالی او را در ملکوت سموات
از سه بهشت فردوس و طوبی و جنت عدن طعام دهد و از درختی که خدا تعالی در بهشت عدن
بدست خود نشانده و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده یک حج کنم دوست تر دارم از
آنکه هفتاد بنده آزاد کنم و اهل یکخانه از مسلمین را عیال خود کنم گرسنه ایشانرا سیر گردانم
و برهنه ایشانرا بپوشانم و ایشانرا از حاجت مردم باز دارم دوست تر دارم از آنکه هفتاد
حج کنم و هر کس مؤمن را در معیشت اعانت کند یا برهنه اش را بپوشاند خدا تعالی هفتاد هزار
ملک موکل گرداند که تا وقت صور برای همه گناهان او استغفار کنند و در روایت دیگر
هفتاد هزار ملک آمده و هر کس مؤمنی را جامه بپوشاند خدا تعالی او را از جامهای بهشت بپوشاند
و سکرات موت بر او آسان گرداند و قبرش را وسیع گرداند و چون از قبر بیرون آید ملائکه
استقبالش کنند و بشارتش دهند و از جامهای خاص بهشت در او پوشند و تا از آن جامه
رشته باقی باشد ملائکه بر او صلوات فرستند و در ضمان خدا باشد و نیز مرویست که هر کس
مؤمنی برهنه را جامه بپوشاند خدا تعالی او را از استبرق بهشت بپوشاند و اگر مؤمنی غنی را بپوشاند
در ستر رحمت خدا باشد تا از آنجامه پارچه مانده باشد و مرویست که احسان شایسته نگردد
مگر به سه خصلت یکی آنکه او را سهل و حقیر انگاری تا در نظر عظیم شود دوم آنکه پنهان داری

بسر هم جمع نموده و ذخیره کرده مگر چند طایفه را یکی آنکه در مال خود حق معلوم مقرر کرده باشد
و از جمله وجوه خیر بنای مساجد است مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که هر کس در دنیا مسجدی بنا کند
خدای تعالی بقدر هر یک وجب آن یا هر یک ذراع و تردد از راویست بنا کند در بهشت شهری که چهل
هزار سال راه باشد از طلا و نقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد در هر شهری چهل هزار
قصر و در هر قصری چهل هزار سرا و در هر سرای چهل هزار خانه و در هر خانه چهل هزار سریر
و بر هر سریر حوری و در هر خانه چهل هزار غلام و چهل هزار کنیزک همه در اوایل جوانی و کمال
خوبی و چهل هزار خوان بر هر خوانی چهل هزار کاسه در هر کاسه چهل هزار نوع از اطعمه
و نعیم باشد و احادیث متعدده آمده که گاهی مردم در اطراف جاده سنگچین میکرده اند برای
مسجد از ائمه طاهرین علیهم السلم می پرسیدند که این نیز از آنجملاتست فرمودند بلی و از آنجملات
بنای منازل در راهها مرویست از آنحضرت صلعم که هر کس در سر راهها پناهی و منزلی بسازد
که قافله و مترددین فرود آیند چون روز قیامت مبعوث شود بر مرکبی از در سوار باشد
و نور رویش بر تمام اهل محشر تابان باشد و با ابراهیم خلیل در مکانش مزاحمت نماید و اهل
محشر گویند این فرشته است که مثل او در میان فرشتگان نیست و چهل هزار کس بشفاعت
او داخل بهشت شوند و از آنجمله عتق رقبه است مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر
کس بنده مومنی آزاد کند خانه در بهشت برایش بنا شود و بهر عضوی از او عضوی از او از آتش
آزاد شود حتی فرج بفرج و کافر و مشرک را نشاید آزاد کردن و اگر طفل یا پیر عاجز را آزاد کند
باید نفقه اش بدهند تا وقتی که خودش قدرت بتحصیل معاش یابد و بنده که در حال تبع
باشد آزاد کردنش سود ندهد **باب هفتم** در فضایل روزه و احکام متعلق بان از

اداب

اداب و فضل اعتکاف و متعلقات آن از آداب و ثواب این مجموع انشاءالله در ده فصل
بیان شود **فصل اول** در فضایل مطلق روزه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که هر چیزرا
زکوتیست و زکوة بدن روزه است و روزه سپریست از آتش جهنم و روزه دار همیشه در عبادت
اگرچه در خواب باشد مادام که غیبت مسلم نکند و خدای تعالی فرموده روزه مخصوص منست یعنی پنهانی
ترین عبادتهاست و از ریا دورتر است پس جزایش بهشت و بوی دهن روزه دار پیش حق
بهتر است از بوی مشک و یکروز روزه که خالص برای خدا باشد برابر است با یکسال و هر کس روزه
خود را پنهان دارد خدای تعالی فرماید ای ملائکه بنده من از آتش پناه بجوید پناهش دهید و ملائکه
را فرماید که برای روزه داران دعا کنند و دعای ایشان را البته اجابت فرماید و هر کس
یکروز روزه گیرد و در شدت گرما تشنه شود خدای تعالی هزار ملک موکل فرماید که با او ملاطفت
و مهربانی کنند و بشارتش دهند تا وقتیکه افطار کند و فرماید که چه خوش آید مرا از بوی تو
ای ملائکه گواه باشید که گناهانش را آمرزیدم و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود میخواهید شما را
چیزی تعلیم کنم که شیطان را از شما دور کند مثل دوری مشرق از مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود
روزه روی او را سیاه کند و صدقه پشتش را بشکند و دوستی برای خدا و معاونت بر کار
خیر بیخش از جا بکند و استغفار رگ دلش قطع کند و خواب روزه دار عبادتست و نفسش
تسبیح و عملش مقبول و دعایش مستجاب و هر کس یکروز روزه گیرد که بر او واجب نباشد
مغفرت گناهانش از خدا واجب شود و اگر چنان باشد که کسی یکروز روزه گیرد یا دو رکعت نماز گزارد
خدای تعالی فرماید بعد از این هرگز ترا عذاب نکنم و بهشت را واجب گردانم و چون روزه دار عطش
جمیع اوراد شود که چیزی نخورده هر مویی که در بدنش هست برایش تسبیح کنند و ملائکه برایش استغفار

نماینده و سر چیزیست که بلغم قطع کند و حافظه زیاد کند روزه و مسواک و تلاوت قرآن فصل دوم
در فضایل روزه ماه رجب و لیست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که رجب نام نهریست در بهشت سفیدتر
از شیر و شیرین تر از عسل و هر کس یک روز در این ماه روزه بگیرد از آن نهر بیاشامد و آتش دوزخ صد ساله راه
از او دور شود و روایت دیگر آمده که هر کس یک روز در این ماه روزه بگیرد مخلصاً لله غضب الهی را بنشاند
و میان او و دوزخ هفتاد خندق خدای تعالی فاصله کند که عرض هر خندق مثل ما بین زمین و آسمان باشد
و بهشت او را واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس روز اول این ماه روزه بگیرد بهشت او را
واجب شود و اگر یکروز در میانش بگیرد شفیع گناهکاران شود بعدد قبیله ربیعه و مضر که دو قبیله اند
از اعظم قبایل عرب و اگر یکروز در آخرش بگیرد از پادشاهان بهشت شود و شفیع پدر و مادر و برادر
و خواهر و اولاد و عم و عمه و خال و خاله و آشنایان و همسایگان خود شود اگر همه مستوجب آتش باشند
و نیز مرویست که هر کس در این ماه یکروز از اول و یکروز از میان و یکروز از آخر روزه بگیرد گناهان
گذشته اش همه آمرزیده شود و اگر سه روز روزه بگیرد گناهان گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود
و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس یکروز از این ماه روزه بگیرد و بیمار باشد و وقت شام او را
ده دعای مستجاب باشد اگر برای دنیا دعا کند خدای تعالی عطا فرماید و اگر نه بهتر از آنکه هر کس از اولیا
و اصفیا دعا کرده اند برای آخرتش ذخیره کند و اگر دو روز بگیرد در زمره صادقین محشور شود و با ایشان
به بهشت رود و هیچ کس از اهل آسمان و زمین نتوانند بیان کرد آنچه از فضل و کرامت در پیش خدای تعالی
برای او مهیاست و گناهان گذشته اش همه آمرزیده شود و اگر سه روز بگیرد گناهان گذشته و آینده
اش همه آمرزیده شود و هر کس از دوستان و آشنایان را که خواهد شفاعت کند و محبت او حق او
بر خدا واجب شود و اگر چهار روز بگیرد از جنون و جذام و برص و فتنه دجال و عذاب قبر ایمن شود

و مثل

و مثل اجر تورات و انجیل برایش نویسند و نامه اعمالش از دست راست دهند و در اول عابدین باشد
و اگر پنج روز بگیرد چون از قبر بیرون آید روی او در روز قیامت روشن مثل ماه شب چهارده شود و بعدد ریگ بیابان
عالج حسنات دهند و بی حساب به بهشت برند و گویند هر چه میخواهی از خدا طلب کن و اگر شش روز بگیرد چون
از قبر بیرون آید رویش از آفتاب روشنتر باشد و علاوه بر این نور دیگر باو عطا فرمایند که تمام محشر از آن
نورانی شود و از اهوال قیامت ایمن شود و بی حساب بهشت رود و اگر هفت روز بگیرد هفت در دوزخ
از او بسته شود و آتش بر او حرام گردد و اگر هشت روز بگیرد هشت در بهشت بر او گشوده شود و اگر نه روز
بگیرد روز قیامت او را نوری عطا کنند که اهل محشر گمان کنند که مگر از جمله انبیاست و کمترین ثوابش
اینست که بی حساب داخل بهشت شود و اگر ده روز بگیرد خدای تعالی دو بال از در منظوم بدو دهد
که چون برق از صراط بگذرد و سیئاتش بحسنات مبدل گردد و از جمله مقربین نوشته شود و چنانکه هزار سال
عبادت کرده باشد و اگر یازده روز بگیرد در روز قیامت هیچکس مثل او نباشد مگر کسی که افضل از او باشد یا بیشتر گرفته باشد
و اگر دوازده روز بگیرد دو حله از سندس و استبرق بهشت در او پوشانند که اگر یکی از آنها را بدنیا آورند
نورش از مشرق تا مغرب را روشن کند و بویش خوشبوتر از مشک گردد و اگر سیزده روز بگیرد روز قیامت
که هر کس بمحنت و بلیه گرفتار باشند برای او در سایه عرش خوانی گذارند از یاقوت سبز هفتاد درجه
وسیعتر از تمام دنیا که در آن کاسه ها و صحنها باشد همه از در و یاقوت و در هر کدام هفتاد نوع نعمتها
باشد که هیچ یک بدیگری شبیه نبود و او در کنار آن بعیش و تنعم مشغول باشد و اگر چهارده روز بگیرد
آنقدر ثوابها و قصرها باو دهند که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد و اگر پانزده روز بگیرد
روز قیامت در موقف آمنین بایستد و هیچ ملکی و فرشته بر او نگذرد مگر که گوید خوشا بحال تو
تو از جمله مقربانی و اگر شانزده روز بگیرد از اول جماعتی باشد که بر مرکبهای نور سوار باشند و از عرصه

بهشت سیر کنند و اگر هفده روز بگیرد روز قیامت هفتاد هزار شمع از نور بر صراط گذارند که در روشنی آنها
برود و ملائکه تسبیح و ملاطفت بر مشایعتش کنند و اگر هجده روز بگیرد در جنت قبه در سر برید و یاقوت با
ابراهیم خلیل مزاحمت ننماید و اگر نوزده روز بگیرد در جنت عدن برای او قصری بنا کنند از لؤلؤ در برابر قصر آدم
و ابراهیم علیهما السلام که بهم سلام کنند و باهم صحبت دارند و هر که روزه گرفته مثل هزار ساله روزه باشد
و اگر بیست روز بگیرد چنانست که بیست هزار سال عبادت کرده باشد و اگر بیست و یک روز بگیرد
بعدد قبیله ربیعه و مضر گناهکاران را شفیع باشد و اگر بیست و دو روز بگیرد منادی از آسمان ندا کند که ای
ولی خدا مژده باد ترا بکرامتی عظیم از خدا و رفاقت صدیقین و نبیین و شهدا و صالحین و اگر بیست و سه
روز بگیرد از آسمان ندا کنند که خوشت باد اندک مشقتی کشیدی و در دار السلام همسایه و همنشین ابراهیم
گشتی و اگر بیست و چهار روز بگیرد وقت رحلت ملک الموت بصورت جوانی صاحب جمال آید و در دست
حریری سبز مشک اذفر معطر و در دست دیگر قدحی طلا مملو از شراب جنت تا آن شراب باو دهند که سکرات
موت بر او آسان گردد و با آن حریر قبض روحش کنند و ملائکه هفت آسمان بسوی او مشتاق کنند
و سیراب بجز ابد و سیراب بیرون آید تا وارد حوض کوثر شود و اگر بیست و پنج روز بگیرد چون از قبر بیرون
آید تا لوای حوض هفتاد هزار ملک استقبالش کنند با علمهای در و یاقوت و جامها و زینتهای بهشت
در او پوشند و گویند ای ولی خدا بشتاب به پیش خدا و اول کسی باشد که با مقربین و اهل بهشت
شود و اگر بیست و شش روز بگیرد در سایه عرش الهی صد قصر از در و یاقوت بنا کنند بر سر هر قصر خیمه از
حریر بهشت در آنجا بفراغت استراحت کنند و مردم هنوز مشغول حساب باشند و اگر بیست و هفت روز
بگیرد قبرش را بقدر چهار صد سال راه وسیع کنند و از مشک و عنبر پر کنند و اگر بیست و هشت روز
بگیرد میان او و دوزخ هفت خندق فاصله کنند که عرض هر یک پانصد سال راه باشد و اگر بیست و نه روز

بگیرد

بگیرد همه گناهانش آمرزیده شود هر چند عظیم باشد و اگر سی روز تمام بگیرد خدای تعالی از او راضی شود و هر
کس خدا از او راضی شود هرگز عذابش نکند و در بهشت چهل هزار قصر عطا فرماید و در هر قصری چهل هزار
خانه و در هر خانه چهل هزار خوان و در هر خوان چهل هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار نوع نعمت
و در هر خانه چهل هزار سریر که طول هر سریری ده هزار ذراع باشد بر هر سریری حوری نشسته که او را
سیصد هزار گیسو آویخته و هزار هزار کنیزک در خدمت ایستاده

فصل سیوم در فضایل روزه ماه شعبان

مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود ماه شعبان ماه منست هر کس یک روز از این ماه روزه گیرد
شفیع او باشم و اگر دو روز گیرد گناهان گذشته اش آمرزیده شود و اگر سه روز گیرد ملکی ندا کند که
اعمال از سر گیر که گناهان همه آمرزیده شد و جمعی از آنحضرت از فضل روزه رجب سؤال کردند و فرمود
چرا از شعبان نمی‌پرسید که افضل است از رجب و هم از آنحضرت صلعم روایتست که هر کس یک روز از این ماه
روزه گیرد گناهانش آمرزیده شود و نیز مرویست که روزه شعبان ذخیره روز قیامت است و هر کس از این ماه
روزه بسیار گیرد خدای تعالی معیشتش را اصلاح نماید و شر اعدایش را کفایت فرماید و کمترین ثواب
کسی که یک روز از این ماه روزه گیرد آنست که بهشت او را واجب شود و نیز مرویست که هر کس روز اول این ماه
روزه گیرد بهشت او را واجب شود و خدای تعالی برای او هفتاد حسنه نویسد که هر یک حسنه برابر
یکساله عبادت باشد و اگر دو روز بگیرد گناه عظیمی که موجب بلا گشته باشد محو شود تا در دنیا باشد
هر شبانه روز خدای تعالی بر او برحمت نظر کند و در بهشت هر که نظر او و بر نهاد و اگر سه روز بگیرد
در بهشت هر روز خدای تعالی را بر عرش زیارت کند و هفتاد دو حجره از در و یاقوت برایش بنا
گردانند و اگر چهار روز بگیرد قبر او وسیع گردانند و اگر پنج روز بگیرد خدای تعالی محبت او در دل
مردم جای دهد و اگر شش روز بگیرد از هفتاد نوع بلا ایمن شود و اگر هفت روز بگیرد از ابلیس

وجودش محفوظ باشد و اگر هشت روز بگیرد از دنیا نرود تا از حوضهای قدس آبش دهند و اگر نه روز
بگیرد منکر و نکیر با او در وقت سوال با او مهربان کرده اند و اگر ده روز بگیرد قبرش هفتاد ذراع در هفتاد
وسیع گردانند و اگر یازده روز بگیرد یازده ستون نور در قبرش نصب کنند و اگر دوازده روز بگیرد
هر روز در قبر هفتاد هزار ملک زیارتش کنند و اگر سیزده روز بگیرد ملائکه هفت آسمان برایش
استغفار کنند و اگر چهارده روز بگیرد همه چیز حتی ماهیان دریا برایش استغفار کنند و اگر پانزده روز
بگیرد خدای تعالی فرماید بعزت خودم قسم که او را باتش عذاب نکنم و اگر شانزده روز بگیرد هفتاد
دریای آتش از و خموش شود و اگر هفده روز بگیرد همه درهای دوزخ از و بسته شود و اگر هجده
روز بگیرد هفتاد هزار قصر از در و یاقوت در بهشت باو دهند و اگر نوزده روز بگیرد همه درهای
بهشت برو گشوده شود و اگر بیست روز بگیرد هفتاد هزار حور العین برایش تزویج کنند و اگر بیست
یک روز بگیرد ملائکه با او بلطف و مهربانی نمایند و اگر بیست دو روز بگیرد هفتاد حله از سندس و
استبرق در و پوشند و اگر بیست سه روز بگیرد هفتاد حله از سندس و استبرق در و پوشند و چون
از قبر بیرون آید بر مرکبی از نور سوار شده به بهشت رود و اگر بیست چهار روز بگیرد شفیع هفتاد
هزار کس از اهل توحید باشد و اگر بیست پنج روز بگیرد از نفاق بری شود و اگر بیست شش روز
بگیرد از صراط بگذرد و اگر بیست هفت روز بگیرد از آتش برات یابد و اگر بیست هشت روز
بگیرد رویش نورانی و درخشان باشد و اگر بیست نه روز بگیرد برضوان اکبر الهی فایز شود
و اگر سی روز تمام بگیرد خدای تعالی فرماید اگر گناه تو بعدد ستاره آسمان و قطره باران و برگ
درختان و خاک زمین و ریگ بیابان باشد همه را آمرزیدم و نیز مرویست که هر کس ماه شعبان را بماه رمضان
متصل کند کفاره گناهان گذشته و آینده اش باشد و نیز مرویست که هر کس سه روز آخر ماه شعبان روزه

گیرد و بماه مبارک رمضان متصل کند چنانست که دو ماه متوالی بروزه گرفته باشد و کفاره گناهانش
فصل چهارم در فضایل روزه ماه مبارک رمضان مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود اگر شما
فضایل این ماه را بدانید خدای تعالی را شکر بسیار کنید که این تفضل بشما فرموده هر کس این ماه را روزه
گیرد روز اول گناهانش آمرزیده شود و دو هزار هزار درجه برایش بلند گردد و پنجاه شهر برایش
در بهشت بنا کنند و روز دوم بهر گامی که بردارد عبادت یکساله و روزه یکساله نویسند و روز سوم
بعدد هر مویی که در بدن دارد قبه در فردوس عطا فرمایند از در سفید که بر بالایش دوازده در
زبرجد و دوازده خانه از نور و در هر خانه هزار سریر و در هر سریری حوری نشسته و هر روز هزار ملک
هر یک با هدیه و تحفه پیشش آیند و روز چهارم در جنت خلد هزار قصر عطا فرمایند و در هر قصر هفتاد
هزار خانه و در هر خانه هزار سریر و بر هر سریری حوری نشسته و در خدمت هر یک هزار کنیزک که مقنعه
هر یک از ایشان بهتر است از تمام دنیا و ما فیها و روز پنجم در جنت المأوی هزار هزار شهر و در هر شهری
هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار خوان و در هر خوان هفتاد هزار کاسه و در هر کاسه شصت نوع
طعام که هیچ کدام به یکدیگر شبیه نبود و روز ششم در جنت السلام صد هزار شهر و در هر شهر صد
هزار سرا و در هر سرا صد هزار خانه و در هر خانه صد هزار سریر که طول هر سریر هزار ذراع باشد
و بر هر سریر حوری نشسته باشد از هر یک سی هزار گیسو آویخته با در و یاقوت بافته گیسوی هر یک را
کنیزکی در دست گرفته و روز هفتم ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق عطا فرماید و روز
هشتم ثواب عمل شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد و روز نهم ثواب هزار عالم و هزار معتکف و
هزار مرابط فی سبیل الله و روز دهم چنان باشد که هفتاد هزار حاجت برآورده باشد و آفتاب
و ماه و ستارگان و همه مخلوقات حتی طیور و سباع و سنگ و کلوخ و ماهیان دریا و برگ درختان

برایش استغفار کنند و روز یازدهم ثواب چهار حج و چهار عمره که هر حج با پیغمبری و هر عمره با
صدیقی یا شهیدی کرده باشد و روز دوازدهم سیئاتش مبدل بحسنات شود و حسناتش مضاعف
گردد که هر حسنه برابر هزار حسنه باشد و روز سیزدهم مثل عبادت اهل مکه و مدینه و بعد هر سنگ و
کلوخی در میان مکه و مدینه شفاعت عطا فرمایند و روز چهاردهم چنانست که با آدم و نوح و
ابرهیم و موسی و داود و سلیمان ملاقات کرده و صحبت داشته باشد و چنانست که با هر پیغمبری دویست
سال عبادت کرده باشد و روز پانزدهم جمیع حوایج دنیا و آخرت و مثل ثواب ایوب عطا فرمایند
و دعایش مستجاب باشد و حمله عرش تمام برایش استغفار کنند و روز قیامت چهل نور عطا فرمایند ده بر
جانبش ده نور و روز شانزدهم چون از قبر بیرون آید هفتصد حله از بهشت در او پوشند و بر مرکبی
از بهشت سوار شود و ابری بر سرش از حرارت آن روز سایه کند و روز هفدهم گناهان او و گناهان
آبا ایش آمرزیده شود و از شداید روز قیامت ایمن گردد و روز هیجدهم خدای تعالی فرماید که جبرئیل و
میکائیل و اسرافیل و حمله عرش و کروبیین برایش استغفار کنند تا سال دیگر و روز قیامت
ثواب انبیا باو عطا فرماید و روز نوزدهم جمیع ملائکه آسمان و زمین از خدای تعالی اذن خواسته بهر
زیارت قبرش آیند هر یک با هدیه و شربتی از بهشت و روز بیستم هفتاد هزار ملک بر او موکل
شوند که از شیاطین محافظتش نمایند و بعد هر روز که روزه گرفته ثواب صد ساله روزه عطا
فرمایند و میان او و دوزخ خندق فاصله کنند و ثواب هر کس توریة و انجیل و زبور و فرقان
خوانده و بعد هر پری از بال جبرئیل عبادت یکساله و ثواب تسبیح حمله عرش و کرسی عطا فرمایند و بعد
هر آیه از قرآن حوری برایش تزویج کنند و روز بیست و یکم خدای تعالی قبرش را هزار فرسخ وسیع گرداند
و وحشت و ظلمت قبر از او برگیرد و قبرش را مثل قبر شهدا گرداند و رویش را مثل روی یوسف ع کند

و روز بیست و دوم ملک الموت در وقت قبض روحش چنان آید که پیش انبیا میرود و از هول
نکیر و منکر و هموم دنیا و عذاب آخرت ازو برخیزد و روز بیست و سیوم با نبیین و صدیقین و شهدا
و صالحین از صراط بگذرد و چنانست که هر یتیم و اسیر و برهنه را پوشیده باشد و روز بیست و چهارم از
دنیا نرود تا جای خود در بهشت ببیند و ثواب هزار مریض و هزار غریب که بطاعت خدا از وطن
رفته بیابد و چنان باشد که هزار بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و روز بیست و پنجم خدای تعالی
در زیر عرش برایش هزار قبه از نور سبز بنا فرماید بر هر قبه خیمه از نور و فرماید ای بنده من در پناه عرش
من بیاسای و از این نعمتهای بهشت متنعم نمای و از هر بیم و اندوه در امان باشی و هزار تاج از
نور بر سرش نهند و بر مرکبی از نور سوار شود که زمامش از نور باشد و بر زمامش هزار حلقه از طلا و بر
هر حلقه ملکی موکل و در دست هر ملک عمودی از نور تا داخل بهشت شود و اولین و آخرین از حال
او عجب باشند و روز بیست و ششم خدای تعالی بر او نظر رحمت کند و همه گناهانش را بیامرزد و دیگر
خون و مال بردم و روز بیست و هفتم چنانست که هر مومن و مومنه را نصرت کرده باشد و هفتاد هزار
برهنه را پوشانیده و هزار مرابط فی سبیل الله را خدمت کرده و جمیع کتب الهی را خوانده باشد
و روز بیست و هشتم خدای تعالی در جنت خلد صد هزار شهر از نور و در جنت الماوی صد هزار قصر از
نقره و در جنت نعیم صد هزار خانه از عنبر اشهب و در جنت فردوس صد هزار شهر و در هر شهری صد هزار
حجره و در جنت الجلال صد هزار منبر از مشک و در درون هر منبر هزار خانه و در هر خانه هزار
هزار سریر از در و یاقوت و بر هر سریری حوری نشسته عطا فرماید و روز بیست و نهم هزار هزار
منزل و در هر منزل قبه سفید و در هر قبه سریری از کافور و بر هر سریری هزار مسند از سندس سبز و بر هر
مسند حوری نشسته هفتاد هزار حله پوشیده و هشتاد هزار گیسو مکلل بدر و یاقوت عطا فرمایند

و چون کسی روز تمام شود لعبه هر روز که روزه گرفته ثواب هزار شهید و هزار صدیق و عبادت
پنجاه ساله باو عطا فرماید و هر روز که روزه داشته برابر روزه هزار روز باشد و بعد هر درخت
و گیاه که از آب و دنیل رسته درجات بلند کرداند و از عذاب ایمن باشد و بر هر اطاعکه زد و بهشت را
دریست که ریان نام که تا روز قیامت گشوده نشود و آن روز بگشایند و رضوان خازن بهشت
گو برای روزه داران ماه مبارک رمضان از امت محمد صلعم از این در داخل بهشت شوید پس
حضرت پیغمبر صلعم فرمود کسی که در بیابان آمرزیده نشود در کدام ماه آمرزیده خواهد شد و تفصیل
سایر روزه های مستحب یک یک در جای خود انشاء الله بیاید فصل پنجم در آداب صایم مروی است از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزه گرفتن همین از خوردن و آشامیدن نیست بلکه چون روزه گیری
باید چشم و گوش و موی و پوست و همه جوارح و اعضایت از حرام و قبیح در روزه باشد
و روز صیام مثل سایر ایام نباشد با مردم منازعه و مجادله مکن و دروغ مگوی و دشنام مده
و قسم مخور و مردم حتی خادم خود را مرنجان و آزار مکن حضرت پیغمبر صلعم زنی را دید روزه دار که کنیز
خود را دشنام داد آنحضرت آن زن را طلبید و طعامی طلبیده فرمود بخور گفت من روزه دارم
فرمود چون روزه داری که دشنام میدهی روزه همین از طعام و شراب نیست چون کسی روزه
دار را دشنام بدهد او بگوید من روزه دارم مثل تو دشنام نمیدهم خدا تعالی فرماید بنده من
بروزه پناه برد او را از آتش پناه دادم و نیز مروی است که در روزه و در شب از روز جمعه و
در شب مطلق و در شب از روز ماه مبارک رمضان و کسی که محرم باشد و در حرم مکه معظمه شعر
خواندن نشاید اگرچه در مدح اهل بیت علیهم السلام باشد و مراد از این شعر آن است که مشتمل بر کذب
و هجو و طعن باشد بر خیالات و اغراقات و دعواهای باطل و غیر واقع و امثال این باشد چنانکه در بیان شعر

شایع

شایع است اگرچه موضوعش حق باشد مثل مدح اهل بیت علیهم السلام و اگرچه شأن ایشان ارفع از آن باشد اما اگر
مشتمل حق واقعی باشد و موضوعش نیز حق باشد مثل مناجات و موعظه و مدح اهل بیت علیهم السلام قصوری
ندارد چنانکه از تتبع کلام عرب و اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام ظاهر و مبین است و روزه
دار را افضل آنست که مضمضه و استنشاق نکند مگر برای نماز و نیز وضو و با چوب تر مسواک نکند
اما اگر چوب خشک باشد و آب نکند و حرکت دهد تا آبش بریزد قصوری ندارد و هر بوی که مشک داشته باشد
بالمس و کلو محسوس شود در چشم نکند و جامه تر نپوشد مگر بعد از افشردن اما در آب نشستن قصوری
ندارد و گل تازه و مشک و نرگس و ریحان و هر گیاه خوشبو نبوید که اینها برای صایم مکروه است اما
سایر عطرها و گلها و بخور قصوری ندارد بلکه تعطیر و بخور صایم مستحب است و مروی است که روزه دار
اول روز تعطیر کند عقلش زایل نشود فصل ششم در سحور مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که در ماه مبارک رمضان افضل آنست که ترک سحور نکنند و در غیر آن اگر خواهند سحور کنند و اگر نخواهند
نکنند و هر کس همیشه سحور کند اگرچه افطار را بآب نماید که قوتش بر صوم دهد باید و خدا تعالی بر سحور
کنندگان صلوات و رحمت فرستد و هر کس در وقت افطار و سحور انا انزلناه بخواند چنانست که در راه
خدا در خون خود غلطیده باشد فصل هفتم در افطار مروی است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حضرت پیغمبر
افطار بحلوا میفرمود و اگر حلوا نمیبود بقند یا خرما و اگر هیچ کدام نمی بود به آب نیمگرم و افطار
بآب نیمگرم معده و جگر را پاک کند و بوی دهن خوش کند و دندان محکم گرداند و چشم را قوت و جلا
دهد و گناهان از دل بشوید و رگهای جهنده را ساکن نماید و صفرا بشکند و بلغم قطع کند و حرارت
معده و صداع زایل گرداند و فضل آنست که اگر کسی انتظار نکشند افطار را بعد از شام کند که
روزه بنماز ختم شود و دعا در وقت افطار مستحب باشد و فضل قراءت انا انزلناه در وقت افطار

در فصل سابق گذشت و اگر در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم یا عظیم انت الله لا اله
الا انت اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا انت یا عظیم از گناه پاک شود
مثل روزی که متولد شده و ایضاً در وقت افطار بگوید بسم الله اللهم لک صمنا و علی رزقک
افطرنا فتقبل منا انک انت السمیع العلیم **فصل هشتم** در تفطیر صایم مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که هر کس صایمی را افطار فرماید مثل ثواب او داشته باشد و افطار فرمودن صایم
افضل است از روزه که خود بگیرد و اگر در ماه مبارک رمضان افطار فرماید چنانست که بنده
آزاد کند و کفاره گناهان گذشته باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام یکی از اصحاب را فرمود میتوانی
که در ماه مبارک رمضان در هر شب بنده از اولاد اسمعیل آزاد کنی گفت مالم باین قدر وفا
نکند فرمود و میگفت نمیتوانم تا بنده رسید گفت نمیتوانم پس فرمود میتوانی در هر شب یک مسلم را افطار
نمائی گفت بلی ده مسلم را نیز فرمود مقصود من همین بود که افطار فرمودن مومنی مثل آزاد
کردن بنده ایست از اولاد اسمعیل **فصل نهم** در فضایل افطار کردن برای سرور مومن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در خانه برادر مومن افطار کردن هفتاد و نه برابر افضل است از
روزه که گرفته و چون کسی روزه غیر واجب داشته باشد و بر مومنی وارد شود و تکلیف افطار
کند و او را مسرور سازد اگر چه بعد از عصر باشد برابرست با ده روز روزه و اگر اظهار نکرده و منت بر او
نگذاشته افطار کند مثل یکساله روزه باشد و از این حدیث و سایر احادیث بسیار که در سرور مومن
وارد شده توان دانست که بهر وجه که افطار کردن سبب سرور مومن باشد رفع کرده رضای او
باید کرد اگر چه در خانه او نباشد **فصل دهم** در اعتکاف مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که افضل اوقات برای اعتکاف ماه مبارک رمضانست حتی آنکه مرویست که اعتکاف نباشد

پس نگذرد یکی مگر می

مگر در عشر آخر ماه رمضان و ده روز اعتکاف در ماه رمضان برابرست با دو حج و دو عمره
و اعتکاف کمتر از سه روز نباشد و بیشتر هر قدر که خواهد تواند و در اصل اعتکاف مستحبست اما چون
دو روز بگذرد در روز سیوم واجب شود و همچنین هر دو روز سیوم واجب باشد مثل روز ششم و نهم
و دوازدهم پس در روز اول و دوم باختیار تواند فسخ اعتکاف کرد و بیرون رفتن و در روز سیوم
بضرورت تواند بیرون رفت و شرطست در اعتکاف روزه داشتن پس کسیکه روزه نتواند داشت
یا در وقتی که روزه نتوان داشت اعتکاف او صحیح نباشد و هر روزه که باشد مجزی بود خواه واجب
و خواه غیر آن و نیز شرطست که در مسجدی باشد که امام عادلی در آن نماز کرده باشد و افضل مساجد
برای اعتکاف مسجد الحرام و مسجد رسول الله و مسجد کوفه است و در ایام اعتکاف بغیر ضرورت بیرون
نشاید رفت و جایز نیست بیرون رفتن برای نماز جمعه یا حضور جنازه یا عیادت مریض یا مجلس
حقی از حقوق دین و کار ضروری و چون برای حاجتی بیرون رود در جائی ننشیند تا آنکه بمسجد
خود عود کند و نماز در غیر آن مسجد نگذارد مگر نماز جمعه یا در مکه معظمه که در هر موضعی از مکه که نماز گذارد
صحیح باشد و حرامست در ایام اعتکاف مباشرت کردن خواه در روز و خواه شب و در این ایام از بوی
خوش و ریاحین و مجادله با مردم و بیع و شرا احتراز باید نمود و که وقت نیت با خدا شرط کند که اگر
امری سانح شود بیرون رود که چون این شرط کرده باشد هر وقت امری عارض شود بیرون تواند رفت
و حرجی بر او نباشد خواه پیش از روز سیوم خواه بعد از آن **باب هشتم** در اعمال مشهوره و اعوام
و لیالی و ایام و مقصود ازین باب در دوازده فصل انشاء الله بیان شود **فصل اول** در اعمال
روز نوروز و فضایل آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که عهد خلافت امیر المومنین صلوات الله علیه
در غدیر خم در این روز بود و درین روز حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه ظهور خواهد فرمود و برکات درین روز

بسیار واقع شده و سنّت است در این روز روزه داشتن و غسل کردن و جامهای پاکیزه پوشیدن
و تطیّر نمودن و خواندن هر یک از آیة الکرسی و این دعا بعدد ایام سال اللّهمّ هذه سنة جدیدة
وانت ملك قدیر اسئلك خیرها وخیر ما فیها واعوذ بك من شرّها وشرّ ما فیها
واستكفیك مؤنتها وشغلها یا ذا الجلال والاکرام و هر کس این روز بعد از نماز ظهر چهار
رکعت نماز گزارد و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه و در دوم ده قل یا ایها الکافرون
و در سیوم ده قل هو الله و در چهارم ده معوذتین بخواند و بعد از فراغ سجده شکر کند و در سجده
این دعا بخواند پنجاه سال گناه او آمرزیده شود اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد الاوصیاء المرضیّین
وانبیائك ورسلك بافضل صلواتك وبارك علیهم بافضل برکاتك وصلّ علی ارواحهم
واجسادهم اللّهمّ بارك علی محمّد وآل محمّد وبارك لنا فی یومنا هذا الذی فضّلته وکرّمته
وشرّفته وعظّمت قدره اللّهمّ بارك لی فیما اعطیتنی حتّی لا اشکر احدا غیرك
ووسّع علیّ فی رزقی یا ذا الجلال والاکرام اللّهمّ ما غاب عنّی من شیء فلا یغیبنّ
عنّی عونك وحفظك وما فقدت من شیء فلا یفقدنی عونك علیه حتّی لا اتکلّف
ما لا احتاج الیه یا ذا الجلال والاکرام و نوشتن هفت سلام با مشک و زعفران و کلاه
و آشامیدن آن امانست تا نوروز دیگر از علل و امراض چنانچه مشهور است و در مجموعه بنظر رسیده
مروی از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و خواندن یا محوّل الحول والاحوال حوّل حالنا الی احسن الحال
بعدد ایام سال مشهور است اما حدیثی بنظر نرسیده **فصل دوم** در اعمال هر ماه که اختصاص بماهی
ندارد و مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که حضرت پیغمبر صلعم چون ماه نو میدید میگفت ایّها
الخلق المطیع الدائب السریع المتردّد فی ملکوت الجبروت بالتقدیر ربّی وربّك الله اللّهمّ

اهلّه

اهلّه علینا بالامن والایمان والاسلام والسلامة والاحسان وکما بلّغتنا اوّله
فبلّغنا آخره واجعله شهرا مبارکا تمحو فیه السیّئات وتثبت لنا فیه الحسنات وترفع
لنا فیه الدرجات یا عظیم الخیرات و اگر خواهد دعای صحیفه کامله را بخواند که اتمّ و اکمل است
و هر کس وقت دیدن ماه هفت مرتبه حمد بخواند در آن ماه چشمش آزار نرسد و هر کس اوّل ماه پنیر بخورد
امید هست که در آن ماه دعا و حاجتش روا شود و اوّل هر ماه دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اوّل
بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله و در دوم سی مرتبه انا انزلناه بخواند و آنچه میسّر شود تصدّق کند
سلامت آن ماه را از خدا بخرد و هر کس در هر ماه حضرت امام حسین علیه السلم را زیارت کند ثواب صد
هزار شهید از شهدای بدر یابد و سنّت است در هر ماه سه روز روزه داشتن پنجشنبه اوّل و آخر ماه
و چهارشنبه میان ماه که برابر است با صوم دهر و وسوسه خاطر را دفع کند از ائمه طاهرین علیهم السلم از سبب این
روزه سؤال نمودند فرمودند پنجشنبه برای آنکه اعمال در پنجشنبه بخدا عرض میرسد خوبست با روزه
عرض شود و چهارشنبه میان ماه روز عذابست و ارکان آتش در چهارشنبه آفریده شده و خدا هلاک کرد
جمیع امم سابقه را در چهارشنبه میان ماه عذاب کرده و روزه امانست از عذاب و اگر در اول
ماه دو پنجشنبه باشد اوّل افضل است و اگر در آخر دو پنجشنبه باشد آخر افضل باشد و اگر بسبب پیری
یا مشقّتی روزه گرفتن دشوار باشد قضا کند یا عوض هر روز یکدرهم که تخمینا شصت دینار بزرگی
نقره است یا مدّی گندم یا غیر آن از طعامها که تخمینا بوزن تبریز یک چهاریک است تصدّق کند
و روایات بسیار آمده که تصدّق افضل است و در یکی از این روایات آمده که این قدر تصدّق در
در نظر راوی کم نمود و امام علیه السلم فرمود بعوض طعام دادن افضل است از یکماه روزه گرفتن
و نیز مرویست که هر کس در یکی از ماههای حرام که رجب و ذو القعده و ذو الحجه و محرّم است پنجشنبه و جمعه

و شنبه روزه گیرد عبادت شصت ساله برایش نوشته شود **فصل سیوم** در اعمال ماه مح
رم اینماه اول سنهٔ هجریست مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هرکس در سال
روز اول اینماه دو رکعت نماز گزارد و بعد از سلام سه مرتبه بگوید اللّهمّ انّک انت الابدیّ
القدیم الحیّ الغفور الرّحیم وهذه سنة جدیدة فاسئلک العصمة فیها من
الشّیطان الرّجیم والعون علی هذه النّفس الامّارة بالسّوء والاشتغال بما یقرّبنی
الیک یا ذا الجلال والاکرام والفضل والانعام یا ارحم الرّاحمین خدای تعالی دو ملک را
موکّل گرداند که در بقیهٔ عمر شیطان از او دفع کنند و از متابعت نفس امّاره و پیروی هوا و هوس نفس
محافظتش نمایند و بر طاعات و حسنات اعانتش کنند و روز دهم اینماه قضیّهٔ عظمی که بلا واقع شده
و بنی امیّه و اتباع ایشان لعنهم الله باین روز تبرّک کرده اند و روزه گرفته هرکس درین روز
روزه گیرد و بآن تبرّک کند با آل زیاد لعنهم الله در جهنّم باشد و هرکس درین روز ذخیره کند خدای تعالی نفاق
در دلش اندازد و برکت از او و از اولاد او برطرف شود و اهل بیتش برود و شیطان در آن شریک شود
و اگر سعی در کاری از کارهای دنیا کند ساخته نشود و اگر شود مبارک نباشد و هرکس درین روز
دست از حوائج دنیا باز دارد خدا حوائج دنیا و آخرتش برآورد و از اعظم مستحبّات
درین روز مشغول بمصیبت حضرت امام حسین علیه السلام و اقربا و اصحاب او علیهم السلام که اعظم و اشدّ
بلاهاست بودن بهیأت مصیبت زدگان محزون و گریان و جامه و گریبان گشودن
و تا یکساعت بعد از عصر دست از طعام و شراب و لذّات و شهوات کشیدن و بعد از آن
باندک تربت مقدّس افطار نمودن که هرکس امروز را روز گریه و مصیبت خود گرداند خدای تعالی
روز قیامت را روز فرح و مسرّت او گرداند و هرکس مصیبت اهل بیت علیهم السلام یاد کند و گریه و

دیگر را

دیگر را بگریاند روز قیامت با ایشان بود و در جوار ایشان باشد و چشمش نگرید در روزی
که همه چشمها گریان باشد و هرکس یک قطره اشک بریزد برای خونی که از ایشان ریخته یا حقّی که از ایشان
بظلم رفته یا عوضی که بحرمت گذشته یا برای یکی از شیعیان ایشان حقّ تعالی در بهشت باشد و حقّ را
بهشتها و سالها بیشتر تعبیر کرده اند و گریه برای حضرت امام حسین علیه السلام گناهان عظیم را بریزد
و هرکس بر آنحضرت گریه کند و اشک بر رویش روان شود همه گناهانش صغیره و کبیره قلیل
و کثیر آمرزیده شود و اگر مرثیه در شأن آنحضرت بخواند و بگرید و دیگر را بگریاند و اگر گریه نیاید
خود را بگریه ناک گرداند بهشت او را واجب شود و هرکس زیارت آنحضرت کند روز قیامت
هیچ گناه بر او نباشد و هرکس قاتلان آنحضرت را لعنت کند در غرفهای بهشت با اهل بیت طاهرین علیهم السلام باشد
و هرکس هرگاه یاد آنحضرت بگوید یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیما چنانست که در خدمت
آنحضرت شهید شده باشد و هرکس بفرح ایشان فرحناک و بحزن ایشان محزون باشد با ایشان
در درجات عالیهٔ بهشت باشد و هرکس شب عاشورا در پیش قبر آنحضرت بگذراند چنانست که در صحرای
کربلا در خدمت آنحضرت شهید شده و در خون خود غلطیده باشد و هرکس روز عاشورا زیارت
قبر مقدّس آنحضرت کند چنانست که خدای تعالی را در عرش زیارت کند و بهشت او را واجب شود و
حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود هرکس روز عاشورا گریان زیارت قبر آنحضرت کند ثواب دو
هزار حجّ و دو هزار عمره و دو هزار غزوه که در خدمت حضرت پیغمبر و ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام کرده باشد
برایش ثبت شود و اگر از آنمکان دور باشد و نتواند بآنجا حاضر شود چون روز بلند شود پیش
از زوال بصحرا بیرون رود و یا بر بام بلند برآید و بر آنحضرت سلام کند و گریه و نوحه کند و دو رکعت
نماز بگزارد و بر قاتلانش لعنت بسیار کند و اهل بیت خود را بر گریه دارد و در خانهٔ خود مصیبت

برپای دارد و یکدیگر را تعزیه کنند و بگویند اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین ع وجعلنا
وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد ع من ضامنم که چون چنین کنند
همه آن ثوابها و ثواب مصیبت هر نبی و رسول و وصی و صدیق و شهید از اول دنیا تا روز قیامت
برای ایشان نوشته شود راوی پرسید طریقه تعلیم کن مرا که در این روز از دور یا نزدیک زیارت
کنم فرمود بایستی بطریقه زیارت کن اول تکبیر بگوی بعد از آن چنین سلام کن که مذکور میشود و بعد
از آن دو رکعت نماز بگزار که خدای تعالی صد هزار هزار حسنه برایت نویسد و چنان باشد که در خدمت
آنحضرت شهید گشته باشی بحقیقت و با شهدا و درجه ایشان شریک باشی بحقیقتی که هیچ از ایشان
ممتاز نباشی و ثواب زیارت هر نبی و رسول و ملک هر کس زیارت آنحضرت کرده از روزی که
شهید شده برای تو نوشته شود و اگر هر روز چنین زیارت کنی همین ثواب داشته باشی اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ یَا ابْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَابْنَ سَیِّدِ
الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ
وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنائِکَ وَاَناخَتْ
بِرَحْلِکَ عَلَیْکُمْ مِنّی جَمیعاً سَلامُ اللهِ ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ یا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ
عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصیبَتُکَ فِی السَّمواتِ عَلی جَمیعِ اَهْلِ السَّمواتِ
فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
دَفَعَتْکُمْ عَنْ مَقامِکُمْ وَاَزالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتی رَتَّبَکُمُ اللهُ فیها وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکُمْ
وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدینَ لَهُمْ بِالتَّمْکینِ مِنْ قِتالِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْیا
عِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِیائِهِمْ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ

اِلی یَوْمِ الْقِیمَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِیادٍ وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَیَّةَ قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ
مَرْجانَةَ وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَ
تَنَقَّبَتْ وَتَهَیَّأَتْ لِقِتالِکَ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِکَ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی
اَکْرَمَ مَقامَکَ وَاَکْرَمَنی بِکَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ
بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجیهاً بِالْحُسَیْنِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ
یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ وَاِلی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلی فاطِمَةَ وَاِلَی
الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ بِمُوالاتِکَ وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ قاتَلَکَ وَنَصَبَ لَکَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ
اَساسَ ذلِکَ وَبَنی عَلَیْهِ بُنْیانَهُ وَجَری فی ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَیْکُمْ وَعَلی اَشْیاعِکُمْ بَرِئْتُ
اِلَی اللهِ وَاِلی رَسُولِهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَاَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ ثُمَّ اِلَیْکُمْ بِمُوالاتِکُمْ وَمُوالاةِ وَلِیِّکُمْ
وَبِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکُمْ وَالنّاصِبینَ لَکُمُ الْحَرْبَ وَبِالْبَرائَةِ مِنْ اَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ اِنّی
سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ وَوَلِیٌّ لِمَنْ والاکُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ فَاَسْئَلُ
اللهَ الَّذی اَکْرَمَنی بِمَعْرِفَتِکُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِیائِکُمْ وَرَزَقَنِی الْبَرائَةَ مِنْ اَعْدائِکُمْ وَاَنْ یَجْعَلَنی
مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَاَنْ یُثَبِّتَ لی عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ
یُبَلِّغَنِی الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذی لَکُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثاری مَعَ اِمامٍ هُدیً
ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْکُمْ وَاَسْئَلُ اللهَ بِحَقِّکُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذی لَکُمْ عِنْدَهُ اَنْ یُعْطِیَنی بِمُصابی بِکُمْ
اَفْضَلَ ما یُعْطی مُصاباً بِمُصیبَتِهِ مُصیبَةً ما اَعْظَمَها وَاَعْظَمَ رَزِیَّتَها فِی الْاِسْلامِ
وَفی جَمیعِ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنی فی مَقامی هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْکَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَ
مَغْفِرَةٌ اَللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَماتی مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ اِنَّ هذا

يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد اللعين بن اللعين على لسانك ولسان نبيك
في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك اللهم العن ابا سفيان ومعوية ويزيد بن
معوية وآل مروان عليهم منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل
مروان بقتلهم الحسين عليه السلم اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب اللهم اني
اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حيوتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم
وبالموالات لنبيك وآل نبيك عليهم السلم بعد از ان صد مرتبه بگوی اللهم العن اول ظالم
ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين
وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا بعد از ان صد بار بگوی السلام عليك
يا ابا عبد الله وعلى الارواح التي حلت بفنائك واناخت برحلك عليك مني سلام الله
ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتك السلام على الحسين
وعلى علي بن الحسين وعلى اصحاب الحسين بعد از ان بگوی اللهم خص انت اول ظالم باللعن
مني وابدا به اولا ثم الثاني والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله
بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي سفيان وآل زياد وآل مروان
الى يوم القيمة بعد از ان سجده كن وبگوی اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم
الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني شفاعة الحسين يوم الورود وثبت لي قدم
صدق عندك مع الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلم **فصل چهارم** در اعمال واصحاب الحسين
ماه صفر بعضى از اعاظم علما در كتب خود نقل كرده اند كه هر كس هر روز از اينماه ده مرتبه اين دعا بخواند
از بلاهائى كه در اينماه نازل شود ايمن باشد يا شديد القوى يا شديد المحال يا عزيز يا عزيز

يا عزيز

يا عزيز ذلت لعظمتك جميع خلقك فاكفني شر خلقك يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم و
كذلك ننجي المؤمنين وصلى الله على محمد وآله الطيبين مستحب است در بيستم اينماه كه اربعين
عاشوراست زيارت حضرت امام حسين ع وروايت است از حضرت امام حسن عسكرى ع كه پنج چيز از علامات مؤمنست
صلوة احدى وخمسين وزيارت اربعين وتختم بيمين وتعفير جبين وجهر ببسم الله الرحمن الرحيم چون خواهى زيارت
كنى وقت ارتفاع روز بگوید السلم على ولي الله وحبيبه السلم على خليل الله ونجيبه السلم
على صفي الله وابن صفيه السلم على الحسين المظلوم الشهيد السلم على اسير الكربات وقتيل
العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن وليك وصفيك وابن صفيك الفائز بكرامتك
اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبيته بطيب الولادة وجعلته على خلقك
من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ من الجهالة
وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى
آخرته بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى في هواه واسخطك واسخط نبيك واطاع
من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم
فيك صابرا محتسبا حتى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعنا وبيلا
وعذبهم عذابا اليما السلم عليك يا ابن سيد الاوصياء اشهد انك امين الله وابن
امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا ومت فقيدا مظلوما شهيدا وانا اشهد ان الله
منجز ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله
وجاهدت في سبيله حتى اتاك اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك

وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ اَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاهُ وَعَدُوٌّ
لِمَنْ عاداهُ بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْاَصْلابِ الشّامِخَةِ
وَالْاَرْحامِ الطّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيَّةُ بِاَنْجاسِها وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِيابِها
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّينِ وَاَرْكانِ الْمُسْلِمينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ
الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ وَاَعْلامُ الْهُدىٰ
وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةُ عَلىٰ اَهْلِ الدُّنْيا وَاَشْهَدُ اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ
ديني وَخَواتيمِ عَمَلي وَقَلْبي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْري لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يَاْذَنَ
اللهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ وَشا
هِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ بعد از آن دو رکعت نماز گزارد و هر
دعا که خواهد بخواند **فصل پنجم** در اعمال ماه ربیع الاول اکثر شیعه برآنند که در نهم این ماه قتل عمر بن الخطاب
واقع شده و اصح تواریخ و بعضی از علمای شیعه برین خلاف کرده اند اما حدیثی صحیح در این روایت
شده و خلاصه مضمون آن چنانست که دو کس از شیعیان گویند روز نهم ربیع الاول بود که رفتیم بخانه احمد بن
اسحق قمی که از اعاظم اصحاب امام علی النقی بود دیدیم غسل کرده از خانه بیرون آمده و هنوز آثار آب بر
اعضای خود در خشک میکرد ما را از وضع او تعجب رو داد گفت چنانست که شما گمان کرده اید
بلکه امروز عید است و من غسل عید کرده ام گفتیم که شیعیان را بغیر از اضحی و فطر و غدیر عیدی دیگر هست گفت
بلی پس ما را بخانه برد و نشستیم پس گفت من با جماعتی از شیعیان در همین روز که نهم ربیع الاول است رفتیم بخدمت
مولای خود امام علی النقی و آن حضرت هر یک از ملازمان و خدم را فرموده جامه‌های نو پوشیده بودند
و مجمره در پیش آن حضرت بود و بخور میسوزد ما گفتیم پدر و مادر ما فدای تو باد مگر اهل بیت را فرح و عیدی تازه

شد

شده فرمود که کدام روز نزد اهل بیت حرمتش عظیم تر است از امروز که حذیفة بن الیمان روایت نموده روزی
بخدمت جدم رسول الله رفت آن حضرت با امیر المؤمنین و حسن و حسین علیهم السلام طعام تناول میفرمودند و
آن حضرت در روی ایشان تبسم و شگفتگی مینمود و با حسنین میفرمود بخورید نوش جان باد بر برکت امروز
که درین روز خدا دشمن خود و دشمن جد شما را هلاک میکند و دعای مادر شما را اجابت مینماید
و اعمال شیعیان و دوستان شما را قبول میفرماید بخورید که امروزیست که فرعون اهل بیت من و ظالم
و غاصب حق ایشان هلاک میشود و حذیفه گوید گفتم یا رسول الله در میان امت تو کسی هست که این بی ادبی
تواند کرد فرمود بلی یکی از منافقین که دعوی ریاست خلافت کند و مردم را بخود دعوت نماید و راه
خدا بر گرداند و کتاب خدا را تحریف نماید و سنت مرا تغییر دهد و میراث فرزندم را غصب کند و خود را
مقتدای مردم گرداند و اموال خدا را از حرام بخورد و در معصیت صرف کند و برادر و وزیر مرا از حق خود
منع کند و دختر مرا او را نفرین کند و خدا نفرین او را اجابت فرماید حذیفه گوید گفتم چرا از خدا نمیخواهی که
او را در حیوة تو هلاک کند فرمود نمیخواهم که خلاف قضای خدا کنم اما از خدا خواستم که روزی که او را
هلاک میکند بر سایر ایام تفضیل دهد تا دوستان من و شیعیان و دوستان اهل بیت من
آن روز را عید کنند پس خدا وحی فرمود که من ملائکه هفت آسمان را امر کرده ام که آن روز را عید گیرند
برای شیعیان و دوستان شما و فرموده ام که کرسی کرامت مرا در این روز در برابر بیت المعمور
نصب کنند و مرا ثنا گویند و برای دوستان و شیعیان شما استغفار کنند و کرام الکاتبین را فرموده ام
که از آن روز تا سه روز دیگر قلم از خلق برگیرند و هیچ خطای ایشان ننویسند و این روز را برای تو
و برای اهل بیت تو و برای شیعیان شما عید گردانیده ام و بعزت و جلال خود دمم که هر کس این روز را
عید کند او را و همه اقربا و خویشان او را ثواب ... و امن عطا فرمایم و هر کس امروز بر خود و بر

عیال خود توسعه کند مالش را از ایام کند و هر سال درین روز صد هزار کس از شیعیان و موالی شما را از
آتش آزاد کردانم و طاعات شما را ثواب دهم و کناهان ایشان بیامرزم و اعمال ایشان قبول کنم حذیفه
گوید پس آنحضرت صلعم برخواسته بخانه ام سلمه تشریف ارزانی فرمود و من هیچ شک نداشتم در کشته شدن
آن منافق عمر بن الخطاب خواهد بود تا آنکه بعد از حضرت پیغمبر صلعم آن ملعون کرد آنچه کرد و غصب فدک کرد
و حضرت فاطمه صلوات الله علیها برو نفرین کرده خدا تعالی اجابت فرمود و در روز نهم ربیع الاول
کشته شد پس بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام رفتم فرمود ای حذیفه بیاد می آری آن روز را که
بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمدی و فضایل آن روز را بیان فرمود گفتم بلی فرمود والله که امروز همان روز است
و متواتر است احادیثی که در فضل این روز روایت شده مثل آنکه هر کس درین روز صد قرص
احسان کند آمرزیده شود و نیز بعضی علما نقل کرده اند که مستحب است درین روز اطعام مومنان
و احسان و بوی خوش با ایشان و توسعه در نفقه و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت کردن
اما روزه درین روز روایت نشده و معتقد هم این ماه مولد حضرت پیغمبر است صلعم و روزه این روز
برابر است با یکسال روزه و مستحب است درین روز تصدق کردن و زیارت مشاهد مقدسه شود

فصل ششم در اعمال ماه رجب المرجب روایت از اهل بیت طاهرین ع که ماه رجب ماه عظیم
الشان رفیع المنزله منسوب بحضرت امیر المؤمنین ع خدا تعالی درین ماه حسنات مضاعف کند و
سیئات محو کرداند و مستحب است احیا داشتن شب اول این ماه و مرویست که هر کس یک شب درین ماه احیا دارد
آتش دوزخ بر وی حرام شود و شفاعتش برای هفتاد هزار کس از کناهکاران مقبول باشد و نیز روایت
که حضرت پیغمبر صلعم بر مقبره میگذشت لحظه توقف فرمود پس از آنجا گذشت از سبب توقف سؤال نمودند
فرمود اهل این مقبره معذب بودند بر ایشان رحم کردم و از خدا تعالی خواستم که عذاب از ایشان تخفیف

فرمود و اگر ایشان یکروز از ماه رجب روزه میداشتند و یکشب بعبادت برمیخواستند از این
عذاب ایمن میبودند و هر مومن و مومنه که یکروز از این ماه روزه گیرد و یکشب بعبادت برخیزد حق تعالی
ثواب یکسال روزه و عبادت و هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد و هزار عتق رقبه از اولاد اسمعیل و هزار
دینار تصدق عطا فرماید و حاجات که ایشان است برآورده کرداند و هزار کرسنه سیر کند و از
عذاب قبر و هول منکر و نکیر ایمن شود و کسی تعجب نموده گفت یا پیغمبر ثواب برای کسی است که یکروز روزه
گیرد و یکشب بعبادت برخیزد درین ماه فرمود بلی برای کسی که انکار قدرت خدا نکند دیگر این قدر
عبادت را این همه ثواب نخواهند داد و فرمود اگر کسی قادر بر خواستن شب نباشد بعد از نماز عشا قبل از
وتیره دو رکعت نماز گزارد در هر سوره که خواهد بخواند از خدا تعالی امید دارم که همین ثواب باو
عطا فرماید و نیز مرویست که هر کس درین ماه تصدق کند برای خدا و امید ثواب خدا تعالی در بهشت
آنقدر ثواب عطا فرماید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بخاطر هیچ کس نرسیده باشد
و مستحب است شب اول این ماه خواندن این دعا بعد از نماز عشا اللّهم انی اسئلك بانك
مليك وانك على كل شيء قدير مقتدر وانك على ما تشاء من امر يكن اللهم اني اتوجه
اليك بنبيك محمد نبي الرحمة صلى الله عليه وآله يا محمد يا رسول الله اني اتوجه
بك الى الله ربك وربي لينجح طلبتي اللهم بنبيك محمد والائمة من اهل بيته انجح طلبتي
بعد از آن حاجتی که خواهد بخواهد و هر کس روز اول این ماه زیارت حضرت امام حسین ع کند کناهانش
آمرزیده شود البته و نیز مرویست که هر کس روز اول و میان و آخر این ماه غسل کند از کناه پاک شود مثل
روزی که متولد شده و سلمان فارسی رحمة الله علیه روایت کند از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود هر کس درین ماه
سی رکعت نماز گزارد در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند

ده رکعت در اول ماه و بعد از فراغ دستها را برداشته بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء
قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد و دستها
بر رو مالد و ده رکعت در میان ماه و بعد از فراغ دستها برداشته بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و دستها بر رو مالد و
ده رکعت در آخر ماه و بعد از فراغ دستها برداشته بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و
صلی الله علی محمد و آله الطاهرین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و دستها
بر رو مالد و حاجتی که خواهد طلب نماید مستجاب شود و خدا میان او و جهنم هفت خندق فاصله گرداند
که عرض هر خندق مثل ما بین زمین و آسمان باشد و بهر رکعت هزار هزار رکعت برایش نویسد و برات
و سلامت از صراط بگذرد و چنان باشد که تمام این ماه روزه داشته باشد و تا سال دیگر از جمله نماز
گزارندگان نوشته شود و هر روز ثواب شهیدی از شهدای بدر برایش نویسد و هر که روزه در این ماه
روزه دارد عبادت یکساله نویسد و هزار درجه بلند گرداند و هم از آنحضرت صلعم مرویست که
ثواب روزه هر روز از این ماه را بیان فرمود چنانکه در باب سابق بتفصیل گذشت بعد از آن سؤال
کردند که اگر کسی نتواند روزه گرفتن چه کند تا این ثواب دریابد فرمود هر روز در این ماه بمسکینان
تصدق کند بخدا قسم که بمثل آن ثواب بیابد و بیشتر از آن و اگر همه خلق آسمان و زمین جمع شوند
عشر ثواب آن نتوانند نوشت گفتند اگر قادر بر تصدق نباشد چه کند فرمود که هر روز صد مرتبه

بگوید

بگوید سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان من
تسربل بالمجد وتکرم به سبحان من لبس العز وهو له اهل و نیز مرویست که حضرت فرمود
هر کس در رجب صد مرتبه بگوید استغفر الله ذا الجلال والاکرام من جمیع الذنوب والآثام اگر
نیامرزم او را پس خدای نباشم سه مرتبه چنین فرموده مستحب است هر روز در این ماه خواندن این دعا
اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین منک ویقین العابدین لک
اللهم انت العلی العظیم وانا عبدک البائس الفقیر انت الغنی الحمید وانا العبد
الذلیل اللهم صل علی محمد وآله وامنن بغناک علی فقری وبحلمک علی جهلی وبقو تک
علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد وآله الاوصیاء المرضیین واکفنی ما
اهمنی من امر الدنیا والآخرة یا ارحم الراحمین و نیز هر روز از این ماه این دعا بخواند که مرویست
از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه اللهم انی اسئلک بمعانی جمیع ما یدعوک به ولاة
امرک المأمونون علی سرک المستبشرون بامرک الواصفون لقدرتک المعلنون
لعظمتک اسئلک بما نطق فیهم من مشیتک فجعلتهم معادن لکلماتک وارکانا
لتوحیدک وآیاتک ومقاماتک التی لا تعطیل لها فی کل مکان یعرفک بها من
عرفک لا فرق بینک وبینها الا انهم عبادک وخلقک فتقها ورتقها بیدک
بدؤها منک وعودها الیک اعضاد واشهاد ومناة واذواد وحفظة و
رواد فبهم ملأت سماءک وارضک حتی ظهر ان لا اله الا انت فبذلک اسئلک
وبمواقع العز من رحمتک وبمقاماتک وعلاماتک ان تصلی علی محمد وآله وان
تزیدنی ایمانا وتثبیتا یا باطنا فی ظهوره وظاهرا فی بطونه ومکنونه یا مفرقا بین

النور والديجور يا موصوفا بغير كنه ومعروفا بغير شبه حادّ كل محدود وفاقد كل
مفقود ليس دونك من معبود أهل الكبرياء والجود يا من لا يكيّف بكيف ولا يؤين
بأين يا محتجبا عن كل عين يا ديموم يا قيوم وعالم كل معلوم صلّ على محمد وآله
وعلى عبادك المنتجبين وبشرك المحتجبين وملائكتك المقربين والبهم الصافين
الحافين وبارك لنا في شهرنا هذا المرجب المكرم وما بعده من الأشهر الحرم وأسبغ
علينا فيه النعم وأجزل لنا فيه القسم وأبرر لنا فيه القسم باسمك الأعظم الأجلّ الأ
كرم الذي وضعته على النهار فأضاء وعلى الليل فأظلم واغفر لنا ما تعلم منا ولا نعلم
واعصمنا من الذنوب خير العصم واكفنا كوافي قدرك وامنن علينا بحسن نظرك ولا
تكلنا إلى غيرك ولا تمنعنا من خيرك وبارك لنا فيما كتبته لنا من أعمارنا وأصلح
لنا خبيئة أسرارنا وأعطنا منك الأمان واستعملنا بحسن الإيمان وبلّغنا شهر
الصيام وما بعده من الأيام والأعوام يا ذا الجلال والإكرام و نیز هر روز این دعا بخواند
اللهم إني أسألك بالمولودين في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب وأتقرب بهما
إليك خير القرب يا من إليه المعروف طلب وفيما لديه رغب أسألك سؤال مقترف
مذنب قد أوبقته ذنوبه وأوثقته عيوبه فطال على الخطايا دؤوبه ومن الرزايا خطوبه
يسألك التوبة وحسن الأوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو
عما في ربقته فأنت يا مولاي أعظم أمله وثقته فأنت يا مولاي أعظم أمله اللهم
وأسألك بمسائلك الشريفة ووسائلك المنيفة أن تتغمدني في هذا الشهر برحمة منك
واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة إلى نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هي

إليه

اليه صائره و هر کس در ماه رجب و شعبان و رمضان هر روز و هر شب هر یک از الحمد و آیة الکرسی
و قل یا ایها الکافرون سه مرتبه و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم سه مرتبه بخواند و اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی کل ملک و نبی سه مرتبه و اللهم اغفر للمؤمنین
و المؤمنات سه مرتبه و استغفر الله چهارصد مرتبه بگوید و در روایت دیگر سه مرتبه انا انزلناه و سه
مرتبه اللهم اغفر لی و لوالدی و ارحمهما کما ربیانی صغیرا آمده هر گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد
ستاره آسمان و قطرهای باران و برگ درختان و کف دریا و ریگ بیابان باشد و بعدد هر
حرف این ورد شفاعت دوستان و آشنایان کند و هر کس در این سه ماه اعمال بجا آورد
اگرچه در مدت عمر یکمرتبه باشد بعدد هر حرف از آن هفتاد هزار حسنه عطا فرمایند که هر یک سنگین تر از
کوه احد باشد و هفتصد حاجتش برآورده شود در وقت قبض روح و هفتصد در قبر و هفتصد در وقتی
که از قبر بیرون آید و هفتصد وقتیکه نامهای اعمال در اطراف متفرق باشند و هفتصد در وقت میزان
و هفتصد در وقت صراط **عمل رغایب** هر کس پنجشنبه اول این ماه روزه گیرد و شب جمعه اول که لیلة
الرغایب باشد میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز گزارد و در هر رکعت بعد از الحمد سه مرتبه
انا انزلناه و دوازده مرتبه قل هو الله بخواند هر دو رکعت بیک سلام و چون از جمیع نماز فارغ
شود هفتاد مرتبه صلوات فرستد بعد از آن سجده کند و هفتاد مرتبه بگوید سبوح قدوس رب الملائکة
و الروح بعد از آن سر بردارد و هفتاد مرتبه بگوید رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت العلی
الاعظم بعد از آن مرتبه دیگر سجده کند و همانکه در سجده اول گفته بود هفتاد نوبت بگوید و حاجتی
داشته باشد در سجده بخواهد مستجاب شود و گناهانش آمرزیده شود اگرچه مثل کف دریا و وزن کوهها
و برگ درختان و ریگ بیابان باشد و شفیع هفتصد کس از اهل بیت خود شود که همه مستوجب آتش باشند

عمل ایام بیض هرکس ایام بیض اینماه روزه گیرد و شبهایش بعبادت برخیزد و شب پانزدهم صد رکعت نماز
گزارد و در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله بخواند و چون فارغ شود هفتاد مرتبه استغفار کند شر اهل
آسمان و زمین و شر ابلیس و جنود ش از و دفع شود و اگر در اثناه بمیرد شهید باشد و هزار حاجتش از دنیا
پانصد در دنیا و پانصد در آخرت روا شود و نیز روایت کی هرکس در این شب دوازده رکعت نماز گزارد و در هر رکعت
بعد از الحمد سه مرتبه قل هو الله بخواند و بعد از فراغ صد مرتبه استغفار و تحمید و تکبیر کند و اگر باین
عبارت گوید بهتر بود استغفر الله ذا المجد و الکبریا تا آنکه شب این سال دیگر خطیه بر و ننویسند
و بعد د هر قطره که در آن سال از آسمان آید حسنه نویسند و بعد د هر رکوع و سجود که کرده در بهشت
قصری از زبرجد سبز و بعد د هر حرف قرآن که خوانده شهری از یاقوت سرخ عطا فرمایند و تاج
کرامت بر سرش نهند و مستحب است در روز پانزدهم اینماه زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
عمل استفتاح و کیفیت آن در کتب ادعیه بانحاء مختلفه مذکور است اما آنچه اقرب بصواب مینماید
اینست که فاطمه نام زنی بود از ذریت ابنه حضرت امام حسین علیه السلام حضرت امام جعفر او را شیر داده بود
پسر او داود را منصور خلیفه عباسی حبس کرده و اراده قتل داشت و زن فاطمه بخدمت صادق علیه السلام
غمگین و محزون رفت آنحضرت فرمود ماه رجب نزدیکست ایام بیض آن روزه بگیر و روز پانزدهم
وقت ظهر غسل کن و هشت رکعت نوافل ظهر را بگزار و در رکعت اول بعد از الحمد الم نشرح و
در دوم قل یا ایها الکافرون و در سیوم انا انزلناه و در چهارم اذا زلزلت و در رکعتهای
دیگر مثل این سورهای کوتاه بخوان و بعد از نماز ظهر چهار رکعت دیگر بگزار و در اول بعد از الحمد
قل هو الله و در دوم قل اعوذ برب الفلق و در سیوم قل اعوذ برب الناس و در چهارم انا اعطیناک
بخوان و رکوع و سجود و قنوت نمازها را خوب بجا بیاور و بعد از تمام هشت رکعت و ده رکعت

دو رکعت دیگر بگزارد و در هر رکعت بعد از الحمد صد بیست و پنجمرتبه آیه شهد الله و صد مرتبه یا قاضی حوائج السائلین
بخوان و باید که جامهای پاکیزه پوشیده و در جای پاکیزه باشی که کسی نباشد حرف نگوئی و مشغول
نشوی بعد از آن نماز عصر در اول وقت بگزار و چون سلام دهی و بقبله نشسته تسبیح اربع و الحمد
آیة الکرسی و قل هو الله و صلوة بر پیغمبر و آلش هر یک صد مرتبه بعد از آن سوره انعام و بنی اسرائیل
و کهف و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حمعسق و دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و سوره
الملک و ن و القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخوان و اگر از خواندن عاجز باشی بجای
آن قل هو الله هزار مرتبه بخوان بعد از آن رو بقبله این دعا بخوان که اسم اعظم در این دعا است
و فرمود این دعا را دعای استفتاح بدین سبب نام شد که هرگاه خوانده شود درهای آسمان گشوده
شود و همان ساعت مطلق حاجتی که باین بخواهند مستجاب شود و فاطمه گوید چون این عمل بجا
آوردم و خوابیدم جمیع انبیاء و ملائکه را که در این دعا مذکورند و صلوة بر ایشان و سلام
در خواب دیدم که میگویند ای ام داود مژده باد ترا که ما همه برای تو دعا کردیم و حاجت مستجاب
شد پس بیدار شدم و اندک وقتی پیش نگذشت که داود آمد و گفت در بند و زندان بودم
که در نصف ماه رجب بخواب دیدم ترا که جماعتی بسیار در اطراف تو ایستاده اند
یکی از ایشان با من گفت که ای داود بدعای مادرت خدایتعالی ترا نجات داد و برخیز بیدار شدم
رسول منصور ایستاده بود مرا از حبس بیرون آورد و بنجم اردهم بمن داد و روانه خدمت
شدم و دعا اینست صَدَقَ اللهُ الْعَظِیمُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الْاَبَدُ ذُو الْجَلَالِ
وَالْاِکْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ اللَّطِیفُ
الْخَبِیرُ شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

إنّ الدين عند الله الإسلام صح

العزيز الحكيم وبلّغت رسله الكرام وأنا على ذلك من الشاهدين اللهم لك الحمد ولك
المجد ولك العز ولك القهر ولك النعمة ولك العظمة ولك الرهبة ولك الرحمة ولك
المهابة ولك السلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح ولك التقديس
ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السماوات العلى
ولك ما تحت الثرى ولك الأرضون السفلى ولك الآخرة والأولى ولك ما ترضى به من
الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل أمينك على وحيك والقوي
على أمرك والمطاع في سماواتك ومحالّ كراماتك والمتحمل لكلماتك الناصر لأنبيائك
المدمّر لأعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر
المعين لأهل طاعتك اللهم صل على إسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لأمرك
الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض أرواح عبادك بأمرك ملك
الموت الأمين على وحيك أرواح خلقك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى
على الملائكة الذاكرين المؤمنين على دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين
وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت وعلى
والأعوان يا ذا الجلال والإكرام اللهم صل على أبينا آدم بديع فطرتك الذي كرّمته
بسجود ملائكتك وأبحته جنتك اللهم صل على أمنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة — ملك
من الدنس المفضلة من الإنس المترددة بين محالّ القدس اللهم صل على هابيل
وشيث وإدريس ونوح وهود وصالح وإبراهيم وإسماعيل ويعقوب ويوسف — وإسحاق
والأسباط ولوط وشعيب وأيوب وموسى وهارون ويوشع وميشا والخضر وذي

القرنين

القرنين ويونس وإلياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا
ويحيى وتورخ ومتى وإرميا وحيقوق ولقمان ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس
والحواريين والأتباع وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمداً وآل محمد
وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم
إنك حميد مجيد اللهم صل على الأوصياء والسعداء والشهداء وأئمة الهدى اللهم
صل على الأبدال والأوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد وأهل الجد والا
جتهاد واخصص محمداً وأهل بيته بأفضل صلواتك وأجزل كراماتك وبلّغ روحه
وجسده مني تحية وسلاماً وزده فضلاً وشرفاً وكرماً حتى تبلّغه أعلى درجات
أهل الشرف من النبيين والمرسلين والأفاضل المقربين اللهم صل على من سمّيت
ومن لم أسمّ من ملائكتك وأنبيائك ورسلك وأهل طاعتك وأوصل صلواتي
إليهم وإلى أرواحهم واجعلهم إخواني فيك وأعواني على دعائك اللهم إني أستشفع
بك إليك وبكرمك إلى كرمك وبجودك إلى جودك وبرحمتك إلى رحمتك وبأهل
طاعتك إليك وأسألك اللهم بكل ما سألك به أحد منهم من دعوة مجابة غير مجابة يا الله
يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل
يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير
يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا
حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محيي
يا مجمل يا منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي

يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح
يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي
يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد
يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا
بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا محتجب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد
يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع
يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا كريم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع
يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا واحد يا راصد يا حاكم
يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائذ يا قابض يا من علا فاستعلى فكان
بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير
وله المقادير يا من العسير عليه سهل يسير يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل
الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات
يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف
يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى
يا حي لا اله الا انت بديع السموات والارض يا الهي صل على محمد وال محمد وارحم
محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت
على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي
ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء

الخاضع

الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير
المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته و
عظمت فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم واسئلك
بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة هذا
الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك
عليه واله السلام يا من وهب لادم شيث ولابرهيم اسمعيل واسحق ويا من رد يوسف
على يعقوب يا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه وزائد الخضر في
علمه يا من وهب لداود سليمن ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب في
بالكافل ولد موسى اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني
من عذابك وتوجب لي رضوانك وامانك واحسانك واسئلك ان تفك عني كل
حلقة بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير
وتخرس عني كل ناطق بسوء وتكف عني كل باغ وتكبت كل عدو لي وحاسد وتمنع
مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين حاجتي ويحاول ان يفرق بيني وبين
طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين
واذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين اسئلك بقدرتك
على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء وكيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء بعد از آن
سجده كرده و روي را بر خاك بگذارد و بگويد اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي
وفاقتي واجتهادي وتضرعي ومسكنتي وفقري اليك يا رب [illegible]

اگرچه بقدر سر سوزنی باشد که علامت اجابت است و از بهر انجام این ماه روزه داشتن کفاره دویست سال
گناه است **عمل شبانه روز مبعث** مرویست که شب بیست و هفتم رجب که صباحش حضرت پیغمبر صلعم
مبعوث شده و بهتر است از هر چه آفتاب بر او تابیده و نیز مرویست که در ماه رجب شبی است که هر
هر کس در آن شب خواب بر خود حرام کند و مشغول عبادت باشد خدا تعالی جسدش را بر آتش حرام کند
و هفتاد هزار ملک با او مصافحه نمایند و برایش استغفار کنند تا آن شب از سال دیگر و مستحب است در این
شب صلوات بسیار فرستادن بر آنحضرت و هر کس از شبها در این شب عمل کند او را ثواب شصت سال عمل
باشد کسی از حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسید که در این شب چه عمل کنیم فرمود بعد از نماز خفتن بخوابید و چون از
نصف شب بر وقت که بیدار شوید دوازده رکعت نماز بگزارید و بعد از هر دو رکعت ... الحمد
و معوذتین و قل هو الله و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخواند
بعد از آن بگوید الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی
من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک و منتهی
الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی الاعلی الاعلی و
بکلماتک التامات ان تصلی علی محمد و آله و ان تفعل بی ما انت اهله بعد از آن
هر چه خواهید دعا کنید و مستحب است خواندن این دعا در این شب اللهم انی اسئلک بالتجلی الاعظم
فی هذه اللیلة من الشهر المکرم ان تصلی علی محمد و آله و ان تغفر لنا فی لیلتنا هذه
ما انت به منا اعلم یا من یعلم و لا نعلم اللهم بارک لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف
الرسالة فضلتها و بکرامتک اجللتها و بالمحل الشریف احللتها اللهم فانا نسئلک
بالمبعث الشریف و السید اللطیف و العنصر العفیف ان تصلی علی محمد و آله و ان تجعل

اعمالنا

اعمالنا فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی مقبولة و ذنوبنا مغفورة و حسناتنا مشکورة
و سیئاتنا مستورة و قلوبنا بحسن القول مسرورة و ارزاقنا من لدنک بالیسر مدرورة
اللهم انک تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی و ان الیک الرجعی و المنتهی و ان لک
الممات و المحیی و ان لک الآخرة و الاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذل و نخزی و ان نأتی
ما عنه تنهی اللهم انا نسئلک الجنة من رحمتک و نستعیذ بک من النار فاعذنا
منها بقدرتک و نسئلک من الحور العین فارزقنا بعزتک و اجعل اوسع ارزاقنا
عند کبر سننا و احسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا و اطل فی طاعتک و ما یقرب
الیک و یحظی عندک و یزلف لدیک اعمارنا و احسن فی جمیع احوالنا و امورنا معرفتنا
و لا تکلنا الی احد من خلقک فیمن علینا و تفضل علینا بجمیع حوائجنا للدنیا
و الآخرة و ابدأ بآبائنا و ابنائنا و جمیع اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سألناک لانفسنا
یا ارحم الراحمین اللهم انا نسألک باسمک العظیم و ملکک القدیم ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تغفر لنا الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم و هذا
رجب المکرم الذی اکرمتنا به اول اشهر الحرم و اکرمتنا به من بین الامم فلک الحمد یا ذا
الجود و الکرم فاسئلک به و باسمک الاعظم الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فا
ستقر فی ظلک فلا یخرج منک الی غیرک ان تصلی علی محمد و اهل بیته الطاهرین
و ان تجعلنا من العاملین فیه بطاعتک و الآملین فیه لشفاعتک اللهم اهدنا
الی سواء السبیل و اجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل ظلیل و ملک جزیل فانک
حسبنا و نعم الوکیل اللهم اقلبنا منجحین مفلحین غیر مغضوب علینا و لا الضالین

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة
من كل اثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاك الداعون
ودعوتك وسالك السائلون وسالتك وطلب اليك الطالبون وطلبت اليك
اللهم انت الثقة والرجاء واليك منتهى الرغبة والدعاء اللهم صل على محمد واله واجعل
اليقين في قلبي والنور في بصري والنصيحة في صدري وذكرك بالليل والنهار على لساني
ورزقا واسعا غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل غناي
في نفسي ورغبتي فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از ان بسجده رود وبگوید الحمد لله
الذي هدانا لمعرفته وخصنا بولايته ووفقنا لطاعته وصد مرتبه بگوید شكرا شكرا وبعد از ان
سر بردارد وبگوید اللهم اني قصدتك بحاجتي واعتمدت عليك بمسألتي وتوجهت اليك
بائمتي وسادتي اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا
الجنة في زمرتهم برحمتك يا ارحم الراحمين ومستحب است غسل کردن در شب این روز
وروزه این روز برابر است با شصت ماه وروایتی دیگر هفتاد سال آمده ومستحب است در این روز
دوازده رکعت نماز گزاردن بعد از الحمد هر سوره که خواهد بخواند وبعد از هر دو رکعت این دعا
بخواند الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي
من الذل وكبره تكبيرا يا عدتي في مدتي يا صاحبي في شدتي يا وليي في نعمتي يا غياثي
في رغبتي يا نجاحي في حاجتي يا حافظي في غيبتي يا كالئي في وحدتي يا انسي في وحشتي
انت الساتر عورتي فلك الحمد وانت المقيل عثرتي فلك الحمد وانت الناعش صرعتي
فلك الحمد صل على محمد وال محمد واستر عورتي وامن روعتي واقلني عثرتي واصفح

عن

جرمي وتجاوز عن سيئاتي في اصحاب الجنة وعد الصدق الذي كانوا يوعدون
وچون از مجموع نماز و دعا فارغ شود الحمد وقل هو الله ومعوذتين وقل يا ايها الكافرون وانا
انزلناه واية الكرسي هر یکرا هفت مرتبه بخواند بعد از ان هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله والله اكبر
وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله وهفت مرتبه بگوید الله الله ربي لا اشرك به شيئا
وهر چه خواهد دعا کند ومستحب است در این روز خواندن این دعا يا من امر بالعفو والتجاوز
وضمن على نفسه العفو والتجاوز يا من عفا وتجاوز اعف عني وتجاوز يا
كريم اللهم وقد اكدى الطلب واعيت الحيلة والمذهب ودرست الامال وانقطع
الرجاء الا منك وحدك لا شريك لك اللهم اني اجد سبل المطالب اليك مشرعة
ومناهل الرجاء لديك مترعة وابواب الاجابة لمن دعاك مفتحة والاعانة لمن
استعان بك مباحة واعلم انك لداعيك بموضع اجابة وللصارخ اليك بمرصد
اغاثة وان في اللهف الى جودك والضمان بعدتك عوضا من منع الباخلين
ومندوحة عما في ايدي المستاثرين وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم
الاعمال دونك وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة يختارك
وقد ناجاك بعزم الارادة قلبي فاسئلك بكل دعوة دعاك بها راج بلغته
امله او صارخ اليك اغثت صرخته او ملهوف مكروب فرجت عن قلبه او
مذنب خاطئ غفرت له او معافا فاتممت نعمتك عليه او فقير اهديت غناك
اليه ولتلك الدعوة عليك حق وعندك منزلة الا صليت على محمد وال محمد
وقضيت حوائجي حوائج الدنيا والاخرة وهذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا به

اول اشهر الحرم واكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم فنسئلك به وباسمك الاعظم
الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى
غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطا
عتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا
عندك خير مقيل في ظل ظليل فانك حسبنا ونعم الوكيل والسلام على عباده المصطفين
وصلوته عليهم اجمعين اللهم وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وبكرامتك
جللته وبالمنزل الكريم انزلته وصل على من فيه الى عبادك ارسلته وبالمحل الارفع
احللته صل عليه وآله صلوة دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من
امرنا يسرا واختم لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا و
بلغنا برحمتك افضل آمالنا انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله
الطاهرين وسلم **فصل هفتم** در اعمال شهر شعبان المعظم مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام
كه اين ماه منسوبست بحضرت پيغمبر صلعم و در اين ماه اعمال عباد را بالا برند و حسنات هفتاد درابر مضاعف شود
و سيئات محو كرده و دوكان آن آمرزيده شود و ارزاق مومنان در اين ماه قسمت شود و زياده شود چنانچه
در ماه رمضان و بهشت را زينت كنند و خداى تعالى از عرش نظر كند بر عابدان و روزه گيران اين ماه
و با ايشان با جلال مباهات كند و فضايل روزه اين ماه بتفصيل در باب سابق گذشت و هر كس
در اين ماه صدقه دهد اگر چه بنصف خرمايى باشد جسدش بر آتش حرام شود و هر كس يك روز در اين ماه هفتاد
مرتبه استغفار كند گناهانش آمرزيده شود اگر چه بعدد ستارهاى آسمان باشد و در زمره حضرت
پيغمبر و آلش صلى الله عليهم محشور شود و هر كس در اين ماه هر روز هفتاد مرتبه بگويد استغفر الله واسأله التوبة

خدا

خداى تعالى برات آزادى از نار و جواز بر صراط و دخول دار القرار عطا فرمايد و هر كس هر روز در اين ماه
هفتاد مرتبه بگويد استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم واتوب اليه خداى تعالى
او را در افق مبين ثبت كرد اند پرسيدند كه افق مبين كدامست حضرت امام عم فرمود صحرائيست در
پيش عرش كه در آن نهرها جاريست از بهشت و مستحب است در هر روز از اين ماه وقت ظهر و در شب
نصف ماه نيز خواندن اين صلوات اللهم صل على محمد وآل محمد شجرة النبوة وموضع
الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن العلم واهل بيت الوحي اللهم صل على محمد وآل
محمد الفلك الجارية في اللجج الغامرة يأمن من ركبها ويغرق من تركها المتقدم لهم
مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل على محمد وآل محمد الكهف
الحصين وغياث المضطر المستكين وملجاء الهاربين وعصمة المعتصمين اللهم
صل على محمد وآل محمد صلوة كثيرة تكون لهم رضاء ولحقهم اداء وقضاء بحول
منك وقوة يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد الطيبين الابرار الاخيار
الذين اوجبت حقوقهم وفرضت طاعتهم وولايتهم اللهم صل على محمد وآل محمد
واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك وارزقني مواساة من قترت عليه
من رزقك بما وسعت علي من فضلك ونشرت علي من عدلك واحييتني
تحت ظلك وهذا شهر نبيك سيد رسلك شعبان الذي حففته منك بالرحمة
والرضوان الذي كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدأب في صيامه وقيامه
في لياليه وايامه بخوعا لك في اكرامه واعظامه الى محل حمامه اللهم فاعنا على
الاستنان بسنته فيه ونيل الشفاعة لديه اللهم واجعله لي شفيعا مشفعا وطريقا

إليك منيعاً واجعلني له متّبعاً حتّى ألقاك عنّي راضياً وعن ذنوبي غاضياً
قد أوجبت لي منك الرحمة والرضوان وأنزلتني دار القرار ومحلّ الأخيار، و روز سیوم
ایماه حضرت امام حسین ع متولد شده مستحب است این روز روزه داشتن و خواندن این دعا
اللهمّ إنّي أسألك بحقّ المولود في هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله وولادته
بكته السماء ومن فيها والأرض ومن عليها ولمّا يطأ لابتيها قتيل العبرة وسيّد
الأسرة الممدود بالنصرة يوم الكرّة المعوّض من قتله أنّ الأئمّة من نسله والأو
صياء من عترته والشفاء في تربته والفوز معه في أوبته بعد قائمهم وغيبته حتّى
يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبّار ويكونوا خير أنصار صلّى الله عليهم
مع اختلاف الليل والنهار اللهمّ فبحقّهم إليك أتوسّل وأسأل سؤال مقترف
معترف مسيء إلى نفسه ممّا فرط في يومه وأمسه يسألك العصمة إلى محلّ رمسه
اللهمّ صلّ على محمّد وعترته واحشرنا في زمرته وبوّئنا معه دار الكرامة ومحلّ
الإقامة اللهمّ وكما أكرمتنا بمعرفته فأكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا
ممّن يسلّم لأمره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى جميع أوصيائه وأهل
أصفيائه الممدودين منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهمّ
وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وأنجح لنا فيه كلّ طلبة كما وهبت الحسين لمحمّد
جدّه وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر
أوبته آمين ربّ العالمين عمل ایام البیض روایت است که هر کس ایام بیض ماه شعبان روزه
گیرد خدا تعالی برای او هزار حسنه نویسد و هزار سیئه از و محو کند و هزار درجه بلند کرداند و هر کس شب

نعفره

تغفره غیر تو هفتاد و دو سیئه از و محو شود و هفتاد و دو حسنه نوشته شود [illegible]
هزار سیئه محو شود و در شب نیمه حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه متولد شده و [illegible]
در شب بگوید اللهمّ صلّ على محمّد سيّد المرسلين وخاتم النبيّين وحجّة ربّ العالمين في
الميثاق المصطفى في الظلال المطهّر من كلّ آفة البريء من كلّ عيب المؤمّل للنجاة المرتجى
للشفاعة المفوّض إليه دين الله اللهمّ شرّف بنيانه وعظّم برهانه وأفلج حجّته وارفع درجته
وأضئ نوره وبيّض وجهه وأعطه الفضل والفضيلة والوسيلة والدرجة الرفيعة
وابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الأوّلون والآخرون وصلّ على أمير المؤمنين و
وارث المرسلين وقائد الغرّ المحجّلين وسيّد الوصيّين وحجّة ربّ العالمين وصلّ
على الحسن بن عليّ إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على
الحسين بن عليّ إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على
محمّد بن عليّ إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على جعفر بن
محمّد إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على موسى بن جعفر
إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على عليّ بن موسى
إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على محمّد بن عليّ
إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على عليّ بن محمّد
إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ على الحسن بن عليّ إمام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين وصلّ اللهمّ على الخلف الهادي
المهديّ إمام المؤمنين ووارث المرسلين وحجّة ربّ العالمين اللهمّ صلّ على محمّد

وأهل بيته الأئمة الهادين العلماء الصادقين الأبرار المتقين دعائم دينك وأركان
توحيدك وحججك على خلقك وخلفائك في أرضك الذين اخترتهم لنفسك
واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرا
متك وغشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم نورك و
رفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك وآله اللهم صل عليه
وعليهم صلوة كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها إلا أنت ولا يسعها إلا علمك ولا يحصيها
احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي سنتك القائم بامرك الداعي إليك الدليل
عليك حجتك على خلقك وخليفتك في أرضك وشاهدك على عبادك اللهم
أعز نصره ومد في عمره وزين الأرض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين
وأعذه من شر الكائدين وازجر عنه إرادة الظالمين وخلصه من أيدي الجبارين
اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه
وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله
في الدنيا والآخرة إنك على كل شيء قدير اللهم جدد به ما امتحى من دينك
واحي به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به
وعلى يديه غضا جديدا خالصا لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده
ولا بدعة لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته
كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جور
واجر حكمه على كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه و

اهلك

وأهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستأصل من جحد حقه واستهان
بأمره وسعى في إطفاء نوره وأراد إخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلي المرتضى
وفاطمة الزهراء والحسن الرضاء والحسين المصطفى وجميع الأوصياء مصابيح
الدجى وأعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم
وصل على وليك وولاة عهده والأئمة من ولده ومد في أعمارهم وزد في آجالهم
وبلغهم أقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة إنك على كل شيء قدير و ايضا مستحب
در شب نیمه شعبان این دعا اللهم بحق ليلتنا وموعودها التي قرنت إلى فضلها فضلا [ومولودها وحجتك]
فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك ولا معقب لآياتك نورك المتألق
وضياؤك المشرق والعلم النور في طخياء الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم
محتده والملائكة شهده والله ناصره ومؤيده إذا آن ميعاده والملائكة أمداده
سيف الله الذي لا ينبو ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر
ونواميس العصر وولاة الأمر والمنزل عليهم ما يتنزل في ليلة القدر وأصحاب الحشر
والنشر تراجمة وحيه وولاة أمره ونهيه اللهم فصل على خاتمهم وقائمهم المستور
عن عوالمهم وأدرك بنا أيامه وظهوره وقيامه واجعلنا من أنصاره واقرن
ثارنا بثاره واكتبنا في أعوانه وخلصائه وأحينا في دولته ناعمين وبصحبته
غانمين وبحقه قائمين ومن السوء سالمين برحمتك يا أرحم الراحمين والحمد
لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم النبيين والمرسلين وعلى أهل بيته
الصادقين وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا أحكم الحاكمين

ودر روز نصف اینماه ارواح انبیا علیهم السلام اذن میخواهند بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام آیند و هر کس
درین روز زیارت قبر آنحضرت کند صد و بیست و چهار هزار پیغمبر با او مصافحه کنند و یکساله گناه برو بخشند
و اگر سال دوم نیز زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و در روایت دیگر آمده که هر کس درین روز
سه سال پی در پی زیارت آنحضرت کند گناهانش آمرزیده شود البته و در شب آخر شعبان و شب
اول ماه رمضان این دعا بخواند اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزل فيه القرآن هدى
للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا وتسلمه منا
في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر الكثير اقبل مني اليسير اللهم
اني اسألك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا يا ارحم الراحمين
يا من عفى عني وعن ما خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب المعاصي
عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني عن محارمك
فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك اللهم اني اسألك الراحة
عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن التجاوز من
عندك يا اهل التقوى واهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك وابن
عبدك ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على
العباد قاهر مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة
السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد
قدرك وكلنا فقير الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني من
صالحي خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني خير البقاء

وامنحنی

وامنحني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة اليك
والرهبة منك والخشوع والوقار والتسليم لك والتصديق بكتابك واتباع سنة
رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او
بطر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او
عظمة او شيء لا تحب فاسألك يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء
بعهدك ورضا بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة وطمانينة
وتوبة نصوحا اسألك ذلك يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى ومن
كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك سكان ارضك
فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله
صلوة لا تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين

فصل هشتم

در اعمال ماه مبارک رمضان مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که این ماه سید ماههاست
اولش رحمت است و میانش مغفرت و آخرش اجابت دعوات و آزادی از آتش حضرت رسول
در فضیلت اینماه خطبه ادا فرمود و مجمل مضمونش اینست که اینماه افضل ماههاست و یکنماز
تطوع در شبهای اینماه مثل هفتاد نماز در سایر ماهها و اجر تطوع و
تصدق و سایر اعمال خیر در اینماه مثل اجر فریضه است در غیر اینماه و فریضه در اینماه
مثل هفتاد فریضه است در غیر آن و در اینماه اهل حاج و اعمار و ارزاق مردم نوشته
شود و ارزاق مؤمنان در اینماه زیاده کرده و هر کس مؤمنی را در اینماه افطار فرماید
چنانست که بنده آزاد کرده و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود و کسی گفت یا رسول الله

برین مستقیم و سوء خود را از آتش نگاه دارید اگرچه بنصف خرما یا بشربت آبی باشد و هر کس در ین ماه
خدمت اشتق از خادم خود تخفیف دهد خدا تعالی روز قیامت سیئات او را تخفیف دهد
و مومنان در ین ماه مهمان خدا و اهل کرامت اوید نفسشان تسبیح است و خوابشان عبادت
و دعایشان مستجاب و عملشان مقبول پس در ین ماه به نیتهای صادق و دلهای پاکیزه از
گناه توفیق روزه آن و تلاوت قرآن مسئلت کنید و بجوع و عطش این ماه جوع و عطش
روز قیامت یاد آرید و بر فقرا تصدق و بر کوچکان رحم و بر بزرگان توقیر و تکریم نمائید
و صله ارحام بجای آرید و زبان از بیهوده و بیحاصل بر بندید و چشم از حرام بپوشید و گوش
از آن بگیرید و بر ایتام مردم رحم کنید تا بر ایتام شما رحم کنند و در اوقات صلوات که افضل
اوقات است از گناهان استغفار کنید و دستها بدعا بر دارید که خدا تعالی بر بندگان برحمت نظر
کند و چون او را بطلبند لبیک گوید و چون مناجات کنند اجابت نماید و چون دعا کنند عطا
فرماید نفوس شما در گرو عمل است پس باستغفار خلاص کنید و پشتهای شما از گناه سنگین است
پس بطول رکوع و سجود بار از دوش خود سبک گردانید درهای بهشت در ین ماه گشوده است
سؤال کنید تا بر شما نبندند و درهای دوزخ بسته است تضرع نمائید تا بر شما نگشایند و
شیاطین مسجون و محبوسند استغاثه کنید تا بر شما مسلط نشوند و شقی کسی است که در ین ماه
از مغفرت خدا محروم ماند و کسی که در ین ماه آمرزیده نشود کی آمرزیده شود مگر آنکه بعرفات
حاضر شود و هر کس در ین ماه شر خود را از مردم باز گیرد خدا تعالی غضب خود را از و باز گیرد و هر کس
صله رحمی بجای آورد از آتش بری شود و هر کس یتیم را اکرام کند خدا تعالی روز قیامت او را
اکرام کند و هر کس صلوة بر رسول فرستد میزانش را سنگین گرداند روزی که میزانها سبک باشند

و هر کس

و هر کس یک آیه از قرآن بخواند چنانست که در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر شب در ین ماه جمعی بسیار
از آتش آزاد شوند مگر کسی که افطار بمسکری کند یا صاحب بدعت یا صاحب شطرنج باشد
و در شب آخر مثل آنکه در تمام ماه از آتش آزاد شده آزاد شوند و هر کس این ماه روزه گیرد و
قدری از شبهایش عبادت کند و مواظبت بر نمازها و محافظت نماز جمعه و نماز عید نماید
و بطن و فرج خود از حرام حفظ کند و زبان از مردم باز دارد و لیلة القدر را دریابد و از
گناهان بیرون رود چنانکه از مادر بیرون میرود و بجایزه وصل الهی فایز شود و نیز در روایت
دیگر آمده که هر کس این ماه را روزه گیرد و فرج و زبان را حفظ کند و مردم را نیازارد و نرنجاند
خدا تعالی گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد و از آتش آزادش گرداند و در بهشت
نزولش فرماید و شفاعتش را برای اهل توحید بعدد ریگ بیابان عالج قبول فرماید این
بود بیان مجملی از مکارم و محاسن اعمال در ین ماه اما اذکار و اوراد و دعاهایش آنکه
چون ماه مبارک دیده شود روی بقبله بگوید اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان و
السلامة والاسلام والعافیة المجلّلة والرزق الواسع ودفع الاسقام اللّهمّ
ارزقنا صیامه وقیامه وتلاوة القرآن فیه اللّهمّ سلّمه لنا وتسلّمه منّا وسلّمنا
فیه و دعای رؤیت هلال از صحیفه کامله نیز بخواند و هر کس در ین ماه یکی از سه شب اول یا
میان یا آخر بکربلا حاضر شود و زیارت حضرت امام حسین ع کند گناهانش بریزد مثل برگ از درخت
و از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده و چنان باشد که حج و عمره گزارده بوده و هر شب
از ین ماه این دعا بخواند اللّهمّ انّی افتتح الثناء بحمدک وانت مسدّد للصواب بمنّک
ایقنت انّک ارحم الراحمین فی موضع العفو والرحمة واشدّ المعاقبین فی موضع

الهی وقف السائلون ببابک ولاذ الفقراء بجنابک ووقفت سفینة المساکین علی ساحل بحر کرمک ... الجواز الی ساحة رحمتک ونعمتک الهی ان کنت لا ترحم فی هذا الشهر الشریف الا من اخلص لک فی صیامه وقیامه فمن للمذنب المقصر الغریق فی بحار ذنوبه وآثامه الهی ان کنت لا ترحم الا الطائعین فمن للعاصین وان کنت

ادعية هو شهر رمضان مما كتب
الدعاء اللهم رب شهر رمضان الذي أنزلت فيه القرآن وافترضت على عبادك فيه الصيام صل على محمد وآل محمد وارزقني حج بيتك الحرام في عامي هذا وفي كل عام واغفر لي تلك الذنوب العظام فإنه لا يغفرها غيرك يا رحمن يا علام

وأيضا اللهم إني أسألك أن تجعل فيما تقضي وتقدر من الأمر المحتوم وفي الأمر الحكيم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور

الكمال والنعمة وأعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة اللهم أذنت لي
في دعائك ومسألتك فاسمع يا سميع مدحتي وأجب يا رحيم دعوتي وأقل يا
غفور عثرتي فكم يا إلهي من كربة قد فرجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد أقلتها
ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله
بجميع محامده كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع
له في أمره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته الحمد
لله الفاشي في الخلق أمره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط بالجود يده الذي
لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة العطاء إلا كرما وجودا إنه هو العزيز
الوهاب اللهم إني أسألك قليلا من كثير مع حاجة بي إليه عظيمة وغناك
عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير اللهم إن عفوك عن ذنبي و
تجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن كثير
جرمي عند ما كان من خطائي وعمدي أطمعني في أن أسألك ما لا أستوجبه
منك الذي رزقتني من رحمتك وأريتني من قدرتك وعرفتني من إجابتك
فصرت أدعوك آمنا وأسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت
فيه إليك فإن أبطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي أبطأ عني هو خير لي
لعلمك بعاقبة الأمور فلم أر مولى كريما أصبر على عبد لئيم منك علي يا رب
إنك تدعوني فأولي عنك وتتحبب إلي فأتبغض إليك وتتودد إلي فلا أقبل

سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وأن تجعل فيما تقضي وتقدر أن تطيل عمري في خير وعافية وتوسع علي في رزقي وتجعلني ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي غيري

وأيضا اللهم برحمتك في الصالحين فأدخلنا وفي عليين فارفعنا وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كأنهم لؤلؤ مكنون فأخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فأطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والإستبرق فألبسنا

منك كأن لي التطول عليك ثم لم يمنعك ذلك من الرحمة لي والإحسان إلي
والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه بفضل إحسانك
إنك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الإصباح ديان
الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته
والحمد لله على طول أناته في غضبه وهو القادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق
وباسط الرزق ذي الجلال والإكرام والفضل والإحسان الذي بعد فلا يرى وقرب
فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله
ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الأعزاء وتواضع لعظمته العظماء وبلغ بقدرته ما
يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين أناديه ويستر علي كل عورة وأنا أعصيه ويعظم
النعمة علي فلا أجازيه فكم من موهبة هنيئة قد أعطاني وعظيمة مخوفة
قد كفاني وبهجة مونقة قد أراني فأثني عليه حامدا وأذكره مسبحا الحمد لله الذي
لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب آمله الحمد لله الذي
يؤمن الخائفين وينجي الصادقين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين و
يهلك ملوكا ويستخلف آخرين الحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين مدرك
الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين
الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الأرض وعمارها وتموج
البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق ويرزق ولا يرزق
ويطعم ولا يطعم ويميت الأحياء ويحيي الموتى وهو حي لا يموت بيده الخير

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى
وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ
عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَإِمَامَيِ الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأُمَنَائِكَ فِي بِلَادِكَ
صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحُفَّهُ
بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ
وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ
الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ
بِهِ وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ وَانْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا مُبِينًا اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَمِلَّةَ
نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ
فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا
مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
اللَّهُمَّ مَا عَرَّفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعْثَنَا وَاشْعَبْ
بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَأَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنَا وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَنَا
وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا

وليلة القدر وحج بيتك
الحرام وقتلا في سبيلك
فوفق لنا وصالح الدعاء
والمسئلة فاستجب لنا
وإذا جمعت الأولين
والآخرين يوم القيمة
فارحمنا وبراءة من
النار فاكتبها لنا وفي
جهنم فلا تغلنا وفي
عذابك وهوانك فلا
تبتلنا ومن الزقوم
والضريع فلا تطعمنا
ومع الشياطين فلا
تجعلنا وفي النار على
وجوهنا فلا تكبنا ومن
ثياب النار وسرابيل
القطران فلا تلبسنا ومن
كل سوء يا لا إله إلا أنت
بحق لا إله إلا أنت فنجنا
و بعد
اللهم إني أسئلك من
بهائك بأبهاه وكل
بهائك بهي اللهم

وَفُكَّ بِهِ أَسْرَنَا وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا
بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْؤُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَأَذْهِبْ بِهِ
غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو
إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا
وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ
وَضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ
مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و هر سحر در پناه این دعا بخواند يَا عُدَّتِي
فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ
عَوْرَتِي وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خُشُوعَ
الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الذُّلِّ فِي النَّارِ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ
مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفَضُّلًا مِنْهُ وَكَرَمًا بِكَرَمِكَ الدَّائِمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ
لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً جَامِعَةً أَبْلُغُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تُبْتُ
إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي
فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنْ ظُلْمِي وَجُرْمِي بِحِلْمِكَ وَ
جُودِكَ يَا كَرِيمُ يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُ يَا مَنْ عَلَا فَلَا شَيْءَ فَوْقَهُ
وَدَنَا فَلَا شَيْءَ دُونَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي يَا فَالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسَى

إني أسئلك ببهائك كله
اللهم إني أسئلك من جمالك
بأجمله وكل جمالك جميل
اللهم إني أسئلك بجمالك
كله اللهم إني أسئلك من
جلالك بأجله وكل
جلالك جليل اللهم إني
أسئلك بجلالك كله
اللهم إني أسئلك من
عظمتك بأعظمها و
كل عظمتك عظيمة
اللهم إني أسئلك
بعظمتك كلها اللهم
إني أسئلك من نورك
بأنوره وكل نورك
نير اللهم إني أسئلك
بنورك كله اللهم إني
أسئلك من رحمتك
بأوسعها

اللیلة اللیلة الساعة الساعة اللهم طهر قلبی من النفاق وعملی من
الریاء ولسانی من الکذب وعینی من الخیانة فانک تعلم خائنة الاعین وما تخفی
الصدور یا رب هذا مقام العائذ بک من النار هذا مقام المستجیر بک من النار
هذا مقام الهارب الیک من النار هذا مقام من یبوء بخطیئته ویعترف بذنبه
ویتوب الی ربه هذا مقام البائس الفقیر الی ربه هذا مقام الخائف المستجیر هذا مقام
المحزون المکروب هذا مقام المغموم المهموم هذا مقام الغریب الغریق هذا مقام
المستوحش الفرق هذا مقام من لا یجد لذنبه غافرا غیرک ولا لهمه مفرجا سواک
یا الله یا کریم لا تحرق وجهی بالنار بعد سجودی لک وتعفیری بغیر منّ منی علیک
بل لک الحمد والمن والفضل علی ارحم ای رب ای رب تا نفس تنگ شود ضعفی و
قلة حیلتی ورقة جلدی وتبدد اوصالی وتناثر لحمی وجسمی وجسدی ووحدتی
ووحشتی فی قبری وجزعی من صغیر بلائی اسئلک یا رب قرة العین والاغتباط
یوم الحسرة والندامة بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه آمنی من الفزع الاکبر
اسئلک البشری یوم تقلب فیه القلوب والابصار والبشری عند فراق الدنیا
الحمد لله الذی ارجوه عونا فی حیوتی واعده ذخرا لیوم فاقتی الحمد لله الذی
ادعوه ولا ادعو غیره ولو دعوت غیره لخیب دعائی الحمد لله الذی ارجوه ولا
ارجو غیره ولو رجوت غیره لاخلف رجائی الحمد لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذی
الجلال والاکرام وولی کل نعمة وصاحب کل حسنة ومنتهی کل رغبة وقاضی
کل حاجة اللهم صل علی محمد وآل محمد وارزقنی الیقین وحسن الظن بک

اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها وکل کلماتک تامة اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله وکل کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها وکل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک کلها اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها وکل عزتک عزیزة اللهم
البلاء
انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی اسئلک

واثبت رجاءک فی قلبی واقطع رجائی عمن سواک حتی لا ارجو غیرک ولا اثق
الا بک یا لطیفا لما تشاء الطف لی فی جمیع احوالی بما تحب وترضی یا رب انی ضعیف
علی النار فلا تعذبنی بالنار یا رب ارحم دعائی وتضرعی وخوفی وذلی ومسکنتی
وتعویذی وتلویذی یا رب انی ضعیف عن طلب الدنیا وانت واسع کریم اسئلک
یا رب بقوتک علی ذلک وقدرتک علیه وغناک عنه وحاجتی الیه ان ترزقنی
فی عامی هذا وشهری هذا ویومی هذا وساعتی هذه رزقا واسعا تغنینی به عن
تکلف ما فی ایدی الناس من رزقک الحلال الطیب ای رب منک اطلب والیک
ارغب وایاک ارجو وانت اهل ذلک لا ارجو غیرک ولا ا[illegible] یا ارحم الراحمین
یا رب ظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی وعافنی یا سامع کل صو[illegible] ویا جامع
کل فوت یا بارئ النفوس بعد الموت یا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه
علیه الاصوات ولا یشغله شیء عن شیء اعط محمدا افضل ما سألک وافضل
ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له الی یوم القیمة وهب لی العافیة حتی
تهنئنی المعیشة واختم لی بخیر حتی لا تضرنی الذنوب اللهم رضنی بما قسمت لی
حتی لا اسئل احدا شیئا اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لی خزائن رحمتک وارحمنی
رحمة لا تعذبنی بعدها ابدا فی الدنیا والآخرة وارزقنی من فضلک الواسع رزقا
حلالا طیبا لا تفقرنی الی احد بعدک سواک تزیدنی بذلک لک شکرا والیک فاقة و
فقرا وبک عمن سواک غنی وتعففا یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل یا ملیک [illegible]
[illegible] علی محمد وآل محمد واکفنی المهم کله واقض لی بالحسنی وبارک لی فی

مستطیلة اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها اللهم انی اسئلک من علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک کله اللهم انی اسئلک من قولک بارضاه وکل قولک رضی اللهم انی اسئلک [illegible] اللهم انی اسئلک من مسائلک باحبها الیک وکل مسائلک الیک حبیبة اللهم انی اسئلک بمسائلک کلها اللهم انی اسئلک من شرفک باشرفه وکل شرفک شریف اللهم انی اسئلک بشرفک کله اللهم انی اسئلک من سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللهم انی اسئلک بسلطانک کله اللهم انی اسئلک

جميع اموري واقض لي جميع حوائجي اللهم يسر لي ما اخاف تعسيره فان تيسير
ما اخاف تعسيره عليك سهل يسير وسهل لي ما اخاف حزونته ونفس عني
ما اخاف ضيقه وكف عني ما اخاف غمه واصرف عني ما اخاف بليته يا ارحم
الراحمين اللهم املأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا
بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام اللهم ان لك علي حقوقا
فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها عني وقد اوجبت لكل ضيف
قرى وانا ضيفك فاجعل قراي الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب
المغفرة ولا حول ولا قوة الا بك ودر اول سال ماه اين دعا بخواند از جميع شرها و فتنها
وآفتهاى دين و دنيا در حفظ و امان خدا ايمن باشد تا سال ديگر اللهم اني اسألك
باسمك الذي دان له كل شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي قهرت
كل شيء وبعظمتك التي تواضع كل شيء وبقوتك التي خضع لها كل شيء
وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء يا نور يا قدوس
يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن يا رحيم صل على
محمد وآل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل
النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل
الاعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق
بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي الذنوب
التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب

ن ملكك بافخره وكل
يك فاخر اللهم اني
سئلك بملكك كله
للهم اني اسئلك من
علوك باعلاه وكل
علوك عال اللهم اني
سئلك بعلوك كله
للهم اني اسئلك من
ك باقدمه وكل
ك قديم اللهم اني
سئلك بمنك كله
لهم اني اسئلك من
تك باكرمها وكل
تك كريمة اللهم اني
سئلك بآياتك كلها
اني اسئلك بما
ن فيه من الشأن
جبروت واسئلك
شأن وحده
روت وحدها اللهم
اسئلك بما تجيبني

التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم والبسني درع الحصينة التي
لا ترام وعافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب
السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش
العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل و
جبرئيل ورب محمد صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسألك
بك وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور
وتعطي كل جزيل وتضاعف الحسنات بالقليل والكثير وتفعل ما تشاء يا قدير
يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد وآل محمد والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك
ونضر وجهي بنورك واحبني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم
عطيتك من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك والبسني
مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى وشاهد كل نجوى وعالم كل خفية
ودافع ما يشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابرهيم
وفطرته وعلى دين محمد وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني مواليا لاوليائك و
معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل يباعدني
منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه السنة
يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته
واخاف مقتك اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب
نقصا من حظي عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في

حين اسئلك فاجبني
عنتي
يا الله پس هر حاجت كه
خواهد از حق تعالى طلب كند
البته روا شود.
الرضا
يا مفزعي عند كربتي
ويا غوثي عند شدتي
يا اهل بيته
اليك فزعت وبك
استغثت وبك لا ابح
لا الوذ بسواك ولا
اطلب الفرج الا منك
فاغثني وفرج عني
يا من يقبل اليسير
ويعفو عن الكثير اقبل
مني اليسير واعف
عني الكثير انك انت
العفو الرحيم اللهم

١٧٥

اني اسئلك ايمانا تباشر
به قلبي حتى اعلم انه لن
يصيبني الا ما كتبت لي
ورضني من العيش بما
قسمت لي يا ارحم الراحمين
يا عدتي في كربتي ويا
صاحبي في شدتي ويا
وليي في نعمتي ويا
غايتي في رغبتي انت
الساتر عورتي والامن
روعتي والمقيل عثرتي
واغفر لي خطيئتي يا
ارحم الراحمين

حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك
وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالح من مضى من اوليائك والحقني
واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك اللهم ان تحيط بي خطيئتي
وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين
رحمتك ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني
لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك محمدا صلى الله عليه واله
هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك وانجزت له عهدك
اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها
واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي
الى منتهى اجلي اسئلك سؤال من اساء وظلم واعترف واسئلك ان تغفر لي ما مضى
من الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني
الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن صل على محمد
واهل بيت محمد وآتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني بالدعاء و
تكفلت بالاجابة يا ارحم الراحمين و ايضا دعاى دخول ماه از صحيفه كامله كه در اول هر
ماه تا آخر ماه اينده بخواند ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا
عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب وسعديك وسبحانك اللهم صل على محمد وال محمد
وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت على ابراهيم انك حميد مجيد اللهم وال ابراهيم
ارحم محمدا وال محمد كما رحمت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد اللهم

سلم على محمد وال محمد كما سلمت على نوح في العالمين اللهم امنن على محمد وال محمد كما
مننت على موسى وهرون اللهم صل على محمد وال محمد كما هديتنا به اللهم صل على
محمد وال محمد كما شرفتنا به اللهم صل على محمد وال محمد وابعثه مقاما محمودا يغبطه
به الاولون والاخرون على محمد واله السلم كلما طلعت شمس او غربت على محمد واله
السلم كلما طرفت عين او برقت على محمد واله السلم كلما طرفت عين او ذرفت على
محمد واله السلم كلما ذكر السلم على محمد واله السلم كلما سبح الله ملك وقدسه السلم
على محمد واله في كل وقت وحين السلم على محمد واله في الاولين السلم على محمد في الاخرين واله
السلم على محمد واله في الدنيا والاخرة اللهم رب البلد الحرام ورب الركن والمقام ورب
الحل والحرام ابلغ نبيك واله عنا السلام اللهم اعط محمدا من البهاء والنضرة والسرور
والكرامة والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والرفعة والشفاعة عندك يوم
القيمة افضل ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق من الخير
اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد الطيب الطاهر والزكي والنقي وال محمد
وافضل ما صليت على الاولين والاخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم
صل على علي امير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على
من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد صلى الله عليه واله والعن من
اذى نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال من والاهما
وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين
ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن

محمد وضاعف العذاب على من ظلمهم اللهم صل على الخلف من بعدهم إمام المسلمين والحسن بن علي
ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل اللهم فرجه اللهم صل على الطاهر والقاسم
ابني نبيك اللهم صل على رقية وأم كلثوم بنتي نبيك والعن من آذى نبيك
فيهما اللهم صل على الخيرة من ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في أهل بيته اللهم
مكن لهم في الأرض اللهم اجعلنا من عددهم ومددهم وأنصارهم على الحق في السر
والعلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعن كل مؤمن وعنهم
ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ أنت آخذ بناصيتها إنك أشد بأسا وأشد تنكيلا
وبرهو ورابن دعا بجوامع اللهم هذا شهر رمضان الذي أنزلت فيه القرآن هدى
للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر الصيام وهذا شهر القيام وهذا
شهر الإنابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار
والفوز بالجنة وهذا شهر فيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر فصل على محمد اللهم
وآل محمد وأعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني فيه وتسلمه مني وأعني
عليه بأفضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك وأوليائك صلى
الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك وأعظم لي فيه
البركة وأحسن لي فيه العافية وأصح فيه بدني وأوسع فيه رزقي واكفني فيه
ما أهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد وأذهب عني
فيه النعاس والكسل والسآمة والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه
العلل والأسقام والهموم والأحزان والأعراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه

السوء

السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء إنك سميع الدعاء اللهم صل
على محمد وآل محمد وأعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه و
نفخه ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره وحبائله وخدعه وأمانيه وغروره
وفتنته وشركه وأحزابه وأتباعه وأشياعه وأوليائه وشركائه وجميع مكائده
والسعد اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الأمل فيه وفي قيامه واستكمال
ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وإيمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالأضعاف
الكثيرة والأجر الكريم العظيم يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني
فيه الحج والعمرة والاجتهاد والقوة والنشاط والإنابة والتوبة والقربة والخير
المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق
اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن
محارمك مع صالح القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا
تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة
ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك
ووعدك برحمتك يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد واقسم لي أفضل ما تقسمه
لعبادك الصالحين وأعطني فيه أفضل ما تعطي أولياءك المقربين من الرحمة
والمغفرة والتحنن والإجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة في
العتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل دعائي فيه إليك واصلا ورحمتك وخيرك إلي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا

وسعيي فيه مشكوراً وذنبي فيه مغفوراً حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه
الاوفر اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب
ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيراً من الف شهر
وارزقني فيها افضل ما رزقت احداً ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها
من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك
يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد
والقوة والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر
ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل و
اسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب
ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين اسألك
بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت عليه وآله وعليهم اجمعين و
نظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضاً لا تسخط علي بعده ابداً واعطيتني
جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني ما اكره واحذر واخاف
على نفسي وما لا اخاف ومن اهلي ومالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا
من ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا
مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين وشفعنا
سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك
واحق من سأل العبد ربه ولم يسأل العباد مثلك كرماً وجوداً يا موضع شكوى

السائلين

السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين
ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب
المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم
يا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي
واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها احد غيرك واعف عني
واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي
وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا
والآخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد
دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك وتزيدني
من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت
في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل
في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً لا يشوبه شك ورضى بما قسمت
لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار وان لم تكن
قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فأخرني الى ذلك وارزقني
فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك وصل على محمد وآل محمد بافضل
صلواتك واجزني يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد اغضب اليوم لمحمد

ولا بوار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على ظهر الارض
منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم
الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شئ والدائم غير الغافل والحي
الذي لا يموت انت كل يوم في شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد
اسئلك ان تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد
صلواتك عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت
صل على محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة واجعل عاقبة امري الى
غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطف
بلى انك لطيف فصل على محمد وال محمد والطف لما تشاء اللهم صل على محمد وال
محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وتطول علي بجميع حوائجي للدنيا والاخرة
بعد از ان سه مرتبه بگويد استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله
ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان
غفارا اللهم اغفر لي انك انت ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي
ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
الحليم العظيم الكريم الغفار للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان الله كان
غفورا رحيما بعد از ان بگويد اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان
تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء الذي
لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم

المغفور

المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل
عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني امانتي وديني امين رب العالمين اللهم اجعل
لي في امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب واحفظني
من حيث احترز ومن حيث لا احترز وصل على محمد وال محمد وسلم كثيرا وايضا
هر كس روز اول ماه رمضان اين دعا بخواند خدا ايمان چهل ساله گناهانش را بيامرزد اللهم رب شهر رمضان
الذي انزلت فيه القران وافترضت على عبادك فيه الصيام ارزقني حج بيتك
الحرام في هذا العام وفي كل عام واغفر لي الذنوب العظام فانه لا يغفرها غيرك
يا ذا الجلال والاكرام و هر كس در ماه رمضان بعد از نماز فريضه اين دعا بخواند گناهانش تا روز
قيامت آمرزيده شود اللهم ادخل على اهل القبور السرور اللهم اغن كل فقير اللهم
اشبع كل جائع اللهم اكس كل عريان اللهم اقض دين كل مدين اللهم فرج عن كل
مكروب اللهم رد كل غريب اللهم فك كل اسير اللهم اصلح كل فاسد من امور المسلمين
اللهم اشف كل مريض اللهم سد فقرنا بغناك اللهم غير سوء حالنا بحسن حالك اللهم
اقض عنا الدين واغننا من الفقر انك على كل شيء قدير و در روز هر شنبه روز با
ثواب شد در اعمال ماه رجب گذشت و هر كس در شب يازدهم صد ركعت نماز گزارد در هر ركعت بعد از حمد
ده مرتبه قل هو الله احد بخواند از دنيا نرود تا اينكه صد نفر از ملائكه را در خواب ببيند كه سي نفر
او را مژده بهشت دهند و سي نفر ايمني از دوزخ و سي نفر از خطا و گناه نگاهش دارند
و ده نفر دفع كيد و مكر كافران و مكاران از او كنند و مستحب است غسل كردن در شب يازدهم
و نوزدهم و بيست و يكم و بيست و سيوم و اول شب وقت غروب بهتر است و در شب

واما دعاي روزها ... روايت
كرده اند كه حضرت رسول ...
... هر روز از ماه مبارك
... دعا
... فضيلت و ثواب
... دعا ...
... دعا ...
دعاي روز اول اللهم اجعل
صيامي فيه صيام الصائمين
وقيامي فيه قيام القائمين
ونبهني فيه عن نومة الغافلين
وهب لي جرمي فيه يا اله العالمين
واعف عني يا عافيا عن المجرمين
دعاي روز دوم اللهم قربني فيه
الى مرضاتك وجنبني فيه من سخطك
ونقماتك ووفقني فيه لقراءة اياتك
برحمتك يا ارحم الراحمين
دعاي روز سيوم اللهم ارزقني فيه
الذهن والتنبيه وباعدني فيه
من السفاهة والتمويه واجعل
لي نصيبا من كل خير تنزل فيه
بجودك يا اجود الاجودين

بیست و سیوم دو مرتبه یکی اول شب و یکی آخر شب **اعمال شب قدر** هر عمل خیر از نماز و صدقه
و قرآن در این شب بهتر است از عمل هزار ماه که شب قدر در آن نباشد و روز قدر نیز در فضل
و شرف مثل شب قدر است و احکام و حوادث هر سال از خیر و شر و طاعت و معصیت همه در شب
قدر تقدیر میشود و اخبار آن همه بر امام زمان علیه السلام نازل میشود و در شب قدر از اول شب تا طلوع
صبح ملائکه و روح بر امام علیه السلام نازل میشوند و اخبار و احکام تمام سال را از جانب الهی به امام میرسانند
و هرچه در این شب تقدیر شد محتوم باشد و خلاف آن واقع نشود و از احادیث مفهوم میشود
اینست که مجموع احکام و تقدیرات شب قدر در سه شب تمام میشود شب نوزدهم و بیست و یکم
و بیست و سیوم ابتدای آن در شب نوزدهم میشود و تمامش در شب بیست و سیوم و مستحب
است در هر یک از این سه شب صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از الحمد یک مرتبه یا سه یا پنج یا هفت یا ده
مرتبه قل هو الله احد بخوانند و نیز مستحب است احیا داشتن شب بیست و یکم و شب بیست و سیوم که
تعیین حتم احکام در این دو شب میشود و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب قدر مغفرت
گناهانست و مستحب است که در شب بیست و سیوم نشسته و ایستاده و در سجود و در همه احوال
بلکه در مدت سال همیشه مکرر بگوید اللهم یا ذا المجد الشامخ والسلطان الباذخ صل علی
محمد وآل محمد وکن لولیک وحجتک فی هذه الساعة وفی کل ساعة ولیا وحافظا
وقائدا وناصرا ودلیلا وعینا حتی تسکنه ارضک طوعا وتمتعه فیها طویلا و حضرت
امام جعفر علیه السلام فرمود هر کس در شب بیست و سیوم این ماه سوره عنکبوت و روم بخواند والله که از
اهل بهشت باشد و انشاء الله میگویم و نمیترسم که در این قسم گناه داشته باشم و نیز فرموده هر کس
در این شب هزار مرتبه انا انزلناه بخواند اعتقاد و یقینش بولایت ما شدید شود و اگر بخواهد

چهارم اللهم قونی فیه علی اقامة امرک وارزقنی فیه حلاوة ذکرک واوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک واحفظنی فیه بحفظک وسترک یا ابصر الناظرین ۵ اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین واجعلنی فیه من اولیائک المقربین برأفتک یا ارحم الراحمین ۶ اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتک ولا تضربنی بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات سخطک بمنک وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین ۷ اللهم اعنی علی صیامه وقیامه وجنبنی فیه من هفواته وآثامه وارزقنی فیه ذکرک بدوامه بتوفیقک یا هادی المضلین ۸ اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام

جهری در خواب ببیند که سبب آن شود و نیز مرویست که هر کس در ثلث دوم این ماه خصوصا در شب
نوزدهم قرآن را بگشاید و بگوید اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل وما فیه وفیه اسمک
الاعظم الاکبر واسماؤک الحسنی وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائک
وطلقائک من النار پس هر حاجت که خواهد بخواهد البته مستجاب شود **ادعیه لیالی عشر آخر**
مرویست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در ده شب آخر ماه مبارک رمضان بعد از فرایض و نوافل
میگفت اللهم ادّ عنا حق ما مضی من شهر رمضان واغفر لنا تقصیرنا فیه وتسلمه
منا مقبولا ولا تؤاخذنا باسرافنا علی انفسنا واجعلنا من المرحومین ولا تجعلنا
من المحرومین و فرمود هر کس این دعا را بخواند هر گناهی که در اجزاء این ماه که گذشته کرده آمرزیده
شود و در بقیه ماه از گناه محفوظ گردد و ایضا در این ده شب این ادعیه بخوانند **شب اول**
یا مولج اللیل فی النهار ومولج النهار فی اللیل ومخرج الحی من المیت ومخرج
المیت من الحی یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا رحیم یا الله یا
الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع
الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی
وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة
الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتک علیهم
شب دوم یا سالخ النهار من اللیل فاذا نحن مظلمون ومجری الشمس لمستقرها بتقدیرک

والطعام وافشاء السلام ومجالسة الکرام بطولک یا ملجأ الآملین ۹ اللهم اجعل لی فیه نصیبا من رحمتک الواسعة واهدنی فیه لبراهینک الساطعة وخذ بناصیتی الی مرضاتک الجامعة بمحبتک یا امل المشتاقین ۱۰ اللهم اجعلنی فیه من المتوکلین علیک واجعلنی فیه من الفائزین لدیک واجعلنی فیه من المقربین الیک باحسانک یا غایة الطالبین ۱۱ اللهم حبب الی فیه الاحسان وکره الی فیه الفسوق والعصیان وحرم علی فیه السخط والنیران بعونک یا غیاث المستغیثین ۱۲ اللهم زینی فیه بالستر والعفاف واسترنی فیه بلباس القنوع والکفاف واحملنی فیه علی العدل والانصاف وآمنی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین

۱۰۳ اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار وصبرني فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه للتقى وصحبة الابرار بعونك يا قرة عين المساكين

۱۰۴ اللهم لا تؤاخذني فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني فيه غرضا للبلايا والآفات بعزتك يا عز المسلمين

۱۰۵ اللهم اغنني فيه بطاعتك ... واشرح فيه صدري بانابة المخبتين بامانك يا امان الخائفين

۱۰۶ اللهم وفقني فيه لموافقة الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار وادخلني فيه برحمتك الى دار القرار بالهيتك يا اله العالمين

۱۰۷ اللهم اهدني فيه لصالح الاعمال واقض لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج الى التفسير والسؤال يا عالما بما في صدور العالمين

[illegible]

يا عزيز يا عليم ومقدر القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور و
منتهى كل رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس يا ماجد يا واحد
يا فرد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى تا آخر دعا شب سوم يا رب ليلة القدر
وجاعلها خيرا من الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار
والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم
يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله تا آخر شب چهارم يا فالق الاصباح وجاعل
الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة و
الحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر
يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت لك الاسماء الحسنى تا آخر شب پنجم
يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا يا الله يا
قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب يا الله يا الله
يا الله لك الاسماء الحسنى والكبرياء تا آخر شب ششم يا جاعل الليل والنهار آيتين يا
من محا آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل
كل شيء تفصيلا يا ماجد يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله تا آخر
شب هفتم يا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم
قبضته اليك قبضا يسيرا يا ذا الجود والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت
عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا
مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله

تا آخر

اللهم نبهني فيه لبركات اسحاره ونور فيه قلبي بضياء انواره وخذ بكل اعضائي الى اتباع آثاره بنورك يا منور قلوب العارفين

۱۰۹ اللهم وفر فيه حظي من بركاته وسهل سبيلي الى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته يا هاديا الى الحق المبين

۲۰ اللهم افتح لي فيه ابواب الجنان واغلق عني فيه ابواب النيران ووفقني فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين

۲۰۱ اللهم اجعل لي فيه الى مرضاتك دليلا ولا تجعل للشيطان فيه علي سبيلا واجعل الجنة لي منزلا ومقيلا يا قاضي حوائج الطالبين

۲۰۲ اللهم افتح لي فيه ابواب فضلك وانزل علي فيه من بركاتك ووفقني فيه لموجبات مرضاتك واسكني فيه بحبوحة جناتك يا مجيب دعوة المضطرين

تا آخر شب هشتم يا خازن الليل في الهواء وخازن النور في السماء ومانع السماء ان تقع على الارض
الا باذنه وحابسهما ان تزولا يا عليم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من
في القبور يا الله يا الله يا الله تا آخر شب نهم يا مكور الليل على النهار ومكور النهار
على الليل يا عليم يا حكيم يا الله يا رب الارباب وسيد السادات لا اله الا انت
يا اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله تا آخر شب دهم الحمد لله الذي لا
شريك له الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا قدوس يا نور
القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل الرحمة يا الله يا عليم يا كبير يا
الله يا لطيف يا جليل يا الله يا سميع يا بصير يا الله يا الله يا الله تا آخر و الحديث مروي
كه هر كس در اين ماه دوازده ركعت نماز گزارد و در هر ركعت بعد از الحمد بيست و پنج مرتبه قل هو الله احد
بخواند و چون از تمام دوازده ركعت فارغ شود هفتاد مرتبه بگويد سبحان الله والحمد
لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و هفتاد مرتبه
استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم واتوب اليه چشمهاى
حكمت از دلش بر زبانش گشوده شود و زبانش بحكمت گويا گردد و دوازده آفات دنيا و آخرت
ازو برگشته چون از دنيا بيرون رود بسلامت داخل بهشت شود و هنوز سر از سجده فرو
نماز بر نداشته باشد كه گناهانش آمرزيده شود و ثواب هفتصد قائم الليل صائم النهار و
هفتصد هزار حج و هفتصد هزار عمره عطا شود و اگر در آن سال بميرد شهيد باشد دعاى روز اول
ماه مبارك در شب آخر ماه اينه را بخواند اللهم انك قلت في كتابك المنزل على نبيك
المرسل وقولك الحق شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات

من الهدى والفرقان وهذا شهر رمضان قد تصرّم فاسئلك بوجهك الكريم
وكلماتك التامّة ان كان بقي عليّ ذنب لم تغفره لي او تريد ان تحاسبني
به او تريد ان تعذّبني عليه او تقايسني ان لا يطلع فجر هذه الليلة او يتصرّم
هذا الشهر الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلّها اوّلها
وآخرها ما قلت لنفسك منها وما قال لك الخلائق الحامدون المجتهدون
المعدّدون الموقّرون ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم على اداء حقّك من اصناف
خلقك من الملائكة المقرّبين والنبيّين والمرسلين واصناف الناطقين والمسبّحين
لك من جميع العالمين على انّك بلّغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا
من قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك ما لا نحصيه فلك منتهى الحمد
الخالد الدائم الراكد المخلّد السرمد الذي لا ينفد طول الابد جلّ ثناؤك اعنتنا
عليه حتى قضيت عنّا صيامه وقيامه من برّ او شكر او ذكر اللهم فتقبّله منّا باحسن
قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة رضوانك حتى
تظفرنا فيه بكلّ خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتؤمننا فيه من كلّ امر
مرهوب او بلاء موهوب مكسوب اللهم انّي اسئلك بعظيم ما سألك به احد
من خلقك من كريم اسمائك وجميل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلّي على محمد
وآل محمد وان تجعل شهرنا الاعظم رمضان مرّ علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في
عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حوائجي وتشفّعني في مسائلي وتمام النعمة عليّ
وصرف السوء عنّي ولباس العافية لي فيه وان تجعلني برحمتك ممّن ذخرت له

مجلوب او ذنب

ليلة

٢٣
اللهم اغسلني فيه من الذنوب وطهّرني فيه من العيوب وامتحن قلبي فيه بتقوى القلوب يا مقيل عثرات المذنبين

٢٤
اللهم انّي اسئلك فيه ما يرضيك واعوذ بك فيه مما يؤذيك واسئلك التوفيق فيه لان اطيعك ولا اعصيك يا عالما باحوال السائلين

٢٥
اللهم اجعلني فيه محبّا لاوليائك ومعاديا لاعدائك ومتمسّكا بسنّة خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيين

٢٦
اللهم اجعل سعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا وعملي فيه مقبولا وعيبي فيه مستورا يا اسمع السامعين

٢٧
اللهم ارزقني فيه فضل ليلة القدر وصيّر اموري فيه من العسر الى اليسر واقبل معاذيري وحطّ عنّي الذنب والوزر يا رؤوفا بعباده الصالحين

ليلة القدر وجعلتها له خيرا من الف شهر في اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول
العمر وحسن الشكر ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك
وجلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منّا لشهر رمضان
حتى تبلّغناه من قابل على احسن حال وتعرّفنا هلاله مع الناظرين اليه والمتعرّفين
له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم يا ربّي
الذي ليس لي ربّ غيره لا يكون هذا الوداع منّي وداع فناء ولا آخر العهد منّي
للقاء حتى ترينيه من قابل في اسبغ النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن
الوفاء انّك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرّعي وتذلّلي لك وا
ستكانتي وتوكّلي عليك فانا لك مسلّم لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا ولا
تبليغا الا بك ومنك فامنن عليّ جلّ ثناؤك وتقدّست اسماؤك بتبليغي شهر
رمضان وانا معافى من كلّ مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد
لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلّغنا آخر ليلة منه اللهم
انّي اسئلك باجمع ما دعيتك به وارضى ما رضيت به عن محمد ان تصلّي على
محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا
وداع آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود فيه
برحمتك يا وليّ المؤمنين ووفّقني لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر
يا ربّ العالمين يا ربّ ليلة القدر وجاعلها خيرا من الف شهر ربّ الليل و
النهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصوّر

٢٨
اللهم وفّر حظّي فيه من النوافل واكرمني فيه باحضار المسائل وقرّب فيه وسيلتي اليك من بين الوسائل يا من لا يشغله الحاح الملحّين

٢٩
اللهم غشّني فيه بالرحمة وارزقني فيه التوفيق والعصمة وطهّر قلبي من غياهب التهمة يا رحيما بعباده المؤمنين

٣٠
اللهم اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على ما ترضاه ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالاصول بحق سيدنا محمد وآله الطاهرين

يا حنان يا منان يا معصوم الله يا رحمن يا رحيم يا قيوم يا بديع السموات والارض
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسألك باسمك بسم الله
الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء
وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واساءتي مغفورة وان تهب لي يقيناً
تباشر به قلبي وايماناً لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وان تؤتيني في الدنيا حسنة
وفي الاخرة حسنة وان تقيني عذاب النار اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر
المحتوم وفيما يفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا
يبدل ولا يغير ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفورة ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان تعتق رقبتي
من النار يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك ولم يسأل العباد مثلك كرماً و
جوداً وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت موضع مسألة السائلين ومنتهى
رغبة الراغبين اسألك باعظم المسائل كلها وافضلها وانجحها التي ينبغي للعباد
ان يسألوك بها يا الله يا رحمن يا رحيم باسمائك الحسنى ما علمت منها وما لم
اعلم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمتك التي لا تحصى وباكرم اسمائك
عليك واحبها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها
منك ثواباً واسرعها لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم
الاكبر الاجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه
وحق عليك ان لا تخيب سائلك وبكل اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور

والقرآن

والقرآن وبكل اسم دعاك حملة عرشك وملائكة سمواتك وسكان ارضك
من نبي او صديق او شهيد وبحق الراغبين اليك المتقربين منك المتعوذين
بك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجاً ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في
سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من
قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من لا يجد
لنفسه ساداً ولا لضعفه مقوياً ولا لذنبه غافراً غيرك هارباً اليك متعوذاً بك متعبداً
لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفاً بائساً فقيراً مستجيراً بك اسألك بعزتك وعظمتك
وجبروتك وسلطانك وبملكك وبهائك وجودك وكرمك وبالائك وحسنك
وجمالك وبقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفاً وطمعاً ورهبة
ورغبة وتخشعاً وتملقاً وهيبة وتضرعاً واخلاصاً والحاحاً وخاضعاً لك لا اله
الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله يا الله يا
الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب اعوذ بك يا
الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعالي واسألك بجميع ما دعوتك به وبا
سمائك التي تملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وال محمد واغفر لي وارحمني و
اوسع علي من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه
ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك
وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم اوجب لي
من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وجنتك افضل ما اعطيت احداً ممن

عبدك فيه اللهم فلا تجعلني أخسر من سألك فيه واجعلني ممن أعتقته في
هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما تأخر وأوجبت له أفضل
ما رجاك وأمله منك يا أرحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك
فيه واجعلني ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور لهم ذنوبهم المتقبل عملهم آمين رب العالمين اللهم لا تدع فيه ذنبا إلا غفرته
ولا خطيئة إلا محوتها ولا عثرة إلا أقلتها ولا دينا إلا قضيته ولا عيلة إلا أغنيتها
ولا هما إلا فرجته ولا فاقة إلا سددتها ولا عريا إلا كسوته ولا مرضا إلا شفيته و
لا داء إلا أذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلا قضيتها على أفضل أملي
ورجائي فيك يا أرحم الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا ولا تذلنا بعد إذ
أعززتنا ولا تضعنا بعد إذ رفعتنا ولا تهنا بعد إذ أكرمتنا ولا تفقرنا بعد إذ أغنيتنا
ولا تمنعنا بعد إذ أعطيتنا ولا تحرمنا بعد إذ رزقتنا ولا تغير شيئا من إحسانك علينا
وإحسانك إلينا لشيء كان من ذنوبنا ولا لما كان منا فإن في كرمك وعفوك
وفضلك سعة لمغفرتك ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها يا ذا
الجلال والإكرام اللهم أكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهينني بعدها أبدا وأعزني في يا أرحم الراحمين
عزا لا تذلني بعده أبدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها أبدا وارفعني رفعة لا تضعني
بعدها أبدا واصرف عني شر كل شيطان مريد وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب أو
بعيد وشر كل صغير أو كبير وشر كل دابة أنت آخذ بناصيتها إن ربي على صراط
مستقيم اللهم ما كان في قلبي من شك أو ريبة أو جحود أو قنوط أو ترح أو مرح

أو بطر

أو بطر أو فرح أو خيلاء أو رياء أو سمعة أو شقاق أو نفاق أو كفر أو فسوق أو معصية
أو شيء لا تحب عليه وليا لك فأسألك أن تمحوه من قلبي وتبدلني مكانه إيمانا
بك ورضا بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما
عندك وثقة بك وطمأنينة إليك وتوبة نصوحا إليك اللهم إن كنت بلغتنا
وإلا فأخر آجالنا إلى قابل حتى تبلغناه وإلا فأخر آجالنا إلى قابل حتى تبلغناه
في يسر منك وعافية يا أرحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين الأخيار
وسلم كثيرا طيبا ورحمة الله وبركاته و این اگر خواهد دعای وداع از صحیفه کامله بخواند
فصل نهم در اعمال شبانه روز عید فطر و روایت از اهل بیت طاهرین که شب عید فطر در
فضل و شرف کمتر از شب قدر نیست هر کس در این شب زیارت حضرت امام حسین ع کند گناهان گذشته
و آینده اش آمرزیده شود و فضل احیا داشتن این شب در اعمال ماه شعبان گذشت و مستحب است
غسل کردن در اول و آخر این شب و بعد از نماز شام و نافله اش سجده کند و بگوید در سجده
یا ذا الجلال والإکرام یا ذا الطول یا مصطفی محمد وناصره صل علی محمد وآله واغفر لی
کل ذنب أذنبته ونسیته أنا وهو عندک فی کتاب مبین و بعد از آن صد مرتبه بگوید
أتوب إلی الله پس حاجتی که خواهد بخواهد ان شاء الله مستجاب شود و هم در این شب ده مرتبه
بگوید یا دائم الفضل الخ چنانکه در اعمال شب جمعه گذشت و بعد از چهار نماز گفتن
این تکبیر مستحب است مغرب و عشا و صبح و نماز عید و بعضی از علما واجب دانسته اند
الله أکبر الله أکبر لا إله إلا الله والله أکبر الله أکبر ولله الحمد الحمد لله علی ما هدانا
وله الشکر علی ما أولانا و هر کس در این شب دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت بعد از حمد

ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و در رکوع و سجود بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
و بعد از فراغ از نماز هزار مرتبه بگوید استغفر الله بعد از آن سجده کند و بگوید یا حی یا قیوم
یا ذا الجلال و الاکرام یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما یا اکرم الاکرمین یا ارحم
الراحمین یا اله الاولین و الآخرین اغفر لی ذنوبی و تقبل صومی و صلوتی و قیامی
هنوز سر از سجده برنداشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و اعمال ماه مبارک ازو و از جمیع
اهل توحید از مشرق تا مغرب مقبول شود و دعاشان مستجاب گردد و گناهانشان
آمرزیده شود و خدا تعالی از گناهانش تجاوز فرماید اگرچه هفتاد گناه کرده باشد که هر یک
عظیم‌تر از ذنوب جمیع عباد باشد و نیز مرویست که هر کس درین شب شش رکعت نماز گزارد
در هر رکعت بعد از الحمد پنج مرتبه قل هو الله بخواند شفیع شود اهل بیت خود را اگرچه همه مستوجب
دوزخ باشند و در روز عید زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مثل صد حج و صد عمره و صد جهاد با
پیغمبر مرسل یا امام معصوم و سنتهاست درین روز غسل کردن و وقت غسل از
طلوع صبح است تا وقت نماز عید و نماز عید اگر جماعت منعقد نباشد مستحب است تنها
گزاردن و آداب و کیفیت آن چنانست که چون خواهد نماز کند و متوجه مصلی شود بگوید
اللهم من تهیأ تا آخره چنانچه در آداب جمعه گذشت و چون شروع در نماز کند بعد از
الحمد سبح اسم بخواند و بعد از آن پنج تکبیر بگوید بعد از هر تکبیری این قنوت بخواند اللهم
اهل الکبریاء و العظمة و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل
التقوی و المغفرة اسألك بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلواتك
علیه و آله ذخرا و مزیدا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر أدخلت

فیه

فیه محمداً و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء أخرجت منه محمداً و آل محمد
صلواتك علیه و علیهم اللهم انی أسألك خیر ما سألك عبادك الصالحون و
أعوذ بك مما استعاذ منه عبادك الصالحون بعد از آن تکبیر ششم بگوید و رکوع و
سجود کند و در رکعت دوم بعد از الحمد و الشمس بخواند بعد از آن چهار تکبیر بگوید بعد از هر تکبیری
همان قنوت بخواند بعد از آن تکبیر پنجم بگوید و رکوع و سجود کرده تشهد و سلام بگوید و بعد از
نماز مستحب است خواندن این دعا اللهم انی أتوجه إلیك بمحمد أمامی و علی من خلفی
و أئمتی عن یمینی و شمالی أستتر بهم من عذابك و أتقرب بهم إلیك زلفی لا أجد (وسخطك)
أحداً أقرب إلیك منهم فهم أئمتی فآمن بهم خوفی من عذابك و سخطك و أد
خلنی برحمتك الجنة فی عبادك الصالحین أصبحت بالله مؤمنا موقنا مخلصا
علی دین محمد و سنته و علی دین علی و سنته و علی دین الأوصیاء و سنتهم آمنت
بسرهم و علانیتهم و أرغب إلی الله تعالی فیما رغبوا فیه و أعوذ بالله من شر
ما استعاذوا منه و لا حول و لا قوة و لا منعة إلا بالله العلی العظیم توکلت
علی الله حسبی الله و من یتوکل علی الله فهو حسبه اللهم انی أریدك فأردنی
و أطلب ما عندك فیسره لی اللهم إنك قلت فی محکم کتابك المنزل و قولك
الحق و وعدك الصدق شهر رمضان الذی أنزل فیه القرآن هدی للناس ع
فعظمت شهر رمضان بما أنزلت فیه من القرآن العظیم و خصصته بأن جعلت فیه (الکریم)
لیلة القدر اللهم و قد انقضت أیامه و لیالیه و قد صرت منه إلی ما أنت أعلم به منی
فأسألك یا إلهی بما سألك به ملائکتك المقربون و أنبیاؤك المرسلون و عبادك

الصالحون ان تصلي على محمد وال محمد وان تقبل مني كل ما تقربت به اليك وفيه
تتفضل علي بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب لي من
لدنك رحمة واعتق رقبتي من النار وامني يوم الخوف من كل فزع ومن كل هول
اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة وجهك الكريم وبحرمة نبيك وبحرمة الاوصياء ان
ينصرم هذا اليوم ولك قبلي تبعة تريد ان تؤاخذني بها او خطيئة تريد ان تقتصها
مني لم تغفرها لي اسئلك بحرمة وجهك الكريم يا لا اله الا انت ان ترضى عني وان كنت يا لا اله الا انت
قد رضيت عني فزد فيما بقي من عمري رضا وان كنت لم ترض عني فمن الان فارض
عني يا سيدي ومولاي الساعة الساعة الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي
هذا اليوم وفي هذا المجلس من عتقائك من النار عتقا لا رق بعده اللهم اني اسئلك
بحرمة وجهك الكريم ان تجعل يومي هذا خير يوم عبدتك فيه منذ اسكنتني الارض
اعظمه اجرا واعمه نعمة وعافية واوسعه رزقا وابتله عتقا من النار واوجبه مغفرة
واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله اخر شهر رمضان صمته
لك فارزقني العود فيه ثم العود فيه حتى ترضى عني وترضي كل من له قبلي تبعة
ولا تخرجني من الدنيا الا وانت عني راض اللهم اجعلني من حجاج بيتك الحرام
في هذا العام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنبهم المستجاب دعاؤهم المحفو
ظين في انفسهم واديانهم وذراريهم واموالهم وجميع ما انعمت به عليهم اللهم
اقلبني في مجلسي هذا وفي يومي هذا وفي ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا دعائي في
مرحوما صوتي مغفورا ذنبي اللهم واجعل فيما شئت واردت وقضيت وحتمت

وانفذت

وانفذت ان تطيل عمري وان تقوي ضعفي وان تجبر فاقتي وان ترحم ذلي وذنوبي
وخشيتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر وخفض عيش تكفيني كل ما
اهمني من امر اخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان
علي بالامن بدلا مما ابقيتني اللهم اني توجهت اليك بمحمد وال محمد صلواتك عليهم في
قدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها
في الدنيا والاخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة
انك على كل شيء قدير فانك وليي ومولاي وسيدي وربي والهي وثقتي ورجائي
ومعدن مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي فلا تخيبن عليك دعائي يا سيدي
ومولاي ولا تبطلن لديك طمعي ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد وال محمد صلواتك
عليهم وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي فاجعلني
بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي
بالسعادة انك على كل شيء قدير اللهم لا تبطلن عملي وطمعي ورجائي يا الهي ومسئلتي
واختم لي بالسعادة والاسلام والامن والايمان والمغفرة والرضوان والشهادة
والحفظ يا منزولا به كل حاجة يا الله يا الله يا الله انت ولي كل حاجة فتول
عاقبتها ولا تسلط علينا احدا من خلقك بشيء لا طاقة لنا به من امر الدنيا
وفرغنا من امر الاخرة يا ذا الجلال والاكرام صل على محمد وال محمد وبارك على
محمد وال محمد وسلم على محمد وال محمد وتحنن على محمد وال محمد كافضل ما صليت
وباركت وترحمت وسلمت وتحننت ومننت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد

وعافني في بدني واهلي وولدي واهل مودتي وجيراني واخواني وذريتي صح

والبعث اگر خواهد دعای صحیفهٔ کامله بخواند یا من یرحم تا لا یرحمه العباد تا آخر

فصل دهم

در اعمال شهر ذی القعدة الحرام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که زمین در زیر کعبه معظمه جمع بود و حق
در روز بیست و پنجم این ماه زمین را کشید و پهن کرد تا خلق در ان تعیش کنند روزه این روز
کفاره هفتاد ساله و مثل روزه شصت ماه است و در روایت دیگر مثل روزه هفتاد سال آمده
و در روایت دیگر آمده که قیام این شب و صیام این روز مثل صد ساله عبادت است که هر روز ما بیش
روزه و شبهایش نماز کند و اجر طاعت در این شب مثل اجر عابدیست که یک لحظه معصیت نکرده
باشد و هیچ کس درین شب دعائی نکند مگر که مستجاب شود و هزار هزار رحمت بر عابدین و ذاکرین
این شب نازل شود و درین روز مستحب است دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه
والشمس بخواند و چون سلام دهد حوقله بگوید پس بگوید یا مقیل العثرات اقلنی عثرتی یا مجیب
الدعوات اجب دعوتی یا سامع الاصوات اسمع صوتی وارحمنی وتجاوز عن
سیئاتی یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین و ایضا مستحب است این روز خواندن
این دعا اللهم داحی الکعبة وفالق الحبة وصارف اللزبة وکاشف الکربة اسئلک فی
هذا الیوم وهو من ایامک التی اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنین
ودیعة برحمتک الواسعة ان تصلی علی محمد عبدک المنتجب فی المیثاق القریب یوم التلاق
فاتق کل رتق وداع الی کل حق وعلی اهل بیته الابرار الاطهار الهداة المنار دعائم
الجبار وولاة الجنة والنار واعطنا فی یومنا هذا من عطائک المخزون غیر مقطوع
ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة یا خیر مدعو واکرم مرجو یا کفی یا وفی یا من
لطفه خفی الطف لی بلطفک واسعدنی بعفوک وایدنی بنصرک ولا تنسنی کریم ذکرک

بولاة

بولاة امرک وحفظة سرک احفظنی من شوائب الدهر الی یوم الحشر والنشر واشهدنی فی
اولیاءک عند خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع عملی وانقضاء اجلی اللهم
واذکرنی علی طول البلی اذا حللت بین اطباق الثری ونسینی الناسون من الوری
واحللنی دار المقامة وبوئنی منزل الکرامة واجعلنی من مرافقی اولیائک واهل
اجتبائک واصطفائک وبارک لی فی لقائک وارزقنی حسن العمل قبل حلول الاجل بریئا
من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردنی حوض نبیک محمد واهل بیته صلواتک علیهم
واسقنی منه مشربا رویا سائغا هنیئا لا اظمأ بعده ولا احلأ ورده ولا عنه
اذاد واجعله لی خیر زاد واوفی میعاد یوم یقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولین
والآخرین الجاحدین بحقوق اولیائک المستأثرین اللهم واقصم دعائمهم واهلک
اشیاعهم وعاملهم وعجل مهالکهم واسلبهم ممالکهم وضیق علیهم مسالکهم والعن مسا
همهم ومشارکهم اللهم وعجل فرج اولیائک واردد علیهم مظالمهم واظهر
بالحق قائمهم واجعله لدینک منتصرا وبامرک فی اعدائک مؤتمرا اللهم احففه
بملائکة النصر وبما القیت الیه من الامر فی لیلة القدر منتقما لک حتی ترضی ویعود
دینک به وعلی یدیه جدیدا غضا ویمحض الحق محضا ویرفض الباطل رفضا
اللهم صل علیه وعلی جمیع آبائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی
نکون فی زمانه من اعوانه اللهم ادرک بنا قیامه واشهدنا ایامه وصل علیه وعلیه
السلام واردد الینا منه سلامه والسلام علیه ورحمة الله وبرکاته

فصل یازدهم

در اعمال شهر ذی الحجة الحرام مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روز اول این ماه حضرت ابرهیم متولد

نوده و درین روز تزویج حضرت فاطمه علیها السلام بوده مستحب است درین روز نماز حضرت
فاطمه علیها السلام و آن نماز را درین مقام چنین روایت کرده اند که چهار رکعت است در هر رکعت
بعد از الحمد پنجاه مرتبه قل هو الله بخوانند و بعد از نماز تسبیح آنحضرت بگوید پس بگوید سبحان
ذی العز الشامخ المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان الفاخر القدیم
سبحان من لبس البهجة والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من
یری اثر النملة فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو هکذا
ولا هکذا غیره و روزه این روز کفاره شصت سال است و روزه هشتاد ماه است و روزه هشتم
که یوم الترویه است گویند کفاره یکسال و نهم که عرفه است کفاره نود سال و روزه تمام این ده
روز برابر با صوم دهر است و هر روز از اول این ماه تا شب عید بعد از نماز صبح و پیش از شام این دعا
بخوانند اللهم هذه الایام التی فضلتها علی الایام وشرفتها قد بلغتنیها بمنک ورحمتک
فانزل علینا فیها من برکاتک واوسع علینا فیها نعمائک اللهم انی اسئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تهدینا فیها لسبیل الهدی والعفاف والغنی والعمل
فیها بما تحب وترضی اللهم انی اسئلک یا موضع کل شکوی ویا سامع کل نجوی و
یا شاهد کل ملاء ویا عالم کل خفیة ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تکشف عنا
فیها البلاء وتستجیب لنا فیها الدعاء وتقوینا فیها وتعیننا وتوفقنا فیها لما تحب
ربنا وترضی وعلی ما افترضت علینا من طاعتک وطاعة رسولک واهل ولایتک
اللهم انی اسئلک یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تهب لنا فیها
الرضا انک سمیع الدعاء فلا تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء وطهرنا من الذنوب

یا علام

یا علام الغیوب و اوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صل علی محمد وآل محمد ولا تترک لنا
فیها ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دینا الا قضیته ولا غائبا الا ادیته ولا
حاجة من حوائج الدنیا والآخرة الا سهلتها ویسرتها انک علی کل شیء قدیر اللهم
یا عالم الخفیات یا راحم العبرات یا مقیل العثرات یا مجیب الدعوات یا رب
الارضین والسموات یا من لا تتشابه علیه الاصوات صل علی محمد وآل محمد واجعلنا
فیها من عتقائک وطلقائک من النار الفائزین بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم
الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله و هر کس درین ده روز هر روز ده مرتبه این تهلیل
بگوید لا اله الا الله عدد اللیالی والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله
الا الله ورحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک والشجر لا اله الا الله
عدد الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد قطر المطر
لا اله الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا
تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری والصخور لا اله الا الله من الیوم
الی یوم ینفخ فی الصور خدای تعالی در بهشت بعدد هر تهلیل درجه از در و یاقوت عطا فرماید
که مابین هر دو درجه صد ساله راه سواری سریع باشد و در هر درجه مدینه و در هر مدینه قصری از
یکپاره گوهر که مفصل نگشته باشد و در هر مدینه منازل و خانها و غرفها و حجرها و حور العین
و مسندها و فرشها و بساطها و زینتها و زیورها و طعامها و خدم و انهار و اشجار که وصفهای
از وصف آن عاجز باشند و چون از قبر بیرون آید هر مویش از نور درخشان باشد و هفتاد
هزار ملک استقبالش نمایند و رفاقت کنند و چون به در بهشت رسد ایشان پیش و ملائکه از عقب

داخل شوند و میروند تا شهری هستند که برونش از یاقوت سرخ و درونش از زبرجد سبز باشد و
در آن شهر اصناف خلایق که در بهشت باشند و باد گویند ای ولی خدا این شهر از آن تست و ما
و شتابکاریم که وقتی که آن تعجیل میکنیم با تو میبودیم و مژده باد ترا اما فضل از این ثواب که خدا
برای تو در دار السلام در جوار خود مهیا فرموده و هر کس شب عرفه زیارت حضرت امام حسین ع
کند از همه شرور آن سال ایمن گردد و فضایل دیگر در اعمال ماه شعبان گذشت و هر کس روز عرفه
زیارت آنحضرت کند خدا تعالی برایش هزار هزار حج که با حضرت قایم ع و هزار هزار عمره که با حضرت
پیغمبر صلعم کرده باشد بنویسد و عتق هزار هزار رقبه و هزار هزار اسب که در راه خدا بجهاد دوانیده
ثبت کند و در میان ملائکه او را صدیق و در زمین کروبی نام کنند و بروایت دیگر مثل هزار
جهاد است که با پیغمبر مرسل یا امامی معصوم کند و خدا تعالی پیش از آنکه متوجه اهل عرفات شود
اول متوجه زوار آنحضرت شود و حوایج ایشان برآورد و گناهانشان بیامرزد و سؤال ایشانرا
اجابت فرماید بعد از آن متوجه اهل عرفات شده ایشانرا احسان و اکرام فرماید و در روز
عرفه این دعا را بخوانند که حضرت امام حسین ع خوانده الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه
كصنعه مانع ولا كصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر أجناس البدائع و
أتقن بحكمته الصنائع لا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده الودائع أتى بالكتاب
الجامع وبشرع الإسلام النور الساطع وهو للخليقة صانع وهو المستعان على
الفجائع جازي كل صانع ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل المنافع و
الكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللمطيعين نافع وللدرجات
رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع ودافع ضرعة

كل

كل ضارع فلا إله غيره ولا شيء يعدله وليس كمثله شيء وهو السميع البصير اللطيف
الخبير وهو على كل شيء قدير اللهم إني أرغب إليك وأشهد بالربوبية لك مقرا بأنك ربي
وأن إليك مردي ابتدأتني بنعمتك قبل أن أكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم
أسكنتني الأصلاب آمنا لريب المنون واختلاف الدهور فلم أزل ظاعنا من صلب
إلى رحم في تقادم الأيام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني لرأفتك بي ولطفك
بي وإحسانك إلي في دولة أيام الكفرة الذين نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك
أخرجتني رأفة منك وتحننا علي للذي سبق لي من الهدى الذي له يسرتني وفيه
أنشأتني ومن قبل ذلك رؤفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمتك وابتدعت خلقي
من مني يمنى ثم أسكنتني في ظلمات ثلاث بين لحم ودم وجلد ثم لم تشهدني خلقي
ولم تجعل إلي شيئا من أمري ثم أخرجتني إلى الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد
طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا مريا وعطفت علي قلوب الحواضن وكفلتني
الأمهات الرحائم وكلأتني من طوارق الجان وسلمتني من الزيادة والنقصان فتعاليت
يا رحيم يا رحمن حتى إذا استهللت ناطقا بالكلام أتممت علي سوابغ الإنعام و ربيتني
زائدا في كل عام حتى إذا اكتملت فطرتي واعتدلت سريرتي أوجبت علي حجتك بأن
ألهمتني معرفتك وروعتني بعجائب فطرتك وأنطقتني لما ذرأت في سمائك وأرضك
من بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك وعبادتك وفهمتني
ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت علي في جميع ذلك بعونك
ولطفك ثم إذ خلقتني من خير الثرى لم ترض لي يا إلهي بنعمة دون أخرى ورزقتني

من انواع المعاش وصنوف الرياش بمنّك العظيم عليّ واحسانك القديم اليّ
حتى اذا اتممت عليّ جميع النعم وصرفت عنّي كل النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي
عليك ان دللتني على ما يقرّبني اليك و وفقتني لما يزلفني لديك فان دعوتك
اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك شكرتني وان شكرتك زدتني كل
ذلك اكمالاً لانعمك عليّ واحسانك اليّ فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد
حميد مجيد تقدست اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي احصي عددا
او ذكرا ام اي عطاياك اقوم بها شكرا وهي يا رب اكثر من ان يحصيها العادّون
او يبلغ علما بها الحافظون ثم ما صرفت ودرأت عنّي اللهم من الضر والضراء
اكثر مما ظهر لي من العافية والسراء وانا اشهدك يا الهي بحقيقة ايماني وعقد عزمات
يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون ضميري وعلائق مجاري نور بصري
واسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي وخذاريف مارن عرنيني ومسارب
صماخ سمعي وما ضمّت واطبقت عليه شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك
فمي وفكي ومنابت اضراسي وبلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ ماكلي ومشربي و
حمالة ام راسي وجمل حمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري ونياط
حجاب قلبي وافلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف اضلاعي وحقاق مفاصلي
واطراف اناملي وقبض عواملي ودمي وشعري وبشري وعصبي وقصبي وعظامي
مخي وعروقي وجميع جوارحي وما انتسج على ذلك ايام رضاعي وما اقلّت الارض
مني ونومي ويقظتي وسكوني وحركتي وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت

واجتهدت

واجتهدت مدى الاعصار والاحقاب لو عمّرتها ان اؤدّي شكر واحدة من انعمك
ما استطعت ذلك الا بمنّك الموجب عليّ شكرا انفا جديدا وثناء طارفا عتيدا و
اجل و لو حرصت والعادّون من انامك ان نحصي مدى انعامك سالفة وانفة
لما حصرناه عددا ولا احصيناه ابدا هيهات انّى ذلك وانت المخبر عن نفسك في
كتابك الناطق والنبأ الصادق وان تعدّوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك
اللهم وتبؤك وبلّغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك وشرعت لهم
من دينك غير اني يا الهي اشهد بجهدي وجدّي ومبالغ طاقتي ووسعي واقول مؤمنا
موقنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن له شريك في الملك فيضادّه
فيما ابتدع ولا وليّ من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه سبحانه لو كان فيهما
آلهة الا الله لفسدتا وتفطّرتا فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل حمد ملائكته المقربين
وانبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه خاتم النبيين وآله الطاهرين
المخلصين اللهم اجعلني اخشاك كاني اراك واسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك
وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تاخير ما
عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور في بصري
والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين مني وانصرني
على من ظلمني وارني فيه ثاري ومآربي واقرّ بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر
عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا

في الآخرة والأولى اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني حياً سوياً رحمةً لي وكنت عن
خلقي غنياً رب بما برأتني فعدلت فطرتي رب بما أنشأتني فأحسنت صورتي رب بما
أحسنت إليّ وفي نفسي عافيتني رب بما كلأتني ووفقتني رب بما أنعمت عليّ فهديتني
رب بما أوليتني ومن كل خير آتيتني وأعطيتني رب بما أطعمتني وسقيتني رب بما أغنيتني
وأقنيتني رب بما أعنتني وأعززتني رب بما ألبستني من ذكرك الصافي ويسرت لي
من صنعك الكافي صل على محمد وآل محمد وأعني على بوائق الدهر وصروف الأيام و
الليالي ونجني من أهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض
اللهم ما أخاف فاكفني وما أحذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني
وفي أهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي أعين
الناس فعظمني ومن شر الجن والإنس فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني و
بعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني وإلى غيرك فلا تكلني إلهي إلى من تكلني إلى القريب
يقطعني أم إلى البعيد يتجهمني أم إلى المستضعفين لي وأنت ربي ومليك أمري أشكو
إليك غربتي وبعد داري وهواني على من ملكته أمري اللهم فلا تحلل بي غضبك
فإن لم تكن غضبت عليّ فلا أبالي سواك غير أن عافيتك أوسع لي فأسألك بنور
وجهك الذي أشرقت له الأرض والسماوات وانكشفت به الظلمات وصلح عليه أمر
الأولين والآخرين أن لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى حتى
ترضى قبل ذلك لا إله إلا أنت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي
أحللته البركة وجعلته أمناً يا من عفى عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من أسبغ

النعم

النعم لفضله يا من أعطى الجزيل لكرمه يا عدتي في كربتي يا مونسي في حفرتي ويا وليي
يا إلهي وإله آبائي إبرهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل
وإسرافيل ورب محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل التورية والإنجيل والزبور
والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم أنت كهفي حين تعييني المذاهب
في سعتها وتضيق على الأرض برحبها ولولا رحمتك لكنت من المفضوحين وأنت مؤيدي
بالنصر على أعدائه ولولا نصرك لكنت من المغلوبين يا من خص نفسه بالسمو والرفعة
فأولياؤه بعزه يعتزون يا من جعلت له الملوك نير المذلة على أعناقهم فهم من سطواته
خائفون تعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور وغيب ما تأتي به الأزمان والدهور
يا من لا يعلم كيف هو إلا هو يا من لا يعلم ما يعلمه إلا هو يا من كبس الأرض على الماء
وسد الهواء بالسماء يا من له أكرم الأسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع أبداً يا مقيض
الركب ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودية ملكاً يا راده
على يعقوب بعد أن ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم يا كاشف الضر والبلوى عن
أيوب يا ممسك يدي إبرهيم عن ذبح ابنه بعد كبر سنه وفناء عمره يا من استجاب
لزكريا فوهب له يحيى فلم يدعه فرداً وحيداً يا من أخرج يونس من بطن الحوت يا
من فرق البحر لبني إسرائيل فأنجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من
أرسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من
استنقذ السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره
وقد حادوه ونادوه وكذبوا رسله يا الله يا بديء لا بدء لك يا دائماً لا نفاد لك يا حي

يا محيي الموتى يا من هو قائم على كل نفس بما كسبت يا من قلّ له شكري فلم يحرمني و
عظمت خطيئتي في صغري فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني
في صغري يا من رزقني في كبري يا من أياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي لا تجازى
يا من عارضني بالخير والإحسان وعارضته بالإساءة والعصيان يا من هداني
بالإيمان قبل أن أعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضاً فشفاني وعرياناً فكساني
وجائعاً فأشبعني وعطشاناً فأرواني وذليلاً فأعزني وجاهلاً فعرفني ووحيداً
فكثرني وغائباً فردني ومقلاً فأغناني ومنتصراً فنصرني وغنياً فلم يسلبني وأمسكت
عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من أقال عثرتي ونفس كربتي وأجاب دعوتي
وستر عورتي وذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وإن أعد نعمك ومننك
وكرائم منحك لا أحصيها يا مولاي أنت الذي أنعمت أنت الذي أحسنت أنت
الذي أجملت أنت الذي أفضلت أنت الذي مننت أنت الذي أكملت أنت الذي رزقت
أنت الذي أعطيت أنت الذي أغنيت أنت الذي أقنيت أنت الذي آويت أنت الذي
كفيت أنت الذي هديت أنت الذي عصمت أنت الذي سترت أنت الذي غفرت
أنت الذي أقلت أنت الذي مكنت أنت الذي أعززت أنت الذي أعنت أنت
الذي عضدت أنت الذي أيدت أنت الذي نصرت أنت الذي شفيت أنت الذي
عافيت أنت الذي أكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائماً ولك الشكر
واصباً ثم أنا يا إلهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي أنا الذي أخطأت أنا الذي غفلت
أنا الذي جهلت أنا الذي هممت أنا الذي سهوت أنا الذي اعتمدت أنا الذي تعمدت

أنا الذي وعدت أنا الذي أخلفت أنا الذي أقررت أنا الذي نكثت أنا الذي إلهي
أعترف بنعمك عندي وأبوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو
الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحاً بمعونته ورحمته فلك الحمد إلهي
أمرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت نهيك فأصبحت لا ذا براءة فأعتذر ولا ذا
قوة فأنتصر فبأي شيء أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني أم بيدي أم
برجلي أليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والسبيل
علي يا من سترني من الآباء والأمهات أن يزجروني ومن العشائر والإخوان أن
يعيروني ومن السلاطين أن يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت
عليه مني إذاً ما أنظروني ولرفضوني وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا سيدي خاضعاً
ذليلاً حصيراً حقيراً لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوة فأنتصر ولا حجة لي فأحتج
بها ولا قائل لم أجترح ولم أعمل سوءاً وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني
فكيف وأنى ذلك وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقيناً غير
ذي شك أنك سائلي عن عظائم الأمور وأنك الحكيم العدل الذي لا يجور وعدلك
مهلكي ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف
عني فبحلمك وجودك وكرمك لا إله إلا الله سبحانك إني كنت من الظالمين
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المستغفرين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
من الموحدين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الوجلين لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الراجين المسبحين الراغبين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من السائلين

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المهلكين لا اله الا انت ربي ورب آبائي الاولين
اللهم هذا ثنائي عليك ممجداً واخلاصي موحداً واقراري بآلائك معدداً وان كنت
مقراً اني لا احصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث ما لم
تزل تتعمدني به معها مذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء بعد الفقر و
كشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن والسلامة
في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمتك علي جميع العالمين من الاولين والآخرين
لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم رحيم لا تحصى
آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على محمد وآل محمد واتمم علينا
نعمك واسعدنا بطاعتك سبحانك لا اله الا انت تجيب دعوة المضطر اذا دعاك
وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم
الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير
يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا
شريك له ولا وزير صل على محمد وآل محمد واعطني في هذه العشية افضل ما اعطيت
وانلت احداً من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة
تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وعلى
كل شيء قدير اللهم انك اقرب من دعي واسرع من اجاب واكرم من عفى واوسع
من اعطى واسمع من سئل يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسؤول ولا
سواك مأمول دعوتك فاجبتني وسألتك فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني ووثقت

بك

بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني اللهم فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك
وعلى آله الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا
شاكرين لآلائك ذاكرين آمين آمين رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر و
قهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين
يا من احاط بكل شيء علماً ووسع المستقيلين رأفة وحلماً انا نتوجه اليك في هذه
العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك وامينك على
وحيك اللهم فصل على البشير النذير السراج المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته
رحمة للعالمين اللهم صل على محمد وآله كما محمد اهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى آل
محمد المنتجبين الطيبين الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت
الاصوات بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيباً في كل خير تقسمه ونور
تهدي به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين
اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين
ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من
بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله من
عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك اقبلنا موقنين
ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف اللهم
عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا
في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب

لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا الخير
واجعلنا من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر ودوام اليسر
واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته
وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام
اللهم ونقنا وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم
يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا ما استقر في المكنون
ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه علمك ووسعه
حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا تسبح لك السموات السبع
والارض ومن فيهن وان من شيء الا يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد يا ذا الجلال
والاكرام والفضل والانعام والايادي الجسام وانت الجواد الكريم الرؤوف الرحيم
اوسع علي من رزقك وعافني في بدني وديني وامن خوفي واعتق رقبتي من النار
اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني ولا تخدعني وادرأ عني شر فسقة الجن والانس يا اسمع
السامعين ويا ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين صل على محمد
وآل محمد واسألك اللهم حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني ما منعتني و
ان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسألك فكاك رقبتي من النار لا اله الا انت
وحدك لا شريك لك لك الملك ولك الحمد وانت على كل شيء قدير يا رب يا رب
يا رب الهي انا الفقير في غناي فكيف لا اكون فقيرا في فقري الهي انا الجاهل في

علمي

علمي فكيف لا اكون جهولا في جهلي الهي ان اختلاف تدبيرك وسرعة طواء مقاديرك
منعا عبادك العارفين بك عن السكون الى عطاء واليأس منك في بلاء الهي
مني ما يليق بكرمك الهي وصفت نفسك باللطف والرأفة لي قبل وجود ضعفي
بلؤمي ومنك ما يليق
افتمنعني منهما بعد وجود ضعفي الهي ان ظهرت المحاسن مني فبفضلك ولك المنة
علي وان ظهرت المساوي مني فبعدلك ولك الحجة علي الهي كيف تكلني وقد توكلت
لي وكيف اضام وانت الناصر لي ام كيف اخيب وانت الحفي بي ها انا اتوسل اليك
بفقري اليك وكيف اتوسل اليك بما هو محال ان يصل اليك ام كيف اشكو اليك
حالي وهو لا يخفى عليك ام كيف اترجم بمقالي وهو منك برز اليك ام كيف تخيب
آمالي وهي قد وفدت اليك ام كيف لا تحسن احوالي وبك قامت الهي ما الطفك
بي مع عظيم جهلي وما ارحمك بي مع قبيح فعلي الهي ما اقربك مني وابعدني عنك
ما ارأفك بي فما الذي يحجبني عنك الهي علمت باختلاف الآثار وتنقلات الاطوار
ان مرادك مني ان تتعرف الي في كل شيء حتى لا اجهلك في شيء الهي كلما اخرسني
لؤمي انطقني كرمك وكلما آيستني اوصافي اطمعتني منتك الهي من كانت محاسنه
مساوي فكيف لا تكون مساويه مساوي ومن كانت حقائقه دعاوي فكيف لا
تكون دعاويه دعاوي الهي حكمك النافذ ومشيتك القاهرة لم يتركا لذي مقال
مقالا ولا لذي حال حالا الهي كم من طاعة بنيتها وحالة شيدتها هدم اعتمادي
عليها عدلك بل اقالني منها فضلك الهي انك تعلم اني وان تدم الطاعة مني فعلا
جزما فقد دامت محبة وعزما الهي كيف اعزم وانت القاهر وكيف لا اعزم وانت الآمر

الهي ترددي في الآثار يوجب بعد المزار واجمعني عليك بجذبة توصلني اليك كيف
يستدل عليك بما هو في وجوده مفتقر اليك ايكون لغيرك من الظهور ما ليس لك
حتى يكون هو المظهر لك متى غبت حتى تحتاج الى دليل يدل عليك ومتى بعدت حتى تكون
الآثار هي التي توصل اليك عميت عين لا تراك ولا تزال عليها رقيبا وخسرت صفقة
عبد لم تجعل له من حبك نصيبا الهي امرت بالرجوع الى الآثار فارجعني اليك بكسوة
الانوار وهداية الاستبصار حتى ارجع اليك منها كما دخلت اليك منها مصون السر
عن النظر اليها ومرفوع الهمة عن الاعتماد عليها انك على كل شيء قدير الهي هذا
ذلي ظاهر بين يديك وهذا حالي لا يخفى عليك منك اطلب الوصول اليك وبك
استدل عليك فاهدني بنورك اليك واقمني بصدق العبودية بين يديك الهي
علمني من علمك المخزون وصني بسر اسمك المصون الهي حققني بحقائق اهل القرب
واسلك بي مسالك الجذب الهي اغنني بتدبيرك عن تدبيري وباختيارك لي عن اهل
اختياري واوقفني على مراكز اضطراري الهي اخرجني من ذل نفسي وطهرني من شكي
وشركي قبل حلول رمسي بك انتصر فانصرني وعليك اتوكل فلا تكلني واياك اسال فلا تخيبني
وفي فضلك ارغب فلا تحرمني وبجنابك انتسب فلا تبعدني وببابك اقف فلا تطردني
الهي تقدس رضاك ان تكون له علة منك فكيف تكون له علة مني انت الغني
بذاتك عن ان يصل اليك النفع منك فكيف لا تكون غنيا عني الهي ان القضاء والقدر
غلبني وان الهوى بوثائق الشهوة اسرني فكن انت النصير لي حتى تنصرني وتبصرني
واغنني بفضلك حتى استغني بك عن طلبي انت الذي اشرقت الانوار في قلوب اوليائك

حتى

حتى عرفوك ووحدوك وانت الذي ازلت الاغيار عن قلوب احبابك حتى لم يحبوا
سواك ولم يلجاوا الى غيرك انت المونس لهم حيث اوحشتهم العوالم وانت الذي هديتهم
حيث استبانت لهم المعالم ماذا وجد من فقدك وما الذي فقد من وجدك لقد
خاب من رضي دونك بدلا وقد خسر من بغى عنك متحولا كيف يرجى سواك وانت
ما قطعت الاحسان وكيف يطلب من غيرك وانت ما بدلت عادة الامتنان يا من
اذاق احباءه حلاوة المؤانسة فقاموا بين يديه مستغفرين انت الذاكر قبل الذاكرين
وانت البادي بالاحسان قبل توجه العابدين وانت الجواد بالعطاء قبل طلب الطالبين
وانت الوهاب ثم لما وهبت لنا من المستقرضين الهي اطلبني برحمتك حتى اصل
اليك واجذبني بمنتك حتى اقبل عليك الهي ان رجائي لا ينقطع عنك وان عصيتك
كما ان خوفي لا يزايلني وان اطعتك فقد دفعتني العوالم اليك وقد اوقعني علمي بكرمك
عليك الهي كيف اخيب وانت املي ام كيف اهان وعليك متكلي الهي كيف استعز
وفي الذلة اركزتني ام كيف لا استعز واليك نسبتني الهي كيف لا افتقر وانت الذي في
الفقراء اقمتني ام كيف افتقر وانت الذي بجودك اغنيتني انت الذي لا اله غيرك تعرفت
لكل شيء فما جهلك شيء وانت الذي تعرفت الي في كل شيء فرايتك ظاهرا في كل شيء
وانت الظاهر لكل شيء يا من استوى برحمانيته فصار العرش غيبا في ذاته محقت الآثار
بالآثار ومحوت الاغيار بمحيطات افلاك الانوار يا من احتجب في سرادقات عرشه
عن ان تدركه الابصار يا من تجلى بكمال بهائه فتحققت عظمته الاسرار كيف تخفى
وانت الظاهر ام كيف تغيب وانت الرقيب الحاضر انك على كل شيء قدير والصلاة

اگر خواهد دعای روز عرفه را از صحیفه کامله بخواند و هر کس شب عید اضحی زیارت حضرت امام حسین عم
کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و نیز مرویست که زیارت آنحضرت در غیر عید
مثل یک حج و یک عمره و یک جهاد است با پیغمبری مرسل یا امامی معصوم و در روز عید مثل
صد حج و صد عمره و صد غزوه و در روز عرفه مثل هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه راوی گوید
گفتم پس اگر کسی حج کند چون باشد حضرت امام عم آشفته و غضبناک نگاه کرد و گفت هر مؤمن
که در فرات غسل کند و زیارت آنحضرت کند بهر گام یک حج و یک عمره با تمام مناسک از برایش
نویسند و شب عید بگوید اللهم من تهیأ تا آخر چنانچه در روز جمعه گذشت و مستحب است احیا داشتن
این شب که درهای آسمان در این شب گشوده باشد و نماز این عید مثل نماز عید فطر است و اگر کسی در
منی باشد بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اولش نماز ظهر روز عید است این تکبیر
بگوید و بعضی از مشایخ رحمهم الله واجب دانسته اند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر و لله
الحمد الله اکبر علی ما هدانا والله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما اولانا عید غدیر فضل
شرف این عید زیاده از آنست که توان بیان نمود اما بذکر شمه از آن این مجموعه را مزین گردانیم
و گوییم مرویست از حضرت امام رضا عم که روز قیامت چهار روز را مانند عروس زینت کرده
پیش خدا برند عید فطر و اضحی و روز جمعه و عید غدیر و عید غدیر در آن میان مانند ماه است در
میان ستارگان و این روزیست که حضرت پیغمبر صلعم امیر المؤمنین عم را در منزل غدیر خم
بامامت و خلافت تعیین نمود و خدا تعالی باین فضیلت نعمت خود را بر بندگان تمام و دین
خود را برایشان کامل گردانید و در این روز خدا تعالی جبرئیل عم را فرمود تا کرسی در برابر بیت
المعمور نصب کرده بران برآید و ملائکه آسمانها همه در اطرافش جمع گشته حمد و ثنای خدا گویند

وصلوة

و صلوة بر حضرت پیغمبر و اهل بیتش علیهم السلام فرستند و برای شیعیان و دوستان ایشان
استغفار کنند و کرام الکاتبین را فرماید که سه روز قلم از شیعیان برگیرند و خطیئه ایشان
ننویسند و گناهان بیامرزد و کربتها تفریج نماید و دعاها اجابت فرماید و اعمال قبول کند
و هر کس این روز را عید کند و بر خود و بر عیال خود و بر دوستان و شیعیان توسعه نماید
خدا تعالی مالش را زیاد کند و از آتش آزادش کند و هر کس در این روز در روی مؤمنی تبسم کند
خدا تعالی در روز قیامت بر وی برحمت نظر کند و هزار حاجتش برآورد و قصری از در بهشت
برایش بنا فرماید و هر کس در این روز زینت کند خدا تعالی همه خطایای صغیره و کبیره اش بیامرزد و جماعتی
ملائکه را بفرستد که تا آن روز از سال دیگر برایش حسنات نویسند و درجات بلند گردانند
و اگر بمیرد شهید و اگر بماند سعید باشد و اگر مؤمنی را طعام دهد چنانست که جمیع انبیا و صدیقان را
طعام داده باشد و اگر زیارت مؤمنی کند خدا تعالی قبرش را وسیع گرداند و هفتاد نور بقبرش
فرستد و هر روز هفتاد هزار ملک بفرستد که او را دلداری کنند و مژده بهشت دهند و روایت
دیگر آمده که در این روز یکدیگر را زیارت کنید و بسلام و مصافحه ملاقات نمایید و یکدیگر را باین
عید تهنیت و مبارکباد نمایید و بگویید الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَکْرَمَنَا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِینَ
بِعَهْدِهِ اِلَیْنَا وَمِیثَاقِهِ الَّذِی وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةِ اَمْرِهِ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنَا
مِنَ الْجَاحِدِینَ وَالْمُکَذِّبِینَ بِیَوْمِ الدِّینِ و با یکدیگر بلطف و شکفتگی کنید و با یکدیگر احسان و
اکرام و بر و صله بجا آرید و مؤمنان را از لباسهای نیکو و بوهای خوش و طعامهای لذیذ بنوازید
و مسرور سازید و برای عیال بقدر استطاعت تهیه اسباب عید و سرور کنید و با فقرا و ضعفا
بقدر وسع احسان و اعانت نمایید و یکدیگر رسم احسان در این روز مثل هزار هزار درهم است و روزه

امروز برابر است با روزه تمام عمر دنیا و اگر کسی از ابتدای دنیا تا انقضای آن عمر کند و همیشه روزه
گیرد و شبها عبادت کند برابر روزه امروز نشود و در روایت دیگر شده که روزه امروز در هر سال
برابر است با صد حج و صد عمره و هر کس درین روز اعانت مومنی کند یا قرضی بمومنی دهد ثواب
روزه امروز و عبادت امشب یابد و کسی که امروز روزه دار را برای شب افطار فرماید چنانست
که صد فیام مردم را افطار فرموده باشد که یک فیام صد هزار کس است و چنانست که باین عدد
انبیا و صدیقین و شهدا را در پریشانی و قحطی طعام و آب داده باشد پس چون باشد کسی که جماعتی
مومنان را متکفل احوال شود و بایشان احسان نماید یکی از جمله اجرش آنست که از کفر و فقر ایمن
گردد و مستحبست درین روز غسل کردن و ذکر و دعا و استغفار و صلوات بسیار فرستادن
و از اعدای اهل بیت و ظالمین ایشان تبرا نمودن و بر ایشان لعن کردن و حضرت امام رضا ع
فرموده درین روز هر جا که باشی بزیارت امیر المومنین صلوات الله علیه حاضر شو که خدا ایتعالی از هر مومن و مومنه
و مسلم و مسلمه گناه شصت ساله را میآمرزد و مضاعف آنکه در ماه رمضان و لیلة القدر و لیلة الفطر
از آتش آزاد کرده درین روز آزاد کند و هر کس درین روز هر وقت که خواهد و افضل آنست که
نیم ساعت پیش از ظهر باشد دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله احد و آیة الکرسی
تا هم فیها خالدون و انا انزلناه هر یک را ده مرتبه بخواند برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره
و هیچ حاجت از حوایج دنیا و آخرت سوال نکند مگر که برآورده شود هر چه باشد و این نماز را
مستحب است با جماعت کردن و بعد از نماز خطبه مشتمل بر ذکر فضایل این روز خواندن
چنانکه از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که چنین کرد و بعد از نماز مستحب است درین روز
خواندن این دعا رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادی لِلْاِیمانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فا
فاغفر

لَنا ذُنُوبَنا وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ
وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ وَكَفى بِكَ شَهِيداً وَاُشْهِدُ
مَلائِكَتَكَ وَاَنْبِياءَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكّانَ سَمواتِكَ وَاَرْضِكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ
لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْمَعْبُودُ فَلا نَعْبُدُ سِواكَ فَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً وَ
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَمَوْلانا رَبَّنا
سَمِعْنا وَاَجَبْنا وَصَدَّقْنَا الْمُنادِيَ رَسُولَكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ اِذْ نادى نِداءً عَنْكَ
بِالَّذِي اَمَرْتَهُ اَنْ يُبَلِّغَ ما اَنْزَلْتَ اِلَيْهِ مِنْ وِلايَةِ وَلِيِّ اَمْرِكَ وَحَذَّرْتَهُ وَاَنْذَرْتَهُ اِنْ لَمْ يُبَلِّغْ
ما اَمَرْتَهُ اَنْ تَسْخَطَ عَلَيْهِ وَكَما بَلَّغَ رِسالَتَكَ عَصَمْتَهُ مِنَ النّاسِ فَنادى مُبَلِّغاً عَنْكَ
اَلا مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ وَمَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيُّهُ وَمَنْ كُنْتُ نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ
اَمِيرُهُ رَبَّنا قَدْ اَجَبْنا داعِيَكَ النَّذِيرَ مُحَمَّداً عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ اِلَى الْهادِي الْمَهْدِيِّ
عَبْدِكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَجَعَلْتَهُ مَثَلاً لِبَنِي اِسْرائِيلَ عَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلاهُمْ وَ
وَلِيِّهِمْ رَبَّنا آمَنّا وَاتَّبَعْنا مَوْلانا وَوَلِيَّنا وَهادِيَنا وَداعِيَنا وَداعِيَ الْاَنامِ وَصِراطَكَ
الْمُسْتَقِيمَ وَحُجَّتَكَ الْبَيْضاءَ وَسَبِيلَكَ الدّاعِيَ اِلَيْكَ عَلى بَصِيرَةٍ وَمَنِ اتَّبَعَهُ وَسُبْحانَ
اللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّهُ الْاِمامُ الْهادِي الرَّشِيدُ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي ذَكَرْتَهُ فِي
كِتابِكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاِنَّهُ فِي اُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ اَللّٰهُمَّ فَاِنّا نَشْهَدُ
بِاَنَّهُ عَبْدُكَ وَالْهادِي مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَصِراطُكَ الْمُسْتَقِيمُ وَاَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
وَقائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَحُجَّتُكَ الْبالِغَةُ وَلِسانُكَ الْمُعَبِّرُ عَنْكَ فِي خَلْقِكَ وَالْقائِمُ
بِالْقِسْطِ فِي بَرِيَّتِكَ وَدَيّانُ دِينِكَ وَخازِنُ عِلْمِكَ وَاَمِينُكَ الْمَأْمُونُ الْمَأْخُوذُ

ميثاقه وميثاق رسولك من جميع خلقك وبريتك شاهداً بالإخلاص لك والوحدانية
بأنك أنت الله لا إله إلا أنت وأن محمداً عبدك ورسولك وأن علياً أمير المؤمنين
جعلت الإقرار بولايته تمام وحدانيتك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك
وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت
لكم الإسلام ديناً فلك الحمد بموالاته وإتمام نعمتك علينا بالذي جددت لنا من
عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من أهل الإخلاص والتصديق بميثاقك
ومن أهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من أتباع المغيرين والمبدلين والمحرفين
والمبتكين آذان الأنعام والمغيرين خلق الله ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان
فأنساهم ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين
والناكثين والمغيرين والمكذبين بيوم الدين من الأولين والآخرين اللهم فلك
الحمد على إنعامك علينا بالهدى الذي هديتنا به إلى ولاة أمرك من بعد نبيك
الأئمة الهداة الراشدين وأعلام الهدى ومنار القلوب والتقوى والعروة
الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم رضيت لنا الإسلام
ديناً فلك الحمد آمنا وصدقنا بمنك علينا بالرسول النذير المنذر ووالينا وليهم و
عادينا عدوهم وبرئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان ذلك
من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شأن
أتممت نعمتك علينا بموالاة أوليائك المسؤول عنهم عبادك فإنك قلت ثم
لتسئلن يومئذ عن النعيم وقلت وقولك الحق وقفوهم إنهم مسئولون ومننت

علينا

علينا بشهادة الإخلاص وبموالاة أوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير و
أكملت لنا به الدين وأتممت علينا به النعمة وجددت علينا عهدك وذكرتنا
ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك إيانا وجعلتنا من أهل الإجابة ولم تنسنا
ذكرك فإنك قلت وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم وأشهدهم على
أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك بأنك أنت الله لا إله إلا أنت
ربنا ومحمد عبدك ورسولك نبينا وعلي أمير المؤمنين عبدك الذي أنعمت
به علينا وجعلته آية لنبيك وآيتك الكبرى والنبأ العظيم الذي هم فيه
مختلفون وعنه مسؤولون اللهم فكما كان من شأنك أن أنعمت علينا بالهداية
إلى معرفتهم فليكن من شأنك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تبارك لنا في
يومنا هذا الذي أكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك وأكملت لنا ديننا
وأتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك من أهل الإجابة والبراءة من أعدائك
وأعداء أوليائك المكذبين بيوم الدين فأسألك يا رب تمام ما أنعمت علينا
به وأن تجعلنا من الموقنين المصدقين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا
قدم صدق مع المتقين واجعل لنا من المتقين إماماً يوم تدعو كل أناس
بإمامهم واحشرنا في زمرة أهل بيت نبيك الأئمة الصادقين واجعلنا من البراء
من الذين هم دعاة إلى النار ويوم القيامة هم من المقبوحين وأحينا على ذلك
ما أحييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلاً واجعل لنا قدم صدق في الهجرة إليهم واجعل
محيانا خير المحيا ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة أوليائك

ومعاذاتنا عذابك حتى توفانا وأنت عنا راض حتى أوجبت لنا جنتك برحمتك و
المثوى من جوارك في دار المقامة من فضلك لا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا
وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الأبرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا
يوم القيمة إنك لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا مع الأئمة الهداة من آل رسولك
نؤمن بسرهم وعلانيتهم اللهم إني أسئلك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضلتهم
به على العالمين جميعا أن تبارك لنا في يومنا هذا الذي أكرمتنا فيه بالموافات
لعهدك الذي عهدته إلينا والميثاق الذي واثقتنا به من موالاة أوليائك والبراءة
من أعدائك أن تتم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه
أبدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي إلى الهدى و
تحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك إنك على كل شيء قدير
بعد از آن سجده کند و صد مرتبه بگوید شکرا لله **بیست و چهارم ایماه** حضرت امیر المومنین صلع
در رکوع تصدق خاتم فرموده و آیه تصدق که نص است در امامت و خلافت آنحضرت و اولاد
طاهرینش علیهم السلم نازل گشت و گزاردن نماز روز غدیر در این روز همان فضل و ثواب دارد و هم در
ایماه حضرت پیغمبر صلعم با مشرکان مباهله فرموده و آیه مباهله که نص است در فضیلت اهل بیت ع
نازل گشت و در روایت دیگر آمده که روز مباهله همان روز بیست و چهارم است و مشایخ رحمهم الله
این روایت را ظاهر دانسته‌اند و بالجمله فضل روز مباهله بسیار است و مستحب است در این
روز هر قدر که خواهد نماز بگزارد و در روایت دیگر وارد ده رکعت نماز گزارد و بعد از هر دو رکعت
هفتاد مرتبه استغفار کند و چون از نماز فارغ شود ایستاده نظر بموضع سجود افکنده با غسل

ابتد

ابتدعا بجواد الحمد لله رب العالمين الحمد لله فاطر السموات والأرضين الحمد لله الذي له
ما في السموات وما في الأرض الحمد لله خلق السموات والأرض وجعل الظلمات والنور
ثم الذين كفروا بربهم يعدلون الحمد لله الذي عرفني ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه
إياي لكنت هالكا إذ قال وقوله الحق قل لا أسئلكم عليه أجرا إلا المودة في القربى
فبين لي القرابة فقال سبحانه إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم
تطهيرا فبين لي أهل البيت بعد القرابة ثم قال سبحانه عن الصادقين الذين
أمرنا بالكون معهم والرد إليهم بقوله سبحانه يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا
مع الصادقين فأوضح عنهم وأبان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا
ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة
الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث هديتني وأرشدتني حتى
لم يخف علي الأهل والبيت والقرابة فعرفتني نساءهم وأولادهم ورجالهم
اللهم إني أتقرب إليك بذلك المحل والمقام الذي لا يكون أعظم منه فضلا للمؤمنين
ولا أكثر رحمة لهم بتعريفك إياهم شأنه وإبانتك فضل أهله الذين بهم
أدحضت باطل أعدائك وثبت بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود
الذي أنقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين من أهل بيت نبيك الصادقين
عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الأفعال لخصم أهل الإسلام
فظهرت كلمة أهل الإلحاد وفعل أولي العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر
على نعمائك وأياديك اللهم صل على محمد وآل محمد الذين افترضت علينا طاعتهم

وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول
الثابت الذي عرفونا فأعنا على الأخذ بما بصرونا واجز محمدا عنا أفضل الجزاء
بما نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالتك واخطر بنفسه في اقامة دينك وعلى
أخيه ووصيه والهادي الى دينه والقيم بسنته علي أمير المؤمنين وصل على الأئمة من
أبنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وأدخلنا بشفاعتهم دار كرامتك
يا أرحم الراحمين اللهم هؤلاء أصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اجعلهم شفعاءنا
أسألك بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود أن تغفر لي وتتوب علي إنك أنت
التواب الرحيم اللهم إني أشهد أن أرواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب أصلها
وأغصانها وأوراقها اللهم ارحمنا بحقهم وأجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة
بولايتهم وأوردنا موارد الأمن من أهوال يوم القيامة بحبهم وأقرارنا بفضلهم
واتباعنا آثارهم واهتدائنا بهديهم واعتقادنا ما عرفونا من توحيدك ووقفونا
عليه من تعظيم شأنك وتقديس أسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات أن تحلك و
العلم أن يحيط بك والوهم أن يقع عليك فإنك أقمتهم حججا على خلقك ودلائل
على توحيدك وهداة تنبه على أمرك وتهدي الى دينك وتوضح ما أشكل على
عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك وتدعو الى تعظيم السفير
بينك وبين خلقك فأنت المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم
بسرك واصطفيتهم لوحيك وأورثتهم غوامض تأويلك رحمة بخلقك ولطفا
بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي عليه ضمائر أمنائك وما يكون من شأن

صفوتك وطهرتهم في منشئهم وحرستهم من نفث نافث اليهم وأريتهم برهانا على
من عرض بسوء لك لهم فاستجابوا لأمرك وشغلوا أنفسهم بطاعتك وملأوا
أجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم أمرك وجزّوا أوقاتهم فيما يرضيك وأخلوا
دخائلهم من معاريض الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لإرادتك
وعقولهم مناصب لأمرك ونهيك وألسنتهم تراجمة لسنتك ثم أكرمتهم بنورك
حتى فضلتهم من بين أهل زمانهم والأقربين إليهم فخصصتهم بوحيك وأنزلت إليهم
كتابك وأمرتنا بالتمسك بهم والرد إليهم والاستنباط منهم اللهم إنا قد تمسكنا بكتابك
وبعترة نبيك الذين أقمتهم لنا دليلا وعلما وأمرتنا باتباعهم اللهم فإنا قد تمسكنا
بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم
فاجعلنا من الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لأيامهم الناظرين الى شفاعتهم
ولا تضلنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب آمين رب
العالمين اللهم صل على محمد وعلى أخيه وصنوه أمير المؤمنين وقبلة العارفين و
علم المهتدين وثاني خمسة الميامين الذين فخر بهم الروح الأمين وباهل الله بهم
المباهلين فقال وهو أصدق القائلين فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك
من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم
ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الإمام المخصوص بمؤاخاته يوم الإخاء
والمؤثر بالقوت بعد ضر الطوى ومن شكر الله سعيه في هل أتى ومن شهد بفضله
معادوه وأقر بمناقبه جاحدوه مولى الأنام ومكسر الأصنام ومن لم تأخذه في الله

لو نه لاثنی صلی الله علیه ما طلعت شمس لنهار بعد اورقت الاشجار وعلی النجوم المشرقات
من عترته النجم الواضحات من ذریته روز آخر این ماه هر کس دو رکعت نماز گزارد و در رکعت اول
بعد الحمد ده مرتبه قل هو الله و در دوم ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام بگوید اللهم
ما عملت فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه و لم ترضه لی فی نیته و لم تنسه
و دعوتنی الی التوبة منه بعد جرائی علیک اللهم انی استغفرک منه فاغفر لی
اللهم و ما عملت من عمل تقربنی الیک فاقبله منی و لا تقطع رجائی منک یا کریم
خدای تعالی گناهان گذشته اش بیامرزد و شیطان فریاد کند که ای وای که تعب عبث در سال
گذشته کشیدم **فصل دوازدهم** در ذکر فضایل اعمال و لیالی و ایام و شهور و اعوام بر سبیل اجمال روایت است
از حضرت امام همام حسن بن علی العسکری علیهما السلام که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که چون روز قیامت
خدای تعالی بندگان را ز اعمال محشور سازد روز [؟] بر زمین جمع کرده و بقاع و اماکن و روزها و شبها
و ساعتها و شبهای جمعه و ماهها و سالها همه را محشور سازد و ایشان بر اعمال عباد
شهادت طلب فرماید پس برای هر کس بطاعت عمل صالح شهادت دهند بسعادت ابد
فایز گردد و در زمره سعدا منسلک گردد و برای هر کس بمعصیت و عمل شر شهادت دهند
بشقاوت ابد معذب شود پس تهیه روز قیامت کنید و ترک معاصی نمائید که در آن روز تنها
امید خلاص و بطاعت خدا چشم داشت نجات باشد و هر کس حرمت ماه رجب و شعبان نگاه دارد
و این دو ماه را بطاعت و عبادت بماه مبارک رمضان متصل کرده این سه ماه شاهدان
او باشند و روز قیامت منادی ندا کند و گوید ای رجب و شعبان و رمضان چون بود
مصاحبت این بنده خدا با شما و چون کرد طاعت خدا را در شما پس ایشان گویند خدایا این

بنده تو چون با ما بود جهد در طاعت تو میکرد و سعی در تحصیل رضای تو مینمود و بعبادت و
طاعت محبت و رحمت تو می جست پس از ملائکه که بر این سه ماه موکلند شهادت طلبد ایشان
گویند خدایا رجب و شعبان و رمضان راست گفتند ما این بنده را ندیدیم مگر در طاعت و
عبادت و تحصیل رضای تو و بر و احسان با بندگان تو و اینها همه را از روی فرح و ابتهاج
با آرزوی رحمت و امید عفو و مغفرت تو میکرد و آنچه تو او را منع فرموده بودی احتراز مینمود
و هر چه موجب رحمت و سبب مغفرت تو بودی بشتافت و مبادرت میکرد و با بطن و فرج
و سمع و بصر و سایر جوارح روزه میداشت و روزها در تشنگی روزه میگذرانید و شبها بشب
عبادت بروز می آورد و در نفقه و اکرام و صدقه و احسان بفقرا و مساکین بسیار میکرد و صحبت
این سه ماه را خوب داشت و وداع ایشان را خوب کرد و بعد از آن نیز بطاعت و عبادت
باقی بود و هتک حرمت امر و نهی تو نمی نمود پس خدای تعالی آن بنده را امر بجنت فرماید و ملائکه
با تحفها و عطایا و کرامات استقبال کنند و بر تحت از نور بنشانند و مرکبهای براق برای او
مهیا کرده باشند و به بهشتهای باقی و منازل ابدی برند که هرگز از آنجا بیرون نیایند و جوانان آنجا
هرگز پیر نشوند و سرور ایشان بغم در عقب نباشد و نوش از تلخی ایمن باشد از کدورات حساب
مصون و از مشقت عذاب مامون و در منازل شریف و درجات رفیع مکرم و متنعم باشند
و هم آنحضرت فرمود چون روز اول شعبان شود شیطان لشکر خود را در اطراف زمین
متفرق سازد و گوید سعی کنید و بندگان خدا را بگیرید و از راه خدا بگردانید و خدای تعالی ملائکه
را در اطراف زمین منتشر سازد و فرماید بندگان مرا راه دهید و هدایت کنید مگر کسی که اباو
گردنکشی کند و طغیان ورزد که او داخل حزب ابلیس شود و روز اول شعبان فرماید درخت طوبی

که شاخهایش می‌بیند او آویخته شود و درخت زقوم را که شاخهایش می‌بینید او برد بعد از آن ملکی از
جانب خدا ندا کند و گوید ای بندگان خدا این شاخهای طوبی است محکم بگیرید و خود را بآنها
درآویزید تا شما را به بهشت برند و این شاخهای زقوم است از آنها بگریزید تا شما را بجهنم نبرد
بعد از آن فرمود بخدائی که مرا بحق بنبوت اختیار کرده که هر کس عملی از اعمال خیر کند بشاخی
از شاخهای طوبی چسبیده است و هر کس عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسبیده
باشد بعد از آن فرمود پس هر کس امروز روزه گیرد بشاخی از طوبی چسبیده است و هر کس نماز
تطوعی کند بشاخی چسبیده و هر کس صدقه دهد بشاخی چسبیده و هر کس ظلمی از کسی عفو کند
بشاخی چسبیده و هر کس میان زن و شوهر یا والد و ولد یا خویش و خویش یا همسایه و همسایه
یا بیگانه و بیگانه اصلاح رنجش و کدورت کند بشاخی چسبیده و هر کس قرضدار پریشانی
را مهلت دهد یا چیزی از حق خود با او ببخشد بشاخی چسبیده و هر کس ادای دین کسی کند که قرضخواهش
از آن مأیوس گشته باشد بشاخی چسبیده و هر کس منع جاهلی از غیبت مؤمنی کند بشاخی (و عرض مؤمنی)
چسبیده و هر کس ذکر خدا و شکر نعمتهای او کند بشاخی چسبیده و هر کس عیادت بیماری
کند بشاخی چسبیده و هر کس تشییع جنازه کند بشاخی چسبیده و هر کس صاحب مصیبتی را تعزیه
کند بشاخی چسبیده است و هر کس حق والدین یا یکی از ایشان کند بشاخی چسبیده و اگر ایشان
یا یکی از ایشان از او آزرده باشند عذرخواهی کند و رضای ایشان تحصیل نماید بشاخی
چسبیده و همچنین هر کس کاری از کارهای خیر کند بشاخی از طوبی چسبیده است و هر عملی از
عملهای شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسبیده باشد و هر کس در نماز فریضه تقصیر کند
و حق آن را ضایع کرده باشد بشاخی از آن چسبیده و هر کس فقیری پیش او آید که خبر از حالش

دارد

داشته باشد و قادر بر حاجت او باشد و او را واگذارد تا مشقت کشد و مضطر باشد بشاخی
چسبیده و هر کس کسی از او عذر تقصیری بخواهد و قبول نکند بلکه برنجاندش بشاخی
چسبیده و هر کس میان زن و شوهر یا والد و ولد یا دو خویش یا دو همسایه یا دو دوست
یا دو بیگانه افساد کند بشاخی چسبیده و هر کس بر قرضدار پریشانی که حالش را داند تنگ گیرد
کند بشاخی چسبیده و هر کس قرضی داشته باشد و از صاحبش چیزی کم کند و حقش را ببرد بشاخی
چسبیده و هر کس یتیمی را برنجاند و بر او ظلم کند بشاخی چسبیده و هر کس غیبت مؤمنی کند و هتک
عرض مؤمنی نماید بشاخی چسبیده و هر کس غنای حرامی کند بشاخی چسبیده و هر کس قبایح
افعال خود و انواع ظلم خود را نقل کند و بآن تفاخر کند بشاخی چسبیده و هر کس از روی
بخل بعیادت مریضی نرود بشاخی چسبیده و هر کس از باب استخفاف ترک تشییع جنازه
یا ترک تعزیه صاحب مصیبتی کند بشاخی چسبیده و هر کس حقوق والدین یا یکی از ایشان کند
یا ایشان از او آزرده باشند و تحصیل رضا و عذرخواهی ایشان نکند و حال آنکه قادر باشد
بشاخی چسبیده و همچنین هر کس مرتکب فعلی از افعال شر شود بشاخی از زقوم چسبیده است
و او را میکشیده باشد تا بجهنم بعد از آن حضرت نگاه بآسمان میکرد و اظهار سرور و شگفتگی
مینمود و بعد از آن نگاه بزمین کرد و اظهار آزردگی و دلگیری نمود بعد از آن متوجه
اصحاب گشت و فرمود بخدائی که مرا بحق بنبوت اختیار نموده دیدم درخت طوبی را که جمعی که
بشاخهای آن چسبیده‌اند او آویخته‌اند و ایشان را به بهشت میبرد و بعضی بیک شاخ آویخته و بعضی بدو
شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس بحسب کار خیری که کرده و دیدم زید بن حارثه را که بیشتر خیراتش
آن حضرت بود و بیشتر شاخهای طوبی چسبیده بود و او را از همه کس بالاتر برد و از آنچه خدا

شدم و چون نگاه بزمین کردم دیدم درخت زقوم را که جمعی که بشاخهای او چسبیده
بودند همه را فرو بجهنم و بعضی را دیدم بیک شاخ چسبیده و بعضی بدو شاخ و بعضی بچند شاخ
هر کس بحسب قبایحی که کرده و بعضی از منافقین را دیدم که بهمه شاخهای زقوم چسبیده بود و او را فرو
بردند تا اسفل درکات جهنم ازین جهت دلگیر گشتم بعد از آن باز نگاه بر آسمان کردم و خندان شدم
و نگاه بر زمین کردم و دلگیر گشتم پس فرمود اگر آنچه من دیدم شما میدیدید روزها را بجگرهای
تشنه گرسنه بروزه میگذرانیدید و شبها را بتعب و مشقت عبادت بروز می آوردید
و مالهای خود در الصدقه تمام میکردید و جانهای خود در راه جهاد میباختید گفتند پدر و مادر
و اهل و فرزندان ما فدای تو باد چه دیده فرمود چون شاخهای طوبی به بهشت رجوع کردند
منادی از جانب خدا ندا کرد که ای ملائکه ببینید که هر کس امروز بشاخی از طوبی چسبیده او
القدر که سایه آن شاخ می افتد از هر جانب خانها و قصرها و نعمتهای بهشت باو دهید پس بعضی
از ایشانرا از هر جانب هزار ساله راه عطا کنند و بعضی را دو برابر آن و بعضی را سه برابر و
بعضی را چهار برابر و همچنین هر کس را بقدر عملش و چون شاخهای زقوم بجهنم فرو رفت
منادی از جانب خدا ندا کرد که ای خزان جهنم ببینید هر کس امروز بشاخی از زقوم چسبیده
بقدر حرارت و ظلمت آن شاخ از همه جانب برای او از آتش خانها و منازل بنا کنید و
مارها و عقربها و زنجیرها و غلها و عذابها برای ایشان مهیا کنند پس برای بعضی یکساله راه و برای
بعضی دو ساله و صد ساله و بیشتر و کمتر هر کس را بقدر عملش عذاب مقرر کنند بعد از آن بر طرف
زمین نگاه میکرد و گاهی مسرور و گاهی دلگیر میشد پس فرمود خوشا آنانکه اطاعت خدا
میکنند و بشاخهای طوبی آویخته اند و خدا تعالی چون با ایشان اکرام و شفقت میفرماید

شیاطین

شیاطین متوجه ایشان شده اند که ایشانرا گمراه کنند و خدا تعالی ملائکه را فرماید که با شیاطین
محاربه و مقاتله میکنند و شیاطین را میکشند و دور میرانند و بهر آنانکه معصیت میکنند
و شیاطین ایشانرا گمراه کرده بجهنم میفرستند بعد از آن فرمود پس تعظیم امروز کنید و قدر شبش
را بدانید و حرمتش را بشناسید که بسا مردم که امروز سعید شوند و بسا مردم که امروز شقی گردند
باب نهم در تزویج و احکام متعلقه بآن و مقصود ازین باب انشاء الله در دوازده فصل
مبین شود **فصل اول** در فضایل تزویج و کراهت عزوبت بروایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
اجمعین که چون کسی تزویج کند نصف دینش محفوظ گردد و باید در نصف دیگر احتیاط و ملاحظه
خود نماید و دو رکعت نماز صاحب اهل و عیال افضل است از هفتاد رکعت عزب و هیچ
بنائی نزد خدا در اسلام دوستتر از نکاح نیست و هیچ خرابی دشمنتر از فرقت طلاق
و خدا تعالی از غایت دشمنی باطلاق ذکر آن در قرآن بسیار فرموده و اکثر خیر در زنان
باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود چه مانع است مومن را از آنکه تزویج کند شاید از او اولادی بهم رسد
که بذکر و عبادت خدا زمین را سنگین گردانند و نیز فرمود تزویج کنید و تحصیل اولاد نمائید که
روز قیامت بکثرت شما بر سایر امم مفاخرت و مباهات کنم حتی طفلی که از شما ساقط شود
و سقط شما غضبناک و خشم آلود بر در بهشت ایستاده باو گویند داخل شو گوید داخل نشوم
تا اول والدین من داخل نشوند پس خدا تعالی بملکی فرماید تا والدینش آورده داخل بهشت کنند
و اولاد در زیر عرش در مکانی از مشک و عنبر و زعفران برای آبای خود استغفار کنند و
نیز فرمود در ذلیلترین اموات آنانند که عزب بمیرند و حضرت امام جعفر ع فرمود دوست ندارم
که تمام دنیا از من باشد و یک شب عزب بخوابم بعد از آن فرمود دو رکعت متزوج بهتر است

از اکثر غوث شبها نماز کزارد و روزها روزه کیرد و هرکس خواهد پاک و پاکیزه پیش خدا رود با زوجه
برود و کسی که از ترس پریشانی ترک تزویج کند بخدا بدکمان که فرموده اکر پریشان باشید
نکاح کنید تا غنی کردانم و هرکس از اقربای خود برای رضای خدا و صله رحم تزویج کند خدا اورا
تاج ملک و پادشاهی بر سرش نهد و بنده که خواهد خدا تعالی خیر دنیا و اخرت برایش جمع کرداند
دلی خاشع و زبانی ذاکر و جسدی بر بلا صابر و زوجه مومنه که هرکاه نظر بو کند مسرور شود
و چون خدمتی فرماید اطاعت کند و چون از و غایب شود حفظ خود و مال او را در غیبت نماید
عطا فرماید و نیز مرویست که بهترین شفاعتها اینست که میان دو کس سعی کنی تا تزویج بعمل آید
و هرکس این سعی کند بهر کامی که بر دارد و هر کلمه که کوید خدا تعالی برایش عبادت یکساله نویسد
که شبهایش نماز و روزهایش روزه باشد و هزار حوری عطا فرماید هرکدام در قصری از در و
یاقوت و هرکس سعی برای تزویج کند از جمله جمعی باشد که خدا تعالی روز قیامت نظر رحمت بر ایشان
دارد و از جمله سعادت مرد اینست که دخترش در خانه شوهر حایض شود و هرکس در مفارقت
میان زن و شوهر سعی کند بغضب و لعنت خدا کرفتار شود و بدوزخ معذب کردد و هرکس
در اصلاح میان ایشان سعی کند اجر هزار شهید یابد و بهر کامی که بر دارد و کلمه که کوید
یکساله عبادت نویسند با روزه روزها و نماز شبها **فصل دوم** در فضایل متعه
و سریه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هرکس متعه کند برای رضای خدا و مخالفت
منکرین بهر کلمه که با او تکلم کند و بهر مرتبه که دست بجانب او برد برایش حسنه نویسند و چون
نزدیکی کند کناهی از او آمرزیده شود و چون غسل کند بعدد هر مویی که در بدنش آب رسد
کناهان از او آمرزیده شود و جبرئیل بحضرت پیغمبر صلعم کفت که خدا تعالی میفرماید هرکس از امت تو

متعه

متعه کند کناهانش را آمرزیدیم و کسی از حضرت امام جعفر صادق ع از متعه سوال کرد فرمود
دوست ندارم که کسی از دنیا بیرون رود و سنتی از سنتهای رسول صلعم مانده باشد که بجا نیاورده
باشد و دیکری بآنحضرت کفت قسم خورده ام که متعه نکنم فرمود عهد کرده که اطاعت خدا
نکنی و الله که اکر اطاعت نکنی معصیت کرده باشی و مردی بحضرت امام محمد باقر ع معروض داشت
که دختر عمی مال بسیار دارد و من نکاح کرده که میدانی که بسیار مردم او را خواستکاری کرده اند
و من راضی نشده ام و رغبتی بر دادن نداده ام اما چون شنیده ام که خدا تعالی و رسول او متعه را
حلال کرده و عمر آنرا حرام کرده میخواهم اطاعت ایشان و مخالفت او کنم و مرا متعه کنی حضرت
فرمود برو و متعه کن که خدا تعالی بر هر دو صلوة و رحمت میفرستد و نیز مرویست که چون
کسی زنی بکیرد باید مهر حلال بوزن بکیرد تا با او مباشرت کند باید بکری حلال کند که اکر نکند
پس اکر زنا کند کناهش بر او باشد و نیز روایت آمده که متعه حلالست بر کسی که خدا او را بزوجه مستغنی
نکرده باشد یا اکر بسفری رفته و از زوجه خود دور شده باشد و یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام
بموالی خود نوشت که الحاح در متعه مکنید و از زنان خود دوری منمائید که ایشان از
ما آزرده شوند و حضرت امام جعفر ع باصحاب خود فرمود شما را که خدا تعالی از زنان مستغنی
کرده شرم نمی آید و عار ندارید از اینکه خود را در جاهای نامناسب ببینید و ننک شما باشد
فصل سیوم در اختیار زوجه و صفات زنان مرویست از اهل بیت طاهرین ع که زنان را قیمت
نباشد که زن خوب بهتر است از طلا و نقره و زن بد خاک از او بهتر است و هم ایشان ع فرموده اند
که زنان نجیب مناسب اختیار کنید که فرزند بخانواده شبیه میشود و کسی که زن برای مال و جمال خواهد
از آن محروم شود و اکر از برای دین و ایمان اختیار کند از مال و جمال بهره مند کردد و حضرت

امیرالمؤمنین صلو فرمود زن کندمکون سیاه چشم بزرگ سرین میانه بالا اختیار کنید و اگر او
راضی نباشی مهرش مده باشد که ایشان نجیب باشند و بهترین زنان آنست که عفیفه بود
باشد و در میان قوم خود عزیز و در پیش شوهر مطیع بود و اگر شوهرش او را آزرده باشد خواب نکند
تا او را راضی کند و برای شوهر زینت کند و از نامحرمان پوشیده باشد و چون با او خلوت کند
مطیع باشد و مثل اسب سرکش سرکش نباشد و بدترین زنان آنست که در وی صفات خلاف این باشد
کسی خدمت حضرت پیغمبر صلعم گفت هرگاه بخانه میروم زوجه‌ام استقبال میکند و چون بیرون
می‌آیم مشایعت میکند و اگر مرا دلگیر بیند دلداری کند و تسلی دهد آنحضرت فرمود خدا را در
زمین جمعی باشند که کارهای او را نظام دهند و این زن از جمله ایشانست و او را نصف اجر
شهیدی باشد و برکت زن آنست که خفیفة المؤنه باشد و ولادتش آسان و مهرش سبک باشد
و شامت زنان در آنکه مؤنتش بسیار و ولادتش دشوار و مهرش سنگین باشد

فصل چهارم

در اوقات تزویج و آداب آن مرویست از اهل بیت طاهرین ع که سنت است که تزویج در شب
واقع شود که شب برای استراحت و لذت آفریده شده و اگر تزویج در تحت الشعاع واقع شود
طفل از ساقط شدن ایمن نباشد و اگر قمر در عقرب باشد از آن تزویج خیر نبیند و اگر وقت
گرمای روز باشد زود بمفارقت انجامد بلکه باید در طرفین روز باشد که هوا ملایم باشد و
چون اراده تزویج کند اول دو رکعت نماز گزارد و حمد خدا کند بعد از آن بگوید اللهم انی ارید
ان اتزوج اللهم فقدر لی من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و
احفظهن لی فی نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة منها ولدا طیبا
تجعله لی خلفا فی حیوتی و بعد مماتی و مستحبست ابتدا کردن تزویج بخطبه مشتمل حمد

وصلوه

وصلوة و موعظه و ترغیب بنکاح و این خطبه اصح و افضل خطب این بابست الحمد لله الذی
حمد فی الکتاب نفسه و افتتح بالحمد کتابه و جعل الحمد اول جزاء محل نعمته و آخر دعوی
اهل جنته و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة اخلصها له و اد
خرها عنده و صلی الله علی محمد خاتم النبوة و خیر البریة و علی آله آل الرحمة و شجرة
النعمة و معدن الرسالة و مختلف الملائکة و الحمد لله الذی کان فی علمه السابق
و کتابه الناطق و بیانه الصادق ان احق الاسباب بالصلة و الاثرة و اولی الامور
بالرغبة فیه و التقدیم سبب اوجب نسبا و امر اعقب غنی فقال جل و عز و هو
الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و کان ربک قدیرا و قال و انکحوا
الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله
و الله واسع علیم و لو لم یکن فی المصاهرة و المناکحة آیة محکمة و لا سنة متبعة
و لا اثر مستفیض لکان فیما جعل الله من بر القریب و تقریب البعید و تألیف
القلوب و تشبیک الحقوق و تکثیر العدد و توفیر الولد لنوائب الدهور و حوادث
الامور ما یرغب فی دونه العاقل اللبیب و یسارع الیه الموفق المصیب و یحرص
علیه الادیب فاولی الناس بالله من اتبع امره و انفذ حکمه و امضی قضاءه و رجی
جزاءه و فلان بن فلان قد عرفتم حاله و جلاله دعاه رضی نفسه و اتاکم
ایثارا لکم و اختیارا لخطبة فلانة بنت فلان کریمتکم و بذل لها الصداق کذا
و کذا فتلقوه بالاجابة و اجیبوه بالرغبة و استخیروا الله فی امرکم یعزم لکم رشدکم
ان شاء الله قال الله ان یلحم ما بینکم بالبر و التقوی و یؤلفه بالمحبة و الهوی

وتحیته بالموافقة والرضا انه سمیع الدعاء لطیف لما یشاء **فصل پنجم** در آداب
زفاف مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در شب زفاف پیش از آنکه داماد و عروس پیش هم
آیند داماد دو رکعت نماز گزارد بعد از آن حمد خدا کند و صلوة بفرستد و بگوید اللهم ارزقنی
الفها وودها ورضاها بی وارضنی بها واجمع بیننا باحسن اجتماع وانسر ائتلاف فانک تحب
الحلال وتکره الحرام و جمعی که حاضر باشند آمین بگویند و عروس نیز چنین کند اما اول دعا
چنین بگوید اللهم ارزقنی الفه و وده و رضاه بی تا آخر دعا و چون پیش هم آیند رو بقبله
دست بر پیشانی عروس گذاشته بگوید اللهم علی کتابک تزوجتها و فی امانتک
اخذتها و بکلماتک استحللتها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما
سویا ولا تجعله شرک الشیطان و اگر خواهد بگوید اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک
استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا تقیا من شیعة آل محمد ولا
تجعل للشیطان فیه شرکا ولا نصیبا و پای عروس را بشوید و آن آب را از در خانه
تا آخر خانه بپاشد هفتاد قسم حاجت از آن خانه بیرون رود و هفتاد قسم برکت داخل شود
و هفتاد رحمت بر سر عروس فرود آید که برکتش بهر گوشه خانه برسد و عروس از جنون و
جذام و برص ایمن گردد تا در آن خانه باشد و در هفته اول عروس از خوردن شیر و سرکه و
گشنیز و سیب ترش احتراز کند که رحم را سرد و عقیم گرداند و اگر سرکه خورده باشد که حایض شود
هرگز از حیض پاک نشود و گشنیز ولادت او دشوار کند و سیب ترش حیض را قطع کند
فصل ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
روزی زینب عطاره بحضرت حضرت پیغمبر صلعم رفت از زوج خود شکایت کرد فرمود اگر فضایل
مباشرت

مباشرت او بداند تقصیر نخواهد کرد گفت کدام است آن فضایل فرمود هرگاه متوجه تو شود چنانست
که در راه خدا شمشیر کشیده باشد و چون مجامعت کند گناهان از و بریزد مثل برگ درخت و
چون غسل کند از گناه پاک شود و هم از آنحضرت صلعم مرویست که با ابو ذر رحمه الله فرمود با اهل
خود مقاربت کن تا ثواب یابی ابو ذر گفت با اهل خود صحبت دارم و ثواب نیز داشته باشم
فرمود بلی همچنانکه حرام گناه دارد حلال نیز ثواب دارد و نیز مرویست که هر کس زنان و کنیزان
زیاده از آنکه با ایشان مجامعت تواند نمود جمع کند و ایشان زنا کنند گناه ایشان بر او
باشد و اما آداب مباشرت مرویست که در وقت مجامعت اگر بسم الله نگوید شیطان در
جماع با او شریک شود و نطفه که بسته شود و شیطان در آن شریک باشد و شرکت شیطان
موجب کفر و نفاق و عداوت اهل بیت علیهم السلام و لا اقل سبب فسوق و معاصی فرزند باشد
و اگر بسم الله بگوید از شر و شرکت شیطان ایمن گردد و اگر باین عبارت که مرویست از حضرت
امام جعفر علیه السلام بگوید افضل است بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات
والارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا
ولا نصیبا ولا حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان ورجزه و نیز مرویست
که اگر بگوید بسم الله وبالله اللهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان ما رزقتنی
اگر فرزندی شود هرگز ضرری از شیطان باو نرسد و اگر خواهد وقت مجامعت بگوید اللهم
ارزقنی ولدا واجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل عاقبته
الی خیر و در اثنای مجامعت حرف زدن موجب لالی و گنگی زبان فرزند و نگاه کردن
بفرج زن موجب کوری فرزند باشد و اگر مرد زودتر فارغ شود باید صبر کند تا زن نیز حاجت خود

بدارد که گاه باشد که زن بحالتی از پیش مرد برخیزد که اگر بغلام سیاهی برخورد در او بیزد و هر کدام
خرقه جدا بردارند و هر دو یک خرقه استعمال نکنند که اگر آب مرد و زن بر سر هم افتد مورث
عداوت میانشان شود و در آنجا که کسی که ایشان را ببیند یا صدای ایشان بشنود خواه طفل
و خواه غیر آن نباشد که سبب زنا دادن فرزند باشد اما اگر بعد از مجامعت مرتبه دیگر و رو و پشت بقبله
نباشد و اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند جماع نکند که سبب جنون در فرزند باشد اما اگر بعد از مجامعت مرتبه
دیگر خواهد وضو کافیست و در وقت حیض جماع کردن مورث جذام یا برص است در فرزند و احادیث
و روایات بسیار آمده که هیچ کس بغض و عداوت اهل بیت علیهم السلام ندارد مگر کسی که ولد الزنا یا شرک
شیطان باشد یا در ایام حیض نطفه اش بسته شده باشد و حضرت امام جعفر فرمود اگر محبت
ما را در دل خود یابید مادر خود را بسیار دعا کنید که با پدر شما خیانت نکرده و مرویست که پرخوری
جز را بسیار ضرر کند و گاه باشد که موجب هلاک گردد و شکم پر بجماع رفتن و شکم پر جماع کردن
و با زن پیر مجامعت نمودن و مرویست که ایستاده جماع کردن سبب بول در فراش باشد در فرزند
و بر بام خانه جماع نکند که فرزند منافق و صاحب بدعت و مرائی شود و در آفتاب جماع نکند
که فرزند در تمام عمر پریشان باشد و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند جلاد و خونریز
شود و اگر زن حامله باشد بی وضو با او مجامعت نکند که فرزند کور دل و بخیل شود و اگر از زن
غیری شهوت بحرکت آید با آن شهوت با زن خود مجامعت نکند که فرزند مخنث یا دیوانه شود
و اگر در کشتی نشسته باشند مجامعت نکنند و اگر جنب باشد با زن در میان جامه خواب قرآن
نخواند که بیم آن بود که آتشی از آسمان آید و هر دو را بسوزد و اگر زن جنب باشد و از جای
خود برخیزد تا آنجا سرد نشود دیگری بر آنجا ننشیند و اما اوقات مجامعت چند وقت

مستحب

مستحب است مجامعت کردن شب جمعه بعد از نماز خفتن که فرزند از جمله مشاهیر اکابر و اعاظم
دین شود و روز جمعه بعد از عصر که فرزند از جمله مشاهیر علما شود و شب دوشنبه که فرزند حافظ
قرآن و راضی بقسمت خدا باشد و شب سه شنبه که فرزند مومن و رحیم دل و سخی شود و زبانش
از غیبت پاک باشد و شب پنجشنبه که فرزند از جمله علما یا اکابر شود و روز پنجشنبه وقت ظهر که
فرزند کارساز مردم باشد و دین و دنیایش بسلامت بود و شیطان نزدیکش نشود
تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان نیز مستحب است مجامعت کردن و در چند وقت
مکروهست میان اذان و اقامت که فرزند بخونریزی حریص شود و میان طلوع صبح و
طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا ذهاب شفق مغربی و وقت طلوع و غروب آفتاب
که آفتاب زرد باشد و روزی که آفتاب گرفته باشد و شبی که ماه گرفته باشد و شبانه روزی
که زلزله شود یا بادهای سرخ و زرد و سیاه وزد که در این اوقات فرزند بی عیب نباشد
و روز اول و میان و آخر ماه که زن یا فرزند را بیم جنون و جذام باشد و در تحت الشعاع
ماه که فرزند ساقط شود و بعد از ظهر که فرزند احول شود و در شب عید قربان که فرزند شش
یا چهار انگشت شود و در نصف ماه شعبان که فرزند شوم و معیوب باشد و روز آخر شعبان
که فرزند خونریز و معین ظالمین شود و شبی که فردایش بسفر رود که فرزند مال خود را
در باطل و حرام صرف کند فصل هفتم در طلب فرزند مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که چون کسی را فرزند نشود در هر صبح و شام هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله بعد از آن ده مرتبه
استغفر الله بعد از آن نه مرتبه سبحان الله بعد از آن یک مرتبه استغفر الله راوی گوید مرا فرزند نمی شد
با این طریقه عمل نمودم اولاد بسیار شد طریقه دیگر سجده کند و در سجده بگوید رب هب لی من

لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين راوی گوید
چنین کردم مراد و پسر روزی شد طریقه دیگر را انگشتر فیروزه نقش کند که رب لا تذرنی فردا وانت خیر
الوارثین راوی گوید من چنین کردم یکسال نگذشت که مرا پسری عطا شد و اگر خواهد فرزند پسر شود
پس از آنکه از حمل چهار ماه تمام شود زن را رو بقبله بنشاند و آیة الکرسی بخواند و دست بر پهلویش
گذاشته بگوید خدایا این را محمد نام کردم خدا تعالی اگر پسر کند پس چون متولد شود و اگر بعهد خود وفا
کند و محمد نام کند خدا تعالی او را مبارک گرداند و اگر نام دیگر کند پس اگر خدا تعالی خواهد او را
بگذارد و اگر نه ببرد طریقه دیگر مرویست که هر کس عزم کند که فرزند را محمد یا علی نام کند البته پسر شود
طریقه دیگر در وقت مجامعت که مهیای انگار شده باشد دست بجانب راست
ناف زن گذاشته هفت نوبت انا انزلناه بخواند بعد از آن صحبت دارد و چون حمل ظاهر شود
شبها هر مرتبه که در میان جا حرکت کند دست بر جانب ناف زن گذاشته هفت نوبت انا انزلناه
بخواند راوی گوید من چنین کردم هفت پسر از پی یکدیگر آمد و بسیار مردم کردند همه را اولاد
بسیار شده و درین مجموعه اند کار دیگر و ادویه نیز خیلی مقام بتقریب گذشت **فصل هشتم**
در فضایل حمل و ولادت و احکام متعلق باین مرویست از اهل بیت طاهرین که چون زن حامله
شود مثل کسی است که روزه بگیرد و بنفس و مال خود در راه خدا جهاد کند و چون وضع حمل کند
ثواب مثل او را بسیاری نتوان دانست و چون شیر دهد هر بکرتن بمکیدن از پستان چنان است
که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و چون طفل از شیر بگیرد فرشته ندا کند که اعمال از سر گیر
گناهت همه آمرزیده شد و اگر در حمل خانه دیر شید باشد و نیز مرویست که اگر زن در
نفاس بمیرد روحش را در قبر نگذارند بلکه پیش خدا برند و آنجا باشد تا روز قیامت و روز قیامت

دیوان حساب با ایشان بگشایند و مرویست که زن حامله بسیار بخورد فرزند جمیل شود و اگر
در ایام حمل کندر بخورد فرزند قوی دل و عاقل شود و اگر پسر باشد شجاع باشد و اگر
دختر باشد بزرگ سرین و در نظر شوهرش عزیز و صاحب منزلت گردد و چون وضع حمل
کند اول هفت عدد خرما بخورد فرزند حلیم و عاقل شود و در روایت دیگر نه عدد آمده
و در وقت ولادت زنان را از خانه بیرون کنند که اول مرتبه نظر زن بر عورت طفل
نیفتد و اگر وضع حمل دشوار باشد بر کوزه پر آب سه مرتبه بخوانند بسم الله الذی
لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات و رب العرش العظیم
الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم
یوم یرون ما یوعدون الا ساعة من نهار و قدری از آن آب بپاشند و قدری
بر میان هر دو پستانش و میان کتفش بپاشند باذن الله تعالی بآسانی وضع حمل کند
طریقه دیگر بنویسد و بر کمر آن زن بندد و چون وضع حمل کند زود بگشاید بسم الله الرحمن الرحیم
ان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر و یهیئ لکم من امرکم مرفقا ان من
امرنا رشدا و علی الله قصد السبیل ثم السبیل یسره اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یومنون و آیة لهم اللیل
نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون و نفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون
کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار طریقه دیگر پیش او انا انزلناه
بخوانند و وضع حمل شود طریقه دیگر بر پشت پیمانه که غله با آن کیل کنند این صورت را
بنویسند و زن بر سر آن بنشیند **فصل نهم** در آداب تولد طفل و نام کردن و عقیقه

اثنین	خمسه	اربع
ثلث	اثنین	اربعه

وختنه کردن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون طفل متولد شود پیش از انکه
نافش را ببرند بقدر عدسی جاو شیر با آب مخلوط کنند و دو قطره در دماغ راستش و یک
قطره در دماغ چپ بچکانند و در گوش راست اذان و در چپ اقامت بگویند از
رسیدن و از شر ام الصبیان ایمن شود و نیز مرویست که اذان و اقامت امانست از جن
و جن و شیطان و کام طفل را بتربت امام حسین ع و آب فرات و اگر نباشد آب باران
بردارند و نیز مرویست که هرکس را با آب فرات کام بردارند دوست اهل بیت علیهم السلم باشد
و حضرت امیر المومنین ع فرمود اگر کوفیان کام اطفال خود را با آب فرات بر میداشتند
شیعه ما میبودند و نیز مرویست که کام طفل را با خرما بردارید که حضرت پیغمبر ص کام امام
حسن و امام حسین علیهما السلم را با خرما برداشت و مرویست که طفل هنوز متولد نشده باشد که
نامش کنید که اگر بی نام ساقط شود روز قیامت از پدر گله کند که مرا نام نکرد است و مستحب
که چون طفل متولد شود تا هفت روز او را محمد و اگر دختر باشد فاطمه گویند بعد از ان
اگر خواهند نام دیگر بگذارند و اول حق فرزند بر پدر آنست که او را نام خوب گذارد که روز
قیامت هرکس را بنام خود آواز کنند مرویست که بهترین نامها آنست که بندگی در و
باشد مثل عبدالله و عبدالرحمن و امثال ان و فضل اسما اسمای انبیا و ائمه است علیهم السلم در هر
خانه که نام محمد یا یکی از انبیا باشد حق تعالی هر صبح و شام ملکی را فرستد تا اهل آنخانه را
مبارکباد و برای ایشان دعای خیر و برکت کند و حضرت امام محمد باقر ع از طفلی پرسید چه نام
داری گفت محمد فرمود کنیتت چیست گفت علی فرمود از شیطان در پناه عظیم قرار گرفتی چون
شیطان بشنود که کسی را محمد و علی آواز میکنند بگدازد مثل قلعی در آتش و اگر بشنود که نام

یکی

یکی از اعدای ما را آواز کنند بر خود ببالد و مسرور شود و نیز مرویست که فقر داخل خانه
نشود که در آنخانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه از زنان
و مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود کسی اگر چهار پسر شود و نام مرا نگذارد در حق من جفا کرده
و مردی از آنحضرت صلعم پرسید که مرا پسری شده چه نام کنم فرمود حمزه که دوست ترین
نامهاست پیش من و مرویست که چون طفل را محمد یا فاطمه نام کنید رعایت ادب و اکرام با او بجا
آورید و مزنید و دشنام مدهید و مرنجانید و در روایات آمده که بر غنی واجبست که روز
هفتم طفل را عقیقه کند و اگر فقیر باشد هر وقت مقدور شود خواه پسر و خواه دختر که
فرزند در گرو عقیقه است چون عقیقه کنند از گرو بیرون آید و اگر کسی را عقیقه نکرده باشند
او خود را عقیقه کند هر وقت که باشد تا آخر عمر و افضل آنست که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر
ماده و از عیوب بسلامت باشد و اگر مقدور نشود هرچه مقدور شود مجزی بود و هرچند
فربه تر باشد افضل است و در وقت ذبح بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَاللهُ اَکْبَرُ
اِیمَانًا بِاللهِ وَثَنَاءً عَلٰی رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَالْعِصْمَةُ لِاَمْرِهِ وَالشُّکْرُ
لِرِزْقِهِ وَالْمَغْفِرَةُ بِفَضْلِهِ عَلَیْنَا اَهْلَ الْبَیْتِ اَللّٰهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا
بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ
و اگر پسر باشد بعد از این بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ وَهَبْتَ لَنَا ذَکَرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَ
مِنْکَ مَا اَعْطَیْتَ وَکُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلٰی سُنَّتِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَ
رَسُولِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاخْسَأْ عَنَّا الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ لَکَ سُفِکَتِ ۲۰۹
الدِّمَاءُ لَا شَرِیکَ لَکَ وَالْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و اگر خواهد چنین بگوید بِسْمِ اللهِ

وَبِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ عَقِیقَةٌ عَنْ فُلَانٍ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ
اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ و ربع عقیقه را بقابله دهند و اگر
قابله نباشد ربع از مادرست بهر کس خواهد دهد و اگر قابله مادر مرد یا یکی از عیال او باشد
او را از عقیقه حصه نبود و باقی گوشت عقیقه را بپزند و جمعی از مومنان که لا اقل ده کس باشند
صرف کنند و هر چند بیشتر باشند افضل و افضل آنست که والدین فرزند از آن گوشت نخورند
و اگر استخوانها از آن نشکنند افضل است و هم درین روز نام گذارند و سرش را بتراشند
و بوزن مویش طلا یا نقره تصدق کنند و افضل آنست که عقیقه و سر تراشیدن و
نام گذاشتن هر سه در یکوقت باشد و هم در روز هفتم ختنه کنند که گوشت بدنش زود تر
نمو کند و زمین از بول کسی که ختنه نشده باشد چهل روز نجس شود و بخدا شکایت کند و
در وقت ختنه کردن بگوید اللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَإِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِأَمْرٍ أَرَدْتَهُ
وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَأَمْرٍ أَنْفَذْتَهُ فَأَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِأَمْرٍ أَنْتَ
أَعْرَفُ بِهِ اللّٰهُمَّ طَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمُرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ
وَالْأَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا
نَعْلَمُ و اگر در آن وقت نگفته باشد پیش از آنکه محتلم شود هر وقت باشد برو بخوانند
خدا تعالی او را از تیزی آهن بقتل و غیر آن محفوظ دارد و مستحب است گوش
مولود را سوراخ کردن و افضل آنست که مادر خود شیر بدهد که شیر مادر با برکتست
و مرویست که شیر ده باید که صاحب دین و پاکیزه و متقی باشد احمق و دنی و فاسق

نباشد که شیر در طفل اثر کند و مرویست که کمتر از بیست و یکماه شیر دادن ظلم است بر طفل
و نهایت حد شیر دو سال تمام است و بیشتر از این نشاید مگر بضرورت **فصل دوم**
در فضایل اولاد و زینت ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین علم که چون خدا تعالی
برای بنده خود خیر خواهد او را از دنیا نبرد تا خلف صالحی عطا فرماید و فرزند خوب
ریحانی است از بهشت و گریه اطفال مومنان تا هفت سال تهلیل است و بعد از آن تا
حد بلوغ استغفار است برای والدین و بعد از آن هر حسنه که کنند در ثوابش شریک باشند
و اگر سیئه کنند ضررش بایشان نرسد و کوفت اطفال کفاره گناه والدین است
و اگر فرزند بمیرد والدین را از آن ثواب و درجات باشد حتی آنکه سقط بر در بهشت
ایستاده باشد و داخل نشود تا دست والدین خود را گرفته داخل بهشت کند
و اگر بمانند برای ایشان دعا و استغفار کنند و هر حسنه که کنند سبب مغفرت و درجات
برای ایشان باشد و مرویست که حضرت عیسی عم در قبری گذشت که صاحبش معذب
بود و سال دیگر بر آن قبر گذشت عذاب از آن برطرف شده بود مناجات کرده از سبب
آن سوال نمود وحی آمد که این شخص را فرزندی صالح است که یتیمی را پناه داده
غمخواری کرد عذاب او برداشتیم و مرویست که پسر نعمت است و دختر حسنه از نعمت
سوال کنند و بر حسنه ثواب دهند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود کسی که سه دختر یا سه خواهر
عیالش باشند بهشت او را واجب شود کسی پرسید اگر دو تا هم باشند چنین است
فرمود بلی اگر دو تا هم باشند گفت اگر یکی هم باشد فرمود بلی اگر یکی هم باشد و نیز مرو
و نیز مرویست که هر کس دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله عیالش باشند او را

از دوزخ نگاه دارند و هر کس بفرزند خود احسان و مهربانی کند چنانست که بوالدین
خود کرده باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود اطفال را دوست دارید و برایشان رحم کنید و چون
با ایشان وعده کنید وفا کنید و هر کس بفرزند خود بسیار محبت داشته باشد خدا تعالی
برو رحمت کند و اگر فرزند را ببوسد برو حسنه نویسد و اگر مسرورش کند روز قیامت
مسرورش کند و هر کس از بازار چیزی گرفته برای اطفال و عیال بیارد چنانست که
برای جمع محتاج صدقه برده باشد و افضل آنست که اول چیزی بدختران و زنان
دهند هر که دختر را مسرور کند چنانست که بنده از اولاد اسمعیل آزاد کند و اگر پسر را
مسرور کند چنانست که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از ترس خدا بگرید از اهل بهشت
باشد و هر کس نیز اگر با او قرابت و خویشی داشته باشد مسرور کند خدا تعالی
روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین فرزند را قرآن تعلیم کنند در بهشت
ایشانرا دو حله بپوشانند که پرتو نور آن روی اهل بهشت را روشن کند و مرویست
که مردی روزی در خدمت پیغمبر صلعم گفت هرگز فرزند خود را نبوسیده ام بعد از آنکه
او رفت حضرت فرمود این مرد از اهل دوزخ است و مرویست که طفل را لا اله الا الله
و آیه آخر بنی اسرائیل قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا تا آخر سوره تعلیمش کنید زبانش
فصیح شود و نیز مرویست که چون پسر را سه سال تمام شود امر کنید که تا هفت مرتبه لا اله
الا الله بگوید و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز تمام شود بگوئید که هفت مرتبه
بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت مرتبه بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد
و چون پنج سال تمام شود دست راست و دست چپ او بپرسید چون بگوید و دستش

بقبله

بقبله کنید و بگوئید که سجده کنید و چون شش سال تمام شود در رکوع و سجود بیادش دهید و
چون هفت سال تمام شود بگوئید دست و رو بشوئید و بگذارید نماز بکنند و چون نه سال
تمام شود وضو و نماز بیادش دهید و هرگاه تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون وضو و نماز
یاد گیرد گناه والدینش آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را هفت سال بگذارید
بازی کند و هفت سال دیگر قرآن و کتاب و خط یادش دهید و هفت سال دیگر ملازم
خود گردانید که آداب و اخلاق یاد گیرد و شرایع دین از حلال و حرام تعلیمش کنید
بعد از آن اگر آثار صلاح و رغبت بدین و ایمان در وی یابید در صدد تربیتش
باشید و گرنه دست از وی بردارید **فصل یازدهم** در حقوق زوجین بر یکدیگر روایت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق زوج بر زوجه آنست که خدمت و اطاعتش کند
و خلاف امر و رضایش نکند و از خانه او بی اذن او تصدق نکند و بکسی چیزی ندهد و اگر
دهد گناهش از او و ثوابش از شوهرش باشد و ضبط خانه و حفظ مال او کند و اگر زن در خانه
شوهر برای خیر و مصلحت خانه چیزی را از جائی بجائی دیگر گذارد خدا تعالی برو نظر رحمت کند
و هر کس را خدا برو نظر رحمت کند بعد از آن هرگز عذابش نکند و از جمله حقوق آنکه خود را از
زینت خالی ندارد و بهر چه مقدور شود و دست را بی حنا نگذارد و اگر چه همین مالیدن حنا
بر دست باشد و بی اذن شوهر از خانه بیرون نرود و اگر رود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه
رحمت و غضب برو لعنت کنند تا وقتیکه مراجعت کند زنی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم فرستاد
که شوهرم بسفر رفته و مرا گفته از خانه بیرون نروم تا او بیاید و پدرم بیمار شده اگر رخصت
فرمائی بروم و عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت شوهرت کن مرتبه دیگر

فرستاد همین جواب فرمود تا انکه پدرش فوت شد فرستاده و اذن خواست
که بجنازهٔ او حاضر شود فرمود بنشین و اطاعت شوهرت کن تا انکه پدرش را دفن
کردند انحضرت صلعم پیش او فرستاد که خدا تعالی ترا و پدرت را آمرزید بسبب اینکه
اطاعت شوهرت کردی و از جمله حقوق اینکه بی اذن او روزه غیر واجب نگیرد
و نذر نکند و قسم نخورد و بکسی چیزی ندهد و تصدق نکند و بنده ازاد نکند اگرچه از
مال خودش باشد و از جمله حقوق اینکه خود را از وی باز ندارد اگرچه بر مرکب سوار
باشد حضرت پیغمبر صلعم زنی فرمود گویا تو از جمله مسوفات گفت مسوفات کیانند
فرمود زنانیکه چون شوهرشان ایشان را بخلوت بطلبد بهانه و مدافعه کنند تا شوهر را
خواب ببرد پس ملائکه بران زن لعنت کنند تا وقتیکه شوهرش بیدار شود و از جمله حقوق
اینکه اگر شوهر از و آزرده باشد خواب نکند تا عذر خواهی کند و او را راضی کرداند
اگرچه شوهر برو ظلم کرده باشد و اگر پیش از انکه او را راضی کند بخوابد هیچ طاعت از و
قبول نشود و زنیکه بشوهر گوید من هرگز از تو خیر ندیدم اعمالش همه باطل شود و زنیکه شوهر را
برنجاند و ازرده کند هیچ حسنه از و قبول نشود اگرچه صوم دهر گیرد و همیشه نماز گزارد
و بنده ها ازاد کند و مالها در راه خدا صدقه دهد تا انکه او را از خود راضی کند و اگر شوهر
بر زن ظلم کند و او را برنجاند مثل آن گناه و عذاب برو ثابت شود و هرکس بر بدخویی
زن صبر کند هر بار که صبر کند ثواب صبر ایوب برایش نویسند و بر زن هر شبانه روز
مثل ریگ صحرای عالج گناه نویسند و اگر زن با شوهر سازگاری نکند و او را تکلیف
چند که مقدورش نباشد کند و بر مشقت و تعب دارد هیچ حسنه از و قبول نشود که او را

از آتش نگاه دارد و مادامی که رنجان باشد در غضب خدا تعالی باشد و حبا زن است
که شوهر داری خوب کند و بر آزار و مشقت او صبر کند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود ای زنان
تصدق کنید اگرچه از زینت خود و اگرچه بنصف خرما باشد و اطاعت شوهران کنید که اکثر شما
هیمه دوزخ باشید چون زنان این سخن شنیدند همه گریستند یکی از ایشان برخاست گفت
یا رسول الله ما با کفار در دوزخ باشیم و الله که ما کافر نیستیم فرمود شما کفران حق شوهران
کنید زنی دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت رنج حمل و رضاع و با اینکه فرزندان
صالح مشفق را ما بوجود آریم به دوزخ رویم پس حضرت التفات نموده فرمود شما با انچه گفتید
اگر شوهران را نرنجانید و نماز گزارید یکی از شما به دوزخ نرود و ایضا زنی از انحضرت صلعم
پرسید که حقی که بر مرد عظیم تر است فرمود حق پدر پرسید بر زن فرمود حق شوهر و اگر غیر
حق زن بر مرد جبت
خدا را سجده کردن جایز میبود امر میکردم که زنان شوهران را سجده کنند پرسید فرمود
از صد یکی نیست و زنی در خدمت انحضرت صلعم معروض داشت که شوهرم با من بی
التفات بود من چیزی ساختم که او را با خود مهربان کنم فرمود ملائکه سموات و ارض
بر تو لعنت کردند پس آن زن رفته روزها روزه میگرفت و شبها عبادت میکرد و سر
خود را تراشیده و پلاس پوشیده این خبر بانحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد
حق زوجه بر زوج انست که نفقه و کسوه اش دهد و اگر مقدور شود معیشت را بر وی فراخ
کند و او را محتاج بدیگری نگذارد و خود را برای او بیاراید که سبب عفتش باشد چنانکه
او آرایش زن را دوست دارد زن نیز آرایش او را دوست دارد و تقصیراتش را
عفو کند و او را بهر اندک خطائی و تقصیری نگیرد و عتاب نکند و نرنجاند و نزند ۲۱۲

و زن شوی وعیوبش نکند حضرت پیغمبر صلعم فرمود بهترین مردان کسی است که با زن خویش خوش
سلوک کند و بدترین مردان کسی که زنان را بخانه بزنند و از جمله حقوق اینکه حلال و حرام
و آداب و احکام دین تعلیمش کند و در عیدها تهیه اسباب عید و سرور بقدر مقدور برایش
نماید **فصل دوازدهم** در بعضی نوادر مناسب این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که خدا تعالی غیرت را بمردان عطا فرموده و از نجابت است که بر زن زیاده از یکی
حرام شده و زنان را غیرت نباشد بلکه غیرت ایشان حسد است و حسد اصل کفر است
و از نجابت است که زنان مؤمنه برای شوهر و زن دیگر غیرت نکنند و زنان غیر مؤمنه بکنند غیرت
روزی مردی در خدمت امام علیه السلام زن خود را التعریف بسیار کرد فرمود هیچ امتحانش
کرده گفت نه فرمود برو امتحانش کن مرد رفت زن دیگر کرد زن اول همان بحال
خود ثابت بود و طیش و ناخوشی نکرد بخدمت حضرت آمده حکایت کرد فرمود حالا
راست میگوئی و نیز مرویست که در کارها با زنان مشورت نکنید و اگر کنید خلاف
ایشان کنید که برکت در مخالفت ایشان است و از بدان ایشان بگریزید و از نیکان
برحذر باشید و در غیر اطاعتشان نکنید تا در شر طمع نکنند و ایشان را بهر جای و عزای
و عروسی رخصت ندهید و مجلا مگذارید که هر وقت و هر جا که خواهند روند که موجب فساد
عظیم باشد و مردی که زن خود را بهر جا رخصت دهد سرازیر در دوزخ افکنند

باب دهم در آداب سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود

فصل اول در بعضی مقدمات سفر مرویست از اهل بیت علیهم السلام که عاقل را نشاید
سفر کردن مگر بسه وجه یا تحصیل زاد آخرت یا مرمت معیشت یا لذتی که حرام نباشد و نیز

مرویست که سفر کنید تا صحت یابید و حج کنید تا غنی گردید و نیز مرویست که چون خدا تعالی
رزق کسی را در جائی مقدر کرده باشد حاجتی برای او در آنجا برانگیزد که بضرورت بآنجا
حرکت کند و نیز مرویست که هر کس برای تجارت سفر دریا کند دین خود را در معرض
تلف آورده باشد در تحصیل معاش حرص ورزیده **فصل دوم** در اختیار ساعت برای کار
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سفر و سایر مطالب در صبح شنبه و پنجشنبه مبارکست
و روز شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت کند خدا تعالی او را بجای خود برساند و روز پنجشنبه بود
که خدا تعالی و رسول او و اهل بیت علیهم السلام آنرا دوست دارند و حضرت پیغمبر صلعم با کثر غزوات
در روز پنجشنبه متوجه میشد و ظفر می یافت و روز سه شنبه که خدا تعالی آهن را برای حضرت داود
نرم گردانیده که زره ساخت سفر در این روز اختیار بکنند و احادیث بسیار آمده که
روز چهارشنبه روز نحس است و خدا تعالی امم سالفه را در این روز عذاب کرده و ارکان
آتش را در این روز آفریده اما حدیث دیگر روایت شده که روز چهارشنبه بخدا شکایت
کرد که بندگان تو مرا نحس میدانند فرمود تو نحسی بکافران و سعدی بر مؤمنان و روایت دیگر
آمده که کسی از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که مردم سفر در چهارشنبه آخر را شوم میدانند فرمود
هر کس بمخالفت جمعی که فالهای بد میزنند و چیزها را شوم میشمارند در چهارشنبه آخر سفر کند
از آفات و علامات بسلامت و عافیت با قضای حوائج مراجعت کند و نیز مرویست
که هر کس روز جمعه پیش از نماز جمعه بسفر رود ملکی دعا کند که خدا او را باز نگرداند و از حضرت پیغمبر
مرویست که فرمود روز دوشنبه برای دشمنان ما آفریده شده مشرکان قریش در این روز
بمزار آمدند و من در این روز از مکه هجرت کردم و در این حلت خواهم نمود و علی در این روز

کشته خواهد شد و حسن علیه السلام درین روز مسموم شود و درین روز رحلت کند و نیز مرویست که
جمعی درین روز عزم سفر کرده رفته که حضرت امام جعفر علیه السلام را وداع کنند فرمود شما از
امروز چه امید خیر و برکت دارید کدام روز شامت امروز امروز باشد که حضرت پیغمبر صلعم
درین روز از میان ما رفته و درین روز وحی از ما منقطع شده و در روایت دیگر قضیه کربلا
درین روز واقع شده و در روایت دیگر اهل بیت را هیچ مصیبتی رو نداده مگر درین روز
امروز مروید فردا که سه شنبه است بروید که آهن در سه شنبه نرم شده و سفر آسان گرداند
و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که فرمود دوشنبه سفر مکنید و از پی کاری مروید و شرح نحوست
روز عاشورا در فصل اعمال ماه محرم گذشت اما نحوست روز چهارشنبه چنانکه مشهورست
در بعضی از کتب علما مسطورست و حدیثی نیز ما بمعارضش بنظر رسیده و در روایت دیگر
آمده که با روزها دشمنی مکنید تا با شما دشمنی نکنند و روایات بسیار نیز آمده که تصدق
کنید و هر روز خواهید سفر کنید که تصدق دفع هر بلا را دفع شود و مرویست که هر کس قمر در
عقرب بسفر رود در آن سفر خیر نه بیند و اگر تحت الشعاع سفر کند سفر صعب و دشوار گردد
و تحقیق علم نجوم در فصل جزئیات عادات گذشت **فصل سیوم** در تحصیل رفیق و تهیه
اسباب و بعضی مناسب این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اول تحصیل رفیق
کنید بعد از آن عزم سفر نمایید و نیز مرویست که سه کس ملعونند کسی که طعام خود را تنها خورد
و کسی که تنها خوابد و کسی که تنها بسفر رود و چون شیطان ایشان را تنها یابد در سفر با
در خطر جوانش زیاد شود و مرویست که یک کس یک شیطانست و دو کس دو شیطان
و سه کس مصاحبند و چهار کس رفیقند و نیز مرویست که بهترین رفقا چهار است و نیز مروی

که پنج جمعی زیاده از هفت نباشند مگر آنکه قال و قیل و غوغا در میان ایشان بسیار باشد
و اگر کسی در سفر مضطر بتنهایی شود بگوید ماشاءالله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس
وحشتی و اعنّی علی وحدتی و از جمله اسباب سفر آنکه انگشتر عقیق و تربت مقدس با خود
یا در میان رختها داشته باشد تا از دزد و آفات محفوظ باشد چنانکه در مباحث سابق
گذشت و سلاح و مسواک و آینه و شانه و سرمه و مقراض با خود دارد و نیز مرویست که از جمله
شرف مرد آنست که برای سفر توشه و آذوقه خوب تهیه کند و حضرت امام زین العابدین علیه السلام
هرگاه بحج و عمره میرفت قند و حلویات و امثال آنها بر میداشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود
از جمله وصیت لقمان با پسرش این بود که چون بسفر روی شمشیر و موزه و کلاه و خیمه و مشک
آب و سوزن و ریسمان و ادویه با خود بردار و رفقا را در کار باشد و یار رفقا در کارها
موافقت کن مگر در معصیت و نیز مرویست که هر کس در سفر عصای بادام تلخ با خود دارد
زمین برایش طی شود و ذکر در وقت برداشتن عصای بادام تلخ و این آیه از سوره
قصص بخواند و لما توجه تلقاء مدین تا والله علی ما نقول وکیل از هر سبعی و درنده و
حیوانات گزنده و دزدی بر شده ایمن باشد تا آنکه بجای خویش مراجعت کند و هفتاد و هفت فرشته
تا وقت مراجعت با او باشند و برایش استغفار کنند و عصا در دست داشتن
نفی فقر کند و شیطان را دور گرداند و هر کس اعانت مومن مسافری کند در حاجتی
از حوائج خدا تعالی هفتاد و سه کربت از او بردارد و از غموم و هموم دنیا و آخرت
نجاتش دهد و هفتاد کربت روز قیامت از او برگیرد که هر کس بحال خود در مانده باشند و
انگشت حسرت بدندان ندامت گزند و در روایت دیگر آمده که خدا تعالی بیست و سه کربت

کشته خواهد شد و حسن در این روز مسموم شود و در این روز رحلت کند و نیز مرویست که
جمعی در این روز عزم سفر کرده رفتند که حضرت امام جعفر علیه السلام را وداع کنند فرمود شما از
…ارید کدام روز است امروز امروز باشد که حضرت پیغمبر
…ه و در این روز وحی از ما منقطع شده و در روایت دیگر قضیه کربلا
…روایت دیگر اهل بیت را هیچ مصیبتی رو نداده مگر در این روز
…بست و بدید که آهن در چهارشنبه نرم شده و سفر آسان گردد
…فرمود دو شنبه سفر مکنید و از پی کاری مروید و شرح نحوست
…ل ماه محرم گذشت اما نحوست روز چهارشنبه چنانکه مشهور است
…ت و حدیثی نیز با معارض بنظر رسیده و در روایت دیگر
…ید تا با شما دشمنی کنند و روایات بسیار نیز آمده که بعد ق
…فر کنید که بعد قمر بلا دفع شود و مرویست که هرکس قمر در
…عقرب نه بیند و اگر تحت الشعاع سفر کند سفر صعب و دشوار گردد
…جزئیات عادات گذشت **فصل سیوم** در تحصیل رفیق
…این باب مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اول تحصیل رفیق
…سید بعد از آن عزم سفر نماید و نیز مرویست که سه کس ملعونند کسی که طعام خود را تنها خورد
و کسی که تنها خوابد و کسی که تنها سفر کند و چون شیطان ایشان را تنها یابد در سفرها
در خطر و آتش باد شود و مرویست که یک کس یک شیطانست و دو کس دو شیطان
و سه کس مصاحبند و چهار کس رفیقند و نیز مرویست که بهترین رفقا چهار است و نیز

جامعت اهلی فی النهار
ولم یغتسل فی ذلک الیوم عامدا
وکنت الجنب الصحیح والآن حائض
صلیت خمسا بالحجة معا
وکنت علی دین مولانا محمد

که هیچ جمعی زیاده از هفت نباشند مگر آنکه قال و قیل و غوغا در میان ایشان بسیار باشد
و اگر کسی در سفر مضطر بتنهایی شود بگوید ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم آنس
وحشتی و اعنّی علی وحدتی و از جمله اسباب سفر آنکه انگشتر عقیق و تربت مقدس با خود
یا در میان رختها داشته باشد تا از دزد و آفات محفوظ باشد چنانکه در مباحث سابقه
گذشت و سلاح و مسواک و آینه و شانه و سرمه و مقراض با خود دارد و نیز مرویست که از جمله
شرف مرد آنست که برای سفر توشه دارد و توشه خوب تهیه کند و حضرت امام زین العابدین علیه السلام
هرگاه بحج و عمره میرفتند قند و حلویات و امثال آنها برمیداشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود
از جمله وصیت لقمان با پسرش این بود که چون بسفر روی شمشیر و موزه و کلاه و خیمه و خیک
آب و سوزن و ریسمان و داروها و اگر آنچه رفقا را در کار باشد و یار رفقا در کارها
موافقت کن مگر در معصیت و نیز مرویست که هرکس در سفر عصای بادام تلخ با خود دارد
زمین برایش طی شود و اگر در وقت بیرون رفتن عصای بادام بگیرد و این آیه از سوره
قصص بخواند ولما توجه تلقاء مدین تا والله علی ما نقول وکیل از هر سبعی و دزدی و
جانور گزنده و درنده ایمن باشد تا آنکه بخانه‌اش مراجعت کند و هفتاد و هفت فرشته
تا وقت مراجعت با او باشند و برایش استغفار کنند و عصا در دست داشتن
نفی فقر کند و شیطان از او دور گرداند و هرکس اعانت مومن مسافری کند در حاجتی
از حوائج خدا تعالی هفتاد و سه کربت از او بردارد و از غموم و هموم دنیا و آخرت
نجاتش دهد و کربت روز قیامت از او بر گیرد و که هرکس بحال خود درمانده باشند و
انگشت حسرت بدندان ندامت گزند و در روایت دیگر آمده که خدا تعالی بیست و سه کربت

در دنیا و صحت و برکت در آخرت از او برگیرد و مرویست که چون مومن سفر کند تا باز
گردد وستارا اجر کند و چون مراجعت کند بدیدنش آیند **فصل چهارم** در آداب
سفر بدعا و صدقه مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون عزم سفر کند بگوید اللهم
خل سبیلنا واحسن مسیرنا واعظم عافیتنا و نیز مرویست که مسافر هیچ جانشینی
برای اهل خود نگذارد بهتر از آنکه وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز گزارد و بعد از آن
بگوید اللهم انی استودعک الیوم دینی ونفسی ومالی واهلی وولدی و
جیرانی الشاهد منا والغائب وجمیع ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی
کنفک ومنعک وعیاذک وعزک عز جارک وجل ثناؤک وامتنع عا
ئذک ولا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا الله
اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة واصیلا که هر چه درین دعا سوال کرده
خدای تعالی عطا فرماید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام چون اراده سفر مینمود عیال خود را در خانه
جمع مینمود و همین دعا میخواند و ادعیه بیرون آمدن از خانه در فصل عبادات گذشت
و چون خواهد از خانه بیرون آید تحت الحنک ببندد از دزد و سوختن و غرق شدن
ایمن باشد و بسلامت باز گردد و اگر نه بسته باشد غیر خود را ملامت نکند و چون
از خانه بیرون آید بر در خانه رو براهی که میرود بایستد و الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله
و معوذتین هر یک را برابر رو و بجانب راست و چپ بخواند بعد از آن بگوید اللهم احفظنی
واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی وسلمنی وسلم ما معی ببلاغک الحسن الجمیل

او

او و هر چه با اوست بسلامت مراجعت کند و نیز بگوید بالله استفتح وبالله استنجح و
بمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة وذلل لی کل صعوبة
واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجوا واصرف عنی من الشر اکثر مما احذره
فی عافیة یا ارحم الراحمین و کسی بخدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض نمود که از حضرت
صادق علیه السلام در هر ماه چند روز نحس روایت شده و بسا باشد که در آن ایام حاجتی یا سفری
ضرور شود و مومن و شیعیان ما چون اعتماد و وثوق بر خدا کنند و از روی اخلاص و یقین
متمسک بولایت ما شوند اگر بدریاهای مواج پر طوفان و صحراهای خون آشام و در بیابان
سباع و اعادی انس و جان روند که خدای تعالی ایشان را محافظت فرماید و هیچ ضرر
بایشان نرسد و صبح و شام سه مرتبه بگوی اصبحت اللهم معتصما بذمامک تا آخر چنانکه در
صبح و شام گذشت از هر مخوف و محذوری در حصن حصین باشی و اگر در یکی از روزهای
نحس عزم سفر کنی و وقتیکه خواهی روانه شوی الحمد و قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی
و انا انزلناه و این پنج آیه از سوره آل عمران ان فی خلق السموات والارض تا انک
لا تخلف المیعاد و این دعا بخواند اللهم بک یصول الصائل وبقدرتک یطول
الطائل ولا حول لکل ذی حول الا بک ولا قوة الا منک بصفوتک من
خلقک وخیرتک من بریتک محمد نبیک وعترته وسلالته اللهم صل علیه
وعلیهم واکفنی شر هذا الیوم وضره وارزقنی خیره واقض لی فی متصرفاتی
بحسن العافیة وبلوغ المحبة والظفر بالامنیة وکفایة الطاغیة الغویة وکل
ذی قدرة علی اذیة حتی اکون فی جنة وعصمة من کل بلاء ونقمة وابدلنی

من المخاوف فيه امنا ومن العوائق فيه يسيرا حتى لا يصدني صاد عن المراد
ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل شيء قدير والامور اليك تصير
يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير و ایضا وقت بیرون رفتن بهر مقصد
شود تصدق کند وبگوید اللهم انی اشتریت سلامتی فی سفری هذا بهذا اگر از آن
این کرده حضرت سجاد ع چون بسفر میرفت هنگام پای مبارک در رکاب میگذاشت
تصدق میکرد و چون بسلامت رجوع مینمود بشکرانه آن تصدق دیگر میفرمود
واگر بسفر حج وعمره رود چون از خانه بیرون آید بگوید لا اله الا الله الحليم الكريم
لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين
السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين
وصلى الله على محمد وآله الطاهرين اللهم كن لي جارا من كل جبار عنيد
ومن كل شيطان مريد بسم الله دخلت وبسم الله خرجت اللهم اني اقدم بين
يدي نسياني وعجلتي بسم الله وما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله في سفري
هذا ذكرته ونسيته اللهم انت المستعان على الامور كلها وانت الصاحب
في السفر والخليفة في الاهل اللهم هون علينا سفرنا واطو لنا الارض وسيرنا
فيها بطاعتك وطاعة رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فيما رزقتنا
وقنا عذاب النار اللهم اني اعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة المنقلب و
سوء المنظر في الاهل والمال والولد اللهم انت عضدي وناصري اللهم
اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في اهلي بخير لا حول ولا

قوة

قوة الا بالله اللهم اني عبدك وهذا حملانك والوجه وجهك والسفر
اليك وقد اطلعت على ما لم يطلع عليه احد غيرك فاجعل سفري هذا كفا
رة لما قبله من ذنوبي وكن عونا لي عليه واكفني وعثه ومشقته ولقني
من القول والعمل رضاك فانما انا عبدك وبك ولك — در وداع
ومفارقت روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی مسافر را وداع کند بگوید
زودكم الله التقوى ووجهكم الى كل خير وقضى لكم كل حاجة وسلم لكم دينكم ودنياكم
وردكم سالمين الى سالمين واگر خواهند بگویند احسن الله لك الصحابة واكمل لك
المعونة وسهل لك الحزونة وقرب لك البعيد وكفاك المهم وحفظ لك دينك
وامانتك وخواتيم عملك ووجهك لكل خير عليك بتقوى الله استودع الله
نفسك سر على بركة الله عز وجل و چون مسافر روانه شود از عقبش آیة الکرسی بخوانند
واذان واقامت بگویند بعد از آن بگویند اللهم الطف لي به في تيسير كل عسير
فان تيسير العسير عليك يسير اسئلك اليسر والعافية والمعافاة الدائمة
في الدنيا والآخرة و چون مسافر از یاران جدا شود بگوید اللهم اعني على اهوال
الدنيا والآخرة ومصيبات الليالي والايام واكفني شر ما يعمل الظالمون في
الارض — در آداب سوار شدن و راه رفتن مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که چون پا در رکاب گذاری بگوئی بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله والله اکبر و سایر آداب سوار
شدن در فصل حج گذشت و چون مسافر سوار شود و بر پشت مرکب قرار گیرد بگوید
بسم الله ولا قوة الا بالله الحمد لله الذي هدانا للاسلام ومن علينا

بمحمد صلى الله عليه وآله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وإنا
إلى ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمين اللهم أنت الحامل على الظهر والمستعان
على الأمر اللهم بلغنا بلاغاً نبلغ به إلى رحمتك ورضوانك ومغفرتك اللهم
لا طير إلا طيرك ولا خير إلا خيرك ولا حافظ غيرك وچون مرکب وا نشود بگوید
خرجت بحول الله وقوته بغير حول مني وقوة ولكن بحول الله وقوته برئت
إليك يا رب من الحول والقوة اللهم إني أسألك بركة سفري هذا وبركة
أهلي اللهم إني أسألك من فضلك الواسع رزقاً حلالاً طيباً تسوقه إلي و
أنا خائض في عافية بقوتك وقدرتك اللهم إني سرت في سفري هذا بلا ثقة
ورجاء لسواك فارزقني في ذلك شكرك وعافيتك ووفقني لطاعتك
وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضى وچون از شهر جدا شود بگوید اللهم إني
أستودعك ديني ونفسي ومالي وآخرتي وخاتمة عملي فاحفظني من كل آفة
وعاهة واعصمني من كل زلل وخطاء يا سميع يا قريب يا حفيظ يا مجيب
أجب دعائي يا كريم يا كريم يا كريم وبگوید بسم الله مخرجي اللهم بك انتشرت و
إليك توجهت وبك اعتصمت أنت ثقتي ورجائي اللهم اكفني ما أهمني و
ما أهتم له وما أنت أعلم به مني اللهم زودني التقوى واغفر لي وارحمني
وبگوید بسم الله مخرجي وبإذنه خرجت وقد علم قبل أن أخرج خروجي وقد
أحصى بعلمه في مخرجي ومرجعي توكلت على الإله الأكبر توكل مفوض إليه
أمره مستعين به على شؤونه مستزيد من فضله مبرئ نفسه من كل قوة

إلا به خروج ضرير خرج ببصره إلى من يكشفه وخروج فقير خرج بفقره إلى من
يسده وخروج عائل خرج بعيلته إلى من يغنيها وخروج من دبر أكبر
ثقته وأعظم رجائه وأفضل أمنيته الله ثقتي في جميع أموري كلها
به فيها جميعاً أستعين ولا شيء إلا ما شاء الله في علمه أسأله خير المخرج والمد
خل لا إله إلا هو وإليه المصير وبگوید اللهم إني خرجت في وجهي هذا بلا ثقة
مني بغيرك ولا رجاء أوى إليه إلا إليك ولا قوة أتكل عليها ولا حيلة ألجأ
إليها طلب رضاك وابتغاء رحمتك وتعرضاً لرزقك وسكوناً إلى حسن عا
ئدتك وأنت أعلم بما سبق لي في علمك في وجهي هذا مما أحب وأكره اللهم
فاصرف عني مقادير كل بلاء ومقضي كل لأواء وابسط علي كنفاً من رحمتك
ولطفاً من عفوك وحرزاً من حفظك وسعة من رزقك وتماماً من نعمتك و
جماعاً من معافاتك وأوقع لي فيه يا رب جميع قضائك على موافقة هواي و
حقيقة أملي وادفع عني ما أحذر وما لا أحذر على نفسي وديني ومالي مما أنت
خلفت
أعلم به مني واجعل ذلك خيراً لآخرتي ودنياي مع ما أسألك أن تخلفني فيمن
ورائي من ولدي وأهلي ومالي وإخواني في جميع حزانتي بأفضل ما خلفت به غائباً
من المؤمنين في تحصين كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة ودفاع كل
سيئة وكفاية كل محذور وصرف كل مكروه وكمال ما يجمع لي به الرضاء و
السرور في الدنيا والآخرة ثم ارزقني شكرك وذكرك وطاعتك وعبادتك حتى ترضى
وبعد الرضا اللهم إني أستودعك اليوم ديني ونفسي ومالي وأهلي وولدي وذريتي

وَجَمِيعَ اِخْوانِي اَللّٰهُمَّ احْفَظِ الشّاهِدَ مِنّا وَالْغائِبَ عَنّا اَللّٰهُمَّ احْفَظْنا وَاحْفَظْ ما مَعَنا
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا فِي جِوارِكَ وَلا تَسْلُبْنا وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ وَعافِيَةٍ وَفَضْلٍ وَبَرَكَةٍ
اَللّٰهُمَّ اَسْعِدْنا بِهٰذِهِ الْحَرَكَةِ وَامْدُدْنا بِالْيُمْنِ وَالْبَرَكَةِ وَقِنا سُوءَ الْقَدَرِ وَاكْفِنا مُهِمّاتِ
السَّفَرِ وَقَرِّبْ لَنَا الْبُعْدَ وَالنَّوىٰ وَسَهِّلْ لَنَا السَّيْرَ وَالسُّرىٰ وَوَفِّقْنا لِطَيِّ الْمَراحِلِ
وَاَنْزِلْنا خَيْرَ الْمَنازِلِ وَاحْفَظْ مُخَلَّفِينا وَاجْمَعْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ بِاَحْسَنِ الْحالِ سالِمِينَ
غانِمِينَ تائِبِينَ آيِبِينَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ و چون بر سر راه رسد هفت
عدد سنگریزه بردارد و بر هر یک ده مرتبه بگوید قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ
مِنَ الرَّحْمٰنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ و قل هو الله بخواند و با خود نگاه دارد از آفات
محفوظ گردد و اگر در راه چیزی بیند و بفال خوش نداند بگوید اِعْتَصَمْتُ بِكَ يا رَبِّ مِنْ
مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ فِي نَفْسِي فَاعْصِمْنِي مِنْ ذٰلِكَ و بهر بلندی که برآید تکبیر و چون بزیر آید تسبیح
بگوید و چون بر سر بلندیها رسد بگوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ
لَكَ الشَّرَفُ عَلىٰ كُلِّ شَرَفٍ هرچه در پشت سر باشد از صحرا و کوه و غیر آن تهلیل و تهلیل
و هرچه در پیش رو باشد تکبیر و تکبیر گوید و چون بصحرای خوفناک رسد بگوید یا اَرْضُ رَبِّي
وَرَبُّكِ اللّٰهُ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكِ وَشَرِّ ما فِيكِ وَشَرِّ ما خُلِقَ فِيكِ وَمِنْ شَرِّ
ما دَبَّ ما يُجاوِرُ عَلَيْكِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ اَسَدٍ وَاَسْوَدَ وَحَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ
مِنْ ساكِنِي الْبَلَدِ وَمِنْ شَرِّ والِدٍ وَما وَلَدَ اَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ
فِي السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ بَلائِهِ
عَلَيْنا اَللّٰهُمَّ صاحِبْنا فِي السَّفَرِ وَافْضِلْ عَلَيْنا فَاِنَّهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ و ایضا از حضرت صادق

مرویست

مرویست که اگر در صحرا از جن یا انس خوف داشته باشی دست بر فرق بگذارد و بآواز بلند
این آیه بخواند اَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ تا اِلَيْهِ يُرْجَعُونَ و اگر از غول و جن بترسد بآواز بلند اذان
بگوید و آیة الکرسی بخواند و بعضی علما در کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی در محل خوفناک
باشد یا در حربی واقع شود چهار سنگریزه بردارد و یکی را بجانب راست و دوم را بجانب
چپ و سیوم را از بالای سر به پشت سر و چهارم را به پیش رو اندازد و در هر مرتبه بگوید قَوْلُهُ الْحَقُّ
وَلَهُ الْمُلْكُ بسلامت از آن ورطه نجات یابد و آن لشکر شکست یابد ان شاء الله و ایضا
اگر در راهی خوفناک باشد پنج سنگریزه بردارد و بانیت اول را که بردارد بگوید الله دوم
جبرئیل سیوم موسی چهارم محمد پنجم ابرهیم و با خود نگاه دارد ان شاء الله ایمن شود و حرز از
سباع و کلاب در فصل حرز و تعویذ گذشت و اگر راه گم کند بگوید یا صالح ارشدونا الی الطریق
یرحمکم الله و اگر در دریا باشد بگوید یا حمزه مرویست که صالح بر صحرا و حمزه بر دریا موکل است و اگر
خواهد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ ذِي الشَّأْنِ عَظِيمِ الْبُرْهانِ شَدِيدِ السُّلْطانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ
ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ و آیة الکرسی یا ده مرتبه انا انزلناه بخواند از همه کس ایمن شود
و مرویست که با رفقا جمعیت روید که اگر کسی در سفر از رفیق اتفاقا جدا شود که از نظر غایب
شود اعانت کشتن او کرده باشد و در خونش شریک بوده و احادیث بسیار آمده که منع
اول شب را برای استراحت قرار دهید خود و چارپایان اول شب استراحت کنید و آخر شب راه
روید که راه در آخر شب طی شود و آداب حقوق دواب در فصل خود گذشت **فصل**
هفتم در آداب متعلق بمنزل مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلم که چون بمنزل نمایان شود
بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ خَيْرَها وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها اَللّٰهُمَّ حَبِّبْنِي اِلىٰ اَهْلِها وَ

صاحبی اهلها الی وچون بمنزل نزدیک شود بگوید اللهم رب السماء وما اظلت ورب
الارض وما اقلت ورب الریاح وما ذرت ورب الانهار وما جرت عرفنی خیر
هذه القریة وخیر اهلها واعذنا من شرها وشر اهلها انک علی کل شیء قدیر اللهم
یسر لی ما کان فیها من یسر واعنی علی حاجتی یا قاضی الحاجات ویا مجیب الدعوات
ادخلنی مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا
وچون فرود آید بگوید رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین وایدنی بما ایدت
بالصالحین وهب لی السلامة والعافیة فی کل وقت وحین اعوذ بکلمات الله التامات
من شر ما خلق وذرء وبرء خدا نتیجه خیر آن منزل را روزیش گرداند وشرش را ازو دفع کند
وچون مکانی اختیار کند پیش از آنکه بنشیند دو رکعت نماز گذارد وبعد از آن بگوید رب
انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین وایضا بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة
واعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها
وحبب صالحی اهلها الینا خیرات آن منزل روزی وشر در شهر مدفوع شود وچون خواهد
بنشیند بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء واگر از
خوف سباع باشد بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله
الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع تا در آن
منزل باشد از شر ایشان ایمن باشد واگر از دزد خوف داشته باشد بگوید یا ودود یا ودود
یا ذا العرش المجید یا فعال لما یرید اسئلک بعزتک التی لا ترام وملکک الذی
لا یضام وبنورک الذی ملاء ارکان عرشک ان تکفینی شر اللصوص یا مغیث

اغثنی

اغثنی یا مغیث اغثنی وسایر اذکار وروایات برای حرز از دزد در فصل تعویذ وفصل
آداب خواب گذشت وچون خواهد از آن منزل کوچ کند دو رکعت نماز گذارد ووداع منزل
واهل آن وملائکه آنرا وداع کند که در هر موضعی جمعی از ملائکه باشند وبگوید السلام علی
ملائکة الله الحافظین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین **فصل هشتم** در آداب سفر دریا
مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون داخل کشتی شوی بگوی بسم الله الرحمن الرحیم
وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان
ربی لغفور رحیم که امانست از غرق شدن واگر امواج متلاطم شود بگوی یا حی لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین وآیة الکرسی بخوان ودر روایت دیگر آمده که بر دست
چپ تکبیر کن ودر دست راست اشاره بموج نموده بگوی قری بقرار الله جل وعز واسکنی
بسکینة الله جل وعز ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم راوی گوید در دریا بودم
همینکه موج بلند شد چنین کردم ساکن گشت چنانکه گویا هرگز نبود **فصل نهم** در مکارم
اخلاق وآداب رفاقت در سفر مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که از جمله وصایای
لقمن با پسرش این بود که مادامی که سوار باشی قرآن تلاوت کن ومادامی که مشغول کاری باشی
ذکر وتسبیح کن ووقتی که بیکار باشی دعا کن وچون با جمعی رفیق باشی در کارها با ایشان
مشورت نمای وبا ایشان انبساط وشکفتگی کن ودر کارهای ایشان مدد کن ودر رفاقت
چنان کن که ایشانرا از خود نرنجانی وایشانرا ذلیل نگردانی وخود نیز ذلیل ایشان نشوی حضرت
امام جعفر فرمود کرم ومروت نفس مخفی نیست بلکه مروت مرد آنست که خوانش

و در بیرون خانه اش شبیه و مروت دو قسم است در حضرت و آن تلاوت قرآنست و ملازمت
مساجد و سعی در حوایج مؤمنان و در سفر و آن خوبی و بسیاری توشه است و بذل
آن بر فقرا و کتمان احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح بخوبی که معصیتی در آن
نشود و فرمود چون با جمعی رفیق باشی اگر توانی که همیشه دست احسان تو بر ایشان
باشد چنان کن که رزق بقدر مروت و مؤنت بقدر مؤنت و صبر بقدر بلا نازل میشود
و کسی از آنحضرت ع سؤال کرد که در سفر با جمعی رفیق میشوم و با ایشان توسعه و احسان
بسیار میکنم فرمود با چنین مردم مخلوط و مصاحب مباش که اگر ایشان نیز مثل تو سلوک
کنند از عهده بیرون نیایند و اگر نه ذلیل شوند بلکه با امثال خود مخالطت کن و همدسته
باش بجمیع اوضاع و سرانجام شما در میان هم نباشد بلکه همچنانکه در خانهای خود در حضر میبا
بشید و انقدر که مقدور شود احسان و اطعام کنید و نیز مرویست که با کسی که در وسعت
مال از شما زیاده باشد مخالطت و رفاقت مکنید که سبب مذلت شما شود و با کسی که قدر شما
چنانکه شما قدر او را میدانید نداند مفارقت مکنید فصل دهم در رجوع از سفر مرویست
از اهل بیت طاهرین ع که هر روز در ایام سفر برای حفظ و وصول باهل این دعا بخوان
یا جامعاً بین اهل الجنة علی تآلیف من القلوب و شدة تواصل لهم فی المحبة
و یا جامعاً بین طاعته و بین خلقه لها یا مفرج حزن کل محزون و یا مسهل
کل عسیر یا ارحم الراحمین ارحمنی فی غربتی بحسن الحفظ و الکلاءة و المعونة و فرج
ما بی من الضیق و الحزن بالجمع بینی و بین احبائی یا مؤلفا بین الاحبة صل علی محمد
و آل محمد و لا تفجعنی بانقطاع رؤیة اهلی و ولدی و لا تفجع اهلی و ولدی بانقطاع

رؤیتی

رؤیتی عنهم بکل منا لك اسئلك و ادعوك فاستجب لی و ذلك دعائی ایاك فانه
حسبی برحمتك یا ارحم الراحمین و مرویست که سفر قطعه ایست از عذاب چون در سفر
قضای حاجت خود کرده زود مراجعت کنید و اگر مسافر شب داخل خانه شود باید خبر کند
و غافل داخل نشود و چون داخل شود بگوید آئبون تائبون عابدون راکعون ساجدون
لربنا حامدون اللهم لك الحمد علی حفظك ایای فی سفری و حضری اللهم اجعل
اوبتی هذه مبارکة میمونة مقرونة بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم
الراحمین و بهتر آنکه مشغول کاری شود دو رکعت نماز گزارد و بعد از نماز در سجده صد مرتبه بگوید
شکراً لله و تصدق بکند و مرویست که از مروت نیست نقل کردن احوال سفر از خیر و شر و سوغات
تحفه و هدیه برای دوستان فرستادن و اگر کسی از سفر حج آمده باشد او را همچنان با غبار راه
معانقه کنند چنانست که استلام حجرالاسود کند و تهنیت حاج چنین کنند تقبل الله منك
و اخلف علیك نفقتك و غفر ذنبك باب یازدهم در فضایل حج و عمره و زیارات و مقصود
ازین باب انشاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل حج و عمره مرویست از
اهل بیت طاهرین ع که هر کس حج یا عمره گزارد از کبری شود و از گناه پاک شود چنانکه از مادر
متولد شده باشد و نیز مرویست که ثواب حج بهشت است و عمره کفاره گناه است و چون کسی
مشغول تهیه اسباب حج شود برای هر کاری از آن هر گامی که بردارد و بگذارد ده حسنه نویسند
و ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند گردانند تا وقتی که از تهیه اسباب فارغ شود و چون سوار
شود هر گامی که مرکب بردارد و بگذارد همان حسنات نویسند و سیئات محو کنند
و چون طواف خانه و سعی صفا و مروه کند از گناه پاک شود چنانکه متولد شده و رمی جمرات و نحر

روز قیامت باشد و چون حلق کند بهر مویی وی را در قیامت نوری عطا فرماید و روایت
دیگر آمده که چون تلبیه گوید بهر تلبیه ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و چون هفت مرتبه
طواف کند خدای تعالی از برای ایشان ذخیره کند و شرم دارد که هرگز بعد از آن عذابش کند و چون
در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد هزار حج برایش نویسند و چون سعی صفا و مروه کند
چنانست که هفتاد بنده مومن آزاد کند و چون وقوف عرفات بجا آورد گناهانش آمرزیده شود
اگر چه مثل ریگ عالج و قطره باران و ستاره آسمان باشد و چون رمی جمرات کند بهر جمره ده حسنه
نویسند و چون از تمام مناسک فارغ شود از همه گناهان پاک شود و چهار ماه بعد از آن
گناه برو ننویسند الا آنکه کبیره کند و حاج و معتمر در جوار خدا مهمان او باشند اگر بمیرند به بهشت
روند و اگر باشند از گناه پاک شوند و اگر دعا کنند اجابت کند و اگر سوال کنند عطا فرماید و اگر
خاموش باشند ابتدا نماید و اگر شفاعت کنند قبول کند و یک درهم که صرف کنند هزار هزار برابر
عوض دهد و در روایت دیگر آمده که اگر در وقت نقش بمیرند آمرزیده شوند و اگر احرام بسته بمیرند
لبیک گویان محشور شوند و اگر در مراجعت بمیرند از همه گناهان پاک باشند و هر کس در این راه
رفتن یا آمدن بمیرد از فزع اکبر قیامت ایمن باشد و نیز مرویست که هر مومن هفتاد مرتبه لبیک گوید خدای تعالی
هزار ملک را گواه گیرد برای نجات او از نفاق و از آتش و چون بحرم رسد فرود آمده غسل کند و کفشها را
در دست گرفته از روی تواضع پای برهنه داخل حرم شود خدای تعالی صد هزار حسنه برایش نویسد و صد
هزار سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند گرداند و صد هزار حاجتش برآرد و چون داخل مکه شود
با خشوع و تسلیم [illegible] گناهانش را بیامرزد و چون داخل مسجد الحرام شود و نظرش بر کعبه افتد
همه گناهانش را بیامرزد و کفایت مهماتش نماید و چون سعی صفا و مروه کند ملائکه برایش شفاعت
کنند

کنند و خدای تعالی قبول شفاعتشان فرماید و نیز مرویست که اهل حج سه قسمند اول آنکه گناه گذشته
و آینده اش همه آمرزیده شود دوم آنکه گناه گذشته اش آمرزیده شود سیوم آنکه اهل و مالش
محفوظ گردد و این قسم کسی است که حجش مقبول نشود و هر کس بعرفات حاضر شود دعایش البته
مستجاب شود خواه مومن و خواه مخالف مومن را در دنیا و آخرت و مخالف را در دنیا و نیز
مرویست که چون مومن وقوف عرفات بجا آورد اگر بهر ولایت که باشد اهل آن ولایت از
مومنان همه آمرزیده شوند و کسی از حضرت صادق پرسید که گناه عظیمتر است تا بود کسی
مناسک حج بجا آورد و بعد از آن چنان داند که پاکیزه گناهان داشته باشد که گناهش آمرزیده نشده
چون اهل حج در منازل خود بمنا نزول کنند منادی ندا کند که اگر بدانید که بدرگاه که آمده اید یقین
کنید که هر چه در این سفر صرف کرده اید عوض یابید با مغفرت همه گناهان و نیز مرویست که یکدرهم
در حج فاضلتر است از دو هزار هزار درهم در غیر آن از وجوه بر و کسی از حضرت پیغمبر صلعم پرسید که من مال
بسیار دارم چه عمل بجا آورم که اجر حج یابم فرمود که کوه ابو قبیس اگر تمام طلا باشد و همه را در راه خدا
صرف کنی اجر حج نیابی و در روایت دیگر آمده که اگر کسی بنیت غیر خالص و نفقه غیر طیب حج
گزارد خدای تعالی گناهانش را بیامرزد و خلق را از او راضی گرداند و اگر بنیت خالص و نفقه طیب
حج گزارد او را در افق اعلی در زمره انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین جا دهد و نیز مرویست
که اهل قبور آرزو کنند که بعوض تمام دنیا و ما فیها او را یک حج میبود و نیز مرویست که هر
کس حج گزارد از فشار قبر ایمن شود و چون بمیرد در حجها جای که گزارده با بهترین صورتی اهل
قبر او شوند و تا روز قیامت نماز کنند و ثواب نماز ایشان همراه او باشد و یک رکعت آن
نماز برابر است با هزار رکعت نماز آدمی و اگر پنج حج گزارد خدای تعالی هرگز عذابش نکند و اگر ده حج

گزارد و هرکه حسابش بکند و هرکس حج بسیار کند بهر یک حج شهرها در بهشت برایش بنا کنند
در هر شهری خانها و غرفهای بسیار که در آنها حوریان باشند در خدمت هر یک سی بنده
کنیزک که بحسن و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده باشد و هرکس چون از حج مراجعت کند در خاطر داشته
باشد که باز دیگر بحج آید عمرش زیاد شود و اگر در خاطرش باشد که دیگر نیاید اجلش نزدیک شده باشد
مهیا گردد و حضرت امام جعفر صادق ع از کسی پرسید که چرا امسال بحج نمی‌آیی گفت شغل
عیال مانع است فرمود چون تو بمیری که متکفل ایشان باشد بسر کرده زیبت قناعت کنند
و هر سال ایشان را بحج بیار و مرویست که هرکس مستطیع شود و پنج سال بگذرد و حج نکند محروم باشد
و هیچ کس بسبب حاجتی از حوایج دنیا ترک حج کند اهل حج از مناسک فارغ شوند و هنوز
حاجتش بر نیامده باشد و هیچ کس از حج باز نماند مگر بسبب گناهی که کرده و هرکس حجة الاسلام نکرده
بضرورتی عظیم یا مرضی یا مانعی از سلاطین بمیرد یا یهودی یا نصرانی محشور شود و مرویست
که اگر کسی را هیچ مانع کسی شود در دنیا از آفتی ایمن نبود یا عقوبتی که در آخرت برایش مهیا شود
و کسی بحضرت امام جعفر ع گفت مردی با من مشورت حج نمود گفتم تو پریشانی و بر تو دشوار است
مانع او شدم فرمود منتظر بحیال بیماری باش بحیال بیماری گشته‌ام اما آداب و ادعیه مناسک حج
چون طولی عظیم دارد ذکر آن درین مختصر مناسب نبود لهذا ارتکاب آن ننمودیم **فصل دوم**
در زیارت حضرت پیغمبر صلعم از آنحضرت صلعم مرویست که فرمود هرکس مرا زیارت کند روز
قیامت در جوار من باشد و شفاعت من او را واجب شود و هرکرا شفاعت من واجب شود بهشت
واجب شود و هرکس در مکه یا مدینه بمیرد از حساب ایمن باشد و هرکس مرا بعد از وفات
زیارت کند چنانست که بمن هجرت کرده باشد و اگر استطاعت آمدن نداشته باشد از دور

سلام

سلام بمن بفرستد که بمن میرسد و هم از آنحضرت صلعم بحضرت امام حسین ع فرمود ای فرزند هرکس مرا
یا ترا یا برادرت یا پدرت را زیارت کند بر من لازم باشد که روز قیامت او را زیارت کنم
و از گناه پاکش کنم داخل بهشت او را واجب شود و در روایت دیگر فرمود او را از اهوال و
شداید روز قیامت خلاص کنم و در درجه رفیق خود گردانم و نیز مرویست که هرکس آنحضرت را
زیارت کند چنانست که خدا را در عرش زیارت کرده باشد **فصل سیوم** در زیارت جمله
سایر اهل بیت صلوات الله علیهم ایشان علیهم السلام مرویست که هر امامی را بر گردن اولیا و شیعیان
خود عهدی ثابت است و از جمله تمام وفا با عهد زیارت قبور ایشان است پس هرکس زیارت
ایشان کند ایشان شفیع او باشند و هرکس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول صلعم
را زیارت کرده باشد و نیز مرویست که هرکس یکی از ایشان را زیارت کند و دو رکعت نماز
در آن روضه گزارد بهر یک حج مقبول برایش بنویسند و اگر چهار رکعت نماز گزارد دو حج و یک عمره
نوشته شود و حضرت پیغمبر بحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما الطاهرین فرمود یا علی
خدا تعالی قبر تو و قبور اولاد ترا بقعه‌های بهشت گردانیده و دلهای اصفیای خود را مایل
کرده که در محبت ایشان تحمل مشقتها کنند و قبور ایشان را تعمیر نمایند و زیارت ایشان کنند
یا علی ایشان اهل شفاعت و اهل حوض منند و ایشان همسایگان منند در بهشت یا علی
هرکس تعمیر قبور شما کند چنانست که در بنای بیت المقدس اعانت سلیمان ع کرده باشد
و هرکس زیارت قبور شما کند برابر است با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام و از گناه پاک شود
مثل آنکه از مادر متولد شده باشد و نعیم بهشت برای اولیا و محبان شما مهیاست که هیچ چشمی ندیده
و گوشی نشنیده و بهیچ خاطری نرسیده و از حضرت فاطمه علیها السلام مرویست که فرمود هرکس

سه روز از جزو بر هر هم سلام کند در ایام حیات یا بعد از وفات ما بهشت او را واجب شود
فصل چهارم در زیارت حضرت امیرالمومنین ع مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
هر مومنی که زیارت آنحضرت کند خدا تعالی برایش چهار صد هزار شهید نویسد و گناه گذشته
و آینده اش را بیامرزد و در زمره انبیا محشور شود و حسابش آسان کرده شود و در وقت رفتن
ملائکه استقبالش کنند و در وقت مراجعت مشایعتش نمایند تا بخانه اش رسانند و اگر بیمار شود
عیادتش کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه اش نمایند و برایش استغفار کنند کسی بحضرت
امام جعفر ع از کوفه بخدمت تو آمدم و زیارت حضرت امیرالمومنین ع نکردم فرمود بد کردی
اگر نه از اولیای ما میبودی نگاه بر تو نمیکردم زیارت نمیکنی کسی را که خدا و انبیا و ملائکه و
مومنان زیارتش میکنند و ایضا مرویست که چون کسی بزیارت آنحضرت رود بهر گامی
حجی و عمره مقبول برایش نویسند و اگر پیاده مراجعت کند بهر گامی دو حج و یک عمره نویسند
و روایت دیگر آمده که هر کس بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حجی و عمره مقبول برایش
نوشته شود و خدا تعالی در آتش نبرد قدمی را که در زیارت آنحضرت غبار گرفته باشد خواه
پیاده و خواه سواره فصل پنجم در زیارت حضرت امام حسین ع مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که هر کس زیارت آنحضرت کند و او را امام مفترض الطاعه داند کمترین اجرش اینست که گناه
گذشته اش تمام آمرزیده شود و زیارت آنحضرت فرض است بهر مسلم و حضرت صادق ع
از کسی پرسید که چند حج کرده گفت هفده فرمود اگر بیست تمام کنی مثل یک زیارت حضرت امام حسین ع نباشد
و روایت دیگر آمده که زیارت آنحضرت برابر است با بیست حج و عمره و روایت دیگر برابر است با بیست
و پنج حج و نیز مرویست که حضرت صادق ع فرمود زیارت آنحضرت مثل حج و عمره است و اضعاف

مضاعف

مضاعف آن راوی گوید پرسیدم که مثل چند حج و عمره است فرمود نتوان شمرد گفتم صد فرمود صد را
چه توان شمرد گفتم هزار فرمود بیشتر بعد از آن فرمود نعمت خدا را هر چند میشماری تمام نشود
و نیز مرویست که زیارت آنحضرت برابر است با اگر هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین
و لجام در راه خدا بجهاد فرستی و امانست از برص و غرق و حرق و همه آفات و موجب
درازی عمر و زیادی رزق است و ایام زیارت آنحضرت داخل ایام عمر نیست و ترک زیارت
آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است و حضرت امام ع فرمود اگر بگویم کسی که ترک زیارت
آنحضرت کند سی سال پیش از اجل خود بمیرد درست گفته باشم و اگر کسی بزیارت آنحضرت نرود
بمیرد ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت رود در مرتبه پست از مومنان بهشت باشد و نیز
مرویست که اگر کسی بزیارت آنحضرت رود نه برای نام و شهرت و غرض دنیا از گناه
پاک شود مثل جامه شسته از کثافت و بهر گامی که بگذارد یک حج و چون برود یک عمره
نوشته شود و شفاعتش برای پنجاه کس از گناهکاران مقبولست و هیچ چیز را از دنیا و آخرت که
از خدا طلب کند عطا فرماید و یکدرهم که درین راه صرف کند ده هزار برابر در بهشت عوض دهد و چهار هزار
فرشته و در روایت دیگر هفتاد هزار فرشته با مویهای ژولیده غبار آلود بر قبر آنحضرت
موکل شده گریه میکنند تا روز قیامت چون کسی بزیارت رود مشایعتش کنند و اگر بیمار شود
هر صبح و عصر عیادتش نمایند و چون بمیرد بر وی نماز گزارند و تا روز قیامت برایش استغفار
کنند و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت رود هزار ملک از بهشت بجانب او رفاقت کنند
و خدا تعالی هزار حج و هزار عمره برایش نویسد که با پیغمبر یا وصی پیغمبر کرده باشد و ایضا مرویست
که چون کسی بزیارت آنحضرت کند اهل آسمان یکدیگر را مژده دهند و چون از خانه بیرون آید

خواه سواره و خواه پیاده خدای تعالی چهل هزار فرشته موکل فرماید که بر او صلوة فرستند
تا بروضهٔ مقدسه رسد و چون بر در روضه ایستاده بگوید السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله
تا آخر چنانکه در فصل آداب زیارت انشاء الله بیاید بعد از آن بجانب قبر مقدس روانه شود و هر گامی
که بگذارد و بردارد ثواب آنکس دارد که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد بعد از آن دست
بر قبر مقدس گذاشته بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله تا آخر چنانکه بیاید بعد از آن بجای
نماز مشغول شود خدای تعالی و ملائکه بر او صلوة فرستند تا وقتیکه فارغ شود و هر رکعت
نمازی که در آن روضه کند ثواب هزار حج و هزار عمره و عتق هزار رقبه و هزار ایستادن در معرکه
جهاد با پیغمبر مرسل عطا فرماید و چون از آنجا برخیزد ملکی ندا کند که ای بنده مؤمن خوشت باد
که گناهان گذشته‌ات همه آمرزیده شد و اگر در آن سال بمیرد خدای تعالی خود متولی قبض روحش
شود و چون بخانه رود ملائکه با او رفاقت کنند و بر او صلوة فرستند تا بخانهٔ خود رسد
پس در خانهٔ او مقام نموده تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا میکرده باشند تا وقتیکه اجلش برسد
و ثواب آنها از او باشد بعد از آن در تغسیل و تکفین و نماز بر او حاضر باشند بعد از آن در قبر او
مقیم شوند و ذکر و تسبیح و تقدیس خدا میکرده باشند تا روز قیامت و ثوابش برای او نوشته
شود و نیز روایت دیگر آمده که نماز فریضه در پیش قبر مقدس آنحضرت برابر است با حج و نماز نافله
برابر است با عمره این بود فضایل زیارت مطلق آنحضرت و فضایل زیارات مخصوصه در باب
اعمال شهور گذشت **فصل ششم** در زیارت حضرت امام رضا ع و فضیلت و حکایت کسی از حضرت امام محمد
تقی ع پرسید که زیارت حضرت امام حسین ع افضل است یا زیارت امام رضا ع فرمود زیارت
پدرم افضل است زیرا که حضرت امام را همه کس زیارت کنند و زیارت پدرم مخصوص و کسانی است که

دستیابان امامت و نیز مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند و معترف بامامت او باشد گناهان
گذشته و آینده‌اش همه آمرزیده شود و اگرچه بعدد ستاره آسمان و قطره باران و برگ
درختان باشد و روز قیامت در برابر منبر حضرت پیغمبر صلعم منبری برای او نصب کنند تا وقتیکه
خدای تعالی از حساب خلق فارغ شود و آنحضرت ع خود فرموده هر کس مرا در غربتم زیارت کند ثواب
صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار جهاد خدا او را عطا فرماید و با ما محشور
شود و در درجات رفیع بهشت با ما رفیق باشد و من و پدران من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او
باشیم نجات یابد اگرچه مثل گناه جن و انس داشته باشد و هم آنحضرت ع فرمود هر کس مرا زیارت کند
روز قیامت سه وقت او را دریابم و از اهوال آن وقتها خلاصش گردانم وقتیکه نامهای اعمال
در چپ و راست متفرق باشند و وقتیکه اعمال خلق را بمیزان بسنجند و وقتیکه مردم بر صراط
میل زنیده باشند و نیز فرمود زیارت من برابر است با هزار حج و هزار عمره راوی گوید از حضرت
امام محمد تقی ع از روی تعجب پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت روایت کنند فرمود بلی والله
با هزار هزار حج برابر است برای کسی که حق او بشناسد و بداند که امام مفترض الطاعة است و نیز
مرویست که ~~زائران ائمه طاهرین~~ هر کس زیارت آنحضرت کند بخشیده باد از روضه بگذرد با نامه خیانت که
خدا را بر وی زیارت کنند و نیز مرویست که زائران ائمه طاهرین ع علیهم در بهشت همنشین مصاحبت
ایشان باشند و زائران حضرت امام رضا در بهشت از همه بلندتر باشند و هر دو اهل این روضه شود
روز قیامت از آتش ایمن بود و حضرت پیغمبر صلعم فرمود فرزندی از من در خراسان مدفون شود و هیچ مؤمنی
او را زیارت نکند مگر اینکه خدای تعالی بدنش را بر آتش حرام کند و بهشت برای او واجب گرداند و هیچ
مکروبی زیارتش نکند مگر اینکه کربش را فرج دهد و هیچ گناهکاری زیارتش نکند مگر گناهانش آمرزیده

و حضرت امام جعفر ع فرموده فرزندی از من در طوس کشته شود هر کس او را زیارت کند من روز
قیامت دستش گرفته داخل بهشت کنم اگرچه از اهل کبایر باشد و هر کس را حاجتی باشد غسل
کرده زیارت آن حضرت کند و پیش سر مبارک دو رکعت نماز گزارده در قنوت
حاجت خود را طلبد مستجاب گردد اگر معصیت و قطع رحم نباشد فصل هفتم در آداب و کیفیت
زیارت اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم مستحب است برای زیارت هر یک از ایشان ع
غسل کردن و در وقت غسل گفتن اللّهمّ طهّرني وطهّر قلبي واشرح لي صدري واجرِ على
قلبي محبّتك وعلى لساني مدحتك والثناء عليك فانّه لا حول ولا قوّة الّا بك
وقد علمت انّ قوّة ديني التسليم لامرك والاتّباع لسنّة نبيّك والشهادة على
جميع خلقك اللّهمّ اجعله لي نورا وشفاء ونورا انّك على كلّ شيء قدير وصلّى
الله على محمّد وآله اجمعين و جامه‌های پاک پوشیدن و تعطیر نمودن و با وقار و سکینه
و ذکر و تسبیح و صلوة بر ایشان متوجه شدن اما در زیارت حضرت امام حسین ع مستحب است
تعطیر نکردن و بند جامه گشودن و از لذتها و شیرینیها اجتناب نمودن و بهیأت مصیبت
زدگان متوجه گشتن و چون بر در روضات مقدسات رسد اول باین طریق اذن طلبد
اللّهمّ انّي قد وقفت على باب بيت من بيوت نبيّك وقد منعت النّاس ان
لا يدخلوه الّا باذنه فقلت يا ايّها الّذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النّبيّ الّا ان يؤذن
لكم اللّهمّ وانّي اعتقد حرمة نبيّك في غيبته كما اعتقدها في حضرته واعلم انّ رسولك و
خلفاءك احياء عندك يرزقون فرحين بما آتيهم من فضلك ويستبشرون
بالّذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الّا خوف عليهم ولا هم يحزنون وانّهم يرون في مكاني

ويسمعون

ويسمعون كلامي ويردّون على سلامي وانّك حجبت عن سمعي كلامهم وسلامهم
وفتحت سمعي بلذيذ مناجاتهم وانّي استاذنك واستاذن رسولك وخلفاءك
المفروض علىّ طاعتهم واستاذن الملائكة الموكّلين بهذه البقعة السّلام عليكم
ايّها الملائكة الموكّلون بهذا المشهد الشّريف باذن الله واذن رسوله واذن خلفائه
ادخل هذا البيت فكونوا ملائكة الله اعواني وكونوا انصاري حتّى ادخل وادعو الله
بفنون الدّعوات واعترف لله بالعبوديّة وللنّبيّ وللائمّة بالطّاعة و در وقت داخل
شدن بگوید بسم الله وبالله وعلى ملّة رسول الله صلّى الله عليه وآله اشهد ان لا اله
الّا الله وحده لا شريك له واشهد انّ محمّدا عبده ورسوله وانّ عليّا ولىّ الله پس
بضریح مقدس پشت بقبله ایستاده زیارت کند بعد از آن نماز زیارت بگزارد و در دعا و مسئلت
آنقدر که تواند برای خود و والدین خود و اقربا و سایر مؤمنان سعی نماید و در کتب مزار چنین
گفته‌اند که نماز در بالای سر مبارک باید گزارد و اما در توقیعات از حضرت صاحب الزمان ع
کسی پرسید که نماز در چه موضع گزاریم فرمود پیش روی قبر و بالای سر و پایین پا نشاید نشاید
ایستاد و گر پیش روی امام و پهلوی او نشاید ایستاد بلکه در پشت قبر نماز کنید و ذکر زیارت
نامهای ایشان بتفصیل از حوصله این رساله بیرونست و کتب مزار بآن مشحونست لیکن بجهت
آنکه این رساله از فضل ذکر آن بیکباره محروم نباشد بروایت مختصری بذکر آن مشرف شود و
زیارت حضرت پیغمبر صلعم که مرویست از حضرت امام رضا ع السّلام عليك يا رسول الله
السّلام عليك يا حبيب الله السّلام عليك يا صفوة الله السّلام عليك يا حجّة
اشهد انّك قد نصحت لامّتك وجاهدت في سبيل الله وعبدته مخلصا حتّى

أتاك اليقين فجزاك الله أفضل ما جزى نبياً عن أمته صل على محمد وآل محمد
أفضل ما صليت على إبرهيم وآل إبرهيم إنك حميد مجيد و مرویست از حضرت
صادق ع که بعد از آنکه سلام کردی در بالای سر مبارک دست چپ بقبر مقدس داده رو بقبله بگوی
أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أنك رسول الله وأنك محمد بن
عبد الله وأشهد أنك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لأمتك وجاهدت
في سبيل الله وعبدت الله مخلصاً حتى أتاك اليقين ودعوت إلى سبيل ربك
بالحكمة والموعظة الحسنة وأديت الذي عليك من الحق ورؤفت بالمؤمنين
وغلظت على الكافرين وبلغ الله بك أفضل شرف محل المكرمين الحمد لله
استنقذنا بك من الشرك والضلالة اللهم فاجعل صلواتك وصلوات ملا
ئكتك المقربين وأنبيائك المرسلين وعبادك الصالحين وأهل السماوات
والأرضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الأولين والآخرين على محمد
عبدك ورسولك ونبيك وأمينك وحبيبك وصفيك وخاصتك وصفوتك
وخيرتك من خلقك اللهم وأعطه الدرجة الرفيعة وآته الوسيلة من الجنة
وابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الأولون والآخرون اللهم إنك قلت ولو أنهم
إذ ظلموا أنفسهم جاؤوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله
تواباً رحيماً إلهي فقد أتيت نبيك مستغفراً تائباً من ذنوبي فصل على محمد و
آل محمد واغفرها يا سيدي أتوجه بك وبأهل بيتك إلى الله تعالى ربك و
ربي ليغفر لي ذنوبي بعد از آن پناه بقبر مقدس برده از روی خضوع واعتماد بر آن و پشت که ما

بال

بال کمال پشت بقبر داده روی بقبله بگوید اللهم إليك ألجأت أمري وبقبر نبيك أسندت
ظهري وقبلتك التي رضيتها لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت وجهي اللهم
لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي ولا تستبدل بي غيري أصبحت وأمسيت لا أملك
لنفسي خير ما أرجو ولا أصرف عنها شر ما أحذر إلا بك وحدك لا شريك لك اللهم
زدني منك بخير فإنه لا راد لقضائك اللهم زيني بالتقوى وجملني بال
عافية واغمرني بالنعم وارزقني شكر العافية إنك على كل شيء قدير
و هر حاجت که داشته باشد در این موضع طلب کند که سزاوارترین اماکن باجابت
اینمکانست زیارت حضرت امیر المؤمنین ص علیه بگوید السلام عليك يا أمين الله
في أرضه وحجته على عباده السلام عليك يا أمير المؤمنين أشهد أنك جاهدت
في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله
حتى دعاك الله إلى جواره وقبضك إليه باختياره لك كريم ثوابه وألزم
أعداءك الحجة بقتلك مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه اللهم
نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة
لصفوة أوليائك محبوبة في أرضك وسمائك صابرة على نزول بلائك
شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة إلى فرحة لقائك
متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن أوليائك مفارقة لأخلاق
أعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك بعد از آن رو بقبر مقدس کرده
بگوید اللهم إن قلوب المخبتين إليك والهة وسبل الراغبين إليك شارعة

وأعلام القاصدين إليك واضعة وأفئدة العارفين منك فازعة وأصوات
الداعين إليك صاعدة وأبواب السماء للإجابة لهم مفتحة ودعوة من
ناجاك مستجابة وتوبة من أناب إليك مقبولة وعبرة من بكى إليك مرحومة
والإغاثة لمن استغاث بك موجودة والإعانة لمن استعان بك مبذولة و
عداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك مقالة وأعمال العاملين لديك
محفوظة وأرزاقك إلى الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد إليهم واصلة
وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين
عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة ومناهل
الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين أوليائي
بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين إنك ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية
رجائي في منقلبي ومثواي حضرت امام محمد باقر ع فرمود هر کس از شیعیان ما که حضرت
امیرالمومنین یا یکی دیگر از ائمه علیهم السلام باین طریق زیارت کند زیارتش را در حقه از نور
گذارند و خدای تعالی ازا با خاتم محمد صلی الله علیه و آله مختوم سازد و بحضرت قائم ع سپارد
تا وقتی که با تحیت و کرامت و بشارت بصاحبش رساند و باید دانست که اگر باین
طریق یکی دیگر از ائمه را علیهم السلام زیارت کند بجای لفظ امیرالمومنین نام آن امام را باید
گفت در همین ضریح مقدس حضرت آدم و نوح علیهما السلام را نیز سلام کند و در زیارت
حضرت آدم ع بگوید السلام علیک یا صفی الله السلام علیک یا حبیب الله السلام
علیک یا نبی الله السلام علیک یا أمین الله السلام علیک یا خلیفة الله فی أرضه السلام

علیک

علیک یا أبا البشر آدم صلوات الله علیک وعلى روحك وبدنك وعلى الطاهرين
من ولدك وذريتك صلاة لا يحصيها إلا هو ورحمة الله وبركاته و در زیارت
نوح ع بگوید السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا صفی الله السلام علیک
یا ولی الله السلام علیک یا أمین الله فی أرضه صلوات الله وسلامه علیک وعلى
روحك وبدنك وعلى الطاهرين من ولدك ورحمة الله وبركاته زیارت حضرت فاطمه
السلام علیک یا بنت رسول الله السلام علیک یا بنت نبی الله السلام علیک یا بنت حبیب الله
السلام علیک یا بنت خلیل الله السلام علیک یا بنت أمین الله السلام علیک یا بنت
خیر خلق الله السلام علیک یا بضعة أیتها المعصومة المظلومة السلام علیک
أیتها المحدثة العلیمة ورحمة الله وبرکاته أشهد الله ورسوله وملائکته
أنی راض عمن رضیت عنه ساخط على من سخطت علیه متبرئ ممن تبرئت منه
موال لمن والیت معاد لمن عادیت مبغض لمن أبغضت محب لمن أحببت
وکفى بالله شهیدا وحسیبا وجازیا ومثیبا زیارت حضرت امام حسین ع در روضه
مقدسه این است بگوید السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک
یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث إبراهیم خلیل الله السلام علیک
یا وارث موسى نجی الله السلام یا وارث عیسى روح الله السلام علیک یا وارث
محمد سید رسل الله السلام علیک یا وارث علی أمیر المؤمنین وخیر الوصیین
السلام علیک یا وارث أخیه الحسن الزکی الطاهر التقی المرضی السلام علیک أیها
الوصی البار التقی السلام علیک وعلى الملائکة الحافین بک أشهد أنک قد

۲۲

اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت
الله مخلصا حتى اتاك اليقين والسلام عليك ورحمة الله وبركاته
بعد از ان بجانب ضریح مقدس رو و دو دست بر ان گذاشته بگوید السلام علیک یا ابا
عبد الله السلام علیک یا حجة الله ورحمة الله وبرکاته و بکلاته بعد از ان بگوید
لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك
فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد الله وملائكته وانبياءه ورسله
اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي فصلوات الله عليكم
وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وظاهركم وباطنكم
ورحمة الله وبركاته و بعد از ان در پیش پای مبارک آنحضرت علی اکبر را زیارت کند و بگوید
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين السلام عليك
يا ابن الحسين الشهيد السلام عليك ايها الشهيد المظلوم لعن الله امة قتلتك
ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به بعد از ان شهدا
را زیارت کند و بگوید السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء الله
واوداءه السلام عليكم يا انصار دين الله وانصار نبيه وانصار امير المؤمنين
وانصار الحسن والحسين طبتم وطابت الارض التي فيها دفنتم وفزتم فوزا عظيما
فيا ليتني كنت معكم فافوز فوزا عظيما معكم و چون از نماز و دعا فارغ شود برود بزیارت
عباس و بگوید السلام عليك ايها العبد الصالح المطيع لله ولرسوله ولامير المؤمنين
وللحسن والحسين عليهم السلام ورحمة الله وبركاته وعلى روحك وبدنك اشهد

انك

انك مضيت على ما مضى عليه البدريون المجاهدون في سبيل الله المناصحون له
في جهاد الاعداء المبالغون في نصرة اوليائه فجزاك الله افضل واوفر جزاء احد
وفى ببيعته واستجاب له دعوته وحشرك مع النبيين والصديقين والشهداء
والصالحين وحسن اولئك رفيقا روایت است که حضرت امام جعفر ع از حضرت پرسید که هر
روز زیارت حضرت امام حسین میکنی گفت نه فرمود چه جفا میکنی با آنحضرت بعد از ان فرمود
هر ماه میکنی گفت نه فرمود هر سالی میکنی گفت گاهی میشود باز فرمود چه جفا میکنید با آنحضرت
چه شود اگر هر روز یکمرتبه زیارت آنحضرت کنید گفت خانه ما بسیار دور است همیشه مقدور
نیست فرمود بر بام خانه برای و بجانب دست راست نظر کن بعد از ان بجانب چپ نگاه کن
بعد از ان سر باسمان بالا کن بعد از ان متوجه روضه مقدسه شده بگوی السلام علیک یا
ابا عبد الله السلام علیک ورحمة الله وبرکاته یکمرتبه زیارت برای تو نوشته شود که برابر باشد
با یک حج و یک عمره و اگر روزی پنج مرتبه باین نحو زیارت کنی بهر یک زیارت یک حج و یک عمره برای تو
نوشته شود و زیارت جامعه که در همه مشاهد مقدسه مجزی بود و مروی از حضرت امام رضا ع
السلام عليك على اولياء الله واصفيائه السلام على امناء الله واحبائه السلام على
انصار الله وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام على معادن حكمة الله السلام
على مساكن ذكر الله السلام على عباد الله المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول وهم
بامره يعملون السلام على مظاهر امر الله ونهيه السلام على الادلاء على الله السلام
على المستقرين في مرضات الله السلام على المخلصين في طاعة الله السلام على
الذين من والاهم فقد والى الله ومن عاداهم فقد عادى الله ومن عرفهم فقد

عرفنا الله و من جهلكم فقد جهل الله و من اعتصم بكم فقد اعتصم بالله و
من تخلى منكم فقد تخلى من الله أشهد الله اني حرب لمن حاربكم و سلم
لمن سالمكم مؤمن بما آمنتم به كافر بما كفرتم به محقق لما حققتم مبطل
لما ابطلتم مؤمن بسركم و علانيتكم مفوض في ذلك كله اليكم لعن الله
عدوكم من الجن و الانس و ضاعف عليهم العذاب الاليم و ابرأ الى الله
منهم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته و در وداع هر یک از ایشان علیهم السلام
بگوید السلام علیک یا حجة الله مولای السلام علیک یا حجة الله السلام علیک یا
صفوة الله السلام علیک یا خالصة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا
ولی الله سلام مودع لا قال و لا سائم فان امض فلا عن ملالة و ان اقم فلا
عن سوء ظن بما وعد الله الصابرین لا جعله الله یا مولای آخر العهد منی
لزیارتک و رزقنی العود الی مشهدک و المقام فی حرمک و جعلنی معکم فی
الدنیا و الآخرة فصل ششم در نیابت و شراکت در حج و عمره و زیارت روایت است از
اهل بیت طاهرین که اگر کسی برای دیگری از روی تبرع حج کند ثواب ده حج یابد و اگر اجر
گیرد و حج کند نه حج از او باشد و یک حج از صاحب مال و در روایت دیگر آمده که گناه او و والدین
و اولاد و برادر و خواهر و عم و عمه و خال و خاله اش همه آمرزیده شود و نیز روایت است که اگر
هزار کس را در حج با خود شریک کنی هر یک از ایشان را ثواب حجی باشد بی آنکه از حج تو چیزی
کم شود و ترا ثواب این احسان علیحده باشد و همچنین است اگر زیارت را تبرع کند یا کسی اجیر
کرداند و بعد از فراغ از حج یا زیارت بگوید اللهم اشرکنی فی حجی و نسکی و صلوتی و از زیارت

باشد

باشد بگوید فی زیارتی ابی و امی و فلانا و فلانا و هر که خواهد نام برد و جمیع اهل بلدی حرهم
و عبدهم و ابیضهم و اسودهم و حیهم و میتهم و اگر بنیابت حج یا طواف کند بگوید اللهم تقبل
منی حجی یا طوافی و صلوتی عن فلان و فلان هر که خواهد نام برد و اگر زیارت بنیابت کند
بعد از فراغ از کارهای خود بگوید السلام علیک یا مولای من ابی و امی و هر که خواهد نام
برد پس اگر بهر یک از ایشان بگوید برای تو حج یا طواف کردم و نماز و زیارت کردم درست است
گفته باشد فصل نهم در فضایل اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است روایت است از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس نظر بکعبه کند و حق ما را بشناسد چنانکه حق کعبه را بشناسد
گناهانش آمرزیده شود و مهمات دنیا و آخرتش کفایت شود و مادامی که نظرش بکعبه
باشد حسنه برایش نویسند و سیئه محو کنند و خدا یتعالی را در حوالی کعبه صد و بیست رحمت است
شصت از طواف کنندگان و چهل از نمازگزاران و بیست از نگاه کنندگان و هر کس در
یکی از حرمین بمیرد از اهوال قیامت ایمن باشد و اگر مابین حرمین بمیرد از فزع اکبر ایمن
باشد و یک تسبیح الله گفتن در مکه افضل است از خراج تمام عراق که در راه خدا صرف
کنند و هر کس در مکه معظمه ختم قرآن کند از دنیا نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و چیزی
خوردن در مکه مثل روزه است در جای دیگر و یک روز روزه در آنجا مثل یک سال روزه
است در جای دیگر و خواب کردن در آنجا مثل عبادت است در جای دیگر و هر کس یک سال مجاور
مکه باشد گناهان او و اهل بیت او و هر کس برای او استغفار کرده و قبیله اش و همسایگانش
آمرزیده شود و هر کس در آنجا سجده کند چنانست که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد
و یک نماز در آنجا برابر است با صد هزار نماز و یک درهم صدقه برابر است با صد هزار درهم و هر کس

یکنماز فریضه در آنجا گذارد نمازهای گذشته و آینده اش تا وقت اجلش همه مقبول شود
و هر چند نزدیکتر بکعبه نزدیکتر است افضل است و در مسجد منی هفتصد نبی نماز گزارده و در روایت
دیگر هزار نبی و هر کس در آنجا صد رکعت نماز گزارد برابر است با هفتاد سال عبادت و صد
تسبیح در آنجا برابر است با عتق رقبه و صد تکبیر با احیای نسمه و صد تحمید با خراج عراقین که از راه
خدا تصدق دهند و یکنماز فریضه در مسجد رسول صلی الله علیه و آله در مدینه برابر است با ده هزار
و یک درهم صدقه با ده هزار درهم و دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر است با یک عمره و کوفه حرم
حضرت امیر المؤمنین است صلوات الله علیه و قبور انبیا و مرسلین و اوصیاء و مؤمنین در آنجا
بسیار است و در مسجد اعظم کوفه هزار نبی و هزار وصی نماز گزارده اند و حضرت پیغمبر صلعم در شب
معراج در آنجا نماز گزارده و یکنماز فریضه در آنجا برابر است با هزار نماز و یک حج و نافله
در آنجا برابر است با پانصد نماز و یک عمره و نشستن در آنجا بی ذکر و تلاوت عبادت است
و در مسجد سهله هر نبی و وصی نماز گزارده و خانه حضرت ابراهیم ع و ادریس ع در آن مسجد است و
در آن مسجد سنگی است که طینت همه انبیا را از آنجا برداشته اند و هر غمگینی که در آن مسجد در
میان نماز شام و خفتن دو رکعت نماز گزارد و دعا کند خدا تعالی از آن غم نجاتش دهد **فصل دوم**
در فضایل زیارت ذریت طیبین و صلحای مؤمنین مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که هر کس امام زین العابدین در ری زیارت کند چنانست که امام حسین ع را زیارت کرده باشد — عبد العظیم ع
و هر کس فاطمه بنت موسی کاظم ع را در قم زیارت کند بهشت او را واجب شود و هم از ایشان ع مرویست
که هر کس قادر بر زیارت ما نباشد صلحای شیعه ما را زیارت کند ثواب زیارت ما یابد و مخفی
نماند که بسیار احادیث در فضل زیارت مؤمنان در باب اول این کتاب گذشته اعم

از ایام

اعم است از ایام حیات و بعد از وفات و آداب زیارت مؤمنان بعد از این انشاء الله بیاید
باب دوازدهم در احکام متعلق باموات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و مجمع
انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول** در وصیت و صحیفه شهادت مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که وصیت حق است لازم و بر هر مسلم و هر کس بمیرد و وصیت کند بنحوی که ظلم و جور
بورثه نرساند چنانست که در حیات خود تصدق کرده باشد و هر کس را مال باشد و برای خویشانی که
میراث نمیبرند چیزی وصیت نکند اعمالش بمعصیت ختم شود و حضرت امام جعفر ع فرمود که حضرت
پیغمبر صلعم فرمود که هر کس وقت وفات وصیت خوب نکند مروت و عقلش ناقص است پرسیدند
که وصیت چون باید کرد فرمود چون بحالت موت را مشاهده کند و مردم جمع شوند بگوید
اللّهمّ فاطر السّموات والأرض عالم الغیب والشّهادة الرّحمن الرّحیم اللّهمّ انّی اعهد
الیک فی دار الدّنیا انّی اشهد ان لا اله الّا الله وحدک لا شریک لک وانّ محمّدا
عبدک ورسولک صلّی الله علیه وآله وانّ الجنّة حقّ وانّ النّار حقّ وانّ البعث حقّ
والحساب حقّ والقدر حقّ والمیزان حقّ وانّ الدّین کما وصفت وانّ الاسلام
کما شرعت وانّ القول کما حدّثت وانّ القرآن کما انزلت وانّک انت الله الحقّ
المبین جزی الله محمّدا عنّا خیر الجزاء وحیّی الله محمّدا وآل محمّد بالسّلام اللّهمّ
یا عدّتی عند کربتی ویا صاحبی عند شدّتی ویا ولیّ نعمتی الهی واله آبائی لا تکلنی
طرفة عین ابدا فانّک ان تکلنی الی نفسی طرفة عین کنت اقرب من الشّرّ وابعد
من الخیر وآنس فی القبر وحشتی واجعل لی عهدا یوم القاک منشورا بعد از آن حضرت
که خواهد بکند اما صحیفه شهادت شیخ طوسی رحمه الله در مصباح ذکر نموده که اول محتضر بگوید

جلد ۲

بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً
عبده ورسوله صلی الله علیه وآله وان الجنة والنار حق وان الساعة آتیة
لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور بعد از آن این را بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم فی الله فلان بن فلان واشهدهم
واستودعهم واقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمداً
عبده ورسوله صلی الله علیه وآله وانه مقر بجمیع الانبیاء والمرسلین علیهم السلام وان علیاً ولی
الله امامه وان الائمة من ولده ائمته وان اولهم الحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن
علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن
علی والقائم الحجة علیهم السلام وان الجنة حق وان النار حق والساعة آتیة لا ریب فیها وان الله
یبعث من فی القبور وان محمداً صلی الله علیه وآله رسوله جاء بالحق وان علیاً ولی الله و
الخلیفة من بعد رسول الله ومستخلف فی امته مؤدیاً لامر ربه تبارک وتعالی وان فاطمة
بنت رسول الله وابنیها الحسن والحسین ابنا رسول الله وسبطاه اماما الهدی وقائدا
وان علیاً ومحمداً وجعفراً وموسی وعلیاً ومحمداً وعلیاً والحسن والحجة علیهم السلام
ائمة وقادة ودعاة الی الله جل وعز وحجة علی عباده بعد از آن بگوید تا جماعت
شهادت خود را بنویسند بعد از آن مهر کنند و بگویند استودعک الله والشهادة والاقرار
والاخاء موعدة عند رسول الله صلی الله ونقرأ علیک السلام ورحمة الله
وبرکاته بعد از آن صحیفه را بپیچد و مهر خود و مهر میت را بر بالا گذارند و با جریده
در پهلوی راستش گذارند و صحیفه را با کافور ننویسند و اگر با تربت مقدس نویسند چنانچه

درین

درین زمان متعارفست تواند بود که افضل باشد **فصل دوم** در آداب احتضار و فضائل
بعضی اوقات و احوال که وقت وفات دران اتفاق افتد مرویست از اهل بیت طاهرین ع
که در حالت احتضار میت را کلمات فرج و شهادتین و اقرار با ائمه طاهرین علیهم السلم تلقین
کنید که اگر بت پرستی باین اقرار کند آتش در وی هیچ طمع نکند و از مهالک نجات یابد
و هر کس آخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت باشد و نیز این دعا را تلقین کنند و گر
بگوید گناهانش آمرزیده شود یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر
واعف عنی الکثیر انک انت العفو الغفور و مرویست که اگر سوره یس در پیش او بخوانند
بعد هر حرفی از آن ده ملک نازل شوند که برایش استغفار کنند و تشییع جنازه اش نمایند
و بر او نماز گزارند چون حالش متغیر شود و پیش از آنکه قبض روحش شود رو بقبله اش بخوابانند
چنانکه کف پا بجانب قبله باشد که چون چنین کنند خدا تعالی برحمت متوجه او شود و ملائکه متوجه شوند
تا آنکه قبض روحش شود و اگر قبض روحش دشوار شود بجای نمازش که در آن نماز میگزارد
بخوابانند زود خلاص شود و نیز مرویست که در آن حال پیش هیچ کس صافات بخوانند مگر آنکه زود
نجات یابد و در وقت احتضار جنب و حایض حاضر نباشند که ملائکه متاذی شوند و چون قبض
روحش شود دستهایش را دراز کنند و دهنش را ببندند و چشمش را بپوشند و در وقت
چشم پوشیدن بگوید اللهم اغفر لفلان وارفع درجته فی المهدیین واخلف فی عقبه
فی الغابرین واغفر لنا وله یا رب العالمین و بازماندگان میت بگویند اللهم اغفر
لی وله واعقبنی منه عقبی حسنة و میت را تنها نگذارند که شیطان در و تصرف کند
و مرویست از امیر المومنین صلوات الله علیه که چون مومنی روز پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه

وقت ظهر بمیرد از فشار قبر ایمن شود و شفاعتش برای گناهکاران بعدد قبیله ربیعه و مضر
مقبول باشد و اگر روز شنبه بمیرد هرگز خدای تعالی او را با یهود در آتش جمع نکند و اگر روز یکشنبه
بمیرد او را با نصاری در آتش جمع نکند و اگر روز دوشنبه بمیرد او را با بنی امیه جمع نکند
و اگر روز سه شنبه بمیرد با ما محشور شود و در رفیق اعلی با ما باشد و اگر روز چهارشنبه
بمیرد از روز قیامت ایمن باشد و بسعادت جوار الهی فایز گردد و در دار فضل خدا
مقام کند که از هر مشقت و تعب ایمن باشد بعد از آن فرمود مومن در هر حال و در هر ساعتی که
بمیرد صدیق و شهید باشد و اگر مومن گناه تمام اهل دنیا داشته باشد چون از دنیا برود
همین مردن کفاره همه آن باشد و نیز فرمود که از حبیب خود رسول الله شنیدم که فرمود
هر کس لا اله الا الله باخلاص بگوید از شرک بری باشد و هر کس از شرک بری باشد داخل بهشت
شود و این جماعت شیعیان و دوستان تو اند که روز قیامت لا اله الا الله محمد رسول
الله علی بن ابی طالب حجة الله گویان از قبر بیرون آیند پس حله‌ها و تاجها و اکلیلها و اسپهای
نجیب از بهشت آرند و هر یک از ایشان را حله بپوشند و تاج شاهی و اکلیل کرامت بر سر ایشان
نهند و بر اسپها سوار شده داخل بهشت شوند و از فزع اکبر ایمن باشند و ملائکه فوج
فوج آیند و مژده و بشارت دهند و ایضا از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که
برای شش کس ضامن بهشت شوم کسی که صدقه برای مسکینی برد و بمیرد و کسی که بعیادت
مریض رود و بمیرد و کسی که در راه خدا بجهاد رود و بمیرد و کسی که بنماز جمعه بیرون رود
و بمیرد و کسی که بحج بیرون رود و بمیرد و کسی که بتشییع جنازه بیرون رود و بمیرد و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی که عمرش بلا اله الا الله یا بیکروزه روزه یا بصدقه ختم شود داخل

بهشت

بهشت شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود چون مومن در غربت بمیرد که زنان و عیالش
حاضر نباشند که برایش گریه کنند مواضعی که در آنجا عبادت کرده و درهای آسمان
که اعمالش بالا میرفته و فرشتگان که بر او موکل بوده‌اند بر او گریه کنند و هم آنحضرت علیه السلام فرمود
چون غریب بحال موت نزدیک شود و بچپ و راست نگاه کند و کسی را نه بیند پس سر بالا
کند خدای تعالی فرماید که را میجویی که برای تو بهتر از من باشد بعزت و جلال خودم که اگر از این عقده
نجاتت دهم بطاعت خود و خواهم داشت و اگر قبض روحت نمایم بکرامت خود برم

فصل سیوم

در تجهیز میت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اکرام میت آنست که زود دفنش کنند
و انتظار طلوع و غروب آفتاب نکشند و هر کس مومنی را غسل دهد و در آن وقت بگوید
اللهم هذا بدن عبدك المؤمن وقد اخرجت روحه وفرقت بينهما فعفوك
عفوك عفوك بجبال گناهش بغیر کبایر آمرزیده شود و اگر خواهد همین تنها بگوید عفوک
عفوک خدای تعالی او را عفو فرماید و نیز مرویست که هر کس مومنی را غسل دهد و عیوبی که از او ببیند
پنهان دارد و بکسی نگوید از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و بعد هر مویی از او
ثواب عتق رقبه یابد و صد درجه برایش بلند شود و اگر عیوبش را پنهان ندارد اجرش
باطل شود و عیوبش در دنیا و آخرت رسوا شود و هر کس مومن را کفن کند چنانست
که تا روز قیامت او را کسوه داده باشد و هر کس برای مومن قبر بکند چنانست که تا روز
قیامت در خانه مناسبی داده باشد و خدای تعالی جسدش را بر آتش حرام کند و خانه در بهشت
عطا فرماید و هر چند کفن قیمتی تر باشد افضل باشد که زینت میت است و اگر جامه باشد
که در آن نماز گزارده یا عبادتی کرده باشد افضل است و اگر کسی در حیوة خود تهیه کفن

برای خود کند هر مرتبه که نظر بر آن کند اجر یابد و دو جریده از چوبی تر با میت گذارند اگر نخل
خرما باشد افضل است و گرنه چوب انار و گرنه هر چوب که باشد مرویست که تا رطوبت در جریده
باقی است عذاب و حساب از میت رفع شود و نیز مرویست که عذاب و حساب همه در یکساعت است
چونکه میت داخل قبر شود و مردم متفرق شود پس چون جریده با میت باشد از عذاب بالکلیه ایمن
باشد فصل چهارم در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع آن مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون خبر وفات کسی بشنود بگوید انا لله وانا الیه راجعون
اللهم اکتبه فی المحسنین واجعل کتابه فی علیین واخلف علی عقبه فی الغابرین
اللهم لا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واغفر لنا وله و چون جنازه ببیند بگوید الله
اکبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما
الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت و فرشته در آسمان نماند مگر که از
آواز او بگرید و ایضا چون جنازه ببیند بگوید الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم
و هر کس جنازه را از چهار جانب بگیرد چهل کبیره از او آمرزیده شود و روایت دیگر آمده که هر کس
یکپایه جنازه بگیرد بیست و پنج کبیره آمرزیده شود و روایت دیگر آمده و اگر چهار طرف را بگیرد
از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و در وقت گرفتن بگوید بسم الله وبالله وصلی الله علی
محمد و آله اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات و اول جانب چپ تابوت را بدوش خود بگیرد و
همچنین بترتیب از پشت تابوت برود تا جانب راست تابوت را بدوش چپ خود بگیرد
و چون میت داخل قبر شود ملکی ندا کند که اول تحفه تو بهشت است و اول تحفه کسی که با
جنازه تو آمده اند مغفرت گناهان ایشان و هر کس تشییع جنازه کند چهار قیراط ثواب از برایش

نویسند

نویسند یکی برای رفاقت یکی برای نماز و یکی برای انتظار تا وقت فارغ شدن و یکی برای
تعزیه و روایت دیگر آمده که هر کس تشییع جنازه کند و صبر کند تا دفن کنند و خاک بر رو بریزند
بهر گامی که آمده یک قیراط ثواب نویسند که هر قیراط مثل کوه احد باشد و هفتاد ملک
موکل شوند که تشییعش کنند و برایش استغفار کنند تا روز قیامت فصل پنجم در نماز
میت مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس بر میتی نماز گزارد جبرئیل با هفتاد هزار فرشته
بر او نماز گزارند و گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و آداب طریقه آن چنانست که از
جنازه آنقدر دور بایستند که اگر بادی دامنش را حرکت دهد بجنازه برسد و اگر میت مرد باشد
برابر کمرش و اگر زن باشد برابر سینه اش بایستند و میت را در وقت نماز کردن رو بقبله
بخوابانند و اولی آنست که ولی میت امامت کند و دیگری بی اذن او بکند پس پنج تکبیر بگوید
و میان هر دو تکبیر شهادتین بگوید و صلوة بفرستد و برای میت دعا کند و ظاهر اینست
که خصوص عبارتی واجب نیست بلکه بهر عبارت که باشد مجزیست و افضل اینست که اگر میت
مومن باشد میان هر دو تکبیر چنین بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و
ان محمدا عبده ورسوله انا لله وانا الیه راجعون الحمد لله رب العالمین
رب الموت والحیوة وصل علی محمد وآل بیته جزی الله محمدا عنا خیر الجزاء
بما صنع بامته وبما بلغ من رسالات ربه اللهم عبدک ابن عبدک ابن امتک
ناصیته بیدک خلا عن الدنیا واحتاج الی رحمتک وانت غنی عن عذابه اللهم
انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وتقبل
منه وان کان مسیئا فاغفر له ذنبه وارحمه وتجاوز عنه برحمتک اللهم

الحقه بنبیک وثبته بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا والآخرة اللهم اسلک
بنا وبه سبیل الهدی واهدنا وایاه صراطک المستقیم عفوک عفوک مرویست
که چون جمعی کثیر بر میت نماز کنند و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا خدا تعالی فرماید شهادت
شما را قبول کردم و گناهان او را که من میدانم و شما نمیدانید آمرزیدم و اگر میت مستضعف باشد
بعد از شهادتین صلوة بفرستند و بجای دعای مومن بگویند اللهم اغفر للذین تابوا واتبعوا
سبیلک وقهم عذاب الجحیم و اگر مجهول باشد یعنی مذهبش معلوم نباشد بگوید اللهم ان
هذا النفس انت احییتها وانت امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها مع من احبت
و اگر طفل باشد بگوید اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا وفرطا واجرا و بر طفل کمتر از شش سال
نماز نباید گزارد و چون شش سال شود نماز مستحب است چون بالغ شود واجب شود و اگر مخالف
مذهب باشد بگوید اللهم العن عبدک الف لعنة مؤتلفة غیر مختلفة اللهم اخز
عبدک فی بلادک وعبادک واصله حر نارک واذقه اشد عذابک فانه کان
یوالی اعداءک ویعادی اولیاءک ویبغض اهل بیت نبیک و در این نماز
چهار تکبیر باید نمود چنانکه حضرت پیغمبر در نماز بر منافقین چنین میکرده فصل ششم در تکفین
قبر رویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اموات خود را از اماکن بد دور کنید و مکان
شریف برای قبر اختیار کنید که همسایه خوب چنانکه در زندگی نفع میرساند بعد از آن نیز
نفع میرساند و نیز روایتست که میت را یکمرتبه بشتاب داخل قبر نکنید بلکه دو سه ذراع
دورتر از قبر ساعتی بگذارید که تهیه جواب سؤال بگیرد و کسی که درون قبر میرود باید
و نامحرم نباشد و سر و پا برهنه کند و بندهای جامه بگشاید و میت را اگر مرد باشد از جانب

پای

پای قبر داخل کنند و سرش مقدم دارند و اگر زن باشد از پهلوی قبر بعرض داخل کنند
و کسی که داخل شود وقت داخل شدن بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله
صلی الله علیه وآله و چون میت بگیرد بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله
علیه وآله اللهم الی رحمتک لا الی عذابک اللهم افسح له فی قبره ولقنه حجته وثبته
بالقول الثابت وقنا وایاه عذاب القبر بعد از آن استعاذه کند و الحمد و قل هو الله و معوذتین
و آیة الکرسی بخواند و چون در قبر گذارد بگوید بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی ملة
رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم یا رب عبدک وابن عبدک نزل بک وانت
خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه
والحقه بنبیه محمد صلواتک علیه وآله وصالح شیعته واهدنا وایاه
الی صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک اللهم اجعلها روضة من ریاض الجنة
ولا تجعلها حفرة من حفر النیران و مکرر برای میت استغفار کند و میت را رو بقبله
پهلوی راست بخواباند و بند کفن از سر و پا بگشاید و روی گونه‌اش را برهنه کرده بر خاک
گذارد و قدری تربت مقدس با او بگذارد و بعد از آن دست چپ بر بازوی چپ میت
گذاشته حرکت شدید دهد و بگوید ای فلانی چون از تو سؤال کنند بگوی الله ربی
ومحمد نبیی والاسلام دینی والقرآن کتابی وعلی امامی والحسن والحسین وعلی
ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة القائم ائمتی و مکرر به
دیگر همین را اعاده کند و بعد از آن بگوید دانستی او بزبان روح خواهد گفت بلی پس بگوید
ثبتک الله بالقول الثابت هداک الله الی صراط مستقیم عرف الله بینک وبین اولیائک

فی مستقر من رحمته بعد از آن بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد بروحه
الیک ولقه منک برهانا اللهم عفوک عفوک و در وقت خشت چیدن بگوید
اللهم صل وحدته وانس وحشته واسکن الیه من رحمتک رحمة تغنیه
بها عن رحمة من سواک و چون خواهد بیرون آید بگوید انا لله وانا الیه راجعون
والحمد لله رب العالمین اللهم ارفع درجته فی اعلی علیین واخلف علی عقبه
فی الغابرین یا رب العالمین و از طرف پای قبر بیرون آید و چون خاک بر قبر ریزند بکف
قدری خاک در دست گرفته بگوید ایمانا بک وتصدیقا ببعثک هذا ما وعدنا الله
ورسوله وصدق الله ورسوله بعد از آن بریزد و بهر ذره از آن حسنه برایش نویسند
و مستحب است سر تربه و با پشت دست بجهت خویشان خاک نریزند که موجب قساوت
قلب شود و غیر آن خاک که از همان قبر بیرون آمده داخل نکنند که بیت سنگین شود و
قبر را بقدر چهار انگشت از زمین بلند کنند و مربع بسازند و آب بر بریزند ابتدا از پیش سر از
جانب قبله کنند و از پیش سر بگردانند از زیر پا بر دور بگردد و بعد از آن بر میان قبر بریزد که
تا نمی از آن آب باقی باشد از عذاب قبر ایمن باشد و بعد از آن دست بر قبر گذارند چنانکه
انگشتان گشوده باشد و در خاک فرو برند و بگویند اللهم انس وحشته وارحم غربته
وامن روعته وصل وحدته واسکن الیه من رحمتک رحمة یستغنی بها عن رحمة
من سواک واحشره مع من کان یتولاه و حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود که چه شود
اگر اهل میت ملاقات منکر و نکیر را از میت خود دفع کنند کسی پرسید چون کنند
فرمود بعد از دفن که مردم همه متفرق شوند کسی که اولی بمیت باشد دهن پیش سر میت برده

باواز بلند بگوید یا فلان بن فلان هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه شهادة ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله سید النبیین وان علیا
امیر المؤمنین وسید الوصیین وان ما جاء به محمد صلی الله علیه واله حق
وان الموت حق وان البعث حق وان الساعة اتیة لا ریب فیها وان الله یبعث
من فی القبور که چون این را بگوید منکر با نکیر گویند بیا برویم که تلقینش کرده شد

فصل نهم

در ثواب و آداب مصیبت و مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی را مصیبتی رسد
مصیبت حضرت پیغمبر صلعم که عظیم‌ترین مصیبتهاست یاد آورد و صبر کند و استرجاع کند یعنی
بگوید انا لله وانا الیه راجعون و حمد خدا کند که چون چنین کند رضای بقضای خدا داده و
ثوابش بر خدا باشد و اگر صبر نکند قضا خود گذشته باشد و اجرش باطل شود و در پیش خدا
مذموم بود و هر کس در بلا و مصیبت صبر کند خدا تعالی سیصد درجه برایش بلند کرد از آنکه میان
هر دو درجه مثل ما بین آسمان و زمین باشد و چون صبر کند و انا لله وانا الیه راجعون گوید خدا تعالی
فرماید صلوات و رحمت بر او فرستم و از زمره هدایت یافتگان شمارم و گناهش را همه بیامرزم
بغیر از کبایر و اگر این عبارت را نیز اضافه کند اللهم اجرنی فی مصیبتی واخلف لی خیرا منها
خدا تعالی بهتر از آن عطا فرماید و هر مرتبه که مصیبتی یاد آید اگر چه بعد از مدتی باشد بگوید انا لله
وانا الیه راجعون الحمد لله رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی واخلف علی افضل منها همان
اجر اول مصیبت داشته باشد از مرتبه بیشتر از این گفته شد تا حال همه گناهانش آمرزیده شود
و مرویست که چون فرزند کسی بمیرد خدا تعالی از ملائکه پرسد که از بنده من فرزند دلبندش را گرفتید
گویند بلی فرماید چه گفت گویند استرجاع و حمد کرد فرماید که در بهشت خانه از برایش بنا کنید

وخانه را حج تمام کند و نیز مرویست که یک فرزندی که پیشتر از و برود بهتر است برای او از
هفتاد پسر که بمانند و همه در راه خدا جهاد کنند و نیز مرویست که خدا تعالی کریمتر از آنست که
فرزند مومن را از و بگیرد و بعد از آن هرگز او را عذاب کند و اطفالی که پیشتر بروند والدین را
از دوزخ نگه دارند و دست ایشان را گرفته داخل بهشت کنند کسی پرسید اگر کسی را فرزند نباشد
از این فضل محروم خواهد بود فرمود برادران مومن همه بجای فرزند یکدیگر اند و مرویست که
اگر کسی در مصیبت دست بر زانو زند یا کسی بگاه نوحه سازی کند اجرش باطل شود **فصل ششم**
در ثواب و آداب تعزیه و اکرام یتیم مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که کسی را تعزیه کردن و تسلی
دادن موجب بهشت است و هر کس صاحب مصیبتی را تعزیه کند مثل اجر او یابد بی آنکه چیزی از و
کم شود و هر کس زنی مصیبت رسیده را تعزیه کند خدا تعالی او را در سایه عرش خود پناه دهد روزی
که هیچ کس را پناهی نباشد و هر کس محزونی را تسلی دهد روز قیامت او را حله از بهشت بپوشانند
با زینت و بهجت تمام و مرویست که مردی پسرش وفات کرد جزع و بیتابی میکرد حضرت
امام جعفر ع بتعزیه او رفته فرمود در مصیبت رسول الله صلعم تسلی کرده که اعظم مصیبات است
گفت پسرم بیمار بود و صحیح بود جزعم از این جهت است فرمود بدرستی که سه چیز در پیش دارد شهادت
لا اله الا الله و رحمت بینهایت خدا و شفاعت حضرت پیغمبر صلعم یکی از این سه ان شاء الله از و
فوت نخواهد شد مرویست که هر کس متکفل احوال یتیمی شود آن قدر که او را مستغنی گرداند
بهشت او را واجب شود و هر کس از روی رحم دست بر سر یتیمی مالد بعدد هر موئی که از آن حسنه
برایش نوشته شود و روز قیامت بعدد هر یک از آن موی نوری عطا کنند و چون یتیم گریه
کند عرش خود بلرزد پس خدا تعالی فرماید کیست که این بنده مرا که در کوچکی پدر

و مادرش را از و گرفته ام بگریاند بعزت و جلال خود و ارتفاع مکان که هر مومن او را
تسلی دهد بهشت برای او واجب گردانم **فصل نهم** در هدیه برای میت و اعمالی که باو
نفع رساند مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچ بر میت سخت تر از شب اول
نگذرد پس در شب اول بر میت تصدق و رحم کنید و اگر مقدور نشود دو رکعت نماز گزارید
در رکعت اول بعد از الحمد آیة الکرسی یکمرتبه و در دوم انا انزلناه ده مرتبه بخوانید
و بعد از سلام بگوئید اللهم صل علی محمد و ال محمد و ابعث ثوابها الی قبر فلان که همان
ساعت خدا تعالی هزار ملک بقبر او فرستد هر کدام با حله از بهشت و قبرش را وسیع
گرداند تا روز قیامت و برای کسی که این نماز گزارد چهل درجه بلند کند و بعدد هر چه
آفتاب بر و تابیده حسنات عطا فرماید و هر که بقصد میت تصدق کند خدا تعالی امر
فرماید که هزار ملک هر یک طبقی از نور در دست بقبر او در آیند و بر و سلام کنند و گویند
این هدیه فلانیست که برای تو فرستاده و آنکس را در بهشت هزار شهر و هزار حوری و هزار
حله عطا فرماید و هزار حاجتش بر آرد و هر کس برای میت عملی خیر مثل نماز و روزه و حج و
طواف و زیارت و صدقه و دعا و عتق رقبه و تلاوت قرآن و غیر آن هدیه کند هر وقت
باشد خدا تعالی اجر او را ده برابر یا بیشتر مضاعف گرداند و میت را از آن نفع رساند
و عذابش تخفیف دهد اگرچه کافر باشد و گاه باشد که میت در تنگنای عذابی باشد که خدا تعالی
او را از آن نجات دهد و باو گویند این نجات بسبب هدیه فلانیست و میت از هدیه
و دعا و استغفاری که برایش کنند خوشحال شود و چند کس را بلکه همه مومنان را در یک نماز
یا حج یا غیر آن شریک توان کرد و بهر کدام ثواب آن عمل علیحده رسد و میت خود هر عملی

خیرکه در ایام حیوة خود کرده باشد مثل تصنیفی وصدقه یا کتابت مصحفی یا کندن نهری یا درختی
بنشاند یا چاه ابی بکند یا کسی را تعلیم خیری یا هدایت ودلالت بخیری یا غیر آن از اعمال
خیرکند تا اثری ازان باقی باشد نفعش باو رسد و هرکس بتعلیم ودلالت او عمل کند مثل
ان ثواب برای او ثابت باشد بی انکه از صاحب عمل چیزی کم شود و نیز مرویست که
اول صحیفهٔ مومن همانست که بعد از موت برایش کویند اکر خیرست خیر واکر شرست شر

فصل دوم در زیارت قبور مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بزیارت قبور بروید
که باعث رقت قلب واشک چشم و یاد اخرتست و چون کسی بزیارت رود اهل قبور خبردار
شوند و باو انس کیرند وشکفته و مسرور شوند چنانکه در زندکی بدیدنش روند و چون از انجا
برود ایشان از وحشت رود و بود مفارقت اثر کنند و هرکس زیارت قبر والدین یا یکی ازیشان
در روز جمعه کند ثواب یک حج مقبول برایش نویسند و بعد از زیارت ودعای والده
حاجتی که داشته باشد بخواهد که انشاء الله مستجاب شود و چون خواهد برا اهل مقابر کند بکوید
اَلسَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ الدِّیَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُسْلِمِیْنَ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ وَالْمُسْتَاْ
خِرِیْنَ وَاِنَّا اِنْشَاءَ اللّٰهُ بِکُمْ لَاحِقُوْنَ و چون ایشان را دعا کند بکوید اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ
عَنْ جُنُوْبِهِمْ وَصَاعِدْ اِلَیْکَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ مِنْکَ رِضْوَانًا وَاَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ
رَحْمَتِکَ مَا تَصِلُ بِهٖ وَحْدَتَهُمْ وَتُؤْنِسُ بِهٖ وَحْشَتَهُمْ وَالَّتِیْ تَنْفَعُهُمْ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
واکر خواهد بکوید اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُمْ وَصِلْ وَحْدَتَهُمْ وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُمْ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُمْ وَ
اَسْکِنْ اِلَیْهِمْ مِنْ رَحْمَتِکَ مَا یَسْتَغْنُوْنَ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ وَاَلْحِقْهُمْ بِمَنْ کَانُوْا
یَتَوَلَّوْنَهٗ و نیز مرویست که هرکس بر اهل مقابر چنین سلام کند که اَلسَّلَامُ عَلٰی اَهْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

سلام م

مح

مِنْ اَهْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یَا اَهْلَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ کَیْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ نَحْنُ
نَقُوْلُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
وَاحْشُرْنَا فِیْ زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ خدا تعالی او را ثواب
پنجاه ساله عبادت عطا فرماید و پنجاه ساله سیئات او و والدینش را عفو فرماید و هرکس داخل
مقبره شود و بکوید اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الْاَرْوَاحِ الْفَانِیَةِ وَالْاَجْسَادِ الْبَالِیَةِ وَالْعِظَامِ
النَّخِرَةِ الَّتِیْ خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْیَا وَهِیَ بِکَ مُؤْمِنَةٌ اَدْخِلْ عَلَیْهِمْ رَوْحًا مِنْکَ وَسَلَامًا
مِنِّیْ بعدد هرکس از زمان ادم تا روز قیامت برایش حسنات نویسند و هرکه در مقبره یک
ایه از قران بخواند خدا تعالی ثواب هفتاد نبی عطا فرماید و هرکس برای اموات از خدا طلب
رحمت کند از اتش نجات یابد و خندان داخل بهشت شود و اکر در مقبره سوره یس بخواند
بعدد اهل انمقبره برایش حسنات نویسند و عذاب انمقبره تخفیف دهند و اکر ایة الکرسی
بخواند و ثوابش را باهل قبور هدیه کند بعدد هرحرف ان ملکی برای او تسبیح کند تا روز
قیامت و اکر یازده مرتبه قل هو الله بخواند و ثوابش را باهل مقبره هدیه کند بعدد ایشان
ثواب و حسنات یابد و اکر دست بر قبر کذارد و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از فزع
اکبر قیامت ایمن شده او و صاحب قبر هر دو امرزیده شوند و خدا تعالی ملکی فرستد که در
ان قبر عبادت کند و ثوابش بصاحب قبر نوشته شود و چون از قبر بیرون اید بر هیچ
و هول نکذرد مکر انکه خدا تعالی از او دفع کرداند تا انکه داخل بهشت شود و مرویست از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که کسی بر سر اخکر اتش بنشیند و جامه اش بسوزد تا اتش به بدنش رسد او
دارم که بر سر قبری بنشیند اما بر سر قبور راه رفتن و پا کذاشتن محذور ندارد و مرویست که

۲۳۷

که چون داخل مقبره شوید بر قبور پا مگذارید که اگر صاحب قبر مومن باشد راحت یابد و اگر ظالم
باشد الم یابد و هراسانست که قبور اکابر و والدین و علما را رعایت ادب باید نمود و در روایت است که حرمت
مومن بعد از مردن مثل حرمت اوست در زندگی **خاتمه** در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه
مرویست از حضرت صادق صلوات الله علیه که فرمود حضرت پیغمبر ص در شب معراج از جناب
الهی سوال نمود که خداوندا کدام عمل در پیش تو افضل است فرمود یا احمد هیچ چیز پیش من افضل
از توکل و رضا بقسمت من نیست یا احمد واجب است محبت من بر جمعی که با هم بطاعت من دوستی
کنند و در معصیت من از هم دوری نمایند و بر من توکل کنند و محبت من علت و غایت و نهایت ندارد
و برای دوستان خود هر علم عزت و قرب که در پیش خود و بنده کنم علمی بازای آن در پیش خلق
پست کرده ام ایشان مانند جمعی که حاجات خود را بمخلوقین بر بند بطونشان از حلال خفیف است
و لذت و نعیمشان در دنیا ذکر و محبت و رضای من است یا احمد اگر خواهی اورع باشی در دنیا
زاهد و با آخرت راغب باش گفت خداوندا چون زاهد و با آخرت چون راغب باشم فرمود
که خود را از طعام و شراب و لباس دنیا سبکبار دار و دل بجمع و ذخیره دنیا مدار و از ذکر
و یاد من غافل مباش گفت دوام ذکر تو چون تحصیل کنم فرمود بخلوت از ناس و بغض ترش
و شیرین دنیا و فراغ شکم و خانه از مشاغل دنیا یا احمد بپرهیز از آنکه مانند اطفال هر سرخ
و زرد که ببینی میل کنی و هر ترش و شیرین که یابی فریفته شوی گفت خداوندا بعملی دلالت فرمای
که بتو نزدیک شوم فرمود شبت را بنماز بیدار دار و روزت بجوع بشتاب یا احمد بعزت
و جلال خودم که هیچ کس پای از ضمان چهار چیز نشد مگر آنکه از اهل بهشتش گردانم باید لسان را از
بیفایده و دلش از خیالهای باطل ببندد و بداند که من احوال او را میدانم و میبینم و روشنی

چشمش

چشمش بجوع باشد اگر لذت و حلاوت گرسنگی و خاموشی و خلوت و نتیجه آنرا دریابی هیچ چیز را
اختیار نکنی گفت نتیجه اینها چیست فرمود حکمت و معرفت و حفظ دل از خیالهای باطل و ذکر
دیگری غیر خدا و زهد در دنیا و حزن دایم و خفت مؤنت و کلام حق یا احمد میدانی چه وقت بنده
بمن نزدیک شود گفت نه فرمود وقتیکه گرسنه یا در سجده باشد یا احمد عجب دارم از سه کس کسی که نماز
میخواند که در پیش که ایستاده و با که در مناجاتست و با اینحال خواب آلوده میباشد و کسی که قوت
یکروزه دارد و فکر فردا میکند و کسی که نمیداند که من از او راضیم یا نه و خنده میکند یا احمد در بهشت قصریست
از لؤلؤ که هیچ فصلی ندارد و خواص بندگان من در آنجا باشند هر روز هفتاد مرتبه بر ایشان نظر
کنم و تکلم نمایم و در هر نظر هفتاد برابر پادشاهی دنیا و قرب ایشان بیفزایم و وقتیکه اهل جنت
بطعام و شراب ملتذ و متنعم باشند ایشان بمحو لذت ذکر و هم زبانی من باشند گفت ایشان
کی اند فرمود آنانند که زبان از فضول کلام بسته اند یا احمد محبت با خدا محبت با فقرا است
و نزدیکی با ایشان گفت فقرا کیانند فرمود آنانکه از دنیا بقلیلی راضی باشند در گرسنگی
و در شدت صبور باشند و با کسی شکایت نکنند و دروغ نگویند و بر دنیا و خاک و بفقدان
آن غمناک نباشند یا احمد دوستی با من دوستی با فقرا است اگر خواهی بمن نزدیک شوی ایشانرا
بخود نزدیک کن و اگر خواهی از من دور باشی ایشانرا از خود دور گردان که ایشان دوستان
منند یا احمد خود را بلباسهای نازک و طعامهای لذیذ و بساطهای نرم میارای که نفس ماوای هر
شر و رفیق هر سوء است اگرش بطاعت میخوانی ترا بمعصیت میخواند و در طاعت مخالفت و
در معصیت موافقت میکند اگر گرسنه شود شکوه کند و اگر سیر گردد سرکشی از سر گیرد و اگر فقیر
شود غضبناک شود و اگر مستغنی شود متکبر گردد و اگر از حوادث ایمن گردد از خدا غافل شود

ونفس قرین شیطانست نفس مثل شترمرغست بسیار میخورد و بار بر نمیدارد و مثل افعیست رنگش
خوش آینده و طعمش تلخست یا احمد دنیا و اهل دنیا را دشمن دار و آخرت و اهل آخرت را دوست دار
گفت خدایا ایشان کیانند فرمود اهل دنیا کسی است که غضب و خوردن و خنده و
خفتنش بسیار باشد و بقسمت خود راضی نباشد و چون با کسی بد کند عذر خواهی نکند
و چون کسی از او عذر خواهد قبول نکند در طاعت کاهل و ناتوان و در معصیت دلیر
توانا املش طویل و اجلش قریب محاسبه نفس خود نکند و نه بیند چه میکند قلیل العلم کثیر
الکلام بر عافیت نترسد و از حال خود نادانست نه در نعمت شکور و نه در شدت صبور
خود را بنا کرده بستاید بکمالی که ندارد دعوی کند و عیوب کسان گوید یا احمد عیوب
اهل دنیا بسیار است اهل جهل و حماقت اند و صاحب تکبر و ضلالت در پیش مردم عقلا
و در پیش عارفین جهلا یا احمد اهل آخرت رویشان تنگ و حیاشان بسیار حمق و
مکرشان قلیل و خیر و نفعشان کثیر مردم از ایشان در راحت و ایشان از خود
در تعب کلامشان سنجیده عقل و همیشه در محاسبه نفس چشمشان در خواب و دلشان
بیدار و چشمشان گریان و دلشان در ذکر خدا در کار وقتی که مردم را از غافلان نویسند
ایشان را از ذاکران نویسند در اول نعمت حمد شیوه و در آخر شکر پیشه در پیش خدا
مرفوع و کلامشان محبوب و مسموع و ملائکه با ایشان خوشنود و مانع ذکر خدا از ایشان
مفقود علما را بملاطفت پیروی کنند و جهلا را بمرحمت هدایت نمایند موت هر کس
یکمرتبه باشد و ایشان از شدت مجاهده نفس و مخالفت هوس هر روزی هفتاد مرتبه
بمیرند از ضعف و ناتوانی بهر بادی بلرزند و در وقت عبادت چون ستون محکم باشند

دلشان

دلشان خالی از شغلی غیر خدا بعزت و جلال خودم که چون روحش از بدن مفارقت کند
زندگی خوش زنده اش گردانم و ملک الموت را بر او مسلط نگردانم بلکه خود متولی قبض روحش
شوم و درهای آسمانها را برای روحش بگشایم و حجابها را از پیش خود و او بردارم و بهشتها را
امر فرمایم تا زینت کنند و حور العین را تا مهیای تماشا شوند و ملائکه را تا بر ایشان صلوة
فرستند و درختان را تا بیار آیند و میوه ها را تا خود را بیاویزند و بادی از بادهای زیر عرش
را بفرمایم که کوههای مشک و کافور را برای او بی آتش بخور کنند و در میان بنده و آن جناب روح
هیچ پرده و مانعی نباشد و از روی ملاطفت و اکرام و رحمت و رضوان بپیش خود خوانم
ای کاش ببینی که ملائکه چون او را دست بدست میگردانند یا احمد اهل آخرت را طعام
گوارا نباشد تا خدای خود را شناخته اند و از معصیت محزون نشوند تا سیئات خود را
دانسته اند و همیشه بر گناهان خود گریان باشند و از عبادت فرصت استراحت نیابند و ایشان را
در دنیا راحتی نبود و چون بمیرند براحت رسند مونس ایشان اشک چشم ایشانست که در شبها
بر رویشان روان شده و همنشینشان ملائکه باشند و همرازشان خدای بزرگ شان و ایشان
دلسینه از غایت حزن و الم مجروح همیشه مشتاق آخرت یا احمد میدانی که زاهدان در پیش من
چه رتبه دارند گفت نه فرمود روز قیامت که خلایق همه گرفتار حساب باشند ایشان از آن
ایمن باشند و کمترین عطیه که با ایشان کنم اینست که کلیدهای بهشت همه را با ایشان دهم تا
هر در که خواهند درون روند و ایشان را در مقام خوشی در پیش خود بنشانم و انواع
لذت از مکالمه خود با ایشان عطا کنم و چهار در بر ایشان بگشایم یکی آنکه هدیه و کرامت
و عطایا از پیش من بر ایشان داخل شود و یکی آنکه هر وقت که خواهند بی مشقت و تعب

تماشای من کنند و یکی آنکه تماشای مخالفین و ظالمین کنند در جهنم که چون بانواع عذاب معذبند
و یکی آنکه حور العین و خدام با ایشان داخل شوند و نه بفرزندی که از موتش محزون گردند و نه
مالی که از رفتنش مهموم باشند و نه با کسی آشنا باشند که یک لحظه ایشان را مانع شود از خدا و نه
زیاده قوتی دارند که ایشان سؤال کنند و نه بجای ناخوشناک بیندازند یا احمد روی
زاهدان زرد است از تعب عبادت شب و روزه روز و زبانشان کند است مگر در ذکر خدا
دلهایشان در سینه از کثرت مخالفت آرزوها پاره پاره و بدنشان از کثرت مجاهده
زار و نزار و در کمال سعی در عبادت بی آرام و بیقرار و لیکن نه از شوق جنت و نه از خوف
نار بلکه چون خدا را شناختند و اهل عبادت یافتند بیقرار عبادت گشته اند گفت خدایا از
امت من کسی را این رتبه عطا فرموده فرمود یا احمد این درجه اولیا و صدیقین است از
امت تو و غیر امت تو گفت خدایا از کدام امت بیشترند فرمود از بنی اسرائیل
در میان امت تو مثل یکموی سیاهست در گاو سفید حضرت پیغمبر صلعم فرمود بعد از آن
خدا را حمد و شکر بسیار نمودم و ایشان را دعا کرده گفتم خدایا ایشان را رحم کن و ایشان را و دین
ایشان را که نزد ایشان با آن راضی گشته حفظ کن و ایشان را ایمانی عطا نمای که بعد از آن شک
نکنند و ورعی که بعد از آن بدنیا رغبت نکنند و خوفی که بعد از آن غافل نشوند و علمی که بعد از آن
جهل نداشته باشند و عقلی که بعد از آن از حق ایمن باشند و نزدیکی که بعد از آن دوری
نه بینند و خشوعی که در عقبش قساوت نباشد و تذکری که نسیان در پی نبود و عزتی که بعد
از آن خواری نه بینند و صبری که بعد از آن جزع نکنند و علمی که بعد از آن بیتاب نشوند و
دلشان را مملو حیا گردان تا همیشه از تو حیا کنند و ایشان را با آفات دنیا و آفات نفوس خود

و وساوس

و وساوس شیطان بینا گردان تا از فتنه آن ایمن باشند بعد از آن فرمود یا احمد از علامت
ورع غافل مباش که اول و میان و آخر دین همه ورع است و ورع زینت مؤمن و عماد دین است
ورع مانند کشتی است چنانکه در دریا بی کشتی نتوان گذشت همچنین زاهدی و ورع از دنیا
نجات نتوانند یافت یا احمد بورع همه درهای توفیق بر بنده گشوده شود و بورع در پیش
مردم مکرم و در پیش خدا عزیز و معظم گردد یا احمد خموشی پیشه کن که معمورترین دلها دل خموشان
و صالحان است و خراب ترین دلها دل بیهوده گویان است یا احمد عبادت ده جزو است
نه جزو آن طلب حلال است اگر مطعم و مشرب خود را از حرام پاک کنی در حفظ و پناه من باشی
گفت خدایا اول عبادت چیست فرمود اول عبادت روزه و خموشی است یا احمد میدانی
نتیجه روزه چیست گفت نه فرمود کم خوری و کم گویی و نتیجه خموشی حکمت و نتیجه حکمت معرفت
و نتیجه معرفت یقین و چون بنده صاحب یقین شود پروا از سختی و سستی دنیا نکند و
چون چنین شود از من راضی گردد من از او راضی شوم و چون برضای من عمل کند سه صفت باو عطا
فرمایم شکری که مخلوط بجهل نباشد و ذکری که مخلوط به نسیان نبود و محبتی که محبت غیر مرا اختیار
نکند پس چون مرا دوست دارد من او را دوست دارم و خلق را دوست او گردانم و چشم
و دلش را بعظمت و جلال خود گشایم پس علم خواص خلق خود را از او پوشیده ندارم و در شب
و روز همراز او باشم تا آنکه صحبت و مجالستش از غیر من قطع شود و کلام خود و کلام
ملائکه خود را باو بشنوانم و سر خود را که از خلق پنهان داشته ام باو بشناسانم و لباس حیا
در او پوشانم تا خلق از او حیا کنند و بر زمین راه رود و دلش را عارف باسرار خود کنم و پرده
از احوال بهشت و دوزخ و اهوال روز قیامت برای او بردارم تا همه را مشاهده کند

۲۰۳

وقبرش را منور گردانم و شدت موت و ظلمت قبر و لحد و هول قیامت نه بیند و نصب
میزان و نشر دیوان برایش نکنم بعد از آن گاهی می افتد و گاهی بر میخیزد تا آنکه از صراط بگذرد
و ملک این بنده خود را بالاتر از ملک همه ملوک گردانم و بهشت و نعیم بهشت برایش
مهیا گردانم و عقلش را مستغرق معرفت خود گردانم و چون ملک الموت برو نازل شود
گوید خوش باد که خدای عز و جل مشتاق تست ای دوست خدا درهای آسمان که از آن
اعمال تو بالا میرفت و محراب مصلای تو همه بر تو گریه میکنند و ملائکه بر سرش ایستاده
باشند هر یک جامی از کوثر و جامی از شراب بهشت در دست چون روحش از بدن بیرون
رود از آن آب شراب بدهند تا سکرات و تلخی موت زایل شود و مژده اش دهند
پس از دست ملائکه پرواز کند و به پیش خدا رود کمتر از چشم بر هم زدنی و میان او و خدا
هیچ مانعی نباشد پس در جانب عرش بنشیند پس خدا تعالی ازو سؤال کند که دنیا را چون
گذاشتی گوید بعزت و جلال تو که از بس خوف از تو داشتم از دنیا خبر نداشتم پس خدا تعالی
فرماید راست میگویی اگرچه بدنت در دنیا بود اما روحت همیشه با من بود و من از ظاهر و
باطنت خبر دارم هرچه خواهی سؤال کن تا عطا کنم در جوار من ساکن باش و در جنت من
بخرام پس آن روح گوید که تو معرفت خود را عطا فرمودی که با آن از همه چیز مستغنی شدم
بعزت و جلال تو که اگر مرا بند بند جدا میکردند یا هفتاد مرتبه میکشتند بسخت ترین انحا
کشتن که رضای تو پیش من از همه چیز بهتر بود و من چون بجود معزز باشم که هرچه دارم از تو
دارم اگر تو مرا اکرام نمیکردی ذلیل میبودم و اگر تو نصرت نمیدادی مغلوب میبودم و اگر تو
تقویت نمیدادی ضعیف میبودم و اگر تو مرا بذکر خود زنده نمیکردی میت میبودم و اگر تو را

اگر

برحمت من کوشیدی باول مرتبه که معصیت کردم پشیمان گشتم چون رضای تو نخواستم که عقل را
تمام کردی تا تو را شناختم و حق از باطل دانستم و امر از نهی و علم از جهل و نور از ظلمت تمیز کردم
پس خدا تعالی فرماید بعزت و جلال خود که میان من و تو هیچ حجاب نباشد تا هر وقت خواهی
پیش من آیی و با دوستان خود چنین کنم یا احمد میدانی که کدام زندگی گواراتر و کدام حیوة
باقی تر است گفت خدایا نمیدانم فرمود اما زندگی گوارا آنست که صاحبش از ذکر من مانده
نشود و نعمت مرا فراموش نکند و از من غافل نگردد و حق مرا بشناسد و شب و روز طالب
رضای من باشد و اما حیوة باقی کسی دارد که طاعت من کند تا دنیا در نظرش ذلیل شود و آخرت
عظیم گردد و خواهش مرا بر خواهش خود اختیار کند و پیروی رضای من نماید و مرا چنانکه حق
تعظیم منست تعظیم نماید و بداند که من از و غافل نیستم و شب و روز مرا در نظر داشته باشد
و از معصیت من گریزان باشد و دلش را از صفات ذمیمه و خیالهای باطل پاک کند تا شیطان
در دلش راه نیابد و شیطان را دشمن دارد و اطاعتش نکند و چون بدین طریقه عمل نماید دلش را
از محبت خود لبریز گردانم تا هیچ چیز را بی اختیار نکند و هرچه کند و گوید برای من کند و چشم
و گوش و دلش را بگشایم تا بچشم دل جلال و عظمت مرا ببیند و بگوش دل اسرار مرا بشنود
و دنیا را برو تنگ گردانم و لذت دنیا را از دلش بیرون کنم و از دنیا و ما فیها او را بترسانم
چنانکه شبان گله را از مهلکها و مواضع گرگ میترساند و چون چنین شود از مردم گریزان
گردد و از دنیای فانی که خانه شیطانست دل بردارد و مشتاق آخرت که خانه رحمت است
شود و بعظمت و هیبت او را زینت کنم اینست زندگی گوارا و حیات باقی یا احمد کسی که عقل
ندارد غنی نیست و کسی که جهل ندارد فقیر نیست یا احمد میدانی که تا بچه چیز فضل از سایر انبیا

کردم گفت نمیدانم فرمود بسبب یقین و حسن خلق و سخاوت و رحم بر خلق و همچنین مومنانی
که دنیا محکم است باین این رتبه یافته یا احمد فضل و قولت برای حرکن و بهشت را متواضع
گردان تا هرگز از من غافل نشوی که هر کس از من غافل شود از و پروا نکنم هر جا هلاک شود
یا احمد عقلت را پیش از انکه از دست برود بکار فرمای که هر کس عقلش بکار فرماید خطا نکند
و بعلمی که ترا عطا کرده ام عمل نمای تا علم اولین و آخرین برای تو جمع شود و چون چنین کنی
آنقدر معرفت در دلت اندازم که هیچ کس وصف آن نتواند و بهر راه خیر ترا هدایت کنم و
قوت عبادت دهم و عبادت نور چشم و دلت شیرین گردانم تا هیچ چیز را از آن دوست‌تر
نداری یا احمد اگر خواهی حلاوت ایمان دریابی گرسنگی را پیشه خود و خموشی را شیوهٔ
زبان و خوف را ملازم دل گردان اگر چنین کنی نجات یابی و گرنه هلاک شوی یا احمد بعزت
و جلال خودم که اول عبادت عابدین و توبهٔ ایشان و تقرب ایشان بمن بیت المکرر روزه
و گرسنگی و خموشی و تنهایی از اهل دنیا و اول معصیت سیری و بسیار بیهوده گوئیست و اختلاط
اهل دنیا یا احمد چون بنده گرسنگی و خموشی پیشه کند حکمت در او عطا فرمایم اگرچه کافر باشد
اما اگر کافر باشد آن حکمت بر او حجت باشد و وبال شود و اگر مومن باشد نور و برهان
و شفا و رحمت شود پس آنچه نمیدانست بداند و آنچه نمیدید ببیند و اول آنچه ببیند عیوب
خود باشد تا بآن مشغول شود و از عیوب مردم فارغ شود و دقایق علم و حیلهای شیطان
و حیلهای نفس خودش بینا کنم تا نفس و شیطان را بر و راهی نباشد یا احمد هیچ عبادت
پیش من بهتر از گرسنگی و خموشی نیست پس کسی که روزه گیرد و زبان از بیهوده بندد مثل
کسی است که نماز ایستد و قرائت بکند یا احمد میدانی بنده چه وقت عابد باشد گفت

نمیدانم

نمیدانم فرمود وقتی که هفت صفت در او باشد ورعی که او را از حرام باز دارد و خموشی
که از کلام بیجا باز دارد و خوفی که روز بروز گریه اش زیاده شود و حیائی که در
خلوت از من حیا کند و کم خوری که بقدر ضرورت خورد و دنیا را دشمن دارد که از آن دشمن
دارم و خوبان را دوست دارد که من ایشان را دوست دارم یا احمد نه هر کسی که گوید
خدا را دوست دارم مرا دوست دارد تا آنکه از دنیا بقوتی و جامه سهلی راضی شود و عمر
خود را در عبادت صرف کند و خموشی را پیشه کند و توکل را حرز کند و گریه بسیار و خنده کم کند
و مخالفت هوا و هوس کند و مسجد خانه اش و علم مصاحبش و زهد همنشینش و علما دوستانش
و فقرا رفقایش باشند و طالب رضای من باشد و از غضب من بگریزد و از اهل دنیا و معاصی
گریزان باشد و خود را مشغول ذکر و تسبیح من دارد و در وعده صادق باشد و بعهد وفا
کند و دلش از صفتها و ارادتها و فکرهای باطل پاک باشد و نمازش از شرک و ریا
و قصد ریا پاک باشد و در این سعی تمام کند و راغب ثواب و ترسان از عذاب باشد و رفیق
و همنشین دوستان من باشد یا احمد اگر بنده مثل تمام اهل آسمان و زمین روزه گیرد و مثل
ایشان نماز کند و مثل ملائکه یکباره دست از طعام بکشد و مثل عابدین لباسهای درشت
ذلیل بپوشد و با اینهمه در دلش بقدر ذره حب دنیا یا حب ریاست یا نام یا آوازه یا
یا زینت دنیا باشد در جوار من راه نیابد و محبت خود را از دلش بردارم و دلش را تاریک
کنم تا مرا فراموش کند و حلاوت محبت خود را نچشانم و بر تو باد رحمت و سلام من و از اینجا
از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که خدا تعالی فرموده ای آدمیزاد تو انصاف نمی آری و شرم
نمیداری همیشه من با تو بنعمت و رحمت و شفقت و دوستی و مهربانی میکنم و تو با من بخلاف

و هرگاه مخالفت و دشمنی میکنی همیشه خیر و رحمت بر تو نازل میشود و شر و مخالفت تو بمن
می آید هر شب و روز فرشته کریم از تو عملی قبیح نزد من می آورد و اگر تو وصف خود از کسی بشنوی
و بدانی که ترا میگوید بدرستی که دشمن خود شوی مرا در وقت غضب یاد کن تا من ترا در وقت
غضب یاد کنم و هم از آنحضرت صلعم مرویست که منادی از پیش عرش ندا کند که ای بنی آدم خدا تعالی
شما را سلام میرساند و میگوید من شما را اشتیاق خود میکنم و شما اشتیاق من نمیشوید و شما را از
خود میترسانم و نمیترسید شبها را بخواب و روزها را بغفلت میگذرانید پس این راه دور
و دراز را کی طی میکنید و هم از آنحضرت صلعم بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود یا علی ترا وصیتی چند میکنم
مادام که آن را محافظت کنی همیشه در خیر باشی یا علی بهترین جهاد آنست که چون صبح برخیزی ظلم
کسی در خاطر نداشته باشی هر کس مردم از زبانش در رنج باشند از اهل دوزخ باشد بدترین
مردم کسی است که از ترس شر و زبانش اکرامش کنند یا علی بدترین مردم کسی است که آخرت را
بدنیا بفروشد و بدتر از وی کسی که آخرت خود را بدنیای دیگری بفروشد یا علی هر کس قبول
عذر نکند خواه راست و خواه دروغ شفاعت من نرسد یا علی بهشت حرامست بر هر فحاش
هرزه گو که از هر چه گوید و با او گویند پروا نکند یا علی مزاح بسیار مکن که قیمتت برود و
دروغ مگوی که نورت برود و زنهار ملال و کاهلی بر خود راه مده که چون ملال یابی
صبر بر حق نکنی و چون کاهل شوی ادای حق نتوانی یا علی هر گناه را توبه ایست مگر سوء خلق
که صاحب خلق بد از هر گناه که بتوبه بیرون آید در گناه دیگر افتد بلکه بدتر از آنست
یا علی خدای تعالی بهشت را از خشتی طلا و خشتی نقره آفریده و دیوارش از یاقوت و سقفش را از زبر
جد و ریگش را از لؤلؤ و خاکش را از زعفران و مشک اذفر گردانیده بعد از آن فرمود بگو
گفت

گفت لا اله الا الله الحی القیوم سعادت یافت هر کس داخل بهشت شد فرمود بعزت و جلالم
که داخل تو نشود شرابخواره و سخن چین و دیوث و اعوان ظلمه و مخنث و نباش و عشار و
قاطع رحم یا علی چند کس از این امت کافر شوند بخدای عظیم سخن چین و کسیکه جستجوی اسرار مردم کند و
دیوث و کسیکه زنی را بحرام یا زنی محرم یا چهارپا را نکاح کند و کسیکه در فتنه سعی کند و کسیکه
سلاح جنگ با اهل حرب مسلمین فروشد و مانع زکوة و مستطیع که حج نکرده بمیرد یا علی سه چیز
از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت عفو کردن از کسی که بر تو ظلم کند و وصل کردن با کسی
که از تو قطع کند و حلم ورزیدن از کسی که با تو ناخوشی کند یا علی نماز چند کس قبول نشود بنده
که از صاحبش بگریزد و زنی که شوهرش از او ناخشنود و دوری کند و مانع زکوة یا علی
هر کس هفت صفت داشته باشد حقیقت ایمان بر ایشان کامل بود و درهای بهشت
بر ایشان گشوده شود وضو را بر آب تمام رساند و نماز را در وقت با حقوق خود گذارد و زکوة
مال خود بدهد و غضب خود را حفظ کند و زبان نگاه دارد و از گناهان استغفار کند و خیر
خواهی اهل بیت علیهم السلام کند یا علی مجالست سه طایفه دل را بمیراند اغنیا و اراذل و زنان
یا علی سه چیز از حقیقت ایمانست صدقه در وقت پریشانی و انصاف بحق و بذل علم بمتعلم
یا علی سه چیز است که هر کس نداشته باشد علمش تمام نبود دینی که از معاصی نگاهش دارد و خلقی
که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جهلا را بگرداند یا علی ده ساله راه برو برای بر والدین
و یکساله برای صله رحم و یک میل بعیادت مریض و دو میل تشییع جنازه و سه میل
باجابت دعوت و چهار میل بزیارت مؤمن و پنج میل بمدد درمانده و شش میل باعانت مظلوم
و در استغفار تقصیر مکن یا علی چون کسی بمیرد گویند چه گذاشت و ملائکه گویند چه آورد یا علی

بجز سورت قضا و لست شنیدن غنا و سجده کردن بلهو و بدر خانه سلاطین رفتن یا علی
هر کس خلقش نیکو رو عملش زیاده تر و رزقش با فراخ باشد و انصافش بیشتر از همه کس بیشتر
و هم آنحضرت صلعم بابی ذر رحمه الله فرمودند یا اباذر وصیت مرا محافظت نمای تا در دنیا و
آخرت نجات یابی خدا را عبادت چنان کن که گویا او را می بینی که اگر تو او را نه بینی او ترا
بیند یا اباذر اهل بیت من مثل کشتی نوح اند هر کس پناه با ایشان برد نجات یابد و هر کس از
ایشان باز ماند هلاک شود یا اباذر پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی پیش از
پیری و صحت پیش از بیماری و غنا پیش از فقر و فرصت پیش از بیفرصتی و زندگی پیش از مرگ
یا اباذر چون کار خیری بخاطرت رسد تاخیر مکن که نمیدانی بعد ازین چه میشود اگر بعد ازین
بمانی کار دیگر توان کرد و گرنه ازین کار محروم نباشی بسا کسی که روز را بشب رسانند و بفردا او نرسد
یا اباذر خود را در دنیا غریب شمار باش مسافر انگار و از جمله مردگان پندار چون صبح کنی
خبری در فکر شام مباش و چون بشام رسی خیال صباح مدار یا اباذر عمر را غنیمت شمار
و در عمر بخیلتر از درم و دینار باش یا اباذر حقوق خدا بیش از آنست که توان داشت و
نعمتهای او بیش از آنست که توان شمرد و غیر این چاره نیست که صبح و شام در استغفار
و توبه باشی یا اباذر مومن از خطیئه گریزان تر باشد که صید از دام یا اباذر آدمی گناه کند
و باین سبب از روزی خود محروم شود یا اباذر کاری که نفعی ندارد مکن و حرفی که فایده
ندارد مگوی و زبان را بیش از زر حفظ کن که مال را میکنی یا اباذر جمعی در بهشت نگاه کنند
و جمیرا در جای بالاتر از خود بینند گویند خدایا ما و ایشان در دنیا با هم میبودیم چرا
ایشان را بر ما تفضیل فرمودی فرماید هیهات ایشان گرسنه و تشنه میبودند و شما سیر و

سیراب میبودید ایشان عبادت میکردند و شما میخوابیدید ایشان مشقت میکشیدند و شما
راحت میکردید یا اباذر چشم من بنماز روشن است چنانکه چشم گرسنه و تشنه بطعام و آب و تشنه
و گرسنه از طعام سیر شوند و من از نماز سیر نشوم یا اباذر خوشا حال جمعی که روز قیامت علمهای
شاهی او نشسته به بهشت [illegible] سبقت کنند ایشانند که در سحرها و غیر آن بمساجد سبقت کنند
یا اباذر دنیا زندان مومن و بهشت کافرست مومن در دنیا نباشد مگر محزون و چون محزون
نباشد که هرگز از بلا فارغ نیست و چون از دنیا برود براحت رسد یا اباذر هیچ عبادتی
مثل آن نیست که همیشه محزون باشی اگر توانی گریه کن و گرنه دل را غمگین دار و خود را بگریه ازار
که دل سخت از خدا دورست یا اباذر هر کس حسنه کند و تکیه بر آن کرده از معصیت ایمن
شود مستوجب غضب خدا شود یا اباذر دانا کسی است که خود را بمشقت دارد و کار آخرت
کند و نادان کسی که پیرو هوای نفس باشد و خود را با آرزو ها فریب دهد یا اباذر دنیا و
هر چه در دنیاست ملعونست مگر آنچه برای خدا باشد یا اباذر خدا تعالی با هر کس اراده
خیر دارد او را در دین دانا و در دنیا زاهد و بعیوب نفس خود بینا کند یا اباذر چون
کسی را بینی که ترک دنیا کرده سخن او بشنو که دلش از حکمت پرست یا اباذر من دعا کردم
که خدا رزق من و دوستان مرا بقدر کفاف کند و اعدای مرا مال بسیار دهد یا اباذر از
هر چه میکنی حتی خوردن و خوابیدن نیت رضای خدا کن تا از آن ثواب یابی یا اباذر
بهشت میخواهی آرزوی دنیا از دل بیرون کن و همیشه منتظر مرگ باش و از خدا حیا کن
گفتند ما همه حیا میکنیم فرمود حیا این نیست که مقابر و مرگ را فراموش نکنی و در خوردن
و پوشیدن از حلال و حرام بی پروا نباشی هر کس کرامت آخرت خواهد ترک زینت دنیا کند

[illegible]

چون چنین باشی از اهل دوستی خدا باشی یا اباذر اگر یکی از زنان بهشت در شبی تاریک
بر زمین آید از نور طلعت او تمام روی زمین روشنتر از ماه شود در شب بدر و تمام
اهل زمین بوی عطر او بشنوند و اگر جامه از جامهای بهشت را در دنیا بگشایند هیچ کس
تاب دیدنش ندارد و همه بیهوش شوند یا اباذر جوانی که برای خدا ترک لذات و شهوت
دنیا کند و جوانی را بطاعت به پیری رساند اجر هفتاد و دو صدیق داشته باشد یا اباذر
کسی که چون آواز اذان بشنود اجابت کند و مساجد را خوب عمارت کند ثوابش
بهشت باشد گفت عمارت مسجد کدامست فرمود آنکه در مسجد آواز بلند نکنی و مشغول
لهو و باطل نشوی و اگر نه چنین کنی روز قیامت حسرت و ندامت کشی یا اباذر تا در مسجد و بیع و شری
باشی ملائکه بر تو صلوة فرستند و هر نفسی که کشی درجه بلند کنند و ده حسنه نویسند و ده
سیئه محو کنند یا اباذر کسی متقی نباشد تا در اکل و شرب و لباس تمیز حلال و حرام نکند
و تا محاسبه نفس خود نکند مثل کسی که با کمال دقت محاسبه شریک و تحویلدار کند
یا اباذر خدا تعالی فرموده بعزت و جلال خودم که هیچ بنده رضای مرا بر رضای خود
اختیار نکند مگر آنکه نفسش را غنی گردانم و غصه و فکرش را صرف آخرت گردانم و ضامن روزی
او آسمان و زمین را ضامن رزقش گردانم و من برای او بجای تجارت هر تاجر باشم یا اباذر
اگر آدمی از رزق خود بگریزد چنانکه از مرگ بگریزد رزقش باو رسد چنانکه مرگ باو
میرسد یا اباذر خدا تعالی نظر بمال و جمال نکند بلکه نظر بدل و اعمال کند یا اباذر کسی که
فرج و زبان خود را حفظ کند داخل بهشت شود گفت مگر ما را بحرفی که گوییم مؤاخذه
کنند فرمود مگر مردم را سرازیر بدوزخ اندازد مگر حاصل زبان یا اباذر کسی که خواهد

که مردم

که مردم در پیش او بسر پا ایستند جای خود را در آتش مهیا داند یا اباذر کسی که بقدر ذره
کبر در دلش باشد بوی بهشت نشنود مگر توبه کند یا اباذر کسی که قادر باشد اما برای تواضع خدا
ترک زینت دنیا کند و خود را در پیش خدا ذلیل و حقیر گرداند و مال خود را در غیر معصیت صرف
کند و بر فقرا و مساکین ترحم نماید و با اهل علم و دانش مخالطت کند بهترین امت من باشد خوشا
کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد و شر خود را از مردم باز دارد و بعلم خود عمل کند و هر چیز زیاده
از مؤنت عیال باشد در طاعت خدا صرف کند و حرف بیفایده نگوید و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه مرویست که فرمود عجب از کسی که امید رحمت از بالاتر از خود دارد و چون
بپایین تر از خود رحم نکند و عجب از کسی که از ترس مرض از طعام پرهیز کند چون از ترس
عقاب از گناه پرهیز نکند و حضرت امام جعفر ع بشیعیان فرمود ای معاشر شیعه زینت
ما باشید و ننگ ما مباشید با مردم خوب سلوک کنید و زبان خود نگاه دارید و از فضول
کلام و قبایح افعال احتراز نمایید و هم آنحضرت ع بعبدالله بن جندب که از اصحاب آنحضرت
بود فرمود یا عبدالله ابلیس دامهای خود را برای اولیا در این دار غرور گسترده و حال
آنکه آخرت در نظر ایشان چنان جلوه کرده که هیچ چیز را بر آن اختیار نکنند بعد از آن
فرمود آه آه از دلهایی که از نور الهی لبریز شده و دنیا در نظرشان مثل مار ارقم یا
عدوی اعجم آمده بخدا انس گرفته و از اهل دنیا وحشت کرده ایشان اولیای منند بحق
خدا با ایشان دفع هر آفت و بلا از اهل دنیا نماید یا ابن جندب بر هر کس که ما را شناخته
واجبست که هر روز و هر شب محاسبه نفس خود کند اگر حسنه کرده باشد خدا را شکر کند
و طلب زیادتی نماید و اگر سیئه کرده استغفار کند و در صدد تلافی باشد تا روز قیامت

ذلیل نباشد خوشا بنده که چشم برغبت اهل دنیا نکشد و نظر برایشان نداشته رشک
نبرد و خوشا بنده که مشغول طلب آخرت باشد و بآرزوهای باطل دنیا از راه نرود
یا ابن جندب اگر شیعیان راه راست آیند و اطاعت ما کنند ملائکه با ایشان مصافحه
کنند و هیچ از خدا طلب نکنند مگر که عطا فرماید یا ابن جندب برای گناهکاران شیعه ما
بگوئید و بخدا برای توفیق توبه ایشان تضرع و استغاثه کنید که هر کس تولا با ما کند و از
اعدای ما تبرا نماید و اگر چیزی داند بگوید و آنچه نداند یا بر و مشکل باشد ساکت شود و از
اهل جنت باشد یا ابن جندب تکیه بر عمل مکنید که هلاک شوید و ... رحمت ننموده
جرأت بر گناه مکنید که نجات نیابید گفتم پس که نجات یابد فرمود کسی که دلش در
میان خوف و رجا مضطرب باشد رجای ثواب و خوف عقاب یا ابن جندب هر
کس خواهد که خدا تعالی با حور زنان تزویجش کند و تاج نور بر سرش نهد داخل سرور مؤمنان
نماید یا ابن جندب شب خواب کم کن و روز حرف کم گوی هیچ عضو شکرش کمتر از چشم
و زبان نیست مادر سلیمان بن داود بسلیمان گفت ای فرزند خواب کم کن که هر کس
خواب بسیار کند محتاج شود در روزی که هر کس محتاج بعمل خود باشد یا ابن جندب
شیطان را دامهاست که مردم را بآن فریب دهد و گمراه کند از آنها پرهیز کنید
و خود را از دام او رهائید گفت یا ابن رسول خدا آن کدام است فرمود یکی آنکه منع بر و
احسان بمؤمنین کند دیگر آنکه از صلوات و فرایض غافل کرداند هیچ عبادتی مثل
نقل اقدام باحسان و برادران و زیارت ایشان نیست وای بر جمعی که نمازها را
فراموش کنند و در شان آن مساهله نمایند تا از اوقات خود بگذرد و صد و

و ارکانش ضایع شود دیگر با آیات و احکام خدا استهزا بکنند و بمواعظ و نصایح او
پروا ندارند ایشانند که خدا تعالی در قرآن فرموده که در آخرت ایشان را نصیبی نباشد
و با ایشان سخن نگوییم و از سیئات پاک نگردانیم و بعذاب الیم معذب گردانیم یا ابن
جندب هر کس با مؤمنی غش ورزد و تحقیرش کند و با او عداوت نماید ما و ایشان جهنم باشد
و هر کس بمؤمن حسد برد ایمان در دلش چون نمک در آب بگدازد یا ابن جندب
هر کس برای حاجت مؤمن سعی کند چنانست که سعی در میان صفا و مروه کرده باشد
و هر کس قضای حاجت مؤمن کند چنانست که در بدر و احد در خون خود غلطیده باشد
خدا تعالی هیچ امتی را عذاب نکرده مگر وقتی که بحقوق فقرا استهانت کرده اند
یا ابن جندب بشیعیان ما برسان و بگوی که خیالهای باطل نکنید والله که بولایت ما
[..] دست رس نباشد مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مؤمنان و شیعه ما نیست
[..] که بر مردم ظلم کند یا ابن جندب شیعه ما را بچند صفت توان شناخت سخاوت
[..] با اخوان و فرایض و نوافل شبانه روز شیعیان ما مثل سگ زاری نکنند و مثل
کلاغ طامع نباشند با اعدای ما تملق و از ایشان سوال نکنند اگر چه از گرسنگی بمیرند
و بجا فقط وقت سوال کنند و هرگز مسکر نیاشامند گفت ایشان را کجا جویم فرمود
در گوشها و کنارها و چون داخل شهری شوی بپرس و نشان از مردم کناره کرده را
... و گر ... یابی او مؤمن باشد یا ابن جندب هر گناه آمرزیده شود مگر عقوق اهل
ولایت ... معقول شود دیگر آنکه بسبیل ریاست ... مراوده کنند یا ابن جندب اگر
خواهی ... همسایه ابراهیم خلیل باشی باید که مصیبات دنیا را بر خود آسان

۲۴۷

کنی و سینه برکت او در نظر آری و آنقدر بر دنیا بی اعتماد باشی که برای فردا ذخیره نکنی و بدانکه
از مال دنیا هر چه فرستی مال تو باشد و هر چه بگذاری بر ان حسرت بری باین جندب
هر کس خود را از مال خود محروم کند برای دیگران جمع کرده باشد و هر کس پیروی هوا کند
اطاعت دشمن خود کرده باشد و هر کس اعتماد بر خدا کند دنیا و آخرتش با سامان باشد در
نعمت شکور و در مشقت صبور باش نعمت را موجب غفلت و بلیه موجب جزع مشو
آنقدر امید برحمت دار که بسبب اعتماد بر ان معصیت نکنی و آنقدر نیز خوف از عقاب دار
که از رحمت نومید نشوی درشت و ناخوش مباش که مردم از تو دوری کنند و حقیر و ذلیل
مباش که ذلیل و خفیف شوی و با پیش از خود بدی و خدمت و با کم از خود تکبر نیز
مکن و با مردم در کارها تامل کن و خیر و شر آن اندیشه نما تا در ان درمانی و پشیمان نشوی
طبیب نفس خود باش و خیر و شر خود را بشناس و اگر بکسی احسان کنی بکثرت ذکر و منت باطل
مکردان بلکه بهتر از آن با آن ضم کن و خوشی پیشه کن که اگر عالی بنیت باشد و اگر جاهل
پر در عیبت بود یابن جندب عیسی بن مریم با صحابه خود گفت اگر شما یکی را بینید که
جامه از بعضی عورتش گشوده آیا همه را بگشائید یا گشوده را بپوشید و فرمود گفتند
با پوشیم فرمودند بلکه همه را بگشائید عیوب یکدیگر می بینید و ...
شهوات نکنید آنچه میخواهید نیابید و تا صبر بر مکاره ننمائید بآنچه میخواهید نرسید
چشم از مردم و زینت ایشان بپوشید که حاصل آن حسرت ...
... از نظر عیوب مردم نکنید بلکه مثل بندگان مشغول عیوب خود باشید و ...
... مبتلا رحم کنید و بر عافیت شکر نمائید یابن جندب چنان نصیحت ...

ترا مدح کنند که اگر چنین کنی با جود خودنمیسند تا بلکه آنها دوست است و ... باید دست ...
خیر ندید یابن جندب خیر و شر همه در پیش است تمام خیر در بهشت است تمام شر در دوزخ که هر دو ...
یابن جندب خدا تعالی در بعضی وحیها فرموده که نماز کسی را قبول کنم که در پیش عظمت من تواضع
خود را از برای من از شهوات باز دارد و روز خود را بیاد من بگذراند و بر خلق من تکبر نکند و
گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت رسیده رحم کند و غریب را بنوازد و کسی که چنین
نورش مثل آفتاب تابان باشد در ظلمت نورش میدهد و جهالت عقلش عطا کنم و بلا نگاهش
بسپارم و بعزت خود محافظتش کنم چون مرا طلبد لبیک گویم و چون سوال کند عطا نمایم و چنین
در پیش من مرتبه اش در دو و میوه اش از آفت مصون و از تغیر محفوظ است یابن جندب
روز قیامت میان اولیا و اعدای ما دیواری نصب کنند محفوف بجرس و زبرجد و مزین بدیبا
سندس چون از طول موقف و حرارت قیامت مغز دماغها بجوش آید و جگرها گداخته شود
اولیا را داخل این حصار کنند و در ظل او امان یابند و هر چه آرزو کنند برایشان مهیا باشد و
اعدا بعقوبت عظیم و عذاب الیم گرفتار باشند و از روی حسرت گویند کجایند آنان که ما
ایشان را گمراه میدانستیم و اولیا بر ایشان نگرند و بر حالشان خنده کنند پس هر کس یکی
از اولیای ما را بکلمه اعانت کند و را از دوزخ بجانب بهشت برد

تمت الکتاب ... فی عشر الاول
من شهر جمادی الاخر سنه ... الحمد لله
اولا و آخرا ...

... علم کتاب ...